



BP۱۴۸۲

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۵)

رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: زینب بهجت پور- سمیه کامرانی

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸ + تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ ۲۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۲۵

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح های پژوهشی»
 معاونت پژوهش حوزه های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۵)

رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: زینب بهجت پور- سمیه کامرانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد.

«جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.

فهرست

- مقدمه ریاست کنگره ۱۱
- مقدمه مدیر علمی ۱۳
- مقدمه معاون علمی ۲۷
- مقدمه مدیر کمیته بانوان ۳۱

فصل اول: زن، خانواده و سبک زندگی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

۱. هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث ۳۹
- مجتبی دولتی (نویسنده مسئول) ۳۹
- مرضیه شمسی گوشکی ۳۹
- حسن دولتی ۳۹
۲. چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مادران در مسیر رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام ۶۳
- طاهره درمیدی (نویسنده مسئول) ۶۳
- زینب خسروی نیا ۶۳
۳. نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت در گام دوم انقلاب اسلامی ۹۱
- زینب طیبی (نویسنده مسئول) ۹۱
- فاطمه رستمی کیا ۹۱

۴. نقش زنان در گام دوم انقلاب؛ با تأکید بر الگوی سوم (زن نه شرقی و نه غربی) _____ ۱۱۱
زهرا حداد زاده بهابادی (نویسنده مسئول) _____ ۱۱۱
معصومه شریفی _____ ۱۱۱
محسن رفیعی _____ ۱۱۱
۵. نقش والدین در آموزش مدیریت مصرف فرزندان با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام _____ ۱۴۳
طاهره ماهروزاده _____ ۱۴۳
معصومه موسوی فیروز آبادی (نویسنده مسئول) _____ ۱۴۳
مصطفی تقی لو _____ ۱۴۳
۶. واکاوی نقش زنان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی _____ ۱۶۷
سید حسین شفیعی (نویسنده مسئول) _____ ۱۶۷
فاطمه اسبقی _____ ۱۶۷
نسیم کاظمی _____ ۱۶۷
۷. نقش سلامت فردی و اجتماعی زنان در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه با تأکید بر آیات و روایات در دوران دومین گام انقلاب اسلامی ایران _____ ۱۹۹
زهره دانشجو _____ ۱۹۹
۸. مسئولیت‌ها و حقوق زن در خانواده از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی _____ ۲۲۹
زینب خسروی نیا (نویسنده مسئول) _____ ۲۲۹
نجمه نظری رباطی _____ ۲۲۹
۹. راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در نسل جوان، توسط خانواده _____ ۲۵۷
نسترن بهرمان (نویسنده مسئول) _____ ۲۵۷
مینا اشرفی _____ ۲۵۷
۱۰. نقش مادران در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب با تربیت دینی فرزند _____ ۲۹۱
زینب طیبی (نویسنده مسئول) _____ ۲۹۱
سیده زینب توسلی _____ ۲۹۱

فصل دوم: دشمن شناسی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

۱. راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری علیه السلام ۳۱۱
عزیزه لطفی دیزج یکان (نویسنده مسئول) ۳۱۱
حلیمه ایمانی ۳۱۱
۲. راهکارهای مقابله جهادی و هوشمندانه با ترویج زندگی غربی در ایران از نگاه قرآن و حدیث ۳۲۹
زینب عباسی (نویسنده مسئول) ۳۲۹
الهه نویخت ۳۲۹
۳. مرزبندی با دشمنان؛ علل و پیامدها ۳۷۱
زینب بهجت پور (نویسنده مسئول) ۳۷۱
ناهید سادات سیدرضائی ۳۷۱
۴. بررسی شبهه دونالدسن مبنی بر عدم تمایل امام سجاد علیه السلام به مبارزه و فعالیت سیاسی با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری علیه السلام ۳۹۹
علی قانعی ۳۹۹
منیره هادی به (نویسنده مسئول) ۳۹۹

فصل سوم: عوامل پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

۱. عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان با محوریت آیه ۵۵: نور و ترابط آن با بیانیه گام دوم انقلاب ۴۳۱
زهره زکی ۴۳۱
۲. آثار مواسات و برادری در رشد اقتصادی جامعه اسلامی ۴۶۱
سمیه نظری شوشود ۴۶۱
۳. ابعاد نقش آفرینی حوزه های علمیه خواهران در گام دوم انقلاب ۴۷۷
اکرم صالحی ۴۷۷
۴. تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه های تمدن ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام ۵۱۱
خدیدجه حسین زاده باردئی (نویسنده مسئول) ۵۱۱
سید احمد موسوی باردئی ۵۱۱
طاهره ماهرو زاده ۵۱۱

۵. نقش دعا در رشد جامعه با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی _____ ۵۳۷
- هاجر خادم زاده یگانه _____ ۵۳۷
- سعیده نیکخو (نویسنده مسئول) _____ ۵۳۷
۶. نقش اقتصادی خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی _____ ۵۶۹
- منیره حقیقت بیان (نویسنده مسئول) _____ ۵۶۹
- اسماعیل چراغی کوتیانی _____ ۵۶۹

مقدمه ریاست کنگره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مدیر علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عَلَيْهِمُ السَّلَام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

گزارش اجمالی کنگره

۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلا نیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

۳. شورای سیاست‌گذاری کنگره

حضرت آیت‌الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی‌العالمیه و ریاست حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر معظم رهبری در قم
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت‌الاسلام والمسلمین مسلم احمدلومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

۴. شورای علمی کنگره

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بهجت پور ریاست حوزه‌های علمیه خاوران	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرانات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)
 معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی
 معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی
--	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیززی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

اعضای کمیته:

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

هشتم: کمیته تخصصی بانوان

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

نهم: کمیته بین الملل

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

اعضای کمیته:

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشريف</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشريف</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>علیه السلام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>علیها السلام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>علیه السلام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

سخن پایانی

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه معاون علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرایط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

اعضای کمیته تخصصی بانوان کنگره

مدیر کمیته: سرکار خانم دکتر زینب بهجت پور

دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب بهجت پور، دبیر علمی گروه قرآن، مرکز مدیریت حوزه‌های
علمیه خواهران

سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی، دانش آموخته رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی، رئیس اداره مطالعات سیاسی، مرکز مدیریت حوزه‌های
علمیه خواهران

سرکار خانم دکتر معصومه شریفی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان
سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی، پژوهشگر انقلاب اسلامی
سرکار خانم دکتر زینب طیبی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان
سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی، رئیس اداره پژوهش‌های طلاب سطح (۳ و ۴)، مرکز
مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

سرکار خانم دکتر طاهره ماهروزاده، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ العالمیه

مقدمه مدیر کمیته بانوان

آثار انقلاب عظیم اسلامی ایران و روشنای آن تا دورترین نقاط عالم را در بر گرفت. در پرتو این نور «زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را درهم بشکنند.» نظام مقدس جمهوری اسلامی، طلیعه عصری نو از عدالت و پیشرفت در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی در کشور از جمله حوزه زن و خانواده بوده است و مسیر روبه‌رشد و تعالی را در همه ابعاد پیش روی جامعه گذاشته است. انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی وابسته به پیشقدمی و تحول زنان است. اکنون که به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، در دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی هستیم، توجه جامعه بزرگ زنان ایران اسلامی در خصوص نقش آفرینی هایشان در تحقق

اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مهم است. در گام دوم انقلاب اسلامی زنان باید به نقش پیش برنده و تمدن ساز خویش بیش از پیش واقف شوند و الگوی زن مسلمان و ایرانی در جامعه بیش از پیش مطرح و مصادیق آنان تبلیغ و ترویج گردند. با هوشیاری زنان اندیشمند مسلمان و بانوان دلسوز، متدین، متعهد و عقیف ایرانی، پیروزی‌های هر چه بیشتر زنان در عرصه تحکیم خانواده، فعالیت‌های علمی، اخلاقی، فرهنگی، معنوی، سلامت، سیاسی، اجتماعی و سایر عرصه‌های پیشبرنده انسانی مشاهده خواهد شد. در گام دوم انقلاب و افق ترسیم شده، زنان جایگاه بسیار ویژه‌ای دارند. بانوان ایرانی رسالت‌شان را در پاسداشت آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی انجام داده‌اند و از این بابت باید خدای را شاکر بود. تاریخ انقلاب مشحون از نمونه‌های بارز از حضور زنان نخبه و حماسه ساز در همه عرصه‌های جهاد و پیشرفت، است. اکنون بانوان ما در دوره‌ای بی نظیر از تبلور گام دیگری از تحقق تمدن نوین اسلامی هستند.

بر این، کمیته بانوان «کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث» با هدف تبیین جایگاه بانوان در محورهای بیانیه گام دوم انقلاب با حضور بانوان فرهیخته سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی، خانم دکتر راضیه زارعی، دکتر معصومه شریفی، دکتر عاطفه صادقی، دکتر زینب طیبی، دکتر سمیه کامرانی و دکتر طاهره ماهرو زاده شکل گرفت تا افزون بر شفاف‌سازی اهداف و سیاست‌گذاری‌ها در خصوص پژوهش‌های مرتبط با بانوان و بیانیه گام دوم، به تحلیل و ارزیابی مقالات علمی در این زمینه بپردازد. با همکاری اعضای محترم با برگزاری جلسات علمی و همفکری بیش از ۱۰۰ موضوع پژوهشی در حوزه بانوان و بیانیه گام دوم انقلاب طراحی و در اختیار پژوهشگران قرار گرفت.

با اهتمام و موج آفرینی اعضای محترم کمیته بانوان در نهایت ۱۱ کرسی علمی، ۶۶ پیش نشست، ۱۹ کارگاه روشی - شامل ۴۳ جلسه - مهارتی به ثمر نشست که در پی آن بیش از ۶۵۰ مقاله علمی از سوی بانوان فرهیخته به دبیرخانه کنگره واصل شد. همچنین از ۷۵ ارزیاب علمی نیز که در این مسیر همراه این کنگره شدند و در این جا فرصت ذکر نام ایشان نیست، قدردانی می‌شود.

در مجموعه پیش رو طی سه فصل «خانواده و سبک زندگی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، «دشمن شناسی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» و «عوامل پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون با تأکید بر بیانیه گام دوم» ۲۱ مقاله ارزشمند آمده است.

در این جا لازم می‌داند از سرکار خانم متولیان معاون پژوهش حوزه‌های علمیه خواهران به صورت ویژه که در آغاز این حرکت پیش‌قدم شدند و نهادهای همکار با کمیته بانوان شامل مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران و مدیریت‌های استانی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور، جامعه الزهراء، دانشگاه فرهنگیان استان قم، بنت الهدی (وابسته به جامعه المصطفی)، دانشگاه قم، هرمزگان، الزهراء علیها السلام، امام صادق علیه السلام و... همه مجموعه ارزشمند و دلسوز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران کمال امتنان و سپاسگزاری را به عمل آورد.

همچنین شایسته است از تلاش‌های خالصانه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمحمود جهانگیری مدیر سابق حوزه‌های علمیه خواهران استان هرمزگان که به تازگی و به دلیل بیماری کرونا از میان ما رفتند و همچنین سرکار خانم خدیجه حسین زاده نماینده فرهیخته جامعه الزهراء، و سرکار خانم دکتر کامرانی به صورت ویژه تقدیر نمایم.

در نهایت از حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضائی اصفهانی ریاست کنگره و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر امینی تهرانی دبیر علمی کنگره و سایر همکاران ایشان که با پرداختن به موضوعات روز و کلیدی جهت پیشبرد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران زمینه تولید ادبیات علمی و ضروری را فراهم آوردند، کمال تشکر و قدردانی دارم.

زینب بهجت‌پور

مدیر کمیته تخصصی بانوان کنگره گام دوم انقلاب

۱۴۰۰/۸/۲۲

سازمان‌ها و نهادهای همکار با کمیته بانوان کنگره بین‌المللی

گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث

- مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور
- مدیریت‌های استانی حوزه‌های علمیه خواهران
- مراکز تخصصی و مؤسسات آموزش عالی حوزوی سطوح ۳ و ۴ حوزه‌های علمیه خواهران
- مدارس علمیه سطح ۲ حوزه‌های علمیه خواهران
- جامعه الزهراء علیها السلام و پژوهشگاه مطالعات اسلامی
جامعه المصطفی
- مدرسه علمیه بنت الهدی
- دانشگاه فرهنگیان
- بسیج اساتید دانشگاه فرهنگیان
- دانشگاه الزهراء علیها السلام
- پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء علیها السلام
- دانشگاه امام صادق علیه السلام
- دانشگاه هرمزگان
- دانشگاه قم (معاونت پژوهش و فرهنگی) و دانشگاه الهیات و معارف قم

- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری علیه السلام در دانشگاه
- مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام تهران
- مؤسسه فتوح اندیشه
- مؤسسه کلامی احیاء
- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم بندرعباس
- دانشگاه حضرت معصومه قم و کانون قرآن و عترت
- سازمان بسیج طلاب و روحانیون هرمزگان
- ائمه جماعت استان‌ها
- دانشگاه آزاد بندرعباس
- دانشگاه آزاد دزفول
- دانشگاه مجازی جامعة المصطفی

فصل اول

زن، خانواده و سبک زندگی با تأکید بر بیانیه گام
دوم انقلاب

هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث

مجتبی دولتی^۱ (نویسنده مسئول)

مرضیه شمسی گوشکی^۲

حسن دولتی^۳

چکیده

امروزه در جوامع مختلف حضور سیاسی و اجتماعی زن یک اصل پذیرفته شده است. از نگاه اسلام زن حقیقت بسیار ارزشمندی است که به سبب ساختار وجودی ویژه در فرایند تعلیم و تربیت و اجتماع و سیاست نقش مؤثری ایفا می‌کند. قرآن کریم در آیات متعدد حضور، مشارکت و نقش سیاسی و اجتماعی را برای زنان قائل است و سبک زندگی خاصی را برای این حضور مطرح می‌کند. در بیانیه گام دوم انقلاب نیز سبک زندگی اسلامی مورد تأکید قرار

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب،

mdmd3807@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی - فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس

فارابی. dmd3807@chmail.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد عمران، گروه عمران، دانشگاه علوم و تحقیقات سیرجان.

mdmd3807@chmail.ir

گرفته است. اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین و قرآن به عنوان کاملترین کتاب و روایات صادره از اهل بیت علیهم السلام، به هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان، به صورت مبسوط پرداخته اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین هنجارهای سبک زندگی زن تراز تمدن نوین اسلامی می پردازد. رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط با نامحرمان، هماهنگی نقش اجتماعی با سایر مسئولیت ها و... را از جمله هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث می باشند.

کلید واژگان: تمدن نوین اسلامی، قرآن کریم، زن در اسلام، سبک زندگی

۱. مقدمه

سبک زندگی را فرهنگ آکسفورد، «راه‌های گوناگون زندگی فرد یا گروه» می‌داند. فرهنگ لانگ من، آن را «راه یا سبکی برای زیستن» می‌خواند. از نظر آسا برگرسبک زندگی مد یا حالت زندگی فرد می‌باشد. سوئل «سبک زندگی را هر شیوه متمایز، اما قابل تشخیص زیستن» تعریف کرده است. با در نظر داشتن این تعاریف، ما با واژه فراگیری روبه‌رو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، سرگرمی و تفریح، کار و شغل، تاهنر و غیره، همگی را شامل می‌شود. (نوبدینیا، ۱۳۹۳، سال ۱۱، شماره ۴۱). سبک زندگی در شکل نوین اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. محققان تعاریف گوناگونی بر اساس بینش و نگرش خاص خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید دارند و روانشناسان بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند، ولی آنچه مهم است این‌که این تعاریف تک‌بعدی هستند و فقط به یک بُعد از ابعاد زندگی انسان‌ها توجه داشته‌اند، ولی از آنجاکه آیین اسلام، آیینی جامع و کامل است و انسان‌ها را کامل‌تر و جامع‌تر مورد ارزیابی قرار می‌دهد و زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حتی رفتارهایی همانند نماز، اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود، چنان‌که بسیاری از رفتارهای مرتاضان و درویشان اسلامی نیست (کاویانی، ۱۳۹۱، ۱۹). بر این، می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به‌کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چراکه زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بر دارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۱ - ۱۰۰). سبک زندگی (به انگلیسی: Life Style)، می‌تواند به علایق، نظرات،

رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند (www.en.wikipedia.org).

سبک زندگی از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله) یعنی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن که آشنایی با آن از دو جهت معنوی (برای رسیدن به هدف اصلی انسان یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی) برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر این که شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین می‌باشد و ایمان لنگرگاه اصلی انتخاب سبک زندگی خواهد شد. مصادیق متفاوتی نیز از طرف ایشان برای سبک زندگی شمرده شده که تقریباً همه جنبه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد از نحوه رفتار با همسر و فرزندان در خانواده گرفته تا مسئله نوع مسکن، نوع لباس، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات و مسئله خط، زبان، کسب و کار، و نوع رفتار با دوست و دشمن که بخش‌های اصلی تمدن بوده و متن زندگی انسان است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۲/۱۳، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir>، ۳۲۹۷).

امروزه در جوامع مختلف حضور سیاسی و اجتماعی زنان یک اصل پذیرفته شده است. مکاتب و ایدئولوژی‌های موجود برای زنان، جایگاه و شئون مختلفی را تعریف نموده‌اند. از نگاه اسلام، انسان موجودی است که برای اجتماعی زیستن ساخته شده و تکامل معنوی و مادی او نیز در همین است که زندگی جمعی داشته باشد. لذا دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، اجتماعی بودن انسان را نفی نکرده است، بلکه برعکس بر زندگی اجتماعی تأکید فراوان دارد. از نگاه اسلام زن حقیقت بسیار ارزشمندی است که به سبب ساختار وجودی ویژه در فرایند تعلیم و تربیت و اجتماع نقش مؤثری ایفا می‌کند، که از همین رو صیانت از شخصیت وی و مصون نگه داشتن آن از آسیب‌های گوناگون وظیفه‌ای است که دین مقدس اسلام تأکید فراوانی بر آن کرده است. قرآن کریم از سرچشمه وحی صادر شده است و کلام خداوند متعال می‌باشد، بنابراین بدیهی که خالق انسان از ویژگی‌های آن بهتر از هر کسی آگاه باشد و بهترین نسخه را برای مخلوقات خود پیچیده

باشد. قرآن کریم در آیات متعدد حضور، مشارکت و نقش سیاسی و اجتماعی را برای زنان می‌پذیرد و برای این حضور آن‌ها ضوابط و اصولی را مشخص می‌کنند. در بیان سوابق موضوع اشاره به این نکته ضروری است که، پیرامون این موضوع کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به این موضوع پرداخته باشد؛ همچنین پژوهش‌های انجام در این زمینه به این موضوع به صورت مستقل و مبسوط نپرداخته است. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا برای این حضور آن‌ها ضوابط و اصولی را مشخص می‌کند؟ پرداختن به موضوع بایدها و نبایدهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و حدیث بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذار است. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین و قرآن کریم به عنوان کاملترین کتاب و روایات صادره از اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان راهنما و مفسرین قرآن و در یک کلام به عنوان قرآن ناطق، به بایدها و نبایدهای زندگی سیاسی و اجتماعی زنان قائل بوده و به صورت مبسوط به آن پرداخته‌اند. لذا در این پژوهش، بایدها و نبایدهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و حدیث را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

۲. هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و

حدیث

۱. رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار

یکی از هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار است. از منظر قرآن کریم حریم عفاف این است که یک بانوی مسلمان برای حضور سیاسی و اجتماعی خود باید لباس شرم و حیا را از خود دور نکرده و همواره در تمام اعمال و حرکات، سخنان، نگاه‌ها و پوشش‌های او بر اساس معروف و شیوه عفیفاً باشد و روابط ضروری او با مرد نامحرم با کمال احتیاط صورت گیرد. خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ

زَيِّنْتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زَيِّنْتَهُنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید» (نور، ۳۱). از وظایف دیگر بانوان لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم است قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ «ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن‌که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید» (احزاب، ۳۲). این آیه به نحوه سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه و کج کردن زبان اشاره دارد. بنابراین سخن گفتن زنان تراز تمدن نوین اسلامی باید شایسته و مورد رضایت خداوند متعال و پسند عقل سلیم باشد. باید کیفیت صحبت و محتوی سخن عیفانه باشد. عادی و معمولی صحبت کند و از هرگونه سخنان غیرضروری و بیهوده، باطل و مخالف شرع و شهوت انگیز و گناه آلوده اجتناب کند. از آیه شریفه استنباط می‌شود که هرگونه ارتباط کلامی که باعث طمع و تحریک و وسوسه جنس مخالف شود ممنوع می‌باشد و زنان موظفند که آداب گفتاری را رعایت کنند (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۰).

۲. کنترل نگاه و غضب بصر

از منظر قرآن کریم حفظ و کنترل دیده و نگاه بسیار ضروری است. در اسلام در روابط زن و مرد افراط و تفریط جایز نیست و حد صحیح دیدن در محدوده شرع است. ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُجُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای که بر زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید) (نور، ۳۱). غضب بصر و چشم پوشی معنی خاصی دارد که سزاوار توجه است. «غضب بصر غیر از فروبستن به معنی نادیده گرفتن است» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۵۹۹). علامه طباطبائی چکیده آیه را این‌گونه ترسیم می‌کند: «با خودآرایی و خودنمایی خود را گرفتار جاهلیت دیگری ننمایید و بکوشید در هر دوره‌ای با حفظ شئون عفت اجتماعی را پاس بدارید و فضا را آلوده نسازید» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ۴۴۰-۴۳۷). خداوند متعال با بیان داستان دختران شعیب نبی ﷺ مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در کانون انبیاء را ترسیم نموده به این معنا که زنان همواره به‌طور مستقل در هر منشی که خود انتخاب می‌کنند، می‌توانند حضور یابند. اما آنچه اهمیت دارد هم برای او و هم برای کل جامعه وجود حیا و عفاف در تمام سطح اجتماع است. که اگر این حیا و عفت حفظ شود هیچگاه مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و حضور در

کنار مردان در جامعه خطر آفرین نیست و هرگاه سپر حیا و عفت صدمه ببیند، حتی اگر فرسنگ‌ها هم میان زن و مرد فاصله باشد، جامعه را به مخاطره خواهد افکند. موسی علیه السلام که از شهر و دیار خود به جهت حمایت از مردی بنی اسرائیلی آواره می‌شود، به شهر مدین رسید. موسی به محض ورود به مدین با جماعتی روبه‌رو می‌شود که از چاه آب می‌کشند و کمی دور از آن‌ها دو زن را می‌بیند که گوسفندان خود را حفظ می‌کنند و مانع تداخل با گوسفندان دیگر می‌شوند. موسی که دید در این صحنه، حقوق زنان نادیده گرفته شده و از حیای آن‌ها سوء استفاده می‌شود به یاری آن دو شتافت و از ایشان پرسید: شما در این جا چه می‌خواهید؟ آنان که حجب و حیا و متانت را با فعالیت‌های اجتماعی حتی از نوع اقتصادی‌اش آمیخته‌اند، با جمله‌ای کوتاه علت رفتار خود را چنین بیان می‌دارند: «ما عادتمان این است که تا چوپانان عزیمت نکنند آب نمی‌کشیم» و در ادامه آیات آمده که موسی علیه السلام گوسفندان ایشان را آب داد پس خود را به طرف سایه کشانید و دعا کرد و گفت: «خدایا من به آنچه از خیر که بر من نازل کرده‌ای نیازمندم» در ادامه آمده است: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَفَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾، «پس یکی از آن دو زن درحالی که به حیا و آرام گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفندان] برای ما مزد دهد و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد [وی] گفت مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی» (قصص، ۲۵). چنان‌که اشاره شد، قرآن کریم در خصوص حیای دختران شعیب «استحیاء» را در این آیه به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابتش را از طریق راه رفتنش نشان داده باشد. یعنی او برحیایی غیرقابل توصیف راه می‌رفت و زمانی مشی او بر متانت منطبق است که گفتار و رفتارش هم بر اساس متانت باشد. در مقابل، عفت موسی علیه السلام است که هنگام بازگشت به دختر شعیب علیه السلام فرمود: راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا، چون ما دودمان یعقوب به پشت سر زنان نمی‌نگریم و دختر شعیب علیه السلام به علت عفت شدید موسی علیه السلام او را به امین ملقب کرد (فتاحی زاده،

۱۳۸۷: ص ۲۰۵). بر اساس رهنمود آیه مرد مسلمان ناهنجاری اجتماعی را همان سان که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد و حیثیت ربایی از زن و فرزند خود را تحمل نمی‌کند این همه را درباره زن مسلمان نیز نباید تحمل کند. (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۷).

۳. پرهیز از خود آرایی و خود نمایی

در تبیین سبک زندگی زن تراز اسلام و تمدن اسلامی، قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾، «ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن‌که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند» (احزاب، ۳۲). خداوند متعال خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾، «در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (احزاب، ۳۳). شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌گوید «منظور آیه زندانی کردن زنان پیامبر در خانه نیست. زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیامبر ﷺ زنان خود را با خود به سفری برد و آنان را از بیرون شدن از خانه مانع نمی‌شد. منظور این است که زنان به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشوند». قرآن در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل شوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید» (نور، ۲۷). در حقیقت آنچه مردان را تهییج می‌کند سه چیز است: ۱. زیبایی ۲. زیور ۳. حرکات اغواکننده که در قرآن کریم از آن‌ها به «تبرج» تعبیر شده است که یکی از مفاسد دوران جاهلیت اولی بوده و قرآن مجید از آن نهی کرده است. بیشتر وسیله اغوا و تهییج

همانان حرکات است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۹).

در آیات دیگر نیز آمده است: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ و « وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾، «ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید) و (ودر خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (احزاب، ۳۳ - ۳۲). نهی از نرم گویی که باعث اغوا و طمع مرد می‌شود، حجابی است که مربوط به گوش و زبان است. نهی از تبرج، نهی از نشان دادن زیبایی و زیور و حرکات اغواکننده است و از مجموع این منهیات، نظر عالی اسلام درباره حفظ فرد و اجتماع از مفاسد خانه برانداز بی‌عفتی و بی‌بندوباری کاملاً روشن می‌شود.. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾، «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹). منطق اسلام یک منطق معتدل است و وارد شدن زن در اجتماع به معنای این که اجتماع محیط شهوت‌رانی شود نیست و نخواهد بود این به معنای این است که زن و مرد انسانند و در انسانیت متساوی و متشابه ولی در عین حال مرد انسان مذکر است و زن انسان مؤنث (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

۴. پرهیز از اختلاط با نامحرمان

از منظر قرآن کریم زن تراز تمدن اسلامی زنی است که از اختلاط بین زنان و مردان نامحرم بپرهیزد. خلوت کردن زن و مرد بیگانه در اسلام حرام است. البته جدایی جنسیتی

در اسلام، به معنی نفی هرگونه رابطه اجتماعی زنان و مردان و حذف زنان از اجتماع نیست. قرآن کریم درباره فلسفه و علت مخالفت اسلام با اختلاط زن و مرد با یکدیگر می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُدْوَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾، «و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقاً [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآوردید چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است» (احزاب، ۵۳). رسول اکرم ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «نهی ان نذلکم المرأة عند غیرزوجها و غیر ذی محرم منها اکثر من خمس کلمات مم لا بد لها منه». سخن گفتن زن‌ها با غیر شوهر و غیر محرم ممنوع است مگر این‌که ناچار باشند. در این هنگام هم بیش از پنج کلمه مختصر سخن گفتن با نامحرم جایز نیست. (محمدی نیا، ۱۳۸۱، ۱۶). قرآن کریم در سوره یوسف آیه ۲۴ می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآی بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِکَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِیْنَ﴾، «و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود» (یوسف، ۲۴). وقتی حضرت یوسف علیهِ السَّلَام با همسر پادشاه مصر روبه رو شد اگر ایمان و مقام نبوت و عصمت یوسف و کمک خداوند سبحان نبود، یوسف نیز به آن زن میل پیدا می‌کرد. از آیات بیان شده مشخص می‌شود یکی از خطرناکترین چیزیهایی که جامعه را به فساد و نابودی می‌کشاند و سبب نزول بلا می‌شود، اختلاط زن و مرد نامحرم و رعایت نمودن عفت و پاکدامنی در جامعه است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۴۴).

۵. استفاده از پوشش مناسب

در حجاب بودن زن از ابتکارات اسلام نیست در بین برخی از اقوام قبل از اسلام نیز حجاب مرسوم بوده است. چنان‌که پیش از این نیز اشاره کردیم، خداوند در آیه ۳۱ سوره نور

به چند نکته اشاره می‌فرماید: «وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید». در این آیه خداوند ابتدا به نگاه و احکام آن پرداخته و سپس به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است چنین اشاره می‌کند:

الف) زنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن تعداد که طبعاً ظاهر است. بعضی زینت را زینت آشکار مانند النگو و دستبند و بعضی ممنوعیت را برای محل اینها می‌دانند. بنابراین زنان حق ندارند زینت خود را آشکار کنند. خصوصاً زینت‌هایی که آشکار است. و روسری خود را بر سینه‌های خود بیفکنند تا هم گران و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.

ب) هنگام راه رفتن چنان راه نروند که جلب توجه کند تا صدای خلخالی که دارند شنیده شوند زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدایی خلخالی که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این گواه باریک‌بینی اسلام در این زمینه است.

ج) زنان باید از آرایش و اشوه‌گری خودداری کنند. اسلام می‌خواهد زنان و مردان روحی، آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این فلسفه حجاب است.

برهنگی و بدحجابی زنان، عامل سقوط است در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن

می‌تواند با ویژگی‌های اخلاقی‌اش علم و آگاهی و دانایی‌اش جلوه کند و حائز مقام بالایی گردد. بر خلاف نظر و انتقاد مخالفان حجاب هرگز زن را خانه نشین و منزوی نکرده است. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾، «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹).

جلباب وسیله‌ای است که بدن را با آن بپوشانند، پوششی که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است. آیه تأکید می‌کند که جلباب یا روسری را به خود نزدیک کنند تا بدن آن‌ها نمایان نشود. به دنبال دستوری که در آیه پیش به زنان با ایمان داده شده به بعد دیگر این مسئله یعنی فعالیت‌های موزیانه ارادل و اوباش پرداخته. قرآن از ارادل و اوباش تعبیر به بیماردلان کرده همانطوری که در آیه ۳۳ همین سوره تعبیر به افراد هوسباز و شهوتران نیز آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: جلد ۱۷، ص ۴۳۶). در آیات مورد بحث در زمینه رعایت حجاب اسلامی به طور کامل آمده است و به پیامبر ﷺ می‌گوید این دستور را ابلاغ کن نخست همسران پیامبر ﷺ مطرح شده، بعد دختران او و سپس زنان مؤمن. مفسد اجتماعی، چون غالباً تک علتی نیست باید مبارزه با آن را از همه جوانب شروع کرد. جالب این‌که در آیات فوق برای جلوگیری از مزاحمت‌های افراد هرزه نخست به زنان با ایمان دستور می‌دهد که بهانه‌ای به دست آن‌ها ندهد، سپس مزاحمین را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می‌نشانند (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵: ۶۲ - ۶۰). قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی می‌نگرند. (بلوردی، ۱۳۸۷، ص ۳۷ - ۳۶).

۶. پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

رسول خدا ﷺ از زنان بیعت گرفت که هیچ‌گاه با مردان خلوت نکنند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۸). ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: که هیچ مردی با زنی بدون حضور محرم خلوت

نکند (بخاری، بی تا، ج ۱۱، ۲۴۶).

۷. اجتناب از قرار دادن خویش در جایگاه تهمت

حضرت علی علیه السلام می فرماید: هرکس خود را در معرض تهمت قرار دهد، نباید بدگمان به خود را ملامت کند (عبده، بی تا، ج ۴، ۴۱).

۸. پرهیز از شبیه کردن زنان به مردان و بالعکس

پیامبر صلی الله علیه و آله مردان و زنانی را که خود را به جنس دیگر شبیه سازند را لعنت کرده است (کلینی، ۱۴۰۵؛ بخاری، ۱۴۲۲؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۹).

۹. پرهیز از پوشیدن لباس شهرت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس در دنیا لباس شهرت بر تن نماید، خداوند در روز قیامت، لباس مانن آن بر تنش می کند. لباس شهرت آن است که با عرف عمومی جامعه ناسازگا باشد. و عرف و عادات باید مراعات گردد که مغایر با شریعت اسلامی نباشد (الازدري الجستانی، ۱۴۲۱، الشوکانی، ۱۲۵۵).

۲. اصل دوم: هماهنگی نقش اجتماعی با نقش خانوادگی

در واگذاری نقش اجتماعی به زنان باید دقت شود که پیامدهای انتخاب نقش مثبت و مفید و سبب حرکت جامعه به سوی پیشرفت باشد. بعضی از نقش ها در اسلام فقط به مردان واگذار شده و زنان از این مسئولیت ها منع شده اند بعضی از کارهای دشوار مانند وجوب حضور در نماز جمعه هرچند از فاصله چند فرسخ تکلیف مرد است چنین تکلیف بر عهده زن نیست زن حق شرکت در نماز جمعه را دارد. مانند مردان اگر نماز جمعه به امامت امام جمعه مرد خوانده شود لازم نیست نماز ظهر را اعاده نمایند نماز جمعه برای زن هم کافی است. نقش اجتماعی زنان باید با مصالح شخصی او نیز سازگار باشد که آیا زن با انتخاب این نقش توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ یا با این نقش رشد می یابد یا دچار عقب

ماندگی می‌شود یا با این نقش با توانمندی و قابلیت‌های او سازگار است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۳-۱۵۲).

۱.۲. هماهنگی نقش اجتماعی با وظیفه مادری

از ابتدای آفرینش و قبل از هرگونه سابقه تربیتی و تاریخی، زن و مرد با آزادی عمل و با شرایط مساوی پا به عرصه زندگی گذاشتند اما تفاوت خاصیت و وظیفه، وضع آنان را از یکدیگر متمایز کرد. تعلق بیشتر زنان به خانه و تماس بیشتر مردان با امور اجتماعی و سیاسی آن‌گونه که بعضی تصور کرده‌اند لزوماً نتیجه بی‌عدالتی و بیدادگری جامعه و بی‌اعتنایی به حقوق زنان نیست، بلکه به مقدار زیادی معلول خلقت و رعایت صلاح حال زن و مرد و لازمه تضمین بقاء نوع و تا حدودی فطری زنان است. برهم زدن این اختلاف موقعیت به نحو تصنعی، خلاف طبیعت و موجب اختلال نظم طبیعت می‌تواند باشد و این مطلب از این جهت قابل تأمل است که سنخ ساختمانی زن و مرد متفاوت است و در مواقع سنجش این دو از لحاظ قوت و یا ضعف و بزرگی و کوچکی مورد ندارد و وجود هر یک در حد خود دارای کمال لزوم و اهمیت است. نقش زن بسیار لازم و مهم است و چون برای رسالت ویژه‌ای خلق شده قانون آفرینش گرمی کانون خانواده و پرورش نسل‌ها بر عهده زن گذاشته و به همین دلیل سهم بیشتری از عواطف و احساسات را به او داده است. موظف ساختن زنان به کار و تلاش برای، تأمین احتیاج‌های مادی زندگی با مسئولیت‌های مهمی چون مادری، پرورش نسل نو، رونق بخشیدن به کانون خانواده، با توجه به جذابیت زن در خانواده برخوردار بودن وی از عاطفه مضاعف و تأمین نیازهای عاطفی خانواده معارض می‌باشد چرا که مسئولیت تأمین زندگی شخصی زن بر عهده خودش باشد ناچار باید بخشی از فرصت خویش را در تلاش برای تهیه آن نیازمندیها صرف نماید و بعد از فراغت از کار طبعاً باید استراحتی کند تا بتواند پاسخگوی مسئولیتهای خانودگی باشد. روشن است در این فاصله مسئولیت‌های زن بر زمین خواهد ماند و از همین رهگذر خانواده در معرض تهدید و سراشیبی سقوط قرار خواهد گرفت. استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید: وظایف

طبیعی زن در تولید مثل ایجاب می‌کند که زن از نقطه نظر مالی و اقتصادی نقطه اتکایی داشته باشد زنان به طور طبیعی در طول زندگی با مشکلاتی مواجه‌اند که داشتن یک پشتوانه و تکیه گاه برای آنان ضروری است. ریشه بسیاری از کج روی‌ها، بزه کاری‌ها و عقده‌های روحی و روانی را باید در تزلزل بنیان خانواده جست و جو کرد. شکل‌گیری شخصیت افراد به ویژه کودکان در خانواده صورت می‌گیرد که در این شکل‌گیری مادران بسیار مؤثرند. آیا تربیت فرزندان سالم و تحویل آنان به جامعه کار نیست؟ آن‌ها که این رسالت عظیم را کار مثبت محسوب نمی‌کنند از نقش خانواده در تربیت در ساختن یک اجتماع سالم و آباد و پر تحرک بی‌خبرند (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۴). اگر زن عهده دار مسؤلیت‌های مهم کلیدی شود باز هم مجبور به برخورد با صدها مرد و متقاضی و مانند آن می‌شود به همین جهت کارهای اجرایی را تقسیم نموده‌اند و کسی نمی‌تواند مدعی شود که ثواب و پاداش آن زنی که در دامن خود یا در کلاس درس انسانهای قاضی و مجتهد و ولی پرورش می‌دهد کمتر از مردی است که بر اثر تربیت صحیح آن زن به مقام قضاوت نشسته و به امور جاری مردم می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۳ - ۳۱۴) باید نقش اجتماعی به گونه‌ای اجرا شود که شور و شوق مادری در زن کم فروغ نشود بلکه این نیاز به در او به خوبی ارضا شود.

۲.۲. هماهنگی نقش اجتماعی با سمت همسری

اجتماعی که زن را مجبور به تلاش معاش می‌کند و زن را از خانه به بازار بکشاند و سمت همسری را نادیده بگیرد. یا نسل در آن بی‌حضور مادر امتداد یابد اجتماع کامل و ایده آل نیست. در فرهنگ و قانون اسلام زن و مرد در بهره‌مندی از کسب و تلاش و پاداش و عبادات و الزام به وظایف و مسؤلیت‌ها مساویند. ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (و زنها آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر

چیزی داناست) (نساء، ۳۲). حق هر کس باید متناسب با وضع خلقی و تکوینی او باشد تساوی در موردی که اعتبارات و مسئولیتها در آن مختلف است در حکم عدم تساوی وظیفه است. (دزفولی، ۱۳۷۵؛ ۳۱) اگر قرار باشد دو نفر دوش به دوش یکدیگر توانایی خویش را در تلاش برای تأمین زندگی مادی خود و یا خانواده مستهلک سازند دیگر برای آنها توان و حوصله باقی نمی ماند که سنگ صبور همدیگر و تسکین دهنده آلام و کسالت‌های به وجود آمده جسمی و روانی در اثر کشمکش روزگار باشند. از آنجایی که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار باارزش و مهم است و باید از آن پاسداری کرد و نقش اجتماعی زنان و همسران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه این که باعث تزلزل بنیاد خانواده گردد. زنان اصلی ترین رکن در خانواده هستند قرآن کریم زنان را مایه تسکین مردان خلق کرد در واقع نحوه تعامل زنان با مردان است که از یک مرد اقامه گر قسط و عدل می سازد و از دیگری مستضعف. بر اساس نقشه جامع قرآنی اصلی ترین تکلیف زنان و جهاد ایشان را حسن همسررداری معرفی می کند در واقع مسولیت زن مجاهدپروری است. کار بیرون از خانه و درون خانه باید به نوعی تلفیق شود که هیچ کدام مزاحم دیگری نباشد و شخصیت زنانگی زن و مایه آرامش بودنش را برای شوهر از بین ببرد و انرژی و توانایی زن در کار بیرون از دست برود و خستگی او نصیب شوهر شود (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۶). نقش اجتماعی زن باید متناسب با حقوق شوهر و منوط به اجازه او باشد. (فصلنامه بانوان شیعه ۱۳۸۷. شماره ۱۷. ص ۱۱۱).

نتیجه گیری

از ابتدای آفرینش و قبل از هر گونه سابقه تربیتی و تاریخی، زن و مرد با آزادی عمل و با شرایط مساوی پا به عرضة زندگی گذاشتند اما تفاوت خاصیت و وظیفه، وضع آنان را از یکدیگر متمایز کرد. تعلق بیشتر زنان به خانه و تماس بیشتر مردان با امور اجتماعی و سیاسی آن گونه که بعضی تصور کرده اند لزوماً نتیجه بی عدالتی و بیدادگری جامعه و بی اعتنائی به حقوق زنان نیست، بلکه به مقدار زیادی معلول خلقت و رعایت صلاح حال

زن و مرد و لازمه تضمین بقاء نوع و تا حدودی فطری زنان است. برهم زدن این اختلاف موقعیت به نحو تصنعی، خلاف طبیعت و موجب اختلال نظم طبیعت می‌تواند باشد و این مطلب از این جهت قابل تأمل است که سنخ ساختمانی زن و مرد متفاوت است و در مواقع سنجش این دو از لحاظ قوت و یا ضعف و بزرگی و کوچکی مورد ندارد و وجود هر یک در حد خود دارای کمال لزوم و اهمیت است. نقش زن بسیار لازم و مهم است و چون برای رسالت ویژه‌ای خلق شده قانون آفرینش گرمی کانون خانواده و پرورش نسل‌ها بر عهده زن گذاشته و به همین دلیل سهم بیشتری از عواطف و احساسات را به او داده است. موظف ساختن زنان به کار و تلاش برای، تأمین احتیاج‌های مادی زندگی با مسئولیت‌های مهمی چون مادری، پرورش نسل نو، رونق بخشیدن به کانون خانواده، با توجه به جذابیت زن در خانواده برخوردار بودن وی از عاطفه مضاعف و تأمین نیازهای عاطفی خانواده معارض می‌باشد چرا که مسئولیت تأمین زندگی شخصی زن بر عهده خودش باشد ناچار باید بخشی از فرصت خویش را در تلاش برای تهیه آن نیازمندیها صرف نماید و بعد از فراغت از کار طبعاً باید استراحتی کند تا بتواند پاسخگویی مسئولیتهای خانودگی باشد. بایدها و نبایدهای سبک زندگی از منظر قرآن کریم و روایات (اسلام) به اندازه‌ای مهم و اساسی است که حضور سیاسی و اجتماعی زنان تنها در سایه این بایدها و نبایدها است که می‌تواند ضامن آرامش و آسایش جامعه باشد. از منظر قرآن کریم و روایات برخی از این بایدها و نبایدها عبارتند از:

- عرصه و میدانی که اسلام برای زنان ایجاد نمود قطعاً قابل مقایسه با دیگر ادیان نیست اما ابتکار و نوآوری اسلام به تنهایی در این مسأله خلاصه نمی‌شود بلکه اسلام برای زنان بیش از هر چیز با خود هویت، و منزلت و احترام توأم با تأثیر به ارمغان آورد. زنان اصلی‌ترین عامل بقای نوع انسان و مهم‌ترین عنصر در قانون تکوینی وراثت و نسب به شمار می‌روند.
- قرآن حضور زنان در اجتماع را با رعایت ضوابط و شرایطی مجاز و حتی در مواردی ضروری شمرده است. تأکید قرآن بر عدم اختلاط زن و مرد و وظیفه و مصلحت جامعه اقتضاء می‌کند که جز کارهایی که در شأن و منزلت زنان است کارهای دیگر را به دست

مردان بسپارزند.

- قرآن از شیوه اعتدال تبعیت نموده است با شرکت زنان در مشارکت های اجتماعی همانند انتخابات، تصمیم گیری، حاکمیت، مشورت، بیعت نمودن، اشتغال، هجرت، موافقت نموده است. زن مسلمان در عین حالی که به عنوان عضو فعال در اجتماع نقش دارد باید ملبس به لباس فضیلت و عفاف باشد از اصلی ترین و محوری ترین ویژگی های روحی و اخلاقی زنان رعایت عفت و حجاب اسلامی است که سایر فعالیت ها بدان ارزش پیدا می کند بارزترین مشخصه زن مسلمان در نظام اسلامی پاکدامنی و رعایت شئون اسلامی است که کامل کننده و متمم نقش آفرینی در فعالیت های سیاسی و اجتماعی آنان است. زنان در هر شرایطی و در هر عرصه ای باید خط قرمز بین عفت و بی عفتی، فضیلت و رذیلت تقوا و بی بند و باری و حجاب و بی حجابی را مد نظر قرار دهد و باید حضور خود را در اجتماع به زیور وارستگی و تقوا آراسته نماید. اشتغال زنان در قرآن با عنوان حق مالی آنان بیان شده و داشتن شغل متناسب که دارای درآمد باشد مورد تأیید قرآن است.

رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار بانوان محترم به حدی ضروری است که هر چه عقیفانه تر و پوشیده تر باشند و از حجاب و وقار و متانت بیشتر و حجاب و پوشش بهتری برخوردار باشند از همه مزایا و برکات عفاف و حجاب اسلامی، بیشتر بهره مند می شوند و برای پاکی قلب های خود و دل های مردان امنیت بیشتر و فرزندان آینده ساز بهتر خواهد بود. سخنان حکمت آمیز قرآن در حریم های عفاف این است که یک بانوی مسلمان باید لباس شرم و حیا را از خود دور نکرده و همواره باید تمام اعمال و حرکات، سخنان، نگاه ها و پوشش های او بر اساس معروف و شیوه عقیفانه باشد براساس منکر و روابط ضروری او با مرد نامحرم با کمال احتیاط صورت گیرد می توان عفت را چندین مورد نامگذاری و بیان کرد.

مسئله بسیار مهم دیگری که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن کریم وجود دارد، وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است. در اسلام در روابط زن و مرد افراط و

تفریط جایز نیست حد وسط که دیدن در محدوده شرع است، مورد تأکید می باشد. قرآن زنان و مردان مؤمن را سفارش فرموده که از نگاه های حرام بپرهیزند. بیم نگاه حرام بنا بر نظر قرآن و تأیید روایات از اصلی ترین عوامل منع حضور زنان در جامعه است. در صورت رعایت حضور در اجتماع بلامانع می باشد زیرا نگاه حرام تیری از تیرهای شیطان است.

پرهیز از خود آراییی و خود نمایی نکته دیگری است که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان مورد تأکید قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد. نهی از نرم گویی که باعث اغوا و طمع مرد می شود، حجابی است که مربوط به گوش و زبان است. نهی از تبرج نهی از نشان دادن زیبایی و زیور و حرکات اغوا کننده است و از مجموع این منهیات نظر عالی اسلام درباره حفظ فرد و اجتماع از مفاسد خانه برانداز بی عفتی و بی بندوباری کاملاً روشن می شود

در سبک زندگی مورد نظر قرآن، اختلاط بین زنان و مردان نامحرم را ممنوع است. خلوت کردن زن و مرد بیگانه در اسلام حرام است. البته جدایی جنسیتی در اسلام، به معنی نفی هرگونه رابطه اجتماعی زنان و مردان و حذف زنان از اجتماع نیست. از آیات قرآن کریم استفاده می شود که جز در موارد اضطرار اسلام شدیداً با اختلاط زن و مرد نامحرم و رفت و آمد آنان با یکدیگر مخالف است. تا جائیکه اختلاط زن و مرد نامحرم را باعث نزول بلا و سبب بروز درد ها و مشکلات می داند، که آن درد ها درمان نخواهد شد مگر اینکه زن و مرد از یکدیگر جدا باشند.

در سبک زندگی قرآنی زنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن تعداد که طبعاً ظاهر است. همچنین زنان باید از آرایش و اشوه گری خودداری کنند. اسلام می خواهد زنان و مردان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوشه پاک داشته باشند و این فلسفه حجاب است. هنگام راه رفتن نیز چنان راه نروند که جلب توجه کند تا صدای خلخاله که دارند شنیده شوند زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می سازد

اجتناب از قرار دادن خویش در جایگاه تهمت، مسئله دیگری است که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و روایات به آن تأکید فراوان دارد.

از جمله مسائل دیگری که در نگاه قرآنی به سبک زندگی مطرح می‌باشد، پرهیز از شبیه کردن زنان به مردان و بالعکس است. قرآن کریم و روایات اسلامی برهنگی و بدحجابی زنان را یکی از عوامل سقوط در جامعه می‌داند. در چنین جامعه ای چگونه یک زن می‌تواند با ویژگی‌های اخلاقی اش علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و حائز مقام بالایی گردد. بر خلاف نظر و انتقاد مخالفان حجاب هرگز زن را خانه نشین و منزوی نکرده است.

در سبک زندگی قرآنی نقش اجتماعی زنان باید با مصالح شخصی او نیز سازگار باشد که آیا زن با انتخاب این نقش توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ یا با این نقش رشد می‌یابد یا دچار عقب ماندگی می‌شود یا با این نقش با توانمندی و قابلیت‌های او سازگار است. همچنین در واگذاری نقش اجتماعی به زنان باید دقت شود که پیامدهای انتخاب نقش مثبت و مفید و سبب حرکت جامعه به سوی پیشرفت باشد.

نکته دیگری که در سبک زندگی قرآنی مطرح است این نکته است که، باید نقش اجتماعی به گونه ای تعریف و اجرا شود که شور و شوق مادری در زن کم فروغ نشود بلکه این نیاز در او به خوبی ارضا شود. اجتماعی که زن را مجبور به تلاش معاش می‌کند و زن را از خانه به بازار بکشد و سمت همسری را نادیده بگیرد. یا نسل در آن بی حضور مادر امتداد یابد اجتماع کامل و ایده آل نیست. از آنجایی که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار باارزش و مهم است و باید از آن پاسداری کرد و نقش اجتماعی زنان وهمسران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه اینکه باعث تزلزل بنیاد خانواده گردد.

زنان اصلی‌ترین رکن در خانواده هستند قرآن کریم زنان را مایه تسکین مردان خلق کرد در واقع نحوه تعامل زنان با مردان است که از یک مرد اقامه‌گر قسط و عدل می‌سازد و از دیگری مستضعف. بر اساس نقشه جامع قرآنی اصلی‌ترین تکلیف زنان و جهاد ایشان را حسن

همسرداری معرفی می‌کند در واقع مسولیت زن مجاهدپروری است. کار بیرون از خانه و درون خانه باید به نوعی تلفیق شود که هیچ کدام مزاحم دیگری نباشد و شخصیت زنانگی زن و مایه آرامش بودنش را برای شوهر از بین ببرد و انرژی و توانایی زن در کار بیرون از دست برود و خستگی او نصیب شوهر شود.

- زنان سرچشمه صلاح و فساد در هر جامعه‌ای هستند و لذا نقش آن‌ها در جامعه بالاتر از نقش مردان است زیرا علاوه بر این که در اجتماع نقش دارند قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. صلاح جامعه یا فساد آن در دست زنان است دختران امروز مادران فردا هستند. بنابراین باید در مدارس و دانشگاهها ترتیبی داده شود که زنان متعهد و آشنا با احکام و ضوابط قرآنی تربیت شوند. و واحدهایی برای تدریس تدوین شود که اطلاعات لازم در زمینه الگوی کامل و انسانی زنان از دید قرآن به دختران ارائه دهد.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن الجوزی، علی بن محمد، ۱۴۱۹ق، بستان الواعظین و ریاض السامعین، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۲. بخاری، بی تا، صحیح بخاری، ج ۱۱، استانبول: الدعوه.
۳. بلوردی، طیبه (۱۳۸۷) نگاه از منظر اسلام: قم: انتشارات زائر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) زن در آئینه جلال و جمال. چاپ نوزدهم. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. دولتی، فاطمه، ۱۳۹۶، جایگاه اجتماعی زن در قرآن کریم، قم: صلوات
۶. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، ۱۲۵۰ق، الفوائد المجموعه فی الاحداث الموضوعه، تصحیح عبدالرحمن یحی المعلمی الیمانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. شیخ الاسلامی. جعفر (۱۳۸۵) گذری بر قرآن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مدرسه
۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۴) تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر. جلد ۱۴، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۹. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۷) تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر. جلد ۱۶، قم: انتشارات حوزه علمیه
۱۰. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۷) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم. قم: انتشارات بوستان کتاب
۱۱. قرائتی. محسن (۱۳۸۸) گزیده تفسیر نور. چاپ دوم. تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۲. کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول کافی. تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتاب الإسلامیه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۵، اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.
۱۵. کمالی، درفولی - علی (۱۳۸۵) قرآن و مقام زن. چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسوه.

۱۶. محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۸) فعالیت اجتماعی بانوان، تهران: انتشارات سبب اکبر.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) نظام حقوق زن در اسلام. چاپ چهل و نهم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۴) تفسیر جوان. جلد ۱۷. تهران: چاپ معراج.

مقالات و سخنرانی‌ها:

۱۹. اوحدی حائری، پروین دخت (۱۳۸۷) جایگاه زن در عصر امامت امام علی علیه السلام. فصلنامه بانوان شیعه. شماره ۱۷. قم: انتشارات ریاست جمهوری.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی.
۲۱. شریفی، عنایت الله و مهرعلی لطفی، (۱۳۹۲)، سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم السلام، شناسنامه علمی شماره، دوره ۴، شماره ۱۴، صفحه ۱۰۰-۸۱.
۲۲. نویدنیا، منیژه، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی (تحقیقی در شهر تهران)، خلخال: فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، سال ۱۱، شماره ۴۱.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها:

۱ <https://farsi.khamenei.ir>

۲ www.en.wikipedia.org

چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مادران در مسیر رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب از منظر مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَامُ

طاهره درمیریدی^۱ (نویسنده مسئول)
زینب خسروی نیا^۲

چکیده

با توجه به توصیه‌های راهبردی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در راستای ضرورت توجه به معنویت و اخلاق نسل چهارم انقلاب، مسئولیت سنگین مادر در تربیت اخلاقی فرزند بیش از پیش احساس می‌شود. هدف از انجام این تحقیق بیان چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مادران در مسیر رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب از منظر مقام معظم رهبری است. رهبر معظم انقلاب طی سال‌های اخیر بر نقش تربیتی مادر در رشد معنوی و اخلاقی فرزند تأکید فراوانی داشته‌اند. ایشان معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکت‌ها، فعالیت‌های فردی، اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می‌دانند. به اعتقاد ایشان علت اصلی مشکلات، غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی است. بنابراین فرمایش‌های

۱. مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه سلام الله علیها بندرعباس، سطح ۳، taheredarmoridi@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (سلام الله علیها) قم.
yaemamreza@vatanmail.ir

مقام معظم رهبری، از همه کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزند برای ورود در میدان‌های بزرگ است. عصر حاضر، عصر پیشرفت‌های علمی - تکنولوژی است و نسل چهارم انقلاب تحت تأثیر منفی رسانه‌ای شدیدی قرار دارند. الگو شدن قهرمان‌های منفی کارتون‌ها، عدم انتقال مفاهیم ناب اسلامی از طریق خانواده‌ها به فرزند و معاشرت با دوستان ناشایست چالش‌های جدی پیش‌روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل جدید به شمار می‌روند. بنابراین ضروری است مادر ضمن نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی در وجود خود، آسیب‌های رسانه‌ای پیش‌رو را شناسایی کند و با طرح و برنامه صحیحی تأثیرات منفی آن‌ها را نسبت به فرزند خود کاهش دهد. همچنین با محبت‌ورزی، بازی با فرزند، بهره‌گیری از روش‌های هنری و معرفی الگوهای برتر، فضایل اخلاقی را در وجود فرزند خود پرورش دهد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و داده‌های مورد استفاده در آن به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و پردازش شده‌اند.

کلید واژگان: مادر، تربیت دینی، فضایل اخلاقی، مقام معظم رهبری، نسل چهارم انقلاب

اسلامی

مقدمه

امور بسیاری در رشد فضایل اخلاقی فرزند نقش دارند. این امور تفاوت‌هایی از حیث تأثیر و شدت تأثیرگذاری دارند. بعضی از این امور را می‌توان اصل تربیتی به شمار آورد؛ به گونه‌ای که حذف آن‌ها از فرایند تربیت، تحقق بخشی از اهداف و اعمال برخی روش‌های تربیتی را با مشکل مواجه می‌سازد. مادر در امر تربیت فرزند، عاملی بی‌جانشین است و با توجه به این‌که بخش مهمی از اهداف تربیتی را محقق می‌کند، یکی از اصول تربیتی به حساب می‌آید. نقش مادر در پرورش فضایل اخلاقی فرزند اصالت دارد و افراد دیگر مانند پدر، مربی، معلم و دوست نمی‌توانند این نقش را ایفا کنند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ این مسئله از جمله مباحثی است که در علم اخلاق و علم روانشناسی قابل بررسی است؛ اما در تحقیق حاضر بیشتر بر جنبه اخلاقی تربیت نسل چهارم انقلاب تمرکز شده، به چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مادران در این مسیر خواهد پرداخت.

در دین اسلام، انسان بالقوه می‌تواند به کمال برسد. افراد جامعه نقش بسزایی در سعادت جامعه خواهند داشت ولی گاهی افراد از این توانایی خود بهره کافی نمی‌برند یا این‌که تلاش زیادی برای رسیدن به کمال انجام نمی‌دهند. اینجاست که هر وجدان بیداری به تکاپو می‌افتد تا جامعه خویش را نسبت به این مشکل آگاه کند و در صورت توان، وضعیت جامعه را بهبود ببخشد. بهترین راه برای رفع این مشکل در جامعه، تربیت صحیح فرزندان و رشد فضایل اخلاقی در وجود آن‌هاست؛ زیرا همین فرزندان در طول زندگی خود نقش‌های فراوانی در صعود یا سقوط یک ملت ایفاء خواهند کرد. لذا ضروری است به موضوع تربیت دینی و راه‌های پرورش فضایل اخلاقی در وجود فرزندان پرداخته شود تا گامی مؤثر در جهت معرفت‌افزایی مادران باشد.

در زمینه نقش مادر در تربیت دینی فرزند آثار متعددی نوشته شده است. کتاب نقش

مادران در تربیت دینی فرزندان تألیف محمد احسانی از جمله کتاب‌های نوشته شده در این زمینه است. در این کتاب نقش مادر در تربیت دینی فرزندان با توجه به آیات، احادیث و سیره معصومان (علیهم‌السلام) بررسی شده است. کتاب دیگری که می‌توان نام برد تأثیر مادر در تربیت تألیف علی قائمی است. این کتاب ارزش وجودی زن را تبیین می‌کند و به اهمیت نقش زن به عنوان مادر در جامعه امروزی می‌پردازد.

پایان نامه‌ها و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است؛ از جمله پایان‌نامه بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند از دیدگاه قرآن و روایات نوشته روحیه بهمنی است. در این پایان‌نامه به بررسی دیدگاه قرآن و روایات در مورد نقش مادر در تربیت دینی فرزند قبل و بعد از تولد پرداخته شده است. مقاله‌های نوشته شده در این زمینه: مقاله نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند نوشته خدیجه اسکندری نژاد است. این مقاله به تحلیل ویژگی‌های مادر به عنوان موثرترین مربی دین‌داری فرزند پرداخته است همچنین مقاله نقش مادر در تربیت دینی فرزند نوشته زینب برجی نژاد که وظایف اولیه مادر را تبیین کرده است.

در مجموع آثار فوق، نقش مادر در تربیت دینی فرزند به صورت کلی مورد توجه قرار گرفته شده است؛ اما در هیچ کدام از نقش مادر در رشد فضایل اخلاقی فرزند به طور جامع بحث نشده است. همچنین در این تحقیق به راه‌های رشد فضایل اخلاقی در نسل چهارم انقلاب توجه شده که در هیچ منبعی بررسی نشده است. نقش تربیتی مادر از منظر مقام معظم رهبری نکته دیگری است که در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین با توجه به نقش مهم مادر در این زمینه و اهمیت تربیت نسل چهارم انقلاب به عنوان زمینه‌سازان ظهور امام زمان عجل‌الله‌فرجه، بایسته است درباره این موضوع به طور مستقل و گسترده، تحقیق و بررسی صورت بگیرد.

تعاریف و مفاهیم

واژه تربیت مصدر باب تفعیل از ریشه «ربو» در لغت به معنای رشد و افزایش یافتن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۳۸/۴). راغب اصفهانی تربیت را «تغییر تدریجی امری

می‌داند؛ به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۳۶). ابن‌فارس نیز معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می‌گویند». (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۳۸۲/۲). تربیت دینی در اصطلاح، عبارت است از فرایند فراهم ساختن زمینه‌های رشد جسمی و روحی متربی؛ به گونه‌ای که خود وی با اراده و اختیار در مسیر تکامل مادی و معنوی گام بردارد و به هدف نهایی که همان تقرب به خداست دست یابد. (احسانی، ۱۳۸۷: ۱۲)

فضایل جمع فضیلت از ریشه «فَضَّل» به معنای افزون بر کم یا گذاشتن از حد اعتدال در کاری یا چیزی است. واژه «فَضَّل» به معنای افزونی یا زیادی یک چیز بر چیز دیگر، اقسام مختلفی دارد. یکی از آن‌ها برتری شخصی است که برای اکتساب آن راه‌های وجود دارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۳۹) فضائل اخلاقی در اصطلاح، به مجموع ملکات و صفات راسخ انسانی اطلاق می‌شود که منشأ صدور افعال متناسب با آن می‌شود.

«اخلاق» واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» است. واژه «خُلُق» به معنای قوا، سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۳۵) بنابراین اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. از دیدگاه مقام معظم رهبری «اخلاق یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی». ایشان تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه برای آن می‌دانند و چنین می‌فرمایند: «فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست، کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است؛ «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴/۴/۱۸)

(<https://farsi.khamenei.ir> • ۲۴۷ <https://khl.ink/f/>)

نسل چهارم انقلاب اسلامی، نسلی هستند که زمان انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس

را درک نکرده‌اند. این‌ها در واقع در آینده تبدیل به نسل خواهند شد و در حال حاضر کودک هستند. تقریباً بعد از ده سال دیگر در عرصه جامعه ظاهر خواهند شد. در مقاله حاضر سعی شده است موثرترین چالش‌ها و راهکارهای پیش‌روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب مورد بررسی قرار بگیرد.

الف) چالش‌های پیش‌روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب

به‌رغم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که پس از انقلاب در نهادهایی همچون خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌ها در حوزه تربیت دینی فرزندان انقلاب صورت گرفته است؛ همچنان با چالش‌های جدی در این زمینه مواجه هستیم. چالش‌های پیش‌روی مادران در رشد فضایل اخلاقی فرزندان عبارت است از:

۱. تأثیرات منفی رسانه

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص ابزارهای رسانه‌ای می‌فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم». امروزه رسانه‌ها، به‌عنوان ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، از مراکز مهم تأثیرگذاری در هر جامعه‌ای می‌باشند. رسانه‌ها به قدری مؤثرند که می‌توانند تغییرهای زیادی در نگرش و جهت‌گیری‌های اخلاقی و... یا حفظ آن‌ها ایجاد کنند. (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). این تأثیر هم می‌تواند در جهت مثبت باشد و هم در جهت منفی. با توجه به این قدرت تأثیرگذاری، نمی‌توان مقوله تربیت فرزند را بدون در نظر گرفتن جایگاه رسانه، مطالعه و آسیب‌شناسی کرد. در حال حاضر یکی از چالش‌هایی که رشد فضایل اخلاقی در وجود فرزند را با مشکل مواجه می‌سازد رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نه تنها با اختصاص وقت کودک و نوجوان به خود و کاهش وقت کافی برای انجام تکالیف و سایر فعالیت‌ها بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند، بلکه بر

باورها و اعتقادات آن‌ها نیز موثرند.

با ظهور و گسترش وسایل ارتباط جمعی و از همه مهم‌تر تأثیرات فضای مجازی، باب تهاجم فرهنگی و إلقاء فرهنگ بیگانه از هر زمانی بیشتر شده است. بر اساس تئوری شناختی، ظرفیت شناختی کودکان در مراحل مختلف، متفاوت است. برای مثال کودکان زیر ۷ سال درک کمتری نسبت به قصد افراد از رفتارهای برانگیزاننده دارند. بنابراین به راحتی تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌ای قرار می‌گیرند. رسانه‌ها همچنین در مورد اینکه نوجوانان در موقعیت‌های ناآشنا مانند یک رابطه احساسی، چگونه عمل کنند به آن‌ها طرح‌واره‌هایی ارائه می‌دهند. در نهایت مانند یک دوستِ موثر و قدرتمند، بر افکار و احساسات آن‌ها اثرگذارند و رفتارهای پرخطر را برای آنان معمولی جلوه می‌دهند. امروزه شبکه‌های اجتماعی به پدیده‌ای مهم و پرترفدار در بین تمام سنین و حتی کودکان تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که کودکان زمان زیادی از وقت خود را در این شبکه‌های مجازی می‌گذارند. اینجاست که نقش تربیتی مادر، اهمیت پیدا می‌کند و باید راهکارهایی را در مقابله با این چالش به کار ببندد.

۲. الگو شدن قهرمان‌های منفی کارتونی

هنگامی که فرد به سن نوجوانی می‌رسد از رشد عقلانی، جسمی و رفتاری بسیاری در مقایسه با سن کودکی برخوردار شده و مسائل را با نیروی تعقل خویش می‌سنجد و آنگاه دست به اقدام و عمل می‌زند. در تقلید و پیروی از الگوها نیز چنین است. نوجوان در جستجوی نمونه و تجسم عینی برای دانسته‌ها و آموخته‌های خود است. او می‌خواهد بداند چگونه آن‌ها را جامعه عمل بپوشاند؛ زیرا در آغاز راهی قرار دارد که هنوز تجربه نکرده است. بنابراین طبیعی است که به دنبال سرمشق و الگو برای رفتارهای خود باشد. (عباسی مقدم،

(۸۰:۱۳۷۱)

الگوپذیری از شخصیت‌ها و قهرمان‌های کارتونی یکی از مصادیق این الگویابی به

شمار می‌رود. امروزه انیمیشن‌ها و شخصیت‌های کارتونی به قهرمانان دنیای کودکان تبدیل شده‌اند و در این میان انیمیشن‌های خارجی از دیرباز جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. بنابراین فرمایشات مقام معظم رهبری: «تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد. می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان و حتی کودک - اثرگذاری کنند. این بازی‌های اینترنتی از جمله همین است. اسباب بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله همین است. مرد عنکبوتی را بچه ما می‌شناسد، بتمن را بچه ما می‌شناسد. ده بیست فیلم درست کرده‌اند. این فیلم را آن‌جا دیده است. بعد می‌بیند همان عروسکی که در فیلم داشت کار می‌کرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، <https://farsi.khamenei.ir> ۲۴۷۲۱ <https://khl.ink/f/۱۳۹۲/۹/۱۹>) طبق فرمایش‌های مقام معظم رهبری بچه‌ها دوست دارند عروسک‌های این شخصیت‌ها را بخرند. برچسب تصاویر رنگارنگ آن‌ها را به در و دیوار اتاق بزنند و حتی در بازی‌هایشان نقش قهرمانان دوست‌داشتنی را بازی کنند.

کارتون‌ها از طریق ارتباط مستقیمی که با کودکان برقرار می‌کنند به آسانی می‌توانند مفاهیم بسیاری را به آنان منتقل کنند. شخصیت‌های ساده و دوست‌داشتنی دنیای کارتون برای مخاطبان کودک و نوجوان به آسانی به عنوان الگو پذیرفته می‌شوند و کودکان سعی می‌کنند از رفتارها و برخوردهای آنان تقلید کنند. الگوپذیری از این شخصیت‌ها یک چالش جدی در مقابل رشد فضایل اخلاقی در فرزند محسوب می‌شود. این کارتونها اغلب بار محتوایی منفی دارند و با فرهنگ دینی ما نیز مغایر هستند.

۳. معاشرت با دوستان ناشایست

امروزه به دلیل شرایط زمانه، اغلب با پراکندگی اعضای خانواده‌ها در مناطق دور دست مواجه هستیم. همین مسئله، دلیلی است بر این‌که نسل جدید به جای تعامل با بستگان، بیشتر وقت خود را با دوستان و همسالان سپری کنند. موضوعی که تأثیر عمیق آن به تجربه

ثابت شده است و همه علمای اخلاق، تعلیم و تربیت بر آن اتفاق نظر دارند، مسئله معاشرت و دوستی است. نقش حساس و سازنده دوستان در شکل دهی به شخصیت انسان‌ها را نباید نادیده گرفت. دوستان شایسته و خوب در هدایت آدمی به سوی کمال و سعادت تأثیرگذارند. دوستان ناشایست نیز با انحراف انسان و کشیده شدن به طرف ناهنجاری‌های اخلاقی و اعتقادی، آثار جبران ناپذیری بر جای می‌گذارند. (حسینی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۰) قرآن کریم درباره عواقب دوستی با ناهلان از زبان اهل جهنم چنین می‌فرماید: ﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم». (فرقان، ۲۸)

کودک و نوجوان به‌طور فطری به دوستان هم‌سن خود گرایش زیادی دارد؛ زیرا کودک یک انسان است و انسان هم یک موجود اجتماعی است. از همین رو نیاز دارد لحظاتی را با دوستان خود سپری کند و این نیاز طبیعی خود را پاسخ دهد. در حقیقت لذت‌بخش‌ترین لحظات زندگی یک کودک و نوجوان دقیقی است که با دوستانش به سر می‌برد. (پاک‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۳) در مبانی دینی ما، به این نیاز طبیعی و هدایت صحیح آن توجه خاصی شده است. پیشوایان معصوم علیهم السلام در یافتن و نگه‌داری از دوستان خوب و مفید تشویق نموده‌اند. آنان ضمن بیان اثرات مثبت و منفی رفاقت و مصاحبت، پیروان خود را به همراهی و همنشینی با افراد شایسته، دلسوز، امین، صبور و مهربان راهنمایی نموده‌اند.

دوستان، همسالان، همبازی‌ها و هم‌کلاسی‌های یک کودک یا نوجوان می‌توانند به‌عنوان عامل محیطی، مؤثر در تربیت و خلق و خوی وی باشند؛ همانگونه که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انسان بر راه و روش دوست و همنشین خو می‌گیرد». (کلینی، ۱۳۸۲: ۲/۳۷۵) معاشرت فرزند با دوستان ناشایست یکی از چالش‌های مهم پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی در وجود او محسوب می‌شود. یک گروه سنی بیشتر از آن‌که تأثیرات مثبت بر رفتار و نگرش فرد داشته باشد؛ در صورت نبود نظارت والدین می‌تواند موجب انحراف کودک یا نوجوان از هنجارها و ارزش‌ها شود.

ب) راهکارهای مقابله با چالش‌های پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب

در تقابل با چالش‌های موجود راهکارهایی وجود دارد. برخی از راهکارها به صورت خاص متناسب با هر چالش بوده، برخی در تمام چالش‌ها به صورت عام کاربرد دارد:

۱. راهکارهای خاص متناسب با چالش‌های پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب

یک. مدیریت رسانه

به علت محبوبیت رسانه‌های الکترونیکی، حذف کامل آن‌ها از زندگی کودکان دشوار است. با این حال، برای کاهش اثرات منفی آن‌ها بر کودکان راهکارهایی وجود دارد که لازم است مادر به آن‌ها توجه نماید.

یکم. آموزش استفاده صحیح از رسانه

قرار گرفتن در مقابل رسانه بخشی از زندگی مدرن است؛ اما می‌توان به فرزند آموزش داد تا تنها برای چیزهایی که ارزش دیدن دارند وقت بگذارد. (عظیمی، ۱۳۹۵: ۹۰). از همین رو مادر باید از یک سو، در مورد روش‌های استفاده صحیح از رسانه برای فرزند خود آموزش‌هایی در نظر بگیرد. از سوی دیگر در این زمینه با فرزند خود صحبت کند، علایق او را بداند و برنامه‌های مفید متناسب با سنش برای او انتخاب کند. بدیهی است این آموزش و برنامه‌ریزی باید به صورت جامع، هدفمند و بر مبنای فرهنگ دینی تدوین و اجرایی گردد.

دوم. نظارت بر نحوه استفاده از رسانه

رسانه‌ها از نخستین سال‌های کودکی با انسان همراه می‌شوند. کودک یا نوجوان دوست دارد هر چیزی را که می‌خواهد تماشا کند؛ اما مادر وظیفه دارد بر چیزهایی که فرزند می‌بیند نظارت کند و در این زمینه محدودیت‌هایی قرار دهد. متخصصین تأکید می‌کنند والدین

مدت زمان تماشای تلویزیون توسط کودکان را کنترل کنند. از طرفی به محتوای برنامه‌ای که فرزند تماشا می‌کند نیز توجه داشته باشند. فیلم‌ها، کارتون‌ها و به‌طور کلی برنامه‌های تلویزیونی تربیت غیر مستقیم به شمار می‌روند. پایداترین تربیت‌ها هم، تربیت غیر مستقیم است. از همین رو مادر باید مراقب باشد فرزند در مقابل صحنه‌های خشونت‌آمیز یا دیگر صحنه‌های نامناسب قرار نگیرد. همچنین به عادت‌های خود در خصوص تماشای تلویزیون هم دقت داشته باشد زیرا این مسئله ناخواسته بر تربیت فرزند تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد. (بابایی، ۱۳۹۱: ۶۱-۵۸).

سوم. ارائه جایگزین‌های مناسب

مادر باید تلاش کند مواجهه فرزندش با محتوای تاثیرگذار رسانه‌ها را کاهش دهد و ابزارهای جایگزین مناسب از قبیل کتاب‌ها و مجله‌های کودکانه را در اختیار او قرار بدهد. کودکان باید بخشی از اوقات فراغت خود را به مطالعه کتاب و سرگرم شدن با مجلات بگذرانند. (بابایی، ۱۳۹۱: ۶۱-۵۸). مادر هم می‌تواند از این طریق فضائل اخلاقی گوناگونی مانند نیکوکاری، عدالت‌خواهی، انسان‌دوستی، فداکاری و... را در وجود فرزند خود پرورش دهد و جلوی بسیاری از رذائل اخلاقی را بگیرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «کتابخوانی را باید جزء عادات خودمان قرار دهیم. به فرزندان مان هم از کودکی عادت بدهیم کتاب بخوانند؛ مثلاً وقتی می‌خواهند بخوابند، کتاب بخوانند. یا وقتی ایام فراغت هست، روز جمعه‌ای هست که تفریح می‌کنند، حتماً بخشی از آن روز را به کتاب خواندن اختصاص دهند. در تابستان‌ها که نوجوانان و جوانان محصل، تعطیل‌اند حتماً کتاب بخوانند. کتاب‌هایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند» (امام خامنه‌ای، بیانات در مصاحبه پایان بازدید از نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۱۳۷۵/۲/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22041>

سوق دادن فرزند به سمت بازی‌های گروهی یکی دیگر از کارهایی است که مادر می‌تواند در این زمینه انجام دهد. فایده این‌گونه بازی‌ها این است که فرزند تعامل صحیح با

دیگران و بسیاری از نکات اخلاقی دیگر را در قالب قوانین و آداب بازی خواهد آموخت. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: «بچه‌های خودمان آلک دولک بازی می‌کردند که تحرک داشت و خوب بود. گرگم به هوا بازی می‌کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط کشی می‌کنند و لی لی می‌کنند. بازی بچه‌های ما این‌ها بود. حال بچه‌ها را آورده‌ایم نشانده‌ایم پای اینترنت. نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند. ذهن‌شان تسخیر شده به وسیله طرف مقابل. خب بیایید بازی تولید کنید، بازی ترویج کنید، همین بازی‌هایی که بنده حالا اسم آوردم و ده تا از این قبیل بازی [که] بین بچه‌های ما از قدیم معمول بوده را ترویج کنید؛ [این] یکی از کارها است، این‌ها را ترویج کنید. ما همه‌اش نباید نگاه کنیم بینیم که غربی‌ها از چه جور بازی‌ای حمایت می‌کنند، ما هم از همان بازی حمایت بکنیم. ورزش باستانی یک ورزش زیبا و هنری است، خب این را ترویج کنید؛ این‌ها را پیش ببرید و ترویج کنید که بچه‌ها [سراغ این‌ها] بروند». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/24721>)

دو. معرفی الگوهای برتر اخلاقی

با قرنطینه افکار و چشم‌های کودک نمی‌توان او را از مرحله الگوبرداری از قهرمان‌های کارتونی به سلامت عبور داد. در بررسی علت‌های گرایش والدین به انتخاب فیلم‌های انیمیشنی برای سرگرم کردن کودکان می‌توان گفت در عصر حاضر به علت وجود محدودیت‌ها و زندگی در خانه‌های آپارتمانی که فضایی برای جست‌وخیزهای کودکان وجود ندارد، بیشتر وقت آن‌ها به تماشای چنین کارتون‌هایی می‌گذرد. بدیهی است مادر باید فراتر از علل، به ارائه راهکار بیاورد. وی با افزایش مطالعات خود و آشنایی با آثار مخرب چنین انیمیشن‌هایی، در مرحله نخست باید در انتخاب فیلم‌ها برای پرکردن اوقات فراغت فرزند خود دقت لازم را بکند. در مرحله بعد انسان‌های برجسته‌ای که در فرهنگ ایرانی - اسلامی فراوان به چشم می‌خورند به عنوان الگوهای قهرمان به فرزند خود معرفی کند.

الگو در اصطلاح، به فردی گفته می‌شود که به دلیل داشتن خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۵). تأکید بر الگویابی، اولاً بر این است که انسان از محیط اجتماعی و انسان‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد و ثانیاً مبتنی بر گرایش فطری انسان به سوی کمال است. (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۶۳) انسان ذاتاً الگوظلب و الگوظدیر است. به همین جهت معرفی الگوی برتر یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت به حساب می‌آید. هر چه کمال و جاذبه نمونه ارائه شده بیشتر باشد، این روش کارایی بیشتری خواهد داشت. تربیت ابتدایی کودک به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد؛ چراکه کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول «پدر و مادر» او هستند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان رشد کرده و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. (احمدی، ۱۳۶۴: ۱۵۶)

در روش الگوظدیری، فرایند به کمال رساندن یا رشد دادن فضایل اخلاقی، به وسیله ارائه نمونه‌های عینی و قابل انطباق صورت می‌گیرد که در این صورت تربیت فرزند، آسان‌تر و مؤثرتر خواهد بود؛ زیرا فرد تربیت شونده به جای آن که به صورت ذهنی رفتار مناسب را فرا گیرد، با مشاهده موقعیت‌های واقعی و همانندسازی خود با الگو، قادر خواهد بود که در موقعیت‌های مختلف به صورت مطلوب عمل نماید و در رسیدن به کمال، توفیق بیشتری بیابد. (افروز، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۱۶)

به طور کلی روش الگویی به عنوان تربیت عملی، بر جان انسان‌ها می‌نشیند و در نفوس آن‌ها رسوخ می‌کند. در این روش مادر، نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید کودک قرار می‌دهد. کودک هم سعی می‌کند شخص یا اشخاصی که به نظرش شخصیت قابل قبولی دارند در ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی سرمشق خود قرار دهد. در این راستا مقام معظم رهبری در بخشی از سخنان خود می‌فرمایند: «بچه‌های ما اسم بازیکنان و ستاره‌های فوتبال دنیا را خیلی خوب بلدند. یکی یکی همین‌طور مکرر اسم این‌ها را می‌آورند. این طرفدار این است، آن طرفدار آن است، لباس نمی‌دانم فلان تیم فرنگی را این می‌پوشد، آن

یکی لباس تیم دیگر را می پوشد؛ اما اسم مثلاً فرض کنید که فلان دانشمند معاصر خودشان را نمی شناسند؛ اسم بیاوری نمی شناسند کیست. خب این ها بد است، این ها را ما بایستی واقعاً کار بکنیم». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/247211392/9/19>)

بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری یکی از وظایف والدین این است که سبک زندگی شهیدان را برای نسل‌های رو به آینده به تصویر بکشند و به آن‌ها نشان بدهند افرادی که توانستند کشور را از یک جنگ همه‌جانبه و بین‌المللی نجات بدهند، چه کسانی بودند؟ این موضوع برای نسل امروز خیلی اهمیت دارد. بنابراین، بایستی رفتارشناسی این جوان‌ها برای فرزندان نسل امروز روشن باشد تا به آرمان‌های الهی آنان آگاه شوند و ایشان را سرمشق خود قرار دهند. (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/34514>)

اصل الگودهی در سیره حضرت زهرا علیها السلام نیز فراوان به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال ایشان در قالب معرفی الگو به فرزند خود امام حسن علیه السلام سفارش می‌کرد: «پسرم حسن، مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق برکن، خدایی را پرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن». (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۶/۴۳). نکته مهمی که در سیره حضرت زهرا (س) به چشم می‌خورد این است که ایشان، در معرفی الگو نوعی اولویت و تقدم و تأخر را رعایت می‌کردند. با وجود این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشرف خلائق هستند و منزلت آن حضرت از همه انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام بالاتر است، حضرت زهرا (س) حضرت علی علیه السلام را به‌عنوان الگوی حسنین معرفی می‌کردند. شاید حکمتش این باشد که در معرفی الگو به فرزند باید الگویی که از نظر مکانی، معاشرتی و نسبی نزدیک‌تر است، مقدم شود. بنابراین می‌توان بر این نکته تأکید کرد که الگوی عینی بر ذهنی و الگوی قریب بر بعید ترجیح دارد. نکته دیگری که در سیره تربیتی حضرت زهرا (س) مشاهده می‌شود این

است که ایشان فضیلت الگو را مشخص کرده است. بنابراین در معرفی الگو لازم است مشخصه ممتاز الگو نیز برای کودک تعیین شود.

سه. مدیریت ارتباط‌های دوستانه فرزند

پرورش فضائل اخلاقی در فرزند مانند رشد و پرورش نهالی است که به مراقبت نیاز دارد. مراقبت و نظارت در دوران پرورش فضائل اخلاقی در کودک ضروری است. (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۱). انسان از یک سو، همواره تحت تأثیر عوامل محیطی است و از سوی دیگر، درجات کمال برای انسان پایان‌ناپذیر است. (مصباح و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۱۴). به همین دلیل، نظارت و مراقبت باید تا زمانی استمرار یابد که فضائل در کودک به «شاکله» تبدیل شود. در قرآن کریم آمده است: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»؛ هر یک بر پایه شاکله خود رفتار می‌کنند» (اسراء، ۸۴). در تفسیر این آیه در تفسیر نمونه این‌گونه بیان شده است: «مؤمنانی که از آیات قرآن، شفا می‌طلبند و رحمت کسب می‌کنند و ظالمانی که جز خسارت و زیان، بهره‌ای از آن نمی‌گیرند و انسان‌های کم‌ظرفیتی که در حال نعمت مغرورند و در مشکلات مایوس و زبون، همه این‌ها طبق روحیاتشان عمل می‌کنند، روحیاتی که بر اثر تعلیم و تربیت و اعمال مکرر خود انسان شکل گرفته است». (مکارم‌شیرازی، ۱۲/۲۴۴). در حقیقت ویژگی اصلی شاکله، استواری و پایداری آن است؛ به گونه‌ای که بر فکر، احساس، نیت، اراده اعمال و رفتار فرد احاطه دارد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

مراقبت ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: جسمی، روحی، شناختی و بینشی، دوستان و همسالان. از مهم‌ترین علل گرایش جوانان به دوستان نامناسب و ناشایست، غفلت والدین در روابط فرزند با دیگران در دوران کودکی و ابتدای نوجوانی است. مادر وظیفه دارد به روابط فرزندش با همسالان و دوستی‌های او به موقع توجه کند. ملاک‌های دوست خوب را به او بیاموزد و از همان کودکی در او پشتوانه دینی، فرهنگی و اعتماد به نفس ایجاد و وی را درست تربیت کند. مادر با محبت خاصی که به فرزندانش دارد باید مراقب تمام رفتارهای آنان باشد و به دقت آنان را زیر نظر داشته باشد تا در تربیت صحیح آن‌ها مشکلی پیش

نیاید. (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵)

رهبر معظم انقلاب با توجه به حدیث امام صادق علیه السلام ویژگی‌های دوست واقعی را این‌گونه بیان می‌کنند: «فِي الْكَافِي عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ احْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِحُضَلَّتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَ إِلَّا فَاَعْرَبْتَ ثُمَّ اعْرَبْتَ ثُمَّ اعْرَبْتَ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيْتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ». (شافی، صفحه ۶۵۲). اخوان، منظور مطلق معاشرین، علی‌الظاهر نیست. یعنی آن کسانی که می‌خواهید به‌عنوان برادران خود و افرادی که با آن‌ها صداقت دارید، افراد نزدیک، کسانی را که به این عنوان می‌خواهید انتخاب کنید، این دو صفت را در آن‌ها حتماً ملاحظه کنید. اگر این دو صفت در آن‌ها بود، چه بهتر؛ «و الّا فاعزب ثم اعزب ثم اعزب». عَزَبَ یعنی فاصله گرفتن، از آن‌ها رو پوشاندن. [مثل] «لايعزب عنه مثقال ذرة» (سبا/۳) که در قرآن کریم هست. دوری کنید از آن‌ها. از آن‌ها رو بپوشانید و دوری کنید. این دو صفت چیست؟ «محافظة على الصلوات في مواقيتها». یکی این که محافظ نماز باشند. «و البرّ في الاخوان في العسر و اليسر». صفت دوم هم یک صفت اجتماعی است. اولی صفت فردی بود، بینه و بین‌الله بود؛ این دومی بینه و بین‌الناس است. کسی باشد که صفتش این باشد، که به برادرانش نیکی می‌کند؛ هم در عسر، هم در یسر».

امام حسن علیه السلام در تربیت فرزندان خویش، به نقش حساس دوست و همبازی‌های کودک عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و به یکی از فرزندانش می‌فرمایند: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْحُبْرَةَ وَ رَضِيْتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالِهِ الْعَثْرَةَ وَ الْمَوَاسَاهِ فِي الْعُسْرِ؛ ای پسر! با احدی برادری مکن تا آن‌که بدانی کجاها می‌رود و از کجاها می‌آید. و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد». (تحف العقول، ۱۳۹۳: ۲۳۳)

مسئله مهم دیگر این است که نیازهای اعتقادی و مذهبی فرزند باید در نهاد خانواده پاسخ داده شوند؛ در این صورت او دیگر به طرح مسائل معرفتی و اعتقادی در جمع‌های

دوستانه نیاز پیدا نخواهد کرد. گروه‌های دوستانه اغلب به سبب فقدان آگاهی و عدم تجربه کافی در زمینه پاسخگویی به شبهات دینی و مسائل اعتقادی، تهدیدی جدی در دین‌گریزی و تزلزل باورهای نوجوانان محسوب می‌شوند. در شرایط کنونی، دشمنان اسلام با استفاده از ابزارهای گوناگون، به دنبال منحرف کردن باورهای دینی نسل جدید هستند. از همین رو آگاهی‌بخشی توسط مادر در زمینه فضایل اخلاقی به فرزند، از اهمیت بالایی برخوردار است. فرزند با مشاهده عینی فضایل اخلاقی در گفتار و رفتار مادر، می‌تواند نسبت به فضائل اخلاقی شناخت پیدا کند و آن‌ها را در وجود خود عملی سازد تا بتواند از هر گونه لغزش در مصاحبت با دوستان ایمن بماند.

ج) راهکارهای عام در تمام چالش‌های پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب

این راهکارها که در تمام چالش‌ها کاربرد داشته، از بیانات رهبری معظم نیز برداشت می‌شود عبارت است از:

یک. تقوا و خودسازی مادر

با توجه به توصیه‌های راهبردی مقام معظم رهبری در ضرورت توجه به معنویت و اخلاق به‌منزله جهت دهنده حرکت‌های فردی و اجتماعی در جامعه، مسئولیت سنگین مادر در تربیت اخلاقی نسل چهارم انقلاب بیش از پیش احساس می‌شود. مادر نخستین کسی است که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد و نهال آن را آبیاری می‌کند. طرز فکر و رفتار او در سازندگی کودک مؤثر است و اوست که می‌تواند کودک را بر اساس مبادی آداب اسلامی پیروانند و تربیت کند. خودسازی فردی مادر از ارکان مهم تربیتی به‌شمار می‌رود. اگر مادر ایمان و تقوا را در لایه‌های زیرین شخصیت خود وارد نکرده باشد، نمی‌تواند فرزندانی دین‌دار تربیت کند. کودکان به واسطه ویژگی‌های طبیعی‌شان همواره در حال سرمشق‌گیری از نزدیک‌ترین سرپرستان خود هستند. رفتاری که مادر از خود بروز می‌دهد قادر است بعد از گذشت مدت زمانی در فرزند خود مشاهده کند. از همین رو شایسته است به دین، اهداف و

برنامه‌های آن آگاهی داشته باشد و آنان را در وجود خود نهادینه سازد تا بتواند فرزندانی دین‌دار و با اخلاق تربیت کند.

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده است باز تحت تأثیر عطوفت، محبت و شیوه‌های خاص مادرانه مادر است. اگر زنان از لحاظ رتبه معرفتی، بینش و معلومات سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری و با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطح‌اش پایین است؛ البته این نمی‌تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند. این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود، پایه بهشتی شدنش از مادر است که «الجنة تحت اقدام الأمهات». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مداحان، <https://khl.ink/f/۴۷۲۵۴> <https://farsi.khamenei.ir/۱۳۸۴/۵/۵>)

بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری، از همه کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان برای ورود در میدان‌های بزرگ است. رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌داند و می‌فرماید: «امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادی‌گری و مادی‌پرستی است». ایشان می‌فرمایند: «اگر انسان‌ها از نظر سواد و دانش و سیاست بحرالعلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشند کوچکترین نفعی برای جامعه نخواهند داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام، از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضای خدا گذشتن، از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که

برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به کار گیریم». (ر-ک: بانکی پور و قماشچی، ۱۳۸۰: ۱۴۰-۱۳۲)

در جای دیگری می‌فرمایند: «ارزش زن به این است که بتواند محیط زندگی را برای خود، برای مرد و فرزندان، یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند و آن وقتی که وظیفه او ایجاب می‌کند بتواند در سرنوشت کشور اثر بگذارد و در سرنوشت جامعه، نقش ایفا کند که در این صورت نقش زن - همچنان که گفته شد - فقط پنجاه درصد نیست، نقش کمی نیست؛ بلکه نقش کیفی است. هم خود او نقش ایفا می‌کند هم با استفاده از جاذبه‌ای که خدای متعال در وجود زن گذاشته است، فرزند و شوهر خود را در آن راهی که مطلوب است، سوی (جهت) می‌دهد و پیش می‌برد. بنابراین نقش زن در این صورت، نقشی مضاعف است». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع بانوان استان هرمزگان، ۱۳۷۶/۱۱/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/11400>)

دو. محبت‌ورزی نسبت به فرزند

بی‌شک یکی از نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی همچون آب، غذا و... نیاز به محبت است. اگر این نیاز کودک برآورده شود تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. از آنجاکه خانواده نخستین سرپرست کودک است لازم است والدین و به خصوص مادر به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بدانند پاسخگویی به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد. ارضای این نیاز کودک، موجب آرامش روانی، اعتماد به نفس و اعتماد به والدین می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۵: ۱، ۹۲ و ۹۳)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر

خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی -چه دختر و چه پسر- وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
<https://khl.ink/f/۷۲۸۴><https://farsi.khamenei.ir>)

از نظر روانی این که کودک در آینده فردی صمیمی باشد یا نه، مهرورز باشد یا خشن، با دیگران در جوشش باشد یا منزوی، بستگی به ارتباط مادر با کودک دارد. با محبت کردن به کودک می‌توان از بسیاری از انحرافات جلوگیری کرد؛ زیرا کمبود محبت یکی از عوامل مهم در سوق دادن اطفال و نوجوانان به سوی بزهکاری است. (فرهنگ شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۱۹۶). یکی از نکات مهم در مسئله محبت به کودکان این است که تنها به محبت درونی اکتفا نکنیم؛ زیرا محبت وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که آن را ابراز و کودک را از آن آگاه سازیم. ابراز محبت نکته‌ای است که ائمه علیهم‌السلام اصحاب خود را به آن توجه داده‌اند. یحیی بن ابراهیم از پدران نقل می‌کند: «مردی از مسجد می‌گذشت و امام باقر علیه‌السلام نیز نشسته بود. یکی از اصحاب عرض کرد: به خدا من این مرد را دوست می‌دارم. امام باقر علیه‌السلام فرمود: برخیز و او را از این محبت خود آگاه کن؛ زیرا این کار موجب بقای دوستی می‌شود و برای سازگاری، بهتر است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۱/۷۴). گرچه این سیره در مورد ابراز محبت به بزرگسال است؛ اما اولاً روایت عام است و خردسال را نیز در برمی‌گیرد؛ ثانیاً وقتی آگاه کردن بزرگسال از این محبت لازم و در پایداری و دوام محبت مؤثر است، ابراز آن به کودک به طریق اولی لازم خواهد بود؛ زیرا بزرگسال ممکن است بتواند با شاهد و قرائنی این محبت را درک کند ولی کودکان جز از طریق ابراز محبت قادر به درک وجود محبت در بزرگسالان نسبت به خود نخواهند بود.

ابراز محبت مادر به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که بهترین آن‌ها در آغوش کشیدن، نوازش کردن و بوسیدن است. این امر مایه جلب محبت و اطمینان کودک می‌شود. اینجاست که نقش محبت در پرورش فضائل اخلاقی فرزند پررنگ می‌شود؛ زیرا همانگونه که بیان شد نتیجه محبت به فرزند، اعتماد به والدین است. مادر می‌تواند از این محبت و اعتماد ایجاد شده در راستای نهادینه‌سازی فضیلت‌های اخلاقی در وجود فرزند خود بهره‌بردارد. مهم‌ترین نکته در تربیت، ایجاد رابطه بین مادر و فرزند است و بهترین نوع رابطه، رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد. خداوند نیز قرآن را با محبت و ابراز آن آغاز کرده است. نخستین جمله از اولین سوره قرآن، جمله «بسم الله الرحمن الرحیم؛ به نام خدایی که بخشنده و مهربان است» می‌باشد که نوعی ابراز محبت به بندگان است.

بنابراین زبان ارتباط با انسان‌ها و به‌ویژه کودکان، زبان محبت است. با خشونت و یا حتی بی‌محبتی نمی‌توان کسی را تربیت کرد؛ زیرا برای تربیت صحیح و رشد اخلاقی، کودک باید به مادر اعتماد و از او حرف‌شنوی داشته باشد. این اعتماد و حرف‌شنوی تنها با محبت ایجاد می‌شود. حضرت علی علیه السلام در این باره در وصیت به فرزندش می‌فرماید: «واعلم ای بنی‌انسه من لانت كلمته وجبت محبته و طبیعی أن نجد کل محبوب مسموع الکلام؛ فرزندم بدان کسی که سخنش نرم است، باید او را دوست داشت و طبیعی است که هر محبوبی کلامش گوش‌کردنی است». (ادیب، ۱۳۶۲: ۲۹۰)

نتیجه آن که محبت و مهرورزی نسبت به فرزند، یک روش مهم در تربیت محسوب می‌شود؛ زیرا اولاً از طریق گفتار و رفتار همراه با عطف و مهربانی می‌توان بسیاری از فضایل اخلاقی را در کودک پرورش داد و ثانیاً زمینه تربیت‌های بعدی فراهم خواهد شد؛ زیرا اصولاً انسان‌ها به‌ویژه کودکان سر در گرو محبت دارند و محبت‌کننده به خود را دوست دارند و مطیع فرمان او هستند.

سه. بازی با کودک

یکی از غرائزی که خداوند حکیم در باطن کودکان قرار داده، تمایل به بازی است. شاید

در اول، این کارها لغو و بی‌اثر باشد؛ اما باعث تکامل روح و جان کودک می‌شود. روح انسان نخست شبیه خمیر است که آن را در هر قالبی بریزند به همان شکل در می‌آید. هرچه انسان رشد کند، انعطاف پذیریش کمتر می‌شود. از همین رو علما به تربیت دوران کودکی اهمیت زیادی می‌دهند. در دوران کودکی می‌توان بنای زندگی سالم و سعادت‌مندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۸)

بازی از بهترین عوامل پرورش اخلاقی کودک است. مادر از راه بازی می‌تواند به اصلاح کودک بپردازد و نقایصی که در زندگی او هست را از میان بردارد. از طریق بازی می‌توان به شیوه صحیح در اخلاق کودک تأثیر گذاشت و حقایق اسرارآمیز زندگی را برای او روشن ساخت. در بازی کودک در می‌یابد چه اموری را باید انجام دهد و از چه اموری باید خودداری نماید. کودک ساعت‌ها بازی می‌کند و مادر می‌تواند از این فرصت برای انتقال مفاهیم دینی و آموزش راه و رسم صحیح زندگی به کودک استفاده کند. به همین دلیل مادر باید بازی‌ها را جهت دهد و طبق شرایط، نوع آن‌ها را برای کودک انتخاب کند.

از دیرباز روان‌شناسان کودک، به اهمیت بازی و پیامدهای مثبت آن توجه کرده و بدان پرداخته‌اند. روایتی از پیامبر اکرم ﷺ در تأیید بازی و تأثیر آن بر دوران بزرگ‌سالی چنین نقل شده است: تندی و میل بسیار به بازی در کودکی نشانه متانت و پختگی و زیادی عقل کودک در بزرگی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۵: ۹۶)؛ شاید بتوان این سخن رسول خدا ﷺ را از دیدگاه روان‌شناسی، به‌گونه‌ای با این نظریه منطبق دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی‌های زائد جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگ‌سالی تأثیرگذار است. (حسینی زاده، ۱۳۸۲: ۵۴)

نقل شده است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در هنگام بازی با فرزندش امام حسن ﷺ و عظه‌هایی در قالب شعر به ایشان تعلیم می‌فرمودند: «فرزندم حسن مانند پدرت باش! ریسمان ظلم را از حق برکن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۶/۴۳). ایشان در

قالب بازی و شعر فرزند خویش را از همان دوران کودکی به ظلم‌ستیزی و حق‌گرایی دعوت می‌کند و انسانیت را در او شکوفا می‌سازد.

چهار. بهره‌گیری از ابزارهای هنری در رشد فضایل اخلاقی فرزند

استفاده از ظرفیت‌های هنر به‌ویژه بعضی از مصادیق آن مانند شعر، قصه‌گویی، نمایش و... نقش مؤثری در رشد معنوی و پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان دارد. هنر وقتی در خدمت رشد و تعالی انسان قرار گیرد ارزش ذاتی خواهد داشت. (جعفری، بی‌تا: ۱۳۷) هنر در کنار آگاهی‌ها، باورها و اخلاق موجب رشد فرهنگی و ایجاد جامعه متعالی و انسان‌های باکمال می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۵۳) امروزه با توجه به کاستی‌های تربیت مستقیم، متخصصان تعلیم و تربیت به‌سوی بهره‌گیری از روش‌های غیرمستقیم مانند استفاده از ابزار هنر رفته‌اند. (صابری، ۱۳۹۱: ۱۱۴) با ابزار هنر می‌توان عواطف کودک را تحریک کرد و در جهت مطلوب به کار گرفت.

استفاده از مثال‌ها و قصه‌های زیبا در فرایند انتقال مفاهیم دینی به فرزند نقش مؤثری دارد؛ زیرا هم باعث جذابیت مفاهیم دینی می‌شود و هم در وجود فرزند تنوع و نشاط ایجاد می‌کند. اگر به سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه مراجعه کنیم می‌بینیم که ایشان نیز همانند قرآن کریم از مثال‌های زیادی برای رساندن پیام الهی و آموزش حقایق معنوی در مناسبت‌های گوناگون استفاده نموده‌اند. به‌عنوان مثال خطاب به جابر فرمودند: «ای جابر! دین اسلام دین با متانتی است. با خودت با مدارا رفتار کن. انسان‌هایی که خیال می‌کنند با فشار آوردن و سخت‌گیری بر خود زودتر به مقصد می‌رسند، اشتباه می‌کنند. آن‌ها اصلاً به مقصد نمی‌رسند. مثل آن‌ها، مثل آدمی است که مرکبی به او داده‌اند که از شهری به شهر دیگر برود. او خیال می‌کند که هر چه بیشتر بر مرکب فشار بیاورد، زودتر می‌رسد. منزل اول، دوم و سوم را ممکن است در ظرف یک روز برود. اما ناگاه متوجه می‌شود که حیوان بیچاره را زخمی کرده و حیوان هم از راه مانده است؛ در این جا به مقصد که نرسیده است هیچ، مرکب خویش را هم ناقص کرده است». (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۱). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از این

تمثیل استفاده کردند برای آن که بفهماند دین اسلام، دین معتدلی است و نباید با فشار آوردن و سخت‌گیری بیش‌ازحد، گمان کرد که زودتر می‌توان به مقصد رسید؛ بلکه چه بسا این امر موجب شود که اصلاً به مقصد نرسید.

در حدیث گویا و بیدارکننده‌ای از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که رسول خدا وارد زمین بی‌آب و علفی شد و به یارانش فرمودند که هیزم بیاورید، عرض کردند ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این جا سرزمین خشکی است که هیچ هیزم در آن نیست فرمود: بروید هرکدام هر مقدار می‌توانید جمع کنید، هریک از آن‌ها مختصر هیزم یا چوب خشکیده‌ای با خود آورد همه را پیش روی پیغمبر صلی الله علیه و آله روی هم ریختند، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این‌گونه گناهان کوچک روی هم متراکم می‌شوند. سپس فرمود: بترسید از گناهان کوچک که هر چیزی طالبی دارد و طالب آن‌ها آنچه را از پیش فرستادند و آنچه را از آثار باقی گذاشته‌اند می‌نویسد و همه چیز را در کتاب مبین ثبت کرده است. (کلینی، ۱۳۹۳، ۳/۳۹۴)

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به روشنی دلالت دارد بر این که استفاده از ابزارهای هنری در تعلیم بسیاری از فضیلت‌های اخلاقی کارآمد است و حتی سبب پایداری آموزه‌های اخلاقی می‌شود. مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند: «علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی و ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد». (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مداحان، ۵/۵/۱۳۸۴ <https://khl.ink/f/7284> <https://farsi.khamenei.ir>)

نتیجه‌گیری

مادر به عنوان اولین مربی فرزند، به علت ارتباط تنگاتنگی که از بدو تولد با فرزند دارد،

نقش مهمی در تربیت و رشد فضایل اخلاقی در وجود او ایفا می‌کند. اخلاق همانگونه که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین کرده‌اند به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. تربیت اخلاقی مستلزم آموزش تعالیم اخلاقی با هدف درونی‌سازی ارزش‌هاست. رهبر معظم انقلاب پیوسته بر نقش تربیتی مادر در رشد اخلاقی و معنوی فرزند تأکید فراوانی دارند. به فرموده ایشان، مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کرده‌اند. این نقش و تأثیر زن بر روی فرزند است. این نقشی است که زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند و جزء بزرگترین نقش‌هاست.

در مسیر رشد فضایل اخلاقی در نسل چهارم انقلاب، چالش‌هایی پیش روی مادران قرار دارد. یکی از این چالش‌ها، تأثیرات منفی رسانه است. امروزه به دلیل گسترش رسانه‌های ارتباطی، عموم مردم حتی کودکان و نوجوانان به نحو چشمگیری با این رسانه‌ها در ارتباط هستند. محبوبیت و جذابیت این رسانه‌ها به گونه‌ای است که امکان حذف آن‌ها از زندگی کودکان به طور کامل ندارد. از همین رو مادر باید بر استفاده فرزند از این رسانه‌ها نظارت کامل داشته باشد و با آگاهی و برنامه‌ریزی صحیح از آسیب‌های احتمالی آن‌ها پیشگیری کند. چالش دیگر پیش روی مادران الگوشدن قهرمان‌های کارتونی است. مادر می‌تواند الگوهای برتر اخلاقی و قهرمان‌های اصیل اسلامی را به فرزند خود معرفی کند تا فرزند با الگوبرگشتن از این قهرمان‌ها، شخصیت انسانی خود را ارتقاء ببخشد. معاشرت با دوستان ناشایست یکی دیگر از چالش‌های پیش روی مادران در رشد فضایل اخلاقی فرزند به حساب می‌آید. کودکان و نوجوانان دوست دارند گاهی از اوقات خود را با دوستان و همسالان سپری کنند. بنابراین مادر وظیفه دارد بر روابط دوستانه فرزند خود نظارت داشته باشد و معیارهای انتخاب دوست خوب را به او آموزش دهد. در نتیجه از این طریق می‌تواند مانع انحراف ارزش‌های اخلاقی فرزند خود در اثر معاشرت با دوستان ناشایست شود.

نتیجه آن که مادر با شناخت چالش‌های پیش‌رو در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب و عملی ساختن راهکارهای ارائه شده در این زمینه با توکل به خدای متعال قادر است فرزندان صالح و مؤثر در زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه تربیت نماید. البته در مسئله نقش تربیتی مادر در رشد فضایل اخلاقی نسل چهارم انقلاب، راهکارها و چالش‌های دیگری نیز وجود دارد که در تحقیق حاضر مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اهمیت این موضوع ضروری است سایر پژوهشگران، مطالعات گسترده‌تری بر اساس تحقیقات دقیق میدانی انجام دهند. نویسنده معتقد است اگر منابع مورد نیاز برای کسب آگاهی در مسیر تربیت دینی فرزند در اختیار مادران گذاشته شود؛ بدون شک در حل بسیاری از مشکلات تربیتی فرزندان مفید واقع خواهد شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب‌ها

۲۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. افروز، غلامعلی، روانشناسی و تربیت (کودکان و نوجوانان)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۲۵. احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، چاپ اول، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.
۲۶. احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۴.
۲۷. ادیب، علی محمدحسین، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۲.
۲۸. اکبری، محمود، راه و رسم دوستی، چاپ چهارم، قم: انتشارات فقیان، ۱۳۹۳.
۲۹. باقری، خسرو، نگاهی به تربیت اسلامی، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۹.
۳۰. بانکی‌پور، امیرحسین، قماشچی، احمد، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ اول، تهران: انتشارات تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۱. پاک‌نیا، عبدالکریم، تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی علیه السلام، چاپ اول، قم: نشر هجرت، ۱۳۸۲.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبانی اخلاق درقرآن)، قم: اسراء، ۱۳۷۴.
۳۳. حرانی، ابومحمد، ترجمه صادق حسن‌زاده، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، چاپ شانزدهم، قم: انتشارات آل علی علیهم السلام، ۱۳۹۳.
۳۴. حسینی زاده، علی، تربیت فرزند، قم: انتشارات زیتون، ۱۳۸۵.
۳۵. همان، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، چاپ یازدهم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۳۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ذکریا، ۱۳۷۵.

۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۴.
۳۸. سلیمانی، محمد، نقش الگوها در تربیت انسان، مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۹۰.
۳۹. شامبیاتی، فرهنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات ویستار، ۱۳۷۲.
۴۰. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۴۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه حسن صادق زاده، چاپ اول، قم: انتشارات صلوات، ۱۳۸۳.
۴۲. کریمی، سعید، توسعه سیاسی (رسانه و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی)، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۴۵. مصباح یزدی، مجتبی و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.
۴۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
۴۷. همان، سیری در سیره نبوی، چاپ شصت و ششم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۳.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.

مقالات

۴۹. بابایی، محمد، «رسانه نوین و سیر تحول تاریخی رسانه‌ها»، نشریه مدیریت ارتباطات، شماره ۱۷، ۱۳۹۱.
۵۰. حسینی نیا، اقبال، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر تربیت دینی»، مجله گنجینه، شماره ۵۴، ۱۳۸۴.
۵۱. صابری، رضا، «کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی»، دوفصل‌نامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۱.
۵۲. عظیمی، محمدحسین، «کودک، رسانه و ارتباط متقابل»، نشریه علوم و فنون مدیریت ارتباطات، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۵۳. قائمی مقدم، محمدرضا، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، ۱۳۸۲.

نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت در گام دوم انقلاب اسلامی

زینب طیبی (نویسنده مسئول)^۱

فاطمه رستمی کیا^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی با تأکید بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته است. بدون تردید انقلاب اسلامی فرصت‌های وافر برای حضور مستقیم و غیر مستقیم زنان در عرصه‌های مختلف ایجاد کرده است که موجب خودباوری و کرامت زن در زمینه‌های مختلف و احیا و بازسازی حقوق زن و نداشتن نگاه صرفاً ابزار و جنسی به زنان شده است. آنچه در این مقاله مورد نظر است تدوین نقش سیاسی و اجتماعی زن در مقاومت اسلامی است که در این جا به بخشی از آن پرداخته شده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده و در آن سعی شده مقاومت زنان و الگوپذیری آنان از بانوان بزرگ صدر اسلام، زنان مقاوم دوران انقلاب و زنان مبارز دوران دفاع مقدس را تبیین نماید. زنان در زمان گذشته همواره در میادین جنگ با دشمن و هم پای مردان و گاهی الگویی برای مردان در میادین سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ztayyebi62@gmail.com

۲. سطح ۲، مدرسه عالی علمیه حضرت آمنه، قم. ztayyebi62@gmail.com

بوده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در گام دوم انقلاب نیز زنان همچنان به عزم راسخ خویش مبنی بر مقاومت و دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی ﷺ، رهنمودهای کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمته‌الله و همچنین مقام معظم رهبری عنه‌الله پای بندند و تمام دغدغه خود را برای تربیت نسل جوان انقلابی شجاع و مقاوم در برابر ظلم و استبداد در پرتو آموزه‌های دین مبین اسلام متمرکز نموده است.

کلیدواژگان: فرهنگ مقاومت، زن، گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی مسأله‌ای بوده است که در سه دوره زمانی صدر اسلام، دوران انقلاب و دوران بعد از انقلاب مورد توجه همگان بوده است و چون در بیانیه گام دوم انقلاب با توجه به این که خطاب مقام معظم رهبری در این بیانیه بیشتر به جوانان است و نیمی از جوانان ما را زنان تشکیل داده‌اند، نقش مقاومت اسلامی زنان در بیانیه گام دوم انقلاب مهم و غیر قابل انکار است.

زنان نقش بسیار مهمی در جنبش‌ها و نهضت‌ها و انقلاب‌ها داشته‌اند. حساسیت نقش زن برخاسته از عمق تاثیرگذاری زنان در تمامی عرصه‌های زندگی است. دبرای نمونه می‌توان از نقش تاثیرگذار حضرت زینب علیها السلام در قیام پرحادثه عاشورا نام برد که یکی از نمونه‌های درخشانی است که اهمیت جایگاه مقاومت و ایثار زنان را در تاریخ اسلام به تصویر می‌کشد.

اهمیت این موضوع تا بدان جااست که زنان جوان و نوجوان امروز که مادران نسل‌های آینده‌اند، درک درستی از مقاومت زنان دهه‌های قبل از خود ندارند، چون آن‌ها تا چشم باز کرده‌اند در آرامش و امنیت زندگی کرده‌اند و همچنین با تنش‌های که امروز گاه میان برخی مسئولان دیده‌اند، از نظام دل‌سرد شده‌اند. باید آنان را آگاه کرد که زنان گذشته چه روزهای سختی را در دوران دفاع مقدس و دوران پهلوی با مقاومت و مبارزه پشت سر نهاده‌اند تا امروز فرزندان‌شان بتوانند در آرامش و امنیت زندگی بکنند. زنان جوان امروز و آینده این انقلاب باید بتوانند درس مقاومت را از زنان گذشته بیاموزند به امید این که بتوانند از کشور و دین اسلام از ناملایمات دشمنان و همچنین جنگ فرهنگی که دشمن امروز با آن م‌خواهد زن پاک انقلابی را در منجلاب فرهنگ غرب، غرق کند، مبارزه نماید.

بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که در مورد موضوع مقاومت اسلامی زنان در بیداری اسلامی آثاری مانند: «مقاله میزان ونوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره» نگارش حلیمه عنایت و مریم سروش، «حضور زنان در انقلاب اسلامی

ایران و تأثیر آن بر بیداری اسلامی»، نوشته نیره قوی، کتاب «نقش زنان در مقاومت آبادان به روایت فاطمه جوشی» تألیف مرتضی قاضی، مرجان فولادوند و سمیه حسینی نگاشته شده است، اما اثری مستقل در رابطه با این موضوع، به رشته تحریر نیامده است و پژوهش حاضر در پی آن است که به نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در گام دوم انقلاب بپردازد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری و امام خمینی علیه السلام استفاده شده است.

۱. مفهوم‌شناسی مقاومت

واژه مقاومت در لغت از ریشه «ق وم» است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال (زیبیدی، ۱۳۰۶ش، ج ۱۷، ص ۵۹۲؛ رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۶۶)، ثبات مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۵) استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۹۴)، پایداری، ایستادن، درست شدن و قیمت نهادن «دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۱۸۱» ذکر شده است.

این واژه در قرآن استعمال نشده است؛ اما با مصدر استقامت به صورت فعلی واسم فاعلی آمده است.

مشتقات فعلی آن، برای امر به استقامت «اِسْتَقِم» (هود۱۱۲)، «اِسْتَقِیْمَا» (یونس ۸۹)، «اِسْتَقِیْمُوا» (توبه ۱۰)، و برای بیان آثار استقامت به گونه «یُسْتَقِیْم» (تکویر ۲۸) و «اِسْتَقَامُوا» (فصلت ۳۰)، استعمال شده است در سایر موارد واژه «مستقیم» که اسم فاعل مصدر استقامت است به کار رفته است. از میان آیاتی که در هیئت فعلی، استقامت را بیان کرده‌اند حکم لزوم استقامت در برابر دشمن را بیان کرده و مباحث مختلفی از این آیات استفاده می‌شوند مانند: در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند (اِسْتَقَامُوا) فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم ندارید و غمگین نباشید به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. (فصلت، ۳۰)

در اصطلاح علمای اخلاق، مقاومت به معنای صبر است، آن‌گونه که مسکویه می‌گوید:

«اما الصبر فهو مقاومه النفس الهوى لثلاث تنقاد القبائح اللذات» (ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۴۲۶ق، ص ۱۰۲). یعنی؛ صبر همان ایستادگی نفس در برابر خواهش است تا گرفتار لذت‌های زشت نشود.

در اصطلاح علم سیاست واژه مقاومت معادل لاتین (rebuff, opposition, stand, resistance) (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۱۷) است. معنای این تعابیر به ترتیب عبارت است از: مقاومت، ایستادن، مخالفت کردن و واکنش برای دفع کردن. در اصطلاح علم فقه، مقاومت به نحو عام و خاص مطلق، زیر مجموعه موضوع جهاد است. بدین ترتیب که جهاد بر دو نوع است: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی که همان مقاومت است. پس برای فهم معنای اصطلاحی مقاومت در فقه، به اختصار به اصطلاح جهاد دفاعی می‌پردازیم. دفاع در شریعت اسلام بر دو قسم است: دفاع از اساس اسلام و دفاع از نفس. اما قسم اول که مناسب این مقاله می‌باشد، عبارت است از این که اگر دشمن به مسلمانان حمله کند به شکلی که اساس اسلام در خطر قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است که با فدا کردن جان و مال و هر وسیله ممکن در برابر آن هجوم ایستادگی و دفاع کنند. این دفاع به صورت کفایی یا عینی بر مسلمانان واجب است و حضور امام معصوم یا اذن او لازم نیست. (مشکینی علی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۵).

مفهوم مقاومت در گام دوم انقلاب

مفهوم مقاومت یکی از اصول اساسی بیانیه گام دوم انقلاب است آن قدر مهم است که می‌توان گفت که این بیانیه، بیانیه مقاومت است. در خود متن بیانیه به نوعی تعریف و شاخص‌های ایجابی و سلبی مقاومت پرداخته شده است، بعد سلبی مقاومت ابعاد شعاری، جنگ و مبارزه و برائت از دشمن است اما بخش زیادی از مقاومت در جنبه اثباتی آن است، یعنی این که شما قوی بشوی، انقلاب اسلامی مستحکم بشود، تدبیر و تولید ملی در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دانش بالا برود، آرامش و طمأنینه بر کشور حاکم شود، عشق و محبت و مهرورزی زیاد شود. از جمله مفاد و بندهای که در بیانیه گام دوم اشاره به مقاومت

و استقامت و پایداری ملت ایران و مخاطب جوان دارند عبارتند از:

- انقلاب اسلامی: مایه سربلندی ایران و ایرانی

- مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل (ما می‌توانیم) عامل عزت و پیشرفت ایران در همه

عرصه‌ها

بند ۷. ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

- اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران

- اقتصاد، اقتصاد مقاومتی

- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن.

مقام بانوان در بیانیه گام دوم انقلاب

گرچه در بیانیه گام دوم انقلاب بخش مجزایی خطاب به زنان نیامده است ولی این نشان از آن نیست که مخاطب مقام معظم رهبری زنان نیست بلکه نشان می‌دهد که زنان در متن و نه در حاشیه گام دوم هستند در تمام متن گام دوم یعنی از کلمه اول تا کلمه آخر نقش زنانه را باید جست‌وجو کرد همچنین نشان از آن است که این اعتماد، بصیرت و خود آگاهی به جامعه زنان وجود داشته که آن‌ها بدون آن که به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار بگیرند می‌توانند راه خودشان را در بیانیه گام دوم انقلاب پیدا کنند و ممکن است این عمومی نباشد اما قطعاً قشری از روشنفکران و زنان تراز گفتمان انقلاب اسلامی می‌توانند این بیانیه را با خوانش زنانه تفسیر کنند، در عین حال در بخش‌های از بیانیه اشاراتی وجود دارد که نشان می‌دهد این رویکرد زنانه چگونه رقم بخورد به‌طور نمونه در جایی از بیانیه، مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند که مهم‌ترین ظرفیت امید بخش جامعه نیروی انسانی است و این نیروی انسانی مستعد و کارآمد جمعیت جوان زیر ۴۰ سال است، ۳۶ میلیون نفر در سنین ۱۵ تا ۴۰ سالگی و ۱۶ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، انبوه

جوانانی است که آماده تلاش جهادی برای کشور هستند در عمل نیمی از این جمعیت

خانمها هستند و به هیچ وجه در ارائه آمارها زنان و مردان جدا نشده‌اند و اصلاحی نبوده

و پیش فرض گرفته شده که زنان هم در همه عرصه‌ها می‌توانند حضور داشته باشند و باید با مقاومت و تلاش جهادی برای ارتقا کشور داشته باشند در این ۴۰ سال انقلاب اسلامی به بلوغی رسیده‌ایم که زنان در همه ابعاد دستاوردها و آینده انقلاب و فرصت‌های کشور در سطر به سطر بیانیه گام دوم تنیده شده‌اند و زنان ما در متن انقلاب و از نظر رهبری تک تکشان در گام دوم نقش آفرین هستند «آیت... خامنه‌ای، ص ۲۶۹ تا ۲۷۲؛ بیانات، ۲۹ دی ماه ۱۳۸۸».

۲. مقاومت اسلامی زنان در تاریخ و دوره‌های اسلامی

مقاومت اسلامی زنان در تاریخ را می‌توان در چند دوره تحلیل کرد.

۱- ۲. نقش مقاومت در بانوان بزرگ صدر اسلام

اگرچه مخاطبان بیانیه گام دوم انقلاب در بیانات مقام معظم رهبری جوانان عصر حاضر می‌باشند و نیمی از جوانان ما زنان هستند و نقش مقاومت زنان در بیانیه بسیار مهم می‌باشد، زنان نقش‌های مختلفی را در گام دوم انقلاب بر عهده دارند از جمله نقش ترویج مقاومت در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و تربیتی و..... زن مسلمان برای این که بتواند مقاومت اسلامی را در این زمینه‌ها در جامعه گسترش دهد نیاز به الگوی شایسته دارد که می‌تواند بانوان بزرگ صدر اسلام و دوران پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان سرلوحه‌ای برای پیشرفت در این مسائل قرار دهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: برای نمونه شخصیت زهرا اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به طوری که همه زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پر مغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختی‌های مبارزه دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع واقسام شدت‌های دوران مبارزه مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر

مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه زهرا علیها السلام و امیر المومنین علیه السلام، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله بسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد. پس، زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، اگرچه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و مقاومت و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهنای از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه زهرا است که بسیار عظیم فوق العاده و حقیقتاً بی نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه درخشان و استثنایی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۱۳۸۶/۱۰/۲۶ <https://farsi.khamenei.ir> . (<https://khl.ink/f/2251>).

نمونه بارز دیگر از مقاومت و ایثار بانوان بزرگ، حضرت زینب علیها السلام است که نشان دهنده مقاومت و ایثار از نوع مقاومتی مخلصانه است. تلاش و ایثار حضرت زینب علیها السلام فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب علیها السلام از روح کلی اسلام و جامعه آنروز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجاست. حضرت زینب در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی انصافی، حیوان صفتی و قساوت، یک تنه ایستاد و مقاومت کرد. و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که می‌گوییم امام حسین علیه السلام اسلام را حفظ کرد، می‌توانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب علیها السلام هم با ایستادگی و مقاومت خود، اسلام را حفظ کرد. این مقاومت، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است. ملت‌هایی که برای هدف‌های خود ایستادگی می‌کنند، موفقند. ممکن است این موفقیت، در کوتاه مدت به چشم آدم‌های کوتاه بین نیاید؛ اما بدون تردید این موفقیت، تثبیت شده است و برو برگرد ندارد. شما به همین قضیه فلسطین

مجروح مظلوم غصب شده نگاه کنید؛ مردمی که در آن جا هستند، الان یکسال است که مقاومت و ایستادگی کرده‌اند. اگر بخواهیم با چشم مادی به آمارهای ظاهری نگاه کنیم، می‌بینیم اینها یک سال کتک خوردند، ضربت دیدند، کشته و مجروح دادند؛ اما در واقع مسئله فلسطین را زنده کردند؛ دشمن را پا در گل گذاشتند و او را به اعتراف به عجز وادار کردند. هرچه که رژیم صهیونیستی ظالم و غاصب، سخت‌گیری خود را بیشتر می‌کند، به عجز خود بیشتر اعتراف می‌کند. این نشان می‌دهد که درمانده است. الان هم شروع به عربده کشی و تهدید به جنگ در منطقه و بیرون منطقه کرده است؛ این برای چیست؟ برای این است که همان مردان مظلوم، همان زن‌هایی که بچه‌های چندماهه شان هدف گلوله ظلم صهیونیست‌ها قرار گرفتند، همان نوجوانانی که با سنگ به جنگ نیروهای تا دندان مسلح دشمن رفتند، دشمن را ضایع و عاجز کردند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار پرستاران، ۳/۵/۸۰/۳۰۷۵/۳ <https://khl.ink/f/3075> <https://farsi.khamenei.ir>) نقش کلیدی زن در زمینه‌های تربیتی، عاطفی، حراست از فضای سیاسی و اجتماعی در سیره زنان بزرگ صدر اسلام کاملاً مشهود است. برای نمونه می‌توان از حضرت خدیجه علیها السلام همسر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نام برد. ام‌المومنین خدیجه با حمایت‌های مالی، عاطفی، سیاسی و از همه مهم‌تر ایمانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کلنگ جامعه اسلامی را در حجاز زد و با تولد فاطمه علیها السلام ادامه دودمان پاک و راه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را تضمین کرد. زنی که سوره ضحی در شأن او نازل شد ﴿وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي﴾ (ضحی/۷) و خدا با ثروت خدیجه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای کمک به نیازمندان و پیشبرد اسلام بی‌نیاز کرد (مغنیه، محمد جواد، ج ۷، ص ۵۷۹).

فاطمه علیها السلام به اعتقاد همه فرق مسلمین برترین زن عالم است که روایات متواتر نبوی بر سیادت او در دنیا و آخرت دلالت دارد و آخرین سخن و مؤثره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او همین مقام بود: «یا فاطمه، انت سیده نساء العالمین من الاولین والآخرین» (محمد باقر مجلسی، ج ۳۷، ص ۶۸).

زنان صحابی بسیاری با مقاومت خودنیز در تحکیم جامعه صدر اسلام نقش‌های

مهمی ایفا کردند چون: سمیه نخستین شهیده اسلام، نسیمه، اسما، ام عطیه که در عقل و فرزاندگی زبانزد عموم مسلمانان است، فضه، ام ایمن، جویره، صفیه دختر عبدالوطلب، جرهمه و... (محمد حسون، ام علی مشکور «اعلام النساء المومنات»، جلد ۱).

فاطمه سرور زنان جهان علیها السلام نخستین کسی بود که اقدام به حراست از سیاست عدالت گستر اسلام کرد و ماندگارترین نقش سیاسی خود را با خود به فدک ایفا کرد، چندین تن از راویان و مورخان مسلمان از جمله سید مرتضی این خطبه را با سندی از عایشه نقل کرده است. فاطمه علیها السلام از غضب فدک نه تنها به منظور بازستاندن حق خود بلکه با هدف دفاع از خط مشی سیاسی اسلام و پیشگیری از انحراف سیاسی جامعه مسلمین و بیان مبانی اعتقادی و توحیدی نظام سیاسی اسلام، به ایراد خطبه پرداخت و در عین محبوبیت و وقار در مسجد و در جمع زنان و مردان صحابه حضور یافت و با نصب حجابی میان خود و مردان خطبه اش را با بیان اصول اعتقادی اسلام: توحید، نبوت و امامت آغاز کرد. سپس به بیان فلسفه احکام و اخلاق پرداخت، در ادامه اشاره ای به تاریخ اسلام نوپا و نقش علی علیه السلام در دفاع از آن کرد، آن گاه با سخنان غرایبی به بیداری مسلمانان و انتقاد از سکوت آنان در برابر انحرافات پیش آمده اقدام و توابع این سکوت را پیش بینی کرد (ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۹۳ به بعد؛ احمد طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۳۱؛ مسعودی، ج ۲؛ ابن طیفور، ص ۲۳ و...).

فاطمه علیها السلام و علی با تربیت حسین علیه السلام و زینب علیها السلام بر اساس آموزه های قرآن و سنت نبوی، رادمردان و شیرزنان تاریخ سازی را به جامعه بشریت تقدیم کرد. این حسین علیه السلام فرزند فاطمه علیها السلام بود که با قیام عاشورا درس آزادگی به جامعه بشریت داد و با شهادت خود دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زنده و پایدار نگاه داشت: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقالی فیاسیوف خذینی» (ر.ک: کلمات الحسین) و زینب علیها السلام پس از شهادت برادر مظلومش پیام رسان این بیداری بود. قیامهای علویان و فاطمیان در طول تاریخ اسلام همه الهام گرفته از شجاعت و بیداری مادرشان فاطمه سرور زنان جهان بوده است (اصفهانی، «مقاتل الطالبین»، ص ۸۴ - ۱۲۱).

حیات فاطمه علیها السلام بیان گر نقش زن در تربیت نسلی آگاه، مبارز و مقاوم در جهت برقراری نظام جهانی و عدالت گستر اسلام است و قیام منجی عالم بشریت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه با تاسی به آن بزرگ زن جهان اسلام است: «فی ابنه رسول الله لی اسوه» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۶). در زمینه زن و مقاومت اسلامی شباهت و قرائن تاریخی فراوان وجود دارد. در تاریخ جنگ‌های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نام زنانی که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در پیکارها شرکت می‌کردند ثبت شده است آن‌ها به میزان توانایی، رشد و مقاومت اسلامی خویش در ابعاد مختلف سعی در حمایت از اسلام و رهبری نمودند برای آشنایی بیشتر با این چهره‌های تابناک به چگونگی حضور و عملکرد برخی از آن‌ها در صحنه جهاد اشاره می‌گردد. از نام آورترین زنان در جنگ احد می‌توان از نسیمه، جراحه، ام عطیه انصاری، ایمن همسر عمرو بن جموح نام برد که مسئولیت آبرسانی و مداوای مجروحان را به عهده داشت.

نسیمه در بیعت عقبه ثانی با رسول خدا بیعت کرد که در بحران‌های مختلف رهبر خود را حمایت کند. در این جنگ برخی از مردان ابتدا به طمع جمع‌آوری غنائم و سپس به جهت آن که یارای مقاومت در برابر تهاجم دشمن را نداشتن از ترس، پای به گریز نهادند. علی علیه السلام و تعداد اندکی از مردان اجازه نزدیک شدن دشمن به پیامبر را نمی‌دادند و در آن هنگام عجیب، شیر زنی به نام نسیمه دختر کعب جانفشانی می‌کرد. او با سخنان خود باعث بازگشت پسرش به میدان نبرد و سرانجام شهادت او شد. نسیمه با دیدن پیکر بی‌جان پسرش شمشیرش را برداشت و با حمله به قاتل فرزندش او را با چند ضربه شمشیر کشت، در این هنگام پیامبر لب به تحسین اوگشود که آفرین به نسیمه. علامه مجلسی درباره او می‌نویسد (بحارالانوار، ۲/۵۸۴) در این روز خطرناک که مردان می‌گریختند او با سینه سپر کردن از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع میکرد تا آن جا که زخم‌های بسیاری برداشت. او در جنگ‌های خیبر و حنین نیز شرکت داشت. وی در روز پیکار با مسیلمه کذاب که به دروغ ادعای نبوت می‌کرد همراه با سپاه اسلام در یمامه دوشادوش مردان به جنگ پرداخت و یک دستش قطع شد اما سرانجام مسیلمه کذاب را کشتند. (سفینه البحار، ۲/۵۸۵) او با ثبت نام خود در

ردیف دلاوران سلحشور تاریخ، حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و دفاعی اسلام را نشان داد. صفیه عمه پیامبر ﷺ و خواهر حمزه سیدالشهدا ﷺ در جنگ احد و خندق شرکت داشت. او در جنگ خندق با مشاهده فرد یهودی که پیرامون خیمه‌ها می‌گشت و قصد توطئه علیه مسلمین را داشت با کندن عمود خیمه به وی حمله کرد و با کشتن آن یهودی خطر را دفع کرد. از زنان نامدار دیگر در جنگ احد ام ایمن دختر ثعلبه بن عود است.

نام یکی از پسرانش ایمن بود. به همین جهت او را ام ایمن می‌گفتند. او در میدان جنگ احد برای آب رسانی و مداوای مجروحین حضور داشت و با مشاهده افرادی که در بحران شدید جنگ احد فرار می‌کردند ناراحت شد، مشتی خاک برداشت و به صورت آن‌ها پاشید و فریاد زد شما زن هستید بروید پشت چرخ نخ ریزی که مخصوص زن‌هاست. بنشینید. از دو پسر او، ایمن در جنگ حنین به شهادت رسید و دیگری به نام اسامه در روزهای آخر عمر پیامبر ﷺ با این که سنش کمتر از ۲۰ سال بود فرمانده سپاه برای جنگ رومیان شد. (سفینه البحار، ۷۳۷/۲)

هند دختر عمرو بن حزام و همسر عمرو بن جموح در صحنه جنگ احد شرکت نمود. پس از جنگ اجساد مطهر سه تن از شهدا همسرش عمرو بن جموح و پسرش خالد و برادرش عبدالله بن عمرو را به شتری بسته عازم مدینه شد. زمانی که با زنان مسلمان روبه‌رو گردید به آن‌ها می‌گفت شما را مژده باد پیامبر زنده و سالم است (المغازی، ۲۶۶/۱)

سیره عملی حضرت زهرا ﷺ نیز نمونه آشکاری از مشارکت، مجاهدت و مقاومت در عرصه‌های مختلف است. آن حضرت در جنگ احد به همراه دیگر زنان مدینه پیاده فاصله شش کیلومتری مدینه تا احد را طی می‌کرد در حالی که آب و غذا برای جبهه‌ها حمل می‌نمود و چانه مبارک پیامبر ﷺ را که جراحت برداشت شست و شو داد و زخم آن را بست.

ایشان در نبرد خندق و فتح مکه نیز حضور داشت (مجلسی، بحار الانوار، ۲۴۵/۱۳)

حضور زنان در جنگ‌های خندق، خیبر، فتح مکه، غزه حنین، جنگ تبوک، در دوران حضرت علی ﷺ و همچنین نقش مؤثر آن‌ها در نهضت کربلا و دوران پس از امام حسین ﷺ،

گوشه‌ای از مشارکت همه‌جانبه و مقاومت اسلامی آن‌ها در صحنه‌های دفاع از اسلام و ارزشهای الهی است.

۲.۲. نقش زنان در مقاومت و تداوم انقلاب اسلامی

بانوان در پیروزی و تداوم انقلاب در مقابله با حوادث بزرگ دوران ۱۰ ساله، یکی از بارزترین و درخشان‌ترین نقشها را داشته‌اند. امام فقید بزرگوار ما، با توجه به این نقش حساس بود که در ستایش زنان جمهوری اسلامی، بارها لب به سخن گشوده و یادگارهای ارزنده‌ای از قضاوت خود در این مورد برای نسل‌های آینده به جای نهاده است.

«به‌طور حتم، اگر بانوان کشور ما این حضور فداکارانه و موج از آگاهی و اراده و ایثار را از خود نشان نمی‌دادند، سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی چیز دیگری می‌بود و هرگز این توفیقات بزرگ تاریخی نه در پیروزی انقلاب در حوادث بعد از آن به دست نمی‌آمد. نقش زنان در انقلاب، ثابت کرد که زن در سایه ایمان و آگاهی و به دور از منجلاب فساد که دنیای غرب برای او درست کرده است، می‌تواند نقش اول را در تحولات تاریخی و جهانی ایفا کند. ثابت کرد افتخار و عظمت زن، در چیزهایی که دست‌های آلوده صهیونیسم برای او در دنیای منحط کنونی فراهم آورده، نیست؛ بلکه زن در سایه طهارت و عفت و احساس مسئولیت است که می‌تواند دوشادوش مردان و در مواردی جلوتر از آنان، گام بردارد.» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

«اگر زنان به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمی‌شد؛ جوانان برای پیوستن به صفوف انقلاب، از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند؛ مادرانشان نمی‌گذاشتند، یا حداقل آن‌ها را تشویق نمی‌کردند. اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این‌طور آزادانه در صفوف انقلاب جانفشانی نمی‌کردند. نقش زن در انقلاب، هم به‌طور مستقیم، و هم به‌طور غیر مستقیم، یک نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است؛ در جنگ هم همین‌طور بود. من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته‌ام. در کمتر خانواده

شهیدی است که روحیه مادر از روحیه پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه مادر شهید از روحیه پدر شهید بالاتر است. این، یک چیز فوق‌العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمان‌های الهی و اسلامی خود فدا کردند. برای زن، این نقش درست است؛ اما آنچه که الگوی غربی و اروپایی است، نقطه مقابل این است. «امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام و روز پرستار ۲۲/۸/۱۳۷۰: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2511>» زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داران جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب در دفاع مقدس نشان دادند الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت در آمیختند من مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست‌های بزرگ را درهم بشکنند. اقتدار و جذبه تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتدا در جهان اسلام تحت تأثیر قرارداد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد. (امام خامنه‌ای، پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۶/۱۲/۱۳۹۱: <https://>

۳.۲. نقش مقاومت زنان در دوران دفاع مقدس

رهبر معظم انقلاب پرچمدار و طلایه دار حرکت روبه رشد نظام جمهوری اسلامی است و با ارائه منشور و مانیفست گام دوم انقلاب راه تعالی را برای کشورمان ترسیم کردند، قطعا نقش زنان در تحول و تحقق بیانیه گام دوم نقشی برجسته است و این نقش در قالب انتقال ارزش‌ها و تربیت فرزندان معتقد، متدین، متعهد پیشرو باید تقویت شود.

نقش زنان در پیروزی، استقرار و استمرار انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی از روزی که امام راحل در زمینه تغییر نظام طاغوت نهضت و مبارزات خود را آغاز کرد، زنانی هم دوش با ایشان نقش آفرینی کردند همچنان که در دوران دفاع مقدس در پشت جبهه‌ها زنان بزرگواری پشتوانه جبهه و جهاد مردم بزرگ ایران اسلامی بودند، اگر فرزندان بانوان این سرزمین در جبهه‌ها نقش آفرینی کردند پیروزی‌هایی نصیب ملت و نظام شد، قطعاً در اثر تربیتی بود رزمندگان ما در دامن مادران شریف و پاکدامن این کشور دیده بودند و توانستند تربیت اسلامی را در قالب پیمان با خدا اعتقاد به شهادت به منصفه ظهور برسانند در مبارزاتی که در مقابل فساد و استکبار و مقاومتی که در برابر متجاوز داشتند پیروز شوند. در هنگام بروز جنگ و دفاع ملت در برابر حمله دشمن، تنها اعزام مردان به صحنه نبرد ضامن پیروزی نخواهد بود، بلکه حمایت و پشتیبانی از نبرد، تحریک و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان و حفظ کانون گرم خانواده، مراقبت و پرستاری از مجروحین و مداوای زخمی‌ها، قبول مسئولیت انجام وظیفه به جای مردان و آزادسازی ایشان برای شرکت در جنگ، حفظ سنگرهای پشت جبهه و حتی تشکیل، اداره و توسعه نهضت‌های مقاومت و بسیاری موارد دیگر که جزو وظایف زنان محسوب می‌شوند از جمله عوامل مهمی هستند که تأثیر مستقیمی بر روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ خواهند داشت. پس زنان به عنوان بخشی از جامعه انسانی، مسلماً در هر یک از صحنه‌های مختلف اجتماع، خصوصاً در عرصه دفاع و مقاومت ایفاگر نقش اساسی، می‌باشند. در

حماسه مقاومت مردم مسلمان ایران در برابر هجوم وحشیانه ارتش بعثی عراق به خاک میهن اسلامی که زمینه حضور گسترده زنان را در خطوط مقدم فراهم نمود نیز، زنان فداکار با حضور مؤثر و گسترده خویش در بخش‌های گوناگون سهم خود را در دفاع از کیان انقلاب اسلامی و میهن ایفا نمودند. زنان ایثارگر ایرانی برای این که عدم حضورشان در جبهه‌ها را جبران نمایند، در پشت جبهه با ابتکاراتی که از خود نشان می‌دانند فعالیت کرده و از هر راهی به جبهه‌ها کمک می‌نمودند. که بدون همدلی و همیاری آنان امکان نداشت مردان به تنهایی از عهده کلیه امور جنگ برآیند. ریشه دعوت و حرکت زنان به انجام دادن این قبیل فعالیت‌ها به نقش الگوی زنان صدر اسلام و بانوان عصر پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ به خصوص حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حضرت زینب علیها السلام برمیگردد بر اساس ایدئولوژی اسلامی و برنامه‌های اجتماعی اسلام قرار داشته است. زنان مسلمان ایرانی با الهام از تعالیم اسلامی شجاعت و شهامت وصف ناشدنی، در صحنه‌های مختلفی حتی در میدان‌های رزم حضور یافتند. خواهران بسیج و سپاه خرمشهر از جمله زنانی بودند که در منطقه عملیاتی باقی ماندند و به کارهایی از جمله حفاظت از انبار مهمات و رساندن آن به رزمندگان اسلام، کندن سنگر، تهیه و طبخ غذا برای رزمندگان مشغول شدند. زنان غیور و شجاع ایرانی گاه با دست خالی و یا چوب دستی مزدوران بعثی را به اسارت گرفتند. آنان در شهرهای مرزی دلیران مقاومت کردن گوی ترس را از یاد برده بودند و فقط به حق می‌اندیشیدند و بس. آنان آینه تمام نمای ایثار و مقاومت اسطوره شهادت و شهامت بودند، فرار از دشمن برای ایشان مفهومی نداشت و بر این عقیده بودند که تا آخرین نفس نباید پشت به دشمن کرد. شیرزنان سلحشور ایرانی خاطره مجاهدت و فداکاریهای زنان مجاهد صدر اسلام را زنده کردند آنان تا سر حد جانبازی و شهادت پیش می‌رفتند و آرزوی شهادت داشتند. تاریخ خونبار دفاع مقدس، تاریخ مقاومت دخترکان معصوم سوسنگردی است، اسوه‌های عفاف، شرم و حیا که بی‌حیاتی‌ترین و خبیث‌ترین انسان‌ها، سرانجام آن‌ها را زنده به گور سپردند (مجله زن روز، شماره ۱۸۱۷ شهریور ۱۳۸۰)

جنگ، تاریخ مقاومت و پایداری زنانی است که در یک روز موشک باران همه اعضای خانواده خویش را از دست دادند، ولی همچنان تسلیم‌ناپذیر ایستاده بودند. زنان توانمند دفاع مقدس در لحظات وداع با همسر، مقاوم و پر صلابت او را به سوی جبهه‌ها بدرقه می‌کردند. به همین مناسبت مقام معظم رهبری نقش زنان را در جنگ نه تنها کمتر از مردان نمی‌دانند، بلکه با اشاره به اهمیت آن بیان می‌دارند: «اگر زنان حماسه جنگ را نمی‌سرودند و درخانه‌ها جنگ را عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند. مردان اراده و انگیزه رفتن به جنگ را پیدا نمی‌کردند و خیل عظیم بسیجی‌ها به سمت جبهه روانه نمی‌شد.» (امام خامنه‌ای، بیانات به مناسبت میلاد حضرت زینب س، ۱۳۸۶/۹/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/2230>). زنان در ترویج دفاع از ارزشهای اسلامی و مقاومت اسلامی در هشت سال دفاع مقدس نقش مهمی داشتند به گونه‌ای که اگر آن‌ها در پشت جبهه و هنگامی که مردان برای مبارزه با دشمنان بعثی به جبهه‌ها راهی می‌شدند، از مشکلات زندگی وسخت بودن تربیت فرزندان به تنهایی و نبود آن‌ها شکایت می‌کردند انگیزه مبارزه و مقاومت را از همسرانشان سلب می‌نمودند این در حالیست که نه تنها شیر زنان مقاوم انقلاب اسلامی چنین نکردند بلکه علاوه بر تحمل کردن مشکلات زندگی در نبود همسرشان، در پشت جبهه‌ها و برخی در میدان جنگ و مبارزه وهم دوش مردان به کمک رزمندگان دفاع مقدس همت گماردند و به مردان درس مقاومت و شهادت می‌داد.

۲.۴. نقش مقاومت زنان در همه‌پرسی و انتخابات

گام دوم انقلاب، مرحله مهم پیش رو در نگهداشت تحکیم و تعالی انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر رفع مشکلات و موانع گذشته و ریل‌گذاری دقیق و صحیح برای تحقق اهداف در آینده است. رهبری انقلاب در بیانیه گام دوم با تمرکز بر هر دو مرحله اصلاح گذشته و راهبری آینده، ظرفیت‌هایی در راستای کاهش فاصله‌ها و باید‌ها و واقعیت‌ها در چهل ساله دوم انقلاب و خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در این مرحله اشاره نموده‌اند. جامعه‌پردازی اسلامی «مقدمه و زمینه ساز» تمدن‌سازی اسلامی به شمار می‌رود. زنان به

واسطه نقش و جایگاه تربیتی در خانواده و نیز نقش کلیدی در مناسبات اجتماعی؛ در تغییر ارزشها، باورها و رفتارها در جامعه مؤثر هستند. خانواده از مهم‌ترین عناصر نظام اجتماعی و نهاد فعال جامعه‌ساز می‌باشد. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، رویه‌ها و عملکردهای جمعی و فردی رئیس‌جمهور انتخابات در طول تاریخ انقلاب عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران این عرصه نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. به گزارش ایرنا یکی از حقوق عمده سیاسی و اجتماعی زنان حق شرکت در انتخابات است که در بیشتر کشورهای مدعی حقوق بشر و در برخی ادیان در دوره‌های گذشته و حال از این حق محروم بوده و تنها به‌خاطر تلاش خودشان این حق به رسمیت شناخته شده این در حالی است که با توجه به این‌که بانوان نیمی از پیکر اجتماع را تشکیل می‌دهند از نقش و جایگاه مهمی در عرصه‌های اجتماعی برخوردارند زنان می‌توانند زمینه سعادت یا شقاوت یک جامعه را فراهم آورند و دین مبین اسلام بانوان را به حضور در عرصه‌هایی که به شکوفایی جامعه اسلامی کمک کرده از بروز مفسده‌ها نیز جلوگیری می‌کند تشویق و ترغیب کرده است، در طول تاریخ اسلام نقش مقاومت زنان در حفظ و ترویج و اشاعه حکومت اسلامی دوشادوش مردان بسیار مهم بوده، همانگونه که پیامبر اکرم ﷺ برای مردان شرایط بیعت فراهم کردند برای زنان نیز این امکان را فراهم کرده است، این حضور در امر اجتماعی و سیاسی چنان فراگیر بوده که اولین بیعت پیامبر را عقبه اولی یا بیعت نسا نامیدند. پس زنان در بیداری و ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی از نظر سیاسی نقش بسزایی در جامعه می‌توانند داشته باشند و با تربیت فرزندان انقلابی و ولایت مدار که حتی در شرایط سخت و بد جامعه نسبت به امور اجتماع و اسلام بی تفاوت نباشد و شرکت در انتخابات را مانند نماز وظیفه شرعی او بداند می‌توانند نقش بسزایی در رشد و تعالی جامعه و انقلاب اسلامی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن توجه به نقش زن در ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در بیانیه گام

دوم انقلاب به بررسی مقاومت بانوان در زمان صدر اسلام و دوران انقلاب و دفاع مقدس و پرورش و تقویت مقاومت مردان از طرف بانوان پرداخته شد؛ پرورش جوانانی شجاع، دلیر، باغیرت و متعصب به دین و ناموسشان که در مقابل دشمنان مقاوم و مبارز هستند. این مقاله در تلاش برای ترویج فرهنگ مقاومت در آینده با توجه به گذشته توجه به ارزشمندی برخی صفات و تقویت آن‌ها است. موضوع مورد بررسی نیاز به تحقیقات بیشتری در زمینه‌های دیگر از جمله شناسایی شاخصه‌ها در زمینه اجتماعی، روانشناختی، مدنی و... دارد. افزون بر آن که می‌توان راهکارهایی برای رشد ترویج فرهنگ مقاومت کاوید.

فهرست منابع

۵۴. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۵۵. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ ش.
۵۶. ابن اثیر، (۱۴۱۸ق)، النهایه فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه،
۵۷. ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، طلّیعه نور
۵۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹ ش
۵۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، روزنه، مؤسسه چاپ و انتشارات تهران، ۱۳۷۳ ش
۶۰. زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۶ق)، تاج العروس، بیروت، مکتبه الحیاه
۶۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، بیروت، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم
۶۲. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه للحجه، تحقیق عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق
۶۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، ترتیب کتاب العین، قم، مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم
۶۴. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، تهران: اسوه، ۱۴۱۴ق
۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق
۶۶. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، انتشارات الهادی، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش
۶۷. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکعب الاسلامی، ۱۴۲۸ق
۶۸. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۷ش)، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی (فارسی - انگلیسی) تهران، شرنی، چاپ چهارم

نقش زنان در گام دوم انقلاب؛ با تأکید بر الگوی سوم (زن نه شرقی و نه غربی)

زهرا حداد زاده بهابادی^۱ (نویسنده مسئول)

معصومه شریفی^۲

محسن رفیعی^۳

چکیده

مسئله زن، حقیقت وجودی زن و کارکردهای زن، از دیرباز و در نظام‌های فکری مختلف، مورد توجه بوده است. هدف اساسی از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش زنان در گام دوم انقلاب، با تأکید بر زن الگوی سوم (زن نه شرقی و نه غربی) بوده است. نگاه شرقی و نگاه غربی به زن، همواره با افراط‌ها یا تفریط‌های مخرب همراه بوده است. در مقابل، اما نگاه اسلامی به زن، همراه با کرامت، معتدلانه و به دور از هرگونه افراط و تفریط بوده است که از این الگو در این پژوهش، با عنوان زن الگوی سوم یاد می‌شود. با توجه به اهمیت زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی، نقش مهم ایشان در پیشرفت و تعالی جامعه و

۱. دانشجویی کارشناسی آموزش عربی دانشگاه فرهنگیان، zahrahadadzadeh80@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قم dr_sharifi_masoomeh@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قم dr_mohsen_rafeei@yahoo.com

همچنین نقش الگوها در شکل‌گیری رفتار فردی و اجتماعی، انجام پژوهش در زمینه زنان و الگوهای زنان حائز اهمیت است. این پژوهش، به روش کتاب‌خانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها به شیوه توصیفی - تحلیلی، به سامان رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری هر یک از الگوهای سه‌گانه شرقی، غربی و اسلامی دخیل بوده‌اند. در نهایت، با توجه به نواقص و اشکالات موجود در دو الگوی نخست، این دو الگو مورد نقد قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که از برجسته‌ترین ویژگی‌های الگوی سوم زن، دارای کرامت انسانی، شریف، عفیف، پویا و در متن و مرکز، و - در عین حال - پاسدار و حافظ سنگر خانواده است که به همین جهت، به عنوان الگوی برتر برای زنان جهت دستیابی به اهداف والای گام دوم انقلاب معرفی می‌گردد. هفت هدف اصلی انقلاب در گام دوم، در بیانیه گام دوم انقلاب مشخص شده است که در این بین نقش‌آفرینی زنان در چهار محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی حائز اهمیت است. در پایان هم راه‌کارهایی برای تحقق هرچه بهتر این الگو در جامعه پیشنهاد گردیده است.

کلیدواژگان: زن، الگوی نه شرقی و نه غربی، الگوی سوم، گام دوم انقلاب

۱. مقدمه

نقش زنان در گام نخست انقلاب اسلامی و حتی در دوران پیش از انقلاب، نقشی بی‌بدیل بوده است. در گام دوم انقلاب نیز که دومین مرحله از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، به نقش‌آفرینی زنان به‌عنوان عناصری مهم و تأثیرگذار نیازمندیم. به‌دلیل نقش کلیدی و مهم زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی و مربیان نیمه دیگر جامعه، انجام پژوهش‌هایی درمورد چگونگی نقش‌آفرینی زنان حائز اهمیت است. نقش زنان در گام دوم انقلاب در دو حوزه خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. در حوزه خانوادگی یا فردی، نقش زنان در تربیت فرزندان و ایجاد محیط آرامش و امنیت در خانه اهمیت دارد. در حوزه اجتماعی نیز، در عرصه‌های مختلف اجتماعی همچون عرصه‌های سیاسی، علمی و اقتصادی، زن به‌عنوان شخصیتی مستقل شناخته شده و قادر به نقش‌آفرینی فعال در جهت تحقق هرچه بهتر اهداف انقلاب اسلامی و به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن یعنی تمدن‌سازی است. بر این ضرورت وجود الگوهای رفتار فردی و اجتماعی برای زنان احساس می‌شود. تا قبل از شکل‌گیری مبارزات انقلابی مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، دو الگوی رایج زنان در جهان، الگوی شرقی و الگوی غربی از زن بودند که با تفاوت در مبانی فکری و فارغ از مرزهای جغرافیایی، در نقاط مختلف جهان یافت می‌شدند.

اولین الگو از جهت تقدم زمانی - و نه ژنیتی - الگوی زن شرقی است. در این الگو، زن به مثابه موجودی منفعل و ناتوان به حاشیه رانده می‌شد. در الگوی غربی نیز، به‌عنوان دومین الگوی رایج زنان، زن به‌عنوان کالایی جنسی در اختیار مردان و نظام سرمایه‌داری قرار داشت. اما با آغاز مبارزات انقلابی، زنان مسلمان ایرانی هم‌دوش مردان، به مبارزه برای سرنگونی نظام شاهنشاهی و تشکیل حکومت اسلامی پرداختند و از این طریق الگوی جدیدی از زن تراز انقلاب را به نمایش جهانیان گذاردند. امروزه و در گام دوم انقلاب نیز، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی ضروری است. برای حرکت در این مسیر به نقشه راهی مشخص و الگویی صحیح و

جامع از نقش آفرینی زنان نیازمندیم. بیانیه گام دوم انقلاب به مثابه منشور دومین مرحله از تمدن سازی، به عنوان نقشه راهی سودمند فراروی ملت ایران و به خصوص جوانان قرار دارد. الگوی زن مسلمان نیز که با تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی سوم زنان شناخته می شود، با دوری از افراطها و تفریطهای موجود در دو الگوی نخست زنان، به عنوان برترین الگو برای زنان جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. در الگوی سوم، زن به عنوان عنصری مهم و تأثیرگذار و شخصیتی تاریخ ساز شناخته می شود.

زن الگوی سوم، برخلاف زن غربی، عقیف، محجبه و پاسدار سنگر خانواده است. همچنین برخلاف زن شرقی، فعال، پویا و در متن و مرکز است. بر این، با تحقق ویژگی های زن الگوی سوم و فعلیت یافتن آنها در زنان، می توان به اهداف انقلاب در گام دوم دست یافت. هفت هدف و محور اساسی گام دوم انقلاب که در بیانیه گام دوم توسط رهبر معظم انقلاب تبیین شده اند، علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی اسلامی هستند. در این بین، نقش آفرینی زنان در حیطه های علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی دارای اهمیتی ویژه است. بر این، انجام پژوهش هایی در جهت تبیین نقش زنان در پیشبرد اهداف انقلاب در گام دوم ضروری است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش زنان در گام دوم انقلاب، با تأکید بر الگوی سوم زن (زن نه شرقی نه غربی) است. بر این، پرسش اصلی پژوهش از این قرار خواهد بود: "نقش زنان در گام دوم انقلاب با تأکید بر الگوی سوم چیست؟" در صورت پاسخ به پرسش یاد شده و سوالات دیگر، اهداف پژوهش محقق خواهد شد. این پژوهش، ابتدا به معرفی الگوهای سه گانه شرقی، غربی و الگوی سوم خواهد پرداخت. سپس وضعیت مطلوب زنان در گام دوم در حوزه های چهارگانه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی با تأکید بر الگوی سوم، ترسیم خواهد شد. در نهایت نیز پیشنهاداتی برای تحقق هرچه بهتر الگوی سوم در جامعه ارائه می گردد.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که درمورد زن و الگوهای زنان پژوهش‌های زیادی انجام شده‌اند، از جمله: کتاب الگوی سوم (الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه) نوشته فرج‌الله هدایت نیا (۱۳۹۵) و مقاله زن مسلمان ایرانی، الگوی سوم زن نه شرقی، نه غربی از قمر شیخ نوری (۱۳۹۶) و مقاله مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای) از عاطفه خادمی (۱۳۹۸) و درمورد نقش زنان در تمدن‌سازی در گام دوم انقلاب نیز مقالات تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی از زینب یاسری (۱۳۹۷) و گام دوم زنان انقلابی در تمدن‌سازی اسلامی از فاطمه وفایی صدر (۱۳۹۹) و نقش زنان در جامعه‌پردازی اسلامی؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب از راحله کاردوانی (۱۳۹۹) نوشته شده‌اند. اما اثری که مشخصاً نقش زنان در گام دوم انقلاب با تأکید بر الگوی سوم را مورد بررسی قرار دهد یافت نشد. بنابراین نوآوری و بدیع بودن این پژوهش در تبیین نقش زنان در گام دوم انقلاب در قالب الگوی سوم نهفته است. این پژوهش با روش کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در این روش، با استفاده از اطلاعات کتب، مقالات و مجلات و با استفاده از ابزار فیش، در پی تبیین الگوی سوم زنان و بررسی نقش و جایگاه زنان در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر الگوی سوم زنان هستیم.

واژگان کلیدی: الگوی غربی زن، الگوی شرقی زن، الگوی سوم زن،

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به مباحث اساسی پژوهش، تبیین و بررسی واژگان کلیدی ضروری است. به همین منظور، به ریشه‌یابی لغوی و اصطلاحی و بیان تعریف عملیاتی واژگان الگو و تمدن‌سازی خواهیم پرداخت.

۲.۱. الگو

الف) تعریف لغوی: الگو واژه‌ای ترکی است (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه الگو) و در

لغت‌نامه‌ها و فرهنگ لغات مختلف دارای معانی لغوی بعضاً مشترک و بعضاً متفاوت است. معنای عمومی و فراگیر الگو، نمونه و سرمشق است (دهخدا، ۱۳۱۹؛ معین، ۱۳۵۱؛ عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه الگو).

طرح نیز از دیگر معانی الگو به شمار می‌رود (معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه الگو). همچنین الگو، در برخی واژه‌نامه‌ها، به معنای مدل استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه الگو).

نیز واژه انگلیسی پارادایم^۱، مأخوذ از واژه یونانی پارادیگما، که از دیگر واژگان به‌کاررفته در پژوهش است، ارتباط معنایی نزدیکی با واژه الگو دارد. پارادایم را می‌توان معادل مفاهیم الگو، نمونه، مثال و سرمشق دانست (خندان، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

اما امروزه پارادایم در معنای اصطلاحی خود، به معنای یک جهان‌بینی، چارچوب و نظریه کلی است که انسان راجع به قلمروئی از هستی دارد و با توجه به آن چارچوب به تفحص و بررسی جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد (زرشناس، ۱۳۸۳: ۷).

بنابراین در معنای لغوی الگو، واژگان نمونه، سرمشق، مدل، طرح و پارادایم مطرح‌اند که به نظر، واژه مدل به معنای طرح یا نمونه‌ای که چیزی را از روی آن می‌سازند (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه مدل)، به دلیل اشاره به ویژگی انطباق‌پذیری الگو، مناسب‌ترین معنا برای این واژه در پژوهش حاضر است.

ب) تعریف اصطلاحی: درمورد معنای اصطلاحی الگو، اندیشمندان و صاحب‌نظران، نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی، الگو را نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی می‌دانند (سورین و تانکارد، ۱۳۶۸: ۶۵). برخی نیز، الگو را به چیزی شکل‌گرفته در یک گروه اجتماعی، به این منظور که به‌عنوان راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید تعریف کرده‌اند (بیرو، ۱۳۶۶). مطابق با نظر دسته دیگری از اندیشمندان نیز، رفتار انتزاعی استانداردشده و نظم‌یافته در یک جامعه برای تشخیص این‌که چه رفتاری پذیرفته نیست

به عنوان الگو و میزان به کار می‌رود (نیک گهر، ۱۳۶۹).

ج) تعریف عملیاتی: از جمع‌بندی مطالب بیان‌شده، چنین به دست می‌آید که الگو، مدل و نمونه رفتاری شکل‌گرفته و استاندارد شده در یک جامعه است که به عنوان راهنمای عمل افراد در جهت تشخیص بهترین و بدترین رفتارها به منظور اتخاذ بهترین رفتار به کار گرفته می‌شود و قابلیت انطباق‌پذیری دارد. این تعریف از الگو، به عنوان معنای مختار نزد نگارنده و تعریف عملیاتی پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین معنای متأخر واژه پارادایم، به معنای جهان‌بینی، چارچوب و نظریه کلی، معنای برگزیده و عملیاتی از این واژه در این مقاله است.

۲.۲. تمدن‌سازی

الف) تعریف لغوی: برخی، تمدن را مصدری عربی و به معنای شهرنشینی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه تمدن). به عقیده برخی نیز، تمدن مصدر عربی و به معنای شهرنشین شدن یا اسم عربی و به معنای همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت است (معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه تمدن).

دهخدا در لغت‌نامه خود، تمدن را به تَخَلَّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیة^۱ و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت تعریف کرده است (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه تمدن). همچنین با توجه به فرهنگ ناظم الاطباء، تمدن را به اقامت کردن در شهر معنا نموده است (همان).

خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن نیز، از دیگر معانی لغوی واژه تمدن در واژه‌نامه‌های فارسی است (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه تمدن).

در زبان عربی نیز، واژگان المَدَنِيَّة، الحَضْر و الحضارة، مترادف تمدن به کار رفته‌اند (طیبیان، ۱۳۷۸: ۲۷۳). در قاموس المنهل متمدن به معنای متحصّر و مهتّب و

متمدن سازی با افعال عربی تحضیر، تمدن، تهذیب و تثقیف استعمال شده است (عبدالنور و ادريس، ۱۹۸۶م: ۲۰۷).

برخی تمدن را مترادف با فرهنگ دانسته‌اند (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۶۷ و ۲۶۸). اما برخی دیگر، قائل به تفکیک معنایی این دو واژه شده‌اند. هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

ب) **تعریف اصطلاحی:** برای تمدن، تعاریف اصطلاحی مختلفی ارائه شده است. ویل دورانت، تمدن را نظامی اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی می‌شود و نظامی سیاسی که اخلاق و قانون، نگه دارنده آن است و نظامی اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند معرفی می‌کند (دورانت، تاریخ تمدن: ۳/۱؛ همو، درآمدی بر تاریخ تمدن: ۲۵۶). برخی نیز، تمدن را پدیده‌ای بهم‌تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد می‌دانند (لوکاس، ۱۳۶۶: ۷ و ۱۶).

تعاریف دیگری نیز برای تمدن ارائه شده که برای پرهیز از درازنویسی، از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم.^۱

ج) **تعریف عملیاتی:** آنچه گفته شد، معانی لغوی و اصطلاحی تمدن در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ لغات و دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف بود. اما معنای مقصود از تمدن سازی در این پژوهش، ایجاد تمدن اسلامی است.

۳. تبیین وضعیت مطلوب زنان در گام دوم انقلاب

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در پایان چهل ساله اول انقلاب و در آغاز چهل ساله دوم آن، در شرایطی که دشمنان مستکبر انقلاب اسلامی، گمان‌های باطلی در سر داشتند و کمر به نابودی آن بسته بودند، به شکلی هوشمندانه، حکیمانه و مدبرانه، بیانیه گام دوم انقلاب را

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۷۵/۱ و ۷۶؛ ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۲/۱

صادر نمودند و به ترسیم افق‌ها و چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت حجت است پرداختند. در این بیانیه، رهبر معظم انقلاب، به هفت هدف و محور اساسی تأکید نمودند که عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی.

این بیانیه، گرچه خطاب به عموم ملت ایران و به‌ویژه جوانان صادر شده است، اما زنان از آن مستثنا نیستند. نیمی از جمعیت جوان کشور را زنان جوان تشکیل می‌دهند که می‌توان با تطبیق این اهداف بر ویژگی‌های آنان، مدل مطلوبی از نقش‌آفرینی آنان را ارائه کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی سوم زنان را به‌عنوان مدل مطلوب نقش‌آفرینی زنان معرفی نمودند که از طریق آن، تحقق اهداف انقلاب امکان‌پذیر می‌شود. به همین جهت تبیین الگوی سوم زنان ضرورت دارد. در این راستا، آشنایی با الگوی زن شرقی و الگوی زن غربی، به منظور تبیین الگوی سوم زنان، ضروری است که در زیر به معرفی این دو الگو و سپس الگوی سوم خواهیم پرداخت. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

۴. گذری بر زنان الگو

۴.۱. الگوی زن شرقی

اولین الگو از جهت تقدم زمانی، الگوی زن شرقی است. کلیات الگوی زن شرقی، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی آن، عبارت از کم دیدن زن و دخالت نکردن او در مسائل اجتماعی جامعه یا حتی برخی از امور خانوادگی است (الهی خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

در این الگو که مبتنی بر پارادایم سنتی است، حصر زن در خانه و اشتغال کامل او به شوهرداری و پرورش فرزندان، شایسته و مطلوب است. در این دیدگاه، زن به‌عنوان موجودی ضعیف و درخور ترحم و رسیدگی شناخته می‌شود. مسئولیت‌های اجتماعی و مهم،

موجودی قوی و کامل را می‌طلبد که برخوردار از هوش و عقل و توانایی‌های جسمی بیشتر باشد که تنها در مردان دیده می‌شود. بنابراین، زنان با توجه به تکوین و ذات ضعیف خود، توانایی برعهده گرفتن کارهای اساسی و کلان را ندارند و استعداد آن‌ها از شوهرداری و تربیت فرزندان فزونی نمی‌یابد (همان).

در این الگو، فایده وجود زن، تنها در رسیدگی به امور خانه و تکثیر نسل خلاصه می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). فروید، اساساً زن را پایینتر از مرد می‌داند و اعتقاد دارد که زمانی بدبختی و بیچارگی زن تسکین می‌یابد که بتواند پسری بدنیا بیاورد (لوید، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در اغلب موارد، زن الگوی شرقی، از کسب علم و دانش منع شده و اگر معلوماتی به او داده شود در جهت پیشبرد خانه و اداره شایسته خانواده است (الهی خراسانی، همان). چنین چارچوب فکری‌ای در تمام دنیا و در هر دین و آیین - از غرب تا شرق - با تفاوت در دلایل و شدت و ضعف آن، یافت می‌شود (محمدی، ۱۳۸۲).

در شکل‌گیری و رواج نگاه شرقی به زن در جامعه ایران، دلایل دینی، سیاسی و اجتماعی دخالت داشته‌اند.

در بعد دینی، عمدتاً بررسی و استخراج معارف اسلامی با پیش‌فرض‌هایی از زنان صورت گرفته که به نفی هرگونه فعالیت و مسئولیت اجتماعی از زنان منجر شده است. خانواده‌گرایی، عقیده به ناتوانی ذاتی زن و فسادافکنی وی از جمله پیش‌فرض‌هایی است که در استخراج معارف اسلامی با نگاه شرقی دخیل بوده‌اند (الهی خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲ و ۱۶۳). در بعد اجتماعی نیز، نگاه عرف به زنان به‌عنوان موجوداتی ضعیف‌تر، ناتوان‌تر و ناقص‌تر از مردان موجب شد نقش و مسئولیت زنان به امور خانه‌داری محدود شود و عمده مسئولیت‌های اجتماعی به مردان به‌عنوان جنس برتر واگذار گردد. این نگاه به زنان را در سخنان افراد برجسته جامعه نیز می‌توان دید.^۱ اما در بعد سیاسی، تشکیل پارادایم سنتی و الگوی شرقی از زن در ایران، علاوه بر داشتن زمینه‌ای تاریخی، به دلیل وجود فرهنگ غربی در

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۳۶ و حلی، ۱۳۷۲: ۴۶/۲

جامعه ایران و سوءاستفاده از زن برای پیشبرد اهداف سیاسی و در نتیجه واکنش طبیعی حوزه به ترویج سبک زندگی غربی توسط روشنفکران ایرانی بوده است (همان: ۱۶۰).

این پارادایم فکری، امروزه نیز در نقاط مختلفی از جهان رواج دارد.

۴.۲. الگوی زن غربی

دومین الگوی زنان از جهت تقدم زمانی، الگوی زن غربی است. الگوی زن غربی، مبتنی بر فمینیسم^۱ و متکی بر اصولی چون اومانیزم^۲، سکولاریسم^۳ و لیبرالیسم^۴ است. فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی معتقد است، معنا کرده‌اند (روتلیج، ۱۸۳۶م: ۱۳).

شکل‌گیری الگوی زن غربی را می‌توان به قرن بیست نسبت داد. در این قرن، با گسترش بساط فناوری نوین و صنعت در غرب، کارخانجات با کمبود نیروی کار مواجه شدند. در پی چاره‌جویی صاحبان کارخانه‌ها، با اعطای حق مالکیت به زنان و تشویق آنان به اشتغال بیشتر و به بهانه ایجاد برابری، نیروی کار ارزان و مورد نیاز کارخانجات از میان زنان تأمین شد. فمینیسم، به‌عنوان جنبشی برابری‌خواه، با حمایت از ایده برابری، در این مسیر، تأثیرگذار بوده است. به‌دنبال استقلال اقتصادی زنان، دیدگاه‌ها نسبت به زن تغییر کرد و زن به‌عنوان قدرتی برای بازاریابی شناخته شد. البته زنی عریان یا نیمه‌عریان، که بتواند نگاه‌ها را به سمت خود جلب کند. در نتیجه این امر، فسادهای اخلاقی زیادی گسترش یافت و زن به‌عنوان کالایی برای آسودگی مرد به‌عرضه گذاشته شد (فتیحی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در نتیجه، زن غربی به کالایی جنسی برای فروش و ابزاری برای لذت‌جویی مردان مبدل گشت و جنبه جنسیتی او بر جنبه انسانی‌اش سبقت گرفت. در پی این اقدامات، حجاب

1. Feminism
2. Humanism
3. Secularism
4. Liberalism

از زن غربی گرفته شد و عریانی به عنوان افتخار برای او مطرح گردید. زین پس، عفاف و حیا، به عنوان ویژگی‌های ارزشمندی زنان شناخته نمی‌شد و زیبایی و جلوه‌گری، ملاک شایستگی زنان معرفی می‌شد.

همچنین جنبش فمینیسم، با ماهیتی اومانیستی، به انکار خدا پرداخت، که به دنبال آن، مسائل مادران مجرد، پدران غایب، شیوع گسترده بیماری‌ها و سقط جنین را رواج داد (پاسنو، ۱۳۸۴: ۸۸).

فمینیست‌ها، با شعار برابری و با نفی تفاوت‌های میان زن و مرد، بیشترین آسیب را به زنان وارد آوردند و با تأکید افراطی بر فعالیت‌های خارج از خانه، نقش مادری و همسری زن را کم‌رنگ و در نتیجه آن، ساختار خانوادگی و اجتماعی جامعه را دچار به هم ریختگی کردند.

در این الگو، حضور اجتماعی زن به معنای تأثیر علمی، اقتصادی و سیاسی نبوده است بلکه جلوه‌گری و خودنمایی، مصداقی از حضور اجتماعی آنان به شمار رفته است. در نتیجه، ظلمی که غرب به زن، به واسطه خروج او از محیط خانه، سوق دادن او به سمت جلوه‌گری و بی‌حیایی و نفی صفات زنانه، روا داشته است، ظلمی بزرگ و نابخشودنی است.

۴.۳. الگوی سوم زن

با گذر از افراط‌ها و تفریط‌های موجود در دو الگوی نخست، سخن از الگوی سومی معتدل و مترقی است که در آن، زن به عنوان موجودی مؤثر و متعالی شناخته می‌شود. این الگو دارای دو بعد کلی است. بعد خانوادگی، مربوط به مهم‌ترین نقش‌های زنان یعنی نقش همسری و مادری است و بر محوریت و مرکزیت زن در خانه تأکید دارد. بعد اجتماعی نیز، شامل فعالیت‌های زنان خارج از محیط خانه و در محیط اجتماع مبتنی بر شناخت اقتضائات زمان است.

این الگو که از ابداعات رهبر معظم انقلاب اسلامی است، اولین بار در پیام ایشان به

کنگره هفت هزار زن شهید کشور در اسفندماه ۱۳۹۱، همراه با نقد دو الگوی رایج زنان، بدین شکل معرفی و مطرح گردید: «زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، زن نه شرقی، نه غربی است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد» (امام خامنه‌ای، پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۶/۱۲/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22138>).

چنانچه از فرمایش مقام معظم رهبری به دست می‌آید، زن الگوی سوم، با گذر از دو الگوی مبتذل غربی و دست پایین شرقی، شکل جدیدی از نقش‌آفرینی خانوادگی و اجتماعی زن را به نمایش گذاشته است که در آن، علاوه بر پذیرش نقش‌های مهم خانوادگی همچون نقش همسری و مادری و قرارگرفتن در محور و مرکز خانواده، در صورت نیاز، در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی نیز ورود کرده و با حفظ مرکزیت خود، حضوری مؤثر را رقم خواهد زد.

در بعد خانوادگی، زن الگوی سوم، برخلاف زن الگوی غربی، به زن بودن خود مفتخر است و دامنه تأثیر خود را می‌شناسد و جزئی‌ترین فعل خود را علاوه بر اثر خانوادگی، دارای اثر اجتماعی و تمدنی می‌داند. او، کوچک‌ترین کار در داخلی‌ترین محیط خانه، با نیت اجتماعی را مصداقی از عمل و تأثیر اجتماعی به حساب می‌آورد (وفایی صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

همچنین زن الگوی سوم، بر جایگاه محوری خود در خانواده - به‌عنوان مهم‌ترین رکن

تربیتی در اجتماع - واقف است و مهم‌ترین وظیفه و تکلیف خود را پرورش فرزندان صالح و آینده‌ساز می‌داند و تربیت اجتماعی و سیاسی را به‌عنوان سیاسی‌ترین تأثیر خود به‌شمار می‌آورد (همان: ۲۰۵).

او، برخلاف زن غربی که به نفی صفات زنانه می‌پردازد، با شناخت نقاط قوت زنانه خود و با برخورداری از عواطف مادرانه، فرزندان خود را از محبت و عاطفه سیراب می‌کند و انسانی سالم، بدون عقده و دارای عزت نفس تربیت می‌نماید.

از سوی دیگر، با به‌کارگیری صحیح نفوذ قهری خود بر همسر و فرزندان، آنان را به حضور و مشارکت در صحنه‌های مهم و مورد نیاز، دعوت می‌کند. بانوی الگوی سوم، در مقابل خداناباوری الگوی غربی، بندگی و تقرب را به‌عنوان هدف نهایی پیش روی خود قرار می‌دهد و تصمیمات و رفتارهای خود را در همان راستا، جهت‌دهی می‌کند و با ایجاد محیط آرامش و فضای رشد معنوی، خود و خانواده خویش را در رسیدن به هدف والای تقرب و بندگی یاری می‌دهد. او استعدادهای فکری، علمی و معنوی خود را می‌شناسد و با اجتناب از فردگرایی غربی، از آن‌ها، در جهت رشد فردی، خانوادگی و اجتماعی استفاده می‌کند.

با این حال با تفکیک امور اصالی از امور عرضی و اضطراری، در صورت نیاز، در عرصه اجتماع نیز حضور پیدا کرده و به فعالیت می‌پردازد. در این الگو، زن به کمک دو عنصر عفاف و حجاب، افزون بر حفاظت از امنیت شخصی خود، به امنیت و سلامت اخلاقی جامعه کمک کرده و محیطی به دور از سوگیری‌های جنسی و مناسب برای فعالیت مؤثر فراهم می‌کند.

اساساً حجاب اسلامی در پی محدود و محبوس کردن زنان در خانه و جلوگیری از بروز استعدادهای آنان نبوده است. بنای حجاب در اسلام بر تحدید التذاذ جنسی در بستر خانواده و به همسر مشروع و ایجاد محیط سالم اجتماع برای کار و فعالیت است. اسلام با قرار دادن حجاب می‌خواهد محیط کار را از محیط التذاذ جنسی تفکیک کند (مطهری،

در نتیجه، زن مسلمان، به خوبی می‌تواند با حفظ حجاب خود، به نقش‌آفرینی فعالانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی در محیطی سالم و خالی از نگاه‌های جنسی و جنسیتی پردازد و با شخصیت انسانی خود، و نه به‌عنوان کالا یا ابزاری برای لذت‌جویی، شناخته شود. از اینجاست که تفاوت زن الگوی سوم با زن الگوی شرقی و غربی مشخص می‌شود. زن الگوی سوم، برخلاف زن الگوی شرقی، علاوه بر پذیرش نقش‌های خانوادگی، به اجتماع نیز وارد می‌شود و به فعالیت اجتماعی می‌پردازد. همچنین برخلاف زن الگوی غربی، حجاب و عفاف خود را حفظ و از سلامت جامعه پاسداری می‌کند و هدف او از ورود به فعالیت اجتماعی، کنشگری‌ای مؤثر و نه جلوه‌گری و خودنمایی است و تعالی جامعه را در دستور کار قرار می‌دهد.

بنابراین، زن الگوی سوم، به‌دلیل برخورداری از نقش محوری و مرکزیت در دو بعد خانوادگی و اجتماعی، می‌تواند بیشترین تأثیر را در جامعه‌سازی و تصمیم‌سازی‌ها ایفا کند و با برخورداری از صفت پویایی و فعال بودن، می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن یعنی تمدن‌سازی را فراهم کند و در این زمینه، نقش‌آفرینی فعالانه داشته باشد. اما از میان اهداف هفتگانه انقلاب اسلامی، می‌توان چهار هدف و محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی را به‌عنوان مهم‌ترین عرصه برای فعالیت زنان به‌شمار آورد. به همین جهت، به نقش زن الگوی سوم در پیشبرد هریک از اهداف چهارگانه خواهیم پرداخت.

۵. زن الگوی سوم و حیطه‌های چهارگانه

۵.۱. حیطه علم و پژوهش

زن الگوی سوم، با شناخت جایگاه خود، نقش خود را در پیشرفت علمی و پژوهشی کشور از دو جنبه، امکان‌پذیر می‌داند. در جنبه اول، او خود را به‌عنوان اولین مربی فرزند و

دارای تأثیر بالا در ارتقا سطح آگاهی و دانش او به شمار می‌آورد.

او اساساً دامان مادر را به عنوان اولین مدرسه برای فرزند به حساب می‌آورد و خود را علاوه بر برخورداری از تأثیرگذاری تربیتی و شکل‌دهی به شخصیت و روحیات فرزند، در انتقال آگاهی‌ها به او نیز، تأثیرگذار می‌داند.

از همان آغاز تولد و به‌ویژه در دوران کودکی، اولین اطلاعات و آگاهی‌ها از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود و سنگ بنای آگاهی‌های او را شکل می‌دهد. دوران کودکی، حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران برای کسب علم و آگاهی است و فراگیری دانش در این دوران دارای ضریب ماندگاری و ثبات بیشتری نسبت به دوره‌های دیگر زندگی است. این ماندگاری به حدی است که در روایات اسلامی، یادگیری در دوران کودکی به حکاکی بر روی سنگ تشبیه شده و به ماندگاری آن اشاره شده است (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱/۲۲۴). به همین جهت است که جایگاه مادر به دلیل ارتباط نزدیک با فرزند از همان کودکی، در آموزش و انتقال دانش به او اهمیت دارد. همچنین مادر با شناخت کافی از ویژگی‌های شخصیتی فرزند خود، توانایی پرورش آگاهی‌های علمی و مهارت‌های عملی او را داراست و مسئولیت رشد علمی و عملی فرزند را برعهده دارد. علاوه بر این، کشف استعدادها و علمی فرزند و رشد دادن آن‌ها، در ابتدا در محیط خانه و به‌ویژه توسط مادر و سپس در مدرسه و اجتماع صورت می‌گیرد. بر این است که همواره مادر به عنوان بزرگترین مربی و معلم فرزند شناخته شده و نقش تربیتی ویژه‌ای برای مادران در نظر گرفته شده است.

با این حال، انتقال و رشد آگاهی فرزند در صورتی امکان‌پذیر است که مادر خود نیز، از آگاهی بهره‌مند باشد. معلم و مربی در صورتی می‌تواند به تعلیم بپردازد که خود، از آن معلومات، آگاهی کافی داشته باشد و با تسلط کافی، توانایی انتقال آگاهی‌ها به یادگیرنده را داشته باشد. از آنجایی که، در پارادایم الگوی سوم، مادر، اولین و بهترین معلم فرزند شناخته می‌شود، توجه به ارتقا سطح علمی زنان و مادران در این الگو، اهمیت دارد. به همین جهت، زن الگوی سوم، رشد علمی و ارتقا سطح آگاهی‌های خود را باید در دستور کار قرار دهد و در

مرتبه نخست، علم و دانش را با هدف تأثیر بر فرزندان خود فراگیرد. اگر زن، بتواند به علم و معرفت در کنار کمالات معنوی و اخلاقی دست پیدا کند، تربیت فرزندان بهتر خواهد بود و یادگیری فرزندان بهتر اتفاق می‌افتد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۶ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/۲۸۵۹>).

در صورتی که در نتیجه تربیت صحیح و مبتنی بر تعلیمات دینی، مادر، خود، برخوردار از دانش و آگاهی باشد، اولاً می‌تواند اطلاعات علمی و آگاهی‌های لازم را به فرزند منتقل کند و همچنین با افزایش آگاهی‌های مادر و به دنبال آن تغییر نگرش‌های او، توجه شایانی به رشد علمی فرزندان صورت می‌گیرد. بر این، در بعد خانوادگی الگوی سوم، ارتقا توان علمی خانواده و به‌ویژه فرزندان از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های مادر شناخته شده و بر فراگیری دانش توسط مادر در این جهت، تأکید شده است.

این دیدگاه در مقابل دیدگاه شرقی قرار دارد. زن الگوی شرقی، امکان بهره‌گیری از علم و دانش را ندارد و صرفاً به جایگاه او در تأمین نیازهای جسمی فرزند توجه می‌شود. اما در مقابل زن الگوی سوم، دارای تأثیر عمیق بر روحیات فرزند شناخته می‌شود و فراگیری علم در جهت انتقال آگاهی‌ها به فرزند وظیفه او تلقی می‌شود.

علاوه بر این، مادر در سوق دادن فرزندان خود به سمت فراگیری علم و دانش نقشی برجسته دارد. پدر، مادر، محیط زندگی و محیط آموزشی هر یک به شکلی در ایجاد انگیزه و کشش در فرزند به سمت کسب آگاهی و دانش نقش ایفا می‌کنند، اما در این بین، جایگاه مادر، به دلیل ارتباط نزدیک محیطی و عاطفی با فرزند و وابستگی و شباهت زیاد اخلاقی فرزند به مادر، دارای برجستگی و اهمیت ویژه است. علاوه بر این، اشتیاق نشان دادن مادر به کسب دانش و اهمیت دادن به موضوع علم‌آموزی از جانب مادر، می‌تواند الگویی برای فرزند و عاملی برای ایجاد انگیزه در او به شمار آید. بنابراین، زن الگوی سوم می‌تواند با اشتیاق نشان دادن به کسب علم و مطالعه، الگویی مناسب و مؤثر برای فرزند خود باشد.

اما از جنبه دیگر، خودکفایی و بالا بردن تراز علمی کشور، تنها از طریق مشارکت عموم

افراد جامعه امکان‌پذیر است. یکی از اقتشاری که در عرصه پیشرفت علمی کشور وارد شدند و در مسیر افزایش توان علمی و تحقیقاتی گام‌های مؤثری برداشتند، زنان بوده‌اند. زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه، علاوه بر نقش واسطه‌ای از طریق سوق دادن فرزندان خود، در مسیر پیشرفت علمی کشور، مستقلاً نیز می‌توانند نقش‌آفرینی علمی داشته باشند. اساساً زمانی می‌توان جامعه‌ای را جامعه‌ای سالم به شمار آورد که در آن، زنان بتوانند فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره جهان به عهده بگیرند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خواهران پزشک، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22501368/10/26>).

بر این، رشد علمی زنان نه تنها شایسته و پسندیده است، بلکه در جهت رشد حرکت علمی کشور ضرورت نیز دارد. بنابراین، زن الگوی سوم باید با گام نهادن در مسیر پیشرفت علمی کشور، آن را در مسیر رشد علمی یاری دهد. اساساً زنان در الگوی سوم، برخلاف زنان غربی که خودنمایی را دلیل حضور اجتماعی خود می‌دانند، علت حضور اجتماعی خود را تأثیرگذاری اجتماعی و به‌ویژه تأثیرگذاری علمی قرار می‌دهند.

یکی از جنبه‌های نقش‌آفرینی علمی زنان، مشارکت ایشان در جنبش نرم‌افزاری یا عرصه تولید علم و ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی است. لازمه تولید علم و ارائه ایده و نظریه جدید نیز، برخورداری از اطلاعات و آگاهی‌های لازم در همان حوزه تخصصی و آشنایی با زوایای مختلف آن موضوع علمی است. به همین جهت، مطالعات تخصصی یا تحصیل در محیط‌های دانشگاهی رسمی یا مراکز علمی و تحقیقاتی برای کسب اطلاعات علمی تخصصی، پیش‌زمینه برای صاحب‌نظر شدن و ایده‌پردازی و الزامی است. رهبر فرزانه انقلاب با تأکید بر این موضوع و با اشاره به لزوم فراگیری معلومات و معارف توسط زنان، این وظیفه را به عهده خود آنان گذاردند و فرمودند: «این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان،

(<https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2859۱۳۷۶>).

در صورتی که فکر رایج در میان زنان، رشد علمی و افزایش آگاهی و معرفت باشد، جامعه زنان و به تبع آن تمام جامعه انسانی، به پیشرفت در زمینه‌های مختلف دست پیدا خواهد کرد.

همچنین جنبه دیگر مشارکت زنان در عرصه علمی کشور، حضور آنان در صحنه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی است. زنان می‌توانند با ورود به مدارس و دانشگاه‌ها، در تربیت نسلی متعهد، باایمان و نخبه دخیل باشند. همچنین می‌توانند با حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری همچون ادارات آموزشی یا وزارت آموزش و پرورش، در سیاست‌گذاری‌های آموزشی دخالت داشته باشند و به تصمیم‌گیری در زمینه‌های علمی کشور بپردازند.

بنابراین، نقش‌آفرینی علمی زنان در گام دوم انقلاب را می‌توان به سه شکل دسته‌بندی کرد. در شکل نخست آن، زنان در جایگاه مادری در سوق دادن فرزندان خود به عرصه‌های علمی تأثیر دارند. در شکل دیگر نیز، می‌توانند به صورت غیررسمی در پیشرفت علمی کشور دخالت داشته باشند. در شکل سوم نقش‌آفرینی نیز، به صورت رسمی و در محیط‌های آموزشی، می‌توانند به فعالیت علمی بپردازند و کشور را در مسیر دستیابی به اهداف علمی آن و به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن، که رسیدن به قله‌های دانش جهان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۹)، یاری دهند.

۲.۵. حیطه معنویت و اخلاق

نقش زنان در گسترش معنویت و اخلاق در جامعه، از سه جنبه خانوادگی، اجتماعی و فردی قابل بررسی است. در جنبه نخست، زن به‌عنوان اولین مربی فرزند، در آموزش اخلاقیات به او و سوق دادن او به سمت رفتارهای اخلاقی و بازداشتن از بزهکاری و گناه تأثیر دارد. یکی از عوامل مهم بازدارنده از ارتکاب گناه و بزهکاری، داشتن احساس عزت نفس است. امام علی در این خصوص در حدیثی فرموده‌اند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا

بِالْمَعْصِيَةِ يَعْنِي كَسِي كَه پيش خودش كريم باشد نفس خودش را با ارتكاب به معصيت بى ارزش نمى كند» (تميمي آمدى، ۱۴۱۰ق: ۱/۶۳۴).

انسانى كه خود را، ارزشمند بيندارد و براى شخصيت خود ارزش و احترام قائل باشد، هرگز به گناه، كه از عوامل خوارى نفس به شمار مى رود، نزديك نمى شود. به همين جهت است كه خداوند در قرآن، باكرامت ترين افراد را افراد با تقوا معرفى كرده است (حجرات، ۱۳)، زيرا انسان با تقوا با برخوردارى از كرامت و عزت نفس، هرگز به گناه و بزهكارى مرتكب نمى شود.

بنابرين يكي از وظائف مهم زن، اين است كه فرزند را با عواطف، تربيت صحيح و دل دادن، به گونه اى بار بياورد كه انسانى از لحاظ روحى سالم و بدون عقده و گرفتارى باشد (خامنه اى، بيانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ <https://khl.ink/f/۷۲۸۴//farsi.khamenei.ir>)

همچنين زن الكوى سوم، برخلاف فردگرابى و مادى گرابى غربى، با حفظ مركزيت و محوريت خود در خانواده مى تواند با ايجاد محيطى سرشار از آرامش و معنويت، خانواده خويش را به سمت معنويت هدايت كند. حركت در مسير رشد معنوى نيازمند برخوردارى از محيط آرامش و اطمينان و بدور از اضطراب و دلهره است، كه اين، از وظائف مهم و اصلى زن در محيط خانه به شمار مى رود.

اما در بعد اجتماعى، زن مى تواند با حفظ حجاب و عفاف خود در محيط اجتماع، به سالم و پاكيه نگه داشتن آن، كمك كند. زن با حضور خود در اجتماع با حفظ حجاب و عفاف، خود، به آرامش دست پيدا مى كند و علاوه بر آن، اين آرامش را به ديگران نيز هديه مى دهد. زيرا از اين طريق است كه محيط آلوده جنسى به محيط سالم انسانى تبديل مى شود و سلامت روحى و معنوى جامعه را به دنبال مى آورد.

همچنين با جدا كردن تمتعات جنسى از محيط اجتماع، فسادهاى اخلاقى در جامعه کاهش مى يابد و زمينه سلامت و تعالى جامعه فراهم مى شود. امام رضا در بيان فلسفه

حجاب با اشاره به این موضوع می‌فرماید: «حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجُ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيْمَا لَا يَحِلُّ» نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیرشوهردار، حرام است؛ زیرا این نگاه، مرد را تهییج و تحریک می‌کند. و تهییج، شخص را به فساد و داخل شدن در حرام و اعمال ناپسندیده می‌کشاند» (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۶۵/۲).

بنابراین، زن با پرهیز از تقلید از بی‌بندوباری زنان غربی و با استفاده از حجاب به عنوان وسیله‌ای برای کاهش فساد و افزایش سلامت در اجتماع، به افزایش سلامت معنوی و اخلاقی جامعه کمک می‌کند.

اما از جهتی دیگر، زن می‌تواند با افزایش معنویت فردی خود، به رشد معنویت در اجتماع بیفزاید. بدین طریق که قلّه حرکت معنوی خود را رسیدن به مقام قرب الهی قرار دهد و با ایجاد آمادگی در خود و با الگوگیری از اسوه‌های معنویت، در این مسیر به حرکت بپردازد.

۳.۵. حیطه اقتصاد

نقش‌آفرینی زنان در پیشرفت اقتصادی کشور، به اشکال مختلفی امکان‌پذیر است. در شکل نخست، ایجاد آرامش و سکون در محیط خانواده و آرام کردن ذهن مردان از هرگونه اضطراب و تشویش، وظیفه زن است. در صورتی که، مرد از آرامش ذهنی و روانی برخوردار باشد، می‌تواند در عرصه کار و فعالیت اقتصادی، وظیفه خود را به بهترین نحو به انجام رساند. زن می‌تواند روحیه خسته همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و با نفوذ در قلب او و ابراز محبت به او، قوّت قلب مرد در برابر ناراحتی‌ها و آلام باشد. زن با فراهم کردن و آماده ساختن محیطی با نشاط و صمیمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و توجه به بهداشت روحی، جسمی و روانی اعضای خانواده - به‌ویژه همسر خود - اثر مستقیم بر اقتصاد می‌گذارد (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

بنابراین، زنان می‌توانند با تأثیر بر روحیات مردان، ذهن آنان را برای انجام فعالیت‌های

اقتصادی آماده کنند و بدین طریق در پیشرفت اقتصادی کشور دخالت داشته باشند. همچنین با تربیت صحیح فرزندان خود می‌توانند آنان را با فرهنگ کار و تولید آشنا کنند و به اشتغال و تولید و تلاش برای پیشرفت اقتصادی کشور گرایش دهند.

اما به شکلی دیگر، می‌توانند با حمایت از کالاهای تولید داخل به کاهش بیکاری، اشتغال‌زایی و در نهایت به پویایی اقتصاد کشور کمک کنند. علاوه بر این، با کاهش هزینه‌های مصرفی در خانه، می‌توانند از هزینه‌های نابجا جلوگیری کنند و این هزینه‌ها را در حوزه‌های پیشرانی اقتصادی کشور سوق دهند. آنان می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح، نقش مدیریتی خود در خانه را به خوبی انجام دهند و با دوری از چشم و هم‌چشمی و مصرف‌گرایی، در منابع و هزینه‌های زندگی صرفه‌جویی کنند و در نتیجه با برنامه‌ریزی‌ای منطقی و عقلانی، امور معیشتی و اقتصادی خانواده را سامان دهند.

از جانب دیگر نیز، زنان می‌توانند در محیط خانه و در کنار رسیدگی به امور خانه، فعالیت اقتصادی نیز داشته باشند و به اقتصاد خانواده و اجتماع کمک کنند. کسب و کارهای کوچک خانگی، می‌توانند بهترین نوع فعالیت اقتصادی زنان به شمار آیند و بهترین شکل فعلیت یافتن اقتصاد مقاومتی باشند.

همچنین زنان می‌توانند خارج از محیط خانه به فعالیت اقتصادی بپردازند و به اقتصاد خانواده و جامعه کمک کنند. این شکل از فعالیت اقتصادی به دو شرط امکان‌پذیر است. شرط اول آن، تعارض نداشتن فعالیت خارج از خانه با وظایف اصلی زنان یعنی وظایف همسری و مادری و شرط دوم، سازگاری داشتن آن شغل با طبیعت زن است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۱/۳۰: <https://khl.ink/f/۲۶۱۵۵/farsi.khamenei.ir>) این دو شرط مهم، وجه تمایز اشتغال زن الگوی سوم از زن غربی است. زن الگوی غربی، اشتغال خود را بر وظایف خانه‌داری ترجیح می‌دهد و اشتغال را به‌عنوان هدف اصلی خود برمی‌گزیند. همچنین با نفی مطلق ویژگی‌های زنانه، توجهی در انتخاب شغل متناسب با طبیعت خود به خرج نمی‌دهد. در

مقابل اما زن الگوی سوم، خانه‌داری را شغل اصلی خود به شمار می‌آورد و در صورت پذیرش شغل خارج از خانه، به سازگاری آن شغل با طبیعت زنانه‌اش توجه نشان می‌دهد. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، نقش زنان در پیشرفت اقتصادی کشور در دو حوزه خانوادگی و اجتماعی امکان‌پذیر است. در حوزه خانوادگی، زنان می‌توانند با ایجاد محیط آرامش در خانه، ذهن مردان را برای فعالیت اقتصادی آماده کنند. همچنین می‌توانند به فرزندان خود برای فعالیت شغلی در آینده آگاهی و آمادگی دهند. مصرف بهینه، حمایت از تولید داخلی و کسب و کار خانگی از دیگر فعالیت‌های زنان در مسیر پیشرفت اقتصادی است. همچنین آنان می‌توانند، خود، خارج از خانه به اشتغال بپردازند و نقش‌آفرینی اقتصادی داشته باشند.

۴-۵. حیطه سبک زندگی

زنان به‌عنوان محور خانواده نقش ویژه‌ای در رواج سبک زندگی اسلامی دارند. به‌طور کلی می‌توان تمام مسائل مربوط به سبک زندگی را در حیطه نقش‌آفرینی زنان داخل دانست، اما با این حال، مسائل خانواده، لباس و پوشش و الگوی مصرف، مسائلی‌اند که زنان بیشترین ارتباط را با آن‌ها دارند. بر این، به نقش زنان در این سه حوزه خواهیم پرداخت.

۱-۴-۵. مسئله خانواده

خانواده به‌عنوان رکن اساسی اجتماع و اولین گروه تشکیل‌دهنده آن، در سبک زندگی اسلامی اهمیتی ویژه دارد. در خانواده اسلامی، مرد مظهر اعتماد و اتکا و مسئول امور بیرونی خانه و زن نیز مظهر عاطفه و ظرافت و محور خانه و تأمین‌کننده آرامش روحی و معنوی در خانه است. زن، در خانواده، در قلب و مرکز قرار دارد و امور خانه حول محور او به‌گرددش درمی‌آید و حفظ استحکام خانواده به نوع حضور زن در خانواده بستگی دارد. خانواده برای زن در الویت است و نقش‌های دیگر زن، از نقش‌های خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد. در الگوی سوم، در کنار پذیرش نقش‌های اجتماعی زنان و توجه و اهمیت نشان دادن به آن، به لزوم

الویت‌بندی میان نقش‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی تأکید شده و خانه و خانواده در رأس الویت‌های زنان قرار داده شده است. مقام معظم رهبری نیز مسئله خانواده را مهم‌ترین مسئله برای زن می‌داند و می‌فرمایند: «در مسئله زن آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، مسئله خانواده است؛ نقش زن به‌عنوان عضوی از خانواده، به نظر من از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، این اهمیتش بیشتر است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا، ۱۳/۴/۱۳۸۶ <https://farsi.khamenei.ir> .(<https://khl.ink/f/3390>).

بنابراین، ممکن است زن با وجود پذیرش نقش‌های خانوادگی، نقش‌های دیگر اجتماعی را نیز بپذیرد، اما آنچه اهمیت دارد این است که نقش مادری و همسری او به حاشیه رانده نشود و در مرکز توجه قرار گیرد.

در مقابل اما، سبک زندگی غربی، همواره به دنبال جدا کردن زن از محیط خانواده و گرفتن مرکزیت خانواده از زن بوده است. این سبک از زندگی، با ارزش نهادن برای فعالیت‌های خارج از خانه و تحقیر فعالیت‌های درون خانه و با نفی ویژگی‌های مثبت زنانه، درصدد فاصله انداختن میان زن و وظایف اصلی او و کشاندن افراطی او به محیط‌های اجتماعی و شغلی بوده است. در نتیجه این اقدامات، بیشترین ضربه به نهاد خانواده وارد خواهد آمد. از همینجاست که وظیفه زنان در قبال ترویج سبک زندگی اسلامی و نفی سبک زندگی غربی در حوزه خانواده، روشن می‌شود.

زنان باید با حفظ ویژگی‌های زنانه خود، مرکزیت و مدیریت خود در داخل خانه را حفظ کنند و بیشترین اهتمام خود را بر وظیفه مهم انسان‌سازی (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۰/۶) خود قرار دهند. وظیفه تربیت فرزند مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده زنان گذارده شده و از هر فعالیت دیگر، مهم‌تر دانسته شده است.

همچنین زن، در خانواده اسلامی، وظیفه ایجاد محیط آرامش روحی و معنوی خانواده به منظور فراهم کردن زمینه برای رشد مادی و معنوی را بر عهده دارد و مسئولیت تأمین سلامت

جسمی و روحی اعضا خانواده بر دوش او قرار می‌گیرد. در صورتی که زن بتواند با کمک اعضای دیگر خانواده این مهم را تحقق بخشد، جامعه نیز از صلاح و سلامت برخوردار می‌شود. در صورتی که خانواده سالم باشد و استحکام داشته باشد و تزلزل نداشته باشد، به دنبال آن، جامعه نیز به خوبی اصلاح می‌شود.

همچنین ویژگی بارز زن مسلمان در الگوی سوم، برخورداری از عفاف است. از طریق این ویژگی است که زن، اولاً خود را در برابر آلودگی‌های اخلاقی ایمن نگه می‌دارد و در مرتبه بعد، خانواده و اجتماع را از آلودگی‌ها حفظ می‌نماید. در صورتی که مادر، عفیف و پاک باقی بماند، به تبع آن، محیط خانواده نیز پاک باقی خواهد ماند.

در نتیجه، وظیفه زنان در رواج سبک زندگی اسلامی در حوزه خانواده، شناخت جایگاه خود و دیگر اعضا در خانواده و انجام درست وظایف خود و دوری از سبک زندگی غربی است، که در صورت تحقق آن، این بخش مهم از سبک زندگی، استوار باقی خواهد ماند.

۲- ۴- ۵. لباس و پوشش

مسئله پوشش و لباس زنان در سبک زندگی اسلامی اهمیت زیادی دارد. در این خصوص، حفظ حدود شرعی و اسلامی حجاب در طراحی لباس‌های زنان ضرورت دارد. زنان مسلمان، خود، می‌توانند با آموزش دوخت لباس و با طراحی لباس‌های زیبا و در عین حال با حجاب، در ترویج امر حجاب در پوشش دخیل باشند. حدود حجاب در قرآن بدین شکل مطرح گردیده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ... يَخْفَضْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» (نور، ۳۱). بنابراین رعایت حد حجاب در طراحی لباس‌های زنان با این مبنا باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین زنان، می‌بایست در انتخاب و خرید لباس، علاوه بر ملاک‌های فرعی، برخورداری از حجاب را نیز به عنوان ملاک اصلی مدنظر قرار دهند.

همچنین پرهیز از تقلید از غرب در مسئله پوشش و توجه نشان دادن به لباس‌های محلی و سنتی باید مورد توجه قرار گیرد. نباید تصور شود که بدحجابی به زن ارزش و کرامت

می‌دهد بلکه زنان باید ارزش خود را در محجبه و عقیف بودن پیدا کنند. امام علی، زن عقیف را در چشم مردان - حتی مردان شهوتران - دارای تعالی و کرامت شخصیت می‌دانند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴/۲۰۰).

این درحالی است که در غرب، ارزش زنان به میزان بدحجابی و عریان بودنشان بستگی دارد و عفاف و حجاب یک زن به عنوان ارزشی برای او تلقی نمی‌شود. اما در مقابل، زنان مسلمان، رعایت حجاب و عفاف در جامعه را وظیفه و ملاک ارزشمندی خود می‌دانند و حجاب را به عنوان معیار اصلی در انتخاب لباس، مد نظر قرار می‌دهند. در نتیجه، نقش زنان در مسئله لباس و پوشش بر دو اصل رعایت حجاب و پرهیز از پوشش غربی استوار است.

۳- ۴- ۵. الگوی مصرف

مصرف‌گرایی، به معنای مصرف بیش از حد نیاز، ریشه در فرهنگ غربی دارد و از آن جا به نقاط دیگر جهان از جمله ایران رواج پیدا کرده است. هدف غرب از رواج مصرف‌گرایی در جهان، فروش بیشتر محصولات خود بوده که در این میان، زنان را بیشتر از مردان مورد هدف قرار داده است.

اما برخلاف فرهنگ غربی، در سبک زندگی اسلامی، مصرف‌گرایی تقبیح شده و به استفاده صحیح از نعمات الهی تأکید شده است. خداوند در قرآن به استفاده از نعمات خود دعوت و از اسراف آن‌ها نهی فرموده است (اعراف، ۳۱).

در این بین، نقش زنان به عنوان مدیران اقتصادی داخل خانه، در رواج الگوی صحیح مصرف و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی، اهمیت دارد. زنان در الگوی سوم با مرکزیتی که در خانه دارند می‌توانند، در مدت زمانی که در خانه حضور دارند، به مقدار مورد نیاز از برق و وسایل برقی استفاده کنند و در صورتی که روشنایی محیط خانه در حد نیاز، تأمین بود، از استفاده بیشتر از آن خودداری نمایند. همچنین در مقدار آب مصرفی، میزان احتیاج خود را برآورد نمایند و به همان میزان از آب برداشت کنند.

علاوه بر این، می‌توانند با در نظر گرفتن تعداد افراد خانواده، به همان میزان غذا تهیه کنند و در صورتی که مقداری از حجم غذا باقی ماند، از دورریزی مقدار غذای مازاد پرهیز کنند. همچنین آنان می‌توانند با تفکیک زباله و بازیافت مواد قابل بازیافتی، به استفاده مجدد از مواد موجود و جلوگیری از تولید غیرضروری کمک نمایند.

تجملگرایی و چشم و هم‌چشمی نیز از عوامل رواج مصرفگرایی اند که تأثیر زیادی بر افزایش میزان مصرف افراد در جامعه گذاشته‌اند. این دو خصلت ناپسند از طرفی، با مشغول کردن انسان به مادیات، او را از یاد خدا غافل می‌کنند و از طرف دیگر موجب هدر رفتن منابع و به دنبال آن، آسیب به اقتصاد کشور می‌شوند. به همین جهت، مبارزه با این دو خصلت ناپسند اخلاقی و پرورش روحیه قناعت و رضامندی ضروری است. در این میان، زنان به دلیل حجمه‌های بیشتری که از ناحیه سرمایه‌داران به منظور افزایش فروش خود، بر آنان وارد آمده و موجب انحراف آنان از اهداف اصیل زندگیشان شده، به تلاش بیشتر و مقاومت در برابر این دو خصلت نیازمند هستند. مقام معظم رهبری نیز، در سخنانی تجملگرایی را از بزرگترین انحرافات زنان دانستند و آنان را به مقاومت در برابر آن دعوت نمودند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۰: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2511>).

همچنین محاسبه دقیق احتیاجات خانه و جلوگیری از خرید مواد غیرضروری از وظایف زن در خانواده است.

این موارد، نیازمند تدبیر و حسابگری سنجیده و درایت زن در خانه است. امام علی در همین راستا، حسن تدبیر و اجتناب از اسراف را نشانه حسن سیاست دانستند و فرمودند: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ يَعْنِي تَدْبِيرَ نِيكُو وَ دَوْرِي از اسراف، نشانه سیاست نیکوست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۴۱/۱).

بنابراین، کسب اطلاعات در زمینه الگوی صحیح مصرف و یادگیری شیوه‌های صحیح صرفه‌جویی، برای زنان الزامی است. همچنین، آگاهی از اهداف غرب از رواج مصرفگرایی و

آگاهی دادن به فرزندان در این زمینه و آموزش راه‌های مؤثر صرفه‌جویی به آنان از وظایف زنان در جایگاه مادری است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان در تحقق اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم، نقش اساسی دارند. مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم در بیانیه گام دوم انقلاب در قالب هفت محور مشخص شده‌اند که در این بین نقش‌آفرینی زنان در چهار محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی حائز اهمیت است. زنان در مرتبه نخست، به‌عنوان رکن اصلی خانواده و در نقش‌های خانوادگی همچون همسری و مادری و در مرتبه بعد، در اجتماع و به‌عنوان یک شخصیت مستقل، قادر به نقش‌آفرینی در جهت تحقق اهداف انقلاب به‌ویژه در گام دوم انقلاب هستند. الگوی برتر برای نقش‌آفرینی زنان نیز، الگوی سوم زن است. زن الگوی سوم برخلاف زن غربی، عفیف، محجبه، پاسدار سنگر خانواده و برخلاف زن شرقی، فعال و پویا در عرصه‌های اجتماعی و در متن و مرکز است. از طریق فعلیت بخشیدن به این ویژگی‌هاست که می‌توان شاهد مشارکت زنان در تحقق هر چه بهتر اهداف انقلاب در گام دوم بود.

پیشنهاد و نظریه‌پردازی

۱. توجه به ارتقا سطح سواد و معلومات دینی زنان خانه دار.
۲. برنامه‌ریزی شغلی صحیح و منعطف برای مادران شاغل.
۳. برنامه‌ریزی در جهت شناساندن الگوی سوم به‌عنوان برترین الگوی زنان به زنان جامعه.
۴. تلاش در جهت افزایش کرامت و ارزش زنان در خانواده و جامعه.
۵. ایجاد و اصلاح سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی زنان و مادران.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم
۲. ابن خلدون، ۱۳۷۵، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. اسحاقی، حسین، ۱۳۹۰، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم، نشر هاجر.
۴. الهی خراسانی، علی، ۱۳۹۱، «نقد پارادایمی رویکرد سنتی به مسئولیت اجتماعی زن مسلمان»، حوزه، ش ۱۶.
۵. بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران، کیهان.
۶. پاسنو، دایان، ۱۳۸۴، فمینیسم، رمز و راز زنانگی یا اشتباه، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه زینب فرهنگد و پروین قائمی، قم، معارف.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب، بی‌نا.
۹. خندان، محمد، ۱۳۹۲، «کتابداری و مفهوم پارادایم در فلسفه علم توماس کوهن»، صدای جمهوری اسلامی ایران، ش ۶۹.
۱۰. دورانت، ویل. دورانت، آرل، ۱۳۹۳، تاریخ تمدن، تهران، بهنود.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. روتلیج، ۱۸۳۶م، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۳. زرشناس، شهریار، ۱۳۸۳، واژه‌نامه فرهنگی، سیاسی، تهران، کتاب صبح.
۱۴. سورین، ورنر. تانکارد، جیمز، ۱۳۸۶، نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. صدوق، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم، نشر داوری.
۱۶. طیبیان، سید حمید، ۱۳۷۸، فرهنگ فرزنان فارسی - عربی، تهران، فرزنان روز.
۱۷. عبدالنور، جبور. ادريس، سهيل، ۱۹۸۶م، المنهل (قاموس فرنسی عربی)، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۸. عمید، حسن، ۱۳۷۵، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۹. گولد، جولیسوس. ویلیام، کولب، ۱۳۸۴، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار.

۲۰. لوکاس، هنری، ۱۳۶۶، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آذرنگ.
۲۱. لوید، ژنویو، ۱۳۹۳، عقل مذکر، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، نی.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۱۵، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. محمدی، مرتضی، ۱۳۸۲، «بررسی وضعیت زنان قبل و بعد از ازدواج در قبایل بدوی آفریقا»، گاه‌نامه فرهنگی اداره کل آفریقا و عربی.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، زرین.
۲۶. مهریزی، مهدی، ۱۳۸۲، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۷. نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۷۱، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات رایزن.
۲۸. وفایی‌صدر، فاطمه، ۱۳۹۴، «مبانی فکری - کلامی الگوهای اجتماعی زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ش ۶۸.
۲۹. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۴، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

نقش والدین در آموزش مدیریت مصرف فرزندان با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

طاهره ماهرزاده^۱

معصومه موسوی فیروزآبادی (نویسنده مسئول)^۲

مصطفی تقی لو^۳

چکیده

از منظر قرآن و روایات مصرف زمانی می‌تواند انسان را به تعالی برساند که با تعادل همراه باشد. «مدیریت مصرف» به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع است که باعث ارتقاء سطح زندگی، توزیع مناسب منابع و کاهش هزینه‌ها می‌گردد. در جامعه‌ای که هیچ مدیریتی بر مصرف آن وجود ندارد منابع به سرعت پایان می‌پذیرد و هدف و انگیزه‌ای برای مصرف مشاهده نمی‌شود.

آموزش مدیریت مصرف یکی از راهکارهای حفظ منابع و تأمین رفاه نسل آینده است که

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات

اسلامی جامعه الزهرا (س) ahrozadeh@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۳ رشته تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهرا علیه السلام. hasnatqylw@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، Mtagh788@gmail.com

با فرهنگ‌سازی در خانواده و آموزش به فرزندان میسر می‌شود. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با تأکید بر بیانیه گام دوم رهبری به بررسی نقش تربیتی والدین در آموزش مدیریت مصرف صحیح به فرزندان پرداخته شده و دو نقش (مستقیم و غیرمستقیم) برای والدین ترسیم شده است. نقش غیرمستقیم که در قالب هدایتگری فرزندان در کنترل تمایلات و همچنین الگو بودن در زمینه مصرف به صورت تقبیح مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی بروز می‌کند. و در نقش مستقیم به اولویت‌بندی نیازها و شیوه پرهیزکارانه و معقولانه مصرف پرداخته شده است.

کلیدواژگان: مدیریت مصرف، مصرف‌گرایی، آموزش والدین، قناعت فرزندان، بیانیه گام دوم.

مقدمه

نقش کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانواده از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آینده اقتصاد خانواده و جامعه از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش مدیریت صحیح مصرف و هدایت آنان را آشکار می‌کند. «مدیریت مصرف» در حقیقت نهادینه کردن روش صحیح استفاه از منابع است که باعث ارتقاء شاخص‌های زندگی، توزیع مناسب منابع و کاهش هزینه‌ها می‌شود (کلانتری: ۱۳۸۴، ص ۳۸). و به عبارت دیگر مدیریت مصرف به معنای مصرف متعادل و پرهیز از اسراف است (امام خامنه‌ای:، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/20534>). در جامعه‌ای که هیچ مدیریتی بر مصرف آن وجود ندارد منابع و ذخایر ملی به سرعت پایان می‌پذیرد و هدف و انگیزه‌هایی برای مصرف مشاهده نمی‌شود لذا نخستین گام در راه تعالی «مدیریت مصرف در جامعه» فراهم نمودن زیر ساخت‌های فکری و زمینه‌سازی فرهنگی است که این خود نیازمند آموزش است.

مقام معظم رهبری پرهیز از اسراف و مدیریت مصرف را یک حرکت جهادی می‌دانند و در رأس همه دستگاه‌ها خانواده را متولی فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌دانند در صورتی که عدم توجه به این امر فرزندان را نسبت به استفاده از منابع موجود حریص نموده و در نتیجه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در زندگی آنان سایه خواهد افکند.

در منابع مختلف مرتبط با سخنان مقام معظم رهبری در زمینه مدیریت مصرف، به طور کلی و در حیطه ادارات، نهادها و... پرداخته شده است لکن در موضوع ارائه الگوی مصرف صحیح و آموزش مدیریت مصرف به فرزندان با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) پژوهشی یافت نشد. درحالی‌که سر منشأ رفع مشکل مصرف‌زدگی و اسراف و ارائه بینش صحیح به نسل آینده جهت استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، در خانواده و توسط والدین خواهد بود. «اصلاح الگوی مصرف، این را باید از کودکی به این جوان و نوجوان یاد داد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۲/۱۳، <https://>

(.https://farsi.khamenei.ir, ۳۲۹۷۰/khl.ink/f/)

بنابراین پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تربیتی، روایی و بیانات مقام معظم رهبری در تلاش است به موضوع وظایف تربیتی که والدین در عرصه مدیریت مصرف فرزندان و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه در دو محور آموزش مستقیم و غیر مستقیم می‌پردازد.

۱. نقش غیرمستقیم

خانواده تربیت فرزندان تحقق می‌یابد و والدین خواسته یا ناخواسته با سخنان و رفتار فرزندان را جهت دهی می‌نماید و در این میان والدینی که مسئولیت تربیت را پذیرفته باشند با مطالعه و دقت در رفتارها می‌توانند بهترین زمینه‌های تربیتی را در شکل دهی شخصیت فرزندان ایجاد نمایند.

۱-۱. هدایت‌گری فرزندان در کنترل تمایلات

یکی از مقدمات آموزش مدیریت مصرف به فرزندان تعدیل و پرورش نیازهای مختلف آنان است. زیرا در طول زندگی تمایلات بسیاری را در خود احساس می‌کنند و کنترل و ارضای متناسب آن‌ها نیاز به مهارت و آموزش داد به‌عنوان مثال کودکان و نوجوانان در مدرسه، اجتماع یا در مهمانی‌ها، با هم کلاسی‌ها یا افرادی برخورد می‌کنند که مثلاً لباس‌ها یا لوازم متنوع و گاه گران قیمت دارند یا خیلی راحت پول خرج می‌کنند. این امور ممکن است سؤالات یا ابهاماتی برای فرزندان به وجود آورد یا این که انگیزه‌ای شود تا آن‌ها از وضعیت خود اظهار نارضایتی کرده، در خواست‌های گوناگون از والدین داشته باشند. برای آن‌ها باید توضیح داده شود که هر خانواده دارای جایگاه و وضع اجتماعی خاص خود است و با توجه به آن جایگاه امورات خود را اداره می‌کند بنابراین فرزندان باید یاد بگیرند که قانع باشند و بر اساس آن چه دارند با خلاقیت و تلاش، امکانات بهتری فراهم کنند و نسبت به داشته‌های دیگران حسادت نکنند و از طرفی تمایلات خود را بر اساس چارچوب و قواعدی

که در خانواده حاکم است و متناسب با سطح درآمد خانواده برآورده نمایند. (اصغری: ۱۳۸۸، ۳۵۵، ۳۵۴)

علاوه بر این تقوا، خویشتن‌داری و صبر در تعدیل و پرورش نیازهای فرزندان نقش بسیاری دارد زیرا افراد برای رسیدن به اهداف خود گاهی باید از لذت‌ها و انگیزه‌هایی چشم‌پوشی کنند. لذا در روایات توصیه شده است که فرزندان را متناسب با تاب و توانشان از هفت سالگی به روزه (نصف روز) تشویق کنند و با این کار آن‌ها را به صبر عادت دهند. (کلینی: ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۱۰۹۳۰۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إذا أتى علی الصبی ست سنین وجبت علیه الصلاة و إذا أطاق الصوم وجب علیه الصیام». (طوسی: ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۸۱)

کسی که در روزه با قدرت اراده خود آشنا می‌شود، در موقعیت‌های دیگر نیز قادر است از عهده انگیزه‌ها و امیالش برآید زیرا دانایی توانایی می‌بخشد. و از طرفی دیگر با چشیدن طعم گرسنگی و تشنگی نسبت به فقر و محرومیت هم‌نوعان خود احساس مسئولیت کرده و در امر مصرف دقت بیشتری خواهد نمود. به برکت روزه، طعم گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آن چه اشتهای نفس انسان است را درک می‌کنیم و می‌چشیم. این بایدها را به احساس مسئولیتی که اسلام در قبال مسئله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۸/۹۹، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir> ۳۱۵۷)

علاوه بر این ایجاد روحیه شکرگزاری، احساس توانمندی روانی در سایه مقایسه خود با افراد فاقد این نعمت، استفاده درست از نعمت‌ها و مدیریت و کنترل خواسته‌ها و توقعات از فواید آموزش شکرگزاری به کودکان است. (شجاعی: ۱۳۸۸، ص ۲۳۴) بی‌تردید برخی رفتارهای مصرف کودکان در اثر عادت بروز می‌کند. عادت کاری اختیاری و انتخابی است که در اثر تکرار و انس بدون تفکر انجام شده ترک آن مشکل می‌شود و طبیعت دوم می‌گردد. (نیلی پوز: بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷۷)

«عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم ما را سوق داده است به زیاده روی در مصرف به نحو اسراف» این فرمایش مقام معظم رهبری گویای این مطلب است که بخشی از رفتارهای مصرفی ما که منجر به اسراف می‌شود در اثر عادات غلط است و رفتار عادت‌ی (مانند پرخوری، ریخت و پاش، اسراف و...) سبب ضعف اراده می‌گردد. برای پیشگیری از این امر باید ذکر خدا و تفکر در آیات خداوند را آموزش دهند و در مورد ضررهای عادت زدگی با کودک گفت و گو نمایند و با تشویق نکردن رفتارهای عادت‌ی و ترغیب رفتارهای مثبت آگاهانه و توجه دادن به ارزش نیت خدایی در کارها به همراه الگوی مثبت عملی بودن به فرزندان کمک کنند تا از عادت به مصرف رها شوند. (قدیری: ۱۳۸۹، ص ۱۱۶ - ۸۷) لازم به ذکر است آموزش در این مرحله به معنای القای نامحسوس رفتارهای شکرگزاری است، که می‌تواند در حالات و رفتار والدین نمود پیدا کند و ناخواسته همان روحیه در فرزندان نیز ایجاد می‌شود.

۱-۲. نفی نیازهای کاذب

مصرف افراد خانواده با توجه به نیاز آنهاست. اما این نیاز باید واقعی باشد. بنابراین مصرفی که بر اساس یک نیاز واقعی صورت گیرد، صحیح و حتی ضروری است در مقابل مصرفی که بر اساس نیاز صورت نگیرد و یا با توجه به نیاز واقعی انجام نگیرد، قطعاً انحراف و اسراف است.

مقام معظم رهبری رفع نیازهای کاذب را مصداق اسراف و زیاده روی در مصرف می‌داند «ما متأسفانه گرفتار اسراف و زیاده روی شده‌ایم... اسراف در لباس، در خوراک، تجملات زندگی، در زینت‌ها و آویزه‌های گوناگون... همین‌ها است که زندگی را خراب می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۳۰ / ۶ / ۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/34429/khl.ink/f/>)

برخی از نیازهای زندگی انسان برگرفته از طبیعت و فطرت اوست که باید پاسخ مناسب داده شود، اما بسیاری از کالاها و خدمات مورد تقاضای طبیعی خانواده امروزی نبوده و

تحت تأثیر تمایلات نفسانی، تبلیغات و توصیه اطرافیان و... به صورتی تدریجی خود را یک نیاز ضروری نشان می‌دهد و به گونه‌ای که نمی‌توان از آن صرف نظر کرد.

بنابراین قبل از این که ذهنیت غلط موجب شکل‌گیری یک نیاز در فرزندان شود باید با نگاهی درست و با توجه به میزان درآمد و امکانات به‌طور عقلانی آن را اصلاح کرد چرا که این‌گونه هزینه‌ها مغایر با منافع خانواده خواهد بود. به عبارت دیگر جهت مدیریت صحیح نیازها لازم است شیوه‌ها و معیارهای تشخیص نیازهای واقعی به فرزندان شناسانده شود و به همان سمت و سو هم جهت دهی شوند.

شناسایی مصادیق نیاز واقعی، با در نظر گرفتن هدف نهایی انسان امکان‌پذیر است. وقتی هدف غایی انسان، بندگی است هر چیزی که انسان را در رسیدن به این هدف یاری دهد نیاز واقعی به شمار می‌رود. از طرف دیگر اخلاق مصرف از دیدگاه اسلام، بر نفی نیازهای کاذب تأکید دارد.

بنابراین والدین باید از یک سو خودشان نمونه عملی مصرف که مبتنی بر ارزش‌های دینی است به تبلیغ مصرف اسلامی و تأمین نیازهای واقعی پردازند و از سوی دیگر با رعایت زهد و ساده‌زیستی در مقابل نیازهای کاذب فرزندان ایستادگی کنند تا آنان را از آسیب‌های مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی که از ثمرات توجه به نیازهای غیر واقعی است حفظ نماید.

۱-۳. الگو بودن در زمینه مدیریت مصرف

یادگیری مشاهده‌ای مهم‌ترین نوع در تربیت انسان می‌باشد آن چه که عیناً فرزندان با آن مواجه می‌شوند در وجودشان می‌نشیند و هیچگاه فراموش نمی‌شود روش الگویی در سراسر زندگی در تمامی ابعاد مؤثر می‌باشد. در قرآن کریم نیز به بیان ارزشهای و صفات نیک بسنده ننموده بلکه نمونه‌های عملی را به‌عنوان الگو معرفی نموده است و با عنوان کلمه اله، آیه و اسوه نام برده است در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾ (ممتحنه: ۴)

و حضرت مریم و حضرت عیسی علیهما السلام را آیه ای برای جهانیان معرفی می نماید:

﴿وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۹۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله را الگوی نیکو برای همه طالبان هدایت معرفی می کند

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ (احزاب: ۲۱) این الگو از جانب والدین که نزدیکترین افراد به فرزندان می باشند در دو محور تقبیح اسراف و تجمل گرایی قابل بررسی می باشد.

۱- ۳- ۱. تقبیح اسراف و مصرف گرایی

خداوند متعال در قرآن کریم به مصرف صحیح نعمت ها توصیه نموده می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

(بقره: ۱۶۸)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست.

مصرف از دیدگاه اسلام مقدمه و ابزاری است برای نیل به سعادت حقیقی و کمال مطلوب. یکی از آسیب های مهم مصرف، اسراف و زیاده روی است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی، در بعد اقتصادی و در بعد اخلاقی و ارزش دارد. اسراف از یک سو سبب از بین رفتن (هدر رفتن) منابع مالی خانواده و از سوی دیگر موجب افزایش نیازهای کاذب و افزایش تقاضا برای مصرف می شود. از دیگر آثار اسراف کاهش برکت و فقر «امام صادق: ۷: إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةُ الْبَرَكَةِ» (کلینی: ۱۳۸۷، ص ۵۵) است و باعث تضییع حقوق دیگران و رشد فساد اقتصادی در جامعه و آسیب های جسمانی است. (مجلسی: ۱۴۰۱، ص ۱۸۲)

بنابراین برای دوری از اسراف باید الگوی مصرف را اصلاح کنیم و این کار نیز به برنامه ریزی نیاز دارد. (پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۸۸/۱/۱،

(<https://farsi.khamenei.ir> ۶۰۸۲ <https://khl.ink/f/>)

صرفه جویی یکی از راه هایی است که می تواند الگوی مصرف را به معنای واقعی کلمه

اصلاح کند. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی آغاز سال ۱۳۸۸/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/۶۰۸۲/khl.ink/f/>) بنا به فرمایش رهبر انقلاب این کار باید در درجه اول توسط مسئولین صورت گیرد (در زمینه اصلاح الگوی مصرف خطاب اول من متوجه مسئولین است. اگر چنان چه مسئولین از ریخت و پاش پرهیز کنند آن وقت این روحیه، این خصلت به زیردستان سرریز خواهد شد. مجموعه مسئولین کشور بایستی در شتون مجموعه تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند، اسراف نکنند، الگوی مصرف یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد.) (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۹۲/۱۲/۲۰، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir>)

به تعبیری والدین یکی از مصادیق مسئولین در خانواده محسوب می‌شوند و در اولین گام باید صرفه‌جویی رادر عمل به فرزندان آموزش دهند. «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (کلینی: ۱۳۸۸، ص ۱۰۵)

زیرا مؤثرترین روش در تربیت، روش عملی است و فرزندان بیش از توجه به سخن پدر و مادر به رفتار آنان توجه می‌کنند به همین دلیل است که خانواده‌های ولخرج فرزندان اسراف کار تربیت می‌کنند، زیرا ضمیر آنان تلقین‌پذیر است و فرزندان آینه تمام‌نمای رفتار پدر و مادر هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی در موضوع تربیت می‌فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنٌ، وَ الْعِرْقُ دَسَّاسٌ، وَ ادب السوء كعرق السوء» مردم چون معدن‌ها گونه‌گونند و نژاد در تربیت افراد نافذ است و تربیت بد مانند نژاد در افراد مؤثر است.» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۸۸)

اطلاق روایت می‌تواند درباره آن دسته از خانواده‌هایی باشد که امکانات زیادی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند و به نوعی در تربیت آنان سهل‌انگاری می‌کنند که این عدم تربیت صحیح باعث آثار سوئی در فرزندان از جمله مصرف‌گرایی و اسراف می‌گردد. از این رو اولین گام در مسیر جلوگیری از اسراف در فرزندان توجه به رفتارهای مصرفی خود

و اطرافیان فرزند است، جهت مصون ماندن از این رذیله باید او را متقاعد کرد تا از مسرفان فاصله گرفته و رفت و آمد با آنان را محدود کنند. همچنین باید آگاهی فرزندان در مورد نحوه صحیح مصرف، (تا وقتی الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه طور باید مصرف کنیم، برق را چه طور، نان را چه طور باید مصرف کرد، پول را چه طور باید مصرف کرد، تا این‌ها را درست مصرف نکنیم، راه‌های مصرف را ندانیم مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند، باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم.) (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir/9054>)،

و پیامدهای آن یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند به یاری فقرا دراز شود روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بالای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند، چه ثروت‌ها و پول‌هایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است باز می‌ماند. (امام خامنه‌ای، خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/3157/>)

و کيفرهای اخروی آن افزایش دهند زیرا در صورتی که انسان بداند در اسراف حقوق دیگران ضایع نمی‌شود و موجب فقر و ضعف ایمان و... می‌شود، هرگز این کار را نخواهند کرد. از طرفی اگر بداند اسراف از گناهان کبیره است و انجام آن حرام است مرتکب آن نمی‌شود در مقابل او را به صرفه‌جویی و قناعت عادت دهند. علاوه بر این در سبک زندگی اسلامی نگاه عیب‌جویانه به تجمل‌گرایی و مصرف بیش از اندازه باید در خانواده‌ها تقویت و تبدیل به فرهنگ شود.

همچنین تأثیرپذیری از الگوهای غلط وارداتی که در فرهنگ اسلام مذموم است در گسترش مصرف‌گرایی تأثیر در خور توجهی دارد. جامعه ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار

بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگ‌های غربی ترویج می‌شود رها کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع کارگزاران نظام، ۱۴/۹/۱۳۶۹، <https://khl.ink/f/>، ۲۳۹۰ <https://farsi.khamenei.ir/>) نوع پوشش، تغذیه، دکوراسیون منزل و... از جمله این مواردند. در این سبک زندگی، خانواده‌ها در تأمین ما یحتاج خود، به نیازهای واقعی که بر اساس ضرورت‌ها شکل می‌گیرد، توجه نمی‌کنند. این کار در بیان امام باقر ۷ به شدت مورد نکوهش واقع شده است «أوحى الله إلى بنى من الأنبياء أن قل لقومك لا يلبسوا لباس اعدائى و لا يطعموا طعام اعدائى و لا يشاكلوا بمشاكل اعدائى فيكونوا اعدائى كما هم اعدائى» (طوسی: ۱۳۶۵، ص ۱۷۲). خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود که به وقت بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت به سان آنان دشمن من خواهند بود.

برای مقابله با این امر مشکل باید میانه‌روی در خرج کردن را به صورت یک فرهنگ ملی در آوریم. (امام خامنه‌ای، بیانات در نماز عید سعید فطر، ۲۱/۷/۸۶، <https://khl.ink/f/3405/farsi.khamenei.ir/>). و با توجه به این که فرهنگ‌سازی در مصرف قبل از هر جا از خانواده آغاز می‌شود والدین وظیفه دارند نیازمندی‌های زندگی را تحت کنترل عقل و با توجه به ارزش‌های دینی و ملی خود تأمین نمایند زیرا با پیروی از هوی و هوس، خواهش‌های دل و آن چه نفس انسان از او مطالبه می‌کند نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد.

در مقابل عقل چون همیشه به اعتدال امر می‌کند انسان را از گرفتار شدن در افراط و تفریط می‌رهاند.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در ترویج مصرف‌گرایی و سوق دادن فرزندان به سمت این فرهنگ غیر اسلامی و مذموم، تبلیغات است. تبلیغات در بسیاری از موارد مصرف‌کالاهای غیرضروری را برای یک خانواده ضروری جلوه می‌دهد هرچند ممکن است مصرف همان کالا برای خانواده دیگری ضروری باشد. بنابراین پدر و مادر باید تصور واضحی از نیازهای

فرزند به او نشان دهند و اطلاعاتی در مورد معیار مصرف درست در اختیار فرزند قرار دهند و خود را ملزم به رعایت آن کنند در ضمن عدم دقت در مصرف اموال و کالاها به تدریج خانواده‌ها را به سمت مصرف‌گرایی سوق می‌دهد تا جایی که ممکن است بر اثر عادت برخی رفتارهای خود را مظهر اسراف و مصرف‌گرایی ندانند. (امام خامنه‌ای، بیانات در نماز عید سعیر فطر، ۱۵/۹/۸۱ //khl.ink/f/ ۳۱۵ https://farsi.khamenei.ir. https://khl.ink/f/ ۳۱۵)

۳.۱-۲. تقبیح تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی به معنای روی‌آوری بیش‌ازحد به مادیات و گردآوری اشیاء و لوازم غیرضروری و دل بستن به آن‌هاست. به گونه‌ای که این عمل برای انسان‌ها به هدف تبدیل شود زیرا انسان به هر نوع کمالی گرایش دارد و از نقص و کمبود گریزان است بنابراین استفاده از زینت و زیبایی در حد اعتدال باشد هیچ اشکالی ندارد ولی بسیاری از افراد در جیان زندگی راه افراط را در پیش می‌گیرند و به بهانه‌های گوناگون رو به تجمل‌گرایی می‌آورند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ﴾ (حدید: ۲۰) بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرامش و فخرفروشی شما به یکدیگر به فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. هنگامی که سبک زندگی تغییر کند و اعضای خانواده به دنبال تجمل و مد و چشم و هم‌چشمی باشند، طبیعی است که با یک درآمد عادی نمی‌توان به خیلی از انتظارات پاسخ داد. این جاست که منبع درآمد تغییر می‌کند، از مشروعیت فاصله می‌گیرد و در نتیجه باعث ورود اموال شبهه‌ناک و حتی حرام به سفره خانواده می‌شود.

فرزندانی که چشم باز کرده و خود را در خانواده تجملی دیده است به‌طور حتم چنین رویه‌ای را در زندگی خود در پیش خواهد گرفت. برای پیشگیری از این امر اصلاح محیط زندگی او از این مظاهر تفاخر و تظاهر بسیار مهم است و در درجه بعد ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در خانواده مشخص باشد و اعضای خانواده آن را در عمل به خوبی درک کنند به عبارت دیگر باورهایی باید در فرزندان درونی شود تا آنان را در مسیر مبارزه با نفس یاری

دهد، از جمله باورمندی به هدف نهایی انسان که قرب خداوند است. طبق این باور اگر نعمت‌های الهی در جهت رسیدن به کمال و سعادت اخروی صرف شود مطلوب و چنان چه برای استفاده در تجمل‌گرایی و خوشگذرانی باشد آثار نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت. (طباطبائی: ۱۳۷۸، ص ۳۵۴)

بنابراین پایبندی به تجملات و تشریفات که از مصادیق اسراف است دون شأن انسان والاست. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸ / ۱۰ / ۴، <https://farsi.khamenei.ir/2985>) و از جمله جاهایی که تقوا باید خودش را نشان دهد در میل به زندگی تجملی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸). بی‌تردید زمانی که اعضای خانواده روحیه کمال‌طلبی خود را جهت کسب رضای خداوند قرار دهند این باور به رفتارهای اقتصادی آنان جهت خاصی می‌بخشد و لذت معنوی و اخروی را برمی‌گزیند. در مقابل وقتی انگیزه مادی بر انسان غلبه کند در راه می‌ماند وقتی هدف‌های کوچک و حقیر شخصی رسیدن به مال و منال و تجملات و قدرت برای انسان شد، هدف اصلی از یاد می‌رود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای جهادگران سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f/10163>)

در این راستا والدین می‌توانند با رعایت زهد و قناعت، مصارف غیر لازم را در خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل زندگی کاهش دهند و از خرید کالاهای لوکس و تجملی و تولید خارجی و هزینه برای ساختمان‌های مجلل خودداری کنند با این روش امکان صرف سرمایه‌های اضافی خانواده در امور تولیدی فراهم می‌شود.

علاوه بر این با تشویق فرزندان به خرید کالای تولید داخل نه تنها سطح اشتغال را در جامعه بالا می‌برد و بیکاری و فقر و محرومیت عده زیادی از بین می‌رود بلکه با جهت‌دهی درست به منابع مالی خانواده مجالی برای ارضای میل اشرافی‌گری باقی نخواهد ماند. (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۴/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/29236>. [\(https://khl.ink/f/\)](https://khl.ink/f/)

بنابراین برای درمان تجمل‌گرایی باید هنجارسازی شود. همان‌گونه که افزون‌طلبی در پی با ارزش شدن ثروت در جامعه به صورت هنجار در آمده والدین باید این هنجار را شکسته و خانواده را به سمت ارزش‌های معنوی و قناعت پیشگی ببرد از طریق آموزش این نکته به فرزندان که نباید همواره در پی خواسته‌ها و شهوات خود و دل خود باشند بلکه لازم است که در خوردن و پوشیدن و لوازم زندگی و... حدودی را رعایت کنند و از آن چه به جاه‌طلبی و اسراف و تجمل‌گرایی می‌انجامد خودداری نمایند.

۲. نقش مستقیم

والدین با آموزش‌هایی که در زمینه اولویت‌بندی نیازها و و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف و تعادل در ارضای نیازها می‌توانند نقش ایفا نمایند.

۱.۲. آموزش اولویت‌بندی نیازها

خداوند متعال در آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) هدف از خلقت انسان را عبادت (تکامل و قرب به خداوند) عنوان می‌کند. از این رو هر چیزی که انسان را در رسیدن به این هدف یاری دهد نیاز شمرده می‌شود. بدون تردید تأمین امکانات مادی و رفع احتیاجات انسان در زندگی دنیوی برای پیمودن این مسیر لازم به نظر می‌رسد. (میرمعزی: ۱۳۷۸، ص ۹۵) و جزء نیازهای واقعی انسان محسوب می‌شوند زیرا از واقعیت عینی ناشی می‌شود. با توجه به دیدگاه اسلام رفع نیازهای واقعی و معیشتی انسان باید در اولویت قرار گیرد.

لذا یکی از راهکارهای مدیریت مصرف، آموزش اولویت‌بندی نیازها به فرزندان است. رهبر انقلاب با تأکید بر اولویت‌بندی نیازها می‌فرماید: «مسئولین باید در زمینه مصرف در جاهایی که اولویت ندارد و لو ممکن است مورد نیاز هم باشد اما نیاز درجه یک نیست خودداری کنند. آن جایی که نیاز نیست حتماً مصرف نشود آن جایی که حاجت هست اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود و این امکان مالی، در حاجت برتر و بالاتر

مصرف گردد.» (امام خامنه‌ای: پیام نوروزی ۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f/2743>)

با توجه به فرمایش ایشان، می‌توان والدین را یکی از مصادیق مسئولین به شمار آورد که اولویت‌بندی نیازها را در زمینه مصرف منابع خانواده مد نظر قرار داده و این مهم، را به فرزندان نیز آموزش دهند. بی‌توجهی به این مقوله، در واقع هدر دادن سرمایه و گونه‌ای اسراف کاری است و مشکلات گوناگونی را در آینده فرزندان در پی خواهد داشت.

بدین منظور در خانواده تأمین نیازهای ضروری‌تر بر نیازهایی که تأمین آن‌ها ضرورتی کمتر دارد باید مقدم گردد. و والدین به کودک بیاموزند در اقتصاد و خرج کردن اولویت اول نیاز به خرید وسیله ضروری است و اولویت دوم صرف خواستن و آرزوی چیزی داشتن است. بهتر است راجع به این موضوع با او صحبت کنند و تجربه‌هایشان را به او منتقل نمایند. مهم است فرزند درباره این مسائل کمی فکر کند.

برای تسهیل در آموزش این امر والدین با اختصاص پول تو جیبی به فرزندان می‌توانند مدیریت مالی و اولویت تأمین نیازها را به آن آموزش دهند. کودکانی که مجبور به مبارزه و تلاش برای مسائل پولی می‌شوند و نه تنها مسئولیت مالی بیشتری پیدا می‌کنند بلکه در تمامی زمینه‌های زندگی نیز مسئول‌تر بار می‌آیند. در حقیقت این مقوله بدان معناست که کودکان با آموزش مهارت‌های درست و به جای مدیریت داری خود، برای مدیریت و پیشبرد وظایفشان در زندگی آینده نیز بهتر عمل خواهند کرد. (امینی: ۱۳۸۸، ص ۳۰۳)

علاوه بر این والدین با فهرست کردن نیازهای فرزندان و اولویت‌بندی آن‌ها با توجه به منابع مالی و ضرورت استفاده، تمایلات فرزندان و نیازهای آن‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند و با این کار تدبیر در امور اقتصادی و مدیریت نیازها را به آنان آموزش می‌دهند و از سوی دیگر به آنان می‌آموزند که برای رفع حوائج و خواسته‌های مهم‌تر باید از برخی دیگر چشم‌پوشند.

۲-۲. آموزش پرهیزکارانه و معقولانه

مصرف درست و صحیح در تمام زمینه‌ها علاوه بر الگو بودن والدین در این زمینه نیاز

به آموزش دارد. خوراک و پوشاک دو امر مهم در زندگی روزمره انسان می باشد.

۲- ۲- ۱. در زمینه خوراک

از مهم ترین نیازهای انسان نیاز به خوراک و پوشاک است به طوری که بدون آن بیش از چند روز نمی تواند زنده بماند لذا در تأمین نیازهای انسان حائز اولویت هستند و در آیات و روایات (اعراف: ۲۶ و ۳۱؛ نحل: ۸۱) نیز به ارضای معقول و منطقی این نیازها تأکید فراوان شده است.

پیامبر اکرم انسانی که هر چه بخوهد می خورد را مورد مذمت قرار داده و می فرماید: «کسی که هر چه بخوهد می خورد خداوند بدو نظر لطف نکند تا آن روش را ترک گوید.» (ابن شعبه حرّانی: ۱۳۹۷، ص ۳۸)

مقام معظم رهبری الگوی مصرفی که بین مردم جامعه رواج دارد تأیید نمی کند و می فرماید: «باید خودمان را اصلاح کنیم، ما الگوی مصرفمان غلط است، چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم، چه بپوشیم، ما دچار هوس بازی شده ایم.» (امام خامنه ای، بیانات در زائران حرم مطهر رضوی، ۱/۱ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f/6082/>)

ایشان در ادامه راهکار اصلاح آن را مصرف معقولانه و پرهیزکارانه می داند. و می فرماید: «ما باید مصرف کردن را مدیرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلا عامل چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آن چه نفس انسان از او مطالبه می کند، نمی شود مصرف را مدیریت کرد» (امام خامنه ای، بیانات در نماز عیر فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵، <https://khl.ink/f/3157>. <https://farsi.khamenei.ir>)

در مورد خوراک می توان گفت این سخن اشاره دارد به این که ممکن است کسی بیش از اندازه لازم، غذا نخورد ولی در انتخاب نوع غذا اسرافکار باشد. یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر، غذای لذیذتر را انتخاب می کند و به سخن دیگر آن چه برای سلامتی بدن ضروری

است را نمی خورد. شاید به خاطر این اسرافکاری است که خداوند شخص را از خود دور می سازد. امروزه این گونه اسرافکاری و تغییر در سلیقه غذایی فرزندان بسیار مشاهده می شود که نتیجه آن تنوع طلبی های بیهوده در خوراک آنهاست که هزینه های سنگینی برای خانواده دارد.

به نظر می رسد انتخاب فست فودها به جای غذاهای سنتی و خانگی در عصر حاضر همان غذای لذیذ و در عین حال غیر مفید برای بدن است که سبب امراض گوناگونی می گردد و گرایش فرزندان به این سمت سلامتی آنان و اقتصاد خانواده را به خطر می اندازد. در جهت آموزش مصرف مدبرانه فرزند، باید او را آگاه کرد که تغذیه بهتر لزوماً با مصرف غذای گران قیمت تأمین نمی شود. والدین باید اصول اصلی تغذیه سالم را به فرزند آموزش دهند. والدین می توانند با آشنایی با علم تغذیه و آگاهی از قیمت، مواد غذایی ارزانتر با خواص مشابه نیازهای تغذیه ای خانواده را تأمین کنند. (افشاری: ۱۳۸۰، ص ۱۰۶)

از این طریق یکی از راه های صرفه جویی را نیز به فرزند آموزش می دهند و همچنین از سوء تغذیه فرزند که آثار جبران ناپذیر جسمی و روحی برای او در پی دارد، جلوگیری می شود.

۲-۲-۲. در زمینه پوشاک

در حوزه پوشاک متأسفانه کارایی اصلی لباس که پوشش و حفظ بدن از سرما و گرما بوده از دست را داده است و عاملی شده است برای انواع تجمل پرستی ها، توسعه فساد، تحریک شهوت، خودنمایی و اسراف و امثال آن. حتی گاهی افرادی که نمی توانند با کار چشم گیری خود را به جامعه نشان دهند سعی دارند با لباس های نامأنوس و غریب و عجیب وجود و حضور خود را به جامعه نشان دهند.

به هر صورت ثروت های عظیمی که از طریق لباس های گوناگون و مدپرستی های مختلف چشم و چشمی ها در مسئله لباس، نابود می شود، رقم بسیار مهمی را تشکیل می دهد که اگر صرفه جویی می شد بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل می کرد و مرهم های مؤثری بر زخم های جانکاه جمعی از محرومان جامعه بشری می گذارد. (مکارم شیرازی:

۱۳۷۴، ص ۱۳۶)

در آموزه‌های اسلام سه هدف بر پوشیدن لباس بیان شده است: اول: پوشیدن زشتی‌های بدن ﴿لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا﴾ (اعراف: ۲۶)؛ دوم: حفظ بدن از سرما و گرما و صدمات مختلف ﴿وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ﴾ (نحل: ۸۱) و سوم: زیبایی و مجال انسان ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ (اعراف: ۳۱)

با توجه به این که شخصیت اجتماعی افراد معمولاً به نوع لباس آنان ارتباط دارد اعضای خانواده باید به این نکته توجه داشته باشند لباسی را که مایه آبرو و حیثیت اجتماعی است، در هر جا نپوشند و آن را درست نگهداری کنند تا دوام بیشتری داشته باشد و دوباره نیاز به خریدن چنین لباسی پیدا نشود. همچنین با پوشیدن لباس‌های گران بها و فاخری که شأن انسان نیست مرتکب عمل زشت اسراف و تبذیر نشوند. بدون شک اگر فرزندان در خانواده فلسفه لباس و انگیزه‌هایی که به خاطر آن لباس می‌پوشند و خود را می‌آرایند را خوب بدانند، هرگز از توازن و تعادل خارج نشده و دچار زیاده روی و تجمل‌گرایی و تفاخر و کبر نمی‌شوند و در حد ضرورت و نیاز طبیعی به لباس و زینت اکتفا می‌نمایند.

به علاوه فرزندان در یک خانواده متعادل به پیروی از رسول خدا که در زمینه پوشش از انگشت نما شدن در هر دو سو افراط و تفریط نهی فرموده است. می‌آموزند در مسئله پوشیدن لباس، اصل میانه‌روی و اعتدال را جاری سازند؛ به این شکل که از تبدیل لباس به تفاخر و تجمل و ارزش را در کیفیت جامه دانستن پرهیز کنند؛ چرا که تجمل‌گرایی در لباس، به روی آوردن به لباس‌های گران قیمت و عدم انتخاب جنس خوب در پوشاک می‌انجامد. در نتیجه منجر به افراط در صرف مال و در آمد خانواده می‌گردد. از این رو فرزندان در چنین خانواده‌ای با رعایت آداب و انتخاب پوشش مناسب و پسندیده، ساده‌پوشی را که رهاورد اعتدال در پوشش است، برمی‌گزینند.

۲- ۲- ۳. پرورش روحیه قناعت

قناعت در اصطلاح حالتی است برای نفس به معنا اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و

ضرورت است. (نراقی، ۱۳۷۱: ص ۳۹۷) ضمن این تعریف امام صادق علیه السلام در روایتی معیار قناعت را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «به آن چه قسمت تو کرده است قانع باش نگاه به آن چه دیگران در زندگی خود دارند مکن و آن چه را به آن نمی‌رسی، آرزوی خویش مگردان. (کلینی: ۱۳۸۷، ص ۲۴۳)

بنا به این روایت نقطه مقابل قناعت، حرص و طمع است. که خانواده را به کار کردن فراوان برای کسب درآمد و عدم تعادل در شغل و معاش حقیقی می‌کشاند و یا مبتلا به تجمل‌گرایی و چشم و هم چشمی می‌کند. بنابراین یکی از رهاوردهای قناعت در زندگی، نداشتن نگاه به مال و دارایی دیگران است که باعث آرامش و آسایش جسم و جان می‌شود. (لقمانی: ۱۳۸۶، ص ۲۱۰)

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم چشمی نشوید، خودتان را در دام مسابقه مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. (امام خامنه‌ای، گزیده بیانات، ۱۳۸۶/۸/۱۸، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir/> ۲۱۴۳۶)

به اعتقاد مقام معظم رهبری کسی که قناعت را در زندگی کنار بگذارد علی‌رغم تلاش فراوانی که برای رسیدن به کامیابی و رفاه انجام می‌دهد نمی‌تواند حس رضایت از زندگی را در خود و فرزندان ایجاد کند زیرا این ماهیت انسان است که هر چه گیرش می‌آید باز چیز بیشتری را می‌خواهد و در حسرت یک چیز بهتری است. (امام خامنه‌ای، گزیده بیانات، ۱۳۸۶/۸/۱۸، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir/> ۲۱۴۳۶)

امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش خود به محمد بن حنفیه چنین فرمود: «وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقُوَّةِ وَمَنْ افْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ» (صدوق: ۱۳۶۳، ص ۳۸۵)

هیچ ثروتی، فقرزداتر از خشنودی به قوت نیست و هر که به کفاف زندگی بسنده کند، به آسایش دست می‌یابد و زندگی آسوده و مرفه‌ی به دست می‌آورد.

کفاف در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی «محتاج کسی نباشد و بتواند زندگی اش را اداره کند، بدون احتیاج به هیچ کس، دلخوشی هم باید داشته باشد و الا زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. این‌ها راحتی و دلخوش نمی‌آورد»

والدین با بسنده کردن به کفاف زندگی و به عبارت دیگر با قناعت کردن آثار و فواید آن از جمله عزت و سربلندی احساس آرامش، آسایش، بی‌نیازی و نجات از اسارت‌ها را برای فرزند برجسته می‌سازند و چون این آثار مطلوب هر فردی است و به وسیله قناعت به دست می‌آید فرزند را به کسب قناعت ترغیب می‌نماید. از جمله عوامل دیگری که موجب پرورش روحیه قناعت و ساده زیستی می‌شود اعطای بینش به فرزندان است.

بدین منظور والدین توقعات فرزندان را در جهت ساده‌زیستی مدیریت کنند و معیارهایی را برای ارضای خواسته‌های آنان تعریف نمایند. با توجه به این که فرزندان از بدو تولد پر توقع به دنیا نمی‌آیند بلکه پر توقعی را از والدین می‌آموزند، برای پیشگیری از این امر پدر و مادر باید در زندگی نسبت به نعمت‌های خداوند و نیز محبت‌های دیگران هرچند ناچیز شاکر و قدرشناس باشند تا روحیه شکرگزاری و قدردانی به جای عیب‌جویی و زیاده‌خواهی در فرزندان پرورش یابد به علاوه باید به نیازهای آنان در حد تعادل و معقول توجه شود تا نسبت به امکانات مادی و دنیوی عقده و حسرتی در آنان به وجود نیاید.

همچنین والدین می‌توانند سیره اولیای دین را به عنوان الگوی ساده‌زیستی و قناعت به فرزندان معرفی کنند. در همین زمینه مقام معظم رهبری حضرت علی علیه السلام را به عنوان الگو معرفی نموده می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین علی علیه السلام شخصاً زاهدانه‌ترین زندگی‌ها را داشتند اما در عین حال، مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب، جاری می‌کرد، جهاد می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد...» (امام خامنه‌ای: بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵، <https://farsi.khamenei.ir>،

<https://khl.ink/f/> ۲۹۳۳)

سفارش ایشان به همه این است که «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا» هیچ ایرادی

ندارد، نه مال ایراد دارد، نه فرزندان ایراد دارد، نه مقام و این‌ها، لیکن غرق شدن در این‌ها، عمده کردن و هدف قرار دادن این‌ها و خود را در تکلیفات و تعینات زندگی منحصر کردن است که آسیب می‌زند» امام خامنه‌ای: بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷ / ۱۲/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f/2933>

این فرمایش مقام معظم رهبری مصداقی از آیه ۳۱ سوره اعراف «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» است. در این آیه دستور به استفاده از نعمت‌های الهی شده است اما به دلیل این که طبع زیاد طلب انسان ممکن است از این دو دستور سوؤاستفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال آمیز، راه تجمل پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد بلافاصله اضافه می‌کند: «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد.»

این روش تربیتی قرآن است به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش فوراً جلوی سوء استفاده را می‌گیرد و به اعتدال توصیه می‌کند.

نتیجه‌گیری

از منظر قرآن و روایات، مصرف زمانی می‌تواند انسان را به تعالی برساند که با تعادل همراه باشد و به عبارت دیگر مدیریت مصرف وجود داشته باشد.

خانواده اولین نهادی که انسان در آن پرورش می‌یابد مهم‌ترین نقش را در تربیت انسانهایی که دارد که در استفاده از نعمتهای الهی مدبرانه عمل کنند. و پدر و مادر دو عضو اصلی خانواده مسئولیت تربیت فرزندان که آینده‌سازان جامعه هستند را به عهده دارند. والدین با نقش الگویی که ایفا می‌کنند به صورت غیر مستقیم در کنترل تمایلات و عدم توجه به نیازهای کاذب و تقبیح اسراف و تجمل، در هدایت‌گری فرزندان و جهت دهی صحیح مصرف نقش اساسی دارند.

و آموزشهای مستقیم از جانب والدین و نهادهای آموزش مؤثر در زمینه اولویت‌بندی نیازها در خوراک و پوشاک و پرورش روحیه قناعت و مصرف معقولانه و مدبرانه نیز از

راهبردهای تربیت انسانهایی مدبر در امر مصرف می‌باشد که در در نقش مستقیم و غیر مستقیم والدین در پرورش مدیریت مصرف فرزندان، مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) بر آموزش مدیریت مصرف از کودکی تأکید دارند و معتقدند اصلاح الگوی مصرف، را باید از کودکی به جوان و نوجوان یاد داد و در این زمینه سخنان و تذکرات گران مایه‌ای دارند که در سراسر این مقاله از آن‌ها استفاده شد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد ضررهای اسراف و مصرف‌گرایی و منافع مواسات و رسیدگی به محرومان و مستمندان را برای یکایک افراد جامعه روشن بکن و آن‌ها را به این کار موفق فرما پروردگارا ما را در انجام دادن این وظایف بزرگ و انسانی یاری کن.» (حسینی خامنه‌ای: ۸۱/۹/۱۵)

فهرست منابع

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن (مکارم)، ۱ جلد، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۳۷۳ ه. ش.
۳۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: محمدصادق حسن زاده، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۳۲. اصغری، صدیقه، آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندان، پیوند، ۱۳۸۸، ش ۳۵۴ و ۳۵۵.
۳۳. افشاری، زهرا، اقتصاد خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۰.
۳۴. امینی، ابراهیم، تربیت، ج ۵، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۳۵. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸/۱/۸۹.
۳۶. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۹۲.
۳۷. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۹۲.
۳۸. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی آغاز سال ۱۳۹۰.
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر، ۱۵/۹/۱۳۸۱.
۴۰. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر، ۱۵/۹/۸۱.
۴۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۴/۹/۶۹.
۴۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشجویان و دانشگاهیان استان سمنان، ۸/۸/۱۳۸۵.
۴۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت کنندگان همایش آسیب شناسی انقلاب، ۱۵/۱۲/۷۷.
۴۴. بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیرخم، ۳۰/۶/۹۵.
۴۵. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر، ۱۵/۹/۸۹.
۴۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۳۱/۶/۱۳۸۹.
۴۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۴/۱۰/۱۳۷۸.
۴۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام: ۲۴/۲/۱۳۹۸.
۴۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۲/۹۵.
۵۰. بیانات مقام معظم رهبری، ۱/۱/۷۴.
۵۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۳/۵/۹۱.
۵۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲.
۵۳. پیام رهبر انقلاب به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۰/۳/۱۳۹۹.

۵۴. پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۸۸/۱/۱.
۵۵. پیام نوروزی رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۸۹/۱/۱.
۵۶. پیام نوروزی رهبر به مناسبت آغاز سال نو، ۱۳۸۷/۱۲/۳۰.
۵۷. پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸.
۵۸. پیام نوروزی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱.
۵۹. خطبه عقد مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱/۲.
۶۰. خطبه عقد مقام معظم رهبری، ۷۹/۱۲/۲۱.
۶۱. خطبه عقد مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۷/۲۰.
۶۲. شجاعی، محمدصادق، درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، دارالحدیث قم، ۱۳۸۸.
۶۳. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۳۶۳ ش.
۶۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
۶۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ ش.
۶۶. قدیری، محمدحسین، خود کنترلی کودک، خمیرمایه خویشتن داری اخلاقی، علوم تربیتی، ش ۱۱، ۱۳۸۹ ش.
۶۷. کلانتری، علی اکبر، اسلام و الگوی مصرف، تهران، نشر نوید، ۱۳۸۴.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۲، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۶۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۷۰. لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، ج ۴، قم، بهشت بینش، ۱۳۸۶ ش.
۷۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۷، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ ق.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۷۳. میرمعزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
۷۴. نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر، ۱۳۷۱.
۷۵. نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج ۲، قم، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر، چاپ پنجم.

واکاوی نقش زنان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سید حسین شفیعی^۱ (نویسنده مسئول)

فاطمه اسبقی^۲

نسیم کاظمی^۳

چکیده

گام دوم انقلاب اسلامی دوره‌ای بی‌نظیر از تبلور انقلاب اسلامی ایران است. در آغاز این دوره رهبر فرزانه انقلاب برای ادامه این راه روشن، بیانیه‌ای صادر کردند که در آن ضمن تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته، به توصیه‌هایی اساسی نیز پرداخته‌اند. با توجه به جایگاه ویژه زنان در این آموزه معرفتی و عملیاتی شگرف به خوبی می‌توان دریافت که زنان نقش کلیدی‌تری در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب نسبت به سایر آحاد جامعه دارند؛ و واکاوی نقش بانوان در بستر موضوعات مطرح شده در بیانیه گام دوم، مقیاس‌ها و مجرای عملیاتی کردن نقش‌های آنان حائز اهمیت است. یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته دال بر این است که بانوان می‌توانند در تمام حوزه‌های مربوطه ورود

۱. دکتری تفسیر و علوم قرآن، استادیار جامعه المصطفی، مدیر گروه علمی تفسیر جامعه الزهراء؛
shafieidarabi@chmail.ir

۲. دانش پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر تهران، rohangizasbaghi@yahoo.com

۳. طلبه سطح دو مدرسه علمیه نجمه خاتون shafieidarabi@chmail.ir ::

داشته باشند اما مقیاس عملکرد آنان را می‌توان به سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی تقسیم کرد. از طرفی مجرای عملیاتی کردن نقش‌آفرینی آنان در دو بستر درونی (خانواده) و بیرونی (اجتماع) قابل تبیین است. بستر درونی تأثیرگذاری بر محور انگیزه، تفکر و رفتار را شامل می‌شود و ثمره نهایی بستر درونی در بستر بیرونی با همین شاخص‌ها نمایان می‌گردد. **واژگان کلیدی:** نقش زنان، مقیاس‌های نقش زنان در بیانیه گام دوم انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب، بستر درونی و بیرونی بیانیه گام دوم انقلاب.

مقدمه

در بیانیه «گام دوم انقلاب» که در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ توسط مقام معظم رهبری و در جهت گرامیداشت چهلمین سال انقلاب اسلامی ایران صادر گردیده است. محورها، فرازاها و نکته‌های بسیار مهم موج می‌زند. در این بیانیه حکیمانه به خوبی می‌توان دریافت که انقلاب اسلامی ایران وارد دومین مرحله خودسازی و تمدن‌سازی شده است. بر همین اساس افزون بر تبیین رسالت عام اقشار مختلف جامعه، رسالت خاص هریک از اقشار نیز باید تعریف شود تا همگان به صورت ید واحده در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

با وجود این که همه اقشار جامعه مخاطب بیانیه «گام دوم انقلاب» هستند، اما توجه ویژه به حوزه زنان و خانواده به عنوان یکی از ارکان زمینه‌ساز و پایه‌ای بسیار حائز اهمیت است. نگاه اسلام و به تبع آن رهبرانقلاب، نگاهی ویژه و جامع است که هم ارزش‌های والای اسلام و هم منطق‌های انسانی در آن مدنظر قرار گرفته است. ثبت حضور شگرف زنان نخبه و حماسه‌ساز در تمام عرصه‌ها، در طول تاریخ بیان‌گر این موضوع است که بسیاری از نهضت‌ها موفقیتشان مدیون حضور مؤثر زنان جریان‌ساز می‌باشند. نهضت بزرگ و تأثیرگذار واقعه عاشورا گواه شایسته‌ای برای این حضور است.

در عصر ما نیز حضور زنان در جریان انقلاب اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس، نقشی کلیدی داشته و دارد؛ که در گام دوم انقلاب و افق ترسیم‌شده برای زنان، جایگاه بسیار ویژه‌ای پیدا کرده است. بنابراین با تأمل در این حوزه باید جایگاه زنان را در تحقق گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار داد.

۱. عرصه‌های مهم نقش‌آفرینی زنان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بی‌تردید، حیطة نقش‌آفرینی بانوان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بسیار گسترده و متنوع است؛ بدین جهت در پرتو این مقاله، به ذکر و تبیین نقش‌آفرینی بانوان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سه بستر مهم پیش روی بسنده می‌شود:

۱-۱. تلاش در جهت حضوری فعالانه

در بیانیه گام دوم بخش مجزایی خطاب به زنان نیامده است، عدم خطاب مستقیم به قشر زنان نشان‌دهنده آن است که رهبر حکیم انقلاب در این بیانیه دیدگاهی فراتر از اطلاق جنسیتی یا تفکیک نقش زنان و مردان را اتخاذ نموده‌اند. این امر حاکی از آن است که: الف) زنان در متن و نه در حاشیه گام دوم جای دارند. در تمام متن گام دوم یعنی از کلمه اول تا کلمه آخر نقش زنانه را باید جست‌وجو کرد.

ب) اعتماد، بصیرت و خودآگاهی به جامعه زنان وجود داشته که آن‌ها بدون آن که به طور مستقیم مورد خطاب قرار بگیرند می‌توانند یک خوانش زنانه از متن بیانیه داشته باشند و راه خودشان را در بیانیه گام دوم پیدا کنند و ممکن است این امر عمومی نباشد، اما قطعاً قشری از روشنفکران و زنان ترازگفتمان انقلاب اسلامی می‌توانند این بیانیه را با خوانش زنانه تفسیر کنند.

ج) در بخش‌هایی از بیانیه اشاراتی وجود دارد که نشان می‌دهد این رویکرد زنانه می‌تواند چگونه رقم بخورد. به طور مثال درجایی از بیانیه معظم له اشاره می‌کنند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش جامعه نیروی انسانی است و این نیروی انسانی مستعد و کارآمد جمعیت جوان زیر ۴۰ سال است. ۳۶ میلیون در سنین ۱۵ تا ۴۰ سالگی و ۱۶ میلیون دارای تحصیلات عالی، انبوه جوانانی است که آماده تلاش جهادی برای کشورند». (امام خامنه‌ای، بیانات در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

با توجه به فرمایشات ارزشمند معظم له می‌توان چنین برداشت کرد که در عمل نیمی از این جمعیت را بانوان تشکیل می‌دهند و به هیچ‌وجه در ارائه آمارها زنان و مردان جدا نشده‌اند و اصلاً شکی نبوده و پیش‌فرض گرفته شده که زنان هم در همه عرصه‌ها می‌توانند و باید تلاش جهادی برای ارتقای کشور داشته باشند.

۲-۱. توجه داشتن به ایفاء نقش محوری زنان در سطوح سه‌گانه

از دیدگاه مکتب حیات بخش اسلام مرد و زن از یک نوع و از یک جوهرند، جوهری که نامش انسان است. اما در عین همسانی تفاوت‌های بسیاری میانشان وجود دارد تفاوت‌هایی که به جنس زن و مرد قوام می‌بخشد و منشأ کمال و موجب احساس نیاز و زمینه بقای انسانی و اجتماعی و تحکیم پیوندها می‌شود. زن و مرد متناسب با این تفاوت‌ها هر یک رسالت ویژه‌ای در خانواده و اجتماع دارند و بنابراین با تأثیرگذاری زنان در جای جای بیانیه گام دوم انقلاب در سه سطح قابل تعریف است با تبیین این سطوح، آنان می‌توانند نقش محوری و کلیدی خویش در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب را دریابند:

۲-۱-۱. سطح فردی

از آنجایی که تمدن صنعتی و وضعیت حاصل از تحولات پسانوگرایی موجب شد جایگاه زن در خانواده تضعیف و ارزش آن کاسته شود و رسالت‌های مهم آن به نهادهای، صنعتی، خدماتی، بهداشتی و آموزشی و آموزشی که مستقل از خانواده عمل می‌کنند سپرده شود که نتیجه آن فروپاشی و اضمحلال کامل نهاد خانواده در غرب بود. از این رو بررسی و بازخوانی نقش زن در خانواده از دیدگاه اسلام برای پیشگیری از این آسیب‌ها و تقویت بنیان‌ها و کارکردهای بی‌بدیل آن از ضرورت‌های جدی جامعه اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند:

«نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می‌خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می‌زند: «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ؛ باز خدا برای مؤمنان آسیه، زن فرعون را مَثَل آورد» (تحریم: ۱۱) زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسان‌های آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان غربی، ۲۸/۶/۱۳۷۵ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2812>)

۲-۱-۲. سطح خانوادگی

خانواده محل رشد و بالندگی استعدادها و بروز خلاقیت و مهد تربیت انسان و سرچشمه محبت‌ها و عاطفه‌هاست از این رو میزان موفقیت و سهم افراد برای ایفای نقش در واحدهای بزرگ اجتماعی، بستگی تام به چگونگی رشد، تربیت و شکوفایی استعدادهای آنان در نهاد خانواده دارد. خانواده اولین سطح بروز نقش‌آفرینی زنان است که به صورت‌های گوناگون تجلی می‌یابد و از آنجایی که خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل تکوین جامعه انسانی است تأثیر فراوانی در ابعاد مختلف رشد جوامع بشری دارد. زنان پایه و رکن اصلی این نهاد گران‌مایه را تشکیل می‌دهند و با توجه به شاخصه‌هایی که در وجودشان قرار داده شده است. نقش او جایگاه ویژه‌ای یافته است. بنابراین لازم است تا به چند نقش زن در خانواده از زبان قرآن اشاره شود:

نقش‌های زن در خانواده

۱. ایجاد مودت و آرامش همسران:

یکی از سنت‌های الهی مطرح شده در قرآن کریم، خلقت زوجی انسان در آفرینش است. خداوند این زوج را به گونه‌ای آفریده که در کنار هم تکمیل‌کننده نواقص هم باشند و به واسطه یکدیگر به آرامش، سکون و کمال برسند.

خداوند در این رابطه نیز می‌فرماید:

﴿لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾؛ آن‌ها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت

آن‌ها هستید». (روم: ۲۱)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«اگرچه «لِتَسْكُنُوا» از باب تغلیب برای مخاطبین مرد، اطلاق شده ولی بنا بر اوّاه ازواج که

جمع زوج است، زوج هم بر مرد و هم بر زن اطلاق می‌شود، این سکون متقابل است.»

ساختار وجودی و شیرازه زن به گونه‌ای است که آرامش و سکون بیشتری به مرد و خانواده

می‌دهد و این نشئت از حکمت الهی است.

۲. نقش مکمل برای مردان:

خداوند از همان آغاز آفرینش مرد، زوجی مکمل از جان و نفسش آفرید تا افزون بر اجابت نیازهای غریزی، زمینه تکامل و کمال یکدیگر را فراهم آورند. اگرچه زن و مرد از منظر قرآن آفریده‌های مستقل هستند ولی در زندگی دنیوی بنابر نوع ساختار وجودی‌شان باید مکمل یکدیگر باشند.

در قرآن، به نقش مکمل مرد در خانواده، اشاره مستقیم شده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْقِيَابِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾؛ مردان را بر زنان تسلط و حق‌نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ حقوق آن‌ها (باشند از آن رو که خدا هم حقوق زنان را حفظ فرموده است). (نساء: ۳۴)

این آیه در مقابل بیان قوامیت مرد اشاره به وظایف زنان نیکو و شایسته دارد، به طوری که باید مطیع همسران خود (در امور زناشویی، حافظ مال و ناموس همسر در غیاب همسر) باشند چراکه خداوند حقوق متقابل قیومیت و اطاعت را تشریح فرموده است.

در آیه‌ای دیگر با استعاره بسیار ظریف به مکمل بودن زوجین اشاره شده است:

﴿هُنَّ لِيَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَّهُنَّ﴾؛ آن‌ها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آن‌ها هستید. (بقره: ۱۸۷)

علامه در این باره می‌فرماید:

«ظاهراً کلمه لباس به معنای معروفش است که هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد جلوگیری می‌کند». (علامه طباطبائی، ۱۳۶۷ش: ۲/ ۴۴)

بنابراین برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سطح گسترده عملکرد زن در

خانواده بسیار مهم است ایجاد آرامش و سکون در خانواده جامعه را در مسیر رشد و بالندگی قرار می‌دهد و به دنبال ایجاد بهداشت روانی خانواده‌ها توسط بانوان بهداشت روانی جامعه نیز تأمین خواهد شد.

۲- ۱- ۳. سطح اجتماعی

سطح اجتماعی به کلیه نقش‌آفرینی‌های زنان در فراتر از ابعاد نقش‌های خانوادگی وی طلاق می‌شود.

در این زمینه رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی بازدارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آن‌ها هر چه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدّس، مانع نیست». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان غربی، ۱۳۷۵/۶/۲۸ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2812>)

۳. بسترهای نقش‌آفرینی بانوان

در بررسی مجرای نقش بانوان در تمام عرصه‌ها می‌توان این مجرا را به دودسته کلی تقسیم کرد:

۳- ۱. بستر درونی

اجرای شدن ایجاد انگیزه، تولید فکر و تغییر در رفتار بانوان در ذیل قیاس فردی به‌ویژه خانوادگی با سرعت و کارآمدی بیشتری همراه خواهد بود.

۳- ۲. بستر بیرونی

هر موجودی که هستی می‌یابد دارای ویژگی‌های فطری و خصائص ذاتی است که در کنار عرصه‌های اجتماعی و زمینه‌های محیطی زمینه‌ساز رشد و تکامل می‌شود و استعدادها را بالقوه را بالفعل می‌کند انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات وجودش از مهم‌ترین و برترین استعدادها و خصوصیات لبریز است زن نیز نه تنها از این مجموعه خارج نیست؛ بلکه در کانون این عالم جای دارد چراکه خداوند سبک دیگری از استعدادها و شکوفه‌سازی را در وجود زن به ودیعه نهاده است تا با انگیزه فراوان و تفکر هدفمند رفتار عقلانی و عاطفی آن‌ها را به منصفه ظهور برساند. نقش بانوان در بستر بیرونی با نقش‌آفرینی زنان در بستر درونی درهم‌تنیده شده است چراکه عملکرد بانوان در بستر درونی چون بذر کوچکی است که رشد و ثمره آن در نگاه کلی منجر به جهت‌دهی به اجتماع و تحول جامعه می‌شود در همین راستا نقش بانوان در بستر درونی و بیرونی در سه حوزه پیش روی، قابل تبیین است:

۳- ۲- ۱. انگیزه

انگیزه مفهومی دو جنبه در آن لحاظ شده است. از یک سوی محرک رفتار است همان عامل و نیروی درونی که رفتار فرد را موجب می‌شود و از سوی دیگر، دارای نتیجه و هدف است که همیشه از جنبه تأثیر در رفتار به هدفی توجه دارد؛ چراکه هیچ رفتاری بدون انگیزه انجام نمی‌شود. (شجاعی، ۱۳۹۲: ش: ۶۰)

بنابراین انگیزه فرآیندی درونی است که دلیل آغاز هدایت و حافظه رفتارهای هدفمند می‌شود که شامل سه جزء اصلی اقدام، همت و توان است یکی از راه‌هایی که زنان با انگیزه و پشتکار و توان عالی می‌توانند با استعانت از آن در تحقق گام دوم انقلاب اقدام و ایفای نقش داشته باشند از طریق شناخت درست اهداف و انگیزه دهی به سایرین است همین امر حرکت و پویایی را در اجتماع تسریع می‌بخشد.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«ما بسیاری از موفقیت‌ها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم. شما هستید که

علاوه بر آن که خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف می‌کنید». (خمینی، ۱۳۸۹ش: ۱۹ / ۱۱۸)

دراین باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک‌ترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده می‌کنند و تشجیع می‌کنند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان، ۲۱/۴/۱۳۹۱ https://farsi.khamenei.ir https://khl.ink/f/20388)

مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند:

«در بعضی از جاها همانند مشهد خود ما شروع تظاهرات از حرکتی زنانه شروع شد». (امام خامنه‌ای، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰ https://farsi.khamenei.ir https://khl.ink/f/18453)

یکی از دلایلی که باعث شده ایشان در باب تظاهرات که غالباً در اوایل انقلاب بیشتر از سوی مردان اجرا و محقق می‌شد آن را حرکتی زنانه خطاب کنند نگاه عمیق رهبر معظم انقلاب به بعد انگیزه دهی بانوان بوده است. بنابراین برای تحقق بیانیه گام دوم بانگیزه دهی مناسب به بانوان می‌توان این حرکت را سریع‌تر نمود. با توجه به ویژگی‌های نورانی بیان شده زنان می‌توانند شرایط سخت و مشکلات را به سوی اصلاح تغییر دهند.

۳-۲-۲. تفکر

تفکر نیز همانند انگیزه نوعی درک به آدمی می‌دهد با این تفاوت که تفکر نوعی درک عقلی است و در تبیین آن گفته شده:

«ترتیب امور معلومه لتحصیل امر مجهول؛ مرتب ساختن معلوم‌ها برای به دست آوردن مجهول» (مطهری، ۱۳۷۷ش: ۴۷)

فکر در سطح فردی برای تحقق آرمان‌های خرد و کلان و پرورش تفکر خلاق در بستر خانواده و یا تغییر تفکرات غلط می‌تواند از جمله عملکردهای بانوان باشد. تفکر و تعقل از معیارهای ارزش و کرامت انسان در پیشگاه خداوند است و خداوند متعال علاوه بر تعقل

فردی بر تعقل جمعی نیز ترغیب فرموده است:

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ خدا آیات خود را برای شما این‌گونه روشن

بیان می‌کند، شاید خردمندی کنید» (بقره: ۲۴۲)

به فرموده خداوند غرض از انزال آیات، درک و تفهیم و تعقل انسان است که مصالح و مفاسد و منافع و مضار امور دنیوی و اخروی را درک کنند. حقیقت تعقل همین است که انسان به واسطه آن سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین نماید. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

مقام معظم رهبری معتقدند:

«زنان باید به اندازه مردان اعتلای فکری و قدرت تحلیل پیدا کنند برترین زنان تاریخ کسانی هستند که از خودشان خرد، اراده و تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند از آنجاکه بانوان نقش مربی را در خانواده‌ای ایفا می‌کنند تفکرشان بر تفکر مردان آن خانواده و در کل جامعه نیز مؤثر خواهد بود بنابراین اگر بانوان جامعه از سلامت فکر و عقل برخوردار باشند می‌توانند جامعه را به اعتلا برسانند». (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/7284>)

بانوان آگاه و هوشمند با تصرف بر حوزه اندیشه و درک عقلی افراد جامعه در موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمینه ایجاد حرکت و پویایی هدفمند در جهت تحقق گام دوم انقلاب را فراهم می‌سازند. همچنین با تأثیرگذاری بر افراد خانواده خویش و سایرین که همگی جزئی از جامعه هستند می‌توانند آنان را به افرادی پویا و متفکر در موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مبدل سازند. یکی از موارد نقش‌آفرینی استثنایی، دخالت و هدایت صحیح در مسائل مهم اجتماعی بی‌شک ایجاد توجه و تفکر صحیح نسبت به این مسائل است که به کار بردن ظرافت‌های زنانه در آن اثرگذاری را دوچندان می‌کند؛ و این حرکت آن‌ها زمینه ایجاد حرکت و پویایی هدفمند در جهت تحقق گام دوم انقلاب را فراهم می‌سازند.

۳- ۲- ۳. رفتار

رفتار مفهومی است عام که شامل همه فعالیت‌های مغزی و روانی آدمی است. چنان‌که

هرگونه گفتار و عمل و انتخاب و حرکات دینی، اخلاقی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، هنری، ابداعی، ادبی، جنگی و صلحی نیز رفتارهای آدمی محسوب می‌گردند. (جعفری، بی تا: ۱۶ / ۱۵۲. ۱۵۱)

بر این می‌توان گفت: زنان با استفاده از انگیزه و اندیشه سبب ایجاد رفتارهای مطلوب و شایسته و همچنین می‌توانند موجب جلوگیری از ایجاد رفتارهای نامطلوب در میان افراد جامعه شوند. رفتار نتیجه انگیزه و تفکر شخص است. پس می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه در ایجاد رفتارها اعم از مطلوب یا نامطلوب نقش بسیاری دارد گویی آن که رفتار ثمره انگیزه‌ها است پس نقش‌آفرینی صحیح بانوان در ورطه انگیزه فردی و خانوادگی منجر به ایجاد رفتارهای صحیح می‌شود.

امام خمینی علیه السلام درباره اهمیت نقش بانوان فرمودند:

«نقش زن در جامعه، بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است؛ و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آن‌ها تربیت کنند جامعه را و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند.» (خمینی، ۱۳۸۹ ش: ۱۷ / ۱۹۷)

۴. تبیین نقش زنان در تحقق توصیه‌های هفتگانه بیانیه گام دوم انقلاب

افق ۴۰ ساله بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر امید واقع‌بینانه به نقش بی‌بدیل جوانان مخصوصاً بانوان در آینده‌سازی ایران مقتدر ترسیم شده است. الزامات و زمینه این جهاد بزرگ به سمت آرمان‌ها در ۷ سرفصل مهم و اساسی بیان شده است و هریک از این سرفصل‌ها نیز به نوعی باهم مرتبط می‌باشند.

۴-۱. علم و پژوهش

علم در لغت به معنای درک حقیقت چیزی و دریافت شناخت و دانش (معلوف، ۱۹۹۸م: ۵۲۶) و در اصطلاح متکلمین صفتی است که صاحب علم به آن منجلی می‌شود. (کمالی دزفولی، ۱۳۷۴ش: ۲۷)

از پیدایش تعلیم و تعلم که قبل از خلقت انسان است می‌توان به اهمیت و ضرورت علم‌آموزی پی برد. قرآن که کامل‌ترین علوم و رهنمودها را در خود جای داده قبل از این که در عالم طبیعت به انبیا الهی از حضرت آدم علیه السلام گرفته تا خاتم صلی الله علیه و آله نازل شود به ناقل وحی حضرت جبرئیل تعلیم شده است. انسان بالقوه با تعلیم علم القرآن بالفعل خلق الانسان می‌شود و چون انسان می‌شود قلمش، حرفش، قیام و قعودش بیان می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۳ش: ۱۷۸)

در مورد اهمیت علم و پژوهش در قرآن آمده است:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ﴾؛ آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ یا ظلمات شرک و بت‌پرستی با نور معرفت و خداپرستی مساوی است. (رعد: ۱۶)

آیات قرآنی بر اساس نحوه دلالتشان بر ضرورت و اهمیت یادگیری به چند دسته تقسیم می‌شوند تشویق به فراگیری (زمر: ۹)^۱، توبیخ کاهلان در علم‌آموزی (اعراف: ۱۸۵)^۲، تعظیم عالمان (فاطر: ۲)^۳ توصیه به عدم تقلید (حج: ۳)^۴ و تکریم علم (حجر: ۹۹)^۵ از نظر قرآن کریم

۱. «أَمْ نَ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْأَخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ».

۲. «أُولَئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ».

۳. «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

۴. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ».

۵. «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ».

انسان موظف است در جمیع شئون و ارتباطات خود بر اساس علم و پژوهش راه را طی کند.

پیامبر ﷺ نیز فرمودند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ؛ طلب علم واجب است و در حدیث دیگر فرمود: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. همانا خدا دانشجویان را دوست دارد». (کلینی، ۱۳۶۹: ۱/ ۶۱)

مقام معظم رهبری در باب اهمیت علم می‌فرمایند:

«دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است، روی دیگر دانایی توانایی است دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت ۲۰۰ ساله فراهم کند». (امام خامنه‌ای، بیانات در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، [https://khl.ink/f/41673//farsi.khamenei.ir](https://khl.ink/f/41673//farsi.khamenei.irhttps://khl.ink/f/41673//farsi.khamenei.ir) ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

بیا نیه گام دوم در راستای قرآن و روایات برای تحصیل علم میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد و بیان می‌دارد زنان با آگاهی از شأن خود می‌توانند متوجه تبلیغات پوچ و بی‌اساس استکبار جهانی شوند و این موارد در سایه علم‌آموزی قابل‌درک می‌شود علم و پژوهش بنیادی‌ترین عرصه برای ایجاد تحول در جامعه و تسریع در اعتلای آن است و ربطی به جنسیت ندارد.

رهبر معظم انقلاب در یکی از دیدارهای مردمی خود در این راستا، چنین می‌فرمایند:

«دانش، چیز بسیار عزیزی است و من طرفدار این هستم که زنان در جامعه ما در همه رشته‌ها دانشمند بشوند. در همه رشته‌ها، خانم‌ها بایستی به آن استعدادها عالی خودشان پاسخ بدهند. فرض بفرمایید در بین این پنجاه میلیون جمعیت کشور ما، اگر مثلاً سی میلیون یا سی و پنج میلیون انسانی هست که در سنین متناسب برای ثمر رساندن به این کشور است، طبیعتاً از این سی و پنج میلیون، نصفش زنان هستند. مگر می‌شود از کنار این همه استعدادی که در این‌ها نهفته، به‌آسانی گذشت؟ مگر می‌شود این خزانه‌های الهی

را در وجود این‌ها نادیده بگیریم؟ در میان این‌ها باید دانشمند باشد؛ منتهی دانش با همه عظمتش، در مقابل آن حیثیت معنوی‌ای که خدای متعال به زن داده، چیزی نیست». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۴/۱۰/۱۳۷۰: <https://khl.ink/f/2536//farsi.khamenei.ir>)

درجایی دیگر مقام معظم رهبری اشاره نمودند:

«کسب علم سبب بهتر اندیشیدن و بهتر ابتکار کردن است و ثمره دیگر عملکرد بانوان در این ورطه اعتلای تفکر خلاقانه است که امروز بیش از هر زمان دیگری گره‌گشای بسیاری از مشکلات خواهند بود». (رک: خبرگزاری رسمی حوزه، نقش انقلاب اسلامی در هویت‌یابی زن، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷)

ایران تقریباً در سه دهه گذشته در حال توسعه آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون مخصوصاً با حضور و مشارکت چشمگیر بانوان همراه بوده است بعد از انقلاب گسترش علمی با سوگیری دینی اسلامی ارزشی توأم شد انقلاب اسلامی موجب رشد و شکوفایی استعدادها و نقش‌آفرینی بانوان در تمام عرصه‌های اجتماعی سیاسی اقتصادی مخصوصاً علمی شده است بر اساس گزارش یونسکو در سال ۲۰۱۲ جمهوری اسلامی ایران جزو شش کشور برتر جهان از حیث دسترسی به برابری جنسیتی در امر آموزش است رشد کمی و کیفی علم‌آموزی بانوان در پرتو انقلاب اسلامی محرز است. بنابراین تعداد طلاب خواهر حدود ۸۰ هزار نفر رشد ۱۷ برابری تعداد زنان هیئت‌علمی در دانشگاه‌ها رشد دانش‌آموختگان دانشگاهی زن از ۶ درصد به ۴۴ درصد ۲۰ درصد اساتید دانشگاه بانوان می‌باشند حضور ۷۰ درصدی بانوان در مجامع قرآنی و... (همان)

۴-۲. معنویت و اخلاق

خاستگاه و منبع ظهور معنویت و اخلاق، قرآن و سنت است قرآن مکرر هدف از ارسال رسول و بعث را هدایت بشر معرفی می‌کند. در چهار آیه هدایت بشر را در تعلیم و تزکیه می‌داند. در سه آیه تزکیه بر تعلیم مقدم شده است:

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾؛ همانطور که رسولی در میانه شما فرستادم تا آیات ما را بر شما بخواند و تزکیه‌تان کند و کتاب و حکمتتان بیاموزد و بشما یاد دهد آنچه را که هرگز خودتان نمی‌دانستید». (بقره: ۱۵۱)

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آن‌ها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آن‌ها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد هرچند قبلاً گمراهی آنان آشکار بود». (آل عمران: ۱۶۴)

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آن‌ها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آن که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند». (جمعه: ۲)

و فقط در آیه ۱۲۹ سوره مبارکه بقره تعلیم بر تزکیه مقدم ذکر شده است:

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ پروردگارا و در میانه آنان رسولی از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند و کتاب و حکمتشان بیاموزد و تزکیه‌شان کند که تو آری تنها تو عزیز حکیمی». (بقره: ۱۲۹)

از اسرار مقدم بودن تزکیه بر تعلیم این است که تزکیه و تربیت، علت نهایی و غایی رسالت انبیاء است و اما از دلایل تقدم تعلیم بر تربیت این است که در عمل و وجود خارجی این تقدم لحاظ می‌گردد. چراکه برای تهذیب نفس و اخلاق باید تعلیم با مجاهدت و کوشش همراه شود تا نفس سرکش آرام گیرد. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۹۶)

در روایتی از حضرت رسول ﷺ آمده:

«از عقل حلم و از حلم علم به وجود آمده است». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۱۵)

حلم یعنی اخلاق داشتن. اخلاق زمینه علم‌آموزی را فراهم می‌کند اگر این ترتیب در شخص یا جامعه رعایت نگردد نه تنها جامعه به رشد و کمال نمی‌رسد بلکه سقوط معنویت را به دنبال خواهد داشت و به حدی مباحث اخلاقی و معنوی از درجه بالایی برخوردار است که پیامبر ﷺ فرمودند:

«أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (طبرسی، بی تا: ۱۰ / ۵۰۰)

جهت محقق شدن معنویات و فضیلت‌های اخلاقی در سطح جامعه تک تک خانواده‌ها نقش مستقلی دارند؛ پس نباید هریک از آن‌ها نقش و جایگاه خویش را در تحقق اهداف بزرگ جامعه فراموش و یا کم بشمارند. انسان صالح، محور رشد و تکامل به شمار می‌رود؛ اما تربیت انسان صالح، نیازمند یک برنامه تربیتی مستمر است و هیچ‌گاه کورکورانه و تصادفی رخ نمی‌دهد و تردیدی نیست که بزرگ‌ترین نقش در تربیت فرزندان و رشد و تعالی عناصر انسانی، به زن اختصاص دارد و به شهادت تاریخ پشت سر هر مرد تاریخ‌ساز زن قهرمانی به عنوان مادر، همسر، دختر یا خواهر دیده می‌شود.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«هویت اسلامی این است که زن در میدان ارزش‌های معنوی مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادی‌های عرفان پیشروی کند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)،
<https://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.irhttps://www.khl.ink/f//farsi.khamenei.ir> ۱۳۷۹/۶/۳۰).

پیشروی زن در عرصه‌های گوناگون، پیشروی جامعه را به دنبال خواهد داشت. زنان باثبات شخصیت، متخلق به اخلاق الهی و معنوی، آرامش قلبی و امید به آینده، می‌توانند مولد محیط خانوادگی سالم باشند، به جامعه توانی بالا بخشیده و بستر مناسب برای حرکت در مسیر صحیح و تحقق جامعه انسانی قدرتمند، آینده‌نگر و پویا را فراهم سازند. روشن است که بدون وجود چنین محیطی، جامعه از لحاظ عاطفی گسسته و از لحاظ معنوی و روحی به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود و به سرعت آلوده به فساد و جنایت می‌گردد و

خلاقیات و بالندگی افراد آن جامعه به تدریج از دست می‌رود؛ بنابراین زن به‌عنوان عضو اصلی و محور خانواده که دو وظیفه مهم مادری و همسری را بر عهده دارد و با تکیه بر دو عنصر اساسی اخلاق و معنویت، مایه قوام زندگی خانوادگی سالم است و خانواده صالح نیز، مایه قوام جامعه سالم است.

۴ - ۳. اقتصاد

دین اسلام دارای نظام اقتصادی خاصی است و رفتاری که علم اقتصاد اسلامی بیان می‌کند جزئی از قلمرو اجتماعی دین است. موضوع اقتصاد شامل بخش عمده‌ای از نیازها و درخواست‌ها و آمال و آرزوهای بشر است در همین راستا الگوی آموزه‌های اقتصادی قرآن همانند سایر آموزه‌های قرآن کریم ابعاد مختلف زندگی انسان را فراگرفته است الزام به رعایت قوانین اقتصادی و ضوابط زندگی اجتماعی بر مبنای توحیدی جامعه را از هرج و مرج دور می‌سازد.

علامه طباطبائی در ذیل آیات ۵۸ تا ۶۱ سوره بقره می‌فرماید:

«تسلیم بودن در برابر قوانین اقتصادی و حقوق شهروندی از شرایط زندگی اجتماعی است که اگر مردم تابع این قوانین هم‌زیستی و حقوق شهروندی شوند از هرج و مرج و متلاشی شدن نجات می‌یابد». (علامه طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۸۵)

دنیاخواهی یا آخرت‌خواهی علت اصلی هرج و مرج یا عدم هرج و مرج در دنیا است قرآن کریم همین رویکرد را مهم‌ترین تفاوت اقتصاد اسلامی با دیگر مکاتب اقتصادی می‌داند؛ آیه ۲۰ سوره شوری بیان‌گر همین مطلب است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾؛ هر کس حاصل کشت آخرت را بخواهد ما بر تخمی که کاشته می‌افزاییم و هر که تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را هم از آن نصیب می‌کنیم ولی در آخرت (از نعمت ابدی آن چون نخواستن نصیبی نخواهد یافت). (شوری: ۲۰)

همواره در طول تاریخ نیز این‌گونه بوده است که زنان همگام با مردان به فعالیت‌های

اقتصادی می‌پردازند در آیات قرآن که مستقیم (آل عمران: ۱۳۰) و غیرمستقیم (بقره: ۱۹۸) که به مسئله فعالیت اقتصادی در جامعه پرداخته بلکه در برخی آیات مستقیم به فعالیت اقتصادی بانوان اشاره کرده است.

برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی بانوان می‌توان به این آیه نورانی استناد نمود که می‌فرماید:

﴿وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ...﴾؛ و زنان نیز نصیبی و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد...». (نساء: ۳۲)

زیرا اگر کسب درآمد و تلاش مادی برای بانوان نبود آیه مبارکه هرکس را صاحب نصیب خود نمی‌کرد. اسلام دید منفی به اشتغال بانوان و نفس کار ندارد و ممنوع نیز نکرده است، اگرچه در صورت تزاخم بین فعالیت اقتصادی بانوان و حفظ و حراست خانواده ترجیح با امور خانواده است و بنا بر اصل تقدیم اهم بر مهم فعالیت اقتصادی زن فدای حفظ حریم خانواده می‌شود.

فعل مضارع «لا نسقی» در آیه ۲۳ سوره مبارکه قصص حاکی از مداومت و استمرار چوپانی دختران شعیب را بیان می‌دارد و این بیان‌گر اشتغالات اقتصادی بانوان از صدر اسلام است در این راست پیامبر نه تنها آن‌ها را نهی از کار اقتصادی نمی‌کردند بلکه آن‌ها را به آموزش احکام و آداب خرید و فروش تشویق می‌کردند. (کلینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۱۵۱)

در عصر حاضر نیز گرایش روند جهانی اشتغال زنان نشان می‌دهد که در بیشتر مناطق شمار زنان دارای کار شایسته، رو به افزایش است به ازای هر ۱۰۰ مرد حدود ۷۰ زن فعال در زمینه اقتصادی وجود دارد پس از انقلاب شکوهمند اسلامی زمینه‌های ورود زنان در عرصه‌های متفاوت مانند اقتصاد ایجاد گردید یکی از مصادیق رشد کمی بانوان در زمینه اقتصاد، در سال ۹۵، به ۳ میلیون و ۸۸۰ هزار نفر و در سال ۹۶ به ۴ میلیون و ۱۹۰ هزار نفر افزایش یافته است که فقط در بخش پزشکان عمومی زن ۱۶ برابر رشد دیده می‌شود. (خبرگزاری مهر، رشد ۲۱٪ تعداد اعضای هیئت علمی زن نسبت به قبل از انقلاب،

(۱۳۷۹/۹/۲۴)

اوایل انقلاب حدود ۲ درصد اساتید دانشگاه‌ها بانوان بودند و در حال حاضر ۲۰ درصد اساتید بانوان هستند. یکی از مصوبات بعد از انقلاب شکوهمند موضوع حق اشتغال و برخورداری از مزد و مزایای برابر در کار دارای شرایط مساوی است. (آرین پور، ۱۳۹۷ش: ۲۱۸)

اما نقش اقتصادی زنان در خانواده قابل تأمل است زیرا به‌عنوان اصلی‌ترین رکن خانواده می‌توانند در اقتصاد مقاومتی نقش اساسی ایفا کنند. عمده‌ترین مصرف خانواده‌ها توسط زنان صورت می‌گیرند و این زنان هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی برای منزل، فرزند و خویش موردنیاز است.

زنان در راستای اقتصاد مقاومتی و عمل به منویات رهبری و جامه عمل پوشاندن به این مهم باید به این امر اعتقاد داشته باشند که با دوری از مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی می‌توانند به اقتصاد و تولیدات داخلی کمک به‌سزایی داشته باشند.

زنان همچنان که در تنظیم صحیح اقتصاد خانواده می‌توانند بسیار مؤثر باشند باتدبیر و برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه نیز مرد را در تأمین هزینه و مخارج زندگی یاری برسانند و به این وسیله الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند. زنانی که دچار تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی شده‌اند عامل مهم فلج شدن اقتصاد جامعه هستند این قبیل زنان با خرید کالای خارجی و لوکس درواقع باعث تعطیلی واحدهای تولیدی داخلی و در نتیجه بیکاری جوانانی می‌شوند که درواقع فرزندان خود هستند. زیرساخت‌های لازم برای اقتصاد سالم در خانواده و با مدیریت و کنترل و نظارت زنان شکل می‌گیرد.

زنان می‌توانند با مراقبت و پرهیز از اسراف در خانواده و دوری از تجمل‌گرایی، اقتصاد خانواده و جامعه را رونق بخشند با توجه به نقش تربیتی زنان و تأثیرگذاری آنان در خانواده به‌طور حتم ساده زیستی و قناعت آنان همسر و فرزندانشان را به تدریج به سوی قناعت و ساده زیستی سوق خواهد داد.

در سرفصل جهاد اقتصادی مقام معظم رهبری راه حل کلیدی تمام مشکلات را اجرایی شدن هرچه تمام تر اقتصاد مقاومتی همراه با رونق و جهش تولید بیان می دارند همین امر موجب تقویت سیستم دفاعی و امنیت اقتصاد می شود.

۴-۴. عدالت و مبارزه با فساد

توصیه به خوبی ها (عدالت) و مبارزه با بدی ها (فساد) دو سبک و شیوه مهم حکومت اهل بیت علیهم السلام بوده در حین اجرای عدالت در جامعه مبارزه با فساد رقم می خورد یا برعکس مبارزه با فساد گام مهمی برای تحقق عدالت در جامعه است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اهمیت اجرای عدالت و مبارزه با ابعاد فساد می فرمایند: «اذا بنى الملك على القواعد العدل...؛ هرگاه حکومت و اداره جامعه بر اصول عدالت بنا شده و با ستون های خرد محکم گردد خداوند دوستانش را یاری داده و دشمنانش را خوار می نماید». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۶).

از دیدگاه اسلام عدالت رکن مهم در جامعه است تا حدی که رسیدن به تقوا، متفرع بر عدالت است.

«اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ عدالت کنید که به تقوا نزدیک تر (از هر عمل) است». (مأثده:

(۸)

این رکن مهم هدف بعثت پیامبران قرار دارد:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند». (حدید: ۲۵)

عدالت محوری عدالت خواهی از اهداف اصلی پیامبران و امامان می باشد. در دین مبین اسلام همواره رعایت عدالت و مساوات همواره بر همگان تأکید شده است. (بیانات رهبری در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و این مسئله گواه بر آن است که در این زمینه نیز نگاه اسلام عام و فراتر از تقييد جنسیتی است.

مقام معظم رهبری در بیانیه می‌فرمایند:

«عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی». (امام خامنه‌ای، بیانات در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

زنان در اقامه عدل و مبارزه با فساد نقش بسزایی دارند و در راستای رسیدن به هدف اجرای حدود الهی یکی از ارکان مهم هستند. وجود مأمور و مجری زن جهت انجام برخی مأموریت‌های نظامی جامعه بسیار لازم و ضروری است و مراکز اجرای عدالت و مبارزه با فساد در راستای مأموریت خود در موضوعات و مسائل مربوط به زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند نیازمند کارشناس زن است که با رعایت حفظ موازین اسلامی می‌تواند در این مأموریت به‌خوبی ایفاء نقش کند.

۴.۵. پاسداری از استقلال و آزادی

استقلال از ارزش‌های مسلم انسانی، عامل عزت و سربلندی انسان‌ها و جوامع است و نبود آن نشانی از ذلت و زبونی آنان است. استقلال با جنبه‌ها و ابعاد مختلفش از منظر اسلام با دو مفهوم دارالاسلام و دارالکفر ارتباط پیدا می‌کند چراکه از دیدگاه اسلام مرزبندی

جغرافیایی ملاک مناسبی برای نشان دادن استقلال نیست. (زهیلی، ۱۳۹۰ش: ۱۶۹)

ملاک مرزبندی استقلال حکومت‌ها، اجرا و عدم اجرای قانون الهی است بر اساس این مرزبندی قرآن علاوه بر بیان خطرات تحت سلطه بودن حکومت‌های مختلف و دستیابی به استقلال را درآیات بیان می‌فرماید. اگرچه در قرآن واژه استقلال به صراحت بیان نشده است ولی از برخی تعبیرها و واژه‌ها می‌توان این مفهوم را برداشت کرد یکی از واژه‌ها «نهی سبیل» است که در آیه ۱۴۱ سوره نساء آمده است:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است. (نساء: ۱۴۱)

«سبیل» به معنی حجت است یعنی کفار حجتی بر مؤمنین ندارند آنچه مستفاد از ظاهر آیه است این که نکره در سیاق نفی افاده عموم دارد مطلق سبیل را می‌گیرد لکن مفاد جعل، جعل تکوینی نیست زیرا هم مخالف حس است و هم مخالف نفس است خداوند حقی به کفار نداده نه در دنیا و نه در آخرت و هرچه ظلم و اذیت نسبت به مؤمنین نمودند مسئول و صاحب خواهند بود هم عقوبت دنیوی و عقوبت اخروی خواهند داشت. (طیب، ۱۳۷۸: ۶ / ۲۴۶؛ بجنوردی، ۱۳۷۷ش: ۱ / ۱۸۹؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ق: ۱ / ۶۴۱-۶۴۰)

«لن» در آیه نفی ابد سلطه کافران در تمام زمینه‌های مختلف سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و نظامی مسلمانان را می‌رساند و هرگونه پیمان با کافران که موجب سلطه آنان بر مسلمانان می‌شود را شرعاً حرام اعلام می‌کند. (علامه طباطبائی، ۱۳۶۷: ۵ / ۱۱۶؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۱۰ / ۴۲)

سلطه‌پذیری علامت و نشانه عدم ایمان واقعی است. استقلال بدون آزادی دوام نخواهد داشت و آزادی بدون استقلال چیزی جز استعمار و استثمار نیست. آزادی را تنها در سایه استقلال کشور می‌توان یافت. آزادی و استقلال دو شرط به هم مرتبط طبیعی و عینی هستند خود این دو شرط نیز به شرط وحدت و حفظ تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. (آرین پور، ۱۳۹۷ش: ۱۵۰)

مفهوم تأمین آزادی و استقلال وظیفه حکومت‌ها است؛ اما این‌طور نیست که این موارد تفضل حکومت‌ها بر مردم باشد و هر دو عطیه الهی به انسان‌ها است. پس شعار استقلال و آزادی یک شعار جهانی بر مبنای دین است و تابع جنسیت نیست و در باب وضعیت استقلال و آزادی برای زنان می‌توان به سخن مولا علی علیه السلام اشاره کرد:

﴿أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَاءُ﴾؛ ای مردم آدم نه بنده زایید و نه

کنیزی مردم همه آزادند». (محمودی، ۱۴۱۸ق: ۱۹۸)

زنان هم بخش عظیمی از اجتماع‌اند که همانند مردان سهم بارز و حیاتی را در پیشبرد تمام امور از جمله امور استقلال و آزادی دارند و در این عرصه با افزایش بینش و تغییر نگرش جامعه در انتخاب مسئولین و افراد اصلح، افزایش حس مسئولیت‌پذیری و حسن انجام تکالیف و پرورش نسل مؤمن و انقلابی و باتقوا می‌توانند در این زمینه مؤثر واقع شوند.. همچنین فرموده‌اند:

«در راه‌پیمایی‌ها، وقتی دوربین‌ها می‌رود روی چهره خانم‌هایی که باحجاب کامل، فرزندان‌شان را هم در بغل گرفته‌اند و در شرایط دشوار به راه‌پیمایی آمده‌اند، برای اعلام موضع سیاسی، در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند، برای ما افتخار است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۳۷۱/۹/۲۵: <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir/۲۶۴۵/>)

کلام معظم له گواه آن است که استمرار انقلاب حضور مجدانه بانوان را طالب است. استقلال و آزادی موجود در جامعه مرهون فداکاری و ازخودگذشتگی مادران شهید و جانباز کشور است. مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از فرزندان عزیز دل کنند تا به جهاد با دشمنان روانه میدان جنگ شوند و سپس با پیکرهای خون‌آلود از آن تکه‌تکه روبه‌رو شدند در این لحظه مصیبت را با شکرگزاری همراه نمودند.

۴. ۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

عزت در درون خود مفاهیمی همچون کرامت، قدرت، اقتدار را دارا می‌باشد، به گونه‌ای که هریک زمینه‌ساز تحقق دیگری است. در قرآن کریم عزت و سربلندی را مخصوص الله و رسول الله و مؤمنان می‌داند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ يُنْتَبَعُونَ مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾؛ دو دریا یکسان نیستند؛ این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ (اما) از هر دو گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید؛ و کشتیها را در آن می‌بینی که آن‌ها را می‌شکافند (و به سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید!». (فاطر: ۱۲)

﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَجُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ آن‌ها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند!» درحالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند!». (منافقون: ۸)

طبق آیات ۱۴۰-۱۳۸ نساء پذیرش ولایت کافران موجب ذلت و عذاب الهی و پذیرش ولایت خداوند سبب عزت فرد و جامعه می‌شود. (طبرسی، بی تا: ۳ / ۲۱۷-۲۱۶)

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا * وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَّبِعُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجُوا فِي حَدِيثِ عِبْرَةٍ إِيَّاكُمْ إِذَا مِنْهُمْ إِنْ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾؛ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست. * همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این که همه عزت‌ها از آن خداست؟ * و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آن‌ها ننشینید تا به سخن دیگری پردازند! وگرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی

در دوزخ جمع می‌کند». (نساء: ۱۴۰، ۱۳۸)

قرآن تأمین و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران گشت و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند دوری می‌کند. (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۲ / ۴۰۷؛ فضل الله، بی‌تا: ۷ / ۵۰۸)

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«صدر اسلام زن‌هایی در لشگرها هم بودند، به میدان‌های جنگ هم می‌رفتند... اسلام زن‌ها را قدرت داده است. ما می‌خواهیم زن آزاد باشد مثل سایر آزاده‌ها». (خمینی، ۱۳۶۱ش، ۵۹ / ۱۷)

امام معتقد است منشأ تحولات ایران از زنان پیدا شد سپس در جامعه جلوه کرد به همین دلیل قطعاً ذی سهم هستند و این جلوه در ایام دفاع مقدس و هم‌اکنون در دفاع از حریم اهل‌البیت علیهم السلام به اوج خود رسیده است و نقش مؤثر بانوان در این زمینه بر کسی پوشیده نیست.

مقام معظم رهبری در این راستا می‌فرماید:

«روحیه عزتمندی بانوان تداوم نهضت اسلامی و استقامت را در پی خواهد داشت و همین مهم اسلام را زنده نگه می‌دارد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خانواده شهدای استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2540>)

همچنین ایشان در مورد نقش زنان در نهضت انقلاب بیان می‌دارند:

«نقش زنان در کارهای پشتیبانی، عملیاتی و نظامی (در اهواز) نقش فوق‌العاده‌ای بود و اصلاً نمی‌شود نقش زنان را محاسبه کرد. من اقرار می‌کنم اول کسی که این نقش را فهمید امام بزرگوار ما بود». (امام خامنه‌ای، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/18453>)

فعالیت آگاهانه زنان در بالا بردن عزت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران، زنان سایر

ممالک اسلامی را به پرچم‌داری جنبش‌های اسلامی فراخواندند.

۷.۴. سبک زندگی

اسلام به‌عنوان یک فلسفه زندگی ظهور کرده و آنچه را که موجب کمال فرد و جامعه است را در قالب سبک زندگی اسلامی ارائه کرده است. سبک زندگی اسلامی شامل باورها، جهان‌بینی، ارزش‌ها و رفتارهایی است که کامل‌ترین و آخرین شریعت الهی، شریعت محمدی ﷺ به جهان اسلام اهدا کرده است. جایگاه بانوان در سبک زندگی اسلامی به‌عنوان یک مؤلفه مهم مشهود است.

نقش و ارزش زن تا حدی است که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید:

«زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.» (خمینی، ۱۳۸۹ش: ۷ / ۳۴۱)

در توضیح فرمایش امام خمینی رحمته‌الله‌علیه رهبر فقید انقلاب می‌فرماید:

«از دامن زن مرد به معراج می‌رود چراکه زن یک موجود است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به ارزش‌های والای انسانی برسند.» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۴ / ۱۹۷)

همین عطیه الهی به زن، نقش او را در جامعه بالاتر از مردان برده است چراکه زنانی به‌عنوان مادر می‌توانند افراد چون امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، آیت‌الله مطهری، شهید رجایی، شهید بهشتی و شهید باهنر و امثال ایشان را پرورش دهند. جایگاه، اعتقاد و نگرش زن در زندگی به حدی حائز اهمیت است که قرآن ۴ الگو به‌طور مستقیم مبنی بر اعتقاداتشان را معرفی می‌کند: دو الگوی نیک و دو الگوی بد.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛ همسر فرعون که جذابیت‌های قصر او را مجذوب نکرد، چراکه ایمان حضرت موسی علیه‌السلام در دل او رسوخ کرده بود و تا لحظه آخر بر ارزش‌ها و

اعتقادات دینی خود پایبند بود». (تحریم: ۱۱)

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾؛ و (یاد کن) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید». (آل عمران: ۴۲)

دومین زن حضرت مریم علیها السلام که پاکدامن زیست و به عنوان سیده نساء العالمین عصر خود برگزیده شد. (بیانات رهبری در دیدار از مداحان، ۱۳۸۳/۵/۱۷)، اگر حضرت مریم علیها السلام در عصر خود سیده نساء العالمین بود حضرت زهرا علیها السلام سیده نساء العالمین در همه ادوار شد. (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳ / ۳۲۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳ / ۳۷)

در نقطه مقابل خداوند دو زن را به عنوان نمونه‌های کافران ذکر می‌کند:

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ﴾؛ خدا برای کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت (فرمان) دوبنده صالح ما بودند و به آن‌ها (نفاق و) خیانت کردند و آن دو شخص (باوجود مقام نبوت) نتوانستند آن‌ها را از (قهر) خدا برهانند و به آن‌ها حکم شد که با دوزخیان در آتش درآیند». (تحریم: ۱۰)

خداوند هنگام معرفی کفار در قرآن به جای فرعون و نمرود دو زن را که درهای رحمت الهی بر روی آن‌ها باز بود، همسران پیغمبر خدا بودند و حجت بر آن‌ها تمام شده بود اما هر دو خیانت کردند، خیانت اعتقادی و خیانت مسلکی. با نگاهی به سرنوشت دو قوم نوح و لوط به تأثیرگذاری عجیب نقش زنان در گمراهی و هلاکت امتی پی برده می‌شود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار از مداحان، ۱۳۸۳/۵/۱۷ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3246>)

بنابراین اعتقاد هر شخصی نماد ارزشی اوست و به دلیل محور قرار گرفتن زنان در خانواده اعتقاد و ایمان عمیق ایشان بیشترین اثر را در سبک زندگی خواهند داشت و با

توانایی‌های بالقوه خود می‌توانند تکالیف خود را در سه بعدی مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی به نحو احسن انجام دهند.

دین‌داری زن و اعتقاد او به نظارت الهی در کیفیت مسئولیت‌ها و نقش‌های او در خانواده و اجتماع در حوزه‌های مختلف مؤثر است. زن به دلیل نقش خاصی که در دستگاه آفرینش بر عهده دارند دارای سرمایه‌های درونی و بسیار گران‌بهایی است که خداوند برای رشد زن و جامعه او را به این ارزش‌ها تجهیز کرده است. یکی از این سرمایه‌های گران‌بها عاطفه و مهربانی است، زنان با آکنده ساختن کانون خانواده از مهربانی، حسن خلق، صفا و الفت می‌توانند فضای فکری، فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی را نورانی کنند و عملاً درس وفاداری و از خودگذشتگی را از طریق فرزندان و همسران خویش به آیندگان بیاموزند. مقام معظم رهبری زندگی دنیا و آخرت و هر چه در آن است همه را تحت تأثیر مادران دانسته و می‌فرمایند:

«همه تحت تأثیر مادران هستند آن‌که بهشتی می‌شود بهشتی شدنش از مادر است.»

(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان غربی، ۱۳۷۵/۶/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2812>)

زن عنصر تکاملی بشر و جامعه است، اسلام از همان آغاز نردبان ترقی برای صعود ملکوتی زن را به همراه داشته و با ایجاد سبک زندگی اسلامی همچون کوهی استوار از ایمان، هم خود و هم دیگران را می‌تواند به صعود ملکوتی برساند.

نتیجه‌گیری

۱. زنان با توجه به ارزش‌های الهی که خداوند بالقوه در وجودشان به ودیعه نهاده می‌توانند در سه سطح فردی و خانوادگی و اجتماعی نقش آفرینی داشته و این نقش آفرینی نتیجه انگیزه بالا همراه با تفکر و تدبر زنان در ابعاد گوناگون زندگی است که می‌تواند سبب تحقق توصیه‌های هفتگانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی شود.

۲. بیانیه گام دوم بنابر آیات و روایات هیچ فرق جنسیتی بین زن و مرد در جهت کسب

علم و دانش، تحقیق و پژوهش قائل نیست. و نهایی در مسیر رشد و تعالی برای زنان تعریف نشده است.

۳. زنان با تکیه بر دو عنصر اصلی معنویت و اخلاق مبنای زندگی خانوادگی سالم را قوام می‌بخشند.

۴. فعالیت اقتصادی زنان تحت اشراف معنویت و اخلاق، مشروعیت می‌یابد و با تصمیم‌گیری‌های عاقلانه مردان را در این امر مهم یاری می‌دهند.

۵. از منظر اسلام اجرای عدالت و مبارزه با فساد از ارکان مهم جامعه می‌باشد از آنجاکه زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند صاحب اثرگذاری صد در صد هستند و با اقامه قسط و عدل توانایی جلوگیری از هرج و مرج را خواهند داشت.

۶. از آنجاکه خداوند فطرتاً هر انسانی را آزاد و مستقل آفریده و اجازه نداده که هیچ مسلمانی تحت سلطه و سیطره قرار بگیرد بیانیه گام دوم بر این باور است که استقلال و آزادی موجود در جامعه نتیجه حضور مجدانه زنان در تمام صحنه‌های انقلابی سیاسی می‌باشد؛ این استقلال و آزادی منجر به عزت ملی کشور و ارتباطات صحیح با خارجیان گردیده است.

۷. توجه عمیق بر مبنای آیات و روایات به این هفت مورد مذکور بیانیه گام دوم سبک زندگی اسلامی را رقم می‌زند و زنان کنشگری فردی، خانوادگی و اجتماعی را می‌آموزند.

۸. زنان در تحقق بیانیه گام دوم با توجه به برابری آماری با مردان اثرگذاری بیشتری دارند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آرین پور، محمدرضا، ۱۳۹۷ش، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی جا، چهار درخت.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶، الامالی، مترجم کمره‌ای، محمدباقر، تهران، نشر کتابچی.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، المناقب، مصحح: رسولی، هاشم، قم، ج ۳، علامه.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲ش، تحف العقول، مترجم: حسن زاده، صادق، قم، نشر آل علی (علیه السلام).
۶. ابن عربی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ق، احکام القرآن، بیروت، ج ۱، دارالجیل.
۷. بجنوردی، سید حسن، ۱۳۷۷ش، القواعد الفقهیه، قم، ج ۱، نشر الهادی.
۸. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۹. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۱۰. بیانات رهبری در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۷۵/۶/۲۸.
۱۱. بیانات رهبری در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۱۲. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۱۳. بیانات رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۱۴. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان، ۱۳۹۱/۴/۲۱.
۱۵. بیانات رهبری در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۶. بیانات رهبری در دیدار با خانواده شهدای استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.
۱۷. بیانات رهبری در دیدار از مداحان، ۱۳۸۳/۵/۱۷.
۱۸. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان، ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۱۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۲۰. جصاص احمد بن علی، ۱۴۰۵ق، احکام قرآن، بیروت، ج ۲، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. جعفری، محمد تقی، بی تا، شرحی بر نهج البلاغه، بی جا، ج ۱۶، بی نا.
۲۲. جمعی از نویسندگان، بی تا، دانشنامه امام خمینی (علیه السلام)، قم، بی نا.

۲۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳ش، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، بی‌جا، نشر اسراء.
۲۴. خبرگزاری رسمی حوزه، نقش انقلاب اسلامی در هویت‌یابی زن، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷.
۲۵. خبرگزاری مهر، رشد ۲۱٪ تعداد اعضای هیئت علمی زن نسبت به قبل از انقلاب، ۱۳۹۷/۰۹/۲۴.
۲۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۲۷. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۱ش، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه‌السلام، تهران، ج ۱۷، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۸. زهیلی، وهب، ۱۳۹۰ش، آثار الحرب فی فقه الاسلامی، مترجم بینش، عبدالحسین، بی‌جا، زمزم هدایت.
۲۹. شجاعی، محمد صادق، ۱۳۹۲ش، دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، بی‌جا، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۷، تفسیر المیزان، قم، ج ۲، ج ۴، و ج ۵، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
۳۱. ...، ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی، محمد باقر، ج ۱، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، بی‌تا، مجمع البیان، بیروت، ج ۱، ج ۳، و ج ۱۰، دارالمعرفه.
۳۳. طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطیب البیان، تهران، ج ۶، چاپ دوم، انتشارات اسلام.
۳۴. فضل‌الله، سید محمد حسین، بی‌تا، من وحی القرآن، بیروت، ج ۷، دارالملاک للطباعة والنشر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، مترجم رسولی، هاشم، تهران، ج ۱، و ج ۵، کتابفروشی اسلامیة.
۳۶. کمالی درفولی، علی، ۱۳۷۴ش، شناخت قرآن، تهران، نشر اسوه.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، ج ۱۳، ج ۴۳، و ج ۶۰، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محمودی، محمد باقر، ۱۴۱۸ق، نهج السعادة، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ش، مجموعه آثار، تهران، ج ۱، انتشارات صدرا.
۴۰. معلوف، لوییس، ۱۹۹۸م، المنجد فی اللغة و الامام، بیروت، المكتبة الشریقه.
۴۱. موسوی سبزواری، سید عبد‌الاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی‌جا، ج ۱۰، دفتر سماحه آیت‌الله عظمی سبزواری.

نقش سلامت فردی و اجتماعی زنان در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه

با تأکید بر آیات و روایات در دوران دومین گام انقلاب اسلامی ایران

زهره دانشجو^۱

چکیده

این پژوهش با عنوان «نقش سلامت فردی و اجتماعی زنان در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه با تأکید بر آیات و روایات در دوران دومین گام انقلاب اسلامی ایران» تلاش کرده تا به تبیین نقش کلیدی فردی و اجتماعی زنان بپردازد؛ زیرا سخن درباره سلامت فردی و اجتماعی زنان، در واقع سخن درباره تمام انسان‌هاست، چون زن به عنوان مادر می‌تواند نقش وسیعی در نظام انسانیت و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه داشته باشد. به همین جهت ضروری است مورد توجه بیشتری قرار گیرد تا در پیشبرد اهداف بلند خانواده و جامعه اثر گذار باشد، این تحقیق با هدف تبیین نقش کلیدی زنان که به روش نقلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل این سؤال پرداخته است که سلامت فردی و اجتماعی زنان چه نقشی در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه در دومین گام انقلاب اسلامی ایران

۱. دانش پژوه تفسیر تطبیقی، سطح ۴، جامعه الزهرا (س)؛ zz.daneshjoo@gmail.com

می‌تواند داشته باشد؟ و به این نتیجه دست یافته که زنان در خانواده جایگاه و نقش بسیار مؤثری در تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، تربیت فرزندان سالم و به تبع جامعه‌ای سالم دارند؛ زیرا اگر برخورد سالم، سنجیده و مناسب زنان در خانواده نباشد در آینده نه چندان دور، جامعه بشری رو به زوال خواهد رفت.

واژگان کلیدی: سلامت، زنان، فردی، اجتماعی، خانواده، جامعه، گام دوم انقلاب.

مقدمه

از دیدگاه اسلام ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه ویژه‌ای در ارتقاء کمال انسانی دارد. جامعه‌ای که از خانواده‌های سالم تشکیل شده، مسلماً جامعه‌ای سالم خواهد بود. شرط خانواده سالم این است که زنان سالم داشته باشند؛ زیرا زنان افزون بر این که نیمی از پیکره اجتماع را تشکیل می‌دهند، به طور فردی نیز نقش بسیار مؤثری بر سایر افراد اجتماع دارند. در این نوشتار با بیان برخی از اخلاقیات و رفتارهای فردی و اجتماعی زن بر نقش اساسی آن‌ها در خانواده و اجتماع تأکید شده است، باز خوانی آموزه‌های اسلام و ژرف اندیشی، تجزیه، تحلیل نقش زن با تبیین آن در روایات مختلف به سلامت اجتماعی زنان به معنی سلامت روانی آن‌ها در ارتباط با دیگران پرداخته است. بنابراین پرورش برخی خصلت‌ها و رفتارهای خوب در زنان تأثیر به‌سزایی در اصلاح خانواده و جامعه خواهد داشت. برخی از حالات و ویژگی‌ها به صورت یک اصل ثابت بر شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد مثل، سازگاری و حسن خلق، و گاهی اوقات به دلیل غلبه بُعد احساسی در نوع انسان رفتاری در فرد ظاهر می‌شود که می‌توان به تحقق یک ویژگی مثبت در او اطمینان پیدا کرد. مانند: اظهار مهر، خوش‌زبانی، خوش‌رویی..

این پژوهش با توصیف و تحلیل اساسی‌ترین خصوصیات اخلاقی فردی و اجتماعی در انسان، به این نتیجه دست یافته که زنان، با داشتن برخی خصوصیات اخلاقی می‌توانند در تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا خانواده، پرورش نسل جدید، جهت‌دهی به افکار فرزندان در درک درست، تربیت فرزندان سالم و به تبع جامعه‌ای سالم ایفای نقش کنند. آیات و روایات با کلمات نورانی خود بر این نقش و عملکرد فردی و اجتماعی مناسب زنان در تشکیل کانون گرم خانواده و به تبع آن اجتماع دلالت می‌کنند، به علاوه با بررسی در برخی بیانات رهبر معظم، آیت‌الله خامنه‌ای در دوران انقلاب، می‌توان به نحوه عملکرد بهتر زنان در گام دوم انقلاب دست یافت.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. سلامت

سلامت در لغت فارسی به معنای عافیت، تندرستی، بی‌گزند شدن، از عیب و آفت، رهایی یافتن پاکی و رهایی از عیب و آفت، بی‌عیبی، تندرستی. (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف سین؛ معین، ۱۳۷۱؛ ذیل حرف سین، عمید، ۱۳۵۸، ص ۵۸۶)

به نظر می‌رسد، از این معانی به دست می‌آید که منظور از سلامت علاوه بر سلامت جسمی، سلامت روحی را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا مقصود از پاکی و رهایی از عیب و آفت؛ یعنی، پاکی روح و روان انسان از هرگونه بیماری و نقص می‌تواند باشد؛ بنابر این، سلامت ابعاد گوناگونی دارد: ۱. سلامت جسمی ۲. سلامت روحی، روانی و در گونه‌ای دیگر ۱. سلامت فردی ۲. سلامت اجتماعی است.

برخی از پژوهشگران در این رابطه می‌گویند: یکی از مهم‌ترین عناصر سلامت انسان، سلامت روانی اوست. که برخی آن را به معنای «ادراک مثبت فرد از رویدادها و شرایط زندگی» دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر تعادل بین هیجان مثبت و منفی، پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، استقلال، غلبه بر محیط، هدف‌مندی در زندگی، سازگاری و رشد شخصی و اجتماعی، توانایی هوشی، توانایی بر استدلال و قضاوت همه‌ای اینها بر سلامت روانی و به هنجار بودن فرد دلالت می‌کند اگر چه فرد به لحاظ جسمی ناتوان و بیمار باشد. سازمان بهداشت جهانی سلامتی را برخورداری از بهزیستی کامل جسمی، روانی و اجتماعی دانسته است، نه این که صرفاً به فقدان بیماری یا ناتوانی گفته شود. (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹، ۱۶-۱۷)

در اساس-نامه سازمان جهانی بهداشت (WHO) سلامت «نه تنها نبود بیماری یا معلولیت»، بلکه «حالت بهینه خوب بودن جسمی، روانی و اجتماعی» تعریف شده است (گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۱). مفهوم سلامت روانی نیز از نظر WHO چیزی فراتر از نبود اختلال‌های روانی و شامل ۱. خوب بودن ذهنی، ۲. ادراک خودکارآمدی، ۳. استقلال

و خودمختاری، ۴. کفایت و شایستگی، ۵. وابستگی میان نسلی و ۶. خودشکوفایی توانمندی‌های بالقوه فکری و هیجانی است. (همان-جا)

در فرهنگ بزرگ روانشناسی لاروس بهداشت روانی چنین تعریف شده است: استعداد روان برای هماهنگی، خوشایند و مؤثر کارکردن، در موقعیت‌های دشوار، انعطاف‌پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خویش، توانایی داشتن. (گنجی، ۱۳۷۹، ص ۹) و یا سازمان بهداشت جهانی (WHO) بهداشت روانی را چنین تعریف می‌کند، بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت معنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و بهداشت تنها نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست. (گنجی ۱۳۷۹، ص ۹)

۱.۲. سلامت فردی زنان

باید دید آیا مراد از فرد، انسان متشکل از دو بُعد جسمانی و ذهنی است یا منظور یکی از این دو بُعد است؟ بی‌تردید تمام نظریه‌پردازان در مسئله فرد و جامعه، مراد از فرد را بیان کرده‌اند، می‌گویند: بُعد جسمانی انسان نقشی در ساختن و تحقق تاریخ انسانی ندارد و از محل بحث خارج است و در مسئله بُعد روحانی و ذهنی انسان، خواه قائل شویم که این بُعد ذهنی یک جوهر مستقل و خواه قائل شویم که چیز مستقلی به عنوان نفس و ذهن وجود ندارد و هرچه وجود دارد توانایی‌های ذهنی است، که مورد بحث قرار می‌گیرد.

«فرد» (= انسان) از آن جهت که ساخته طبیعت است یک شخص هست ولی یک شخصیت نیست. از این جهت او فقط یک حیوان است؛ یعنی، طبیعت فقط یک حیوان خلق می‌کند مثل حیوان‌های دیگر، ولی فرد (= انسان) به اعتبار شخصیتش؛ یعنی، به اعتبار علم و دانشش، زبانش و به اعتبار فرهنگش فرد است" (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸)؛ بنابراین به نظر می‌رسد؛ منظور از سلامت فردی زنان به معنای سلامت شخصیت آنان است، که آن نیز به اعتبار علم، دانش و فرهنگ آن‌ها جلوه‌گر می‌شود؛ یعنی، اگر زنان جامعه‌ای از سلامت روحی و روانی برخوردار باشند، بر علم، دانش، زبان و فرهنگ فرزندان آن جامعه اثر گذار خواهند بود، و همچنین پیامدهای بسیار خوب دیگری را نیز به همراه خواهد داشت.

به فرموده مقام معظم رهبری زن در عرصه فردی به معنای همان تربیت فردی و رشد و تکامل معنوی است، زن موظف است در عرصه فردی به رشد و بالندگی خود بیندیشد و در این زمینه پیشرفت کند؛ نه فقط برای این که یک فرد به کمال برسد، بلکه علاوه بر آن کمال یک مادر و یک زن به کمال انسان‌هایی که در دامن او پرورش می‌یابند منجر می‌شود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴ <https://farsi.khamenei.ir/khl.ink/f/2536>) وقتی زن مسلمان به فطرت و به اصل خود برمی‌گردد، چه معجزه عظیمی درست می‌کند! آن چنان که در انقلاب ما و در نظام اسلامی ما بحمدالله مشاهده شد و امروز هم مشاهده می‌شود. ما کجا آن قدرت و عظمت را از زنان دیده بودیم که امروز از مادران شهدا می‌بینیم؟ (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵ <https://farsi.khamenei.ir/khl.ink/f/2645>) در طبیعت الهی زن، آن چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد - به طرف معنویت و پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش برد. (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵ <https://farsi.khamenei.ir/khl.ink/f/3296>)

۱.۳. سلامت اجتماعی زنان

"اجتماع" در لغت به معنی «جمع شدن، دورهم گرد آمدن، فراهم آمدن، به هم پیوستن و انجمن شدن» آمده است. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف الف؛ معین، ۱۳۷۱؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۰) اجتماع مردمی، یا جامعه به معنی «توده مردم، گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند، صنفی از مردم یک شهر یا یک کشور» را گویند. (ر.ک: همان، ذیل حرف جیم؛ ص ۳۵۲) «مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند جامعه را تشکیل می‌دهند.... جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ

یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یک دیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورنده.» (مطهری، ۱۳۷۳، صص، ۳۱۴ - ۳۱۳) سلامت اجتماعی به معنای توانایی تعامل با انسان‌ها و محیط با هدف ایجاد ارتباط رضایت بخش بین فردی است. توانمندی ارتباط صادقانه با دیگران و مدیریت تعارض به شیوه سالم و اخلاقی طی زمان مناسب و قابل قبول، از جمله شاخص‌های سلامت اجتماعی است. (واژه نامه متمم) بنابر این به نظر می‌رسد سلامت اجتماعی زنان به معنی سلامت روانی آن‌ها در ارتباط با دیگران می‌باشد؛ در سلامت اجتماعی شاخص‌های سلامتی در یک جامعه را شامل می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی سکونت دارند. و دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، اقتصادی و سیاسی است.

۱.۴. خانواده

برخی خانواده را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «خانواده، گروهی است که به دلیل قرابت و یا زوجیت، هم بستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی واحد قرار گرفته است.» (طاهری، ۱۳۸۱، ص ۱۴)

در تعبیری دیگر خانواده یک واحد زیستی (بیولوژیکی) است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است که بر اساس آن افراد دارای رابطه سببی یا نسبی بوده و با یکدیگر خویشاوند هستند.

خانواده (Family) نخستین نهاد اجتماعی است. اکثر افراد در خانواده به دنیا می‌آیند و در خانواده نیز می‌میرند. خانواده شالوده حیات اجتماعی محسوب گردیده و گذشته از وظیفه تکثیر نسل و کودک پروری برای بقای نوع بشر وظایف متعدد دیگری از قبیل تولید اقتصادی، فرهنگ پذیر کردن افراد را نیز بر عهده دارد. (نور بالا، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱ - ۱۵۶)

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. در بیشتر جوامع مشکلات متعددی متأثر از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی برای خانواده پدید

آمده است. مهم‌ترین متون دینی ما؛ یعنی قرآن، کلام پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام، سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر، در باب اساسی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد است. (ر.ک: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی) به نظر می‌رسد تعاریفی که برای خانواده ذکر شده، بیان‌کننده یک حقیقت هستند و آن این‌که: خانواده کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده هر جامعه که از یک زن و شوهر تشکیل شده و با فرزندان تکمیل می‌شود.

به فرموده مقام معظم رهبری: «خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است.... زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید.... (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا، ۱۳۷۱/۹/۲۵: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2645>)

۲. زن مهم‌ترین عامل اثرگذار بر خانواده از دیدگاه آیات و روایات

قرآن زن را آیت خدا و انگیزه‌ای برای سکون و آرامش دانسته است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) و از جمله نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است بر این‌که تدبیر امور انسان‌ها در اختیار خداوند است. در این آیه آمده است که آرامش روانی مردان وابسته به حضور همسرانشان در کنارشان می‌باشد. روایات معصومین زن را بارزترین منشأ آسایش و مهر و عالی‌ترین منبع سعادت خانوادگی و مظهر عاطفه و مهر دانسته‌اند که با رأفت خود محیط خانه را دلچسب و اهل منزل را مسرور می‌سازد. او موجد تحول و تربیت است که می‌تواند تغییرات مطلوب، در فرد ایجاد کند، به همین دلیل است که صاحب‌نظران

مهم‌ترین معیار ازدواج سالم را اخلاق نیک و صالح بودن زن دانسته‌اند. امام رضا علیه السلام در مورد اهمیت معیارهای اخلاقی در زوجه می‌فرمایند: خدایا از زنان، بهترین آن‌ها را از حیث اخلاق برایم فراهم کن. و کسی که به زن صالح دست پیدا کند، سعادت‌مند شده و کسی که سر و کارش با زن غیر صالح افتاد، گرفتار شده است. (مجلسی، ۱۳۹۱، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴) و در حدیثی دیگری از علی علیه السلام «الْهَيْئَةُ الَّتِي تَنْبَغُ الْمَرْأَةِ الَّتِي إِذَا عَصَبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِعُمْضِ حَتَّى يَرْضَى وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۵) بهترین زنان را دارای پنج خصلت دانسته‌اند: آسان گیر، نرم‌خو و سازگاری که وقتی شوهرش ناراحت شود، پلک نمی‌زند تا او را راضی کند و در غیبت شوهر، او را حفظ می‌کند.

۳. تأثیر زن بر خانواده

نخستین دنیایی که کودک با آن تماس می‌گیرد، گفتارها و مهم‌تر از آن، کردارهای اعضای خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیری به سزایی دارد، از این رو تمام اعضای خانواده بالاخص - زن در خانواده که الان نقش مادری و تربیت کودک را به عهده گرفته است - مادر می‌تواند با گفتارها و کردارهای خود بر دیگر اعضای خانواده تأثیری مثبت یا منفی داشته باشد و فرهنگ مشترکی پدید آورد. (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۰)

به نظر می‌رسد سلامت مادر به‌عنوان مهم‌ترین عامل اثرگذار بر خانواده نقش به سزایی بر سلامت جامعه دارد؛ زیرا جامعه با نهاد خانواده و گسترش آن به وجود می‌آید، و برای نیل به جامعه سالم، مطلوب و موفق، ناگزیر باید واجد خانواده‌هایی سالم و صالح باشیم و آن به وجود نمی‌آید مگر به واسطه مادرانی دارای سلامت فردی و اجتماعی تا خانواده را و به تبع جامعه را به سوی سلامتی سوق دهند، و از نشانه‌های سلامت فردی زنان داشتن برنامه‌ریزی و تدبیر صحیح در خانواده، سلامت و نشاط روحی، اراده قوی و بسیاری دیگر از این موارد که سبب ایجاد سلامت روحی و روانی خود، خانواده و جامعه می‌شود.

رهبری درباره تأثیر نقش زنان فرمودند: این نقش همسری فوق‌العاده است؛ ولو اصلاً نقش مادری وجود نداشته باشد. فرض کنید، زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر

دلیل امکان زایمان برایش وجود ندارد اما همسر است. اما اگر بخواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ والا نمی‌شود. (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/18453>) این رابطه انسانی، بر اساس محبت و رابطه عاطفی استوار است.

۳.۱. تدبیر و برنامه‌ریزی

سلامت فردی زنان سبب به وجود آمدن سلامت در خانواده و سلامت در خانواده‌ها سبب سلامت در جامعه می‌شود و همین سبب می‌شود که آن‌ها بتوانند برنامه‌های درستی را برای خانواده خود تدبیر کنند. "تدبیر" در لغت به معنای «اندیشیدن و عاقبت بینی در کار است؛ یعنی، اگر فردی در ابتدای کار، آنچه که در پایان کار است بداند و برای آن کار درست برنامه‌ریزی کند. (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۰۷) تجربه نشان داده که برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده در هر کاری باعث پیشرفت بهتر و روز افزون آن می‌شود و در مقابله بی‌نظمی و کار نسنجیده سبب دور شدن از مقصد و ناکامی در کار می‌شود؛ بنابراین زنان که به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع هستند، با تدبیر و برنامه‌ریزی درست برای خانواده و در تمام زمینه‌های زندگی می‌توانند نقش مؤثری در پیشرفت تمام اعضای خانواده به لحاظ مادی و معنوی داشته باشند، چنان‌که اسلام به‌عنوان دینی جامع و جهانی، که به هدف سعادت بشر نازل شده است، تأکید بسیاری بر برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اجتماعی پیروان خود دارد، و از همه می‌خواهد در تمام شئون زندگی خود با تدبیر عمل کنند؛ زیرا برنامه‌ریزی برای هر شخص و فعالیت چه به قصد بهره‌وری اقتصادی، چه فرهنگی و یا خانه‌داری بسیار مؤثر است، و نبود آن مانعی بزرگ برای دستیابی به اهداف بلند، و سبب هدر رفتن فرصت‌ها و تجربه‌های ناموفق می‌شود؛ زیرا تجربه‌های ناموفق و شکست‌های پی‌درپی، پیامدهایی همچون خستگی و دل‌سردی و ناامیدی و از دست رفتن فرصت‌ها و توانایی‌ها را به دنبال خواهد داشت و همین موجب

آسیب به سلامت روح و روان افراد می‌شود، و یا روحیه فرد را برای تلاش مضاعف از بین می‌برد و نتیجه‌ای که از کار خود انتظار دارد به دست نمی‌آورد. این پیامد در سخن حضرت علی علیه السلام این‌گونه بیان شده است: «سوءُ التدبیر مفتاح الفقر» برنامه‌ریزی نادرست، کلید فقر و تنگدستی است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴) فقری که در روایت آمده در زمینه‌ء مادی نیست بلکه هر جا که بخواهد فعالیت سودمند داشته باشد باید با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق در مورد تمام جوانب کار، و متناسب با امکانات و توانایی‌ها خود وارد عمل شود تا نتیجه‌ء مطلوبی به دست آورد.

به نظر می‌رسد یک زن یا مادر مدبر، با برنامه‌ریزی و تدبیر درست و همه‌جانبه و با در نظر گرفتن استعدادها و قابلیت‌های فرزندان به عنوان پشتوانه‌ای مؤثر در رسیدن به اهدافی از پیش تعیین شده همچنین در پیشرفت کانون خانواده که بخشی از اجتماع است، ایفای نقش کند؛ چنان‌که رهبر معظم در این رابطه فرموده‌اند: زن مسلمان، با این شجاعت و استقلال رأی، خودش را می‌تواند، نشان دهد. (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا، ۱۳۷۱/۹/۲۵ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2645>)

۳.۲. هدف و تمرکز بر آن

«هدف» در لغت به معنی نشانه، غرض و نشانه‌ء تیر آمده است. (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف ه؛ معین، ۱۳۷۱، ذیل حرف ه؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۴۵) یکی از مسائلی که زندگی را شور انگیز و پر ثمر می‌سازد داشتن اهدافی بزرگ و تکاپو برای رسیدن به آنهاست، اهدافی که شایسته انسانیت و در مسیر پرورش نفس و ادای وظیفه و خدمت بی‌دریغ به جامعه باشد. جامعه‌ای که بخواهد اعضای سالم و اندیشمند و با هدف داشته باشد نخست باید مادرانی تربیت شده و متعهد داشته باشد. تا بتوانند هدف و مسیر درست زندگی را به فرزندان خود نشان دهند؛ زیرا انتخاب اهداف باید بر اساس شناخت استعدادها و توانایی‌ها باشد، در غیر این صورت منجر به خیال‌پردازی و آرزوهای طولانی در فرزندان

می‌شود که به خاطر امکان‌پذیر نبودن و عدم دسترسی به آن‌ها مشکلات زیادی را نیز در پی خواهد داشت؛ بنابر این مادران نقش مهمی در استعدادیابی و شکوفایی استعداد کودکان خود دارند، البته اگر چه عده‌ای هم اهداف مشخص و خوبی دارند ولی به سبب عدم تمرکز بر آن‌ها از کار اصلی خود باز می‌مانند، و نمی‌توانند در مسیر درست تلاش کرده و بهره‌ء کافی ببرند؛ زیرا «نیروهای فکری انسان محدود است و موفقیت افراد به نحوه مصرف کردن این نیروها بستگی دارد. اگر این نیروها در مجرای واحدی به کار رود به‌طور حتم پیروزی حاصل خواهد شد و اگر تجزیه و تحلیل شود، نتیجه شایان به دست نخواهد آمد.» (ر.ک: رشید پور، ۱۳۸۲، ص ۱۹) پس تمرکز بر اهداف نیز از دیگر کارهایی است که یک مادر با درایت می‌تواند با توجه کردن به عملکرد فرزندان به عهده بگیرد تا آن‌ها از مسیر و هدف اصلی خود خارج نشوند. دانشمندان در تحقیقات خود دریافته‌اند که هر مقدار هدف‌ها مشکل‌تر و عالی‌تر باشند سطح عملکرد نیز عالی‌تر خواهد شد، و اگر فردی کار سختی را پذیرفت، آنچه از دستش بر می‌آید انجام می‌دهد تا به هدف مزبور برسد. (ر.ک: خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵۶، به نقل از استنر و فریمن، ۱۳۹۲) این تحقیقات در واقع همان چیزی است که حضرت علی علیه السلام در گفتار خود به آن اشاره کرده‌اند: «هموم الرجل علی قدر همته» تلاش و کوشش آدمی به اندازه هدف اوست. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵) در زندگی زن‌شویی زن به‌عنوان مدیر خانه مسئولیت بزرگی را در رابطه با فرزندان و ساماندهی امور خانه به عهده دارد، اگر زن در خانه هدفمند باشد بر هدف‌گذاری دیگران نیز تأثیر گذار خواهد بود. مقام معظم رهبری در این رابطه فرموده‌اند: زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می‌کند... شناخت هدف‌های علمی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی... باید روز به روز پیشرفت کند. (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰ <https://khl.ink/f/3024> <https://farsi.khamenei.ir>)

۳.۳.۳. اراده

«اراده»، در لغت به معنی خواستن، طلب کردن از روی میل و قصد می‌باشد. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف الف؛ معین، ۱۳۷۱، ذیل حرف الف؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۶) برخی گفته‌اند: اراده نیرویی عاطفی است، و تحت تأثیر شور و شوق درونی و با قدرت و امکان کار می‌کند. علت عاطفی بودن نیروی اراده این است که انسان در نتیجه تأمل و تلقین به نفس، احساساتی را در خود بر می‌انگیزد که اراده را به حرکت در می‌آورند؛ (دوسن لوران، ۱۳۷۰، ص ۲۴ - ۲۳) بنابراین اهرم محرک اراده، نیروی عاطفه می‌باشد. ممکن است فردی دارای استعداد و نبوغ بسیاری باشد ولی تا با عزم و اراده راسخ آن را در جهت رسیدن به اهداف خود، به کار نگیرد فایده‌ای نخواهد داشت. (ر.ک: موسوی لاری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳) فرد با اراده به کسی گویند که دارای هدفی معقول باشد، و تا زمانی که به آن نرسیده از تعقیب آن باز نمی‌ایستد. مشکلات و موانع روانی یا مادی به اراده و عزم او لطمه نزده و مانع پیشرفتش نمی‌شود، هیچ چیز مانع آن نمی‌شود تا آنچه را که مصمم است تحقق بخشد چنین فردی می‌داند چه می‌خواهد، به همین دلیل است که در اقدامات و کارهای خود با موفقیت روبه‌رو می‌شود. (دوسن لوران، ۱۳۷۰، ص ۵) سلامت و نشاط روحی یکی از عوامل موفقیت افراد معروف کار و تلاش بوده است اما مهم‌ترین انگیزه‌ای که سبب برانگیختن اراده و کار و تلاش برای رسیدن به هدف می‌شود، میزان علاقه و نشاط درونی به کاری است که انسان انجام می‌دهد. سقراط در این زمینه گفته است: هرکس بداند به چه کاری علاقه دارد و به دنبال همان برود یقیناً کار عاقلانه‌ای کرده است. (سلیمی نیکنام، ۱۳۸۷، ص ۸۷) همچنین کار و تلاش نشانه بزرگی و نشاط انسان در زندگی بر شمرده شده است. شهید مطهری با استناد به روایت حضرت علی علیه السلام که فرموده‌اند: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»؛ یعنی، قدر و منزلت هر کس همان قدر و اندازه همت و تلاش اوست. می‌فرمایند که همت و تلاش بزرگ نشانه روح بزرگ است و همت کوچک نشانه روح کوچک است؛ بنابراین کار و تلاش را از نشانه‌های روح و روان سالم می‌داند. (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۵۰)

زنان در نقش مادر، که به عمل و اراده خود متکی نیستند، برای تأمین سعادت مادی و معنوی خود پیوسته به دیگران تکیه می‌کنند، و هدف خاصی برای خود ندارند، باعث دلسردی، پایین آمدن میزان کار و تلاش و در نهایت، عقب ماندگی خود و فرزندان خود در انجام کارهای بزرگ و در زمینه‌های مختلف زندگی خواهد شد، چنان‌که در حدیثی از امام صادق آمده است: «ثَلَاثٌ يَجْزِيَنَّ الْمَرْءَ عَنِ طَلْبِ الْمَعَالِي - قَصْرُ الْهَمِّهِ وَ قِلَّةُ الْحِيلَةِ وَ ضَعْفُ الرَّأْيِ» سه چیز مانع انسان از رسیدن به کمال است، الف - کوتاهی همت، ب - کمی حیا، ج - اراده ضعیف. (حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۸)؛ بنابراین این؛ ضعف اراده و عدم سرعت لازم زن به عنوان مدیر خانه و مسئول تربیت فرزندان سبب می‌شود که نتواند رفتاری مناسب به عنوان الگو از خود نشان دهد و همین موجب ایجاد اثراتی سوء بر خانواده و فرزندان است.

۳.۴. میانه روی

"میان‌ه‌رو" در لغت به کسی گویند که در هیچ کاری افراط و تفریط نکند. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف میم؛ معین، ۱۳۷۱، ذیل حرف میم؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۹۷) میان‌ه‌روی زنان در مخارج زندگی به معنی در نظر گرفتن دخل و خرج خانواده در برقراری تعادل و توازن مناسب میان درآمدها و هزینه‌های زندگی، منجر می‌شود که عزت نفس افراد در محیط اجتماع حفظ شود. روایات در این رابطه نشان دهنده آن هستند که بیشترین آسیب‌پذیری انسان از ناحیه خواسته‌های اقتصادی و جنسی اوست برای نمونه امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «ما من عباده افضل عند الله من عفه بطن و فرج» عبادتی نزد خدا بالاتر از خودداری شکم و غریزه جنسی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بیشترین لغزش به سوی آتش را از طریق همین دو میان‌تهی دانسته‌اند، همچنین تلاش برای بالا بردن درآمد خانواده یا حفظ آن موجب صمیمیت و گرمی هر چه بیشتر روابط بین اهل خانه می‌شود. فکر و اندیشه زن در امور اقتصادی خانه می‌تواند نقش مؤثری در اقتصاد جامعه داشته باشد؛ زیرا مسئولیت تربیت فرزندان و اداره امور داخلی خانواده به‌طور معمول بر عهده زن قرار دارد، تعدیل در مصرف، صرفه‌جویی و تولید می‌تواند ارتباط مستقیمی بر اقتصاد جامعه داشته باشد. حضرت رضا علیه السلام در این باره

فرموده‌اند که: «در مصارف مالی درباره خود و عائلهات، معتدل و میانه رو باش.» (فرید تنکابنی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۰۸) همچنین ایشان راهکار حفظ سرمایه را اعتدال و میانه‌روی در مصرف دانسته‌اند، و می‌فرمایند: «نسبت به مصرف مال درباره خود و خانوادهات معتدل و میانه‌رو باش که خداوند می‌فرماید: بندگان شایسته کسانی هستند که به هنگام خرج، اسراف و بخل نوزند.» (بروجردی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۵۶)؛ یعنی، در حد اعتدال خرج کند، و آن را از خصلت‌هایی دانسته‌اند که سبب کمال حقیقی ایمان است، چنان‌که در روایتی از ایشان است که: «هیچ بنده‌ای به کمال حقیقی ایمان نمی‌رسد تا این که سه خصلت در او باشد، الف - دین‌شناسی، ب - برنامه‌ریزی در زندگی ج - شکیبایی بر سختی‌ها و ناملایمات.» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۸۵؛ حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۴) بنابر این منش اعتدالی زنان در خانواده سبب عزت نفس و رسیدن به کمال حقیقی اهل آن خانه است.

رهبر معظم انقلاب نیز در این رابطه فرموده‌اند: زن می‌تواند به کمال واقعی خود برسد؛ ... دور از آن تجمل‌گراییها و دور از پست شدن و حقیرشدن در مقابل مصرف..... باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که شأن زن مسلمان بالاتر از این حرفه‌است که اسیر زر و زیور و جواهر آلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است. (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا، ۲۵/۹/۱۳۷۱: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2645>)

۳.۵. صبر و بردباری

"صبر" در لغت به معنی تاب و طاقت، شکیبای و تحمل آمده است؛ همچنین به تحمل‌کننده و تاب آورنده در برابر سختی‌ها گویند. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل حرف ص؛ معین، ۱۳۷۱، ذیل حرف ص؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۴۴) خویشتن‌داری، رأفت و صلح و آنچه در مقابل آن است، مثل ستیزه‌جویی، خشم و عدم رفاق، بی‌حوصلگی در انجام کار، همه

بستگی به پرورش و صبر و حوصلهء مادران دارد، و همین زمینه را برای پیوندهای انسانی در جامعه فراهم می‌سازد، همچنین مادر به‌عنوان پرورش دهندهء فرزندان با عملکرد صبورانهء خود می‌تواند در سلامت روانی همهء اعضای خانواده و به تبع آن جامعه تأثیر گذار باشد؛ زیرا خانواده اولین نهاد اجتماعی است که انسان، هم از آن تأثیر می‌گیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. ارتباط خوب و دوستانه با مردم فقط با بردباری و مدارا امکان‌پذیر است، و آنچه باعث تداوم دوستی‌ها و ارتباط اجتماعی می‌شود، درست رفتار کردن با مردم است. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْحِلْمِ» حلم و بردباری از نشانه‌های فهم و درک عمیق دین است، (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۶) و در جایی دیگر مدارا با مردم را لازمه رسیدن به درجات بالای ایمان دانسته و آن را از سنت‌ها و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر فرموده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۴۲)

"صبور" به کسی گویند که نیت انجام کار را داشته باشد و به آن اقدام کرده است و با حوصلهء تمام در برابر مشکلاتی که در میانهء راه با آن مواجهه می‌شود مقابله می‌کند؛ به تعبیر دیگر همان استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است. امام رضا علیه السلام دربارهء اهمیت صبر فرموده‌اند: «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا حَتَّىٰ يَكُونَ حَلِيمًا» به هیچ‌کس عابد گفته نمی‌شود مگر این که بردبار باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَان قَلَّ» محبوب‌ترین کارها نزد خداوند کاری است که بنده بر آن مداومت کند هرچند اندک باشد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۷۵) اتمام هر کار نیز به کامل انجام دادن آن است، بی‌حوصلگی هنگام انجام کار سبب پایین آمدن کیفیت کار، ایجاد خطا و مشکلات دیگری که گاه عواقب سختی را در پی خواهد داشت، به هر حال صبر کردن از لوازم اصلی هر کار است. این صفت در مورد هر کس با هر سمتی که دارد، به‌ویژه در مورد زنان در خانواده و برای تربیت فرزندان بسیار کار ساز است، به طوری که نبود آن باعث تباهی فرد و خانواده و حتی جامعه می‌شود؛ زیرا به فرمودهء حضرت علی علیه السلام «الصَّبْرُ خَيْرٌ جَنُودِ الْمُؤْمِنِ» صبر به اندازهء یک لشکر برای مؤمن سودمند است؛ چون نبود صبر؛ در مادر

خانواده؛ یعنی، انجام دادن کار بدون حامی و در نتیجه کار بدون پایان خوب است. بنابراین این به نظر می‌رسد زنان خود ساخته‌ای که دارای ویژگی‌های اخلاقی مناسب هستند بالاخص در سمت مادری می‌توانند با رفتاری سنجیده بر سایر افرادی که در دامان خود می‌پروراند اثرگذار باشند، چنان‌که از آیات و روایات درباره اهمیت برخی از صفات اخلاقی در انسان می‌توان استفاده کرد که ملکه شدن برخی صفات عمده همچون برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، هدفمند بودن در برنامه‌ها، داشتن اراده‌ای راسخ در کارها، اعتدال در منش و رفتار و بردباری، صبر و حوصله می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر سایرین داشته باشد.

۴. تأثیر زن بر اجتماع

سخن از سلامت اجتماعی زنان به معنی سلامت روانی آن‌ها در ارتباط با دیگران می‌باشد. وقتی زنان به قابلیت‌ها و کاستی‌های خویش آگاه باشند، رابطه معقول و منطقی با دیگران می‌توانند برقرار کنند، و انتظاراتی متناسب با امکانات خود خواهند داشت که در بر آوردن آن موفق به برقراری ارتباط انسانی مطلوب با دیگران خواهند شد. از جمله آن کارهایی که زنان با آن خصوصیات اخلاقی‌ای که دارند می‌توانند انجام دهند، امید آفرینی، سپاسگزاری، خوش‌زبانی، همدلی، سازگاری با اطرافیان، چگونگی دوست‌یابی و برقراری ارتباط با دیگران است، تا علاوه بر ارتباط مناسب با خانواده، با اجتماع اطراف خود نیز می‌توانند ارتباطی مناسب برقرار کنند؛ زیرا اجتماع، وابسته به خانواده و تربیت خانواده است. تا زن از سلامت روانی برخوردار نباشد جامعه نیز اصلاح نمی‌شود؛ بنابراین پرورش برخی خصلت‌ها و رفتارهای خوب در زنان تأثیر به‌سزایی در اصلاح خانواده و جامعه خواهد داشت.

۴.۱. سازگاری

سازگاری یا سطح انطباق، به معنی میزان منطبق ساختن رفتار خود (شخص) با انتظارات اطرافیان و جامعه گویند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، مبحث سازگاری) هر زمان فرد

تغییراتی را در رفتار خود به وجود بیاورد تا با محیط زندگی خود هماهنگ و دمساز باشد؛ زیرا مردم از جهت رفتاری با یکدیگر متفاوتند و تنوع خاصی در عملکردشان وجود دارد و برای آن که زندگیشان پایدار و تحمل‌پذیر باشد و بتوانند به نیازهایشان پاسخ دهند، ضروری است از ساز کارهای مدارا و سازگاری آگاه باشند و آن را به موقع به کار گیرند، این خصوصیت در زنان، در استحکام بنیان خانواده و جامعه کارآیی بسیاری دارد. سازگاری بخشی از رفتارهای انطباقی، کنترل خویش و غلبه بر هیجانات است، که با تسلط بر احساسات منفی و مخرب، توانایی سازگاری با دیگران به دست می‌آید. خدا در قرآن به پیامبر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرِزْقَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾ (احزاب: ۲۸) ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم. به نظر می‌رسد آیه هم‌نوایی و سازگاری با همسر را تا جایی که به ارزش‌های الهی آسیب وارد نکند مناسب می‌داند، همچنین آیه با این لحن به نقش بسیار اثرگذار زنان بر همسر و فرزندانشان را گوشزد می‌کند؛ زیرا زنان با روحیه سازگار، موجب رشد و تقویت این روحیه در خانواده و جامعه می‌شوند. اهمیت سازگاری در خانواده به حدی است که امام سجاد در رساله حقوق خویش برای کسی که در خانواده به آدمی بدی کرده است، حقی قرار می‌دهد و آن عفو و گذشت نسبت به اوست. (نراقی، ۱۳۸۵، حق ۴۹) همچنین امام رضا علیه السلام هم مدارا در ارتباطات انسانی را خوی و خصلت نبوی، و از نشانه‌های مؤمن دانسته و فرموده‌اند: شایسته است انسان مؤمن سه نشانه داشته باشد: ۱. نشانی از خدا و آن کتمان سرّ (پوشاندن راز خود) است. ۲. نشانی از رسول خدا و آن مدارا و سازگاری با مردم است. ۳. نشانی از ولی خدا (امام معصوم) و آن صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان حالی است؛ (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۵۸) بنابر این زنان با روحیه سازگاری و گذشت علاوه بر این که موجب ایجاد و تثبیت این صفت در بین اعضای خانواده می‌شوند سبب انتقال آن صفت هنگام ورود اعضای خانواده به اجتماع می‌شوند.

۴.۲. حسن خلق

"خُلُق"، عبارت از حالتی است در نفس، که انسان را دعوت به عمل می‌کند، بدون رویه و فکر، مثلاً کسی که دارای خلق سخاوتمند است، آن خلق او را وادار به جود و انفاق می‌کند، گویی یکی از افعال طبیعی است. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ۴۳۴) "حسن خلق" مفهومی کلی است اما مصداق‌های متعددی دارد، که به نمونه‌ای از آن در روایات اشاره می‌شود. از پیامبر ﷺ نقل شده است که: محبوب‌ترین مردم نزد خدا خوش اخلاق‌ترین آن‌ها می‌باشند، و کسانی از شما که بهترین اخلاق را دارند، متواضعند، با دیگران الفت می‌گیرند و مردم با آن‌ها الفت می‌گیرند، محبوب‌ترین شما نزد خدایند. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۳۳) از امام صادق درباره حسن خلق فرمودند: با مردم به نرمی برخورد کنی و به آن‌ها جا بدهی، پاک و منزه و در کمال ادب سخن بگویی و در مواجهه با برادرانت متبسم و گشاده رویاشی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲؛ بنابر مطالب گفته شده دوست داشتن و حسن خلق امری است که با سعی و تلاش در تمام شئون زندگی می‌توان آن را کسب کرد، و از حالات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند به صورت یک اصل ثابت بر شخصیت فرد و از عوامل پرورش دهنده خانواده شود، مادر به عنوان مدیر خانه و پرورش دهنده کودکان می‌تواند نقش مهمی در رفتار مناسب و خوش خلقی کودکان و تمام اعضای خانواده داشته باشد رعایت این خصلت به خصوص درباره زنان از طرف معصومین بسیار سفارش شده است. به طوری که این همدلی و هم‌زبانی زنان را سبب تأمین بسیاری از این نیازها و آرامش روحی دانسته‌اند، چنان‌که امام رضا فرموده‌اند: «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِساً يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ» بهترین زنان آن‌هایی هستند که خوش‌خو باشند، مداراکننده، در غیاب همسرشان حافظ آبرو و مال او باشند. چنین کسانی کارگزاران خدایند و کارگزار خدا مأیوس نمی‌شود. (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۵۵) با توجه به این روایات ملاحظه می‌شود که حسن خلق به‌ویژه در مورد زنان، نقش بسیار عمیق و فراگیری در تأمین سعادت زندگی زناشویی دارد، و بر تمام شئون زندگی، از قبیل روابط اخلاقی زندگی زن و شوهر و نیز تربیت فرزندان اثر گذار

است. انسان خوش اخلاق همواره می‌تواند دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و محبت آنان را به خود جلب کند، و محیطی آکنده از صلح و دوستی را به وجود آورد. از پیامبر روایت شده که: «لطف و رأفت الهی به زنان، بیشتر از مردان است. حال اگر لطف و محبت کسی شامل حال همسرش شد و اسباب خوش حالی او را فراهم کرد، خداوند به خاطر این کار، در قیامت او را خوش حال می‌کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۶۷) به نظر می‌رسد دلیل این توجه بازخوردی است که از مورد توجه قرار دادن زنان حاصل می‌شود؛ زیرا رفتار خوب با زنان سبب آرامش و خوش رفتاری آنان با فرزندان و همچنین پرورش و تقدیم فرزندان آرام و خوش خلق به جامعه می‌شود.

۴.۳. اظهار مهر

همه‌ه روانشناسان خصلت مهرورزی و رأفت را از خصوصیات وجودی زنان می‌دانند، که با پروراندن آن در خانواده و جامعه می‌توانند بسیاری از مشکلات، کینه‌ها و دشمنی‌های اجتماعی را نیز بر طرف کرد. تربیت بدون اعمال محبت امری غیر ممکن است و اگر هم ممکن باشد به صلاح فرد و جامعه نیست، رفتار نشاط انگیز زمینه‌ای برای دلگرمی و سبب برقراری ارتباط مؤثر و کار آمد در بین مردم است. محبت و تشویق زن در خانه، احساسی شدید به وجود می‌آورد که افراد را به پاکی و درستی می‌کشاند، از نظر روانی ملایمت و مهرورزی، بیشتر قادر بر فرو نشانیدن خشم است، تا ابراز تسلط و خشونت؛ زیرا خشونت و تحکم موجب مقاومت و خطا کاری می‌شود. (ز.ک: قائمی، بی‌تا، ص ۱۸۰) میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از گرایش‌های فطری انسانی است که فرد در هر دوره‌ای از زندگی به آن نیازمند است ارتباط الفتی و محبتی با دیگران در مصادیق گسترده آن، تبلور و شکوفایی این میل فطری است، (فلاح رفیع، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۴۲) از این رو محبت باید در کلیه روابط انسان با دیگران، اساس رابطه باشد تا اهداف تربیتی تحقق یابند، این نوع رابطه بسیار مهم است و تأثیرات تربیتی عمیقی بر انسان‌ها دارد، به همین جهت به فرموده امام صادق: «هل الدین الا المحب» دین جز حب چیز دیگری نیست. (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۳،

ص ۳۹۵) مؤمن بدون آن به هدف غایی و رضوان الهی نمی‌رسد. امام رضا علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی‌شوید، مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی‌شوید، مگر این که یکدیگر را دوست بدارید. آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید. (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۵۷) در نظام تربیتی اسلام محبت ناشی از اشتراک در خدا و رضایت خدا، از همه مهم‌تر و با ارزش‌تر است، و در آموزه‌های تربیتی ائمه علیهم السلام حتی رابطه محبت آمیز ظاهری بین افراد مانند: دست دادن، معانقه، بر آوردن نیازها و مشکلات یکدیگر، رفع غم و اندوه از هم و فراهم سازی زمینه خوش حالی هم دیگر امری ضروری دانسته شده و به آن سفارش شده است. و این‌گونه سفارش می‌کنند: «به زیارت یکدیگر بروید، به یکدیگر محبت کنید و با هم مصافحه کنید... و بر رفع نیازهای مؤمنان و ایجاد کردن خوشحالی برای آنان و رفع ناخوشی‌ها از ایشان، حریص باشید چرا که بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوش حالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۳۴۷)؛ بنابر این آشکار کردن دوستی و محبت هم، به‌ویژه توسط زنان نقش فوق العاده‌ای در تحکیم روابط انسانی و خانواده دارد و همین نشان از خرد و فرهنگ اوست که به طرق مختلفی می‌تواند صورت گیرد. به فرموده رهبری: طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادر! مسألهء مادری، مسألهء همسری، مسألهء خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است.... (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا، ۱۳۷۱/۹/۲۵ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2645>)

۴.۳- ۱. گوش دادن

یکی از متخصصان روان درمانی معتقد است: «مهم‌ترین، مؤثرترین و اساسی‌ترین فن مشاوره و روان درمانی، توجه کردن یا "گوش دادن" است؛ زیرا توجه کردن و گوش دادن مشاور،

برای مراجع به منزله پاداش روانی است. مراجعی که به او توجه می‌شود، اولاً احساس امنیت می‌کند و در مرحله دوم، احساس پذیرش و احترام به خود در او بارور می‌گردد.» (پرز، ۱۳۵۲، ص ۹۴)

زنان می‌توانند طبق آیه قرآن که می‌فرماید: «برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد.» (روم: ۲۱) آرامش روانی مردان را که وابسته به حضور همسرانشان در کنارشان می‌باشد، تأمین نمایند، و این عمل به قدری اهمیت دارد که آن را سبب استمرار نسل بشر دانسته است. روایات نیز یکی از راه‌های آرام شدن را خوب گوش دادن معرفی کرده‌اند؛ بنابراین این زن به عنوان کانون مهربانی و صفا در منزل با استفاده از راهکار خوب گوش دادن همراه با توجه به حرف‌های همسر و فرزندانش و تکریم آن‌ها می‌تواند احساس آرامش، صمیمیت، علاقه و تأیید بیشتری را نسبت به آن‌ها ابراز کند و بدین صورت به سلامت روانی خانواده و به تبع آن جامعه کمک بسیاری کند.

۴.۳-۲. خوش‌زبانی

«خوش‌زبانی» به معنی سخن نیک و پسندیده گفتن است، این خصوصیت اخلاقی از عوامل مؤثر در رفع تنش همسران و ایجاد مهر و محبت در بین آن‌ها می‌باشد. "خوش‌زبانی" بالاخص در زنان موجب استحکام هر چه بیشتر خانواده است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ به مردم نیک بگویید. در روایات معصومین نیز به این مطلب اشاره شده است، چنان‌که حتی در برخی روایات آمده که حق مادری برای زن در صورتی است که زبانی خوش داشته باشد. از امام رضا علیه السلام نقل شده که: «لابأس بالعزل فی سته وجوه... المرأه السلیطه والبدیه» (صدوق، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۷۸) در مواردی عزل منی از رحم باکی نیست... از جمله زنی که زبان دراز و بد زبان است. "خوش‌زبانی" باعث طراوت و شادابی در زندگی است؛ به زندگی روح می‌بخشد و سبب رهایی آن از بی‌معنایی و خمودگی می‌شود. روایت سه چیز را دلیل تیرگی زندگی می‌داند. «ثلاثه تکدر العیش السلطان الحاء ر و

الحجار السوء و المرأه البذیه» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۲۳۴) سه چیز زندگی را تیره و کدر می‌سازد: حاکم ستم پیشه، همسایه بد و زن بد زبان.

«کمتر مردی وجود دارد که تعریف و تمجید زن او را به وجد و شوق نیاورد. وقتی به مردی گفته شود: تو نظیر نداری، تو مردی ممتاز هستی، همین تمجید و تعریف مختصر روحیه او را تقویت می‌کند، تا واقعاً همان شخصیت عالی و ممتاز را تصاحب کند»؛ (کارنگی، ۱۳۷۶، ص ۵۵) بنابراین این خوش‌زبانی زن موجب اعتماد به نفس، اطمینان، انگیزه و شوق در اهل خانه، و به تبع آن در محل کار و سایر ارتباطات اجتماعی مرد خواهد شد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: در دامن پرمهر و پرعطوفت (مادر) و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی (می‌تواند) تربیت کند.... (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا، ۱۳۷۱/۹/۲۵ <https://khl.ink/f/2645> <https://farsi.khamenei.ir>)

۴.۳ - ۳. خوش رویی

در لغت عرب برای معنای "خوش‌رویی" واژه‌هایی همچون «البشاشه»، «وجه منبسط»، «البشر و بشر حسن» به کار رفته است، که همه آن‌ها به معنای «پیراستن چهره از آثار گرفتگی و خشم و آرامش دادن با سرور و فرح» به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۹۵؛ ج ۴، ص ۶۱؛ ج ۱۰، ص ۲۲۹؛ ج ۶، ص ۲۲۶) در روایات معصومین به این موضوع اهمیت بسیاری داده شده است، یکی از سفارش‌های رسول اکرم ﷺ گشاده رویی با برادر دینی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۳) و از حقوق زن بر شوهرش است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴) همچنین روایات، گشاده رویی را علامت ایمان، (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۶) نیمی از عقل، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۶۰) اولین عطیه الهی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۴)؛ و آغاز نیکوکاری (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۳) دانسته‌اند. اگر به سخنان معصومین در این رابطه مراجعه کنیم، مشاهده می‌شود که این عمل پیامدهایی را با خود به همراه دارد، مانند از بین رفتن کینه و دشمنی و ایجاد الفت و صمیمیت در بین مردم

می‌باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «گشاده رویی... باعث دوستی خلق است.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۵۴) و امام باقر علیه السلام فرموده‌اند که: «خوش رویی و گشاده رویی آوردگاه محبت است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۳) «حب» به معنای میل شدید است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۲) به نظر می‌رسد، خوش‌رویی از مهم‌ترین تأکیدات الهی است آثار فردی نیز دارد؛ زیرا فرد با اطاعت امر الهی به خدا نزدیک‌تر می‌شود، و بدین وسیله خیر دنیا و آخرت را به دست خواهد آورد. به علاوه بر پیوندهای اجتماعی و خانوادگی می‌افزاید.

روانشناسان بعد از بررسی‌های بسیاری به این نتیجه دست یافته‌اند که خوش‌رویی به اشکال مختلفی مانند لبخند زدن، سر تکان دادن، تأیید کردن، ارتباط چشمی و حالات چهره ممکن است بروز پیدا کند. (ر. ک: هارجی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰) طبق آیه (روم: ۲۱) زنان مهم‌ترین عامل در آرامش مردان معرفی شده‌اند و این آرامش با خوشرویی، خوش‌زبانی، هم‌دلی، تفاهم و آراستگی زنان در کنار مردان به وجود می‌آید و به تبعیت از ایجاد این آرامش در خانواده، سبب می‌شود تا مردان در اجتماع با روانی آسوده‌تر وارد شوند....

۴.۳-۴. هم‌دلی و هم‌زبانی

هم‌دلی به معنی توانایی افراد برای درک احساسات دیگران و مشارکت در آن می‌باشد. زمانی که انسان در شرایط روحی دشواری قرار می‌گیرد نیازمند یاری دیگران است تا به تعادل روحی برسد، "هم‌دلی" یکی از مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی اثر گذار است که افزون بر کارآمدی آن در کانون خانواده در عرصه‌های ارتباط اجتماعی نیز مؤثر است. یکی از راه‌های "هم‌دلی و هم‌زبانی" که در استحکام بنیان خانواده و جامعه کارآیی دارد، استفاده از عبارت‌های عاطفی و دلنشین است، ابراز علاقه به یکدیگر بالاخص از جانب زن افزون بر این که به فرزندان ادب و نحوه چگونگی سخن گفتن را آموزش می‌دهد، بر رفتار اجتماعی آن‌ها نیز اثر گذار خواهد بود. امام رضا علیه السلام در این رابطه فرموده‌اند: اگر نسبت به کسی محبت دارید، آن را آشکار کنید؛ زیرا اظهار دوستی نیمی از خردمندی است. (امین، بی‌تا،

ج ۴، ص ۱۹) به نظر می‌رسد این که امام اظهار محبت را نیمی از خردمندی دانسته‌اند به جهت اثرات پیوند عاطفی بسیاری است که در این همدلی و التیام بخشی نهفته است. در جهان امروز مهم‌ترین چیزی که آرامش و طمأنینه خانواده و در پی آن جامعه را به هم زده است بی‌بند و باری زنان است. بدون شک یکی از نیازهای انسان، تأمین غریزه جنسی است. اسلام هیچ یک از گرایز انسان را سر کوب نکرده و تنها از طریق شرعی اجازه رسیدگی و توجه به آن را داده است و این به نفع خود انسان است. برخی معتقدند که در میان گرایز انسان، اشباع هیچ غریزه‌ای به جز غریزه جنسی، در معنویت انسان تأثیری ندارد. (مطهری، بی‌تا، ص ۳۹۷) واضح است که عدم توجه و عدم همدلی و هم‌زبانی علاوه بر مشکلات خانوادگی، پیامدهای جبران‌ناپذیر اجتماعی همچون فساد و فحشا و رواج بسیاری اعمال غیر انسانی و شرعی دیگر نیز خواهد بود.

۴.۳-۵. سپاسگزاری

«تشکر» به معنای اظهار تقدیر و تجلیل در برابر نعمت ظاهری یا معنوی است که از سوی منعم به فرد می‌رسد. اظهار تقدیر شامل اظهار زبانی و عملی می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۹۹) ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾ (نساء: ۱۴۷) اگر سپاسگزار باشید نعمت بر شما فراوان نازل می‌شود و چنانچه ناسپاسی کنید، عذاب خدا شدید است. سپاسگزاری همسران از یکدیگر عامل بسیار مؤثر در حفظ و بقای نظام خانواده به شمار می‌رود. این عامل علاوه بر آن که زمینه سازگاری همسران را فراهم می‌کند، سبب سایه افکندن آرامش بر خانواده می‌شود. این عمل مخصوصاً از جانب زنان تأثیری بسیار عظیم بر روح همسر باقی می‌گذارد؛ زیرا بنا به فرموده حضرت علی علیه السلام: «الشکر ترجمان النیة و لسان الطویة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۲) شکرگزاری، بازگو کننده نیت و زبان درون است؛ بنابراین این سپاسگزاری از عملکرد شوهر می‌تواند نقش مؤثری در تحکیم بنیاد خانواده داشته باشد؛ زیرا موجب تشویق هر چه بیشتر همسر برای فعالیت و عملکرد بهتر او، محبت بیشتر بین اعضای خانواده و آموزش فرزندان در امر سپاسگزاری در خانه و

اجتماع دارد. امام صادق علیه السلام در این رابطه فرموده‌اند: «خیر نسائکم التی ان أعطیت شکر و ان منعت رضیت» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۶۱) بهترین زنان شما زنی است که اگر به او عطا شود، مراتب سپاس را به جا آورد و اگر چیزی از او دریغ شود، راضی باشد. و یا در کلامی دیگر از حضرت علی علیه السلام رسیده است که هنگامی که می‌خواهید ازدواج کنید، از خداوند متعال تقاضای همسری کنید که دارای این خصوصیات باشد: همسری که صالح، زایا، پر سپاس، قانع و غیرتمند باشد که اگر به او نیکی کردید سپاسگزار باشد؛ (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۸۶) این روایات به نقش سپاسگزاری مؤثر زن در خانواده که سبب دلگرمی و تلاش بیشتر مرد در کار و فعالیت‌های اجتماعی او و به تبع اجتماع می‌شود، اشاره می‌کنند.

نتیجه‌گیری

خداوند حکیم، زن را کانون مودت و رحمت قرار داده است و آرامش خانوادگی حاصل نمی‌شود مگر با حضور زنانی که با لطافت روحی خود می‌توانند بر سایر آحاد جامعه اثر گذار باشند. اعتبار شخصیت فردی زن به اعتبار علم، دانش، زبان و فرهنگ او است، که با تدبیر و برنامه‌ریزی، میانه روی، اراده، صبر و بردباری و در نظر داشتن هدف در کارها می‌تواند بر سایر اعضای خانواده اثر گذار باشد و مقصود از سلامت اجتماعی زنان به معنی سلامت روانی آن‌ها در ارتباط با دیگران می‌باشد؛ اظهار عشق و محبت به همسر و فرزندان و اثبات علاقه حقیقی در گفتار خود با خوش‌زبانی به همراه تشکر و سپاسگزاری و در رفتار و عملکرد خود با خوب گوش دادن، خوش‌رویی و ابراز محبت از خصوصیات زنان است که در اسلام به آن تأکید شده است. جود و محبت زنان در زندگی و ابراز آن، نقش معجزه آسایی در استحکام پیوند خانواده و به تبع آن اجتماع دارد؛ بنابراین پرورش برخی خصلت‌ها و رفتارهای خوب در زنان تأثیر به‌سزایی در اصلاح خانواده و جامعه خواهد داشت، همچنین با توجه به این که در زمان حساسی از دوران انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته‌ایم که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب هستیم، این پژوهش با

استفاده از آیات و روایات به نقش اساسی زنان به صورت فردی اجتماعی در خانواده و به تبع آن جامعه پرداخته است و به این نتایج دست یافته که زنان با توجه به ویژگی‌های رفتاری و جایگاهی که در خانواده دارند چگونه می‌توانند در موقعیت کنونی بر سایر اعضای خانواده اثرگذار باشند تا جامعه ما به انحطاط کشیده نشود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، نرم افزار جامع التفاسیر نور، مکارم شیرازی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، لبنان: دار صادر.
۳. امین، سید محسن، ۱۳۰۴، اعیان الشیعه، حسن الامین، بیروت: دارالتعارف.
۴. پرز، جوزف، ۱۳۵۲، مشاوره، مترجم: ابراهیم ثنائی، تهران: مطبوعاتی عطایی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۷. _____، اشاره به تخریب مسجد ببری به وسیله هندوهای متعصب در تاریخ: ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۸. _____، بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.
۹. _____، بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۱۰. _____، بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۱۱. حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۳. خدمتی، ابوبال و دیگران، ۱۳۸۲، مدیریت علوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۴. خمینی، روح الله، ۱۳۷۱، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۱۵. دوسن لوران، ریموند، ۱۳۷۰، چاره کمروبی، قدرت اراده، دقت، مترجم: محمد حسین سروری، تهران: غزالی.
۱۶. دهخدا؛ علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، المردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
۱۸. رشید پور، مجید، ۱۳۸۲، چگونه باید بود، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۱۹. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
۲۰. سالاریفر، محمدرضا، ۱۳۷۸، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. سلیمی نیکنام، بابک، ۱۳۷۸، منبع کلمات بزرگان: بهترین سخنان پند آموز بزرگان، بی جا، سما.
۲۲. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵، روانشناسی رشد بزرگسالان در فراخنای زندگی، تهران: دنیای پژوهش.

۲۳. عطاردی، عزیزالله، ۱۴۰۶، مسند الامام رضا، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. عمید، حسن، ۱۳۸۹؛ ۱۳۵۸، فرهنگ فارسی عمید، تهران: پارمیس.
۲۵. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، ۱۳۷۸، عیون الاخبار الرضا، بی جا، جهان؛ ۱۳۶۴، تهران: کتابفروشی اسلامی، .
۲۶. طاهری، حبیب الله، ۱۳۸۱، سیری در مسائل خانواده، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۷. طبرسی، حسن، ۱۴۱۲، تفسیر مجمع البیان، قم: رضی.
۲۸. فرید تنکابی، مرتضی، ۱۳۷۳، الحدیث «روایات تربیتی»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. فلاح رفیع، علی، ۱۳۹۱، «روش شناسی الگو در انتقال ارزش ها»، قم: دو فصل نامه اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۳، ص ۹۴-۷۱.
۳۰. قائمی امیری، علی، بی تا، نقش مادر در تربیت، قم: دارالتبلیغ.
۳۱. کارنگی، دوروتی با همکاری دیل کارنگی، ۱۳۷۶، آیین همسراری، مترجم: مهستی شهبایی، تهران: نقش و نگار.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷؛ ۱۳۶۵، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۱.
۳۴. گنجی، حمزه، ۱۳۷۹، بهداشت روانی، بی جا، روان.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۶، ۱۳۹۱، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی؛ ۱۴۰۴ق، مؤسسه الوفاء.
۳۶. محمدی، جمشید، ۱۳۹۰، نقش علائم اختلالات روانی و رضایت از زندگی والدین در تبیین اختلالات روانی دانش آموزان (پایان نامه ارشد) دانشگاه تهران.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، میزان الحکمه، قم: داراحیث.
۳۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، فلسفه تاریخ، قم: صدرا.
۴۰. _____، بی تا، مجموعه آثار، بی جا.
۴۱. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کتیر.
۴۲. موسوی لاری، سید مجتبی، ۱۳۷۶، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۳. نراقی، علی محمد، ۱۳۸۵، شرح رسالهء حقوق امام سجاد علیه السلام، قم: انتشارات مهدی نراقی.
۴۴. نوربالا، احمدعلی، ۱۳۹۰، سلامت روانی - اجتماعی و راهکارهای بهبود آن. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۷ (۲).
۴۵. نوری، حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
۴۶. واژه نامه متمم، «مولفه ها و شاخص های سلامت کدامند؟»: <https://motamem.org>
۴۷. هارچی، اون، ۱۳۷۷، مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، مترجم: خشایار بیگی و..، تهران: رشد.

مسئولیت‌ها و حقوق زن در خانواده از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

زینب خسروی نیا (نویسنده مسئول)^۱
نجمه نظری رباطی^۲

چکیده

حقوق و مسئولیت‌های زن یکی از مباحث مهم و لازم‌الاجرا در حوزه خانواده است که برای رشد و اعتلای زن ضروری بوده و در چارچوب آن، مسئولیت‌های خانواده شکل می‌گیرد. هدف از این پژوهش اطلاع بخشی به زنان نسبت به حقوق خود در برابر مسئولیت‌ها بوده تا از مشکلات موجود پیشگیری شده از پایداری شدن حقوق وی جلوگیری شود در نتیجه جامعه از فساد و بی‌عدالتی ناشی از آن مصون بماند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که حقوق خانوادگی زن، در بُعد مادی شامل حق نفقه، حق تحصیل، حق اشتغال و در بُعد معنوی، شامل حق عزت و کرامت، حق تأمین نیازها و معاشرت نیکو است. مسئولیت زنان نیز در حوزه خانواده، در زمینه همسری شامل محبت، خوش رفتاری، حفظ

۱. طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم، رشته تفسیر تطبیقی yaemamreza@vatanmail.ir

۲. طلبه سطح ۳ مؤسسه آموزش عالی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، رشته تفسیر و علوم قرآنی.

Najme.nazari@vatanmail.ir

آرامش و تأمین سلامت روان همسراسر است و مسئولیت مادری او، تربیت فرزند و مدیریت خانه را در بر می‌گیرد. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی داده پردازی و به روش کتابخانه‌ای داده‌آوری شده است.

کلیدواژگان: حقوق زن، مسئولیت زن، خانواده، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقدمه

حقوق و مسئولیت‌های زن یکی از لوازم ضروری روابط اجتماعی او است که منشأ و مبدأ پیدایش آن، اراده تشریعی خداوند است و بر اساس ویژگی‌های زن تعریف می‌شود. برخورداری زن از حقوق و مسئولیت برجسته‌ترین مصداق تحول در تمدن نوین است. اهمیت تحقیق در این موضوع زمانی مشخص می‌شود که به دلیل عدم آگاهی زنان نسبت به مسئولیت خود در خانواده منجر به بی‌احترامی، بر خورد نامناسب، سرد شدن روابط بین همسران و تربیت ناصحیح فرزندان شده، گاه نیز منجر به طلاق و پایمال شدن حقوق وی می‌شود. این مشکلات به جامعه سرایت کرده، باعث فساد و بی‌عدالتی می‌شود و مانعی در مسیر رسیدن به تمدن نوین ایجاد می‌کند. لذا با توجه به چشم‌انداز پیش رو که در بیانیه گام دوم تبیین شده، ضروری است پژوهشی در این زمینه صورت گیرد. این موضوع از جهت گره خوردن به بیانیه گام دوم نو می‌باشد. هدف از این پژوهش اطلاع بخشی به زنان نسبت به حقوق خود در برابر مسئولیت‌ها بوده تا از مشکلات موجود پیشگیری شده، خانواده و جامعه به وضعیت مطلوب تمدن نوین نزدیک شود در نتیجه زمینه ساز ظهور خورشید عظمای ولایت باشد. در این زمینه تحقیقات متعددی صورت گرفته از جمله کتاب نقش و رسالت زن نوشته امیرحسین بانکی‌پور فرد که پیرامون مسئولیت تدوین شده، همچنین کتاب جایگاه، حقوق و مسئولیت‌های زنان در دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران که اکرم حسینی مجرد آن را گردآوری و تنظیم کرده است که هیچ کدام از این کتب با توجه به بیانیه تدوین نشده، ولی تحقیق حاضر با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تدوین شده است. مقاله پیش رو به حقوق و مسئولیت‌های زن، به شیوه توصیفی، داده‌پردازی و به روش کتابخانه‌ای داده‌آوری شده است.

مفهوم‌شناسی

۱.۱. مفهوم لغوی مسئولیت: مصدر صناعتی یا جعلی از مسئول به معنای ضمانت، ضمان، تعهد و مؤاخذه، همچنین به معنای مسئول بودن و مؤظف بودن به انجام امری

است. (دهخدا، ۱۹۳۱، ج ۴۴۸، ص ۴۴) در قاموس نیز مراد از سؤال مسئولیت در مقابل وظیفه و مؤاخذه است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۰۱)

۲.۱. مفهوم اصطلاحی مسئولیت: در اصطلاح حقوقی، تعهد قهری یا اختیاری شخص در مقابل دیگری است (خواه مالی می‌باشد خواه غیر مالی). (دهخدا، ۱۹۳۱، ج ۴۴۸، ص ۴۴)

۳.۱. مفهوم لغوی حقوق: حَقّ: ثابت. ضدّ باطل. راغب گوید: اصل حَقّ به معنی مطابقت و موافقت است. در قاموس ضدّ باطل، صدق، وجود ثابت و غیره گفته است. در مجمع ذیل آیه ۷ از سوره انفال گوید: حَقّ آن است که شیء در موقع خود واقع شود. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص: ۱۵)

به راستی‌ها و درستی‌ها وظایف و تکالیف در فارسی به معنای دستمزد، مجموعه قوانین و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است، حقوق گفته می‌شود. (معین، ۱۳۸۷، ص ۴۶۷)

۴.۱. مفهوم اصطلاحی حقوق: حقوق در اصطلاح به سلطه و توانایی و امتیازی گفته می‌شود که از سوی خداوند متعال برای برقراری نظم، قسط و عدل در جامعه بشری تدوین شده است تا سعادت جامعه را تأمین سازد.

۵.۱. مفهوم لغوی زن: انسان ماده، همسر، مادینه انسان، نقیض من (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۶۵)

۶.۱. مفهوم اصطلاحی حقوق زن: حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی در تمامی سنین دارد ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی و یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشود. دلیل گروه‌بندی خاص این گروه تحت عنوان زن و جداکردن آن از حقوق عام‌تری مثل حقوق بشر بنا بر تئوری این حقوق در بدو زاده شدن برای تمام بشر به رسمیت شناخته می‌شوند. به‌طور کلی حقوق زن عبارت است از امتیازات که برای زن بالغ و نابالغ در حدود احکام قانون و شریعت به رسمیت شناخته شده است.

(حیدری فرد، ص ۱۰)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «زن آن بخش زیبایی آفرینش است. این بخش زیبا به طور طبیعی با اندکی در پرده بودن همراه است؛ این خاصیت این بخش زیبا و لطیف وجود انسانی است. این پرده را دریدن و آنچه را که باید با نظم و قانون پیگیری شود - آن نیاز غریزی انسانی، چه در زن و چه در مرد - بی‌قانونی و بی‌نظم در جامعه رواج دادن، بزرگ‌ترین خیانتی است که در درجه بعد به همه بشریت - زن و مرد - انجام گرفته؛ این کار را سیاست‌های غربی کرده‌اند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳/۴/۱۳۸۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390>)

۷.۱. معنای لغوی خانواده

خانواده در زبان عربی این‌گونه معنا شده است:

أسرة الرجل: من يتقوى به؛ خانواده که وسیله نیرومندی و تقویت مرد است و أسرة الرجل یعنی خانواده مرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ص ۷۶)

۸.۱. معنای اصطلاحی خانواده

مقام معظم رهبری خانواده را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«خانواده یعنی کانونی که برای مرد و زن و به‌خصوص برای زن محیط امن و آرامش است.» (بانکی پورفرد، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۶۱)

۲. مسئولیت‌های زن در خانواده از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله) و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

نگاه مقام معظم رهبری به زن نگاه به انسانی قدرتمند و دارای حقوق است که در برابر این حقوق در جنبه‌های اجتماعی و خانوادگی مسئولیت‌هایی دارد. جایگاه فردی زنان در دیدگاه ایشان، مطابق نگاه اسلام، جایگاهی الهی و انسانی است و

در این بعد هیچ تفاوتی با مردان ندارند. از منظر رهبر بزرگوار جمهوری اسلامی ایران «تربیت معنوی و تهذیب اخلاقی مبنای همه کمالات انسانی است و زنان باید در این زمینه هدایت و حمایت شوند. از سوی دیگر این که زن نباید به هیچ وجه مورد استفاده ابزاری قرار گیرد و ملعبه دست مردان شوند.»

خداوند اساس تربیت و اصلاح جامعه را در دامن زنان قرار داده به همین دلیل در مکتب تربیتی اسلام تکامل زنان، بهره‌مندی از عدالت، حفظ اصالت و ارزشهای زنانه، امنیت و امکان بروز استعدادها به‌عنوان حقوق خانوادگی و حفظ آرامش، تأمین سلامت روان همسر، محبت و خوش‌رفتاری، تربیت فرزند و مدیریت خانه به‌عنوان مسئولیت‌های زنان در خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱.۲. مسئولیت همسری

اخلاق خوب یک زن کدبانو در منزل، نقش بسزایی در صمیمیت و آرامش زندگی دارد. با شناخت نیازهای اخلاقی شوهر، آرامش بیشتری در خانه ایجاد می‌شود. یک زن برای جلوگیری از هرج و مرج در زندگی مشترک، سعی می‌کند بین اعضای خانواده هماهنگی‌های لازم را ایجاد کند. مقام معظم رهبری پیرامون مسئله همسری به مانند مسئله مادری و مسئله خانه و خانواده که مسئله بسیار اساسی و حیاتی است، می‌فرمایند: «اگر شما زنان بزرگ‌ترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید چنان که زن خانه نباشید این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما هستید، اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم باید به ملکه زنبور عسل تشبیه کنیم». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۷۰/۱۰/۰۴ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2536>)

اطاعت از همسر به معنای این نیست که زن هیچ اختیار و حق نظری ندارد، بلکه زن و مرد باید همدل یکدیگر باشند. یک زن کدبانو نقاط ضعف و قوت خویش را می‌شناسد و درصدد تقویت نقاط قوت خویش است، سپس احساس خوشبختی و رضایت کرده، این

احساس را به اعضای خانواده منتقل می‌کند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «مرد قوام است و زن ریحان. اسلام مرد را قوام و زن را ریحان می‌داند این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه درست دیدن طبیعت آن‌ها است. ترازوی آن‌ها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا عامل آرامش و معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. (امام خامنه‌ای، حقوق متقابل زن و شوهر، <https://farsi.khamenei.ir/f/21431> // khl.ink/f/21431) پس زن می‌تواند با مدیریت همسررداری قوی سطح توقعات و ایده‌آل‌های خود را تعیین کند و از بروز مشکلات و مسائل در زندگی جلوگیری کند.

در زندگی زناشویی احترام متقابل، رعایت حقوق همدیگر و تفاهم استمرار و تحکیم در بین هر کدام از زوجین موجب صمیمیت و رفع مشکلات خانوادگی می‌شود و در صورتی که هر کدام از آن‌ها به وظایف خود آگاه نباشند مشکلات بسیاری در زندگی مشترک به وجود خواهد آمد و برطرف کردن نیازهای عاطفی زن و شوهر یکی از نکات مهم در حفظ و تداوم زندگی مشترک است. از مهم‌ترین نیازهای عاطفی مردان حفظ احترام آن‌ها در خانه است، این که بدانند در منزل مورد علاقه و احترام اعضای دیگر خانواده هستند برای مردان بسیار مهم است. زن با رفتار و کردار خود این احساس خوشبختی و احترام را در فرزندان نیز نسبت به پدر خانواده ایجاد می‌کند. یک مرد دوست دارد که در خانواده مورد اعتماد باشد و این از مسئولیت‌های زن است.

۱.۲- ۱. محبت و خوش رفتاری

پروردگار متعال رحمت و مؤدت را به عنوان رکن اساسی در روابط زن و شوهر قرار داده است. یک خانواده سالم، پویا و بانشاط فقط با حاکمیت محبت میان همسران و فرزندان امکان‌پذیر است. اگر تمام عوامل استحکام یک خانواده فراهم باشد اما حاکمیت همدلی و

محبت بین زن و شوهر وجود نداشته باشد یا سست باشد، استحکام خانواده از دست خواهد رفت.

علاوه بر مهرورزی و سازش میان زن و شوهر، رعایت حقوق همسران در خانواده نیز از جمله وظایف مهم همسران و البته حقوق آنان است. «وقتی که عائله (خانواده) تشکیل می‌شود، در داخل عائله از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید، زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده بسیار دقیق و ظریف است... و کسی به کسی حق ظلم کردن، زورگفتن و استخدام کردن را ندارد... بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه کارهای مربوط به آن‌ها را انجام بدهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا اینطور عمل کند که گویا وظیفه زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام بدهد، چنین چیزی در اسلام وجود ندارد».

(خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ <https://khl.ink/f/>) <https://farsi.khamenei.ir> ۷۲۸۴

است که مشاغل بزرگ و پرسروصدا ندارد، مشکل زن این نیست. حتی آن زنی که شغل بزرگی هم دارد، همان زن هم به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان، با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی که شوهر و مرد اوست، احتیاج دارد. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است، باید این نیاز برآورده شود». (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰ <https://khl.ink/f/2859//farsi.khamenei.ir>)

۱.۲-۲. حفظ آرامش و تأمین سلامت روان همسر

از جمله مسئولیت زن در خانه، ایجاد محیطی امن و آرام و مناسب رشد و تکامل است؛ به این دلیل تنها داشتن امکانات و ابزار رفاه مادی تأمین‌کننده این نیاز نیست. چه

بسا زنانی که با داشتن بهترین امکانات مادی در محیط خانه احساس ناامنی و رکود دارند و برعکس بانوانی با ابتدایی‌ترین ابزار زندگی در کنار همسری همراه و همدل، احساس خوشبختی می‌کنند و آرامش در محیط خانواده را با عشق‌ورزی و تأمین سلامت روان همسر و فرزندان خود ماندگار می‌سازند. از این رو مقام معظم رهبری در این باره، این گونه می‌فرمایند: «مهم‌ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله بعدی بسیار جالب و زیباست.» مقام معظم رهبری با اسناد به آیه شریفه ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾. رابطه همسران را رابطه‌ای مبتنی بر مؤدت و رحمت، دوستی و مهربانی و سرشار از عشق‌ورزی می‌دانند. ایشان عشق‌ورزیدن همراه با خشونت و مهربانی بدون محبت را مقبول نمی‌دانند. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2859> // به نظر مقام معظم رهبری مسئله اصلی، مسئله خانه و خانواده است. امنیت و خانه‌داری، درس خواندن، زن در محیط خانواده؛ فرصتی برای بروز استعدادها اوست. زنانی که اهل این کارها باشند میدان برایشان فراهم است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/26155> // درباره حفظ آرامش زن و تأمین نیاز همسر رهبر انقلاب این گونه می‌فرمایند که: «زن در خانه مایه آرامش است؛ مایه آرامش مرد و مایه آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی‌تواند کدبانو باشد؛ نمی‌تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی‌که زن، مدیر خانواده است این مسئله اصلی است. این یکی از اصلی‌ترین مسائل حفظ آرامش است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/26155> //

۲.۲. مستولیت مادری

مقام مادری موهبتی الهی است که این مقام در قرآن کریم و کلام اولیاء الهی همواره مورد توجه خاص قرار گرفته شده است. تا جایی که رضایت مادر موجب رضایت پروردگار متعال قلمداد شده است.

در این زمینه مقام معظم رهبری به این بحث پرداختند که: « مسئله مادری، مسئله همسری، مسئله خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه طرحهایی که ما داریم، بایستی خانواده مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگ‌ترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنان‌که زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه، شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. » (امام خامنه‌ای، بیان در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3390>)

«مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3298>)

۲.۲.۱- تربیت فرزند

بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. مادرانی که فرزند خود را از موهبت الهی محروم می‌کنند، دچار اشتباه هستند؛ که هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند؛ که اسلام به هیچ مسلمانی این‌گونه رفتاری را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم

زنان، تربیت صحیح فرزند، با عواطف، با همدلی و رعایت دقت است تا زمانی که فرزند بزرگ شود از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری برای اجتماع تربیت شده باشد.

در این باره مقام معظم رهبری این‌گونه می‌فرمایند: «از جمله وظایفی که برعهده زنان در داخل خانه و خانواده است، مسئله الیتهای خارج از خانواده، از آوردن فرزند، تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فقر استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه در آغوش مهر و به وجود آن‌ها هم نیست، عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. از جمله وظایفی که برعهده زنان در داخل خانه و خانواده است، مسئله تربیت فرزند است». (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۷۲۸۴)

الگوی مادران پاک‌دامن در تربیت فرزندان خود که از سیره اهل بیت (علیها السلام) و مخصوصاً حضرت زهرا (سلام الله علیها) است و در دامن چنین مادرانی شهید سردار قاسم سلیمانی پرورش یافته است.

در این زمینه مقام معظم رهبری به این مورد اشاره کردند: «مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار، گفتار، عاطفه، نوازش، با زندگی کردن است. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد؛ بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود. تربیت فرزند یکی از موارد مسئولیت مادری می‌باشد».

۲.۲-۲. مدیریت خانه

مدیریت یعنی به وجود آوردن و حفظ کردن محیطی است که در آن افراد بتوانند در جهت برآوردن هدف‌های معینی به‌طور مؤثر و کارآمد فعالیت کنند. یک زن مدیر در

خانواده می‌تواند استعداد های فرزندان و همچنین همسر خود را کشف کند و به سمت اهداف الهی تنظیم و هدایت کند.

شوهرداری، خانه‌داری و مادری سه وظیفه اصلی زن در خانواده است. اگرچه اسلام مدیریت خانواده را بر مرد واگذار کرده است، ولی نباید نقش مدیریتی زن را در ایفای وظایف یاد شده نادیده گرفت آنچه یک زن نمونه را در ایفای وظایف خود در خانه و خانواده موفق می‌کند، به کارگیری اصول و شیوه‌های مدیریت اسلامی در شوهرداری، خانه‌داری و تربیت فرزند است. از این رو موفقیت مرد در مدیریت خانواده نیز تا حد زیادی به معاونت و همکاری زن وابسته است؛ بنابراین می‌توان گفت که هرکدام از مرد و زن در حوزه خانواده بهره‌ای از مدیریت دارند. از این رو نقش زن در مدیریت خانه و خانواده اگر بیشتر از مرد نباشد کمتر نیست.

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَأَلْمِزَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ مرد سرپرست و نگهبان اعضای خانواده خویش و در برابر آنان مسئول است و زن سرپرست و نگهبان خانه، شوهر و فرزندان است درباره آن‌ها بازخواست می‌شود.

اگرچه زن از نظر شرعی و قانونی وظیفه‌ای در تربیت فرزندان ندارد چنان‌که مؤظف به امور خانه‌داری هم نیست ولیکن زنان مسلمان این مسئله را وظیفه اخلاقی خود می‌دانند برای این که زن در انجام بهتر این وظیفه توفیق بیشتری بیابد باید مشارکت همسر خود را بطلبد تا فرزندان صالح تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند.

اداره امور اقتصادی، اداره امور اخلاقی در خصوص همسر و فرزند، آموزگار درس انسانیت و اخلاق و تقوا و پاکی، حفظ محیط خانواده از نفوذ عوامل فساد و بالاخره مدیریت حیات داخلی خانه و خانواده بر عهده زن است.

در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «مردم به زن خانه‌دار به چشم زن بی‌کار نگاه می‌کنند؛ درحالی‌که کاری که زن خانه‌دار می‌کند، از کار بیشتر مردهایی که بیرون از خانه

کار می‌کنند سخت‌تر است؛ چون رئیس داخل خانه، خانم است. مدیریت خانه فقط پخت و پز نیست.»

۳. حقوق خانوادگی زن از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۱.۳. حقوق مادی

یکی از حقوقی که به زن تعلق دارد و باید آن را ادا کرد حقوق مادی است که می‌توان به حق نفقه، حق تحصیل و حق اشتغال اشاره کرد که در این بخش به آن پرداخته می‌شود:

۱.۳-۱. حق نفقه

زمانی که نکاح به طور صحیح بین زوجین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار شود حق نفقه جاری می‌شود. نفقه به دو شرط بین زوجین واجب می‌شود. اول این که عقد دائم باشد و این که تمکین کامل زوجه و در صورتی که زن از تمکین خودداری کند. ناشزه محسوب می‌شود و هیچ نفقه به او تعلق نمی‌گیرد و هرگاه به تشدید مبانی خانواده و حسن بر خورد از همسر اهتمام کند نفقه وی نیز، دوباره برقرار خواهد شد.

عدم حسن معاشرت در روابط زوجین و خروج از این مرز تغییر آن به سمت سوء معاشرت زوجه را مصداق نشوز قرار می‌دهد و در چنین موضعی، نفقه او ساقط می‌شود. نفقه بر سه نوع قید شده که یکی از موارد آن نفقه به زن است که شامل مسکن و پوشاک، خوراک و اثاث خانه در حدود مناسب عرفی با وضع زوج و خادم در صورت عادت زوجه به داشتن خادم یا حاجت او به واسطه ناخوشی یا نقص عضوی.

چنان‌که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «امام صادق طبق روایت فرمود: «بروند با این حکام فاسد بجنگند و مبارزه کنند» و «علی نفقه عیاله» من عهده دار نفقه عیال آن‌ها می‌شوم.» (امام خامنه‌ای، پیامات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۲/۱۰/۲۶ <https://khl.ink/f/2699> <https://farsi.khamenei.ir>)

بنابراین طبق بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) حق نفقه به قدری مهم و حائز اهمیت در زندگی مشترک است که با وجود جنگ و جهاد و نبودن زوج ساقط نمی‌شود و باید حق آن ادا شود.

چند نفر از اصحاب ما روایت کرده‌اند، از احمد بن محمد برقی و علی بن ابراهیم، از پدرش و هر دو، از قاسم بن محمد اصبهانی، از سلیمان بن داود منقری، از سفیان بن عیینه، از امام جعفر صادق علیه‌السلام که: «پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود که: من به هر مؤمنی از نفس خودش سزاوارترم و علی علیه‌السلام به هر مؤمنی بعد از من سزاوارتر است.» پس به حضرت صادق علیه‌السلام عرض شد که: معنی این کلام چیست؟ فرمود که: «گفته پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است که هر که قرضی، یا عیالی را واگذارد، بر من است که آن قرض را ادا کنم و آن عیال را نفقه دهم و هر که مالی را واگذارد، از برای وارث‌های اوست. پس مرد چون او را مالی نباشد، او را بر خود ولایت و اختیاری نیست و او را بر عیالش امر و نهی نیست، هرگاه نفقه را بر ایشان جاری نسازد و پیغمبر و امیرالمؤمنین و هر که بعد از ایشان است از ائمه، خدا این امر را به گردن ایشان گذاشته و از این جا به همه مؤمنان از خود ایشان سزاوارتر شدند و سبب اسلام آوردن بیشتر جهودان نبود، مگر بعد از صدور این قول از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن که ایشان بر نفس خود و بر عیال خود ایمن شدند». (اردکانی، ۱۳۸۸، ج ۲ / ۳۹۱ / ۱۰۴) باب در بیان آنچه واجب است از حق امام بر رعیت و حق رعیت بر امام علیه‌السلام ... (ص: ۳۸۷) و صفوان از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده است که گفت: از امام ابوالحسن علیه‌السلام درباره مردی سؤال کردم که به فردی انفاق می‌کند که از افراد عائله‌اش نیست، ولی نفقه و کسوه او را برعهده خود گرفته است، در این صورت آیا زکات فطره آن فرد به او تعلق می‌گیرد؟ امام فرمود: نه. زیرا تنها فطره عیال او بر ذمه او است و عیال شخص: اولاد و برده، همسر و امّ ولد او است. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲ / ۵۳۷ / ۵۳۰)

سکونی از حضرت صادق از پدرش علیه‌السلام روایت کرده که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است: هر بانویی که بدون إذن همسرش از منزل بیرون رود نفقه و مخارج او با شوهر

نیست تا زمانی که باز گردد. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۵ / ۸۷ / ص: ۸۴)

و دیگر آیت **﴿وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقْسِيَةَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾** یعنی بشارت ده، ای محمد فروتنان را آنانی که هر گاه یاد کرده شود خدای تعالی به بزرگی نزد ایشان بترسد دل‌های ایشان از هول آن سرای و صبرکنندگان را بر آنچه بدیشان رسیده و می‌رسد از تکالیف و محن و بیای دارندگان نماز را و اداکنندگان در اوقات آن و آنچه عطا داده‌ایم ایشان را نفقه می‌کنند در وجوه خیر و صرف می‌نمایند به مصارف پسندیده آن حضرت فرمود از ایشان است علی و سلمان. (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۴۳۹، ص ۴۱۲)

خلاصه کلام ملک علام - و الله يعلم - آن‌که: «هر که مال نفقه کرد و جزای آن را تصدیق نمود، پس زود باشد که آسانی دهیم وی را از برای طریقه نیکو که سبب آسانی و راحت باشد، یعنی عملی که او را به بهشت رساند». (بهای، بی‌تا، ص: ۱۸)

۱.۳-۲. حق تحصیل

حق تحصیل از حقوق اولیه بشری است که گذشته از زمان، مکان، جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت می‌بایست در مورد تمام اشخاصی که متولد می‌شوند و تا زمانی که می‌میرند ادامه یابد.

حقوق تحصیل زنان در ایران از گذشته‌های دور، دست خوش تبعیض‌های غیر منصفانه بوده به حدی که ابتدائی و حتی خروج از منزل محروم می‌کردند؛ اما به تناسب تکنولوژی و شناسایی حقوق اولیه بشر توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر و احترام حکومت‌ها به این حقوق اولیه انسانی، موجبی بر این شد که درهای تحصیلات بر روی زنان باز شود. به حدی که در حال حاضر زنان دوشادوش مردان در فعالیت‌های اقتصادی جامعه نقشی پررنگ دارند. ممکن است هم چنان فرهنگ غلط و تبعیض آمیز نگاه غالب و مغلوب بر زن در کشورهای در حال توسعه بالاخص جهان سوم وجود داشته باشد و هم چنان از برخی از حقوق بنیادین بشریت محروم مانده باشند.

اساساً اسلام بر این اعتقاد است که برابری ارزش‌های انسانی در عالی‌ترین چهره خود در میان همه انسان‌ها نمایان شده است تا حدی که آن را یکی از عقاید اساسی تمام مسلمانان قرار داده است و وجه تمایز انسان‌ها را نه به صرف ماهیت انسانی از قبیل مرد یا زن بودن، بلکه معیار شایستگی‌ها و سطوح مختلف رفتارها و کردارها که برای تکامل انسانیت و جامعه بشری ضروری است، قرار داده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ ای مردم، همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و در نزد خداوند گرامی‌ترین شما، پرهیزگارترین شماست. همانا خداوند دانای آگاه است. (حجرات: ۱۳)

شما همگی از یک پدر و مادر خلق شده‌اید، بنابراین هیچ کدامتان از حیث تیره و نژاد، بر دیگری برتری ندارید. اگر پروردگار، شما را به گروه‌های قومی و قبیله‌ای در آورده است برای برتری قومی بر قوم دیگر نبوده است، بلکه تنها به دلیل شناسایی، نام‌گذاری و آشنایی یکدیگر بوده است، چرا که منزلت افراد در جامعه انسانی، ایجاب می‌کند که با نام‌های متفاوت از هم شناخته شوند.

البته منع الهی انسان‌ها از برتر دانستن خود نسبت به یکدیگر، موجبی بر این شده که این تفاوت در جنسیت نیز متبلور نشود به حدی که از این می‌توان دریافت که حق آموزش و تحصیل که مبنای برای منع آن در آیات و روایات نیامده است، حق اساسی زنان محسوب می‌شود. ممانعت از بهرمندی مقام معظم رهبری می‌فرماید: محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص‌العقل خواندن آنها اما آنانی که گفتند زن ناقص‌العقل است این نخواستند بگویند که زن خدای نکرده قوه ادراک ندارد، هرگز، بسیاری از زنان از بسیاری از مردان سطح شعور و درکشان به مراتب بالاتر است. (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۱، ۶۶) دو احتمال درباره این هست که یکی از این دو احتمال رامن این جا ذکر می‌کنم و آن این است که نظر امیرالمؤمنین در «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ

نَوَاقِصُ الْمُحْطُوظِ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) به طبیعت زن نیست، بلکه به زنی است که تحت تأثیر فرهنگ همیشه توأم با ظلم و ستم بوده ناقص بار آمده، در زمان امیرالمؤمنین زن در همه جوامع بشری، نه فقط در میان عربها، مظلوم بود، نه می‌گذاشتند درس بخواند، نمی‌گذاشتند در اجتماع وارد بشود و در مسائل سیاسی تبحر پیدا کن. (بانکی پور فرد، ۱۳۹۱، ۶۶ص)

حق تحصیل برای زن اگر قبل از ازدواج با مرد شرط کند. این که بعد از ازدواج قصد ادامه تحصیل دهد و مرد بپذیرد در این صورت مرد نمی‌تواند مانع از ادامه تحصیل زن شود و زن حق دارد ادامه تحصیل دهد و مردم عادی در این جهت سخت به اشتباه دچار شده و با تحصیل مختصری از علوم رسمی و با یاد گرفتن قواعدی از علوم دینی متداوله خود را از مصادیق اهل معرفت و از اولیای حق و صاحبان بصیرت می‌پندارند، آنان برای همیشه در این جهالت و غرور و گمراهی (مصطفوی، بی‌تا، ص: ۴۳۴)

۱.۳-۳. حق اشتغال

در دهه‌های اخیر بهرمنند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی و روی آوردن آن‌ها به فعالیت اقتصادی در شهرهای کوچک و بزرگ ارزشهای جدیدی را در حوزه خانواده ایجاد کرده و باعث دگرگونی مناسبات زنانشویی و خانوادگی و جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ایجاد هویت‌های جدید برای زنان شده است.

اما از نظر فرهنگی کار و شغل زن نیز مسئله مهمی است که باید در رابطه با توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. اصلاح نگرش فرهنگی جامعه به کار زنان چه در حوزه تولید و چه در حوزه‌های دیگر مانند خدمات اجتماعی می‌تواند جایگاه زنان را در عرصه‌های کار و تولید ارتقاء بخشد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۳۳) برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. مستلزم جواز از اشتغال زنان و حلال بودن در آمد حاصله از آن است. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۷)

باز خدواند در آیه ای می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود: ۶۱) او شما را از زمین پدید آوردن و برای آباد کردن آن برگماشتند معلوم می‌شود این آیات به‌طور عام مردان و زنان را به‌سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۴) افزون بر این قرآن کریم از دختران حضرت شعیب علیه‌السلام پیامبر الهی یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشتند بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهرین در مشاغل گوناگون همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و غیره به‌عنوان شغل درآمدزا مشغول بوده‌اند و مورد نهی یا ردعی قرار نگرفته‌اند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۴)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: اسلام با کار کردن زنان نه‌تنها موافق است، بلکه تا آنجایی که با شغل اساسی اوکه مهم‌ترین شغل اوست، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده، مزاحم نباشد شاید لازم هم می‌داند. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان درعر صه‌های مختلف بی‌نیاز باشد، اما این کار باید با کرامت و با ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد. باید زن را تذلیل نکند. زن را وادار به تواضع و خضوع نکند.

اسلام مانع مشاغل و مسئولیت‌های زنان نیست مگر در موارد استثنایی که بعضی مورد اتفاق بین فقهاست، بعضی هم مختلف فیه است و در این زمینه‌ها هم البته باید کار شود. (بانکی پورفرد، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۳)

شغل برای زن در بعضی از عرصه مانند پزشکی، پرستاری واجب است که در این صحنه‌ها ورود کند و مشغول به کار شود و نباید مردها مانع بشوند. البته زن‌ها هم متوجه این باشند که اشتغال آنان نباید به قانون خانواده و شغل اصلی که خانه‌داری و همسرمداری است لطمه ایجاد کند، در غیر این صورت هیچ اشکالی ندارد و باعث پیشرفت روحی و اجتماعی زن هم می‌شود.

به آن‌ها برسان و بخشی هم از محصول خالصه‌جات دولت اسلامی در هر کجا باشند به آن‌ها برسان دور و نزدیک آن‌ها یکسان است و تو مسئول مراعات حق آن‌ها هستی،

خوش‌گذرانی و پر دماغی‌ترا از آن‌ها باز ندارد زیرا اشتغال تو بکارهای بزرگ نسبت باهمال کارهای کوچک عذر محسوب نشود. ۲. مبادا فکر آن‌ها را از سر بدر کنی و از دیدار آن‌ها روی درهم کشی و گره بجنبین اندازی. ۳. کسانی از این طبقه که به واسطه خیرگی اطرافیان تو و تحقیر رجال نسبت به آن‌ها به حضور نمی‌رسند بایست مورد بازجوئی تو باشند، برای بازجوئی از حال آنان مردان خدا ترس و متواضعی را بگمار که مورد وثوق تو هستند تا گذارش حال آن‌ها را بتو برسانند سپس بطوری که روز قیامت نزد خداوند کاملاً درباره آن‌ها معذور باشی عمل کن، این‌ها میان رعایا از دیگران بیشتر نیاز به انصاف دارند اگر چه نسبت به همه باید عدالت مراعات شود و حق هر کسی به او برسد. (صدوق، ج ۲ / ۸۵، ص: ۸۴)

۲.۳. حقوق معنوی

از دیگر حقوق زن در بُعد فردی حقوق معنوی است که شامل حق عزت و کرامت، حق معاشرت و حق تأمین نیازها می‌شود که در این بخش به آن پرداخته شده است:

۲.۳-۱. حق عزت و کرامت

در اسلام نگاه تحقیر آمیز به زنان از این رهگذر که آن‌ها فاقد کرامت انسانی و ناتوان از کسب جایگاه ارزشی و معنوی باشند، به شدت نفی شده است و زنان در آموزه‌های اسلامی می‌توانستند از لحاظ کرامت و فضیلت جایگاه واقعی و ارزشی خویش را به دست آورند به گونه‌ای که در کرامت انسانی و کسب ارزش‌های معنوی بین زن و مرد تبعیض و تفاوت از نظر جنسیتی دیده نمی‌شود.

زنان نیز در اسلام مورد ستایش قرار گرفته‌اند و به خاطر کمالات مستحق بر خورداری از حیات طیبه و اجر و پاداش همسان با مردان می‌باشند.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد. خواه مرد باشد یا زن درحالی که مؤمن است. او را به

حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

زن و مرد به طور یکسان بدون در نظر گرفتن تبعیض جنسیتی، مستحق پاداش و حیات طیبه، دانسته شده‌اند و خداوند متعال عمل هیچ یک از زن و مرد را ضایع نمی‌سازد و هر کدام ثواب و پاداش اعمال را می‌بینند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

زنان و مردان از نظر کرامت انسانی و رسیدن به درجات بالای معنوی و ارزشی بدون تفاوت تبعیض جنسیتی یکسان و در کنار هم در نظر گرفته شده‌اند و در قرآن کریم بعضی از زنان به طور خاص مورد تکریم و لطف و نظر خداوند واقع شده‌اند و از آن‌ها به نیکی و شایستگی خاصی در قرآن یاد گردیده است. چنان‌که در سوره آل عمران از حضرت مریم به نیکی و شایستگی خاصی یاد شده و به جهت کمالات و پاکیزگی به عنوان زن برگزیده از ایشان یاد گردیده و از سوی خداوند سبحان غذای مخصوصی برای او در محراب عبادت عطا می‌کردند.

انسان یگانه مخلوق خداوند است که از جن و ملک جایگاهی والاتر یافته است. این قرب و منزلت با تعبیراتی منحصر به فرد در قرآن کریم دیده می‌شود. ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین: ۴)

که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. خداوند انسان را مرتبه‌ای فراتر از دیگر موجودات بخشیده است و به انسان شرافت و کرامت بخشید. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء: ۷۰)

ما بنی آدم را گرامی داشتیم و این کرامت در سایه پرهیزکاری و تقوا برای او باقی است و تا زمانی که در مسیر طاعت حق تعالی سیر کند. از این جایگاه بهرمنند است و همچنین نگاه ویژه به کرامت زن شد. امروزه سبک‌های مختلف زندگی با مبانی نادیده انگاشتن و گاه ظلم به مقام زن نقد می‌کنند این در حالی است که اسلام برای زن در نظام اجتماعی و خانواده جایگاهی ویژه قائل است و این جایگاه را با توجه به ویژگی‌های خاص زنانه و با حفظ

کرامت به زن داده، زن و مرد در بُعد انسانی خویش تفاوتی با یکدیگر ندارند و هر دو در بهترین صورت خلق شده‌اند و روح الهی در هر دو جاری است و تکالیفی نیز که خداوند بر انسان واجب کرده است تا آن جا که مر بوط به جنسیت نمی‌شود، بین زن و مرد مشترک است.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند باانصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه برای آن که چشم او لذت نبرد دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آن‌هایی که زن را تشویق می‌کنند که خود را به گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچک و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل می‌کنند؟! آن‌ها باید جواب بدهند. فرهنگ ما، فرهنگی است که انسانهای والا و اندیشمند غرب هم آن را می‌پسندند و رفتارشان همین‌طور است. در آن جا هم خانم‌های عفیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودشان ارزشی قائلند، حاضر نیستند خودشان را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزه چشم‌ها وسیله‌ای قرار دهند. فرهنگ منحط غربی، از این قبیل زیاد دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2645>)

۲.۳-۲. حق معاشرت و رفتار مشروع

حسن معاشرت، به معنای خوش رفتاری و بر خورد شایسته و متعارف است و بد رفتاری زوجین اقدامی خلاف قانون ضد دین اسلامی و مغایر اخلاق برجسته است. انسان‌ها نیاز به معاشرت دارند و در این معاشرت باید از یکدیگر صفا و محبت و وفاداری و گذشت ببینند و حداقل، دو رویی، خیانت، تزویرو افترا از یکدیگر نبینند. تعبیر حسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و به عنوان یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم

زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود نشان دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در محدوده نفقه، همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در محدوده حسن معاشرت همه نیازمندی‌های روحی او و معیار حسن معاشرت، عرف زمان، ناحیه محل سکونت زوجین است از جمله اصلی‌ترین آن‌ها این که زوجین پیوسته باید با یکدیگر با خوشرویی و محبت رفتار کنند و از سوء معاشرت با یکدیگر بپرهیزند. حسن معاشرت می‌تواند فراتر از تمکین نیز باشد و حتی در وادی عشق و معرفت و ایثار وارد گردد و اما در وادی حقوق آن جایی می‌توان از ناشزه صحبت کرد که تمکین اتفاق نیفتاده باشد خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُحِبَّ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۱۹) و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آن‌ها کراهت داشتید. چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خدا خیر فروان در آن قرار می‌دهد.

خدای بزرگ در این آیه با یک فرمان کلی مرد را مکلف و موظف به حسن معاشرت می‌کند که پایه و اساس بندی زندگی هست و خداوند متعال می‌فرماید: اگر از زنتان خوشتان نمی‌آید باز هم حق ندارید حسن معاشرت را زیر پا بگذارید چرا که شما اسرار غیب آگاهی ندارید و شاید خدا خیر شما را در وجود همین زنی که از او خوشتان نمی‌آید.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «امروز دلسوزان و مصلحان، انسان‌های خردمند و بانگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلو آن را بگیرند. به عنوان این که می‌خواهند به زن خدمت کنند، بزرگ‌ترین ضربه را به زندگی او وارد آوردند. چرا؟ به خاطر این که با بی‌بند و باری، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد. مردی که می‌تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت کند و زنی که می‌تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، هرگز در خانواده، همسران خوب و شایسته‌ای نخواهند بود. لذا بساط خانواده متلاشی شد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

۲.۳ - ۳. حق تأمین نیازها

از دیدگاه اسلام وظایف قانونی مرد در برابر تأمین نیازهای زن تعیین شده است. برای همین زن‌های قدیمی، سازگار بودن زن شعار اول و آخرشان بود، جمله «زن باید بساز باشد» جمله‌ای بود که مدام از زبان زن‌های قدیمی شنیده می‌شد، زندگی در هر وضعیتی که مرد ایجاد می‌کند برای برخی نشانه این سازگاری است، هنوز هم خیلی‌ها همین تصور را از زن دارند، برای این افراد قابل باور نیست که زن‌های امروزی همه چیز از شوهرانشان می‌خواهند و او را مجبور به برآورده کردن آن‌ها می‌کنند و این‌که نیازهای زن در زندگی مشترک پایه و بنیان هر رابطه زناشویی هست؛ که برآورده کردن این نیازها به شیرین‌تر شدن زندگی کمک می‌کند. بر طرف کردن این نیازها برای بهبود روابط زناشویی امری ضروری می‌باشد؛ زیرا زنان هنگامی که ببینند همسرشان به نیازهای آن‌ها توجه و رسیدگی می‌کند. آن‌ها نیز به طبع برای جبران این کارها و ظایف زنانگی خود رابه بهترین نحو انجام می‌دهند. هر زن در زندگی انتظاراتی از مرد خود دارد و از مهم‌ترین در بین نیازها توجه به نیاز عاطفی زن مهم است. زن‌ها وقتی احساس عشق و محبت را از طرف مرد خود می‌بینند. احساس خوبی در زندگی می‌کنند؛ که این احساس باعث آرامش و سکینه در زندگی مشترک و روابط زناشویی می‌شود. نیاز عاطفی هم می‌توان با زبان و گفتار و هم در عمل ابرازکرد؛ زیرا زنان علاوه بر شنیدن جملات زیبا و عاشقانه در مواردی به عمل کردن و اثبات نیز نیاز دارند. گاهی با خریدن هدیه و غافلگیر کردن یا مثلاً با گفتن عاشقانه‌های خود او را به وجد بیاورید. گاهی با دادن یک شاخه گل بی دلیل نشاط را به زندگی مشترک ببخشید. همیشه سعی کنید از او حمایت کنید.

در بیانات مقام معظم رهبری آمده است: ممکن است انواع ظلم‌ها در جامعه وجود داشته باشد، که باید این ظلم‌ها برداشته شود؛ اما در عین حال به مسئولیت زن و مسئولیت مرد که در قبال هم هر دو مسئولیتی به عنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگریسته شود؛ چون خوشبختی زن و خوشبختی مرد در این است. بعضی خیال می‌کنند

زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سروصدا دار ندارد! خیر؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی که شوهر و مرد اوست نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2859>)

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش انجام شده در بیانات مقام معظم رهبری، زن دارای مسئولیت‌ها و حقوقی است. در کتاب جایگاه، حقوق و مسولیت‌های زنان در دیدگاه امامین جمهوری اسلامی در مورد حقوق و مسولیت‌های زن در حوزه خانواده به حفظ کرامت زن و رفع ظلم از زنان در خانواده، تدبیر زنان در استحکام خانواده، رشد و تعالی اعضای خانواده با همکاری و حمایت یکدیگر، رعایت حقوق زنان در طلاق و جدایی، فرزندآوری و جمعیت پرداخته شده است؛ اما در پژوهش حاضر مسئولیت‌های زن در خانواده با تکیه بر دو محور همسری و مادری، تعریف شده است. بر اساس این پژوهش، در مسئولیت همسری محبت و خوش رفتاری بین همسران باعث وفاداری، صفا و صمیمیت در خانواده بوده، با تلاش زن، آرامش و سلامت روان همسر و فرزندان، تأمین می‌گردد، در نتیجه راه رسیدن به سعادت و کمال برای خانواده، هموار می‌شود. در این محور با توجه به این که فرزندان بخشی از خانواده‌اند، مسئولیت مادری در کنار مسئولیت همسری برای زن، تعریف شده است. مادر با رفتار، گفتار، عاطفه و نوازش فرزندان می‌تواند آنان را به بهترین وجه تربیت کند. یکی دیگر از مسئولیت‌های مهم زن در منزل مدیریت است. بر اساس بیانات رهبری معظم در قبال مسئولیت‌های زن در خانواده حقوقی برای زن تعریف شده که در دو محور مادی و معنوی تبیین شده است. حق نفقه به قدری در زندگی مشترک مهم و حائز اهمیت است که با وجود مشغول بودن زوج به جنگ و جهاد، ساقط نمی‌شود و باید حق آن ادا شود. همچنین حق تحصیل برای زن از

حقوق مهم وی در خانواده است. اسلام نه تنها با اشتغال زنان موافق است، بلکه اساسی‌ترین شغل او را که تربیت فرزند و حفظ خانواده است، بسیار لازم می‌داند. یکی از حقوق زن مسلمان در خانواده، حق عزت و کرامت اوست که در سایه عفت و حیا به آن خواهد رسید، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط در معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی می‌شود. زنی که می‌تواند بدون هیچ قید و بندی در جامعه با مردان گوناگون ارتباط داشته باشد، هرگز نمی‌تواند حق معاشرت و رفتار مشروع، شایسته خود را بگیرد. یک زن به یک محیط امن در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت و به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی که مرد اوست نیازمند است. حق تأمین نیازها از حقوق طبیعی و از نیازهای عاطفی و روحی زن است؛ باید این نیاز برآورده شود. زمانی که زنان مسئولیت‌های خود را به نحو احسن انجام دهند در قبال این مسئولیت‌ها حقوقی مطرح می‌شود و در نتیجه انجام این مسئولیت‌ها توسط زن در خانواده و دریافت حقوق خویش، رشد و اعتلای خانواده اتفاق می‌افتد و در سایه آن جامعه به وضعیت مطلوب و بستر ساز تمدن نوین نزدیک می‌شود و در نتیجه می‌تواند، زمینه ساز ظهور خورشید عظمای ولایت باشد.

پیشنهاد

آنچه در راستای این موضوع در بعد مسئولیت‌های زنان در خانواده نیاز به پژوهش دارد، پرداختن به شیوه‌ها و راهکارهای گفتاری و رفتاری پیش روی زنان جهت انجام مسئولیت خویش در خانواده در برابر همسر و فرزندان است. در بعد حقوق نیز بسیار ضروری است که در جهت حرکت خانواده به سوی ایجاد تمدن نوین که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره شده و بسترسازی جهت تحقق موفور السرور ظهور خورشید عظمای ولایت، به راهکارهای احقاق حقوق زنان در خانواده به‌ویژه در ابعاد عاطفی و معنوی پرداخته شود.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. اردکانی، محمد علی بن محمد حسن، تحفة الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۸.
۲. بانکی پور فرد، امیر حسین، نقش و رسالت زن (۴) جایگاه مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد: گزیده بیانات رهبر، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۳. بانکی پور، امیر حسین، نقش و رسالت زن (عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی اسلامی)، ۵ جلد، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۴. بانکی پور فرد، امیر حسین، جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد، ج ۴، بی جا: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۵. بیانات مقام معظم رهبری: خطبه عقد ۷۸/۱۲/۲۲.
۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، نشر اسراء، قم ۱۳۸۱.
۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، دائرة المعارف جامع اسلامی، انتشارات مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۸. حسینی مجرد، اکرم، جایگاه، حقوق و مسئولیت های زنان در دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله)، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷.
۹. حیدری فرد، مریم، پایان نامه (جایگاه و حقوق اجتماعی زنان از دیدگاه نهج البلاغه).
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، ۱۹۳۱ م (۱۳۰۹ - ۱۳۱۰).
۱۱. شیخ بهائی، محمد بن حسین، منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح، قم: انتشارات مؤسسه اطلاع رسانی تبیان.
۱۲. شیخ صدوق، ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، ترجمه من لا یحضره الفقیه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، النخصال، ترجمه کمره ای، محمد باقر، تهران: انتشارات کتابچی.

۱۴. طباطبائی، علامه محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم جماعه المدرس حوزه العلمیه.
۱۵. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. مصطفوی، حسن، مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقه در تزکیه نفس و حقایق ومعارف الهی، ترجمه مصطفوی، تهران: انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ لغت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷.

منابع عربی

۱۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفه الائمه، ترجمه و شرح زواره‌ای، علی بن حسین، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۲۰. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، نشرناصرخسروتهران.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: نشر مؤسسه الوفا.

راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در نسل جوان، توسط خانواده

نسترن بهرمان (نویسنده مسئول)^۱

مینا اشرفی^۲

چکیده

فرهنگ مقوله‌ای است گسترده و یکی از مهم‌ترین عامل سازنده هویت جوان می‌باشد. معنویت به مجموعه صفات و ویژگی‌هایی در انسان گفته می‌شود که انسان را به پروردگار نزدیک می‌نماید. درهرملتی جوان، گران بهاترین سرمایه آن ملت می‌باشد و آینده هر ملت و جامعه، بسته به عملکرد جوانان آن ملت دارد. در این پژوهش به راه کارهایی برای تقویت فرهنگ معنویت در جوانان، توسط خانواده پرداخته شده است. اهمیت این پژوهش در این است که؛ هر جامعه‌ای که نیازمند موفقیت است، نیاز به تربیت جوانان فرهیخته‌ای دارد، لذا ضرورت دارد به این موضوع مهم توجه بیشتری شود. فرهنگ معنوی در یک جامعه علاوه بر سعادت دنیوی، سعادت اخروی آن ملت را نیز در برخواهد گرفت. پرورش و تقویت فرهنگ معنویت در خانواده پایه‌گذاری می‌شود. در این تحقیق به دو راهکار معنویت‌افزایی

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس

تهران Na.bahreman@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا شهرری heydar13751396@gmail.com

توسط رفتار عملی و رابطه معرفتی پرداخته شده است. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با توجه به آیات و روایات و بیانات مقام معظم رهبری و با اشاره به بیانیه گام دوم، در بخش معنویت و اخلاق می باشد.

کلید واژگان: تقویت فرهنگ معنویت، رفتار عملی، رابطه معرفتی، بیانیه گام دوم انقلاب

اسلامی

مقدمه

فرهنگ را مجموعه آداب و رسوم جامعه می‌نامند که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و دوره جوانی، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت سازترین دوران عمر انسان می‌باشد. در این دوره شخصیت فرد رو به شکل‌گیری قرار گرفته و اطرافیان نقش بسزایی در تقویت روحیه معنوی فرد دارند. در این میان خانواده رکن اصلی در این تربیت محسوب می‌شوند. اهمیت این موضوع از آن جایی مطرح می‌شود که، با مادی‌گرا شدن جامعه امروزی و جنگ‌های نرم و تهاجم‌های فرهنگی که پی‌درپی جوانان را که ذخایر ملی هستند را تهدید می‌کنند باید اعتقاد جوان آن قدر تقویت شود که این افکار و موج‌های مخرب غربی کمترین آسیب را به آن‌ها برساند و با ارائه راه کارهایی جای خالی برای نفوذ این امواج منفی پر شود. در این پژوهش با توجه به آیات و روایات و با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، و بیانات دیگر معظم له سعی بر ارائه راهکار مؤثر برای تقویت فرهنگ جوانان توسط خانواده شده است.

پیشینه این موضوع از زمان دیرینه می‌باشد. راه کارهای پرورش معنویت در نسل جوان در همه عرصه‌ها محل بحث بوده است. و این موضوع مورد مذاقه پیامبر صلوات الله علیه نیز بوده است. بعد از آن می‌توان از آثار پژوهشگران اسلامی نام برد. افراد بسیاری به مسائل جوانان پرداخته‌اند که عبارتند از: کتاب احیاء العلوم و کیمیای سعادت که ششم هجری تالیف شده و نویسنده این کتاب امام محمد غزالی می‌باشد که معرفت را در چهار چیز بیان کردند ولی دارای مطالب کلی است که به صورت جزئی به قشر جوانان پرداخته نشده است. در پایان نامه بررسی موانع تربیت انسان از دیدگاه اسلام به نگارش زهره ساده به بیان موانع تربیت از دیدگاه آیات و روایات برای انسان‌ها پرداخته شده اما پژوهش حاضر نه تنها از موانع نامی نبرده بلکه به راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در "جوان" پرداخته شده است. مقاله شناخت جریان معنویت جویی و شاخه‌های معنویت نوظهور به نگارش حمید رضا مظاهری سیف خیلی خلاصه در رابطه با معنویت سخن گفته ولی راه کاری برای ایجاد این معنویت بیان نکرده است. پایان نامه ایجاد فرهنگ معنویت توسط نسرين سرخول نگاشته

شده است. در این پایان نامه به صورت کلی به ایجاد فرهنگ معنویت پرداخته شده و مطالب آن در رابطه با نسل جوان کوتاه و مؤثر می‌باشد اما در پژوهش حاضر سعی بر بررسی راهکارهای ترویج معنویت از منظر اسلام و با توجه به بیانات مقام معظم رهبری می‌باشد که پژوهشی که نام برده شد از این مطالب تهی می‌باشد.

مفهوم‌شناسی فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی معادل کلمه "ثقافه" در عربی است. (سیاح. ج ۱/ص ۱۷۸) واژه فرهنگ از دو بخش "فر" پیشاوند است و "هنگ" از ریشه "تنگ" اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن. (دهخدا: ۱۵۱۰۹/۱۰) فرهنگ یا فرهنگ به معنای ادب و تربیت می‌باشد و به معنای دانش و معرفت نیز آمده است. لذا سازمانی که امور تعلیم و تربیت افراد مملکت را بر عهده دارد وزارت فرهنگ نامیده می‌شود. فرهنگ بر آداب و رسوم نیز اطلاق شده است. (معین، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۳۸) همچنین در فرهنگ عمید آمده است: فرهنگ یعنی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. (عمید، ۱۳۸۱: ۸۱۶) برای معانی اصطلاحی فرهنگ تعاریف گوناگونی ذکر شده از جمله: فرهنگ عبارت است از مایه‌های فکری و ارزشی که در رفتار اختیاری و اجتماعی انسان اثر می‌گذارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ ش: ۲۲) مجموعه‌ای هماهنگ از دانش‌ها ارزش‌ها و هنجارهای انسانی است که به صورت نمادهای گوناگون در عرصه‌های سخت افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می‌یابد و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۸ ش: ۲۷) مقام معظم رهبری در مورد فرهنگ می‌فرمایند: «فرهنگ هر جامعه و هر ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از این‌ها سرچشمه می‌گیرد گفته می‌شود و به‌طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه، به معنای وسیع آن، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد.» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۵۳) همچنین آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «فرهنگ، جهت دهنده ذهنیت‌های انسان و عامل اصلی

و تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است و می‌تواند زمینه مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های یک ملت به وجد آورد.» (همان: ۹۵)

معنویت

معنویت "منسوب به معنی": مربوط به باطن و دورن، مربوط به فکر، عقل یا احساس درونی مقابل صوری است (انوری، ۷: ۱۳۸۸/۱۸۲) حقیقت و راستی و اصلی و ذاتی و مطلق باطنی و روحانی (سیاح، ۷۵۹: ۱۳۷۸) "منسوب به معنی" ضد لفظی، حقیقی و راست و اصلی و ذاتی و مطلق باطنی و روحانی (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۷۱/۱۳) "منسوب به معنی" مربوط به معنی، باطنی و حقیقی مقابل مادی، ظاهری و صوری (معین، ۱۳۶۴: ۴/۴۲۴۴) معنویت در اصطلاح به معنای ایمان به خدا سر سلسله همه معنویات و فضایل اخلاقی و معنوی است. اگر جامعه انسانی و افراد آن به مرحله‌ای برسند که خود پرست، خودخواه و سود جو نباشند، تعصب نژادی، منطقه‌ای و حتی مذهبی نداشته باشند، این نیست‌ها معنویت به حساب می‌آیند.» (مطهری، ۳۳۳: ۱۳۶۷) با توجه به غنای مفهوم معنویت، ارایه تعریفی عینی برای معنویت دشوار است تعریف امر معنوی و معنویت حتی از تعریف دین دشوارتر است در مقایسه با واژه دین، روان‌شناسان کمتر کوششی براین تعریف معنویت به عمل آورده‌اند و تردیدی نیست که معنویت مفهومی مبهم است. افزون بر این معنویت خارج از چارچوب دین معانی زیادی دارد. (فونتا، ۱۳۸۵: ۳۵) معنویت را این‌چنین تعریف می‌نماید: معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه‌های قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در رسیدن به خدای یگانه به‌طور اعجاب‌آوری پیش ببرد. این حالت درونی به واسطه زمینه سازی‌های مختلف در انسان پدید می‌آید و بسته به شدت و ضعف آن، سرعت و میزان قرب الی‌الله پدید می‌یابد. (امام خمینی (ره) ۱۳۶۱) معنویت و اخلاق دومین توصیه مهم رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم است. ایشان تأکید دارند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط

زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانات مقام معظم رهبری؛ بیانیه گام دوم)

راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده

۱. معنویت افزایی توسط رفتار عملی

۱.۱. جلب اعتماد جوان

والدین در قدم ابتدایی باید اعتماد فرزند را به خود جلب نمایند و یا به عبارت الاخری اعتمادسازی نمایند، و با لسانی لَین و عمل نیک به او بفهمانند که موفقیت او برایشان حائز اهمیت است. جوان پس از درک و باور این موضوع با آن‌ها همراه می‌شود. و این اعتمادسازی نیازمند پرورش و مهارت افزایی والدین در خویش است.

۱.۲. همراهی علم و عمل

التزام علم و عمل به این معناست که آنچه که والدین به صورت شفاهی و کلامی توصیه می‌کنند در مقام عمل نیز پایبند و ملتزم به آن باشند و در نگاهی عمیق‌تر به مسئله سعی کنیم مقدم بر گفتار، به وسیله رفتار خویش عملاً به فرزندان خود بیاموزیم، زیرا فرزندان ما بیشتر از گفتار ما از رفتار ما می‌آموزند. (وظیفه والدین در تقویت معنویت فرزندان، ۱۳۹۲/۷/۵/ خبر)

تاثیری که رفتار والدین بر فرزند می‌گذارد هیچ‌گاه گفتار نمی‌تواند بگذارد پس اگر پدر یا مادر خواستار انتقال علوم به فرزندشان هستند باید در مقام عمل خود ثابت کنند، مرتبه بالای هر علم آن است که به مقام عمل برسد.

ازهمین رو امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حکمت ۹۲ می‌فرماید:

«أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ» (دستی، ۱۳۸۰:

ح ۹۲) پست‌ترین مرحله علم آن است که تنها بر زبان باشد و برترین آن، آن است که در اعضا و ارکان وجود انسان آشکار گردد. اصل عامل بودن مهم‌ترین اصل در برقرار کردن رابطه با جوان است چون یکی از ابزارهای یادگیری جوان سرمشق‌گیری و الگوگیری است، افراد و

والدین بسیاری وجود دارند که درباره فضائل اخلاقی سخن فراوان می‌گویند ولی بر خلاف سخنان خود عمل می‌کنند. قرآن مجید این بیماری را که در همه قشرها دیده می‌شود تهدیدی برای ایمان انسان می‌داند و همگان را از آن برحذر می‌دارد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ** (صف/۲) کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ باید بدانیم حتی در رابطه با ایمان هم ایمانی که به مرحله عمل نرسد فایده‌ای ندارد در حقیقت ایمان زبانی هیچ نفعی برای مومنه به آن ندارد و فقط لقلقه زبان است و با عمل است که ایمان به قلب و جان رسوخ پیدا می‌کند دو گانگی در گفتار پدر و مادر، سبب بی‌اعتمادی جوان به آموزش‌های آنان می‌شود و اثر زیان بارتر این که جوان دانستن و عمل نکردن را از پدر مادر فرا می‌گیرد و درس چند شخصیتی بودن را فرا می‌گیرد جوان بیشتر از آنچه که می‌شنود، می‌بیند زیرا به‌ویژه در مسائل اخلاقی بیش از گوش، از چشم خود استفاده می‌کند. پس باید میان دیده‌ها و شنیده‌های او هماهنگی ایجاد کرد تا آشفتگی در ذهن او به وجود نیاید (سادات، ۱۳۷۴: ۱۲۲ / ۲) همان‌طور که می‌بینیم ما در جامعه امروزی پدران و مادران تحصیل کرده بسیاری داریم که عالم به رفتار درست و غلط هستند و خواهان تربیت نسلی مؤمن می‌باشند ولی چون در مقام عمل خود ملزم به علم خود نیستند همین عامل، مانع از این انتقال معنویت می‌شود آن علمی هم که خود کسب کرده بودند به دلیل بها ندادن و عمل نکردن به آن عمر زیادی ندارد و از یاد می‌رود چه رسد به انتقال آن به فرزندان امام صادق علیه السلام فرمود: **الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنهُ** (کلینی، ۱۳۸۸ هـ: ۴۴ / ۱) علم همراه عمل است، پس هرکس علمی دارد باید به دانش خود عمل کند و هرکس عمل کند بر دانش او افزوده می‌شود؛ و علم همواره عمل را فریاد می‌زند؛ اگر جوابی شنید می‌ماند و در غیر این صورت از نزد صاحب خود می‌رود در محیط خانواده است که جوان باید عمل والدین به سخنان خود درستی گفتار آنها را بسنجد و در نهایت به آن‌ها اعتماد کند و مانند والدین رفتار کند فرزندان از خانواده بسیاری از زمینه‌ها و خصوصیات اخلاقی را می‌آموزند یا به ارث می‌برند و

تأثیر خانواده بر تربیت اخلاقی جوانان از دو جنبه است. یکی از جنبه وراثت که در آن بسیاری از خلق و خوی‌ها و سجایای انسانی به فرزندان منتقل می‌شود و دیگر از جنبه محیطی که بسیاری از روش‌های برخورد، فضائل و رزائل اخلاقی را فرزندان از خانواده ا لگوبرداری می‌کنند. (دهقانی اشکذری، ۱۳۸۹: ۱۰۴) اگر خانواده هم رفتاری توأم با علمشان نداشته باشند این علم در همان مرحله باقی مانده و به فرزندان منتقل نخواهد شد، چه بسا به خاطر تقویت نکردن آن علم به واسطه عمل نکردن به آن به مرور منکر آن بشوند. پس عمل نکردن به علم علاوه بر فراموشی منجر به انکار آن نیز خواهد شد در همین باره قرآن مجید می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم ۱۰/۱) سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را مسخره نمودند!». این آیه به وضوح می‌گوید: گنهکاران در عاقبت، کارشان به جایی می‌رسد که آیات الهی را نیز تکذیب می‌کنند بلکه آن را به سخریه می‌گیرند. بنابراین اگر بخواهیم علم ما تبدیل به جهل نشود و در مبانی علمی خود تردید نکنیم باید به آنچه می‌دانیم جامه عمل بپوشانیم تا علم ما تبدیل به یک علم پایدار گردد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره این‌گونه سخن می‌گوید:

انتقال فرهنگها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسلهای پی‌درپی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد در محیط خانواده است که اول بار همه هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که به‌طور غیرمستقیم و بدون این‌که خود آنها تصنعی به کار ببرند، به‌طور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند (۸۶/۸/۱۹ کانون گرم خانواده/بیانات رهبری)

از نظر ایشان، خانواده خوب و تأثیر گذار یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می‌آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسان‌ها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت می‌شوند، با صفات خوب بزرگ می‌شوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرئت، جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشد، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید. (۱۹/۸/۸۶ کانون گرم خانواده/ رهبری [https://farsi.khamenei.ir/speech-
\(content?id=21429](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429)

بنا بر فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مورد جوان‌ها می‌فرمایند: «آینده این انقلاب، آینده این نظام و این کشور به برکت اسلام، یک آینده بسیار روشن و درخشانی است. کسانی که باید این آینده را شکل بدهند، عمدتاً شما جوانها هستید. اولاً ایمان اسلامی را با عمل در خودتان تعمیق کنید، که این اساس کار است. ایمان هم یک چیز کتابی و ذهنی نیست، در عمل، ایمان تقویت پیدا می‌کند. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا بهتر می‌بیند. این مجاهدت هم سنگرهای مختلفی دارد، سنگر علم و سازندگی هم از آن جمله است. با تقوا، با تضرع پیش خدای متعال، با انجام عبادات و با اجتناب از محرمات ایمان را تقویت کنید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با هزاران تن از دانشجویان و دانش آموزان ۱۱/۸/۷۳ <https://farsi.khamenei.ir/https://khl.ink/f/2731>) گاهی خانواده نیز از اصول ارزشی و اعتقادی پیروی نمی‌کند و نسبت به مسائل شرعی، پایبند نیستند؛ به همین دلیل، فرزندان، آداب دینی و واجبات را فرا نمی‌گیرند و با مشکلاتی در زمینه اخلاقی دست به گریبان خواهند شد؛ مسائلی چون: اعتیاد به سیگار و مواد مخدر، ولگردی، قمار، ارتباطات نامشروع با جنس مخالف، فحاشی، دزدی، فرار از منزل، آرایش‌ها و

پوشش‌های نامناسب، چشم‌چرانی و متلک‌گویی، شرکت در مجالس هوس‌بازی و... که به زودی به مشکلاتی روانی و اجتماعی مبدل خواهند شد و دست آخر، جوان را از ترقی و پیشرفت بازنگه می‌دارند و در جنبه معنوی نیز او را از حیطه انسانیت باز خواهند داشت (ترابی، ۱۳۹۲ نشریه حدیث زندگی)

پس والدین باید در درجه اول ایمان خود را به وسیله عمل ترفیع درجه دهند و در حقیقت ایمان را از زبان به جان و دل برسانند و بعد به تربیت جوانان سالم بپردازند. چرا که هر حرفی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. این سخن به کثرت برای همگان ثابت شده است. (امام خامنه ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰، [https://farsi.khamenei.ir/photo-](https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=41317)

۱.۳. درک جوانان و نیکی به آنان

برخی از والدین از توانایی خوبی در درک جوانان خود بهره‌مند هستند. و این یک ویژگی مثبت برای تأثیر بر فرزندان خود می‌باشد. واضح است که هراندازه سنخیت روحی و اخلاقی میان والدین و فرزندان بیشتر باشد میزان اطاعت‌پذیری نیز افزایش می‌یابد، و گامی در جهت رشد و درک متقابل آنان نیز محسوب می‌شود. فرزندان نیز متقابلاً با پاسخ مثبت دادن به تلاش‌های صادقانه والدین برای ارتباط مؤثر و کارآمد، قادرند تصویر مطلوبی از خویشتن در باور والدین بیافرینند و حاصل آن رشد روز افزون، درک متقابل نسل‌ها خواهد بود. والدینی که هوشمندانه با تأمین به موقع خواسته‌های فرزندان، این قبیل تعهدات را به خوبی انجام می‌دهند، در چشم و دل فرزندان خود، اعتبار بالایی را کسب می‌کنند که یکی از نشانه‌های آن، جلب اعتماد فرزندان به خویش است که موجب مقبولیت والدین در نزد جوان شده و پذیرش سخنان آن‌ها سهل‌الحصول می‌شود. گام اول در این راه شناخت اصولی و علمی ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای اساسی جوانان است. بی‌تردید شناخت، همدلی می‌آفریند و برای اهتمام به این امر خطیر باید به مشارکت فرهنگی و فراگیر اقدام کرد و این جز با همدلی، هم‌زبانی و همراهی با جوانان میسر نخواهد بود.

اسلام که جامع‌ترین و غنی‌ترین مکتب آسمانی و منبع پویاترین و پایاترین معارف اسلامی است، بیشترین توصیه‌ها را در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و ساماندهی امور آنان دارد. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: «اوصیکم بالشبان خیراً فانهم ارق ائدة»؛ یعنی به شما توصیه می‌کنم که به جوانان توجه و عنایت خاص نمایید و در مورد آنان به بهترین وجه رفتار کنید، چرا که آنان قلب‌هایی لطیف و پر فضیلت دارند (. قمی، ۱۳۷۳: ۱۷۶/۲) یکی از مهم‌ترین ارکان تربیت همانطور که بیان شد خانواده می‌باشد خانواده بخش عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنان است. لذا باید تلاش شود با بالا بردن سطح آگاهی و آشنایی با رموز و ویژگی‌های شخصیت جوانان، مشکلات و اختلافات احتمالی را به حداقل رساند. البته بسیاری از تعارضات مربوط به دوران نوجوانی است و کم‌کم با سپری شدن دوران بلوغ و استقرار آن در بدن، رفتارها و اندیشه‌های نوجوانان متعادل‌تر شده و دل‌نگرانی‌های والدین هم کمتر می‌شود. خانواده به لحاظ اهمیت خاصی که در این دوران حساس دارد، بهتر است موقعیت نوجوانش را واقع بینانه درک نماید و به آن ارج نهد و شخصیت لازمه بلوغ را که از نظر کمی و کیفی با کودک متفاوت است به او ارائه دهد، از نوجوانان نیز باید خواسته شود با خویشتن‌داری و رعایت احترام، روابط سالمی را با خانواده بنا نهند. (شرفی، ۲۱۹/۱۳۹۴) نقش خانواده در این بین، بسیار پررنگ است. خانواده‌ای که در عین اقتدار، خشک و مستبد است و رابطه میان آن‌ها انعطاف‌پذیر نیست. اگرچه فرزندان لایق و مسئول تربیت نماید اما تمایل به کناره‌گیری از اجتماع در آنان موج می‌زند و نیز فاقد انگیزه پیشرفت بالا هستند. دختران در این خانواده‌ها کاملاً وابسته به والدین تربیت می‌شوند و نیازهای حقیقی آن‌ها برآورده نمی‌شود و به اختلالاتی چون افسردگی، انزواطلبی و خلأ عاطفی و هیجانات افراطی مبتلا می‌گردند که این خلأ، گاهی به ارتباطات نامشروع ناشی از سرمایه‌گذاری عاطفی در خارج از حوزه‌های عرف و شرع پسند، منجر خواهد شد و در نتیجه، به سوی ولنگاری و بی‌عفتی می‌روند. دسته‌ای دیگر از خانواده‌ها که مراقبت کمی نسبت به فرزندان خود دارند و در آن، محوریت با فرزند است،

پدر و مادر نسبت به فرزندان آسان گیرند و فرزندان به اصطلاح «هرکاری دلشان بخواهد می‌کنند». این بچه‌ها گرچه سرزنده‌تر و خوش خلق‌تر از جوانان گروه قبل به نظر می‌رسند اما به لحاظ خامی و عدم انتقال و فراگیری تجارب از والدین به سادگی در خارج از محیط خانواده به کنترل دیگران درخواهند آمد و به ورطه نیازهای کاذب، فرو خواهند افتاد. این والدین به آن‌ها مسئولیت‌پذیری را یاد نداده‌اند و فرزندان این خانواده، لاابالی و بی‌توجه به وظایف اجتماعی شان بار خواهند آمد. پسران و دختران این خانواده‌ها هیچ کدام، الگوی مناسبی برای رفتار خود ندارند و فاقد تکیه گاه مناسب در داخل خانواده هستند؛ در نتیجه، تکیه گاه به خارج از نهاد خانواده سوق داده می‌شود که این، خود، زمینه ساز بروز آشنایی با بزهکاری‌ها و انحرافات است. (ترابی، نشریه حدیث زندگی) برای مثال یکی از این نیازها دوستی و رفاقت است: دوستی و رفاقت پاسخ به یک نیاز فطری است و در پرتو دوستی‌ها و محبت‌ها شخصیت انسان به نقطه کمال یا سقوط می‌رسد. لذا باید در انتخاب دوست دقت لازم را کرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱/ح ۵۱۸/۱۱۳۵) آدمی بر دین (روش) دوست خود است. پس هر یک از شما باید بنگرد که چه کسی را به دوستی می‌گزیند.

و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده‌اند: «الْصَّاحِبُ كَالرُّفْعَةِ فِي الثَّوْبِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلًا» (آمدی تمیمی، ۱۹۹۰ م: ۳۷۹/۱)

همنشین و دوست، همانند وصله در لباس است، پس آن را همشکل برگزین همچنین آن حضرت فرموده‌اند:

«(آمدی تمیمی، ۱۹۹۰ م: ح ۸۹۲۳) «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الْإِضْطِرَّاءِ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ هَرَكَةٌ بِيْ أَرْوَمٍ، بَرَادِرِي بَرِغِيرِدِي، بِيْجَارِكِي أَوْ رَا بِيْ رِفَاقَتِي بَا بَدَانِي، نَاكَزِيرِي مِي كَنْدِي. وَكَرَائِي وَنُوجُوبِي كِيْ أَزْ وِيْزِغِيْهَائِي جُوانِ اسْتِ. أَزْ نِيْازِهَائِي أَوْ بِيْ شِمَارِ مِي رُودِي: جُوانِ دُوسْتِ دَارْدِ خُودِرَا نِشَانِ دِهْدِ وَ مُورْدِ تُوْجِهِ دِيْكَرَانِ وَاقِعِ شُودِ. وَالدِّينِ بَايْدِ اَيْنِ وَاقِعِيَّتِي رَا بِيْذِيرِنْدِي، دَرِ

حد امکان به خواسته‌های معقول جوان پاسخ مثبت دهند و از سختگیری و نه گفتن‌های غیر ضروری، که به کدورت جوان می‌انجامد، پرهیزند. علی علیه السلام همراه قنبر به بازار رفت و از فروشنده‌ای پرسید: آیا دو لباس به قیمت پنج درهم دارید؟ مرد پاسخ داد: آری، ای امیرمومنان. با این پاسخ حضرت دریافت که فروشنده وی را شناخته است. پس آن جا را ترک گفت، نزد دیگری رفت و همین پرسش را تکرار کرد. فروشنده دوم جواب داد: آری، دو لباس دارم؛ یکی بهتر است و سه درهم می‌ارزد و دیگری دو درهم. حضرت آن‌ها را خرید و لباس سه درهمی را به قنبر داد.

قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید: شما بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید.. حضرت فرمود: «انت شاب و لك شره الشباب» تو جوانی و میل جوانی داری. (حرانی، ۶۴/۱۳۷۶) من از پروردگار شرم دارم و خود را بر تو ترجیح می‌دهم طبق این روایت علی علیه السلام به خاطر جوانی قنبر و میل جوان به نوپوشی (به اصطلاح امروز «شیک پوشی») لباس گرانتر را به او داد. (فلسفی، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۶)

از دیگر نیازهای جوان احترام است: جوان برای شخصیت خود اهمیت بسیار قائل است، هرنوع کم توجهی را بی‌احترامی به شخصیت خود می‌داند. و چه بسا واکنش نشان می‌دهد. احترام به شخصیت جوان در تربیت او بسیار مؤثر است. اگر جوان خود را بی‌مقدار و حقیر بشمارد، احساس کند در نظر دیگران اعتبار و جایگاهی ندارد و نزد دیگران از احترام و ارزش برخوردار نیست، تلاش در جهت رشد و تربیت خود را بی‌ثمر می‌داند و چه بسا رفتارهای نابهنجار بروز می‌دهد. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (مجلسی، ۱۴۵۷: ۳۶۵/۷۵) از شر کسی که خود را خوار می‌داند، ایمن مباش.

مشورت کردن با جوان نشان دهنده احترام به اوست؛ زیرا سبب می‌شود بیشتر برای خود ارزش قائل شود، بیشتر احساس مسوولیت کند و در نتیجه در راه تربیت خود بیشتر بکوشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ». (فلسفی، ج ۱، ص ۴۴۱) فرزندم آدمی در فت سال اول آقا و سرور والدین است، در هفت سال دوم بنده

فرمانبردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور آنان شمرده می‌شود، همچنین نیاز عمده جوانان، هویت است؛ بنا به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «جوان باید هویت و هدف خودش را بشناسد: باید بداند کیست و برای چه می‌خواهد تلاش و کار کند. دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛ افقها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم. معلوم است؛ کشور ثروتمند ایران و منطقه بسیار مهم و راهبردی ما و تأثیرات فراوانی که این ملت از همه سو می‌تواند بگذارد؛ همه از طریق تحقیر شخصیت جوانها، در مشت دشمن می‌آید. امروز برنامه دشمن نسبت به شما خیلی باید بیدار باشید». مهم‌ترین نیاز جوان از منظر رهبر معظم انقلاب به جوانها این است؛ همچنین در متون دینی به شدت توصیه شده است از افراط و تفریط در محبت به فرزندان خود پرهیزند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «شوالایا من دعاه البرّ الی الافراط» (یعقوبی ۱۳۸۹/۲/ص ۳۲۰): بدترین پدران، کسانی هستند که نیکی به فرزندان، آنان را به افراط بکشاند. زیرا محبت به فرزند زمانی مفید خواهد بود که از حد اعتدال خارج نگردد. محبتی باعث رشد و شکوفایی فرزندان می‌شود که معتدل و راستین و متناسب با سن و سال، وضع و حال فرزندان باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی ۹۵/۲/۱، <https://farsi.khamenei.ir>)

بنابراین درک جوانان و احترام به شخصیت آن‌ها باعث جلب اعتماد می‌شود و پس از این که آن‌ها مسئولیت‌پذیر شدند، راه ارتقاء و تقویت معنویت جوانان توسط خانواده هموار خواهد شد.

۱.۴. تشویق جوانان به معنویت

از دیر باز، «تشویق» یکی از اصلی‌ترین روش‌هایی است که فرد را به انجام کاری ترغیب می‌نماید و به عنوان یکی از محورهای موضوعی و همچنین در تقویت معنویت جوانان مؤثر است.. جوان باید بداند که کارهایی که برای رضایت الهی انجام می‌دهد ذخیره شده، و در

آخرت پاداش الهی نصیب او می‌گردد. خداوند باری تعالی در سوره بقره می‌فرماید: همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۲۷۷) بنابر ادله موجود خانواده باید در ابتدا جوانان را با عمل خویش به معنویت تشویق نموده و بعد از جلب اعتماد او و همراه کردن او با خویش، معنویت او را تقویت و افزایش دهند.

۱.۵. شکوفاسازی گرایش جوان به معنویت

با توجه به این که دل جوان آمادگی زیادی برای پذیرش معنویت دارد و اگر رها شود دشمنان که کمین نموده‌اند آن را به راحتی تصرف می‌کنند، لذا شایسته است که جوانان را به سمت معنویت سوق داده تا استعدادهای آن‌ها شکوفا شود. مقام معظم رهبری حفظه الله در مورد روش جذب جوان‌ها چنین می‌فرماید: «راه جذب جوانها "تصرف دل جوان" است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حدّا کثر اندکی تأثیر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب می‌شود، از این رو به آن رو می‌شود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم/۳۰) دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا می‌کند، زود اُنس پیدا می‌کند، زود دل‌باخته و دل‌بسته می‌شود؛ جاذبه جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب می‌شود و می‌آید. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۳۱/۵/۹۵: <https://khl.ink/f/> <https://farsi.khamenei.ir> ۳۴۱۰۹/)

پس در ابتدا برای این که جوانی دعوت به معنویت شود باید دل او تصرف شده و گام به

گام به تقویت معنویت در او جلو رفت. جوانان و به طور کلی همه انسان‌ها به صورت فطری و درونی به امور معنوی و ارزش‌های دینی گرایش دارند ولی باید موانع را از راه برداشت تا هدف سهل الوصول شود. رسول اکرم ﷺ به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از روش پدرانشان! سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آن‌ها؟. حضرت فرمود: نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض دینی را به آن‌ها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان، هم پی فراگیری بروند، آن‌ها را منع می‌کنند و تنها از این خشنودند که آن‌ها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند! ﴿الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَعَهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ﴾ (شعیری: ۱۰۶) باتوجه به فرمایش حضرت دانسته می‌شود که جوانان ما به طور فطری به این موهبت الهی گرایش دارند اما متأسفانه این والدین‌ها هستند که گاهی با وجود زمینه‌های رشد جوان مانع او می‌شوند.

والدین باید بدانند علاوه بر این که سراسر ثانیه‌های زندگی و عمرانسان مهم و ارزشمند است اما جوانی، فرصت زود گذر و محدودی است که گنجینه‌ای در حدود یک صد هزار ساعت از زمان عمر آدمی را در خود دارد، تسلط بر این سرمایه گران بها و گذرا، تلاش و تدبیر شما را می‌طلبد. (پورامینی، ۱۳۸۸: ۲۶)

پس اهمیت دادن شما در این دوران حساس به ارزش‌های دینی که در وجود جوان به طور فطری نهفته است بسیار مورد تأکید است. باید در این دوره آموزه‌های دینی را به زیباترین وجه به جوان آموخت چنان‌که اهل بیت علیهم السلام این دوره را دوره فراگیری حلال و حرام دانسته‌اند: (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۵۹)

و حضرت علی علیهم السلام به شیعیانش سفارش کرده که: «اعْتَنِمُ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ، شَبَابَكَ، قَبْلَ هَرَمِكَ...» (راوندی: ۱۱۳) "پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمر: جوانی را پیش از پیری" در روایتی دیگر ایشان به امام حسن علیهم السلام فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا

الَّتِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَعَلَ لُبُّكَ» (دستی، ۱۳۸۰ / ۵۲۲ / نامه ۳۱).... "دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد؛ از این رو من پیش از آن که دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت پرداختم. باید والدین سعی کنند تا در این زمین آماده، تخم اصلاح شده بپاشند، زیرا جوان زود فرا می‌گیرد و دیر فراموش می‌کند و زود به سوی خوبی‌ها تمایل پیدا می‌کند (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۴۳). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: شنیدم که امام علیه السلام از شخصی به نام (احوال) از اوضاع بصره می‌پرسد که گرایش مردم به ولایت و اهل بیت چگونه است؟ (احوال) جواب می‌دهد که اندک است، اگرچه کارهایی شده ولی کافی نیست و ناچیز است. آن‌گاه امام صادق علیه السلام به وی می‌فرماید: هان! توجهت را بر جوانان متمرکز کن که آن‌ها زودتر به سوی خوبی‌ها می‌گریند. «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتِ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتِ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهُ إِيَّاهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ فَقَالَ عَلَيْنِكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۹۳) در صدر اسلام نیز جوانان در پذیرش دین حق پیشگام بودند، در حالی که برخی از پیران در معرض نفرین و غضب الهی قرار گرفتند (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۴۳) پس از این که با علم و عمل، درک جوانان، و تشویق آن‌ها به معنویت، جوان در خود احساس شکوفایی نموده و تلاش خانواده برای تقویت فرهنگ معنویت وی مؤثر واقع خواهد شد.

۲. معنویت افزایی توسط رابطه معرفتی

آموزش زندگی توأم با معنویت بخشی از وظایف والدین نسبت به فرزندان محسوب می‌شود. چنین آموزشی باید به شیوه‌ای جذاب، روان و قابل فهم صورت پذیرد تا مورد اقبال فرزندان واقع شود. در این مهارت افزایی، والدین باید با صبر و حوصله تمایل درونی و جدی جوان را به سمت معنویت هدایت کنند. در این میان والدین باید جوانان را درک نموده تا بتوان با آن‌ها ارتباط گرفته و تاثیرگذار باشند.

۱.۲. تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده

یکی از مهارت‌هایی که در مسیر تقویت معنویت جوانان مؤثر است، اصل همانندسازی است. فرزندان در صورت مقبولیت شخصیت والدین، خود را شبیه آن‌ها می‌نمایند. والدینی که بتوانند برای فرزندان خود الگوی مناسبی باشند و معنویت را چه در بُعد گفتار و چه در بُعد رفتار در خانواده ارائه دهند، فرزندان در صورت اعتماد به والدین تلاش خواهند کرد تا از طریق همانندسازی با آنان زمینه‌های معنویتشان را نیز با والدین تطبیق دهند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی که از جانب خداوند مامور به تبلیغ دین اسلام شد قبل از پرداختن و رسیدگی به جامعه مامور به تبلیغ دین در خانواده شد و آن را سر منشا تبلیغ خویش قرار داد و اولین کسانی هم که به وی ایمان آوردند خانواده او بودند. پروردگار در قرآن به بندگان خویش این‌گونه هشدار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید. چرا که فرزندان ما در زمره (اهل) ما هستند و اگر پدری به فرزند خود از آتش دنیا بی‌مناک است رواتر است که بر آواز آتش آخرت بی‌مناک‌تر باشد و این نیست جز آنکه شیوه‌های پسندیده در پرورش ابرگزیند. (بخشیان/۱۳۸۱/۱۴۷) در حقیقت فرزندپروری یکی از مقوله‌های اساسی زندگی بشری می‌باشد که این وظیفه خطیر در وهله اول بر عهده والدین می‌باشد که بی‌مبالاتی نسبت به تربیت معنوی فرزندان علاوه بر دنیای والدین گریبان گیر عالم آخرت آن‌ها نیز می‌باشد زیرا پرورش یک فرزند تنها پرورش یک شخص نیست بلکه پرورش یک نسل بعد از خود است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا يَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَحَدٌ بِدَنْبٍ أَعْظَمَ مِنْ جَهَالَتِهِ أَهْلِهِ وَ أَوْلَادِهِ» (کاشانی، ۷۳/۳) هیچ کس با گناهی که بزرگ‌تر از بی‌مبالاتی در قبال جهالت و بی‌ادبی خانواده و فرزندانش خدا را ملاقت ننموده است. این والدین هستند که در مقابل اعمال ناشایست فرزندشان مسئولند و باید تمام تلاش خود را برای تربیت او به کار گیرند. ناگفته نماند که مادران نسبت به پدران مسئولیت بیشتری دارند زیرا فرزند بیشتر از آن‌که در کنار پدر باشد وقت خود را در کنار مادر سپری می‌کند او را

می‌بیند و از او بیشتر از پدر الگو می‌گیرد البته نباید از تأثیر لقمه‌ای که پدر بر سر سفره زن و فرزندان می‌آورد، غافل شد. بنا به فرموده مقام معظم رهبری علیه‌السلام «مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان. در سالروز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۳۹۲/۲/۱۱، <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir/۲۲۴۴۳/>)

۲.۲. بیان بایدهای ارزشی شریعت محور

لازم است که بایدهای ارزشی شریعت محور برای جوانان ذکر گردیده و محور زندگی انسان‌ها قرار گیرد. شاید قدم اول والدین برای انتقال فرهنگ معنویت به جوانان بیان معیارهای رفتاری باشد و جوان را با رفتارهای درست و غلط آشنا نمایند، همچنین که در سیره معصومین علیهم‌السلام مشاهده میکنیم، آن بزرگواران بیان حلال و حرام را نخستین اقدام تربیتی خود قرار داده بودند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۴) یکی از بایدهای ارزشی و نقطه آغازین شریعت اسلامی که خداوند هم با آن شروع به بشارت و انذار مردم نمود، فرستادن پیامبران و امامان علیهم‌السلام بوده است. و اینچنین است که گام بعدی بعد از توحید توجه به فرمایشات و تقریر پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) است. زیرا اگر همین پیامبر (صلوات الله علیه) و معصومین علیهم‌السلام نبودند ما آشنایی کاملی به این معیارهای رفتاری حلال و حرام نداشتیم برای همین است که خداوند متعال در قرآن چنین بیان کرده است: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿ (نسا/۵۹)

این آیه به وظیفه مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولی الامر» هرگز مردم در بن‌بست قرار نمی‌گیرند. آمدن این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد، چون اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۹۳/۲) نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی بشری و تاریخ زندگانی معصومین و الگوگیری مردم از آن‌ها نمایان می‌کند تمام تلاش و کوشش فرستادگان الهی رسیدن به هدف والای آفرینش بوده. شکی نیست که محقق شدن یک جامعه آرمانی بدون وجود آن رهبران امکان پذیر نبود. در این میان خانواده باید با تقویت و تربیت جوانان انقلابی توسط بیان بایدهای ارزشی محور، آن‌ها را سمت و سوی معنویت سوق داده و هدفشان پرورش یک راهبر باشد. تا این جوانان هر کدام زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف شوند.

۲.۲-۱. آشنایی جوانان با توحید

از جمله بایدهایی که جوان حول محور شریعت باید به آن آگاهی پیدا کند آگاهی به خود است که تحت عنوان خودشناسی از آن یاد می‌شود. معنی خودشناسی این است که انسان جایگاه واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند که کیست و کسی که خود را بشناسد یقیناً خدایش را نیز بهتر خواهد شناخت، و کسی که خدایش را بشناسد در برابر آن قدرت نا متنهایی سر تعظیم فرو می‌آورد، و خود را در برابر جهان هستی و بندگان خدا بی تفاوت نمی‌داند و مشکلات و سختی‌های دیگران را مشکلات و گرفتاری خود می‌داند همه ارزش‌ها برایش مهم بوده و از ضد ارزش‌ها دوری می‌کند چرا که به نهایت معرفت یعنی خودشناسی رسیده است (ابن طاووس، ۱۴۲۵: ۱۴۱) به همین خاطر است که امام علی علیه السلام فرموده‌اند: "خودشناسی سودمندترین دانش هاست" «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ (آمدی و

همکاران، ۱۴۱۰ق/ح ۹۸۶۵) «شناخت معایب و گناهان در کنار شناخت محاسن و نیکوکاری‌ها دارای ابعاد اعتقادی عبادی اخلاقی و رفتاری می‌باشد و انسان باید همه این امور را با دقت مورد بررسی قرار دهد و خویشتن را آنگونه که هست بشناسد و برای پروردن خود تلاش نماید. کسی که به شناخت خود دست یابد به بزرگ‌ترین رستگاری و پیروزی رسیده. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۹۷)

همه ادیان در این بخش از جهان‌بینی مشترکند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج میزند که نشان‌دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3039>) یکی از علل دین‌گزیزی برخی جوانان و نوجوانان عدم آگاهی به مسائل دینی است. زیرا انسان طبیعتاً هر چه را نشناسد به سویش نمی‌رود و افکار و احساسات و حواس خود را به سوی آن معطوف نمی‌دارد. اما شناخت و آگاهی از زیبایی‌ها به‌ویژه اطلاع از منافع آن سریعاً انسان نفع طلب را به آن جذب کرده و آن را در نزد شخص دوست داشتنی می‌کند. برای همین اگر جوان با آثار و برکات و احکام و معارف دین آشنا شود فاصله آنان با حقایق دین کم خواهد شد. (پاک‌نیا، ۱۴۲۲ هـ: ۸ و ۹) لذا شایسته است جوانان را با بیان مسائل دینی، با توحید آشنا نمود و این امر باید توسط خانواده صورت پذیرد. سراسر آموزه‌های قرآن حول محور این محور اصلی می‌چرخد و اسلام همچون پیکری است که اعضا و جوارح گوناگون دارد اما روحش توحید است از این رو اهمیت آشنایی جوانان با توحید روشن می‌گردد. در قرآن کریم آیات زیادی به توحید اشاره کرده‌اند مانند: «کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی میل و رغبت یا بی‌میلی و کراهت و نیز سایه‌هایشان بامداد و شامگاه برای خدا سجده می‌کنند. ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ﴿ (رعد/ ۱۵) خانواده نخستین و مهم‌ترین منشأ تعالیم الهی است. محیط خانه محیط مساعدی است که والدین فرصت را مغتنم شمرده تا تعلیمات لازم را به فرزندان آموزش دهند که در این رابطه پیامبر (صلوات الله علیه) فرمودند: (خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را در راه نیکی یاری نماید. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ»

والدین باید توجه داشته باشند که فرزند را با عبادت و نماز که ساده‌ترین پیوند انسان و خالق است انس دهد. از آنجاکه فرصت جوانی برای آموزش اندک است، لازم است که در آموزش جوانان اموری را که دارای اولویت بیشتری هستند آموزش داد. امام علی علیه السلام در این رابطه فرمودند: سزاوارترین چیزها برای آموزش جوانان چیزهایی هستند که در سنین مردانگی به آن‌ها نیاز پیدا می‌کنند. «أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءِ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا إِحْتَاجُوا إِلَيْهَا» (ابن ابی الحدید: ۳۳۳/۲۰) و زبانی که باید در آموزش مفاهیم توحیدی به جوانان در همه ابعادش به کار رود زبان موعظه است خداوند متعال در قرآن میفرماید: "هنگامی که لقمان به فرزندش درحالی که او را موعظه میکرد گفت: ای پسرم چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک ظلم بسیار عظیمی است. ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان/ ۱۳) لقمان لباس وعظ را بر سراسر اندام تعلیم و تربیت فرزندش در بعدهای اصول اعتقادی توحیدی پوشاند. (پور علی فرد، ۱۳۷۹: ۱، ۸۷) آیت الله خامنه‌ای رحمته الله در مورد بیان ارزش توحید فرمودند: «در دعوت انبیا نخستین شعار، همان نغمه توحید است که حساس‌ترین و اساسی‌ترین نقطه است. حال پیروان انبیا از چه راهی می‌خواهند وارد شوند؟ بهتر و قاطع‌تر و نتیجه بخش‌تر از آن نقطه‌ای که انبیا از آن جا شروع کردند؟ ما چرا برای متدین کردن جامعه و مردم خود از آنجایی که انبیا شروع کردند شروع نمی‌کنیم؟ ما باید توحید را مطرح کنیم همان توحیدی که انبیا مطرح کردند.» چرا که شهوات و غرور جوانی، چشم دل انسان را می‌پوشانند و مانع از دیدن حقیقت می‌شوند. از این رو روایت شده است که جوان خدا پرست و مؤمن زیر سایه رحمت خداوند قرار خواهد داشت و

خداوند نیز، عنایت ویژه به او دارد (عارف صداقت، ۱۳۸۷: ۸۵). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «سَبَعَةُ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَسَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۹ق: ۵ / ۱۹۹) "در روزی که هیچ سایه‌ای نیست جز سایه رحمت الهی، هفت کس را خداوند در زیر سایه رحمتش قرار می‌دهد و آنان عبارت‌اند از پیشوای دادگر و جوانی که در پرستش خداوند عزو جل نشو و نمو کرده باشد" (بیانات مقام معظم رهبری، ۵۳/۷/۱۴) دین‌داری و مؤمن بودن بدین جهت است که در جوانی اهمیت فراوان دارد. پس یکی از راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده، بیان ارزش‌های معنوی برای جوانان است، تا جوان پس از فراگیری معنویت، تقویت شود.

۲.۲- بیان آثار دنیوی معنویت

با بیان کردن آثار دنیوی معنویت به جوانان آنان خود به سمت دین ترغیب خواهند شد. آثار عبارتند از:

۱. آرامش: جوانان و به‌طور کلی همه انسان‌ها در دنیای پراز فراز و نشیب امروزی به دنبال آرامش هستند و برای به‌دست آوردن آن از هر ابزاری استفاده می‌کنند که اکثراً هم بدان دست پیدا نمی‌کنند. در این که ایمان مایه آرامش آدمی است آیات و روایات فراوان در دست است از جمله: اوست که آرامش را به دل‌های مؤمنان نازل کرد.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...﴾. (فتح ۴)

۲. پشتیبانی الهی: از بشارت‌های آشکار الهی است که اهل ایمان در حمایت و پشتیبانی الهی‌اند و خداوند آنان را در سختی و دشواری یاری می‌دهد. همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان (برای گواهی دادن) به پا می‌خیزند یاری می‌کنیم. ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر/۱۳) چشم داشتن به رحمت پروردگار مایه امیدواری و دوری از یأس است. حقّ این است که جز گروه کافران، از رحمت خداوندی مأیوس نمی‌شوند. ﴿إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف، ۸۷) در دانش امروزی هم به اثبات رسیده که

اهل ایمان کمتر به یأس و افسردگی دچار می‌شود. ۴) جلب عنایت الهی: خداوند به مومنان عنایتی ویژه دارد و دعای آنان را مستجاب می‌کند این حقیقت هم در قرآن و هم در روایات به صراحت آمده است. (و دعای) کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش بر آنان می‌افزاید و برای کافران عذابی شدید است. ﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ (شوری، ۲۶). عزت: هرچند که دریافتن این حقیقت بر بی‌ایمانان دشوار است، اما عزت و سربلندی راستین از آن خداوند رسول و مومنان است. درحالی‌که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنان است. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون/ ۸) ۶). غیرت و جوان مردی: در قرآن ذکر شده است که: و (بندگان خاص خدا) کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی‌خوانند و انسانی که خداوند (خونش را) حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنانی کنند «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ» (فرقان ۶۸) از پاره از روایات نیز بر می‌آید که غیرت‌مندی و دوری از بی‌بند و باری از ایمان سرچشمه گیرد. (پاینده، ۱/ ۴۳۳) ۷). آرامش اجتماعی: ایمان مایه پایبندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و مسلمانان از تعدی به حقوق یکدیگر می‌پرهیزند و بدین سان ایمان سبب می‌شود جامعه اسلامی هم پیوسته در آرامش و آسایش باشد. مؤمن در رفتار و کردار و گفتار خویش می‌کوشد تا به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند. رفتار او به گونه‌ای است که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: مؤمن گویی لجام بر دهان دارد. «لَأَنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُلْجَمٌ» (خصال، ۱۳۶۲/ ج ۲/ ص ۲۲۹) ۸) برکت الهی: بیان برکت‌های الهی برای جوانان، می‌تواند در تقویت معنویت جوانان مؤثر واقع شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/ ۹۶) خداوند در این آیه بیان می‌دارد که چنانچه مردم، تقوا پیشه نمایند بیش از این که در آسمان‌ها و زمین موجود است بهره می‌برند

و رحمت بیشتری بر آن‌ها نازل می‌شود. شایسته است که جوانان با امثال این آیات آشنا شده و به وعده‌های الهی امیدوار شوند و توسط همین وعده‌ها تشویق به تقوای پیشه کردن شوند. (۹) برادری و محبت: ایمان مایه برادری و محبت بین مومنان است. این حقیقت را قرآن این چنین بیان می‌کند: همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات/ ۱۰) خلافت و حکومت الهی: از وعده‌های الهی به مومنان، حکومت یافتن در زمین است. با بیان این گونه شاهد مثال‌ها و رساندن وعده حتمی خداوند بگوش جوانان، و وعده خوار شدن کافران، معنویت جوانان تقویت می‌شود. خداوند باری تعالی در سوره نور می‌فرماید: هرگز گمان مبر که کفار، ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که بدسرانجامی است ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ التَّارُ وَ لَيْسَ الْمَصِيرُ﴾ (نور/ ۵۷) پس از بیان امثال این روایات برای جوانان، توسط خانواده، بنیاد فکری جوان پرورش و معنویت آن‌ها تقویت می‌گردد.

۲.۲ - ۳. توجه به پاداش الهی

آرزوی همه انسان‌ها جاودانگی است اما آن جاودانگی که همراه آسایش و سعادت باشد. پس انسان‌ها می‌کوشند تا با تقوا پیشه نمودن بهترین توشه را برای خود فراهم آورند. و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده بده که برایشان باغهایی است که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، هرگاه میوه‌ای از آن (باغها) به آنان روزی شود، گویند: این همان است که قبلاً نیز روزی ما بوده، درحالی که همانند آن نعمت‌ها به ایشان داده شده است (نه خود آن‌ها) و برای آنان در بهشت همسرانی پاک و پاکیزه است و در آن جا جاودانه‌اند. ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/ ۲۵) و با بشارت دادن این نوع آیات به جوانان در تقویت فرهنگ معنویت جوان تلاش شود. البته لازم به ذکر است که در کنار بشارت حتماً اندازها نیز بیان شود، زیرا که صرفاً بیان بشارت‌ها، آسیب‌هایی را به دنبال دارد، کما این که در قرآن کلمه بشیر و نذیر

کنار هم آمده است، و این نشان دهنده این است که این دو کلمه همراه هم باید تبیین گردد. آیات «مربوط به قیامت خیلی تکان دهنده است. من پیشنهاد میکنم هر کدام به تنهایی آیات قیامت را مرور کنیم؛ چون به آن احتیاج داریم. این دیگر از چیزهایی نیست که انسان بتواند آن را ثبت کند و آمار بدهد. صدها آیه در قرآن درباره قیامت وجود دارد؛ هم بشارت‌های قیامت هست، هم تهدیدهای آن؛ هر دو تکان دهنده است. بشارت‌های قرآن هم تکان دهنده و جذاب و شوق‌آفرین است این آیه شریفه برای من همیشه جالب بوده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ (طور/۲۱)

و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان، در ایمان از آنان پیروی کردند ما ذریّه آنان را به ایشان ملحق نموده و از پاداش عملشان هیچ نگاهیم. (آری) هر کس در گرو کاری است که کسب کرده است.. کسانی که توانسته‌اند ایمان ذریه خود را حفظ کنند -ولو عمل ذریه، آن چنان برجسته نیست - ما در درجات عالی معنوی، ذریه را به آن‌ها ملحق میکنیم. در روایت دارد: «لَتَقَرَّ عِوَنُهُمْ»؛ تا چشم‌هایشان روشن شود. مؤمن که شما باشید، اگر توانستید بچه خود را مؤمن بار بیاورید، خدای متعال کمبودهای این بچه را در قیامت، در بهشت و در عرصات دشواری که در برابر شماست، جبران می‌کند؛ او را به شما میرساند تا چشم و دل شما روشن شود. خدا برای یک مؤمن خیلی ارزش قائل است. (سخنرانی رهبری در دیدار مسئولان نظام؛ ۸۳/۰۸/۰۶: <https://khl.ink/f/3256//farsi.khamenei.ir>)

۲.۲-۴. بیان آثار اخروی معنویت

باید توجه جوانان به معاد و آخرت سوق داده شود. تفاوت جوانی که به معاد ایمان دارد و جوانی که به معاد ایمان ندارد در این است که جوان اول مرگ را پایان زندگی نمی‌داند و مرگ آغازی جدید است و فناپذیر. جوان‌ها باید بدانند که آخرتی وجود دارد و این علم آن‌ها تأثیر بسزایی در طریق زندگی آنان دارد. اگر آنان بی‌اعتقاد به معاد باشند دیگر انگیزه‌ای برای انجام فرایض و شوق به ادامه زندگی را از دست خواهند داد. و حال این این که معاد امری

انکارناپذیر می‌باشد و آدمی با تمامی اختیارات و قدرت‌هایی که دارد در برابر معاد عاجز و ناتوان است.. ﴿قُلْ فَادْرَءُوا عَنِّي أَنفُسِكُمُ الْمَوْتِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران/۱۶۸) یاد مرگ خواهش‌های باطل را از دل زایل می‌کند و ریشه‌های غفلت را می‌کند، و دل را به وعده‌های الهی قوی و مطمئن می‌گرداند و طبع را رقیق و نازک می‌سازد و علم‌های هوا وهوس را می‌شکند و آتش حرص را فرو می‌نشاند و دنیا را حقیر و بی‌مقدار می‌سازد «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَقْطَعُ مَنَابِتِ الْغَفْلَةِ وَ يُقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ يُرِقُّ الطَّبَعِ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَ يُظْفِرُ نَارَ الْحِرْصِ وَ يُحَقِّقُ الدُّنْيَا» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۷۱)

یاد مرگ همچنین باعث آسان شدن سختی‌های زندگی می‌شود و دیگر جوان مشکلات و موانع موجود در مسیر زندگی را به آسانی می‌گذرانند. وقتی جوان تنها به فکر دنیا و امور دنیوی باشد آلوده به غفلت می‌شود و یاد مرگ این آلودگی را می‌زداید. همچنان که پیامبر اکرم ﷺ به این موضوع اشاره کرده‌اند: همچنان که آهن زنگ می‌زند این دلها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا صیقل دادن آن‌ها به چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن و به یاد مرگ بودن. «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ إِذَا أَصَابَهُ الْمَاءُ قِيلَ: وَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (ابن ابی جمهور: ۱/ ۲۷۹)

بنا براین: با بیان آثار و برکات اخروی ایمان و معنویت؛ جوانان اعمال خود را بیهوده نمی‌انگارند و با دانستن این که اعمال در دنیا نتیجه و آثاری در آخرت دارند به سوی معنویات ترغیب خواهند شد. قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛ ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾. (زلزله/۵) ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه عملی‌اش این معنا باشد که ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾، (زلزله/۶) در زندگی‌اش تحوّل اساسی به وجود خواهد آمد. اعتقاد به امتداد نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا می‌بخشد و منطقی می‌کند. یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. (امام خامنه‌ای، بیانات

در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۸۹/۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/10664>

۳. تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان

مرگ و زندگی مهم‌ترین مسئله آدمی در طول تاریخ است. آدمی فطرتاً طالب حیات است و متقابلاً از مرگ فراری است، لذا جدی‌ترین مسئله در زندگی را مرگ تشکیل می‌دهد که دغدغه انسان را به خود اختصاص داده است. نوع نگاه آدمی به مرگ تأثیر بسیار قابل توجهی در نحوه زندگی آدمی دارد. (بهرمان؛ ۵۲/۱۳۹۰)

ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خوب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی می‌کند، عقلانی می‌کند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است؛ ﴿إِنَّ التَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت این‌جا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۸۹/۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/10664>)

خانواده دین‌باور با تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان، نگاه وی را به زندگی متفاوت کرده و با تقویت روحیه انقلابی در وی، معنویت او را افزایش داده و افرادی چون؛ شهید سلیمانی‌ها و شهید حججی‌ها و شهید زمانی‌ها که مدافع انقلاب شدند را به ذات اقدس اله هدیه نموده و با حماسه‌سازی شهدا، الگویی برای جامعه و دیگر جوانان رقم زدند، این افراد در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که بذریه روحیه انقلابی را توسط معنویت در فرزندان خود آبیاری نموده و پس از تقویت آن به ثمره آن دست یافتند که همان قرب الهی است. و همه مراحل مذکور ذی مقدمه این اصل مهم؛ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فرهنگ مقوله‌ای بسیار گسترده می‌باشد و عامل سازنده هویت فردی و اجتماعی است از آنجایی که نیروی جوان نه تنها از سرمایه‌های عظیم هر ملت و مملکتی است که از نعمت‌های پر ارج خداست. لذا همه توجهات باید به سمت جوان مملکت معطوف بشود. آموزش نکات مهم و کلیدی در دوران جوانی یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های هر ملتی است چرا که جوانی دوره‌ای است که در آن علوم و فنون ثبوت و رسوخ بیشتری در جوان دارد. با بیان باید‌ها و نباید‌های رفتاری و عمل جوان به آن‌ها شخصیت وی به عنوان فردی مؤثر در جامعه شکل می‌گیرد. نباید استعدادهای و گرایش‌های معنوی جوان نادیده گرفته شود. نفس او پاک و عاری از هر گونه ناملاطی است. باید اجازه داد طبق فطرتش زندگی کند و مانع رشد او نشوند، بلکه برای تسریع روند رشد وی با ارایه الگوهای مناسب در این مسیر سرنوشت ساز او را یاری نمود، چرا که شخصیت جوان در این دوره شکل می‌گیرد و با شکل‌گیری درست این شخصیت، آینده وی تضمین می‌شود چه بسا همین جوانان پرورش یافته بتوانند جوانان دیگر را به راه راست هدایت نموده و به مرور جامعه را به رشد و تعالی برسانند. از جمله راهکارهای تقویت فرهنگ معنویت در نسل جوان توسط خانواده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱. معنویت افزایشی توسط رفتار عملی ۲. معنویت افزایشی توسط رابطه معرفتی

معنویت افزایشی توسط رفتار عملی از طریق:

۱. جلب اعتماد جوان ۲. همراهی علم و عمل ۳. درک جوانان و نیکی به آنان ۴. تشویق جوانان به معنویت ۵. شکوفاسازی گرایش جوانان توسط خانواده؛ چرا که فطرت انسان‌ها و به خصوص جوانان پاک است و باید زمینه‌هایی درست فراهم شود تا استعدادهای و گرایش‌های پاک او که از سرشتش نشئت گرفته و شکوفا شود. و فراهم‌سازی این زمینه‌ها در مرحله اول بر عهده خانواده است.

۲. معنویت افزایشی توسط رابطه معرفتی از طریق:

۱. تقویت فرهنگ معنویت توسط خانواده
 ۲. بیان بایدهای ارزشی شریعت محور برای جوان؛ تا جوان بایدها و نبایدها را توسط خانواده بشناسد و عمل والدین را مشاهده نموده و با این فرهنگ رشد کند.
 ۳. آشنایی جوانان با توحید و بیان آثار دنیوی و اخروی معنویت؛ که او بداند معنویت و ایمان در هر دو عالم باعث سعادت خواهد شد.
 ۴. تقویت فرهنگ شهادت طلبی در جوان؛ و همه مراحل مذکور ذی مقدمه این اصل مهم؛ می باشد.
- در موارد مذکوره آیات و روایات و همچنین بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله اشاره شده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی تا، محققین: محمد ابوالفضل اراهیم، ج ۲۰، نشر الحیاء التراث العربی، ک ۸۱۷
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی العالی العزیزیه فی احادیث الدینیہ، جلد ۱
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰، طرف من انباء والمناقب، مشهد، چاپ اول، تاسوعا.
۵. اسلامی نسب، محمد علی، ۱۳۸۰، رابطه دین و دنیا، منبع: حکومت اسلامی شماره ۲۱
۶. امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، با مقدمه ای از علی خامنه ای، جلد ۱۶، نشر مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. امام سجاد، حضرت علی بن الحسین، ۱۳۷۴، ترجمه: حسین انصاریان، ویرایش: حسین استاد ولی، تهران، پیام آزاد
۸. انوی، حسن، ۱۳۸۶، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، چاپخانه مهارت، جلد ۷، انتشارات سخن، چاپ چهارم
۹. بانکی پور فر، امیرحسین، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، احمد قماشچی، تهران، نشر تربیت اسلامی، وزارت آموزش پرورش، چاپ اول
۱۰. بخشیان، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، پرواز در فضای جوانی، چاپ اول، نشر روحکاشانی، مولا محسن، ج ۳، چاپ قم، ناش: مؤسسه المحب
۱۱. بهرمان، نسترن، ۱۳۹۷، الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر نهج البلاغه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران
۱۲. پاک نیا، عبدالکریم، بی تا، منشور نسل جوان در سیره امام صادق علیه السلام، شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۹۵۷-۸۰
۱۳. پور امینی، محمد باقر، ۱۳۸۸، پیامبر و جوان امروز، قم، کتابخانه طاهها، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱۴. پور علی فرد، محمد مهدی، ۱۳۷۹، روش تربیت دینی جوان و نوجوان، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات شاکر.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه، قم، مؤسسه ال بیت.
۱۶. حرانی، حسن بن شعبه، ۱۳۷۶، تحف العقول عن آل رسول ﷺ ترجمه: محمد باقر کمره‌ای و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، چاپ ششم انتشارات کتابچی.
۱۷. خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹ش، جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، قم، چاپ ۲
۱۸. دشتی، محمد، ۱۳۸۰، نهج البلاغه، قم، چاپ ۱۱، مؤسسه انتشارات مشهور.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۰
۲۰. دهقانی اشکذری، ۱۳۸۹ علی محمد، اسلام و جوانان و تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، قم، چاپ اول، انتشارات احمدیه
۲۱. راوندی، الدعوات، قم، دارالحدیث، بی‌تا.
۲۲. سادات، محمد علی، ۱۳۷۴، راهنمایی پدران و مادران، جلد ۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۳. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، انتشارات اسلام، جلد ۱، چاپ ۱۷
۲۴. شرفی، محمد رضا، ۱۳۹۴، دنیای نوجوان، چاپ ۱۸، ناشر منادی تربیت
۲۵. شریف الرضی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، مصحح: فیض الاسلام، قم، چاپ اول، هجرت.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبع الحیدریه، بی‌تا.
۲۷. شهید مطهری، مرتضی، بهمن، ۱۳۶۹ مجموعه آثار، ج ۲، چاپ اول، انتشارات صدرا.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، الخصال، المجموعه: مصادر الحدیث الشیعه، قسم الفقه، تحقیق تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ناشر: منشورات جامعه المدرسین فی حوزه علمیه قم.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، قم، ایران، الشریف الرضی
۳۰. طبرسی، علی بن حسین، ۱۳۶۵، مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، تهران، چاپ دوم، نشر فراهانی.
۳۱. طوسی، امالی، ۱۳۸۸، امالی شیخ طوسی، ج ۱، مترجم: صادق حسن زاده، قم، چاپ اول، نشر: اندیشه هادی

۳۲. عارف صداقت، محمد، ۱۳۸۷، جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام، معاونت پژوهش قم، چاپ اول، چاپخانه: جامعه المصطفی، برای جامعه المصطفی علیهم السلام العالمیه.
۳۳. طباطبائی، محمد حسین، سال ۱۳۷۰، قرآن در اسلام، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، اسفندماه
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۴۰۳ بحار الانوار، ج ۷۷، چاپ سوم، انتشارات الوفاء، بیروت.
۳۵. علی بن ابی طالب، امام اول، ۱۹۹۰م، غررالحکم و دررالکلم، پدید آوران: آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، مصحح: مهدی رجایی، قم، ایران، ناشر: دار الکتب الاسلامی
۳۶. عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، انتشارات معین، تهران، چاپ ۱
۳۷. الغیره پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، جلد ۱، نشر دنیای دانش.
۳۸. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۸۸، گفتار فلسفی جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، چاپ ۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۹. فونتا، دیوید، ۱۳۸۵، روان شناسی دین و معنویت، مترجم: الف / ساوار، چاپ اول، نشر ادیان
۴۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، چاپ ۱۱، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۴۱. قمی، شبخ عباس، ۱۳۷۳، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی
۴۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ هـ، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، جلد ۱، تهران، چاپ ۴، دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم والمواعظ (الیثی)، قم، چاپ اول، دارالحدیث.
۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۵۷، بحار الانوار، ج ۷۵ و ۷۸، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفا.
۴۶. محمدی ری شهری و دیگران، محمد، ۱۳۸۴، منتخب میزان الحکمه، چاپ سوم، دار الحدیث قم
۴۷. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۳، میزان الحکمه، ج ۱۰، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷ش، تهاجم فرهنگی، قم، چاپ دهم، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی علیه السلام

۴۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دیبا، ج ۲، چاپ ۲.
۵۰. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم، ۱۳۶۰ ش، مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۵۱. نوری طبرسی، حسین، بی تا، مستدرک الوسائل الشیعه، جلد ۶، و جلد ۸، بیروت، مؤسسه ال بیت الاحیا التراث.
۵۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۸۹، تاریخ الیعقوبی، ترجمه محمد بن ابراهیم آیتی، چاپ ۱۱، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۵۳. رامین ترابی، نشریه حدیث زندگی بهمن ۱۳۹۲. www.al-shia.org
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

نقش مادران در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب با تربیت دینی فرزند

زینب طیبی (نویسنده مسئول)^۱

سیده زینب توسلی^۲

چکیده

جامعه اسلامی ایران درکشاکش روزگار و پستی و بلندی‌های ایام و مشکلات دوران، باید نگاهش همواره به قله باشد و فراموش نکند که فرزندی که در دامن آن پرورش می‌یابد، قرار است چه باری را در راستای تربیت فرزندان انقلابی به دوش بکشد. تربیت دینی کودکان اهمیت خاصی در پرورش نسل کارآمد و انقلابی دارد. در تربیت صحیح دینی فرزند نقش مادران بسیار اساسی است و این مهم مورد توجه پیشوایان دینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی است. آنچه باید مدنظر قرار گیرد تقلید و الگوپذیری فرزند گفتار و کردار مادر است و نخستین تجربیات یادگیری مفاهیم اخلاقی و اعتقادی و دینی، از طریق ارتباط کودک با مادر شکل می‌گیرد. بر این مقاله بر آن است تا نقش مادران در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را از طریق تربیت دینی فرزند را بررسی کند. روش تحقیق جستار حاضر کتابخانه‌ای است و با بررسی توصیفی - تحلیلی کتب دینی، اخلاقی و روانشناسی مطالب

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح دو مدرسه عالی حضرت آمنه علیها السلام، قم. ztayyebi62@gmail.com

آن گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محبت، بازی، تلقین خوبی‌ها، پرورش فطرت خداپرستی در فرزند، پرورش حس دینی و مذهبی با شناساندن پدیده‌های جهان، آموزش وظایف دینی و احکام شرعی از جمله بایسته‌های مادران در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

کلید واژگان: بیانیه گام دوم انقلاب، مادر، تربیت دینی فرزند، روش الگویی.

مقدمه

سهام مادر در تربیت پیش از تولد فرزند به مراتب بیشتر از پدر است. البته انعقاد نطفه بین پدر و مادر به طور متساوی است و هر دو در آن سهیمند، ولی مادر از نظر دوران حمل و تغذیه کودک در رحم، سهم بیشتری در ساخت جسم و جان فرزند به دست دارد، به همین جهت تأثیر مادر در خوشبختی و بدبختی فرزند بیشتر از پدر است.

طفل در شکم مادر درست مانند یک عضو مادر است و کلیه عواملی که در جسم و جان مادر تأثیر می‌گذارد در فرزند نیز مؤثر خواهد بود. دوران حمل برای طفل سرنوشت ساز است و مادر باید متوجه باشد که تمام روحيات او روی بچه‌ای که در شکم دارد اثر می‌گذارد شیر مادر نیز تأثیر عمیقی بر بچه دارد؛ همچنان که غذای مقوی مادر بر بنیه و قوه جنین تأثیر دارد که البته از نظر معنوی هم تأثیری عجیب دارد. روحيات مادر بیشتر روی شیر اثر می‌گذارد. پس باید گفت: اول آن که مادر باید با تقوا باشد، همچنین مواظب باشد در وقت شیر دادن مرتکب گناهی نشود. عامل بسیار مهم دیگر حلال و طیب بودن غذای مادر است که بسیار بر مادر و فرزند اثر والایی می‌گذارد. همچنین روحيات مادر بر فرزند مؤثر است، پس مادر باید خود را اصلاح کند تا فرزندى نیکو پرورش دهد.

اسلام هم در مورد تربیت نظریه‌ای ارائه کرده است و آن عبارت است از هدایت انسان‌ها برای تکامل آن‌ها و ایجاد حالتی تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه جهت رشد و تکامل آدمی است.

با توجه به تعاریفی که در مورد تربیت بیان شد می‌توان گفت که تربیت عملی عمدی و آگاهانه است و از سوی عاملی قدرتمند و نافذ برای افرادی اعمال شده و دارای هدف و غایت بوده و آن هدف رشد و تکامل انسانهاست.

با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب و توصیه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با خودسازی فرد و تقویت بنیه دینی (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>) آگاهی مادران از

ارزش‌های اخلاقی و معنوی و تربیت مذهبی فرزندان ضروری است تا به اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب دست یابند. هر انسانی در جامعه به‌عنوان یک فرد مسئول این وظیفه را دارد که برای تربیت نسلی پاک، قدم پیش نهاده و زمینه را برای ایجاد جامعه‌ای که دارای رشد فرهنگی است فراهم کند.

در ارتباط با نقش مادر در تربیت دینی فرزند تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است، کتاب ریحانه بهشتی یا فرزند صالح از سیما مخبر در سال ۱۳۸۰ یکی از این موارد است که در زمینه برنامه اخلاقی، عبادی، پزشکی و تغذیه قبل از بارداری تا پایان شیردهی و دعاها و اعمال والدین، که مربوط به قبل از انعقاد نطفه تا آخرین ماه حاملگی است. پژوهش دوم تعلیم و تربیت اسلامی است که نوشته آقای حسین مظاهری در سال ۱۳۸۸ می‌باشد. این پژوهش به‌عنوان مقدمه‌ای برای آشنایی با مبانی تربیتی اسلام، بسیار مفید و راهگشای حل بسیاری از معضلات تربیتی است. در این کتاب ضمن بررسی اصول و مبانی تربیت مانند: نسبت اخلاق، معیار فعل اخلاقی، پرورش یا مبارزه با خود، مراحل خروج از خودخواهی و توجه به استعدادها و انسانی به عوامل تربیت مانند: تعلیم و پرورش عقل، تزکیه نفس، عبادت، مراقبه و محاسبه، معاشرت با صالحان، ازدواج، جهاد و کار پرداخته است. پژوهش بعدی هم نقش خانواده در تربیت کودک از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نام دارد که در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است. این پژوهش در مورد اثرگذاری تربیت وراثتی و تربیت محیطی خانواده در ابعاد دینی و مذهبی، تربیت عاطفی، تربیت علمی و فرهنگی پرداخته است.

تفاوت پژوهش‌های پیشین با این تحقیق در آن است که همه آن نوشته‌ها به‌طور محدود در یکی از موارد تربیتی اعم از اخلاقی، رفتاری، محیطی، اجتماعی، فرهنگی مانند: گرایش‌های مثبت و منفی کودکان، تأثیر رفتار والدین در تشکیل نطفه و بروز آثار آن و... پرداخته‌اند اما محقق درصدد برآمده تا تمام این عوامل را یکجا مورد بررسی قرار داده و بیشتر به نقش مادران در تربیت دینی فرزند پردازد و از این طریق در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

نقش آفرینی کند.

مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت از نظر لغوی به معنای پرورش دادن است که در دین مبین اسلام از وظایف حتمیه هر کسی است که خود و هر کسی را که در حوزه تسلط اوست تربیت کند و خویشتن را مسئول پرورش آن بداند (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۵۳۳).

این واژه در اصطلاح به معنای عام، پروراندن هر چیزی است که به گونه‌ای که شایسته آن است. و این معنا جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها را شامل می‌شود. همچنین در مورد پرورش روح و جسم به کار می‌رود (همان).

تربیت از سوئی علم است، چون دارای موضوع، هدف و روش است. از سوئی فن است، زیرا جریان نمای قوای انسانی با فنونی باید تحت مراقبت آید. تربیت از سوئی هنر است، چون در آن توجه به لطافت‌ها و ریزه کاری‌ها است که برای دوباره ساختن و سازمان دادن ضروری است. تربیت نوعی خدمت بر خود و جامعه انسانی است و به وسیله آن می‌توان فرد را موجودی مفید ساخت و به حقیقت آدمیت واصل کرد (همان).

نقش مادران در تربیت دینی فرزند

۱.۱. پیش از تولد

از نگاه پیامبر ﷺ، تربیت و پرورش کودک، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود. توصیه‌های پیامبر ﷺ به مردان مبنی بر انتخاب همسر نیکو و صالح و حتی اشاره به ویژگی‌های جسمی و روحی زن، بیان‌گر این معناست. آن حضرت فرمود: «دقت کن و ببین نطفه خود را در کجا قرار می‌دهی؛ زیرا خلیقیات از خانواده به فرزند می‌رسد» (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۹۳). بر شما باد که از ازدواج با زنان کم‌فهم و نادان پرهیز کنید؛ زیرا زندگی با آنان دردسر، و فرزندانشان ضایع و تباه می‌شوند (حزّ عاملی، ۱۴۱۶ق: ۵۶). همچنین توصیه‌های پیامبر ﷺ به دعا و ذکر پیش از انعقاد نطفه، بیان‌گر تأثیر دعا و حالات معنوی و روحی پدر و مادر در انعقاد نطفه است

(ابن‌شبعه حرّانی، بی‌تا: ۱۵)

۲.۱. دوران جنینی

امروز بیش از گذشته، دوران جنینی و تأثیر تغذیه و حالات و روحيات مادر بر جنین مورد توجه قرار گرفته است. از نظر روان‌شناسان و پزشکان، آرامش یا اضطراب مادر در دوران بارداری و نوع تغذیه و سلامت و حتی حالات روحی و روانی مادر، مستقیماً بر سلامت جسمی و روحی جنین اثرگذار است. به لحاظ روان‌شناسی، علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر، حالت‌های هیجانی مادر از قبیل خشم، ترس و اضطراب می‌تواند در عکس‌العمل‌ها و رشد جنین تأثیر بگذارد؛ زیرا این حالت‌ها، مواد شیمیایی ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق جفت وارد بدن جنین شود. همچنین ترشح برخی هورمون‌ها باعث تغییر در سوخت و ساز بدن و ترکیبات خون می‌شود و از طریق جفت در جنین اثر می‌گذارد و حرکات جنین را افزایش می‌دهد. توصیه‌های پیامبر ﷺ و دیگر پیشوایان دینی مبنی بر توجه و مهرورزی به مادران باردار و حمایت عاطفی از آنان به وسیله همسر، در راستای توجه به همین امر است (سیف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۲). از دیگر موارد، اهمیت تغذیه مادران باردار است که مورد توجه پزشکان و دانشمندان قرار گرفته است. در سخنان رسول خدا ﷺ نشانه‌هایی از توجه آن حضرت به این مطلب به چشم می‌خورد. توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر دادن به، کندر و خرما به زنان باردار و تأثیر آن در خلق و خو و ظاهر فرزند، از جمله این موارد است (طبرسی، ۱۳۶۵: ۳۳۸ - ۳۷۹).

۲.۱-۱. زمان بارداری

از آنجاکه اسلام دین کامل و جامعی است همان‌طور که قبل از انعقاد نقطه دستور داد، تا غذای حلال خورده شود و از غذای حرام به‌خاطر تأثیر در شقاوت فرزند اجتناب شود همین اسلام دستور می‌دهد قبل از انعقاد نطفه غذای مقوی خورده شود چون در سلامت فرزند دخالت دارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه

می‌شود و فرزندش نیکو می‌گردد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۱۰). اسلام به مادر توصیه می‌کند در دوران بارداری از غذای سالم استفاده کند چون در روحیه و جسم فرزند تأثیر می‌گذارد. پیامبر اکرم می‌فرماید: به زنان بارداران کندر دهید، چرا که به خرد کودک می‌افزاید. همین اسلام می‌گوید، مادر در دوران بارداری به حالات روحی خود توجه کند مواظب باشد گناه نکند، باید مواظب باشد صدای ساز و آواز نشنود باید مراقب باشد غیبت نکند باید مواظب باشد بدنش را نا محرم نبیند. امام خمینی علیه السلام در این زمینه بر این باور بودند که «شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیاء فرستاد» (خمینی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰) در ارتباط با ارزش مادری نیز، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند برای زن باردار، اجر و پاداش کسی را می‌نویسد که روزها را روزه دارد و شب‌ها را به عبادت مشغول است.» (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۰۱).

۲.۱- ۲. تأثیر عوامل بیرونی بر جنین در دوران بارداری

هیجان‌های شدید، فکر و خیالات بسیار، اندوه و ترش رویی، افکار تیره، تاسف از آپستن شدن، نگرانی از این که مولود دختر باشد یا پسر، ترس، غم، شادی، خشم، اضطراب همه در جنین مؤثر است. مادر باید به تماشای مناظر زیبا بنشیند؛ چشم به افق بدوزد به سبزه و گل نگاه کند؛ حتی منزلی که در آن زندگی می‌کند فرح بخش باشد. شوهر باید بیشتر با زن ارتباط روحی داشته باشد از آینده کودک؛ پذیرش وی؛ و درباره احساس غرور از داشتن فرزند با او سخن بگوید. باید نشان بدهد نه تنها از دگرگونی جسمی زن ناراحت نیست بلکه بیشتر در کنار او می‌ماند. تکیه گاه بودن و همراهی با زن تحملش را در مقابل ناگواری‌های دوران بارداری افزایش داده و درد زایمان را برای او قابل تحمل‌تر خواهد کرد (مخیر، ۱۳۸۱: ۲۷). از آیات و روایاتی که به‌طور کلی دستور به تلاوت قرآن و مانوس بودن با قرآن می‌دهند، استفاده می‌شود که تلاوت قرآن همیشه خوب است و مایه آرامش روحی انسان است از این رو مادری که باردار است هر چه بیشتر قرآن تلاوت کند، سبب آرامش خود و فرزندش می‌شود.

مخصوصاً خواندن بعضی سوره‌ها مثل حمد و توحید و یس و... یا بعضی آیات مثل آیه الکرسی و... که دارای اثرات و برکات زیادی است (همان). در روایات درباره خواندن سوره مخصوصی در دوران بارداری مطلبی نیامده و تنها خواندن بعضی آیات برای آسان شدن وضع حمل یا خوردن بعضی چیزها برای نیکو شدن اخلاق و زیبایی فرزند توصیه شده است. البته در کتاب ریحانه بهشتی یا فرزند صالح در بخش توصیه‌های عبادی و خوراکی در ایام بارداری، خواندن بعضی سوره‌های قرآن یا بعضی دعاها در ماههای مختلف بارداری توصیه شده است و در آن جا آمده که خواندن سوره انبیاء باعث صالح شدن فرزند، خواندن سوره عصر باعث صبور شدن فرزند می‌شود (همان: ۳۸).

۲.۱-۳. تأثیر شنیدارهای مادر بر جنین

هوش و ذکاوت یکی از سرمایه‌های ارزشمندی است که خدای متعال در وجود ما انسان‌ها قرار داده است. انسان به وسیله هوش و ذکاوت خویش است که می‌تواند در زندگی مادی و معنوی خود موفق باشد. یکی از عوامل مهم تأثیر گذار در هوش و فراست کودکان، گوش دادن به کلام الله مجید در دوران بارداری توسط مادر است همچنین اثر بسیار زیادی بر شادی روح انسان دارد و شادی روح انسان بر شادابی شخص مؤثر است. در واقع گوش دادن به آیات قرآن نقش بسیار ارزشمندی در عاقل و شاداب شدن روح فرزند دارد و در قرآن کریم هم بر مسئله تعقل در آفرینش و کارهای خدای متعال تأکید فراوان شده است. اگر خواهان فرزند باهوش و با فراست و عاقل هستیم، تلاوت و گوش دادن به آیات نورانی قرآن در دوران بارداری را فراموش نکنیم. درباره تأثیر صدای قرآن روی جنین تحقیقات زیادی انجام شده است و روانشناسان، متخصصین شنوایی، و نیز مدرسین قرآن می‌گویند: جنین با هر صدایی که انس بگیرد پس از تولد و در دوران کودکی به آن صدا پاسخ‌آشنایی می‌دهد. همین تحقیق درباره شنیدن صدای قرآن نیز آزمایش شده است، به گونه‌ای که کودکانی که در ایام جنینی صدای قرآن شنیده‌اند پس از تولد نسبت به شنیدن این صدا عکس‌العملهای آشنایی از خود بروز می‌دهند (همان). فرزندی که در شکم مادر توسط شنیدن به

موسیقی‌های حرام رشد کند روان او در ابتدای خلقتش کدر می‌شود و این ظلم بزرگی است که مادر می‌تواند در حق فرزند خود روا کند که این مضرات بدون دخالت و اختیار فرزند بر خود صورت می‌گیرد که به صورت مورثی قلمداد می‌شود و چه بسا به نسل‌های بعد نیز منتقل خواهد شد. از جمله این این آسیب‌ها:

۲.۱- ۳- ۱. گمراهی و غفلت از خدا

از بزرگ‌ترین آثاری که برای موسیقی ذکر شده است دور شدن از یاد و ذکر خداست. قرآن در سوره لقمان یکی از عوامل گمراهی و ضلالت را «لَهو الحدیث» دانسته است. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان/۶). «لهو یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتدال و بی بند و باری» (قدوسی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

۲.۱- ۳- ۲. گرایش به فساد

غنا و آواز مطرب و لهوی، انسان را به سوی شهوت و فساد اخلاقی می‌کشاند و از راه پرهیزکاری باز می‌دارد. مجالس غنا و موسیقی، معمولاً جزو مراکز مفاصد گوناگون است و این خود دلیل روشنی است بر این که موسیقی درگرایش به فساد نقش مؤثری دارد. در حدیثی از نبی اکرم ﷺ آمده است: «الغناء رقية الزنا»: «غنا نردبان زنا است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ۲۴۷)

۲.۱- ۴- ۲. تأثیر دیدارهای مادر بر جنین

دیدن فیلم‌های مبتذل ممکن است همراه با خودارضایی هم باشد. خودارضایی باعث انقباض رحم می‌شود و احتمال زایمان زودرس و سقط را در کسانی که تهدید به سقط هستند و یا در ۳ ماه اول بارداری هستند افزایش می‌دهد. اما علاوه بر این مسئله در دوران بارداری توصیه می‌شود توجه ویژه‌ای به حالات روحی و روانی خود داشته باشید. حالات

معنوی مادران باردار تأثیر مستقیمی روی جنین دارد. دیدن و شنیدن چیزهای زیبا آرامش را برای جنین به همراه می‌آورد. به طور کلی انرژی و فرکانس مثبتی از دیدن فیلمهای پورن حاصل نمی‌شود و احساس گناه به شما می‌دهد و به لحاظ شرعی هم حرام است. طبق تحقیقات، مادرانی که از آرامش برخوردارند و به مسائل معنوی در ایام بارداری خود بیشتر توجه دارند بر حالات جنین خود اثرات مثبتی می‌گذارند بر عکس اضطراب‌ها، تشویش‌ها، احساس گناه مادر می‌تواند اثرات منفی‌ای بر جنین بگذارد.

۲.۱- ۵. تأثیر گفتارهای مادر بر جنین

مادرباردار باید مواظب صحبت کردن خود نیز باشد زیرا اگر غیبت کند گوشت برادر مرده خود را خورده است و این غیبت بر روی بچه هم تأثیر می‌گذارد و دیگر گناهان زبان و جوارح هر کدام بر روی جنین اثر می‌گذارد و زمینه برای شقاوت بچه می‌شود. زیرا همان‌طور که اگر غذای لطیف بخورد روی بچه اثر می‌گذارد همچنین گناه روی بچه اثر می‌گذارد.

۲.۱- ۶. تأثیر خوراک بر جنین

چه قبل و چه بعد از بارداری سعی کنید از غذای پاک و حلال استفاده نمایید، در روایات بدان بسیار سفارش شده است. همچنین در احادیث به خوردن برخی از مواد غذایی اشاره شده، مثلاً در مورد زیبایی چهره ظاهری نوزاد با توجه به روایات اهل البیت علیهم السلام به یک مورد که خوردن گلابی توسط والدین به ویژه پدر پیش از نزدیکی و بسته شدن نطفه است، اشاره می‌شود. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که روزی گلابی خود را نصف کرد. نصفش را خود خورد و نصف دیگرش را به جعفر بن ابیطالب رضی الله عنه داد و به او فرمود: بخور، گلابی رنگ را جلا می‌دهد و فرزند را نیکو می‌گرداند (مجلسی، ۱۳۹۱، ج ۶۶، ۱۷۰). در روایات دیگر هم آمده است که به زنان باردار گلابی بدهید تا چهره و سیمای فرزند، همچنین اخلاقش نیکو و زیبا شود. خوردن گلابی مایه قوت قلب، پاکی معده، صفای دل و درون، شجاعت و زیبایی فرزند می‌گردد (کلینی ۱۳۷۵، ج ۵، ۳۵۷).

۳.۱. دوران بعد از تولد

این دوران که حدود یکی دو هفته نخست اول زندگی را شامل می‌شود (سیف و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۷۹)، مورد توجه پیامبر ﷺ قرار گرفته است. از رسول خدا ﷺ درباره تولد نوزاد، آداب نقل شده است که غالباً تا امروز نیز ادامه دارد و خانواده‌ها خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند. از جمله آن‌ها می‌توان به گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، عقیقه و صدقه، نام‌گذاری نیکو و تغذیه با شیر مادر اشاره نمود. ضمن توجه به موارد مذکور باید دانست که اولین و مهم‌ترین محیطی که نوزاد در آن ورود پیدا می‌کند، خانواده است و محیط خانه تأثیر بسزایی در روند رشد و شخصیت و شکوفایی استعدادهاى فرزند دارد و به جد می‌توان گفت که تأثیر ویژه‌ای را در حیطه عاطفی فرزند خواهد گذاشت. از این رو معصومین علیهم‌السلام سفارشات زیادی در مورد رفتار والدین در خانه با کودکان کردند که نمونه‌هایی از آن در قالب اصول تربیت آورده شده است. اصول و مراقبت‌های عمومی مادر در امر تربیت فرزند از بدو تولد تا دوره جوانی و پس از آن به شرح ذیل است:

۳.۱-۱. سیادت فرزند

هفت سال اول حیات انسان، اساس شکل‌گیری شخصیت انسان است که در بیانات پیامبر اکرم ﷺ دوره «سیادت و آقایی» نامیده شده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند، هفت سال آقا، هفت سال بنده و هفت سال، وزیر است» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۴۷۶).

این تقسیم‌بندی سه دوره‌ای، از ابتدای تولد تا اوایل جوانی را در برمی‌گیرد. البته ممکن است این دوره‌ها، متناسب با استعداد و محیط، در کودکان مختلف تفاوت داشته باشد و برخی زودتر و برخی دیرتر این مراحل را بگذرانند. دوره اول، دوره تحرک، جنب و جوش و بازیگوشی کودک است. دوره دوم؛ یعنی دوره فرمانبرداری، کودک حالت پذیرش و تبعیت دارد؛ بنابراین آداب و رفتار صحیح را پذیراست. دوره سوم که محدوده بلوغ و پس از آن را شامل می‌شود، دوره مشاوره و وزارت نوجوان است. نوجوان، در این دوره با همراهی پدر و مادر با آن‌ها

همکاری می‌کند؛ در تصمیم‌گیری‌ها اظهار نظر می‌نماید و آماده زندگی مستقل می‌شود. هیچ یک از این سه دوره، خالی از آموزش و تربیت نیست؛ بلکه هر دوره روش تربیتی و آموزشی ویژه خود را طلب می‌کند؛ به خصوص دوره اول که در آن شخصیت کودک شکل می‌گیرد. این دوره به معنی نداشتن برنامه برای تربیت و آموزش نیست؛ بلکه دقیق‌ترین برنامه‌های تربیتی مادر برای فرزند مربوط به این دوره است، اما این برنامه‌ها باید همراه تحرک و بازیگوشی کودک باشد؛ به طوری که

حواس و اعضای بدنی کودک رشد کند و آماده ورود به مرحله دیگر شود. اگر کودکی دوره سیادت و بازی کردن را به معنای واقعی کلمه و با آزادی و بهره‌وری از خواسته‌هایش سپری کند، به سادگی به دوره اطاعت خواهد رسید و برنامه‌پذیر خواهد شد و نیز اگر این دوران با تربیت صحیح مادر، عاقلانه طی شود، فرزند به وزارت و معاونت پدر و مادر در محیط خانواده دست خواهد یافت.

بنابراین، دوره سیادت و آقایی، از دوره‌های حساس زندگی انسان است و پیش‌بینی این‌که طفل امروز در آینده به چه انسانی تبدیل خواهد شد تا حدود زیادی با این مسئله در ارتباط است که در سنین خردسالی در دامان چه کسی پرورش یافته، از چه مادری شیر خورده، از چه مالی تغذیه کرده، در چه محیطی زندگی کرده و با چه کسانی معاشرت داشته است و اطرافیان وی چه تأثیری در روح، فکر و قلب او بر جای گذاشته‌اند (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۳۹-۴۰).

۳.۱-۲. محبت به فرزند

محبت و دوست داشتن، خواسته طبیعی کودک است؛ زیرا او کانون گرم و اطمینان بخشی می‌طلبد که در پرتو آن استعدادهایش شکوفا شود و شخصیتی ساخته و پرداخته پیدا کند و با دنیای پر جاذبه محبت و عاطفه و صمیمیت آشنا شود. از این رو نوازش مادر به کودک جرأت و شجاعت و اعتماد به نفس می‌بخشد و روحیه او را در برابر مشکلات قوی می‌سازد. اکسیر محبت مادر، داروی بسیاری از آلام و بیماری‌های روحی و حتی جسمی کودک است.

او با محبت آرام و شاداب می‌شود و غنچه دلش شکوفا می‌شود. کمبود و یا فقدان محبت از سوی مادر، زمینه ساز بسیاری از بیماری‌های روانی و جسمی کودک از قبیل بی‌اشتهایی، بی‌خوابی، شب‌اداری، تقلیدهای بی‌مورد، رفتارهای نامعقول، خواب‌های آشفته، افسردگی روانی، عصبانیت و خشونت و... خواهد بود. از این رو محبت به فرزند از سفارشات اُکید پیشوایان دینی است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ؛ فرزندان را دوست بدارید و به آنان مهر بورزید.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ۴۹). همچنین امام صادق علیه السلام در توصیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَكْثَرُوا مِنْ قُبَلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبَلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛ فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا در هر بوسه برای شما درجه‌ای در بهشت است که فاصله آن پانصد سال است» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ۴۸۵).

وظیفه پدر و مادر تنها تأمین غذا و لباس و بهداشت کودک نیست، بلکه فراتر از آن آبیاری کردن مزرعه دل‌های آنان با آب حیات بخش محبت و عطوفت مادری و پدری است. نوازشهای مادرانه به کودک، دل و جرأت می‌دهد، به او امنیت خاطر می‌بخشد. روحیه او را در برخورد با مشکلات و مصائب مقاوم می‌کند. بدون تردید مهرورزی یا خشونت کودکان در آینده، در گرو محبت امروز مادران است. (قائمی، ۱۳۶۸: ۸۰، ۸۱)

۳.۱ - ۳. بازی با فرزند

یکی از راه‌های اظهار محبت مادر به فرزند اینست که با در نظر گرفتن موقعیت سنی کودک، وسایل بازی و سرگرمی متناسب با دوره سیادتش را فراهم کند و با او همبازی شود و یا به درخواست کودک برای بازی با او پاسخ مثبت دهد؛ زیرا مشارکت مادر در بازی فرزند، گرچه اندکی از وقت آنان را می‌گیرد، اما آثار بسیار خوبی به دنبال خواهد داشت. بازی افزون بر آن که برای کودک بسیار سرور انگیز و نشاط بخش است، مایه رشد استعدادها و تلطیف عواطف آنان نیز خواهد شد. بازی مادر با کودک اگر به قاعده و سالم باشد، می‌تواند تفکر کودک را رشد دهد، از این رو بازی را تفکر کودک نامیده‌اند. (مروجی طبسی، ۱۳۹۸: ۷۳)

مادر می‌تواند از طریق بازی کردن با کودک و طراحی بازیهای آموزنده، جالب و هیجان

انگیز، مفاهیم دینی مانند خداشناسی، امام‌شناسی، و مفاهیم اخلاقی مانند گذشت و ایثار را به کودک بیاموزد. از این رو پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت، ضمن تأکید و سفارش بسیار بر این مسئله، خود با فرزندان خویش بازی می‌کردند و یا دست کم بر بازی کودک نظارت و آن‌ها را مورد تشویق خود قرار می‌دادند. شیخ صدوق از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛ هر کس کودکی دارد باید با او کودکانه رفتار کند» (بابویه قمی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۴۸۳).

۳.۱-۴. تلقین خوبی‌ها به فرزند

با تلقین نمودن خوبیها به کودکان و ترک سرزنش زیاد و بی‌مورد، می‌توان معیارهای اخلاقی و ارزشهای الهی - انسانی را در آنان تحقق بخشید؛ زیرا کودکان زود به مرز «باور» و «اعتقاد» می‌رسند و با تلقین به خوبیها، بسیار آسان می‌توان ارزشهای اخلاقی را در کودک، نهادینه کرد و باورهای کودک را جهت داد و او را به سمت سعادت و سلامت سوق داد (دشتی، ۱۳۶۷: ۱۵۰). بر همین اساس در سیره تربیتی حضرت علی ﷺ ملاحظه می‌کنیم وقتی امام حسن و امام حسین ﷺ خدمت پدر می‌رسند تا نزد پدر مسابقه کشتی بدهند، حضرت به آن‌ها فرمود: فرزندان عزیزم شما باید رهبران جامعه اسلامی باشید، بروید در [خط‌نویسی] مسابقه بدهید نه در کشتی‌گیری. این هدایت حضرت علی ﷺ، تلقین شخصیت و علم طلبی است.

۳.۱-۵. پرورش فطرت خداپرستی در فرزند

انسان در سرشت و نهاد خود دارای مجموعه‌ای از اساسی‌ترین گرایش‌های متعالی است. گرایش به «پرستش» و «خیر اخلاقی»، «زیبایی»، «حقیقت» از گرایش‌های فطری انسان است. انسان به‌طور فطری این امور را دوست دارد و خواستار آن‌هاست و هنگام رسیدن به آن‌ها احساس لذت و شادابی می‌کند و رشد و کمال خود را در آن‌ها می‌بیند.

یکی دیگر از ابعاد اصیل و فطری وجود آدمی حس پرستش است. پرستش حقیقت مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق در درون هر کس هست؛ پرستش کمالی برتر است که در او نقصی نیست و جمالی که در او زشتی وجود ندارد. عبادت و پرستش نشان دهند ه یک

امکان» و یک «میل» در انسان است: امکان بیرون رفتن از امور مادی و میل به پیوستن به مرتب هی بالاتر و وسیع تر. از آن جا که حقیقت مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق خداست، در واقع، انسان مخلوقی خدا جو و خدا طلب است. خلقت او به گونه ای است که قرب به خدا را می جوید و تا به او نپیوندد، از پا نمی نشیند. بنابراین، برنامه تربیتی انسان، برنامه ای است که بتواند حقیقت جویی، خیر طلبی، زیبایی گرایی و پرستش را که به صورت استعداد در انسان وجود دارد، به فعلیت رساند و او را در تقرب به خدا یاری دهد. عمل به فرامین پیشوایان دینی مانند فرموده رسول خدا ﷺ: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ يَعْنِي الْمَعْرِفَةَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ؛ هر نوزادی بر فطرت خدا پرستی متولد می شود؛ یعنی معرفت به این که خدای عزوجل را پروردگار خود می داند.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۳)، مرهون پرورش گرایش فطری خداجویی و خداپرستی کودکان در سایه تربیت دینی فرزندان از سوی مادر است. برخی متخصصان علوم تربیتی معتقدند: «مادر تا قبل از هفت سالگی، دائم از مهر، محبت و لطف خدا برای کودک بگوید؛ از این رو نباید کودک را از کودکی از خدا ترساند؛ بلکه همواره باید از مهر لطف خدا و آفرینش نعمتهایی مانند آسمان، زمین، خورشید، ماه، میوه ها، سبزیها، زیباییها، پدر و مادر مهربان و...، برای او گفت. از حدود هفت سالگی کم کم باید خوف خدا را هم در دل او انداخت و ضرورت مجازات برای گناه را گوشزد کرد. به او بگوییم که خداوند برای خویان مهر و عطا دارد و برای بدان، کیفر و عقوبت.» (قائمی، ۱۳۶۸: ۱۰۸).

۳.۱ - ۶. پرورش ایمان و مذهب در فرزند

در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، پرورش ایمان و مذهب و آشنا نمودن کودک با خدا و آفریدگار هستی است. مادر باید با الهام از مکتب اهل بیت علیهم السلام، به زبان ساده و قابل فهم، فرزند را با خدا و صفات خدا و نعمت های الهی آشنا سازد. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «و اِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا و لِيْتَه بِه مِنْ حُسْنِ الْاَدْبِ وَ الدَّلَالَه عَلٰى رَبِّه؛ و تو نسبت به سرپرستی فرزند خود مسئولیت داری که او را خوب تربیت کنی و پروردگارش را به او بشناسانی» (طبرسی، ۱۳۶۵: ۴۲۱).

۳.۱- ۷. آموزش وظایف دینی و احکام شرعی به فرزند

آگاهی دینی درست و متناسب با نیازهای فرزند، نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می‌کند؛ زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهی‌های مستند و مستدل دینی باشد، زندگی جهت دینی و الهی پیدا خواهد کرد. از این رو تعلیم مسائل دینی و احکام شرعی از وظایف مادر نسبت به فرزند است که در روشنگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی و استواری فرزند در دین‌داری، بسیار حائز اهمیت است. در بیانات امام صادق علیه السلام آمده است: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند [باید] هفت سال بازی کند و هفت سال سواد یاد بگیرد و هفت سال، حلال و حرام را بیاموزد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ۴۷). در اخبار آمده است:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دیدن بعضی از کودکان فرمودند: «وای به حال کودکان آخر زمان از دست پدرانشان! عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه، از پدران مسلمانشان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندان بخواهند خود در صدد آموزش مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می‌دارند و تنها به این دل خوشند که فرزندانشان بهره‌ناچیزی از دنیا به دست آوردند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند». (نوری، ۱۶۴/۱۵)

نقش مادران در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

افزون بر آنچه در آیات و روایات اسلامی در خصوص نقش مادر در تربیت فرزند آمده است، در بیانیه گام دوم انقلاب (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) نیز رهبر فرزانه ما درباره معنویت و اخلاق توصیه‌های داشته‌اند که یکی از عوامل بوجود آمدن معنویت دینی، تربیت صحیح فرزندان از دوران کودکی در خانواده است. که مادران با توجه به ارتباط زیادی که با فرزندان خود دارند می‌توانند بر این موضوع مهم بپردازند. در این بیانیه معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز جامعه است؛ معنویت به

معنای برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است، و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده‌ی همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی ندارد.

نتیجه‌گیری

مقید شدن تربیت فرزند به آموزه‌های دینی و مذهبی، یکی از رمزهای مهم تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است. اگر به فرایند تربیت دینی که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، نتایج فردی و اجتماعی فراوانی به دست می‌آید. تمام تلاش پیشوایان دینی در راستای درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی برای انسان بوده است، به گونه‌ای که آنان خود با کسب آگاهی و انگیزه و رغبت درونی، از کودکی به آموزه‌های دینی گرایش پیدا کنند و به دور از فشار و اکراه، پذیرای آن باشند. نکته قابل توجه نقش ویژه مادران در این فرایند است. مادر می‌تواند با سبک فرزندپروری خود و تلاش‌هایش در پرورش دینی فرزند به تحقق بیانیه گام دوم انقلاب کمک کند. یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند برای مادران راه‌گشا باشد توجه به ایمان فرزند است که اگر در این مورد اقدامات تربیتی مناسبی انجام شود یقیناً فرزند در دوره‌های نوجوانی و جوانی به بسیاری از آموزه‌های انقلاب اسلامی پایبند خواهد بود. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ ش.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۱.
۴. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، چاپ اول، بی جا، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۶۹.
۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷ ش.
۶. خمینی، روح‌الله، زن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۳.
۷. سیف، سوسن و دیگران، روان‌شناسی رشد ۱، چاپ ۲۶، تهران، سمت، ۱۳۹۵.
۸. صدوق، ابی جعفر محمدبن علی، کتاب امالی، تهران، نشر کتابچی، ۱۳۷۶.
۹. طباطبائی، سید محمد حسین، آداب زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: سنن النبی، مترجمان: سعید و لطیف راشدی، بی جا، وحدت بخش، ۱۳۸۳.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵.
۱۱. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، قم، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۲. قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، تهران، امیری، ۱۳۶۸.
۱۳. قدوسی، حسن، نکته‌های ناب، قم، معارف، ۱۳۸۴.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، اسوه، ۱۳۷۵.
۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، مترجم: عباس پسندیده، چاپ ۶، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۵.
۱۷. مخبر، سیما، ریحانه بهشتی، قم، نور الزهرا (س)، ۱۳۹۵.
۱۸. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، قم، ام ابیها، ۱۳۸۴.
۱۹. محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان (آنچه باید یک زن و مرد بدانند)، قم، سبط اکبر، ۱۳۹۵.
۲۰. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۹.

فصل دوم

دشمن شناسی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری علیه السلام

عزیزه لطفی دیزج یکان^۱ (نویسنده مسئول)

حلیمه ایمانی^۲

چکیده

مبارزه با سبک زندگی غربی یکی از معارف بیانیه گام دوم است. ترویج این نوع سبک زندگی از راه‌های نفوذ فرهنگی دشمن است. از آنجاکه آنچه در گذر قرن‌ها موجب تغییرات اقتصادی، صنعتی، سیاسی و غیره شده تغییرات فرهنگی بوده و از سویی در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی و مقابله با سبک زندگی غربی، باید راهکارهای قرآنی مقابله با این نفوذ ارائه شود تا برنامه جامع قرآنی بر اساس آن تنظیم گردد؛ از این رو این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ دشمن در بیانات رهبری می‌پردازد. آنچه از سیر مطالعه در بیانات ایشان به دست می‌آید این است که نفوذ فرهنگی دشمن همان جنگ نرم است که به وسیله ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی انجام می‌گیرد که در راستای مبارزه با آن باید به راهکارهای قرآنی چون «استعانت از صبر و تقوا»، «بصیرت افزایی»، «هویت بخشی به جوانان و نخبگان»، «ترویج فرهنگ امید و

۱. سطح ۳ فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی حوزوی الزهراء تبریز. 123yamor123@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار مدرسه رفیعیه تهران، baran5740@gmail.com

انتظار»، «احیای فرهنگ امر به معروف»، «گسترش فرهنگ نماز»، «ترویج انس با قرآن» و «تقویت روحیه انقلابیگری و دینی» تمسک نمود.

کلید واژگان: راهکار فرهنگی؛ نفوذ فرهنگی؛ بیانات رهبری؛ هویت بخشی به جوانان؛ روحیه انقلابیگری؛ بصیرت افزایی.

مقدمه

در بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری اشاره کردند که یکی از راه‌هایی که دشمن ضربه‌های جبران ناپذیری به کشور می‌زند؛ ترویج سبک زندگی غربی است که خود از مصادیق نفوذ فرهنگی دشمن است. آنچه در گذر قرن‌ها موجب تغییرات اقتصادی، صنعتی، سیاسی و غیره شده تغییرات فرهنگی بوده است؛ در نتیجه سرنوشت ملت‌ها تابع سرشت فرهنگی آنان است. این عرصه، عرصه‌ای که با تهاجم فرهنگی آغاز و در اندک زمانی به شبیخون فرهنگی و سپس ناتوی فرهنگی و با سهل‌انگاری متولیان حوزه فرهنگ به نفوذ فرهنگی انجامیده است. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: من سال‌ها پیش یک روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزنه‌های فرهنگی به ما حمله می‌کند، اما متأسفانه عده‌ای این را نفهمیدند؛ بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می‌کند! کدام تهاجم، چه تهاجمی! امروز بعد از گذشت چند سال، آدم‌های دیرفهم کم کم می‌فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشمشان می‌آید و ابراز نگرانی می‌کنند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم قم؛ ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۸۰: <https://farsi.khamenei.ir>؛ <https://khl.ink/f/>)؛ از این رو به دلیل حاد بودن مسئله ضرورت ایجاب می‌کند که نوشتار پیش‌رو به این سؤال که چه راهکارهای قرآنی در کلام رهبری برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی دشمن در این سال‌ها اقامه شده که از چشم مسولان مغفول مانده است؟ با روش توصیفی و تحلیلی پاسخ می‌دهد تا راهکارهای قرآنی ایشان برنامه‌ای باشد در راستای اعتلای فرهنگی کشور شود.

پیشینه

با بررسی که در سایت‌های علمی کشور انجام شده اثری با عنوان «راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر رهبری» انجام نشده اما رشید خلف زاده و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر رهبری» که در نشریه

«مطالعات دفاع مقدس» در سال بهار ۱۴۰۰ به چاپ رسیده با روش تحلیل محتوا و مضمون به شیوه‌های نفوذ فرهنگی و ابزارهای آن را در کلام رهبری اشاره کرده و در تبیین راهکارها به نتایج کلی تحقیقات انجام شده، در این بسنده کردند؛ وجه تمایز پژوهش حاضر با این اثر در روش و ارائه راهکارهای قرآنی به‌طور مستند از کلام خود رهبری است. البته آثاری که مرتبط با راهکارهای مقابله نفوذ دشمن باشند؛ زیاد هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برای مثال در مقاله‌ای آقای خاتمی در سال ۱۳۷۸ به تبیین الگوی رفتاری امام علی علیه‌السلام در برخورد با نفوذ دشمنان اشاره کردند یا آقای رشیدپناه در سال ۱۳۹۶ در مقاله «نحوه مقابله با نفوذ فرهنگی» پرداخته است که در آن‌ها به ارائه راهکارها به صورت کلی یا کلام امیرالمؤمنین پرداخته شده و از کلام رهبری صحبتی نیست.

۱. مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به مطالب اصلی مقاله به تبیین مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود:

۱.۱. نفوذ دشمن

واژه نفوذ در عربی به معنای رخنه کردن، رسوخ کردن، اجرا شدن، گذشت و گذر کردن، به پایان رسیدن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۵۱۴)، اثر کردن، سرایت، جاری شدن، تحقق یافتن، اعتبار، قدرت و توانایی می‌آید (طریحی، ۱۹۷۵: ۳/۱۹۱). البته معانی اخیر معانی مجازی واژه و به‌عنوان لوازم و آثار سرایت و نفوذ به کار برده می‌شود؛ زیرا شخصی که در قلوب مردم نفوذ کرده است، دارای اعتبار و سپس قدرت و توانایی می‌گردد. همچنین «نفذ الامر» به معنای اجرای کاری است و تنفیذ به معنای اجرایی کردن، هدف زنی و انجام کاری به کار رفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۵۱۵). این واژه در اصطلاح علوم مختلف معانی متفاوتی دارد. در علوم سیاسی و اجتماعی نفوذ پاسخی رفتاری نسبت به اعمال قدرت و یا به عبارتی دیگر نتیجه‌ای است که از طریق به کارگیری قدرت حاصل می‌شود (رضاییان، ۱۳۹۱: ۷). در تعریفی دیگر، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری و تعیین رفتار دیگران آمده

است (عالم، ۱۳۷۳: ۳۵). با توجه به این تعریف، مولفه‌ای که سبب عملیاتی شدن وعینیت یافتن قدرت می‌شود، نفوذ است؛ از این رو تا نفوذ صورت نگیرد، قدرت عینیت نمی‌یابد. بر این با توجه به آنچه گفته شد، به صورت تشبیه، نفوذ را می‌توان به مانند رابطه میان بازیگرانی دانست که چون به جهت آن رابطه، یک بازیگر، بازیگر دیگر را مجبور می‌کند تا از طریقی خواست خود آن‌ها نیست، عمل کنند (آقابخشی، ۱۹۳۱: ۹۱۴). در علم روانشناسی، مفهوم نفوذ به معنای تاثیرگذاری یا حصول تغییر در برداشت‌ها و عقاید، احساسات، تمایلات، اعمال و رفتارهای فرد یا گروه معین است. امروزه دشمنان از طریق دانش روانشناسی، به دنبال تاثیرگذاری بر عقاید و عواطف مردم به‌ویژه مسلمانان هستند. در این جا منظور از عملیات روانی، به کارگیری از پیش طراحی شده تبلیغات، رسانه‌ها، انواع شیوه‌ها و فنون نفوذ روانی است که هدف از این موارد، تأثیرگذاری در عقاید، احساسات، روحیه، انگیزه‌ها، رفتارها، اهداف مخاطب و ترغیب آنان به انجام رفتارهای معین در راستای اهداف دشمن است که از جمله این تاثیرات عبارت است از: القای غم، القای یأس و ناامیدی، ایجاد رعب و وحشت، ایجاد شک و بدبینی، اختلاف افکنی و غیره (وی.ای. دی، بی تا: ۱۲).

واژه دشمن نیز در زبان فارسی مرکب است از «دش» به معنی بد و زشت و «من» به معنی نفس و ذات است که معنای آن زشت خوی است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۵ / ۴۰۳). البته برخی هم معتقدند دشمن، مرکب از «دشت» به معنی بد و زشت و «من» به معنی نفس، بد دل، زشت طبع است؛ پس به شخص و کسی که ضرر می‌رساند، دشمن می‌گویند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۰۹۰۸) یا دشمن کسی که بدی فرد دیگری را خواهان است (معین، ۱۳۸۶: ۱۵۳۷). این واژه در زبان عربی معادل «العدو» به معنای تجاوز کردن از کاری است که حقیقتش عدم تجاوز از آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱۳). این کلمه با التیام منافات دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۳ / ۱۹۳). دشمن در اسلام به دشمنی بیرونی (کافران، مشرکان، منافقین، ویهود) منحصر نمی‌گردد و شامل نفس اماره و شیطان نیز

می‌شود به گونه‌ای که جهاد با نفس را برترین جهاد می‌خواند، زیرا که در تعریف دشمن گفته شد هر آن چه باعث شود انسان را از راه مستقیم منحرف سازد و موجب عدم اطاعت انسان از خدا شود، دشمن نامیده می‌شود. به طور کلی ضرورت شناخت دشمن از دیدگاه عقل نیز روشن است زیرا اگر آدمی در تشخیص دوست و دشمن دچار اشتباه شود و دشمن خود را دوست قرار دهد باعث انحراف خواسته‌های فکری می‌شود. این انحراف سبب می‌شود که خواسته‌های اصلی فطری بی‌پاسخ و بی‌نتیجه می‌ماند و اگر خواسته‌های اصیل فطری بی‌پاسخ بمانده، بدیهی است چنین شخصی دچار زیان‌های روحی و روانی خواهد گشت (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۸۳). در نتیجه نفوذ دشمن به معنای ورود دشمن در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی رقیب است؛ به همین ابعاد در کلام مقام رهبری اشاره شده است (بیانات رهبری: ۱۸ / ۶ / ۱۳۹۷)؛ البته مراد این‌جا نفوذ فرهنگی دشمن است و نفوذ فرهنگی دشمن از منظر رهبری یعنی نفوذ در جوانان و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید (ر.ک: ۲۳ / ۵ / ۱۳۹۵) یا در جای دیگر می‌فرماید: «جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه‌پراکنی است (ر.ک: ۵۴ / ۹ / ۱۳۸۸).

۲.۱. راهکار فرهنگی

فرهنگ لغات فارسی برای واژه «فرهنگ» معدل‌های فراوانی آورده است که مهم‌ترین آن‌ها به این قرار است:

علم، دانش، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت و مجموع عقاید، افسانه‌ها و ترانه‌های محلی یک قوم یا سرزمین را فرهنگ آن می‌گویند (صاحبی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۳). از لحاظ اصطلاحی، فرهنگ یک از واژگان است که برای آن تعریف فراوانی ذکر شده است. هر گروه و یا شخصی بنابر مبانی و پیش فرض‌های خویش به تعریف خاص خود از این واژه پرداخته است؛ این امر به گونه‌ای است شاید بتوان ادعا کرد، تعریف

این واژه به گونه‌ای که شامل تمام تعاریف گردد، امری ناممکن است. اما از میان آن‌ها می‌توان تعاریف مشترک و منتخبی را گرفت. مقام معظم رهبری فرهنگ را چنین تعریف می‌نماید: «فرهنگ به معنای خاص آن، خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان، باورها، سنت‌ها، آداب ذخیره‌های فکری و ذهنی را برای یک ملت شامل می‌شود» (بیانات در دیدار با جمعی از شعراء، ادبا، فرهنگیان و دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی، (۱۳۷۲/۰۵/۰۸)، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/4040>). فرهنگ مفهومی گسترده است که تمام الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شود، در آن غنا می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند، در بر می‌گیرد؛ پس فرهنگ به‌عنوان وجه ممیزه انسان از دیگر موجودات، شامل تمام دستاوردهای جامعه یا گروه، نظیر زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنتها، حتی ابزارهای مادی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). فرهنگ یعنی مجموعه تعلیم و تربیت و عقل و خرد و دانش و حکمت و هنر و معرفت یک انسان یا یک جامعه که در رفتار و نحوه زندگی و شکل و حیات او تجلی نموده و در عمق جان او نفوذ کرده و همه اعمال و کردار او را متأثر از خود می‌سازد و در واقع فرهنگ مجموعه بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌ها یک ملت است (علی اکبری، ۱۳۷۵، ص ۱۷)؛ با توجه به آنچه گفته شد مراد از راهکار فرهنگی مجموعه راه حل‌های بینشی و ارزشی از سوی مقام معظم رهبری برای مقابله با دشمن است.

۲. راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام رهبری

از جمله راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری «استعانت از صبر و تقوا»، «بصیرت افزایی»، «هویت بخشی به جوانان و نخبگان»، «ترویج فرهنگ امید و انتظار»، «احیای فرهنگ امر به معروف»، «گسترش فرهنگ نماز»، «ترویج انس با قرآن» و «تقویت روحیه انقلابیگری و دینی» است که در ذیل به تفصیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱.۲. استعانت از صبر و تقوا

یکی از راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام مقام معظم رهبری استعانت از صبر و تقوا است؛ زیرا ایشان شرط آزار ندیدن از دشمن را صبر و تقوا می‌داند و می‌فرماید: «اگر شما امروز ایستادید، نسلهای آینده به ان قله دست خواهند یافت.» (امام خامنه ایف بیانات در جمع دانش آموختگان دانشگاه امام حسین ع، ۹۷/۴/۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/40055>). رهبر معظم انقلاب در تبیین صبر و تقوا به عنوان راهکار قرآنی مقابله با دشمن اظهار کردند که صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون نرفتن یا به عبارت جامع‌تر صبر یعنی چشم به هدف‌های دور و به افق‌های دور دوختن است. از نظر ایشان تقوا به معنای عام یعنی مراقبت از خود برای عدم انحراف از جاده مستقیم شریعت اسلامی و هم به معنای پرهیز و مراقبت از خود در مقابل دشمن است.

خداوند متعال در آیات قرآن نیز به این مهم اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا* وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا* إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (آل عمران/۱۲۰)؛ اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد؛ بر طبق آیه اگر بر دشمنی دشمنان صبر کنید و در برابر دوستی و یاری آن‌ها تقوا به خرج دهید از کید و کینه آن‌ها ایمن خواهید شد و ایمنی را مشروط به صبر و تقوی نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۳/۶۵ - ۶۶). در آیات دیگر مسئله تقوا و صبر معیار کرامت انسان (ر. ک: حجرات / ۱۳) معرفی شده است. ایمان و تقوا بدون صبر ماندگار نخواهد بود. در فرهنگ اسلامی زیرک کسی است که از نفس خود حساب بکشد و آن را رها نکند، برای زندگی ابدی کار کند و هر روزش بهتر از دیروزش باشد. از مرگ غافل نباشد و به جای هرزگی و حرص و ستم به سراغ تقوا و عدالت برود؛ بنابراین بدون ایمان و عمل صالح و

سفارش دیگران به حق و صبر خسارات انسان بسیار بزرگ است (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۵).

۲.۲. بصیرت افزایی

یکی از راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام مقام معظم رهبری استعانت از بصیرت افزایی است؛ زیرا ایشان در این زمینه می‌فرماید: «امروز دشمنان به زوایای زندگی من و شما ملت انقلابی، با دقت دارند نگاه می‌کنند که شاید نقطه ضعفی پیدا کنند و از آن جا نفوذ کنند؛ این مناطق نفوذ دشمن را شناسایی کنید، در مقابل آن‌ها صف آرایی کنید؛ وقت را هدر ندهیم. امروز همه موظفیم، همه مسئولیم؛ جامعه مداحان هم جزو جوامع مسئول کشور است» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مداحان اهل بیت، ۱۳۹۷/۱۲/۰۷، <https://khl.ink/f/> <https://farsi.khamenei.ir/> ۴۱۸۱۰). یا در جای دیگر بصیرت را قطب‌نمای حرکت صحیح و شاخص راه معرفی می‌کند (ر.ک: بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶). خداوند متعال هم در آیات قرآن به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ (انعام/۱۰۴)؛ دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم پپوشد، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم)؛ بر طبق آیه بصیرت انسان را در مسیر درست هدایت می‌کند. بصیرت به معنای دیدن عمق جریان‌ها، تحکرها، توطئه‌ها و اهداف پست پرده تبلیغات دشمنان و استکبار جهانی است؛ به همین دلیل انسان‌های با بصیرت کمتر فریب تبلیغات دشمنان را خورده و به دام نفوذ آنان گرفتار نمی‌آیند. امیرالمومنین علیه‌السلام در این زمینه فرمودند: «فقد البصرا هون من فقد البصيره (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱).

۳.۲. هویت‌بخشی به جوانان و نخبگان

از دیگر راهکارهای مقابله با نفوذ دشمنان در عرصه فرهنگی از منظر رهبری، توجه به

نخبگان و خواص جامعه است. ایشان نقشه فرهنگی دشمن را تحقیر شخصیت جوانان و نخبگان جامعه می‌داند و بر این باور است که دشمن می‌خواهد هویت جوان و نخبه ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف او را از بین ببرد و به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم؛ از این رو راهکار مقابله با او هویت بخشی به جوانان و نخبگان است (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی رشت؛ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3064>). از آنجاکه جوانان و نخبگان هر کشوری از عوامل و عناصر مهم پیشرفت و توسعه آن کشور در عرصه‌های گوناگون به شمار می‌آید. از جمله اهدافی که دشمنان در زمینه نفوذ دارند، فراری دادن نخبگان از کشور هدف و جذب آن‌ها است تا با کاهش سرمایه انسانی کشور هدف بتوانند اهداف نفوذ خویش را در آن کشور تعقیب نمایند؛ از این رو پدیده مهاجرت نخبگان و یا به تعبیر دیگر فرار مغزها به خارج از مرزها، نگرانه‌های را در سطوح مختلف کشور پدید می‌آورد و به دلیل آثار مختلف و کارکرد منفی آن در فرایند توسعه و تخریب اعتبار ملی، تهدیدی جدی برای زمان حال و آینده کشور اسلامی محسوب می‌گردد؛ چرا که سبب می‌شود آن کشور از لحاظ پیشرفت و رشد در عرصه‌های بازمانده و سبب وابستگی و قرارگیری تحت سلطه قدرت‌های استکباری می‌شود. در قرآن کریم نیز درباره توجه به نخبگان و خواص تأکید و سفارشات ویژه‌ای شده؛ به‌عنوان نمونه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۴۷)؛ و پیامبرشان به آن‌ها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این‌که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» آیه شریفه بر این امر دلالت دارد که انتخاب

طالوت به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل، از طرف خداوند به خاطر علم پرمایه، توانمندی جسمی و قدرت او بود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۲۳۷)؛ به عبارت دیگر جزء نخبگان و خواص آنان بود؛ ازاین رو هویت بخشی به نخبگان باید در دستور کار قرار گیرد.

۴.۲. ترویج فرهنگ امید و انتظار

یکی دیگر از راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری ترویج فرهنگ امید است. از نظر ایشان امروز دشمنان ما که از برخورد چهره به چهره با این ملت مأیوس اند و از طرق گوناگون می خواهند روی این ملت اثر بگذارند؛ یعنی سعی می کنند افق را تیره و تاریک نشان دهند؛ ملت را ناامید کنند. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مسئولین استان همدان؛ ۱۳۸۳/۴/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3245>) توطئه ای که میدان اصلی ظهورش «جنگ رسانه ای و تبلیغاتی» است. در نگاه رهبری امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می کند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم کرج؛ ۱۳۷۶/۰۷/۱۲۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2858>)؛ برخلاف یاس و ناامیدی که سستی، خمودی و ایستایی را به دنبال دارد؛ امید و انتظار، مایه حیات، شادابی، تحرک، پویایی و تلاش است. قرآن کریم در آیاتی به اهمیت امیدواری و انتظار اشاره داشته است و می فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص/۶)؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

بر طبق آیه خداوند متعال به مستضعفان بشارت و امیدواری می دهد که اراده خداوند بر آن است که سرانجام امام مهدی علیه السلام ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد؛ برای تقویت روحیه امید نمونه تاریخی بنی اسرائیل را برای آنان می آورد که در آن روز توانستند وارث حکومت فرعونیان شوند؛ چرا که گرد رهبر خود، موسی علیه السلام را گرفتند، نیروهای خود را

بسیج کردند و همه صف واحدی تشکیل دادند، با دعوت موسی علیه السلام خرافات را از فکر خود زدودند و آماده قیام شدند (ر.ک: مکارم، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۶، ص ۱۹).

۲.۵. احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجم‌های دیگر، با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۱/۵/۷، ۲۶۲۸، <https://farsi.khamenei.ir//khl.ink/f/https:>). قرآن کریم نیز بر این فریضه به‌عنوان یکی از وظایف مسلمانان در مقابل توطئه‌های دشمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف/۱۹۹)؛ عفو و گذشت را پیشه کن، و به کار پسندیده فرمان ده، و از نادانان روی بگردان»؛ زیرا در جامعه اسلامی احیای امر به معروف و نهی از منکر دشمن را در رواج ناهنجاری‌ها و بدعت‌ها، فساد اخلاقی و نابودی ارزش‌های اسلامی و قرآنی و ترویج بی‌بندوباری ناکام خواهد گذاشت. در روایات نیز امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان عامل قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار در جامعه اسلامی معرفی شده و می‌فرماید: «لَيْسَ لَطْنُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۶).

۲.۶. گسترش فرهنگ نماز

یکی از شیوه‌های مهم مقابله با نفوذ دشمن در عرصه فرهنگی از منظر رهبری شرکت در

نماز جمعه است؛ زیرا ایشان از منظر ایشان تشکیل مجمعی از صاحب نظران برای اقامه نماز، یکی از شایسته‌ترین و ضروری‌ترین کارهایی است که باید در جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت؛ زیرا برپا داشتن نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است و در رتبه بعد از آن است که نوبت به «زکات» به مثابه تنظیم مالی جامعه و ریشه کن کردن فقر، و نیز «امربه معروف و نهی ازمنکر» یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسد و دشمن را مایوس می‌کند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مجمع عالی بسیج مستضعفین، <https://farsi.khamenei.ir>، ۹۳/۹/۶، <https://khl.ink/f/28344>). در آیات قرآن نیز این مهم عامل مقابله با دشمن و اعتلای حکومت اسلامی معرفی شده و می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (حجج / ۴۱)».

اقامه نماز فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگذارند؛ این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقف باشد؛ بلکه باید این ستون دین در جامعه به پا داشته شود و همه کس با رازها و اشاره‌های آن، آشنا و از برکات آن برخوردار گردند.

۷.۲. ترویج انس با قرآن

یکی دیگر از راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری ترویج انس با قرآن است. در کلام رهبری برای ایجاد انس با قرآن سه راه حل پیشنهاد می‌دهد؛ اول تلاوت این کتاب آسمانی که در این زمینه می‌فرمایند: «نوی قرآن در فضای کشور ما طنین‌انداز است. جوانهای عزیز ما بدانند که یک روز قرآن به معنای حقیقی کلمه در این کشور غریب بود؛ نه فقط عمل به قرآن و تکریم قرآن، حتی تلاوت قرآن هم غریب بود.» (امام خامنه‌ای، خاطرات؛ ۱۳۸۴/۰۷/۱۴، <https://khl.ink/f/25586>، <https://farsi.khamenei.ir>). دوم تلاوت با صوت زیبا است؛ زیرا ایشان بر این باورند که اگر قرآن را به صورت بنای مُعظمی، دارای سالن‌ها و زوایای گوناگون در نظر بگیرید. این عمارت عظیم، سردر و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق می‌شوند. مدخل آن بنای رفیع، همین تلاوت‌های زیبایی است که این جا خواندند. کاشی کاری دم در، این

تلاوت است. حال وارد شوید. این کاشی کاری، بسیار لازم است. این زیباسازی تلاوت، امر لازمی است (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات قران؛ ۱۳۷۳/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2737>). سومین راه‌حل در کلام رهبری تهذیب نفس است؛ ایشان بر این باور است که باید با قرآن مثل آینه مواجه شد تا قرآن در دل منعکس شود. قرآن برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن مواجه شوند، اثر دارد. در آیات قرآن هم بر این امر مهم تأکید شده و می‌فرماید «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء/۹)». در آیه قرآن «اقوم» یعنی استوارتر، بهتر، قوی‌تر، باقوم‌تر - به شما نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر بر طبق آیه قرآن شما را در حیات دنیوی و اخروی به سوی حیات اقوم راهنمایی می‌کند؛ اگر جامعه اسلامی با معارف قرآنی انس بگیرند و معارف قرآنی بر ذهن‌ها حاکم شوند جامعه در مقابل دشمنان با قوت جلو می‌رود (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قران، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶، <https://khl.ink/f/42448> <https://farsi.khamenei.ir>).

۲.۸. تقویت روحیه انقلابیگری و دینی

«تقویت روحیه انقلابیگری و دینی» از جمله راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری است. از نظر ایشان هر چه روح انقلابی و تقویت روحیه دینی، در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود و بهتر می‌توان توطئه‌های دشمن را خنثی‌سازی کرد (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد امام راحل؛ ۱۳۸۷/۰۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/>). همچنین ایشان بر این باور است که روحیه انقلابیگری یعنی این که به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم تا روحیه‌هایمان در زمینه علمی، مدیریتی، اداری قوی شود و این روحیه را باید حفظ کنید تا بتوانید با دشمنان مقابله کنید (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانش آموزان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/34815>). در جای دیگر رهبر انقلاب دارا بودن این روحیه و باور را از جوان‌ها

مطالبه می‌کند؛ تا جایی که آن را به‌عنوان مسئله کشور معرفی می‌کنند و می‌فرماید: «جوانهای عزیز ما بایستی این رویش مبارک روحیه انقلابی را ادامه بدهند. بحث‌ها و جنجال‌ها و حاشیه‌سازی‌ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند این‌ها مسئله کشور نیست؛ مسئله کشور، روحیه انقلابی و جهت‌گیری انقلابی است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir>؛ <https://khl.ink/f/34912>).

تقویت هرچه بیشتر روحیه دینی و انقلابی‌گری در جامعه، سبب خواهد شد آگاهی دینی و شناخت از دشمن افزوده گردد و افراد به جای تعلقات و شهوات مادی به دنبال ارزش‌های الهی باشند؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿ذَرُّهُمْ يَا كُفُلًا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر/ ۳)؛ بگذار آن‌ها بخورند و بهره گیرند و آرزوهای آنان را غافل سازد، ولی به زودی خواهند فهمید». بر طبق آیه افرادی که روحیه انقلابی‌گری و تقویت دینی ندارند و به تعلقات دنیوی اهمیت می‌دهند؛ مانند حیواناتی هستند که جز استیلا و غلبه و جز لذت مادی چیزی نمی‌فهمند و هر حرکتی دارند برای رسیدن به همین‌ها است. پرده‌های غرور و غفلت و آرزوهای دور دراز چنان بر قلب آن‌ها افتاده و آن‌ها را به خود مشغول ساخته که دیگر توانایی درک واقعیتی را ندارند (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۱۱ / ۹). اگر در جامعه‌ای روحیه انقلابی‌گری، وجه فرهنگی یا به عبارت بهتر زیرساخت‌های فکری و عقلی تمدن اسلامی شکل بگیرد، منحنی رشد و تکامل جامعه بالا رفته و موفقیت روز افزون نصیب آن جامعه خواهد شد (ر. ک: مخلص، ۱۳۸۰، ص ۷۶)؛ زیرا زمانی که فرهنگ الهی در جامعه حکم فرما باشد، منافذ نفوذ شیطانی و اهداف دشمن مسدود خواهد شد و آن‌ها قادر نخواهند بود با سیطره انسان او را در احاطه خود قرار دهند؛ شیطان از طریق آرزوهای طولانی و غیرمنطقی غافل کردن انسان‌ها نهایت استفاده را نموده و با نیرنگ طوری فکر و عمل آن‌ها را برای رسیدن به پندارهای سراب‌گونه و غیرواقعی مشغول می‌کند تا فرصت‌های خودسازی و کسب بصیرت را از دست دهند؛ خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَعْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (نساء / ۱۱۹ - ۱۲۰)؛ و آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آن‌ها دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدائی را تغییر دهند، (فطرت توحید را به شرک بیالایند) و آن‌ها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند زیان آشکاری کرده‌اند. شیطان به آن‌ها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد و جز فریب و نیرنگ به آن‌ها وعده نمی‌دهد؛ بر طبق آیه تکامل دین و فرهنگی جامعه می‌تواند پویا و سازنده باشد و منافذ نفوذ شیطانی و اهداف دشمن را مسدود کند (ر. ک: مخلص‌ی، ۱۳۸۰، ص ۷۷).

نتیجه‌گیری

مبارزه با سبک زندگی غربی یکی از دستورات مهم بیانیه گام دوم است؛ زیرا ترویج این نوع سبک زندگی از راه‌های نفوذ فرهنگی دشمن است. از آنجاکه آنچه در گذر قرن‌ها موجب تغییرات اقتصادی، صنعتی، سیاسی و غیره شده تغییرات فرهنگی بوده و از سویی در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی و مقابله با سبک زندگی غربی، باید راهکارهای قرآنی مقابله با این نفوذ ارائه شود تا برنامه جامع قرآنی بر اساس آن تنظیم گردد؛ از این رو این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ دشمن در بیانات رهبری پرداخته است. حاصل این مطالعه این است که که نفوذ فرهنگی دشمن از منظر رهبری جنگ نرم است که به وسیله ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی انجام می‌گیرد. در کلام رهبری راهکارهای متعددی معرفی شده که از جمله راهکارهای قرآنی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن در کلام رهبری «استعانت از صبر و تقوا»، «بصیرت افزایی»، «هویت بخشی به جوانان و نخبگان»، «ترویج فرهنگ امید و انتظار»، «احیای فرهنگ امر به معروف»، «گسترش فرهنگ نماز»، «ترویج انس با قرآن» و «تقویت روحیه انقلابی‌گری و دینی» است.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، تهران، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی، ۱۳۶۷ش، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، قم، ج ۳، چاپ چهارم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، ج ۳، چاپ سوم، دارالصادر.
۴. آقا بخشی، علی اکبر، افشاری راد، مینو، ۱۳۸۷، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپ دوم، نشر چاپار.
۵. الوسی، شهاب الدین، ۱۴۱۵ق، تفسیر روح المعانی، بیروت - لبنان، ج ۱۴، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، محمد علی بیضون.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، رجایی، سید مهدی، قم، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامی.
۷. تهرانی، احمد مراد خانی، ۱۳۹۴، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم، چاپ سوم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، ج ۱۲، چاپ هفتم، اسرا
۹. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۸۵، معارف و معاریف: دائرة المعارف جامع اسلامی، تهران، ج ۵، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی آرایه
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه فارسی دهخدا، تهران، ج ۷، چاپ اول، مؤسسه چاپ دانشگاه تهران
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت - لبنان، چاپ اول، دارالشامیه
۱۲. رضاییان، علی، ۱۳۹۱ش، مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان، تهران، چاپ هفتم، انتشارات سمت.
۱۳. ساروخانی، باقر، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی، قم، چاپ بیست و پنجم، اطلاعات
۱۴. صاحبی، محمد جواد، ۱۳۸۴، کتاب مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ۴۱۷۱ق، تفسیر المیزان، قم، ج ۱۹، چاپ پنجم، جامعه مدرسین
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۹۷۵ش، مجمع البحرين، تهران، چاپ سوم، انتشارات مرتضوی.

۱۷. عالم، عبدالرحمان، ۱۳۷۳، بنیادهای عالم سیاست، تهران، چاپ اول، نشر نی.
۱۸. علی اکبری، حسن، ۱۳۷۵، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات، روایات و فقه، تهران، چاپ اول، سازمان تحقیقات و مطالعات
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، چاپ دوم، مؤسسه دارالهجرة
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۶، صافی، عبدالرحیم، تهران، ج ۱، چاپ اول، نوید اسلام
۲۱. قرآنی، محسن، ۱۳۷۴، تفسیر نور، تهران، ج ۵، چاپ سیزدهم، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۲۲. کاشفی، محمد رضا، ۱۳۹۱، نگاهی قرآنی به دوست و دشمن، تهران، چاپ پنجم، کانون اندیشه جوان.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق: الکافی، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ فارسی معین، تهران، چاپ سوم، انتشارات زرین
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۸ تفسیر نمونه، تهران، ج ۱۶، چاپ بیست و چهارم، دارالکتب الاسلامیه
۲۶. وی. ای. دی، جنگ روانی، ترجمه گروه علوم انسانی جهاد دانشگاهی، بی تا، تهران
۲۷. سایت رسمی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech?npt>

راهکارهای مقابله جهادی و هوشمندانه با ترویج زندگی غربی در ایران از نگاه قرآن و حدیث

زینب عباسی (نویسنده مسئول)^۱

الهه نوبخت^۲

چکیده

در دستورات و احکام دین اسلام، تمام نیازهای انسان لحاظ شده و بهترین سبک زندگی که تأمین‌کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد، بیان شده است. حضرت امام خامنه‌ای (زیدعزه) در بیانیه گام دوم انقلاب، به روش زندگی اسلامی توصیه داشته‌اند و به لزوم مقابله با سبک زندگی غربی اشاره کرده‌اند. ایشان از تبلیغ‌شدن و اشاعه‌یافتن سبک زندگی غربی، احساس نگرانی کرده و نسبت به آن هشدار می‌دهند. هدف این مقاله بیان ضرورت، اصول و راهکارها در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی است. این پژوهش به روش اسنادی - تحلیلی و عقلی انجام شده و حاصل بررسی سبک زندگی از منظر قرآن، حدیث و بیانات رهبر جمهوری اسلامی می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که با اتکای به اصول اسلام، می‌توان با بازنگری در سبک زندگی افراد و توجه به رهنمودهای مقام رهبری، در

۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه عصمتیه سمنان، z.abbadi.chem@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، فقه و اصول سطح سه حوزه عصمتیه سمنان. P.nowbakht143@yahoo.com

برابر هجوم ترویج سبک زندگی غربی راهکارهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی، در سنین و موقعیت‌های مختلف ارائه داد. به طور کلی راه مقابله با این تهاجم، ترویج سبک زندگی دینی، تعمیق و گسترش آن در جامعه می‌باشد.

کلیدواژگان: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، مقابله جهادی، قرآن و حدیث.

۱. مقدمه

سبک زندگی هر فرد از فرهنگ و آداب و رسوم او نشئت گرفته و با شخصیت وی ارتباط مستقیم دارد. بهترین نوع سبک زندگی علاوه بر هماهنگی با یافته‌های علمی، بایستی مؤلفه‌های شناختی و رفتاری انسان را در نظر بگیرد. از آنجایی که زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌یابد، سبک زندگی دنیایی انسان بایستی دنیا و آخرت را در کنار هم ببیند و از هیچ یک از ابعاد مادی و معنوی انسان غافل نشود. دین اسلام صورت معینی از تفکر، اخلاق و رفتار را در اختیار افراد مسلمان قرار می‌دهد که می‌توانند سبک زندگی خود را در قالب آن‌ها بنیان گذارند. این سبک زندگی جامعیت دارد و از کلی‌ترین مسائل تا جزئی‌ترین موضوعات نگرشی و رفتاری را در خود جای داده است. انسان با انتخاب سبک زندگی اسلامی، نظام ارزشی و مبانی اعتقادی اسلامی را در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۲).

تمدن غرب با هدف ترویج انسان‌محوری و اومانیسم، با استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای نوین جنگ نرم و ورود با ساحت‌های مختلف زندگی ملت‌های جهان، در صدد است تا سیطره و سلطه فرهنگی خود را بر این کشورها غلبه دهد. دیوید کیو، مأمور سازمان سیا چنین می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.» (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۸۴).

ترویج سبک زندگی اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های مقام معظم رهبری می‌باشد. بارها و بارها تعریف، تبیین، آثار و راهکارها در این حوزه در بیانات ایشان تکرار شده است. اکنون که بنا به فرموده مقام معظم رهبری انقلاب وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است، در مسیر رسیدن به آرمان‌های انقلاب و رسیدن به تمدن اسلامی، لازم است به این امر مهم توجه ویژه شود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، به روش زندگی اسلامی توصیه داشته‌اند و به لزوم مقابله جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با

سبک زندگی غربی اشاره کرده‌اند. ایشان از تبلیغ شدن و اشاعه یافتن سبک زندگی غربی، احساس تهدید و نگرانی کرده و نسبت به آن هشدار می‌دهند. بنا به فرمایش ایشان «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.» نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که با توجه به توصیه مقام معظم رهبری برای مقابله با سبک زندگی غربی نیازمند روحیه جهادی در این عرصه مهم می‌باشیم. بعد از قبول ضرورت حضور جهادی در مقابله با سبک زندگی غربی، بایستی بدانیم راهکارهای انجام این مأموریت چه دسته‌بندی دارد و شامل چه مواردی می‌شود. مقاله حاضر حاصل بررسی سبک زندگی از منظر قرآن و حدیث و همچنین بیانات رهبر معظم جمهوری اسلامی می‌باشد. این پژوهش به شیوه اسنادی - تحلیلی صورت گرفته است و در جمع‌آوری مطالب از منابع کتابخانه‌ای و بیانات مقام معظم رهبری استفاده شده است. تلاش بر آن است تا ضرورت، اصول لازم و راهکارها در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی به روش جهادی و هوشمندانه مورد شرح و بررسی قرار گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲.۱. مفهوم‌شناسی سبک زندگی:

«سبک» در لغت به معنی طرز، شیوه، روش، طرز بیان ما فی‌الضمیر می‌باشد (فرهنگ معین). «زندگی» به معنای زنده بودن، زیست، حیات، مدت عمر، وضع مالی، مال و منال بیان شده است (فرهنگ معین). معادل واژه سبک در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «Style» است. سبک زندگی که از آن به «Life» «Style» تعبیر می‌شود، همان سبک و یا طرز زندگی است که هرکس در یک جامعه برای خود برگزیده و بر اساس آن رفتار و کردار خود را شکل می‌دهد. ترکیب سبک زندگی در کتاب‌های لغت، به معنای روش خاصی از زندگی و فعالیت یک شخص یا گروه آمده است. در این راستا به مواردی چون: عادت‌ها،

نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی توجه می‌شود که با هم شیوه زندگی فرد یا گروه انسانی را شکل می‌دهد (فاضل‌قانع، ۱۳۹۲، ۱۷). در موضوع سبک زندگی، با طیف وسیعی از لغات و اصطلاحات مواجهیم که هر کدام بر اساس بینش و نگرش خاص محققان، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در تعاریف جامعه‌شناسانه بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌شود و در روان‌شناسی بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند.

۲.۲. مفهوم‌شناسی سبک زندگی اسلامی:

منبع اصلی استخراج سبک زندگی اسلامی قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام و به تعبیری همان زندگی قرآنی اهل‌بیت علیهم‌السلام است. طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چرا که زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۲). سبک زندگی اسلامی از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت عواطف ارتباط مستقیم ندارد. ولی از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت‌ها کاری نداشته باشد و درعین حال که تأکید آن بر رفتار است، به عواطف و شناخت توجه دارد (کاوایی، ۱۳۹۲، ۱۸).

از نظر اصطلاحی می‌توان گفت که سبک زندگی از سوی مقام معظم رهبری دامت برکاته، در جمع جوانان استان خراسان شمالی مورد تأکید قرار گرفته و از آن زمان به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های محافل علمی و اجتماعی مطرح شد. بنابراین نگاه معظم له، سبک زندگی رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است که آشنایی با آن از دو جهت معنوی (برای رسیدن به هدف اصلی انسان، یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی)، برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر این که شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین می‌باشد (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

(content?id=21252).

۳.۲. مفهوم‌شناسی جهاد:

جهاد از ریشه لغوی «جهد» به معنای سعی، تلاش و کوشش است. بنا به اقوال گذشته معنای فلانی جهاد کرد آن است که قدرت خود را به کار انداخت، متحمل مشقت شد و تلاش توأم با رنج کرد. جهاد به کسر جیم مصدر است به معنی تلاش و نیز اسم است، به معنی جنگ. افعال این ماده در قرآن همه از باب مفاعله آمده است و آن به معنای تکثیر است (دهخدا، ۱۳۷۷). معظم له در بیانات مختلفشان بر وسعت معنای جهاد تأکید داشته‌اند. در نگاه ایشان جهاد معنایی بسیار عمیق و عام دارد. هر چیزی که هم جد و جهد و هم مقابله با دشمن باشد، جهاد است. «در زمان جنگ مسلحانه، جهاد رزمی است. در میدان فرهنگی، جهاد فرهنگی است و چنانچه در میدان سیاست یا در میدان علم و دانش باشد، جهاد سیاسی و علمی است. از نظر ایشان تلاش و کوشش شرط اول و در مقابل دشمن بودن شرط دوم جهاد است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ﷺ در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4790>).

۳. پیشینه تحقیق

شیوه زیستی افراد جامعه نشانگر یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی می‌باشد. ضرورت پرداختن به مقوله سبک زندگی اسلامی از سوی محققان و پژوهشگران درک شده است و مؤید این مطلب آمار گسترده تحقیقات کلی و جزئی پژوهشگران در مورد این موضوع می‌باشد. به‌عنوان نمونه خطیبی و همکارش شاخص‌های سبک زندگی را در بعد فردی و اجتماعی بیان کرده و مجموعه مؤلفه‌های تشکیل دهنده سبک زندگی و حیات طیبه را معرفی می‌کنند (خطیبی، ۱۳۹۲، ۱۳). پور امینی گستره سبک زندگی را عرصه‌ای وسیع از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت می‌داند. ایشان بیان می‌کند سبک

زندگی اسلامی توجه به اجزای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است. می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت زندگی مؤمنانه ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان علیهم‌السلام شیوه زیستن را مشق کرد (پورامینی، ۱۳۹۱، ۱۷). نتایج به دست آمده از تحقیقات نشان می‌دهد می‌توان بر سبک زندگی با توجه به اصول اسلام تأثیر گذار بود و زندگی افراد را به سمت رعایت دستورات خدا هدایت کرد (بختیاروند، ۱۳۹۵، ۱۳۴). احمدحسین شریفی در مقاله خود در پاسخ به پرسش چه راهکارها و روش‌هایی برای نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از سخن سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام قابل استخراج است، بیان می‌کند که هشت راهکار عمده تغییر فرهنگی از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام لازم است: تغییر نگرش، توجه به آموزش‌های کاربردی، خودشناسی و تقویت شخصیت، بازشناسی سبک زندگی اولیای الهی به‌عنوان الگو، اصلاح رفتار مسئولان و متولیان فرهنگی، ترویج عزت فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی، عنایت به عدالت و نظم سیستمی و اکتفا نکردن به عدالت و تقوای فردی و اجرای قانون در برخورد با مجرمان و نظم شکنان و قانون‌گریزی (شریفی، ۱۳۹۴، ۷).

در پژوهشی بین نظرات مقام معظم رهبری و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی در زمینه شاخص‌های سبک زندگی مقایسه صورت گرفته است. در این پژوهش مفهوم سبک زندگی، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های همچون زندگی روزمره، مصرف، اوقات فراغت، شیوه و هویت آن، از تحقیقات مشابه و چارچوب نظری و احصاء اندیشه‌های مقام معظم رهبری و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی (بوردیو، جان استوری و استوارت هال) بررسی گردیده است. وجود دیدگاه انتقادی به سبک زندگی، مهم‌ترین تشابه، و نگاه اسلامی به سبک زندگی در دیدگاه مقام معظم رهبری و نگاه مصرفی به سبک زندگی در میان سه اندیشمند، مهم‌ترین تفاوت؛ و دیدگاه غرب ستیزی در حوزه محتوای سبک زندگی غربی در آراء رهبر معظم انقلاب و فقدان چنین دیدگاهی و پذیرش آن توسط سه اندیشمند، مهم‌ترین تعارض می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۵).

طبق نظر محققان در جامعه ما سبک زندگی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌هایی است که اولیای فرهنگی و سیاسی کشور و در رأس آن مقام معظم رهبری را به آن حساس کرده است و تحقیقات گسترده‌ای در موضوع بررسی نظر و دیدگاه مقام معظم رهبری بر سبک زندگی انجام شده است. احمدی و همکارش نظرات سبک زندگی از نظر جامعه‌شناسان و گفتمان سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری را به صورت اکتشافی بررسی کردند. از نتایج مهم و قابل توجه این پژوهش استخراج مفهوم "حیات طیبه اسلامی" معادل اصطلاح "سبک زندگی اسلامی" درمنظر مقام معظم رهبری است؛ به طوری که معظم له، ضمن این که زندگی را فراتر از ابعاد و جنبه‌های مادی دانسته، نقش معنویت و دین را در زندگی مؤثر پنداشته و هدف دار بودن آن را با توجه به آموزه‌های دینی مورد توجه قرار داده‌اند (احمدی، ۱۳۹۸، ۱۴۵). یافته‌های تحقیق بنائیان سفید و همکاران نشان داد که میزان هم‌سویی دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه قرآن و روایات با ساحت‌های شش‌گانه تفکر، تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و عرصه‌های ارتباطی و مؤلفه‌های برنامه‌های درسی ارتباط دارد. با توجه به این تحقیق می‌توان برنامه درسی و راهنمای ارزشمندی را در تدوین برنامه درسی استفاده کرد و در جهت وصول به هدف که همان جهت‌گیری به حیات طیبه و قرب الهی در سبک زندگی اسلامی است نقشه راه را ترسیم نمود (بنائیان سفید و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۹).

پژوهش آقای نوروزلو و همکارش در راستای تبیین سبک زندگی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری پاسخگوی سولات مطرح شده در حوزه سبک زندگی و اثر رسانه‌ها بر سبک زندگی کنونی و آسیب‌شناسی سبک زندگی می‌باشد. همچنین راهکارهایی برای طرح و اجرای سبک زندگی اسلامی در این پژوهش بیان شده است (آقای نوروزلو، ۱۳۹۲، ۷۲۵). آقای نوروزلو در مقاله خود معتقد است با توجه به ظرفیت‌های علمی و نیروی انسانی جوان و پویای موجود در کشور ایران و با توجه به هجوم فرهنگ‌های بیگانه غربی و سبک‌های زندگی نامتعادل و به‌ویژه سبک زندگی امریکایی تدوین و ارائه یک الگو و یک

سبک زندگی اسلامی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تنها اقدام عملی ممکن و لازم برای جلوگیری از امریکایی شدن سبک زندگی و غرب زدگی آن تدوین الگو و سبک زندگی متناسب با جامعه امروزی کشور می‌داند که تا حد زیادی در دام غرب زدگی و تجددگرایی گرفتار آمده است. ایشان بیان می‌کند سبک زندگی کنونی کشور نیازمند یک جراحی است تا بتوان غده شوم غرب‌گرایی را خارج و جنبه اسلامی زندگی را تقویت کرد.

همانطور که بیان شد کتاب‌ها و مقالات متعددی توسط صاحب‌نظران در مجلات و سایت‌های اینترنتی در موضوع سبک زندگی نگاشته شده است. نکته مهم این است که چگونه می‌توان سبک‌های نامطلوب را کنار زد و سبک زندگی اسلامی را جایگزین آن‌ها کرد. باید راهکارهای عینی و عملیاتی برای تحقق سبک زندگی مطلوب پیدا و عملی شوند. دقت در سخنان و زندگی اهل بیت علیهم‌السلام این حقیقت را آشکار می‌کند که یکی از دغدغه‌های این بزرگواران نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف زندگی روزمره مردم است. این مقاله تلاش می‌کند تا مهم‌ترین راهکارها و روش‌ها را از منابع قرآن و حدیث استخراج کند. در مقاله حاضر از منظر تهدید مسئله ترویج سبک زندگی غربی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در مقابله با این خطر مطرح می‌شود.

۴. اهمیت سبک زندگی اسلامی در پیشرفت مادی و معنوی جامعه

پیشرفت در معنای اسلامی، با پیشرفت در فرهنگ غربی متفاوت است. برخورداری مردم از سبک زندگی دینی، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی و پیشرفت اصلی در حوزه مادی و معنوی به شمار می‌روند. طبق بیانات مقام معظم رهبری، «یک تمدن به صرف داشتن ماشین، صنعت و ثروت نبایستی قضاوت و تحسین شود، بلکه آن‌ها ابزاری است برای این‌که بخش رشد انسان‌ها تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید و امنیت زندگی کنند، حرکت کنند و تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. اگر در بخش اصلی، پیشرفت صورت نگیرد، پیشرفت‌های بخش ابزاری نه می‌توانند ما را رستگار کنند، نه می‌توانند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشند؛ همچنان‌که در جوامع غربی به این آفت دچار شده‌اند و

مبتلا به بی‌هدفی و پوچی و ناامیدی و عدم‌امنیت در اجتماع و خانواده هستند. اگر جامعه به ثروت و قدرت مادی دست یابد، به یک حیوان سیر و قدرتمند تبدیل می‌شود. بنابراین اصل همان سبک زندگی است که مشتمل بر مسائل قلمروهای خانواده، ازدواج، مسکن، لباس، مصرف، خوراک، تفریحات، خط، زبان، کسب و کار، رفتار کاری، رفتارهای اجتماعی، رفتارهای سیاسی، رفتارهای رسانه‌ای، سفر، نظافت و طهارت و... می‌باشد که در اصطلاح اسلامی به آن‌ها عقل معاش گفته می‌شود و در قرآن و کتب حدیثی اصیل و مهم توصیه‌های فراوانی در این باره به چشم می‌خورد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-
\(content?id=21252](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252)

۵. آسیب‌شناسی سبک زندگی در ایران

از زمان قاجار به بعد به سبب ورود مدرنیته به ایران و تأثیرپذیری از فرهنگ و اندیشه غربی دگرگونی‌هایی در عرصه فرهنگی کشور رخ داد و بعضی از ارزش‌های خانواده فراموش شده یا رنگ باخت و در پی آن برخی ضدارزش‌ها که سنخیتی با جایگاه مقدس این نهاد ندارند، وارد خانواده‌ها شد (جوکار، ۱۳۹۱، ۱۹۱). با وقوع انقلاب اسلامی از سرعت این تحولات کاسته شد، ولی پس از گذشت سال‌های ابتدایی انقلاب مجدداً این تغییرات با سرعت نسبتاً بالایی آغاز شده و ادامه یافت. سبک زندگی امروز ما با گذشته با تأکید بر دو محور امکانات زندگی و روش‌های آموزشی تفاوت بسیار کرده و آسایش، آرامش و نیاز مبتنی بر این نوع سبک زندگی بیشتر غربی و برگرفته از فرهنگ غربی است، که در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به داشتن همسر و از طرف دیگر گرایش به تنوع طلبی در همه امور از استفاده از وسایل مادی گرفته تا نوع گرایش به ارزش‌های غیر مادی مبتنی بر سبک زندگی غربی است. سبک زندگی، زاویه نگاه ما را تغییر داده است. در این نوع سبک زندگی، نیازهای ما پابرجاست منتهی به ولع تبدیل شده است. همچنین می‌توان گفت که منبع معتبری از سبک زندگی ایرانی اسلامی که هم بر الگوهای عملی توجه داشته

باشد و هم مبانی نظری را موشکافانه طرح کرده باشد، موجود نیست. با مطالعه سبک زندگی امروز و مقایسه با سبک زندگی دیروز متوجه می‌شویم، رابطه همه گزاره‌ها در سبک زندگی دیروز هماهنگ و به اندازه بوده است. برای همین بسته به امکانات آن روز، آسایش و آرامش برقرار بود و نیازهای واقعی نیز از راه‌های طبیعی آن پاسخ داده می‌شد، اما امروز سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است (آقایی نوروزلو، ۱۳۹۲، ۷۳۴-۷۳۲).

۶. لزوم مبارزه با سبک زندگی غربی و مروجان آن

باطن فرهنگ غربی، عبارت است از سبک زندگی مادی و گناه‌آلود. فرهنگ غربی، ذهن‌ها و فکرها را مادی کرده و هدف زندگی را به کسب پول و ثروت فرومی‌کاهد. اصل اصالت لذت و اصالت منفعت به عنوان دو اصل اساسی جاری در زندگی مردم مغرب‌زمین بر اساس مفاهیم فلسفه اومانیسم تعریف می‌شود. سبک زندگی غربی معمولاً با سنت‌گریزی، دین‌گریزی و طلب لذت آنی همراه است و روابط جنسی، ورزش و رسانه جلوه‌گاه‌های مهم آن هستند (ابوترابی‌ان، ۱۳۹۳، ۹۶). جامعه غربی در درون خودش، در حال تهی شدن و پوک شدن است و بحران‌ها و چالش‌های بزرگی که اکنون جامعه غربی با آن‌ها مواجه است و آن را در معرض فروپاشی و انحطاط قرار داده است، در عمل نشان می‌دهد که غرب در مقام جامعه‌پردازی و تدبیر زندگی اجتماعی، شکست خورده و هرگز استحقاق الگو واقع شدن ندارد. دشمنان نظام با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی سعی کرده‌اند با ترویج سبک ناسالم زندگی غربی در جامعه اسلامی دست به اقدام بزنند. مروجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون تحول شخصیت ایرانی، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آموزه‌های اسلام ناب در تقابل مستقیم با فرهنگ‌های منحط غربی قرار دارد آموزه‌هایی که رنگ‌وبوی آخرتی داشته و ساده‌زیستی و همدلی را تبلیغ می‌کند تمام نقشه‌های فرهنگ غربی را نقش بر آب می‌نمایند. اگرچه خانواده اسلامی این توان و ظرفیت را دارد که با پیروی از آموزه‌های بی‌بدیل اسلام از این چالش‌ها عبور کند و تهدیدها را تبدیل به فرصت کند، ولی با توجه به گستره هجوم نظام سلطه علیه اسلام و آرمان‌های اسلام خطر

تأثیرگذاری فرهنگ غربی زیاد است.

آنچه که رهبر انقلاب در بیانیه در توصیه هفتم خود بدان توجه کرده‌اند، ترویج سبک زندگی غربی است؛ یعنی ایشان از ناحیه تبلیغ شدن و اشاعه یافتن سبک زندگی غربی در جامعه، احساس تهدید و نگرانی می‌کنند و نسبت به آن هشدار می‌دهند. در نتیجه بایستی راه‌ها و روش‌های گسترش یافتن سبک زندگی غربی را شناخت و تا بتوان چاره‌یابی و علاج‌اندیشی کرد. تغییر سبک زندگی امر ساده‌ای نیست و بردباری و پشتکار می‌طلبد. به تعبیر امام علی علیه‌السلام جابه‌جا کردن عادت‌ها دشوارترین سیاست‌هاست (آمدی، ۱۳۶۶، ۳۳۱). اصلاح سبک زندگی امری تدریجی است و بسیار کند تغییر می‌یابد و صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد. به‌عنوان مثال پیدایش سبک معماری اسلامی بلافاصله پس از بیان آموزه‌های اسلام درباره اهمیت مسجد، نماز جماعت، تکریم میهمان، همسایه‌داری و اخلاق اجتماعی و شهروندی نبود، بلکه در طول سال‌ها آرام آن آموزه‌ها در سبک معماری مسلمانان نمود یافت. ترک عادات نادرست شراب‌خواری در صدر اسلام نیز به‌صورت تدریجی و مرحله به مرحله انجام شد (شریفی، ۱۳۹۴، ۱۰).

۷. راهکارهای مقابله جهادی و هوشمندانه با ترویج زندگی غربی

مقابله با ترویج سبک زندگی غربی تجویزی مبتنی بر پیش‌فرض مهم و بنیادین قائل بودن به امکان مقاومت است. می‌توان در برابر تجدد جهانی شده ایستاد و مقابله کرد. ذکر این نکته قابل توجه است که حضرت امام خامنه‌ای در توصیه هفتم خود در بیانیه گام دوم مبنی بر سبک زندگی، شرح مفصلی مانند بندهای قبل ارائه نکردند و تنها به خطر و زیان‌های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با آن پرداختند. بنا به فرموده امام خامنه‌ای مسئولیت اصلی این جهاد، برعهده جوانان است. جوانان به‌عنوان نیروهای پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

در مورد تغییر سبک زندگی ملت ایران، عوامل داخلی و خارجی بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. این عوامل در زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... اثرگذار هستند. مهم‌ترین راهکارهای تحقق و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی و زدودن سبک نامطلوب رفتاری مقابله با تغییر سبک زندگی اسلامی و ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی با استناد به قرآن و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام شامل موارد زیر می‌باشد:

۱.۷. تقویت اعتقادات و باورهای دینی و اسلامی

در جامعه اسلامی آموزه‌ها و مؤلفه‌های سرچشمه گرفته از دین اسلام که ارکان هویت فردی و نهادهای اجتماعی را تشکیل داده و بر حفظ کرامت و شرافت انسان‌ها تأکید دارند. برای پیاده کردن سبک زندگی اسلامی باید به بنیادها و زیرساخت‌های فکری و معرفتی آن توجه کرد و این باور بنیادی و زیرساخت سبک زندگی اسلامی توحید است، به این معنی که همه رفتارها و مؤلفه‌های زندگی فرد بایستی بر بستر توحید تنظیم شوند. ایمان، اعتقاد به یگانگی خدا و نگرش به زندگی در پرتو اعتقاد و باور به معاد، از مهم‌ترین عوامل برای سبک زندگی انسان و جامعه انسانی می‌باشد. در این زمینه تقویت اعتقادات دینی و مذهبی نهادهای اجتماعی و دولتی و قوی‌تر کردن برنامه‌های فرهنگی مورد نیاز است.

۲.۷. روزآمدسازی آموزه‌های اخلاقی و افزایش معنویت

اخلاق و معنویت، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و از برکات بزرگ آن که به‌عنوان معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو یاد می‌کنند را رشد و افزایش چشمگیر فضای اخلاقی و معنوی جامعه می‌دانند و در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.» طبق اصول و هدف انقلاب اسلامی بایستی حیات طیبه و منش اسلامی و اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه برقرار شود.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. رشد اخلاقی و معنوی جامعه نیازمند جهاد و تلاش است و با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، در نتیجه حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت و زور ایجاد کنند، اما در گام اول خود افراد حکومت بایستی منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و بعد از آن زمینه را برای رواج اخلاق و معنویت در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول مبارزه کنند.

۳.۷. افزایش نشاط و معنویت در جامعه

تفریح و نشاط از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود و گزینش روش‌های ابراز شادی و نشاط ارتباط بسیار نزدیکی با سبک زندگی افراد دارد. شادی و نشاطی که در اسلام مورد تأکید است با هدف خلقت و با کمال نهایی منافات ندارد. اسلام مصداق شادی‌های پایدار و زوال‌ناپذیر را راز و نیاز عاشقانه، دعا و نیایش با شور و حال، نماز با حضور قلب، کمک به انسانی افتاده، نوازش یتیمی غمگین، سیرکردن گرسنه‌ای بینوا، دیدار بستگان، گفت‌وگو با دوستی صمیمی، ابراز عشق به همسر و فرزندان، ایجاد سرور در دل‌ها و... معرفی کرده است. در قرآن و روایات اسلامی، به برخی از عوامل نشاط‌آور و شادی‌آفرین مانند: سیر و سفر، تفریح و تفرج، ورزش و دیدار دوستان، مشاهده طبیعت و طلوع و غروب خورشید با دید بسیار مثبت نگریسته شده است. تأکید اهل بیت علیهم‌السلام و پیشوایان دینی به آموزش برخی از ورزش‌ها به فرزندان و برشمردن ثمرات و فواید سیر و سفر و تفریح، دلیلی قطعی بر مطلوب بودن آن‌ها در دین است. با راهنمایی منابع دینی می‌توان شادی و نشاط واقعی را از شادی‌های کاذب و زودگذر بازشناخت و بر دولتمردان جامعه اسلامی واجب است که فضای جامعه را به‌گونه‌ای طراحی کنند تا امکان پرداختن به شادی و نشاط فراهم شود.

۴.۷. تغییر نگرش و باورها

مهم‌ترین راهکار اصلاح یا تغییر سبک زندگی تقویت جهان‌بینی و اصلاح باورها و ارزش‌هاست. بایستی از تغییر بنیادی مبانی فکری خانواده‌ها و سست شدن بنیادهای اسلامی و ایرانی در شرایط امروز جلوگیری کرد. از طرف دیگر انسان بایستی برای تربیت عقل و نفس خود، ابتدا از ادب ظاهری شروع کند. ادب ظاهری، اثر تربیتی خود را در نفس و قلب انسان خواهد گذاشت. از آنجایی که تعلقات و تلقیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌پذیرد، می‌توان گفت اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها می‌تواند به واسطه رفتارهای ظاهری صورت بگیرد. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

۵.۷. خودشناسی و تقویت شخصیت

از مهم‌ترین علت‌های بروز رفتار ضد فرهنگ این است که فرد به جایگاه خود آگاهی نداشته باشد و کرامت و شخصیت خود را قدر ندارند. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که خود را سبک بشمارد از شر او در امان نباشند.» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۴۸۳). اگر فرد یا جامعه به جایگاه و ارزش خود آگاه نباشد، خود را کوچک شمرد و شرافت و کرامت خود را نشناسد، از انجام دادن رفتارهای نامطلوب و ناپسند ابایی ندارد. در مقابل کسانی که جایگاه و شأن خود را می‌شناسند، کمتر در پی خواست‌های شخصی خویش هستند. امام خامنه‌ای در بیان ضرورت توجه به خودسازی اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی را نگاه اعتقادی به خود و به اخلاق و رفتار خود می‌دانند.

۶.۷. رهایی از فرهنگ غرب و تقویت روحیه خودباوری

کشورهای دشمن برای استیلای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از راه جنگ نرم وارد کشورهای هدف می‌شوند. برای این ورود از شیوه‌ها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و ابزار خاصی استفاده می‌کنند. باید توجه کرد که این مسئله یعنی تفوق و سلطه فرهنگی به تغییر در باورها، اندیشه و آداب و فرهنگ مردم منجر خواهد شد که از تهدیدات اساسی به‌شمار

می‌رود. بهترین منفذ و مجرای نفوذ برای امپریالیزم فرهنگی، تغییر در شیوه و نحوه زندگی افراد است و این شدنی نیست، مگر این‌که تغییر در فکر و اندیشه به وجود بیاید؛ چراکه تغییر در فکر و اندیشه، تغییر در رفتار را به وجود خواهد آورد و تغییر در رفتار، تغییر در سبک زندگی را باعث خواهد شد. بایستی در این حرکت پیچیده دشمن، دامنه تأثیرات تهدیدهای نرم را شناخت. به عبارتی میزان موفقیت دشمن در این کارزار فرهنگی و اجتماعی را سنجد و برای مقابله با آن برنامه‌ریزی کرد. در این مسیر بایستی اثرپذیری از فرهنگ غربی به‌ویژه روشنفکران غرب زده کاهش یابد. پذیرش محض و تسلیم در برابر مبانی فرهنگی و اعتقادی غرب ضرر آفرین است و برنامه‌ریزی مدون و برقراری استراتژی فرهنگی در مقابله با سبک زندگی غربی لازم است. همچنین فراگیری نظریات دانشمندان غربی و عمل به نظریات مستشرقین غربی در مواردی ضروری به نظر نمی‌رسد و خطر آفرین است.

۷.۷. ترویج عزت فرهنگی رواج دادن روحیه عزتمندی و غیرت دینی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

برای نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی و مبارزه با روش غلط، لازم است مسلمان معتقد در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی اصل تولی و تبری را مراعات کند و محبت خود به پیامبر صل الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم‌السلام و همچنین ولایت‌پذیری خود را در عرصه‌های مختلف زندگی نشان دهد.

۸.۷. عرضه آموزش‌های کاربردی و مصداقی

علت برخی رفتارهای نادرست نداشتن آگاهی و بینش صحیح درباره آن رفتار است. لازم است بینش صحیح و آگاهی به مردم داده شود و مردم برای فهم خوبی‌ها و بدی‌ها آموزش داده شوند. طبق شیوه تربیتی پیامبران و اولیای الهی دقیق‌ترین رفتارها و مصداق‌ها در گفتار و کردار ائمه بیان شده است. اسلام حکم هیچ مسئله‌ای فروگذار نشده و کوچک‌ترین مسائل بیان شده است. برای داشتن سبک زندگی اسلام پسند باید به

آموزش‌های کاربردی و مصداقی روی آورد و مصداق‌های جزئی اصول کلی را بیان کرد. آموزش مصداقی و کاربردی از دشوارترین آموزش‌ها و تخصص‌ها است و به سطح بالایی از دانش نیاز دارد.

۹.۷. تربیت از راه معرفی الگوها و برجسته کردن الگوهای اخلاقی، ملی و دینی

رفتارشناسی اجتماعی انسان‌ها نشان‌دهنده این هست که انسان‌ها به شدت تقلید‌گرا هستند و تا حد زیادی در رفتار خود متأثر از دیگرانند. مبلغان دینی و علاقه‌مندان به اصلاح فرهنگ عمومی و شیفتگان تحقق سبک زندگی اسلامی باید از این روحیه استفاده کرده و الگوهای ناب و اصیل و فرهنگ‌سازی و تربیت اجتماعی را معرفی کنند. الگوی کامل سبک زندگی دینی و الهی وجود مقدس پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) و ائمه علیهم‌السلام هستند. خدای متعال از خلق و خوی پیامبر در آیه چهارم سوره قلم^۱ با تعبیر خلق عظیم و بزرگ یاد می‌کند و همچنین او را الگوی نیکو برای بشر معرفی می‌کند^۲. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۹۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید، پی آن‌ها را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتشان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید، اگر برخاستند برخیزید، بر آن‌ها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آن‌ها پس نمانید که تباه می‌گردید.»

۱۰.۷. توجه به مناسبت‌های مذهبی و زنده نگاه داشتن شعائر

اسلام و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام ظرفیت‌های لازم برای عرضه سبک زندگی متناسب با شرایط فعلی را دارد و می‌تواند سبک زندگی متعالی و انسانی را در اختیار بشر قرار دهد. البته به این معنا نیست که باید در شکل و صورت زندگی صدر اسلام متوقف بمانیم، بلکه این نوع نگاه‌های افراطی متحجران با روح دعوت اسلامی و با سیره زندگی ائمه

۱. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم، ۴).

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا». (احزاب، ۲۱).

ناسازگار است. مسئولان و مردم وظیفه دارند با زبان جدید برای نسل جوان نسبت به تدوین برنامه‌های بزرگداشت مناسبت‌های ملی و مذهبی اقدام کنند و ضمن برگذاری مناسبت‌ها و یادواره‌های شهدا درک نیاز روحی و فکری جامعه به‌ویژه جوانان و نسل جدید و استفاده از شیوه‌های نوین تبلیغاتی را در اولویت برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهند.

۱۱.۷. توجه ویژه به دعا و نماز

اقامه نماز از شاخص‌های مهم سبک زندگی اسلامی است. نماز مهم‌ترین رکن دین بیان شده است و اهمیت آن تا جایی است که قبولی آن شرط قبولی سایر اعمال است (نوری طبرسی ۱۴۰۷ق، ۳/۵۴). از منظر امام رضا علیه السلام هیچ عملی برتر و ارزشمندتر از نماز نیست، زیرا بهترین راه برای رسیدن به قرب الهی است، آنجا که می‌فرمایند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ» (حر عاملی ۱۴۰۳ق، ۴/۴۳). علاوه بر این نماز روح انسان را در برابر سختی‌ها مقاوم می‌کند همان‌طور که خداوند در سوره معارج آیات ۱۹ تا ۲۳ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا. إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ پروفیسور توماس هاوس در این باره می‌گوید: «نماز بهترین وسیله‌ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است و به عبارت دقیق‌تر مهم‌ترین وسیله آرامش در روان و اعصاب نماز است.» (صادقی اردستانی، ۱۳۴۷، ۲۳). این موارد حاکی از آثار نماز در سبک زندگی اسلامی است و نکته مهم این است که نماز با همان مبانی نماز مطلوب اقامه شود. دعا سلاح مؤمن و ستون دین و روشنایی آسمان و زمین است. امام رضا علیه السلام همواره به اصحاب خود می‌فرمودند: «بر شما باد به سلاح انبیا. پرسیدند: سلاح انبیا چیست؟ فرمودند: دعا.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴۶۸).

۱۲.۷. توجه ویژه به دوران کودکی

ارزش‌ها و هنجارهای یک نظام اجتماعی زمانی به‌خوبی در وجود کنشگران درونی و نهادینه می‌شوند که در زمان مقتضی عمل شده باشد. بر اساس تحقیقات حوزه روان‌شناسی

و روان‌شناسی اجتماعی غالب نگرش‌های افراد در دوران خردسالی و کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین باید کانون توجه را متوجه این دوران کرد، زیرا که بستر مقتضی برای نهادینه کردن سبک زندگی بر اساس فرامین الهی در این سنین فراهم است. هرچقدر بتوان در این بازه سنی بهتر عملکرد می‌توان آینده را کنترل و هدایت کرد.

۱۳.۷. اطلاع‌رسانی صحیح و درست

بسیاری از موارد در سبک زندگی اسلامی وجود دارد که مخاطبان از آن‌ها بی‌خبرند، یا آگاهی چندانی ندارند. بنابراین انتظار چندانی از مخاطب نمی‌توان داشت. چراکه در زمینه تبلیغات و شفاف‌سازی پیرامون این موضوع به‌درستی بایستی عمل شود.

۱۴.۷. اهمیت به سبک تعلیم و تربیت

در هیچ مکتب و آیینی به اندازه اسلام به مفهوم تعلیم و تربیت پرداخته نشده است. این سنت در سیره و زندگی پیامبر اسلام و ائمه علیهم‌السلام به روشنی پیداست که از این راه به آگاهی دانایی و کسب علوم حتی در سرزمین‌های دوردست تأکید فراوان شده است. گنجاندن منابع و محتوای اسلامی به صورت کاربردی و جذاب در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها لازم است. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «از لحاظ علمی خودتان را پیش ببرید شما می‌خواهید ستونی باشید که مدنیت ایران بر روی این ستون‌ها سر پا بایستد.» (امام خامنه‌ای، دیدار با جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3381>، ۱۳۸۶/۰۲/۱۹).

یکی از کارهایی که در این حیطه باید انجام گیرد، پالایش متون غربی در حوزه علوم انسانی است. اسلامی‌سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی بیان‌کننده اهمیت جایگاه اساتید، دانشجویان و طلاب علوم دینی در طرح‌ریزی وجه اسلامی سبک زندگی می‌باشد. در برنامه‌های کوتاه مدت می‌توان از ذخایر علمی که فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش‌های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی‌سازی علوم

انسانی به مفهوم پیش گفته و تدوین الگوی اسلامی پرداخت و در برنامه‌های میان مدت با تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق دکترا پژوهشی برای دانشجویان و طلاب علوم دینی در جهت تعمیق اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود در برنامه کوتاه مدت و آسیب‌شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آن‌ها ضعیف یا نادر است، و نهایتاً در برنامه‌های بلند مدت تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی از بین پژوهشگران، در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در آن زمینه اقدام شود. بدین ترتیب در طول برنامه بلند مدت به تعمیق وجه اسلامی تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت سبک زندگی پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق سبک زندگی اسلامی تربیت می‌شوند (آقایی نوروزلو، ۱۳۹۲، ۷۴۰).

۱۵.۷. علم‌آموزی جهادی

پیشرفت در عرصه علمی جز با حضور جوانان فعال امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه نگاه جدی به نخبگان را به عنوان یک فریضه غیرقابل اجتناب بر همه مسئولان لازم می‌کند، تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف و صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی و برافرازنده پرچم تمدن نوین اسلامی می‌باشد. پرداختن به علم و دانش در حوزه قدم برداشتن برای پیشرفت کشور و ایجاد تمدن اسلامی انقدر دارای اهمیت است که قبل از هر توصیه دیگری حضرت آقا به این مهم سفارش فرمودند. با تلاش جوانان در عرصه علمی و به پشتوانه تربیت جهادی جوانان می‌توان با برخورداری از روحیه ولایت مداری و مجاهدت در راه خداوند و تحقق آرمان‌های الهی و با اتحاد و یکپارچگی و در نظر گرفتن شرایط و امکانات و فرصت‌ها زمینه را برای برپایی تمدن اسلامی فراهم آورد.

۱۶.۷. توجه به خواسته‌های جوانان

توجه و پاسخ‌گویی به نیازهای جوانان و همچنین تربیت جهادی جوانان پیش‌برنده،

جهت بخش و همراه با چشم انداز روشنی است که نه تنها در تراز انقلاب اسلامی و منویات بنیان گذار کبیر آن قرار می‌گیرد، بلکه می‌تواند تحقق بخش اهداف و آرمان‌های متعالی نظام اسلامی در سطح تمدن جهانی باشد. از جمله راهکارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد زمینه برای شکوفایی استعدادها و تلاش و فعالیت نسل جوان، نظارت والدین بر رفتار فرزندان، شناخت والدین از نیازهای دوره جوانی، شناخت ضرورت مراقبت و آگاهی در گروه سنی نوجوان و...

۱۷.۷. توجه به رسانه و فضای مجازی

در دنیای امروز با توجه به فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و گسترش ابزارهای رسانه‌ای، علاوه بر گسترده شدن امپریالیسم خبری و جهانی سازی فرهنگ غربی تحت عنوان لیبرال - دموکراسی، شاهد هدف قرار گرفتن زندگی خصوصی و کانون‌های خانوادگی هستیم. تأثیر مخرب شبکه‌های مجازی بر شاخص‌های مختلف زندگی افراد جامعه به وضوح مشاهده می‌شود. یکی از پیامدهای منفی رسانه‌ها و فضای مجازی، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات مذهبی، به ویژه در رفتار و سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی است. در اثر تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی، زندگی تابع مصرف‌گرایی شده و تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی بر مبنای آموزه‌های اسلام تضعیف شده و بسیاری از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی به چالش کشیده شده است. در رسانه‌های نوین به محتوای دینی بهایی داده نشده و بر ظواهر دین تأکید می‌شود. در نتیجه، به ابعاد درونی دین که به ترویج سبک زندگی اسلامی منجر می‌شود، اشاره نشده و به سطوح و ظواهر دین و تربیت دینی بسنده می‌کنند که سبب می‌شود افراد در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان، به زودی از پا درآیند و گرفتار از خودبیگانگی فرهنگی شوند. در حال حاضر، فضای مجازی به تهدید مبدل شده است؛ در صورتی که می‌تواند یک فرصت به شمار بیاید؛ به شرط این که با سیاست از قبل تعیین شده با آن برخورد شود. دستگاه‌های حکومتی، اشخاص و نهادهای غیرحکومتی از جمله حوزه علمیه در مورد این موضوع وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید

هوشمندانه و مسئولانه انجام پذیرد. از طرفی بایستی اذعان داشت که رسانه با توجه به ویژگی گفتمان و در اختیار داشتن رسانه در فرایند تربیت دینی، می‌تواند به نهادینه کردن و ترویج سبک زندگی اسلامی کمک کند. همان‌طور که عضویت در شبکه‌های اجتماعی متأثر از فرهنگ غرب می‌تواند تأثیرات ویرانگری بر روح جوان ایرانی بگذارد عضویت در شبکه‌های بومی و دارای گرایش ارزشی می‌تواند باعث بالندگی جوانان شود با فعالیت‌های هدایت‌شده و مستمر در شبکه‌های اجتماعی موجود و با محور قرار دادن دوست‌یابی‌های سالم، دانش‌افزایی، کاریابی، سرگرمی‌های مفید و رشد دینی می‌توان از ظرفیت این شبکه‌ها در ترویج فرهنگ اسلامی استفاده کرد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۴۳). رسانه اسلامی با خلق کتاب‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای، به خلق اسطوره تربیت دینی پرداخته، با تبعیت از سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و ارائه تصویری از سبک زندگی آن‌ها، به ارائه الگو می‌پردازد. رسانه اسلامی با ارائه برنامه‌های مفید و شاد به معرفی و ترویج سبک زندگی اسلامی مبادرت می‌ورزد و بیننده را در صورت خستگی از مطالعه یا کار روزانه، از امکانات تفریحی قابل دسترس در رسانه بهره‌مند می‌سازد. رسانه اسلامی با بمباران اطلاعاتی در زمینه تربیت اخلاقی و دینی افراد جامعه، بدون این‌که نیازی به حضور فیزیکی فرد باشد، تعالیم دینی و ارزشی مساجد، از جمله مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را به او می‌آموزد. در نتیجه از آنجایی که تکنولوژی پذیرفته شده است و زندگی ما سرشار از استفاده آن است، بایستی از فرآورده‌های علمی آن بهره برد اما فرهنگ، تفکر، نقاب و بینش سکولار محور آن نباید انسان را تحت تأثیر قرار دهد.

تقویت رسانه‌های داخلی در ترویج، تبلیغ و شناساندن فرهنگ و سبک زندگی اسلامی و همچنین توجه جدی به مبانی فکری رسانه‌های غربی و اهداف آن‌ها از ترویج سبک زندگی غربی لازم است. مدیران رسانه و به‌ویژه برنامه‌سازان نقش کلیدی در فهماندن و ایجاد مدل و الگو در جامعه دارند. بایستی این افراد به ایجاد برنامه‌هایی بپردازند که نه تنها بستری برای گسترش فرهنگ و الگوی غربی نشود، بلکه با استفاده از متفکران و دانشمندان

در عرصه فرهنگ اسلامی به ساخت و ارائه برنامه‌های همت گمارند که الگوهای فرهنگ بومی و دینی را تقویت و پاسداری کنند.

۱۸.۷. توجه ویژه به نهاد خانواده

توجه به سبک زندگی خانواده برتر از دیدگاه اسلام و قرآن به دلیل ارائه قوانین جامع و قابلیت تطبیق با نیازهای بشر اهمیت دارد. خانواده، به‌عنوان مؤثرترین عامل برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی است و عناصر دیگری مانند: روحانیت، مساجد و مراکز دینی، کتب و نشریات، نهادهای اجتماعی، ابزارهای جدید ارتباطی، هنرمندان، ورزشکاران، صدا و سیما و نهادهای آموزشی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. با توجه به این‌که خانواده، مهم‌ترین نقش را در تحقق سبک زندگی اسلامی دارد، اگر سیاستگذاران و مسئولان جامعه درصدد برنامه‌ریزی برای تحقق سبک زندگی اسلامی در کشور هستند، باید ابتدا و قبل از هر چیز روی خانواده سرمایه‌گذاری نمایند. همچنین، به لحاظ فردی نیز اگر هر فردی، از خانواده خود، فعالیت را شروع کند و درصدد اسلامی‌سازی آن برآید، کم‌کم در سایر حوزه‌ها نیز سبک زندگی دینی رواج پیدا خواهد کرد. در رویکرد ساختاری توصیه می‌گردد که مواردی همچون اقتدار بخشی به خانواده و حمایت از پدر و مادر و همسر مورد توجه قرار گیرد، در تسهیل عملکردهای خانوادگی نیز راه‌حل‌های سیستمی و تقویت نهادهای هنجار ساز خانواده به‌ویژه آموزش و پرورش و رسانه در دستور کار جدی قرار گیرند و نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت نظیر آموزش و پرورش آموزش عالی ضمن توجه به فرهنگ کار و تلاش نوع محتوای آموزشی و تنوع آموزش خود را در جهت مهارت‌آموزی و توانمند کردن فرزندان جهت ایفای نقش خود در زندگی خانوادگی و اجتماعی قرار دهند و آن‌ها را به معارف اسلامی تشویق و ترغیب نمایند (دالوندی، ۱۳۹۱، ۳۳۲). افزایش نقش تربیتی والدین، انتقال دادن عالمانه مبانی اعتقادی بین نسل‌ها، مدیریت صحیح خانواده و تقویت آموزش‌های مربوط به این نهاد، تقویت مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده، برخورد با گسست نسلی خانواده‌ها، تقویت عزت جوانان، تقویت جریان معنویات در زندگی خانواده محور،

ازدواج به موقع، کنترل غرائز و توجه به تربیت صحیح فرزندان از جمله راهکارها در این زمینه می‌باشد. توجه به سبک زندگی خانواده برتر از دیدگاه وحیانی قرآن به دلیل ارائه قوانین جامع و قابلیت تطبیق با نیازهای روزانه و موارد مشابه اهمیت دارد.

۱۹.۷. توجه به سبک زندگی زن ایرانی اسلامی

زنان سلول‌های حیاتی جامعه‌اند و قطعاً بانوان به‌عنوان افراد دارای نقش همسری و مادری از تأثیرگذارترین افراد در رشد و اصلاح جامعه می‌باشند. زن بی‌سواد و بی‌مهارت، نمی‌تواند فرزندان متناسب نسل امروز تربیت کند. حضرت امام خامنه‌ای در بیانات خود حفظ کرامت زن در جامعه و همچنین حفظ عزت خانوادگی وی را برای به‌انجام رساندن وظایف اجتماعی و محفوظ ماندن حقوق اجتماعی و خانوادگی را به‌عنوان یکی از مسائل اساسی مطرح کرده‌اند. به‌طور کلی سبک زندگی زن اسلامی بر گرفته شده از آیات، روایات، سبک زندگی حضرت فاطمه (س) می‌باشد و حوزه علمیه خواهران و به‌خصوص بانوان طلبه می‌توانند پرچم دار این الگو برای زنان جامعه اسلامی باشند. از جمله راهکارها موارد زیر می‌باشند: رعایت حجاب و عفاف، رعایت کردن سبک زندگی پیامبران و ائمه با زنان، عدم نگرش ابزاری به شخصیت زنان، توجه به محدودیت برخی از شغل‌ها برای زنان و دانش چرایی آن و... باید به نقش زنان در فرایند تربیت فرزندان، ایجاد آرامش و محبت در خانواده ارزش‌گذاری بیشتری صورت گیرد.

۲۰.۷. بالا بردن حد زاد و ولد در جامعه

جمعیت عاملی مؤثر در شکل دهی به قدرت کشورها در ابعاد گوناگون وجودی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی مطرح می‌باشد. در هر حکومتی نیروی جوان و کارآمد و برخورداری از نیروی انسانی کافی و مناسب از بزرگ‌ترین نقاط قوتی است که دولت‌ها بایستی در جهت تأمین آن و برآوردن نیازهای آنان تلاش کنند. نکته مشترک در آموزش‌های کلی ادیان سفارش و ازدیاد پیروان و آوردن اولاد است. نه تنها این اسلام بلکه

تمامی ادیان آسمانی پیروان خود را با افزایش جمعیت باایمان و شایسته و به اندازه‌ای که در توان آنان باشد فرامی‌خوانند. در قرآن آیات متعددی وجود دارد در مورد فرزندان که از مجموع آنان چنین برداشت می‌شود که فرزندان نعمت‌های الهی نزد والدین هستند و چون سایر نعمت‌های الهی هم می‌توان با استفاده صحیح از آن‌ها در مسیر تکامل و هدایت از آن‌ها بهره جست و هم می‌توان با عدم استفاده صحیح از آن‌ها خود و آن‌ها را به خاک مذلت نشانده^۱. نکته مهم و اساسی که در قرآن کریم وجود دارد توجه به زادوولد انسان‌ها شایسته و مؤمن است. آنچه که اهمیت دارد افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. رسول خدا ﷺ فرمودند: «نسل خود را زیاد کنید که من به زیادی نسل شما در قیامت افتخار می‌کنم.» (آمدی، ۱۳۷۵ق، ۴۳۷). راهکارها در این زمینه عبارتند از: تولید نسل و تربیت آن در خانواده، فرهنگ‌سازی خانواده در زادوولد و ترکیب گروه سنی جمعیت جامعه، معافیت از مالیات و عوارض برای خانواده‌های دارای دو فرزند به بالا.

خانه‌های مجردی جامعه در حال مربوط به بالا رفتن سن ازدواج در جامعه و گسترش میل به فردیت و زندگی شخصی و بی‌همسر است. این بیماری غربی در جامعه ما نفوذ کرده و نیازمند راهکار است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود شرایط احراز برای خانه‌های مجردی، مشارکت مردمی در نظارت رفت‌وآمدهای مشکوک، رعایت حریم همسایگان، عدم تأخیر در ازدواج، انتقال آسان دانشجویان و کارمندان بومی و محل زندگی، توجه به اشتغال بومی، ضابطه‌مند نمودن خانه‌های ملکی و اجاره‌ای برای سکونت، قانون‌مند نمودن بنگاه‌های مسکن در شیوه اجاره یا فروش به مجردها، تقویت فرهنگ مشاوره در ازدواج و تسهیل ازدواج آسان، ترویج و توسعه خانه‌های اجاره‌ای برای گروه‌های مجرد با نظارت هدفمند (بنائیان سفید، ۱۳۹۴، ۸۴).

۷-۲۱- توجه و گسترش سبک زی طلبگی و روحانیت

۱. «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْمَنَاطِرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ.» (آل عمران، ۱۴).

با توجه به دوران طولانی طلبگی، روش و اسلوب زندگی طلاب علاوه بر یک الگوی آموزشی برای خود طلاب می‌تواند نوعی از روش زندگی باشد. منش طلبگی و زی روحانیت می‌تواند در میدان دینی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی بر اقشار مردم تأثیر گذار باشد. می‌توان گفت همان گونه که انتخاب طلبگی زیستن مخالف طالبان دنیا و ظواهر آن است، سبک زندگی معنوی و اخلاقی و دینی طلبه در مقابل سایر زندگی‌ها قرار گرفته و حتی می‌تواند به عنوان یک الگو مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی باید گفت که تنها راه نجات بشر امروز از انحطاط و بحران اخلاقی و معنوی، دین داری در اعتقادات، دین مداری در رفتار و دین نهادی در اخلاق است. در این میان مدرسه کشف و تولید و ارائه این مبانی اخلاقی بی‌تردید حوزه‌ها هستند که در حقیقت معارف دینی و اخلاقی را گسترش می‌دهند. به عبارتی تنها راه برون رفت از بحران اخلاقی دنیای امروز، نگاه به جمهوری اسلامی ایران و حوزه‌های علمیه است و حوزه باید در بحث پذیرش و گزینش طلاب مستعد دقت کافی کند و به جای برخورد انفعالی در این قضیه، با عنایت به یک هندسه تعریف شده در برگزاری دوره‌های عمومی اخلاق، به تربیت طلاب فاضل و اخلاق مدار همت گمارد. به عنوان یک راهبرد بایستی بیان کرد که حوزه‌های علمیه باید تلاش کنند تا مردم با فرهنگ اصیل اسلامی آشنا شوند؛ زیرا رو آوردن مردم به برخی فرهنگ‌های غربی به دلیل عدم تمایل آن‌ها به اسلام و سبک زندگی دینی نیست؛ بلکه در واقع یک الگوی اسلامی در دسترس شان نبوده، به سبک غربی روی آورده‌اند. هدایت فکری و دینی جامعه به واسطه تبیین اندیشه‌های دینی، هدایت سیاسی و بصیرت افزایی به واسطه حوزه انقلابی و حضور مستمر در عرصه انقلاب و نیز راهنمایی و حضور هدایت‌گرانه در عرصه خدمات اجتماعی از مهم‌ترین مطالبات از حوزه‌های علمیه می‌باشد.

از آنجایی که در حوزه‌های علمیه، توجه به اخلاق و تربیت طلاب همیشه دغدغه اصلی و محوری در کنار دروس رسمی بوده است، می‌توان از این شیوه برای ایجاد سبک زندگی در سایر اقشار جامعه به شیوه مطلوب بهره برداری کرد.

۷-۲۲- استفاده از سبک معماری عقلانی و منطقی

تأکید قرآن بر این‌که خانه و بیت محل سکونت است و این سکونت بیش از آن که مفهومی فیزیکی داشته باشد، در خود دارای معانی متافیزیکی به معنای سکونت و آرامش روح و روان است ایجاب می‌کند که قالب‌ها و فرم‌های منازل در جامعه اسلامی در جهت تحقق این معانی شکل بگیرند. معماری سنتی ایران تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند. قرآن در سوره شعراء^۱ در بیان ویژگی‌های برخی تمدن‌های نابودشده می‌فرماید: «آن‌ها خانه‌هایی بسیار مستحکم برای فخر فروشی می‌ساختند و امید داشتند که در آن‌ها جاودان بمانند.» معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. راهکارها تقویت و توسعه معماری اسلامی ایرانی و سبک زندگی مترتب بر آن پرهیز جدی از الگوی معماری غربی است که با هویت فرهنگی و مبانی اعتقادی اسلامی هم‌سوایی ندارد. استفاده از کاربرد مصالح بومی در ساخت‌وسازها، استفاده از زیباشناختی و هنر در سبک معماری اسلامی ایرانی، سوق دادن فرهنگ آپارتمان‌نشینی در محرم‌سازی و مصونیت، در نظر گرفتن امنیت و آرامش فردی و اجتماعی در طراحی و ساخت مدارس، مساجد، سینما، پارک و مراکز رفاهی، تبیین تمدن‌سازی معماری ایرانی اسلامی در قرون و ادوار مختلف، بررسی ریشه‌ها و علل کم‌رنگ شدن و بی‌رغبتی به طراحی و سبک معماری اصیل، استفاده از مواد با مقاومت در مقابل زلزله، تدریس در دانشگاه‌های مرتبط با عمران معماری و تلاش در جهت شناسایی مصالح و بررسی مشخصات آن‌ها از نظر مقاومت، زیبایی، بومی و ماندگاری، تشکیل شهرک‌های معماری و نمادین با تنوع و فراوانی، استفاده از الگوهای معماری ایرانی اسلامی، جذب گردشگر و ترویج فرهنگ گردشگری از کارهایی است که می‌توان انجام داد. امام خامنه‌ای در این زمینه فرمودند: «باید حفظ هویت و اصالت شهرها و پای‌بندی به معماری اسلامی و

۱. «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ. وَتَسْخَدُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَتَّخِذُونَ». (شعراء، ۱۲۹-۱۲۸).

ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام برجسته شود.» (امام خامنه‌ای، پیام به مناسبت آغاز به کار شوراها ۱۳۸۶/۰۲/۰۸، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=249>).

۲۳.۷. ضرورت توجه به لذت‌های پایدار

لذت در اندیشه غربی جزء یکی از اصول بوده و هر مسیری که انسان را زودتر به آن برساند اصالت می‌یابد. سبک زندگی غربی برای نفوذ در جوامع سراغ ابزارهایی می‌رود که بیشترین جذابیت را در کنار بالاترین سطح از غفلت ایجاد می‌کنند. یعنی همان شیوه‌ای که شیطان از آن بهره می‌گیرد. شیطان برای نفوذ در انسان و انحراف او از راه هدایت اعمال زشت را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد^۱. یکی از میل‌های درونی انسان علاقه به بازی و شادی است و می‌تواند پل خوبی برای فرهنگ غربی باشد. موسیقی‌های لهوی، طنزهای حاوی گناه در قالب لطیفه، فیلم و سریال، تصاویر دست‌کاری شده و غیره روشی هستند تا محتوای مدنظر انتقال داده شود و ضمن تغییر و ایجاد انحراف در معنای نشاط و شادی کارکرد اصلی آن را تغییر داده و مسیر زندگی فرد را عوض کنند (کهنوند، ۱۳۹۵، ۱۸۷). مشغول کردن و جهت دادن مردم از طریق برخی ورزش‌ها بسوی فرهنگ غربی نیز از اهمیت برخوردار است. نوع پوشش، شکل ظاهری ورزشکاران معروف و حتی رفتارهای خاص آن‌ها می‌تواند بنای فرهنگ غرب را ترویج و تبلیغ کند. لذا توجه به این موارد برای مبارزه با ترویج فرهنگ غربی لازم به نظر می‌رسد.

۲۴.۷. طراحی لباس مناسب سبک زندگی اسلامی

دین اسلام در ارتباط با پوشاک انسان‌ها توصیه‌های گوناگون فرموده است. راهکارها در این زمینه عبارتند از: پرهیز از الگوی لباس‌های بیگانه در کشور، بررسی تحول و تطور لباس برگرفته از تمدن فرهنگ و سنت در ایران و در ملت‌های جهان، بررسی تغییر ذائقه‌ها در پوشش و طراحی لباس در ادوار مختلف تاریخی و تأثیرپذیری فرهنگی آن، بررسی نقش و

۱. «وَإِذْ زَيْنَ لَهْمُ الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ...» (انفال، ۴۸).

جایگاه طراحی لباس در تغییر سبک زندگی، تشکیل جشنواره‌های طراحی لباس و پای بند بودن به پوشش‌های بومی و عرف جامعه، معاصر سازی طراحی لباس با توجه به رغبت‌ها و سلیقه‌ها با حفظ اصالت فرهنگ عفاف و حجاب، ارائه طراحی لباس مبتنی بر مبانی اعتقادی و آموزه‌های دینی و ارزش‌های ملی و ترویج و توسعه فرهنگ پوشش، تشکیل موزه‌های مردمی در تبیین آداب و سنن در اقصی نقاط کشور تقویت و ایجاد نگرش مثبت نسبت به لباس‌های ملی و پوشش اسلامی، وضع قوانین و اقدامات پیشگیرانه، وحدت رویه در لباس مدارس و معلمان در محل کار از نظر طراحی مدل با توجه به دوره تحصیلی و کمک به از بین بردن روحیه تجمل و تبعیض در محیط‌های آموزشی و کم کردن مسائل حاشیه‌ای، توجه جدی به حجاب کامل اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها و محل کار، توجه به رعایت حجاب و عفاف اخلاق و رعایت شاخص‌های مرتبط با آن، توجه به لباس‌های محلی، احیا و تقویت ترویج آن به‌ویژه برای نسل معاصر (بنائیان سفید، ۱۳۹۴، ۷۰).

۲۵.۷. مبارزه با ترویج مد و مدگرایی

میان استفاده از رسانه‌های خارجی و ترویج مد و مدگرایی رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها موجب ترغیب مدگرایی در افراد می‌شود. ساخت برنامه‌هایی با محتوای ایرانی اسلامی در پیشگیری از ترویج این پدیده مؤثر خواهد بود. بایستی زیرساخت‌های شخصیتی افراد مبتنی بر الگوهای فرهنگ اصیل ایرانی شکل بگیرد. میل به مدگرایی و امروزی شدن که از ویژگی‌های دوران جوانی است انسان را به پیروی از الگوهای بیگانه می‌کشاند، همان‌طور غرور و احراز هویت نیز به همین دوره سنی اختصاص دارد. در رسانه ملی، غرور ملی و غیرت دینی را می‌توان تقویت کرد و میل به امروزی شدن و مدگرایی را با الهام گرفتن از آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام و فرهنگ غنی اسلامی ایرانی خویش و متناسب با هویت فرهنگی می‌توان به فعلیت رساند. بایستی برنامه‌سازی آموزشی فرهنگی و تبلیغی فضای اجتماعی جامعه را به سمتی هدایت کند که افراد به صورت طبیعی و خودجوش به رعایت عفاف و حجاب مقید کند و نیازهای طبیعی

افراد جهت نو بودن خاص بودن به روز بودن تعیین می‌شود. راهکارهایی مثل احیای فرهنگ اسلامی و اصلاح باورهای عمومی در برنامه‌سازی، اصلاح نگرش‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری رسانه‌ای، هماهنگی نهادهای مربوطه اصلاح عملکرد رسانه‌ها، اصلاح نظام الگوسازی در رسانه و... راهکارهایی در این زمینه می‌باشند (فرهنگی، ۱۳۹۱، ۱۶۱).

۲۶.۷. الگوی تفریح سالم

Form of Top
Form of Bottom

امام علی علیه السلام فرمودند: «فرح و شادمانی باعث بهجت و انبساط روح و مایه تهییج وجد و نشاط است.» (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ۱۱/۱۱). آیاتی در قرآن کریم نیز دستور می‌دهد در زمین گردش کنید و در کیفیت خلقت آن‌ها دقت کنید. راهکارها در این زمینه عبارتند از: فراهم کردن زمینه تجدید قوا، نشاط و شادابی با استفاده از امکانات و تجهیزات طبیعی و عمومی، زمینه‌سازی آرامش و امنیت با تفریحات سالم و سازنده، ارائه تعریفی درست از استفاده از نعمت‌های الهی و فناوری با توجه به تحولات زمان، تقویت و توسعه تفرجگاه‌های طبیعی، بناهای تاریخی، موزه‌ها، پارک‌ها، پارک‌های علمی، بوستان‌ها، سینما، تئاتر، کتابخانه، امکانات و تجهیزات بازدید ورزشی و ایجاد محرک‌های محیطی سالم در ارتقای دانش و معلومات، توسعه فضاهای عمومی برای استفاده از هر نوع جنسیت و گروه سنی، تقویت سبک زندگی در استفاده از تفرجگاه‌ها همراه با رعایت شئون عفاف و حجاب و اخلاق، اختصاص زمان برای تفریح و با هم بودن در محیط خانواده و...

۲۷.۷. رونق دادن کسب و کارها و حمایت از آن‌ها

رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌تواند باعث حفظ و افزایش سطح اشتغال پایدار کشور و کاهش فقر و نرخ بیکاری، کمک به توزیع عادلانه ثروت و کاهش شکاف طبقاتی، افزایش سطح درآمد ملی و رشد و توسعه اقتصاد شود. بایستی با توجه به نقش ارزشمند و بی‌بدیل کسب و کارهای کوچک و متوسط در موضوع حفظ و افزایش سطح

اشتغال پایدار کشور و با بهره‌گیری از تمامی تجربیات و ظرفیت‌های موجود در جهت بهبود نظام سیاست‌گذاری و اتخاذ خط‌مشی‌های مناسب برای توسعه کسب و کارها جهت‌گیری کرد و این امکان را فراهم کرد تا بیش از گذشته عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط بهبود یابد. اسلام برای کار کردن اهمیت ویژه‌ای قائل است و این اهمیت در روش زندگی سالم بروز خواهد کرد. امام خامنه‌ای در این مورد فرمودند: «در هر نقطه که مشغول کاری هستید این کار، کشور شما را از بیگانگان بی‌نیاز و به آبادانی کشور کمک می‌کند.» (امام خامنه‌ای، دیدار با معلمان و کارگزاران ۱۳۷۱/۰۲/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2611>).

۲۸.۷. افزایش وحدت در جامعه اسلامی

یکی از اساسی‌ترین محورهای حفظ جامعه در راه کمال و سعادت اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق است. جامعه دچار تفرقه و پراکندگی، بخش مهمی از نیرو و توان خود را در کشمکش‌ها و درگیری‌ها داخلی از دست خواهد داد. برهمن اساس بر عنصر وحدت در جامعه اسلامی تأکید فراوان شده است. مسجد در این زمینه از نقش اساسی برخوردار است. مسجد کانونی است که همه‌روزه مؤمنان از قشرهای مختلف جامعه در آن حضور می‌یابند. یکی از نقش‌های اساسی نماز و مسجد در حوزه اجتماعی حفظ وحدت و تشویق به وحدت است وحدتی که نفاق را تضعیف جبهه حق را قوی می‌کند. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «ای گروه مؤمنان مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.» (کلینی، ۱۳۸۸). از طرف دیگر ذکر این نکته ضروری است که واقعیت‌هایی که باید در سبک زندگی اسلامی مد نظر گرفته شود، فقط به واقعیت‌های ایران و ایران امروز محدود و منحصر نمی‌شود. باید واقعیت‌های جهان امروز را هم در نظر گرفت. ملت ایران باید برای دفاع از خود آماده‌سازی کند، در غیر این صورت مستکبران و سلطه‌گران کشور را نابود خواهند کرد و دیگر ملت مستقلی باقی نخواهد ماند تا بخواهد بر پایه فرهنگ و هویت ملی خود برای خود الگوی مستقلی از سبک زندگی اختیار کند.

۲۹.۷. بالا بردن وجدان و انضباط اجتماعی

خداوند تبارک برای تمام آدمیان نیرویی عنایت کرده که به آن‌ها متذکر شود و دایره نیک و بد را برای آن‌ها مشخص کند و چراغ فطری باشد که آن‌ها را از افتادن در چاه ندامت برحذر دارد. در آیه ۱۹ سوره غافر^۱ اشاره به آگاهی خداوند از افعال همه پدیده‌ها می‌شود. راهکارها در این زمینه عبارتند از: ارتقاء مسئولیت‌پذیری با توجه به گروه سنی و شغلی، حضور به موقع برای انجام وظایف، پاسخ‌گویی به مراجعین در حوزه مسئولیت و شغل، خدا را ناظر بر اعمال و افعال و قضاوت‌ها دانستن، ایمان و خدمت به خلق و خانواده در جلب رضایت الهی، طلب مال حلال و قانون‌مندی.

۳۰.۷. دوری از تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی یکی از جلوه‌های برجسته دنیاگرایی و نماد بارز دنیازدگی است. اهل بیت زندگی راحت، معتدل و بی‌تکلف را برای پیروان خود توصیه کرده‌اند. همان‌طور که در قرآن خداوند در آیه ۸۰ سوره قصص می‌فرماید: «خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که نمی‌خواهند در زمین برتری جویی و تبهکاری کنند.» راهکارها در این زمینه عبارتند از: تناسب انتخاب با نیاز در عرصه زندگی، پرهیز از چشم و هم‌چشمی و نگاه سطحی، اهتمام به اصل سیری‌ناپذیری انسان، توجه به اسراف و تبذیر در تجمل‌گرایی و... در سایه زهد و ساده‌زیستی ظواهر دنیا رنگ می‌بازد و شخص می‌تواند خویش را با واقعیت زندگی وفق دهد و شرایط شرایط سخت و دشوار را با شادی و امیدواری سپری کند. هر چیز که از حد میانه بگذرد اسراف است. مرز میان اقتصاد میانه‌روی و ساده‌زیستی با اسراف و تبذیر مرز میان ایمان و کفر است و این اوج دقتی است که دین به مسئله ساده‌زیستی دارد.

۱. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.» (غافر، ۱۹).

۳۱.۷. اصلاح الگوی مصرف

مصرف به خودی خود پدیده‌ای ناپسند نیست، بلکه بسیار بایسته و لازم است. زیرا که یکی از شیوه‌های جایگزین ناپذیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان است که بدون آن حیات مادی و معنوی انسان‌ها دچار نابسامانی خواهد شد. گاهی مصرف شکل طبیعی خود را ازدست داده و به جای این‌که در خدمت انسان باشد انسان به خدمت او درمی‌آید. این‌جا ضرورت اصلاح الگوی مصرف آشکار می‌شود و اهمیت دغدغه مقام معظم رهبری و ارزشمندی اعلام سال ۸۸ به عنوان سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف آشکار می‌شود. آیات قرآن و روایات اهل بیت نیز درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن مطالبی را ارائه می‌کنند. مصرف بایستی بر پایه نیاز حقیقی و طبیعی انسان‌ها باشد درحالی‌که مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی ریشه در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهی انسان دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هرکس هرچه دلش خواست بخورد، هر چه دوست داشت بپوشد و هر چه از مرکب‌ها نظرش گرفت، سوار شود خداوند با نظر لطف آمیز به او ننگرد تا او را مرگ فرا رسد یا آن کارها را وانهد.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۶۳). از طرف دیگر آگاهی همه‌جانبه از دین مقدس اسلام لازم است، زیرا افرادی که این آگاهی را ندارند ممکن است ضمن توصیه‌های دینی به زهد و قناعت و پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی در دامن تفریط بیافتند و زندگی را بر خود سخت گیرند و خود را بدون منع شرعی و عرفی از نعمت‌های خداوند محروم کنند. اسلام از یک سو راه مصرف را بر انسان‌ها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان پذیرد و زندگی برایشان گوارا شود و از سوی دیگر مراقب است که مسئله مصرف از جاده اعتدال خارج نشود و آخرت آن‌ها آباد شود (حسن دوست فرخانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۳).

۳۲.۷. اصلاح سیستم‌ها

علاوه بر نهادینه کردن سبک زندگی مطلوب و با راه‌حل‌های درونی، بسترسازی فرهنگی و فرهنگ‌سازی بسیار لازم می‌باشد. تقوا و عدالت فردی هرچند لازمه سبک زندگی اسلامی

هستند، اما برای جامعه‌سازی کافی نیستند و باید بسترهای کنشی برای فراهم‌سازی آن‌ها آماده شود. هرگونه بی‌توجهی به عدالت و نظم سیستمی موجب بروز روابط ناسالم اجتماعی و اداری فراوانی می‌شوند و عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را باید در ناکارآمدی سازمان‌ها و سیستم‌ها جست‌وجو کرد.

۳۳.۷. اصلاح رفتار مسئولان متولیان و صاحب نفوذان

هرگونه انحراف در سبک زندگی حاکمان و مسئولان جامعه آثار جبران‌ناپذیری در سبک زندگی عامه مردم دارد. امام علی علیه السلام تأکید می‌کنند که هادیان جامعه باید در عمل از هم سبقت بگیرند و پیش از تبلیغ زبانی با رفتار خود فرهنگ‌سازی کنند: «ای مردم به خدا من شما را به راحتی بر نمی‌انگیزم جز این که خود پیش از شما به انجام دادن آن بر می‌خیزند و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آن که خود پیش از شما آن را فرومی‌گذارند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

۳۴.۷. ضرورت نظارت اجتماعی

مردم به همان دلیل که از حق حاکمیت برخوردارند، حق نظارت بر حاکمان را دارند. زیرا حکومت به عنوان امانت در اختیار افراد قرار می‌گیرد. نظارت اجتماعی یکی از وظایف و شئون رسالت برای ایجاد تمدن اسلامی است. مهم‌ترین اقدام اولیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای نهادینه کردن دین و امور شرعی و گرامی داشت هنجارها و ارزش‌ها منطبق با آموزه‌های قرآنی اجرای دقیق نظارت اجتماعی بود. نظارت اجتماعی در فقه اسلامی و فروع دین اسلام به عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده و به عنوان ضامن بقای اسلام و واجبی است که به سبب آن اجرای همه واجبات صورت می‌پذیرد. نظارت اجتماعی می‌تواند به اسلامی بودن سبک زندگی که یکی از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی است کمک کند.

۳۵.۷. برخورد جدی با مجرمان

در شرایط خاصی برای تحقق اجتماعی ارزش‌ها برخورد جدی با مجرمان و قانون‌شکنان لازم است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه بود که با اهانت‌ها و بداخلاقی‌هایی که به شخص ایشان می‌شد کریمانه برخورد می‌کرد. این برخورد کریمانه و نرم تا جایی بود که تمجید و تحسین الهی را در پی داشته باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره مقررات و قوانین اسلامی هیچ قانون‌شکنی و تخلفات را نادیده نمی‌گرفت و در برابر قانون‌شکنی خلق عظیم پیامبر و نرم‌خویی و محبتش به خلق خدا موجب نمی‌شد این جرم را نادیده گیرد و حد الهی را درباره او جاری نکند. هیچ واسطه و شفיעی را برای اجرا نکردن حدود الهی نمی‌پذیرفت. امام علی علیه السلام نیز همین روش را داشت.

۳۶.۷. عرصه اقتصادی

سبک زندگی در عرصه اقتصادی چنانچه به صورت صحیح شکل گیرد، می‌تواند به عاملی تقویت‌کننده تبدیل شود و قدرت و مقاومت را دو چندان سازد و در صورتی که به طور ناصحیح در جریان باشد و همراه با تجمل، اسراف، تبذیر، اتلاف و غیره جریان یابد، خود به مانعی در مسیر پیشرفت تبدیل می‌شود. چنانچه سبک زندگی ناصحیح اقتصادی در زمینه مصرف، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز سبب تشدید آثار تحریم‌های اقتصادی در گذشته شد، در صورت عدم اصلاح می‌تواند آثار بیشتری نیز بر جای بگذارد.

۳۷.۷. رعایت اعتدال

از جمله مسائل مهمی که در یک زندگی سالم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مسئله اعتدال است، به این معنی که انسان تمام ارزش‌ها از قبیل عبادت خدمت به مردم آزادی محبت و عشق ورزیدن و امور دیگر را به طور هماهنگ و معتدل در خود ایجاد نماید و به رشد حساب شده آن‌ها بپردازد. به صورتی که به حد متوسط آن‌ها دست پیدا کند. اسلام دینی سلامت محور است، چراکه همیشه حفظ تعادل و تقویت کرده در بنیاد و فطرت

انسان هم سراسر تعادل دیده می‌شود. افرادی که مسئولیت‌های اجتماعی دارند، باید از هرگونه افراط و تفریط دوری کنند. چراکه این عرصه و میدان شخصی افراد نیست که ضرر آن متوجه خودشان باشد، بلکه هر اقدام افراطی یا تفریطی می‌تواند عواقب ناگواری داشته باشد. وسعت دایره افراط و تفریط به جایگاه اجتماعی افراد مربوط است.

همانطور که بیان شد، سبک زندگی اسلامی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردهایی است که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد. در این الگوی، هدفها مشخص می‌شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند. تغییر سبک زندگی افراد جامعه نیازمند انجام برنامه ریزی‌های کلان و تخصصی در سطوح مختلف سنی جامعه، استفاده از رسانه ملی بمنظور فرهنگ‌سازی و ارائه سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی می‌باشد. همچنین نسبت به برنامه‌ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی به الگوی کامل و خالص اسلامی مبادرت ورزید. تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت بر اساس این راهبردها و نیز اجرای آن‌ها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به‌ویژه آنان که صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی را درخود جمع نموده‌اند، و نیز همکاری رسانه‌های جمعی جهت فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که توصیه رهبر انقلاب به مقابله با ترویج سبک زندگی غربی، به معنی انزواطلبی و گسستن از جهان و استفاده نکردن از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بیرونی نیست، بلکه به این معنی است که باید در عین برقراری ارتباط و تعامل با بیرون، مرزهای هویتی و حریم‌های ایدئولوژیک خود را حفظ کرد و گرفتار اضمحلال و انهدام معنایی نشد. قطعاً هرچه از غرب آمده، نباید نفی و انکار شود و متاع غربی می‌تواند درخور

اخذ و اقتباس باشند، بلکه بایستی استقلال فرهنگی ایران حفظ شود. از طرف دیگر، فواید و منافع ارتباطات و تعاملات فرهنگی و معرفتی نیز کاملاً روشن است و بخش‌هایی از شکوفایی و رونق فرهنگی، وابسته به گشودگی‌ها و آزادی‌ها و تقابلهاست، اما درعین حال، نباید وادادگی و انفعال و هضم شدن را تعامل و تبادل نام نهاد. بلکه آن تعامل و ارتباطی مطلوب و ممدوح است که موجبات بالندگی و بسط خویشتن فرهنگی ما را فراهم کند و بنیان‌های سبک زندگی بومی و دینی ما را تثبیت نماید (https://www.mehrnews.com/news/4568961). افزون بر راهبرد منع فرهنگی، باید کار ایجابی و اثباتی نیز انجام شود. راهبرد اصلی و عمده، چاره‌اندیشی مبتنی بر مصونیت فرهنگی است؛ یعنی باید به صورتی عمل شود که جامعه، از درون خویش، قوی و مقتدر شود تا در مقابل تهاجم دشمن، گزند نبیند. باید نخبگان فکری و سیاسی در زمینه‌های مختلف آسیب‌شناسی کنند که چرا پیشرفت چندانی اتفاق نیفتاده است و بعد از پیدا کردن علت‌ها، راه علاج را بیابند. باید گفتمانی ناظر به رفع آسیب‌های سبک زندگی پدید آید. از طرف دیگر، نباید غفلت کرد که ایجاد تحول در سبک زندگی، امری تدریجی است نه یکباره و مهم‌تر این‌که محتاج فرهنگ‌سازی است نه دستور. به منظور ایجاد مصونیت فرهنگی بایستی جامعه ایرانی خود اسلامی را شناخته و دچار التقاط هویتی نشود. همچنین بایستی خویشتن فرهنگی اسلامی در زندگی ذهنی و عینی افراد جامعه، درونی شود. باید هویت یاد شده هرچه بیشتر، عمیق‌تر شود. برای این منظور، باید راه گفتمان‌سازی را در پیش گرفت؛ یعنی باید ارزش‌ها را هرچه بیشتر به امر مقبول و بدیهی و بهنجار تبدیل کرد. در نهایت این‌که باید ساختارها و نهادهای فرهنگی رسمی از سیاست‌های تجدیدی پنهان و پیدای، برحذر داشته شوند و جلوی انحرافات گرفته شود و جهت‌گیری‌های انقلابی خالص بر آن‌ها حاکم شود. این امر، محتاج حضور نیروهای اصیل انقلابی آموزش دیده در رأس ساختارهای یاد شده می‌باشد که تا حدود زیادی پرورش انسان‌ها در حوزه می‌تواند پاسخ‌گوی این نیاز باشد.

۸. نتیجه‌گیری

گسترش روزافزون سبک زندگی غربی در جامعه ایران به‌ویژه در میان نسل جوان و خطر استحاله فرهنگی، نیاز قشر مذهبی جامعه به دانستن سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلام ناب برای جلوگیری از لغزش به سبک غربی یا دچار شدن به ارتجاع و تحجر مذهبی، جذب قشر به اصطلاح خاکستری به سوی اسلام ناب که تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی بشر می‌باشد و از جذابیت‌ها و زیبایی‌های خاص خودش برخوردار است و حفظ و تقویت امنیت ملی که بر پایه امنیت فرهنگ استوار شده است مجموعاً ضرورت توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام را دوجندان می‌کند. در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم و در مبارزه با گسترش سبک زندگی غلط بایستی راه‌های گسترش یافتن سبک زندگی غربی شناخته شود، تا بتوان چاره‌یابی کرد. با اتکای به اصول اسلام و با هدف مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی می‌توان با بازنگری دستورات و سبک زندگی اسلامی و توجه به رهنمودهای مقام رهبری برای محقق کردن آرمان‌های اسلام، در برابر هجوم ترویج سبک زندگی غربی راهکارهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی و در سنین و موقعیت‌های مختلف ارائه داد. تکیه بر فرهنگ اسلام، نهادینه کردن این فرهنگ و شناخت و زدودن انحراف‌ها نیازمند حضور نیروهای انقلابی و جهادی می‌باشد. به‌طور کلی راه مقابله با این تهاجم غربی، ترویج سبک زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در جامعه می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سید علی حسینی خامنه‌ای، ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷.
۲. بیانات مقام معظم رهبری به نشانی پایگاه: <https://farsi.khamenei.ir>.
۳. ابراهیمی، ابراهیم، طهماسبی بلداجی، اصغر، مرتضوی، سید ابراهیم، قنبری، لیلا، ۱۳۹۴، «بررسی نقش نماز در جهت دهی به سبک زندگی اسلامی در سیره رضوی»، سال سوم، شماره ۱۲.
۴. ابن شعبه حرانی، محمد حسن بن علی، ۱۴۰۴ق.، تحف العقول، ترجمه و تحقیق صادق حسن زاده، قم، آل علی.
۵. ابوترابیان فاطمه، ۱۳۹۳، «نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی»، مجله سبک زندگی دینی، سال اول، پیش شماره ۱، ۱۲۶-۹۵.
۶. احمدی، ابوالفضل، ذوالفقاری، ابوالفضل، ۱۳۹۸، «سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۳۹، ۱۴۸-۱۲۱.
۷. آمدی، ابوالفتح، ۱۳۷۵ق.، غررالحکم و درر الکلم، نشر دار الکتاب الاسلامی، قم.
۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۹. آقای نوروزلو، یعقوب، آقای نوروزلو، معصومه، ۱۳۹۲، «سبک زندگی اسلامی» در افق تبیین شده مقام معظم رهبری»، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۷۴۲-۷۲۵.
۱۰. برادران، محمد، ۱۳۹۳، «بایسته‌های تمدنی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) بررسی موردی جایگاه نظارت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال پانزدهم، شماره دوم، ۲۸۰-۲۵۳.
۱۱. بختیاروند، مریم، هاشمی، سید جلال، نوکریزی، حسن، ۱۳۹۵، «نقش تربیتی زکات در سبک زندگی اسلامی: استنتاج اصول تربیتی، بصیرت و تربیت اسلامی»، سال ۱۳، شماره ۳۷، ۱۳۶-۱۱۷.
۱۲. بنائیان سفید، محمد، یارمحمدیان، محمدحسین، کشتی آرای، نرگس، آقاپور، سیدمهدی، ۱۳۹۴، «واکاوی مفهومی سبک زندگی اسلامی ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آئینه آیات و روایات»، مجله مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره سی ام، ۹۰-۵۹.

۱۳. پورامینی، محمدباقر، ۱۳۹۱، سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا علیه‌السلام، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۴. جوکار، محبوبه، «سیر تحول خانواده ایرانی در گذر تاریخ»، فصلنامه عرصه مطالعات زنان و خانواده، ۱۳۹۱، سال پنجم، شماره ۱۲، شماره ۲۱ صفحات ۲۱۷-۱۹۱.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاه، بی‌جا، مرکز نشر اسراء.
۱۶. حسن دوست فرخانی، هادی، رضایی، امید، حسن دوست فرخانی، داوود، ۱۳۹۲، «بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه مکتب اسلام»، نشریه معرفت، شماره ۱۸۶، ۳۶-۲۳.
۱۷. حر عاملی، شیخ محمدحسن، ۱۴۱۴ق.، وسائل الشیعه تهران مکتبه الاسلامیه.
۱۸. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۴۰۴ق.، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. خطیبی، حسین، ساجدی، ابوالفضل، «مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی»، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۵، ۲۵-۱۳.
۲۰. دالوندی، اصغر، سادات سید مداح، باقر، خانکه، حمید رضا، بهرامی، فاضل، پروانه، شهریار، حسام زاده، علی، دالوندی، نیوشا، کیانی، تیام، ۱۳۹۱، «تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم اسلامی، سال ۱، شماره ۴، ۳۴۳-۳۳۲.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، بی‌جا، انتشارات چاپ سیروی.
۲۲. راهی، مصطفی، ۱۳۹۹، «مقایسه سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی آسیب‌های خانواده در سبک زندگی غربی»، نشریه مبلغان، شماره ۲۵۷، ۹۰-۷۴.
۲۳. زائری لطف، حسن، امانیان، ابوالفضل، ۱۳۹۱، «بررسی تأثیر شبکه‌های حمایت اجتماعی بر کیفیت زندگی»، فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص، شماره ۱، ۱۳۴-۱۱۱.
۲۴. زارعی، بتول، جعفری نویمی پور، نیما، ۱۳۹۵، «ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی با استفاده از ظرفیت شبکه‌های مجازی و اجتماعی»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، سال ششم، شماره ۲۲، ۲۴۹-۲۱۹.
۲۵. شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴، «روش‌های اهل بیت علیهم‌السلام در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات، اسلام و روان‌شناسی، سال نهم، شماره شانزدهم، ۲۶-۷.

۲۶. شریفی، عنایت الله، لطفی، مهرعلی، ۱۳۹۲، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم السلام»، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۰۰-۸۱.
۲۷. صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۷۴، جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث، تهران، نشر مطهر.
۲۸. طغیانی، مهدی، ۱۳۹۵، «شناسایی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در جهت دفاع اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۱، ۶۴-۲۹.
۲۹. فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۲، «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، با رویکرد رسانه‌ای»، ج ۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۳۰. فرهنگی، علی اکبر، کیانا، هانی، ۱۳۹۱، «تأثیر رسانه‌ها در تبلیغ سبک زندگی غربی با تأکید بر الگوی پوشش غربی»، مجله پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۵، ۱۶۳-۱۳۹.
۳۱. کاویانی، محمد، ۱۳۹۲، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، چاپ دوم، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق.، کافی، جلد ۱، تهران.
۳۳. کهوند، محمد، شبکه عنکبوتی، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه، انتشارات ذکری، قم، چاپ اول ۱۳۹۵.
۳۴. محمدی، رحیم، علی اکبری، حسن، میرابی قشونی، امیر هوشنگ، ۱۳۹۴، «مقایسه تطبیقی مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی، بصیرت و تربیت اسلامی»، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ۴۱-۲۵.
۳۵. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی (شش جلدی)، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۳۶. نگارش، حمید، ۱۳۸۰، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۳۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۷ قمری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل بیت علیهم السلام.

مرزبندی با دشمنان؛ علل و پیامدها

زینب بهجت پور (نویسنده مسئول)^۱

ناهید سادات سیدرضائی^۲

چکیده

هدف: مرزها، برای تعیین محدوده و ایجاد یک هویت مشخص در هر بخش است تا نسبت به محدوده مقابل مشخص شود. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، بر امر مرزبندی با دشمنان در تمام عرصه‌ها تأکید کرده و آن را در زمره چند سرفصل اساسی نظام اسلامی مطرح کرده و بر آن تأکید دارند. لذا دغدغه این مقاله پرسش از علل مرزبندی‌ها در نظام اسلامی، عرصه‌های مرزبندی، پیامدهای عدم مرزبندی با دشمنان می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش: تحقیق حاضر به صورت توصیفی، تحلیلی به روش کتابخانه‌ای و نوع کاربردی با استناد به آیات قرآن و روایات، است.

یافته‌ها و نتایج مقاله: یافته‌های مقاله نشان می‌دهد شفاف بودن مرزبندی‌ها در نظام اسلامی در عرصه‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی، ضمن حفظ سلامت

۱. دکتری تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (سلام الله علیها)،

Bahjatpour.Zeynab@gmail.com

۲. طلبه سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (سلام الله علیها) |

zahra958222@gmail.com

حرکت نظام اسلامی؛ امنیت و استقلال حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و اعتقادی کشور نیز تضمین می‌گردد، لذا در صورت عدم مرزبندی، از جمله پیامدها، عدم تشخیص مؤمن از منافق در جامعه اسلامی و نفوذ در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و اعتقادی که باعث بردگی فکری مسلمانان و ایجاد اختلافات بین آن‌ها، عدم دفاع از یک دیگر در برابر دشمن، تجزیه سرزمین‌های اسلامی و سلطه اقتصادی بر جامعه اسلامی است.

کلیدواژگان: بیانیه گام دوم انقلاب، علل مرزبندی‌ها در نظام اسلامی، عرصه‌های مرزبندی، پیامدهای عدم مرزبندی با دشمنان

مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف و رسالت‌های جامعه، اعم از عوام و خواص، شناخت دشمن و معرفت کافی به ماهیت، عملکرد، اهداف و برنامه‌های اوست. در اسلام اصول و قواعد زندگی بر اساس عقیده، تبیین و توصیه می‌شود. بنابر این، هر عمل و رفتاری در جامعه اسلامی، در ابعاد ارتباطات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی می‌بایست در چارچوب عقیده ساماندهی شود. شناخت این اصول و قواعد، برای امت اسلامی و رهبران و دولتمردان آنان لازم و ضروری است. زیرا با شناخت این اصول، مرزبندی با افراد خودی و افراد غیر خودی (دشمن) تعیین می‌گردد و امت طبق این اصول نظارت بر عملکرد افراد و مسئولان جامعه اسلامی را انجام می‌دهد و بر اساس این امر، هشدارهای لازم را انجام می‌دهد، لذا این پژوهش با رویکرد شناخت دشمن و لزوم مرزبندی با آن‌ها در تمام عرصه‌ها و پیامدهای عدم مرزبندی با دشمن پرداخته است.

معادل‌های عربی واژه دشمن عبارتند از: «العدو»، «الخصم» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۱/۳) ابن فارس در بیان ریشه عدو می‌نویسد: «العین و الدال و الحرف المعتل أصل واحد صحیح یرجع إليه الفروع کلها، و هو یدل علی تجاوز فی الشیء و تقدّم لما ینبغی أن یقتصر علیه (ابن فارس، بی‌تا: ۲۵۰/۴) عین و دال و حرف معتل، اصل واحد صحیحی است که همه فروع به آن بر می‌گردد، و آن اصل واحد دلالت می‌کند بر تجاوز کردن در چیزی و پیشی گرفتن بر حدی که شایسته است به آن اکتفا شود.»

العدو: تجاوز و درگذشتن از حدّ است که با التیام منافات دارد یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز تفاوت دارد. صاحب‌النهاییه و التحقیق فی کلمات القرآن و العین نیز همین معنی را آورده‌اند. (ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۱۹۳/۳)

دشمن در اصطلاح مفسران به آن کس که ضرر می‌رساند اطلاق می‌شود و اصطلاحات هم معنا با آن عبارت است از: حریف، ضد، مخالف، معارض، عدو. (حسینی دشتی،

(عدوّ): دشمنی که در قلب به انسان عداوت دارد و در ظاهر مطابق آن رفتار می‌کند ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾؛ که دشمنی کفار نسبت به شما کاملاً آشکار است» (نساء: ۱۰۱) و همچنین آیه ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ دشمنی شیطان بر آدمی بسیار آشکار است» (یوسف: ۵)

مرزبندی نیز (حاصل مصدر) است به معنای تعیین کردن مرز بین دو چیز. (عمید،

۱۳۴۲: ۱۰۲۰)

پیشینه موضوع

کتاب‌های نوشته شده در بحث دشمن‌شناسی شامل:

دشمن‌شناسی (بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری)، نوشته نجفعلی غلامی، نویسنده در چهار فصل به ماهیت دشمن و ضرورت شناخت آن، شناخت زمینه‌های نفوذ دشمن، اهداف دشمنان و همچنین روش‌های مبارزه دشمنان و چگونگی مقابله با آنان را از منظر مقام معظم رهبری بررسی کرده است و با مستندات قرآنی و روایی تطبیق داده است. دشمن‌شناسی (شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن) از منظر حضرت آیه الله خامنه‌ای، نوشته سید امیر پور فاضلی، نویسنده در سیزده فصل با عناوین ضرورت شناخت دشمن، علل و دلایل دشمنی، ماهیت و ویژگی‌های دشمن، اهداف دشمن، شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن، برنامه ریزی‌های دشمن و... صرفاً به جمع‌آوری بیانات مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف که ایراد فرموده‌اند، پرداخته است.

دشمن‌شناسی در آینه وحی و نظام ارزشی، نوشته مهدی گنجور، نویسنده با رویکردی درون دینی و با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و نظام ارزشی اسلام، به ارائه واژه‌شناسی و تصویری جامع از چیستی دشمن و بحث درباره وجود یا توهم وجود دشمن و ضرورت دشمن‌شناسی و اقسام آن پرداخته است. همچنین به برخی از مصادیق دشمن در آینه وحی نظیر: نفس؛ شیطان؛ صهیونیسم و.. اشاره شده و به دنبال آن اصول اخلاقی، انسانی و نظامی اسلام در مقابله با دشمن، مورد تأکید قرار گرفته است. در پایان نیز نمونه‌هایی از جنگ دشمن در

ابعاد نظامی و روانی برای تبیین بیشتر موضوع، ارائه شده است.

پایان نامه‌های به نگارش درآمده شامل:

دشمن‌شناسی و رهنمودهای مقابله با دشمن از نگاه قرآن و احادیث، نوشته علی رضا همتیان اسحاقی، نویسنده به تقسیم انواع دشمنان؛ دشمنان درونی و دشمنان بیرونی پرداخته است و اهداف دشمنان ایجاد تفرقه، اخراج از سرزمین، کشتن، اغواگری و مرتد کردن با شیوه‌های چون: تهدید، تطمیع، دروغ پردازی، ترویج فساد و فحشا و... را بیان می‌دارد. نویسنده در ادامه ابزارهای دشمن و رهنمودهای برخورد با دشمن را به رشته تحریر در آورده است.

دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم معیارها و مصادیق، نوشته: خدیجه ناظری در سه فصل تدوین شده است و انواع دشمنان از دیدگاه قرآن به دشمن ایمانی، دشمن داخلی و دشمن خارجی تقسیم می‌شود، شیوه‌های مبارزه دشمنان با رهبران دینی و پیروان مکتب توحیدی و نیز شیوه‌های آن‌ها برای تضعیف مبانی مکتب اسلام بیان شده است، همچنین در قرآن کریم، شناسایی راه کارهای مقابله و رویارویی با دشمنان نیز مورد توجه قرار گرفته است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

دشمن‌شناسی از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته احمد کاظمی به ضرورت دشمن‌شناسی، انواع دشمنان، علل و مصادیق دشمنی آنان از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است و اهداف و نقاط هدف دشمنان و برنامه‌های دشمنان و راه‌های مقابله با آنان را از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان می‌دارد.

بر اساس تحقیقات گسترده در رابطه با موضوع مقاله کتاب یا نوشته مستقلی در رابطه با ضرورت مرزبندی با دشمنان و علل و پیامدهای عدم مرزبندی با دشمنان یافت نشد از این رو بر خود لازم دیدم با توجه به دغدغه‌های مقام معظم رهبری در این امر و تأکید ایشان به مرزبندی با دشمنان در بیانیه گام دوم انقلاب موضوع مقاله را به این امر اختصاص داده و ضرورت هر چه بیشتر این امر را برای جامعه و مسئولان خاطر نشان سازم.

انواع دشمنان در نگاه قرآن

دشمن درونی

هرگاه انسان دشمن خود را رودرروی خود ببیند، طبعا از خود دفاع می‌کند و مواظب است تا کمترین ضربه را از ناحیه دشمن پذیرا گردد.

اما دشمن پنهان درونی بدترین دشمنان است، چرا که انسان از آن غافل می‌شود و از نقشه‌های او کمتر آگاه می‌گردد.

دشمن خانگی ضربات مهلک‌تری را به ما وارد می‌کند، لذا بر ماست ابتدا دشمن درون را شناخته و از نقشه‌های او آگاهی پیدا کنیم و پس از سرکوبی او و با عزمی استوار بر دشمن بیرون بتازیم.

مهم‌ترین دشمنان درونی انسان، نفس انسان و شیطان ملعون هستند که در آیات قرآن کریم به آن پرداخته شده است:

نفس اماره

﴿وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (یوسف: ۵۳) من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم همانا نفس، بسیار انسان را به بدی امر می‌کند مگر پروردگارم به من رحم کند!

شیطان

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (اسراء: ۶۴) همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.

دشمن بیرونی

دشمنان بیرونی که عداوت خود را اظهار می‌کنند از ضعیف‌ترین دشمنان هستند، چرا که شناسایی آنان آسان، و در مبارزه و رویارویی با آنان همیشه مؤمنان پیروز خواهند بود، البته دشمن را هیچ‌گاه نباید کوچک شمرد و از او غفلت نمود و آسایش را بر آمادگی ترجیح داد چرا که او همیشه در کمین ماست و هرگز نمی‌خوابد. قرآن کریم در آیات مختلف

دشمنان بیرونی را بر ما شناسانده است:

کافران

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ إِنْ يُتَّفَقُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴾ (ممتحنه:

۱ و ۲) ای ایمان آورندگان، دشمن من و دشمن خود را دوست (خود) نگیرید شما (در حالی) به آنان اظهار دوستی می‌کنید که آنان به حقیقتی که برایتان آمده کافر شده‌اند و پیامبر قف (صلی الله علیه و آله و سلم) و شما را به دلیل ایمان به خداوند (از شهر خود) بیرون می‌کنند! اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من جهاد کرده‌اید (شما) با آن‌ها پنهانی رابطه دوستی دارید و من به آنچه مخفی کرده‌اید و آشکار نموده‌اید آگاه‌ترم و کسی که چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است.»

منافقان

﴿ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مَسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴾ (منافقون: ۴) و چون منافقان را ببینی، هیکلهایشان تو را به تعجب وامی‌دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی؛ گویی آنان چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند. هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمن‌اند؛ از آنان دور شو؛ خدا بکشدشان؛ تا کجا (از حقیقت) انحراف یافته‌اند!»

مرجفان^۱ و مجرمان

۱. مرجف: در لغت به معنای شایعه‌پراکنی و ایجادکننده جو رعب و وحشت تفسیر شده است. (تفسیر

کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۴۴۴.)

کسانی که در جامعه اسلامی پرده‌داری کرده، با کلام و عمل خود دیگران را به انحراف می‌کشاند و امنیت روانی و آبرویی و اقتصادی و... مسلمانان را تهدید می‌کنند دشمن مسلمانان می‌باشند و بایستی بعد از

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب: ۶۰) اگر منافقان و افراد (مجرمی) که در دل‌هایشان مرض است و شایعه‌پراکنان مدینه دست از کارهای زشت خویش باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم پس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در همسایگی تو در شهر بمانند.»

دوستان دشمن

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (مائده: ۵۱) ای مؤمنان از یهودیان و مسیحیان (کسی را) دوست (صمیمی) خود قرار ندهید که آن‌ها برخی از آن‌ها اولیاء برخی دیگر هستند و هر کس (سرپرستی یا) دوستی آن‌ها را بپذیرد از آن‌ها خواهد بود.»

مسلمانان متجاوز

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات: ۹) اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آن دو را صلح دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با او بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. اگر بازگشت میان آن دو به عدالت سازش دهید.»

محاربان

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده: ۳۳) همانا جزای کسانی که با خدا و رسولش می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت بریده شود و از آن دیار تبعید گردند. این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»

فلسفه مرزبندی با دشمنان در نگاه قرآن

قرآن کریم که نسخه بی‌بدیل انسان‌شناسی و انسان‌سازی است و همه ابعاد حیات انسانی را به تصویری ممتاز کشیده است، دوستان و دشمنان انسان را نیز به او معرفی نموده تا حجت را بر او تمام نماید و وظیفه راهنمایی و راهبردی را به بی‌نظیرترین شکل ممکن انجام دهد، از این‌رو از جمله علل مرزبندی با دشمنان را در آیات قرآن چنین بیان می‌دارد:

مرزبندی با دشمنان نشانه اهل ایمان.

مرزبندی با دشمنان خدا و پیامبران از نخستین نشانه‌های اهل ایمان است چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله: ۲۲) هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده، و آن‌ها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آن‌ها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آن‌ها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.

آخرین آیه سوره مجادله، از کوبنده‌ترین آیات قرآن است، به مؤمنان هشدار می‌دهد که جمع میان «محبت خدا» و «محبت دشمنان خدا» در یک دل ممکن نیست، و باید از میان این دو یکی را برگزینند، اگر راستی مؤمنند باید از دوستی دشمنان خدا بپرهیزند و الادعای مسلمانی نکنند. آری در یک دل دو محبت متضاد نمی‌گنجد، و آن‌ها که دم از هر دو می‌زنند یا ضعیف‌الایمانند، و یا منافق، و لذا می‌بینیم که در غزوات اسلامی در طول تاریخ، در صف مخالف، جمعی از بستگان و خویشاوندان مسلمین بودند، ولی چون خطشان را از خط الهی جدا کرده، و به صفوف دشمنان حق پیوسته بودند، با آن‌ها بیکار کردند، و حتی

جمعی از آن‌ها را کشتند.

محبت پدران و فرزندان و برادران و اقوام بسیار خوب است، و نشانه زنده بودن عواطف انسانی است، اما هنگامی که این محبت رو در روی محبت خدا قرار گیرد ارزش خود را از دست می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳/۴۶۹)

در نتیجه خداوند هیچگاه جماعت اهل ایمان را درمقابل دشمنان به ظاهر برخوردار، رها نکرده است.

مرزبندی عامل مصونیت از توطئه‌ها

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَاغَةَ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوًّا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هر گونه شر و فسادی درباره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!

این آیه به دنبال آیاتی که مناسبات مسلمانان را با کفار بیان کرد، به یکی از مسائل حساس اشاره کرده و ضمن تشبیه لطیفی به مؤمنان هشدار داده است، که غیر از هم مسلکان خود برای خود، دوست و همرازی انتخاب نکنند، و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود با خبر نسازند. یعنی کفار شایستگی دوستی شما را ندارند، و نباید آنان دوست و محرم اسرار شما باشند. کفار در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی‌کنند

﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾

هرگز سوابق دوستی و رفاقت آن‌ها با شما مانع از آن نیست که به خاطر جدایی در مذهب و مسلک آرزوی زحمت و زیان شما را در دل خود نپروانند، بلکه پیوسته علاقه آن‌ها این است که شما در رنج و زحمت باشید. (ودوا ما عنتم) آن‌ها برای این که شما از مکنونات ضمیرشان آگاه نشوید، و رازشان فاش نگردد، معمولاً در سخنان و رفتار خود مراقبت

می‌کنند، و با احتیاط و دقت حرف می‌زنند، ولی با وجود این، آثار عداوت و دشمنی از لابلای سخنان آن‌ها آشکار است و گاه بطور ناخودآگاه سخنانی بر زبان می‌آورند، که می‌توان گفت همانند جرعه‌ایست از آتش پنهانی دل‌های آن‌ها، و می‌توانید از آن، به ضمیر باطن آنان پی ببرید (قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ).

این آیه حقیقتی را بیان می‌کند که امیر مؤمنان علیه السلام در سخنان خود توضیح فرموده است، آن‌جا که می‌فرماید:

«مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ، وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ» (نهج البلاغه؛ حکمت ۲۶) هیچ کس در ضمیر باطن، رازی را پنهان نمی‌دارد، مگر این‌که از رنگ چهره و لابلای سخنان پراکنده و خالی از توجه او آشکار می‌شود»

خلاصه این‌که خداوند بدین وسیله طریقه شناسایی باطن دشمنان را نشان داده، و از ضمیر باطن و راز درونیشان خبر می‌دهد و می‌فرماید: آنچه از عداوت و دشمنی در دل خود پنهان کرده‌اند، بمراتب از آنچه بر زبان می‌آورند بزرگ‌تر است. (و ما تخفی صدورهم أكبر). سپس اضافه نموده: ما برای شما این آیات را بیان کردیم، که اگر در آن تدبیر کنید، به وسیله آن می‌توانید دوست خود را از دشمن تمیز دهید، و راه نجات را از شر دشمنان پیدا کنید ﴿قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾.

مرزبندی موجب مصونیت از نفوذ در نظام اسلامی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه: ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، درحالی‌که آن‌ها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و

جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آن‌ها رابطه دوستی برقرار می‌کنید درحالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانانترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است!»

کلمه "عدو" به معنای دشمن است که هم بر یک نفر اطلاق می‌شود، و هم بر جمع دشمنان، و مراد آیه شریفه جمع آن است، به قرینه این که فرموده "اولیاء خود نگیرید" و نیز به قرینه ضمیر جمع در "الیهم" و قرائن دیگر. و منظور از این دشمنان مشرکین مکه‌اند، و دشمن بودنشان برای خدا به خاطر مشرک بودنشان است، به این علت که برای خدا شرکائی قائل بودند، و خدا را نمی‌پرستیدند، و دعوت او را نمی‌پذیرفتند، و رسول او را تکذیب می‌کردند. و دشمن بودنشان برای مؤمنین به خاطر این بود که مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند، و مال و جان خود را در راه خدا فدا می‌کردند، و معلوم است کسانی که با خدا دشمنی دارند، با مؤمنین هم دشمن خواهند بود. با توجه به این که در آیه شریفه ذکر دشمنی مشرکین با خدا کافی بود، چه حاجت بود به این که دشمنی با مؤمنین را هم ذکر کند. در پاسخ می‌گوییم: از آنجاکه زمینه آیه زمینه نهی مؤمنین از دوستی با مشرکین بود، یادآوری دشمنی آنان با ایشان نهی و تحذیر را تأکید می‌کند، گویا فرموده: کسی که با خدا دشمنی کند، با خود شما هم دشمن است، دیگر چه جا دارد که با آنان دوستی کنید. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۳۵)

سپس در ادامه آیه برای توضیح بیشتر می‌افزاید: " شما مخفیانه با آن‌ها رابطه دوستی برقرار می‌سازید، درحالی که من آنچه را پنهان یا آشکار می‌کنید از همه بهتر می‌دانم! ﴿تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ﴾"

بنابراین مخفی کاری چه فایده‌ای دارد با علم خداوند به غیب و شهود.

و در پایان آیه به عنوان یک تهدید قاطع می‌فرماید: " هر کس از شما چنین کاری کند از راه راست منحرف و گمراه شده است" (وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) هم از راه معرفت خدا منحرف گشته که گمان کرده چیزی بر خدا مخفی می‌ماند، و هم

از راه ایمان و اخلاص و تقوا که طرح دوستی با دشمنان خدا ریخته، و هم تیشه به ریشه زندگانی خود زده است که دشمنش را از اسرارش با خبر ساخته و این بدترین انحرافی است که ممکن است به شخص مؤمن بعد از وصول به سرچشمه ایمان دست دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۱۳)

انواع مرزبندی با دشمنان در جامعه اسلامی

مرزبندی جغرافیایی

سرزمین و خاک یک کشور جزو اولین مقوله‌های هویت بخش و سرمایه‌های مادی و معنوی مردم محسوب می‌شود. لذا درک مفهوم و اهمیت مرزهای جغرافیایی و حفظ تمامیت ارضی، یکی از مباحث محوری در تبیین اهمیت و نحوه مرزبندی سخت با دشمنان خواهد بود.

از نگاه جغرافیای سیاسی، قلمرو کشور، فضایی است جغرافیایی که اول، برای سکونت گروه انسانی؛ دوم، کالبدگیری مفهوم کشور و سوم، برای اعمال حاکمیت حکومت، الزامات وجود سرزمین معین را یکی از عوامل اصلی سازنده کشور تعریف می‌کند و از ارکان جدانشدنی آن شمرده می‌شود. لذا از بُعد حقوق بین‌الملل، سرزمین گواه مشهود کشور بودن است و در محدوده جغرافیایی خاص، آن است که یک کشور از حق اعمال حاکمیت برخوردار است. حاکمیت سرزمینی را می‌توان همچون حقی تلقی کرد که به موجب آن، یک کشور رسالت خویش را اعمال می‌کند و می‌تواند کشورهای دیگر را از دخالت در امور خود بازدارد.

از این رو قرآن کریم ضمن دعوت جامعه اسلامی به مقاومت و پایداری در برابر دشمنان، آن‌ها را به مرزبانی (رباط) و پاسداری از مرزهای جغرافیایی خود دعوت می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰) ای

کسانی که ایمان آورده‌اید (در دین‌داری) صبور باشید و یکدیگر را به مقاومت [در برابر دشمن] سفارش کنید و از مرزها نهبانی نمایید، و از خدا پروا بدارید، باشد که رستگار

شوید.»

جمله «رابطوا» از مصدر «رباط» گرفته شده و آن در اصل به معنای بستن چیزی در مکانی است و به همین جهت به کاروان سرا «رباط» گفته می‌شود، چون مرکب‌ها در آن جا بسته می‌شود. و «مرابطه» در اصل به معنای مراقبت از مرزها آمده است زیرا سربازان مرکب‌ها را آن جا می‌بستند و امکانات جنگی را در آن جا نگه‌داری می‌کردند. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۴۲۲/۷) (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۳۰۲/۷)

ولی این واژه معنای وسیعی دارد که شامل هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی می‌شود، در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان "مرابطه" یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳۴/۳)

آیه بعدی که در آن واژه (رباط) آمده و دلالت بر تقویت بنیه دفاعی دارد:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال: ۶۰)

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!

آنچه که از این آیه شریفه برداشت می‌شود لزوم حد اکثری توان دفاعی در برابر تهاجمات احتمالی دشمنان است و این وظیفه احاد امت اسلامی است. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید «دشمن منافع یک جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد

دشمن نگه دارند، گو این که پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، و لیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم هم به اندازه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف «و اعدوا»، تکلیف به همه است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵۱/۹) از آنجاکه تهاجم دشمن همواره از طریق مرز انجام می‌شود لزوم این آمادگی در مرزها بیش از سایر نقاط کشور می‌باشد.

لذا رهبر انقلاب با صراحت خاطر نشان می‌کنند که: «به مسئولین محترم تذکر دادیم و به شما هم عرض می‌کنیم، این است که به هیچ وجه اجازه داده نشود که به بهانه نظارت، این‌ها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به هیچ وجه مأذون نیستند که به بهانه نظارت و به بهانه بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند؛ توسعه دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملت در عرصه نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود؛ یا حمایت ما از برادران مقاوممان در نقاط مختلف؛ این‌ها مطلقاً نبایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر ۱۳۹۴/۷/۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/29415>)

مرزبندی فکری و عقیدتی

اهل بیت علیهم‌السلام و به تبع آن عالمان در نگاه دین عهده‌دار دفاع و پاسداری از مرزهای سیاسی، علمی و فکری و فرهنگی جامعه اسلامی در برابر دشمنان هستند. اینان با استفاده از هوش و ذکاوت و علم و دانش از مرزهای اسلامی در برابر هر گونه تهاجم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فکری و علمی مواظبت می‌کنند.

در روایتی رابطه با امامان و پیروی از رهنمودهای آنان رباط نامیده شده، چرا که تمسک

به اهل بیت علیهم السلام مانع از نفوذ دشمنان اسلام به مرزهای فرهنگی و عقیدتی است. فی قول الله تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ (آل عمران: ۲۰۰): «وَرَابِطُوا» يَقُولُ: فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَنَحْنُ السَّبِيلُ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ وَخَلْقِهِ، وَنَحْنُ الرِّبَاطُ الْأَدْنَى، فَهَنَّ جَاهِدَ عَنَّا فَقَدْ جَاهَدَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وما جاء به مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛ امام صادق علیه السلام درباره این گفته خداوند... که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید، و به صبر توصیه کنید و مرزبانی کنید» می‌فرمود: یعنی در راه خدا «مرزبانی کنید» و ماییم راه خدا که واسطه خدا و خلقیم و ما نزدیک‌ترین مرزیم. هر کس در راه دفاع از ما جهاد کند، او در راه دفاع از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و هر آنچه از جانب خدا فرود آمده جهاد کرده است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۱۲/۱)

در روایتی از امام صادق علیه السلام مرزبانان فرهنگی و اعتقادی جامعه اسلامی چنین توصیف شده‌اند:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إبليسَ وَعَفَارِيثُهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا، وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمُ إبليسُ وَشِيعَتُهُ التَّوَاصِبُ، أَلَا فَهَنَّ انْتَضَبَ لِدَلِكِ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَالثَّرَكَّ وَالخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ؛ لِأَنََّّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أَبْدَانِهِمْ (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱۳/۱) علمای شیعه ما، مرزبانان مرزی هستند که در آن سوی ابلیس و دیوهایش قرار دارند و (این علما) جلوی یورش آن‌ها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و پیروان او را بر ایشان می‌گیرند. بدانید که هریک از شیعیان ما که به چنین کاری برخیزد، هزار هزار بار برتر از کسی است که با رومیان و ترک‌ها و خزرها جهاد کند؛ چرا که او از عقاید شیعیان و دوستداران ما دفاع می‌کند و این، از بدن‌های آنان.»

با این نگاه هر یک از دانشمندان امت اسلامی که از دنیا برود، نقطه‌ای که او از آن حراست می‌کرده خالی خواهد ماند به گونه‌ای که هیچ چیز دیگر نمی‌تواند جایگزین آن گردد.

در روایتی از رسول اکرم ﷺ آمده که می‌فرماید:

«مَا قَبِضَ اللَّهُ تَعَالَى عَالِمًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا كَانَ تُغْرَهُ فِي الْإِسْلَامِ، لَا تُسَدُّ ثَلَمَتُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۵۷/۱۰)

خداوند متعال، عالمی را از میان این امت نبرد، مگر این که رفتن او رخنه‌ای در اسلام باشد که تا روز قیامت، این رخنه بسته نمی‌شود.»

با این بیان امروزه در جامعه اسلامی در حیطه اهداف و اقدامات نرم دشمن، می‌توان به مجموعه وسیعی از اعمالی اشاره کرد که با هدف تغییر چهار مؤلفه اساسی یعنی: باور، اعتقاد، ساختار ذهنی، اندیشه و تحلیل سروکار دارد. یعنی شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در آسمان ایران روزانه میلیون‌ها پیام آلوده فکری، اخلاقی و ... را بی‌امان به صورت بمباران، سرازیر ذهن‌ها و قلب‌های افراد جامعه می‌کنند، که هدفی جز تغییر عمیق در حوزه نرم عقیدتی و شناختی ندارد.

رهبر معظم انقلاب در ترسیم ابعاد موضوع بیان می‌دارند که: «همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه دهه اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زورآزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورش‌های قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هوشیاری نسبت به همه جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمع کثیری از

بسیجیان کشور ۴/۹/۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/8430>

لذا جبهه استکبار با مطلوب پنداشتن ارزش‌ها و فرهنگ غرب در پی تجویز نظام ارزشی و حکومتی خود به‌عنوان نسخه توسعه کشورهای توسعه‌نیافته برآمده و در این راه چون فرهنگ کشورهای مزبور را مانع توسعه می‌پندارد، به تزریق فرهنگ غرب و ایجاد لایه‌های اجتماعی حامی آن مبادرت ورزیده است. البته این اقدامات فقط در حوزه اعمال نرم باقی نمی‌ماند، بلکه انواع نفوذها و اقدامات سایبری در حوزه سخت‌افزاری که منجر به نگرش منفی نسبت به توانمندی‌های داخلی می‌گردد را شامل می‌شود و پیشرفت‌های تکنولوژیک و مقایسه‌های ذهنی از این حیث می‌تواند نگرش منفی را به بار بیاورد.

لذا رهبر انقلاب شبکه‌سازی و جریان‌سازی دشمن با هدف بهره‌برداری عقیدتی و شناختی را یکی از راهبردهای دشمن در حمله به مرزهای نرم و عقیدتی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند: «... منتها از این خطرناک‌تر (نفوذ سخت)، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی این‌جا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۴/۹/۱۳۹۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/31519>)

با این بیان ذکر این نکته لازم است که دشمنی عقیدتی به سادگی از میان نمی‌رود و نمی‌توان امید به صلح پایدار میان خود و دشمنان داشت؛ مگر آن‌که یکی دست از عقیده

خود بردارد. از این رو خداوند بصراحت در آیات خود بیان می‌کند که دشمنان تا زمانی که مسلمانان پیرو عقیده و ملت آنان نشوند دست از دشمنی بر نمی‌دارند. ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره: ۱۲۰) هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.»

مرزبندی اقتصادی و سیاسی

یکی از شیوه‌های دشمن برای ناکارآمد جلوه دادن جامعه اسلامی، عرصه سیاست و اقتصاد است، تحریم اقتصادی و قطع ارتباطات اقتصادی با سایر کشورها حربه‌ای تاریخی است. از این رو رهبر انقلاب تأکید دارند: «... آمریکا زیر ظاهر آرام و زبان چرب و نرم مسئولانش و وزیر خارجه‌اش و دیگران، از پشت دارد تخریب می‌کند، مانع ارتباطات اقتصادی کشور با کشورهای دیگر دنیا است.» (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/33886>)

مجدد رهبری گوشزد می‌کنند که: «به هیچ قیمتی اجازه ندهیم این‌ها (دشمن) در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این احتیاج دارد به این که استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است.» (بیانات رهبری در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/17022>)

در فرهنگ سیاسی کشور نیز، جهت تبیین معنای مرزبندی، شناخت دو مفهوم خودی و غیر خودی بسیار مهم است.

خودی به معنای جریان‌های همسو در نظام، و غیر خودی به معنای غریبه و جریان‌های خارج از نظام ارزشی، هنجاری و فرهنگی اطلاق می‌گردد.

مرزبندی با دشمن در سیاست و اقتصاد کشور بر دوش همه آحاد مردم علی الخصوص مسئولین و مدیران ارشد و میانی کشور است. نفوذ دشمن به مرزهای سیاسی (مشروعیت قانونی و ساختار سیاسی) و مرزهای اقتصادی (کارآمدی نظام اقتصادی) ضررهای جبران ناپذیری را برای کشور به ارمغان خواهد آورد.

ازاین رو رهبر انقلاب در یک راهبرد کلان، اعتماد نکردن به بیگانگان و دشمنان ملت و انقلاب را یکی از اصول مورد توجه مسئولین بیان می‌دارند: «یک موضوع دیگر که این هم جزو تجربه‌های اساسی ما است و بایستی شماها در مدیریت کشور - در هر بخشی که هستید - به آن توجه داشته باشید، مسئله اعتماد نکردن به دشمن و به وعده‌های دشمن است؛ این حرف، جدی است؛ این مسئله، جدی است؛ ما یک جاهایی اعتماد کردیم به دشمن، ضربه خوردیم؛ با این که می‌توانستیم اعتماد نکنیم، با این که گمان نمی‌کردیم اعتماد کنیم، اما کردیم. این اعتماد کردن به دشمن و به وعده دشمن، به ما ضربه می‌زند.» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/36824>)

بدین جهت است که رهبر انقلاب معتقدند دشمنی دشمنان حق و دشمنان خدا تمام‌شدنی نیست؛ دشمنی‌ها وجود دارد. اعمال دشمنی از سوی دشمنان خدا بستگی به این دارد که ملاحظه کنند که چقدر توانایی اعمال دشمنی و خصومت را دارند؛ اگر در طرف مقابل ضعف مشاهده کنند، ببینند می‌توانند این دشمنی را اعمال کنند، این دشمنی را بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای اعمال می‌کنند. (برگرفته از بیانات رهبر انقلاب در دیدار بسیجیان (۱/۹/۱۳۹۶)، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/38277>)

قرآن کریم نیز در سوره توبه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ (توبه: ۲۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز

می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است.»
جمله «و إن خفتم عيلة» معنایش این است که: اگر از اجرای این حکم ترسیدید که بازاریان کساد و تجارتتان راکد شود و دچار فقر گردید، نترسید که خداوند بزودی شما را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، و از آن فقری که می‌ترسید ایمن می‌فرماید.
و این وعده حسنی که خدای تعالی برای دلخوش کردن سکنه مکه و آن کسانی که در موسم حج در مکه تجارت داشتند داده، اختصاص به مردم آن روز ندارد، بلکه مسلمانان عصر حاضر را نیز شامل می‌شود، ایشان را نیز بشارت می‌دهد به این‌که، در برابر انجام دستورات دین، از هر چه بترسند خداوند از آن خطر ایمنشان می‌فرماید، و مطمئناً بدانند که کلمه اسلام اگر عمل شود همیشه تفوق دارد، و آوازه‌اش در هر جا رو به انتشار است.
(طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹/۳۰۴)

پیامدهای عدم مرزبندی با دشمنان در جوامع اسلامی

از مهم‌ترین معضلات جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون ابراز دوستی برخی متولیان اصلی حکومت اسلامی با دشمنان اصلی مسلمانان است؛ گاه این ابراز دوستی به حدی می‌رسد که ممکن است به‌خاطر آن، دستاوردهای جامعه به اندک بهایی تقدیم دشمنان شود و از دیگر سو با کسانی که مخالف این رویه هستند، تقابل مستقیم صورت گیرد. این خصلت عمدتاً برگرفته از دو عامل احساس ضعف و حقارت در قبال دشمن و احساس ترس از توان ظاهری دشمن است. از این رو پیامدهای که می‌توان تصور کرد:

عدم تشخیص مؤمن از منافق در جامعه اسلامی

امام رضا علیه السلام در یک روایت قابل توجه به معرفی تبعات دوستی با دشمنان پرداختند و فرمودند: «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخُرَّازِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يَقُولُ: إِنَّ مِمَّنْ يَتَّخِذُ [يَتَّخِذُ] مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً [لَعْنَةً] عَلَى شِيَعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ؛ فَقُلْتُ: بِنَاذَا؟ قَالَ: بِمَوْلَاةٍ أَعْدَانِنَا وَ مَعَادَاةٍ أَوْلِيَانِنَا، إِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ اخْتَلَطَ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَ اسْتَبَهَ الْأَمْرُ قَلَمَ

يُعْرِفُ مُؤْمِنٌ مِنْ مُنَافِقٍ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۷۹/۱۶) فتنه بعضی از کسانی که ادعای محبت ما را دارند بر شیعیان ما از فتنه دجال سخت تر است. راوی پرسید چرا؟ فرمود: چون با دشمنان ما دوستی و با دوستان ما دشمنی می‌کنند. این کار باعث خلط حق و باطل شده و امر را بر ما مشتبه می‌کند تا جایی که مؤمن از منافق تشخیص داده نمی‌شود.»

نفوذ به عرصه‌های مختلف جامعه اسلامی

نفوذ به معنای اثرکردن در چیزی، داخل شدن در چیزی آمده است. در ادبیات سیاسی "نفوذ" غالباً با "رخنه" اشتباه گرفته می‌شود، درحالی‌که بین این دو می‌توان تمایزاتی قائل شد. اولاً رخنه مستمر اتفاق می‌افتد اما نفوذ نقطه‌ای و موضعی است، ثانیاً غالباً رخنه توسط واحدهای ارتش نظامی کلاسیک در خط مقدم اعمال می‌شود، اما نفوذ توسط نیروهای ویژه در عمق مواضع کشور دشمن اعمال می‌شود از این منظر وقتی از نفوذ اعم از نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سخن به میان می‌آید، منظور این است که عناصری از فکر و فرهنگ و اعتقاد و اقتصاد کشور دشمن در عقبه مواضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی خودی نفوذ کرده‌اند.

برای نفوذ نمی‌توان محدودیتی قائل شد و آن را به چارچوب و عرصه خاصی مقید کرد. هر بخش از ساختار جامعه هدف که دشمن گمان داشته باشد که می‌تواند منشأ مقاومت شده و چون معضلی پیش روی اهدافش قرار گیرد، می‌تواند به مقصدی برای نفوذ بدل شود. به تناسب این هدف‌گذاری است که می‌توان از موارد زیر سخن گفت:

۱. نفوذ فکری یا عقیدتی ۲. نفوذ اقتصادی ۳. نفوذ سیاسی ۴. نفوذ جغرافیایی یا امنیتی
هر یک از عرصه‌های برشمرده در جای خود دارای اهمیت است و می‌تواند اهداف نفوذگذار را تأمین کند.

پیامد نفوذ فکری و عقیدتی

بردگی فکری مسلمانان و ایجاد اختلافات بین آن‌ها

انسان ظرفیت ذهنی محدودی دارد و در اغلب اوقات نمی‌تواند تمام جهات یک مسئله را ملاحظه کند، از این روست که اگر یک سلسله اشتغالات ذهنی داشته باشد، دیگر قادر نیست در دیگر مسائل نیز غور کند، یا اگر او را به یک سلسله مسائل پیش پا افتاده مشغول کنند دیگر درباره مسائل مهم زندگی خود چندان نمی‌تواند اندیشه کند. این حقیقتی است که استشارگران کاملاً به آن پی برده‌اند. به همین جهت برای آن‌که بتوانند با خاطری آسوده، مصالح جامعه‌ای را قربانی امیال و هوس‌های خودشان نکنند، مردم را به مسائل بی‌اهمیت و یا کم‌اهمیت سرگرم کرده، تا از اندیشیدن درباره مسائل کلی جهان اسلام باز بمانند. این روش همان چیزی است که می‌توان آن را بردگی فکری نامید؛ چرا که انسان‌ها ناگزیر درباره همان اموری اندیشه می‌کنند که دشمنان خواسته‌اند و دیگر مجالی برای فکر کردن درباره مصالح و مفاسد خودشان را ندارند.

اختلافات مذهبی و کشمکش‌های مردم با یکدیگر یکی از بهترین زمینه‌ها را برای کسانی که بخواهند فکر آنان را در یوغ بندگی خود درآورند، فراهم می‌سازد. به همین جهت استشارگران همیشه می‌کوشند میان افراد یک جامعه، اختلافات مذهبی به وجود آورند و یا اگر اختلافی وجود دارد تا آن‌جا که قدرت دارند دامنه آن را توسعه دهند، چون در چنین هنگامی، نیروی فکری مردم، صرف درگیری‌های مذهبی می‌شود و قهراً چنین انسان‌هایی برای هر نوع بردگی فکری آماده خواهد داشت. (اصفهانی، ۱۳۳۷: ۹۰)

پیامد نفوذ سیاسی:

عدم دفاع از یکدیگر در برابر دشمن

هانونو مستشرق فرانسوی رسماً اعلام کرد که: «مسلمانان در سرتاسر جهان از شرق تا غرب عالم دارای یک رابطه مشترک و برادری دینی هستند که دل یک مسلمان شرقی برای یک مسلمان در فرانسه می‌تپد، همین ارتباط عامل آن شده که امت واحدی را تشکیل دهند، از این رو لازم است از هر راه شده این رابطه را قطع کنیم تا غرب بتواند اهداف خویش را در مشرق زمین پیاده نماید» (زمانی، ۱۳۹۴: ۹۰)

هدف دشمنان این است تا با ایجاد اختلاف به اهداف خود برسند که از آن با عنوان سیاست «جدایی بینداز و حکومت کن» یاد می‌شود. (همتی، ۱۳۶۷: ۸۲) زیرا در این حالت، مسلمانان از یکدیگر در برابر دشمن دفاع نخواهند کرد و هر گروه، گروه دیگر را به دلیل خصومت و دشمنی در مقابل دشمن حقیقی اسلام، تنها خواهد گذارد.

رهبر معظم انقلاب در ایران اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «... آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، یک عده‌ای را با این شعار، با این تبلیغات که اینها سنی هستند، شما شیعه هستید سعی می‌کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه لبنان زیر فشار است به یک عده‌ای می‌گویند شما سنی هستید اینها شیعه هستند به آن‌ها کمک نکنید...» (اسحاقی، ۱۳۸۶: ۲۰۰)

پیامد نفوذ جغرافیایی

تجزیه سرزمین‌های اسلامی

همان‌طور که اتحاد پیروان یک مذهب مترقی برای پیشبرد اهداف استثماری مانع بزرگی است، اجتماع گروه زیادی در یک منطقه جغرافیائی تحت عنوان «هموطن» نیز ممکن است مزاحمت‌هایی برای استثماریان به وجود آورد. چون این اجتماع بزرگ که مردم آن در یک منطقه خاص، گرد آمده و همه خود را در غم و شادی و مصلحت و مفسده یکدیگر شریک می‌دانند، نیروی عظیمی است که می‌تواند مانع از اجرای نقشه‌های استثماری باشد. به همین جهت کسانی که می‌خواهند زندگی مردم این منطقه را وسیله اهداف شوم خود قرار دهند مقدمات تجزیه این گونه سرزمین‌ها را فراهم می‌آورند.

استثماریان برای تجزیه این گونه از سرزمین‌ها به راه‌های مختلفی متوسل می‌شوند، از جمله این که برخی از مردم آن را تحت عناوینی مانند مذهب، نژاد، زبان و یا چیزهای دیگر تحریک می‌کنند که خواهان تجزیه قسمتی از آن کشور بزرگ گردند و این تحریک‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کند. استثماریان آن قدر به مردم تحریک شده کمک‌های گوناگون می‌کنند که خواه ناخواه دولت مرکزی به ستوه آید و با تجزیه آن بخش از سرزمین خود که مثلاً

دارای مذهب یا نژاد یا زبان خاصی است موافقت کند و به همین ترتیب این تحریک‌ها پس از تجزیه یک بخش دوباره تکرار می‌شود تا بخش‌های دیگر نیز از آن جدا شود. به طوری که پس از یک قرن یک کشور مثلاً سیصد میلیون نفری به چند کشور کوچک تقسیم گردیده است و قهراً چنین کشورهایی خیلی آسان‌تر از آن کشور بزرگ ممکن است تحت استثمار و بردگی سوجدویان درآیند.

بنابراین اختلاف میان مسلمانان مهم‌ترین ابزاری است که دشمنان در تجزیه سرزمین‌های آنان به کار می‌گیرند.

در این باره می‌توان به کشور هندوستان اشاره کرد که بر اثر اختلافات شیعه و سنی به دو کشور هند و پاکستان تقسیم شد و تا به امروز این دو کشور اسلامی با یکدیگر کشمکش دارند. (اصفهانی، ۱۳۵۷: ۸۳)

پیامد نفوذ اقتصادی

دشمن به دنبال ناکارآمدی اقتصادی کشورها و سلطه بر اقتصاد کشور مورد هدف است.

از این رو مقام معظم رهبری بیان می‌دارند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید...» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم

انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>

نتیجه‌گیری

مرزبندی با دشمن یکی از کلیدواژه‌های است که در سال‌های اخیر به صورت تأکیدی از زبان مقام معظم رهبری بیان می‌گردد، با مراجعه به قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام به این

نتیجه رسیدیم که: این سخنان ریشه در قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام دارد، قرآن کریم دشمن را به دشمن درونی و دشمن بیرونی تقسیم می‌کند، و از جمله علل مرزبندی با دشمنان را نشانه اهل ایمان بودن، و باعث مصونیت جامعه از توطئه و همچنین مصونیت از نفوذ، بیان می‌کند، در انواع مرزبندی، به مرزبندی جغرافیایی، فکری و عقیدتی، سیاسی و اقتصادی اشاره شد و پیامد عدم مرزبندی با دشمن را که عدم تشخیص مؤمن از منافق در جامعه اسلامی و نفوذ در تمام ابعاد که باعث بردگی فکری مسلمانان و ایجاد اختلافات بین آنها، عدم دفاع از یک دیگر در برابر دشمن، تجزیه سرزمین‌های اسلامی و سلطه اقتصادی بر جامعه اسلامی است بیان داشتیم، لذا امروزه بر ما مردم و علی‌الخصوص مسئولان است که مرزبندی مشخص با دشمنانمان داشته باشیم و به خیال خام آنها را همراز و دوست خود نگیریم که به فرموده قرآن کریم تا از عقیده خود دست برداریم آنها از ما راضی نخواهند شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسحاقی، سید حسین، ۱۳۴۱ش، نسیم همبستگی: از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی، قم، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۳۹۹ش، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم، ج ۴، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن اثیر جزیری، مجد الدین مبارک بن محمد، ۱۴۱۵ق، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت، ج ۳، دار الکتب العلمیة.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، ج ۷، چاپ اول، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶. اصفهانی، رضا، ۱۳۳۷ش، بردگی فکری، قلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۶۹ش، معارف و معاریف، قم، ج ۵، چاپ اول، انتشارات اسماعیلیان.
۸. زمانی، محمد حسن، ۱۳۹۴ش، آشنایی با استشرق و اسلام شناسی غربیان، چاپ دوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم).
۹. طبرسی، ابو منصور احمد بن محمد، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج، محمد باقر موسوی، مشهد، ج ۱، چاپ اول، نشر المرتضی.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی، قم، ج ۱۹، ۹، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. عمید، حسن، ۱۳۴۲ش، فرهنگ عمید، تهران، چاپ ۳۸، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۶۳ش، تفسیر العیاشی، قم، ج ۱، مطبوعه العلمیه.
۱۳. عاملی، شیخ حر، ۱۴۱۴ق، وسایل الشیعه، قم، ج ۱۶، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۴. علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، چاپ اول، انتشارات مشهور.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، مهدی مخزومی، قم، ج ۷، چاپ دوم، مؤسسه دارالهجره.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، ج ۲۳، ۲۴، ۳، چاپ اول، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۱۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۱۹ق، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محمود عمر دمیاطی، ج ۱۰، دارالکتاب العلمیه.
۱۹. همتی، همایون، ۱۳۶۷ش، نقد و تحلیلی پیرامون وهابگیری، تهران، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ و نشر.
۲۰. بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴.
۲۱. بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۵/۲۶.
۲۲. بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۳/۳/۱۳.
۲۳. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۴/۱/۲۰.
۲۴. بیانات رهبر انقلاب در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر ۱۳۹۴/۷/۸.
۲۵. بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۱۳۹۴/۹/۴.
۲۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱.
۲۷. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲.
۲۸. برگرفته از بیانات رهبر انقلاب در دیدار بسیجیان ۱۳۹۶/۹/۱.
۲۹. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

بررسی شبهه دونالدسن مبنی بر عدم تمایل امام سجاد علیه السلام به مبارزه و فعالیت سیاسی با تاکید بر نظرات مقام معظم رهبری علیه السلام

علی قانعی^۱

منیره هادی به (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

شبهه کناره‌گیری امامان پس از شهادت امام حسین علیه السلام از فعالیت‌های سیاسی در کتاب مذهب شیعه دونالدسن بیان شده است. البته همین شبهه انزوا در اذهان بسیاری از مسلمانان خصوصاً در مورد امام زین العابدین علیه السلام مطرح بوده است. مستند دونالدسن ظاهراً، دو واقعه تاریخی است: یکی عدم تعرض مسلم بن عقبه به امام سجاد علیه السلام در جریان واقعه حره و نیز عدم تعرض ابن‌زبیر به حضرت در جریان قیام مختار. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که امام سجاد هیچ فعالیت سیاسی نداشته و لذا مسلم و ابن‌زبیر با ایشان درگیر نشدند. اما با توجه به نقل‌های معتبر تاریخی از ابعاد مختلف مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام و تحلیل‌های تاریخی اندیشمندان بزرگ جهان تشیع آیت‌الله خامنه‌ای بطلان این شبهه آشکار می‌شود. یافته‌های پژوهش که به روش کتابخانه‌ای به دست آمده، نشان می‌دهد مبارزه سیاسی امام

۱. دکتری تفسیرعلوم قرآن، دبیر آموزش گروه تفسیر جامعه الزهرا (س) monirehadi60@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار جامعه الزهرا و ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، Ghanei83@yahoo.com

سجاد از لحظه اول شهادت امام حسین علیه السلام آغاز و تا آخر عمر پر برکتش ادامه یافت است؛ زیرا هدف تمام ائمه، تشکیل حکومت اسلامی بوده و هیچ کدام در انجام این وظیفه خطیر کوتاهی نکردند. اگر چه امام سجاد علیه السلام نتوانست به مبارزه مسلحانه دست بزند اما، در برابر عبیدالله و یزید برخورد شدید سیاسی داشته، همچنین تمام تلاش خود را پس از بازگشت از اسارت در جهت زنده نگهداشتن یاد و خاطره عاشورا و حراست از دستاوردهای آن انجام دادند. ایشان با علمای درباری به شدت برخورد می‌کرد و به تربیت صحابه شجاع و ساماندهی جمعیت شیعه پرداخته و خود و اصحاب نسبت به حکومت اموی تا حد امکان برخورد سیاسی داشتند. در جریان واقعه حره و نیز قیام مختار حضرت، به دلایلی متعدد شرکت نداشته و یا نقش پر رنگی ایفا نکردند تا بهانه‌ای برای نابودی اصل و اساس شیعه به دست دشمن داده نشود. لذا بر خلاف ادعای دونالدسن، حیات سیاسی امام سجاد علیه السلام خالی از عزلت نشینی است و رفتارهای ایشان بر اساس مصالح سیاسی شیعه بود.

کلید واژه‌گان: حیات سیاسی امام سجاد علیه السلام، مبارزه سیاسی، مصالح سیاسی شیعه

مقدمه

سابقه شیعه‌شناسی مستشرقان بسیار کوتاهتر از مطالعات آن‌ها در دیگر حوزه‌های مطالعات اسلامی است. این کم توجهی از کمیت آثار چاپ شده در مورد شیعه در غرب به روشنی قابل درک است. چنان‌که پروفیسور هانری کربن در این باره می‌گوید: ندای تشیع در جهان تاکنون به زحمت شنیده شده است. (آشتیانی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۰) قدیمی‌ترین مطالب درباره ائمه شیعه به صورت مخصوص و به شکل علمی در مقاله‌های دائرةالمعارف اسلام و نیز کتاب مذهب شیعه دونالدسن که با رویکرد امام‌شناسی شیعه و عقاید امامیه نگاشته شده، یافت می‌شود.

آقای دوایت. م. دونالدسن یکی از شرق‌شناسانی است که به مطالعه و تحقیق درباره شیعه پرداخت. او علت تحقیق خویش درباره شیعه را سخن ادوارد براون می‌داند. براون در تاریخ ادبیات خود می‌نویسد هنوز هیچ اثر جامع و معتبری به زبان‌های غربی درباره شیعه نداریم. (براون، ۱۳۷۵ش، ص ۴۱۸) لذا دونالدسن شروع به کار کرد و تلاش نمود تا افراد ناآگاه از شیعه را با این مذهب آشنا کند.

اما دونالدسن در نگارش تاریخ شیعه دچار خطاهایی می‌شود. یکی از خطاهایی که او در کتاب مذهب شیعه مرتکب شده، آن است که تلاش می‌کند با استناد به برش‌هایی از تاریخ، به مخاطبین خود القا کند که تمام ائمه پس از امام حسین علیه السلام به امور دینی تمایل داشتند و نه سیاست و آنان تلاش کردند خود را از سیاست و حکومت دور کنند. (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۲) از آنجایی که این تفکر خطا، به خصوص درباره امام سجاد علیه السلام در میان شیعیان نیز وجود دارد، در این مقاله تلاش می‌شود با ادله کافی و با تأکید بر سخنان مقام معظم رهبری این شبهه برطرف گردد. این شبهه، از سوی برخی گروه‌ها از جمله انجمن حجتیه مبنی بر عدم ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تا پیش از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ترویج شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد امام سجاد علیه السلام (و حتی دیگر ائمه) تلاش کرده‌اند تا

حکومت اسلامی ایجاد کنند و هیچ گاه و در هیچ دوره‌ای از حیاتشان از فعالیت‌های سیاسی در حد توان خود کوتاهی نکردند. دونالدسن شبهه کنارگیری ائمه از اقدامات و مبارزات سیاسی را از امام سجاد علیه السلام آغاز کرده و درباره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز تکرار می‌کند، اما از آنجاکه پاسخ به این شبهه درباره هر یک از ائمه علیهم السلام، پژوهش وسیعی می‌طلبد، در پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای فقط به نقد این نظر و بیان مبارزه و تلاشهای سیاسی امام سجاد علیه السلام با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری پرداخته خواهد شد.

در نقد نظرات دونالدسن در کتاب مذهب شیعه خصوصاً در زندگانی امام سجاد علیه السلام اثر مستقلی به نگارش در نیامده، گرچه درباره تاریخ ائمه دیگر، مقالاتی در نقد این کتاب به چشم می‌خورد. اما پیش از تبیین نظر دونالدسن درباره امام سجاد علیه السلام و نقد آن، لازم است به اختصار به معرفی دونالدسن و کتاب مذهب شیعه بپردازیم.

۱. معرفی اجمالی دونالدسن و کتاب مذهب شیعه

دوایت. م. دونالدسن از مستشرقین اهل انگلستان و فارغ التحصیل مدرسه تبلیغات کندی در هارتفورد می‌باشد. او ۱۶ سال در ایران و در شهر مشهد سکونت داشته و به همراه همسرش به برخی سرزمین‌های اسلامی سفر کرد. آثار وی بیشتر شیعه پژوهانه است مانند: «کتاب مذهب شیعه» یا «تاریخ اسلام در ایران و عراق»، «محمد و غزالی»، «سلمان فارسی»، «امامت نزد شیعه»، «قانون جدید ایران»، «اعتقاد به جن در ایران»، «قرآن و سحر»، «ازدواج عرفی در اسلام»، «الکامل»، «صفات فلک»، «قصیده صوفیه»، «مطالب طبقه دنیا»، «توبه در اسلام»، «حکومت در اسلام»، «اسلام در هند»، «سفر ابن جبیر به مدینه»، «فصل مسیح در تاریخ یعقوبی» و... (دونالدسن، ۱۳۹۵، ص ۵۵-۵۴)

اما کتاب مذهب شیعه (Religion Shiite The) مهم‌ترین اثر دونالدسن است و می‌توان آن را شامل یک دوره فرهنگ، تاریخ سیاسی، کتابشناسی عالمان شیعه، فرق انحرافی، مباحث عمده کلامی و... دانست. البته مولف نام دوم این کتاب را «تاریخ اسلام در ایران و

عراق» نهاد و انتشارات معروف لوزاک لندن آن را منتشر کرد. در ارزش و اعتبار این کتاب میان نویسندگان اختلاف نظر است. برخی چون دکتر زرین کوب این کتاب را سطحی می‌دانند و معتقدند این اثر نقطه آغاز مطالعات مستند امامیه در غرب است و بیشتر کارهای بعدی مرجع شان همین کتاب است (زرین کوب، ۱۳۶۲ش، ص ۱۴۳) و بعضی مانند دکتر نصر بر این نظرند که این کتاب هنوز در مطالعات شیعه امامیه مستند و مرجع است. (دونالدسن، مقدمه مترجم، ۱۳۹۵ش، ص ۵۵) عباس احمدوند، مترجم کتاب مذهب شیعه به زبان فارسی می‌گوید: «مؤلف با رویکردی سنی مآبانه، روایی و گاهی اندکی تحلیلی سعی در تحقیق کاری علمی داشته است.» (همان، ص ۵۷ - ۵۶)

کتاب در ۳۲ فصل تدوین شده و دارای کتابشناسی مراجع غربی، فارسی، عربی، نمایه است. این کتاب در برخی فصول سنی مآبانه و در بعضی جاها شیعه مدارانه است، اما در برخی از فصل‌ها سخنان غیر علمی و خرافی دارد و مترجم کتاب تلاش کرده برخی از اشتباهات و خطاها را در قسمت تعلیقات کتاب پاسخ گوید.

دونالدسن کتاب را با مسئله «جانشینی پیامبر» آغاز می‌کند و فصل دوم را به «غاصبان سه‌گانه» و در فصل‌های بعدی به زندگی امامان تا حضرت صاحب الزمان اختصاص می‌دهد. او حتی به توضیح در مورد شهر مشهد و سامرا و نیز معرفی نواب اربعه، زیارت قبور امام زادگان، ماجرای ظهور آل بویه و شرح عقیده امامت، عصمت و شفاعت توجه دارد. اما قبل از شرح و تبیین نظر دونالدسن درباره عدم تمایل امام سجاد علیه السلام، لازم است عنوان کلیدی بحث، مفهوم‌شناسی گردد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مفهوم در این جا مفهوم «سیاست» باشد که به تعریف آن پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی سیاست

سیاست در لغت، اصلاح، تربیت و تدبیر است؛ لذا در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، تمرین دادن حیوانات، به اصلاح چیزی همت گماردن و نگاهداری و حراست، به کار رفته است.

(فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۳۶، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۰۸ و دهخدا ذیل واژه سیاست)

اما از نظر اصطلاحی، آیت الله مصباح در تعریف سیاست این گونه می آورد: سیاست یعنی روش اداره جامعه یا تنظیم جامعه به صورتی که به مصالح و خواسته های جامعه تحقق بخشیده شود. به تعبیر ساده تر، سیاست یعنی آیین کشورداری. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۶)

البته تا آن جا که صاحب نظران می گویند تاکنون حدود ۲۰۰ معنا برای این واژه ارائه شده است. عده ای از نظریه پردازان سیاست را به معنای «علم قدرت» دانسته اند. برخی دیگر از نظریه پردازان غربی سیاست را به معنای «علم دولت» دانسته اند. اما در فرهنگ سیاسی اسلام واژه سیاست را به معنای تمشیت امور چه در امر دولت و چه غیر دولت آورده اند. (رک. درافشان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵)

همچنین تعریف بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، فقیه و سیاستمدار شیعه از سیاست این گونه است: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد تمام مصالح جامعه و تمامی ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را به طرف چیزی که صلاحشان هست هدایت کند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲)

از آنجاکه محور این پژوهش، مبارزه سیاسی ائمه با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری است به تعریف مبارزه سیاسی از منظر این اندیشمند بزرگ پرداخته می شود.

از منظر رهبر فرزانه انقلاب آیت الله خامنه ای، مبارزه سیاسی ائمه معصومین علیهم السلام فقط مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی نبود و هدفشان از بیان حدیث و نقل معارف و احکام فقط اثبات یک مکتب کلامی یا فقهی در مقابل معتزله یا اشاعره نبود بلکه هدف تشکیل حکومت اسلامی است. ایشان می نویسند: مقصود از مبارزه سیاسی عبارت است از مبارزه ای با یک هدف سیاسی و آن هدف تشکیل حکومت اسلامی و به تعبیر ما حکومت علوی است. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۶)

ایشان معتقد است: ائمه از لحظه وفات رسول الله تا سال ۲۶۰ در صدد بودند که حکومت الهی را در جامعه اسلامی به وجود بیاورند. البته نمی‌توانیم بگوییم که می‌خواستند حکومت اسلامی را در زمان خودشان یعنی هر امامی در زمان خودش به وجود بیاورد، بلکه آینده‌های میان مدت و بلند مدت و در مواردی هم نزدیک مدت وجود داشت.

مدعای مقام معظم رهبری این است که: همه کارهای ائمه (غیر از کارهای معنوی و روحی که مربوط به قرب او به خدا می‌شود) یعنی درس، حدیث، علم، کلام، محاجه با خصوم علمی، با خصوم سیاسی، تبعید، حمایت از یک گروه و ردّ یک گروه، در این خط، برای این است که حکومت اسلامی را تشکیل بدهند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۷-۶)

چنان‌که پیش از این گفته شد دونالدسن در صدد است کناره‌گیری ائمه بعد از امام حسین علیهم السلام را از سیاست اثبات کند، و در راستای این هدف پس از بیان اوضاع زندگی امام سجاد، ایشان را منزوی معرفی می‌کند. لذا لازم است پس از بیان دقیق مدعای او، به نقد این شبهه با ادله تاریخی بپردازیم.

۳. تبیین دیدگاه دونالدسن درباره فعالیت سیاسی امام زین العابدین علیه السلام

دونالدسن معتقد است: پس از این‌که مردم مدینه و مکه، عبدالله بن زبیر را خلیفه خواندند واقعه حره و هتک حرمت مزار پیامبر رخ داد. یزید، مسلم بن عقبه را به سوی مدینه فرستاد تا آن قیام را سرکوب کرد در جریان این واقعه، حضرت زین العابدین از شرکت در این قیام خودداری کرد.

سپس مسلم از مردم خواست با یزید بیعت کنند. یکی از افرادی که نزد او آمد، علی بن حسین بود. مسلم حضرت را کنار خویش بر تخت نشانید و گفت: خلیفه درباره تو دستور ویژه‌ای به من داده است. حضرت فرمود: هرگز اقدام مردم مدینه را تأیید نمی‌کنم. مسلم او را با احترام به منزلش بازگرداند.» (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۵)

پس از خونخواهی و قیام مختار نیز با آن‌که مختار در کوفه اعلام کرد که نماینده زین العابدین علیه السلام است، لیکن ابن‌زبیر هرگز امام زین العابدین ع را مسئول اقدامات مختار

ندانست، زیرا درحالیکه پیوسته مختار را تعقیب می‌کرد و سرانجام هم او را شکست داده و در نبرد کشت، در مدینه متعرض امام زین العابدین ع نشد. او می‌گوید: امام از جانب مختار پیشنهاداتی دریافت کرد ولی به نامه‌اش پاسخ نداد. (همان، ص ۲۰۸)

با توجه به آنچه از کتاب مذهب شیعه نقل شد، مولف در صدد است با استناد به دو قضیه تاریخی یعنی عدم شرکت امام سجاد ع در قیام حره و در نتیجه مورد تعرض قرار نگرفتن حضرت از سوی مسلم بن عقبه و حتی احترام کردن مسلم به ایشان و نیز عدم تعرض ابن‌زبیر به حضرت سجاد پس از قیام مختار به مخاطبان خود الفاء کند که حضرت، فردی منزوی بود که نمی‌خواست در فعالیت‌های سیاسی شرکت کند. او با استفاده از جریان اختلاف در جانشینی امام حسین ع که بین محمد حنفیه و امام سجاد علیه السلام رخ داد نیز می‌خواهد این مسئله را تلقین کند که ایشان اگرچه مدعی امامت بوده اما به زندگی آرام و منزوی در مدینه تمایل داشت. لذا در این باره می‌آورد:

«پس از مرگ ابن‌زبیر، محمد بن حنفیه و زین العابدین علیه السلام به مکه رفتند تا ببینند واقعاً کدام یک در جانشینی امام حسین برحقند. هر دو در کنار خانه کعبه، حجرالاسود را خواندند. محمد بن حنفیه دعا کرد، ولی هیچ پاسخی نیامد. سپس زین العابدین ع دعا کرد و حجرالاسود به حدی تکان خورد که نزدیک بود از دیوار کعبه برون افتد. آن گاه به زبان عربی فصیح پاسخ گفت: زین العابدین علیه‌السلام پس از حسین علیه‌السلام امام بر حق است. محمد بن حنفیه این قضیه را پذیرفت و پس از این اتفاق، زین العابدین به مدینه بازگشت و در آن جا زندگی آرام و منزوی در پیش گرفت.» (همان، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹)

۴. نقد و بررسی نظر دونالدسن

قبل از نقد نظر دونالدسن لازم به ذکر است که امامت امام سجاد علیه السلام همزمان با شهادت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام در کربلا بود. بر طبق نقل متواتر تاریخ به دلیل بیماری موقت وظیفه جهاد از ایشان ساقط شد. (مسعودی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۰)

ایشان در زمان حیاتش با شش خلیفه معاصر بود که همگی دشمن اهل بیت علیهم السلام بودند.

این خلفا عبارتند از یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک. امام سجاد علیه السلام پس از شهادت پدر، به اسارت در آمد و مسئولیتش از همان لحظه آغاز شد و در تمام دوران امامت اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حکمفرما بود.

مقام معظم رهبری معتقدند: در ذهن بسیاری از مردم حضرت زین العابدین، فرد سالخورده، ساکت مریض احوالیست که دائماً مشغول دعا خواندن و یا گریه و یا رسیدگی به ایتام است. اما مطالعه در تاریخ امامت ۳۵ ساله حضرت، نشان می‌دهد او یک قهرمان کامل است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۶۲-۶۱)

امام علی بن حسین پس از حادثه عاشورا بر سر یک دوراهی قرار گرفت، یا باید با ایجاد هیجان و احساسات در میان جمع شیعه پرچم مخالفت برافراشته و به یک عمل متهورانه دست زند و صحنه را برای ترک تازی‌های بنی امیه در میدان فکر و سیاست خالی کند یا باید احساسات سطحی را به وسیله تدبیری سنجیده مهار کند و عجلتاً، جان خود و تعداد بسیار معدود یاران قابل اتکای خود را حراست کرده و میدان را در برابر حریف رها نکند و در این جبهه یعنی جبهه سازندگی افراد صالح و تعلیم اندیشه راهنما، به مبارزه بی‌امان ولی پنهان مشغول باشد. راه دوم دشوارتر و حوصله گیرتر و قهرمانانه‌تر بود و امام آن را برگزید و سرانجام نیز جان بر سر آن نهاد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۶۰۰)

آری، با مطالعه تاریخ حیات امام سجاد علیه السلام و تحلیل رفتارهای حضرت و شرایط زندگی ایشان، بطلان نظر دونالدسن در کناره‌گیری حضرت از سیاست آشکار می‌شود. در ادامه به تلاش‌های سیاسی این امام بزرگوار که در جهت حفظ تشیع و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی انجام شد، اشاره می‌گردد.

۴.۱ اقدامات سیاسی امام سجاد پس از شهادت امام حسین ع و آغاز امامتش

۱.۱- ۴ ایراد خطبه و برخورد با عبیدالله بن زیاد در کوفه

شهر کوفه اولین جایی بود که امام زین العابدین علیه السلام باید رسالت خود را انجام می‌داد، آن

هم در شرایطی که عبیدالله برای این که خود را پیروز مطلق واقعه کربلا معرفی کند، دستور داده بود که سرهای شهدا را پیشاپیش کاروان اسرا در محله‌های کوفه بچرخانند. (قمی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۱) زنان کوفه با دیدن وضعیت اندوهبار کاروان، شروع به گریه و ناله کردند.

امام آنان را مخاطب قرار داد و با تعجب فرمود:

«أتنوحون و تبكون من اجلنا؟ فمن الذی قتلنا؟»

آیا شما به حال ما نوحه می‌کنید و می‌گریید، پس چه کسی ما را کشت؟ (ابن طاووس، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). حضرت در میان مردم خطبه‌ای شجاعانه خواند و ضمن بیان جنایات ضد انسانی یزید، مزدوران او را قاتل و غارتگر و شکننده حرمت فرزند پیامبر معرفی کرد و شهادت خاندان اهل بیت پیامبر را بزرگترین افتخار خود دانست. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۲) ایشان با این کار توانست ضمن به رخ کشیدن روحیه شجاعت و ایستادگی خود و بیان جنایات وحشیانه یزید و لشکریانش، از جعل و تحریف واقعه عاشورا جلوگیری کند و ماهیت قیام حسینی را به تصویر کشد.

حضرت در کاخ عبیدالله نیز چنان سخن گفت که ابن‌زیاد تصمیم گرفت ایشان را نیز به شهادت برساند، لکن حضرت زینب که حضرت سجاد را در خطر دید به شدت با ابن‌زیاد سخن گفت و لذا او از کشتن امام منصرف شد و دستور داد آنان را به زندان بیندازند. (ابن طاووس، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳ و شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲)

۱.۲ - ۴ - برخورد شدید سیاسی در برابر یزید

امام زین العابدین علیه السلام در ادامه اسارت، باز هم از مبارزه دست نکشید و در مواقع مختلف به رسوا کردن بنی امیه پرداخت. از جمله، زمانی که عبیدالله بن زیاد به دستور یزید کاروان اسرای کربلا را به شهر دمشق فرستاد و کاروان وارد شهر شد، ناگهان پیرمردی شامی رو به اسیران کرد و گفت: «سپاس خدایی را که شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شرتان آسوده کرد و امیرالمؤمنین (یزید) را بر شما پیروز گردانید.» بلافاصله حضرت سجاد علیه السلام شروع به احتجاج با او کرد و خود و خاندان گرامیش را به او معرفی نمود به گونه‌ای

که مرد شامی از گفته اش پشیمان شد و وقتی خبر به یزید رسید، دستور داد تا آن پیرمرد را به قتل رساند. (طبرسی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۴)

سپس اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دست بسته به مجلس یزید وارد کردند و ایستاده نگه داشتند. در این جا نیز امام سکوت نکردند و در برابر یزید فرمودند: «انشدک الله یا یزید! ما طئک برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لورءانا علی هذه الصفة»
«تو را به خدا سوگندای یزید: به گمان تو اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را با این وضع مشاهده می نمود چه می کرد؟»

یزید دستور داد، ریسمان را قطع کرده و برداشتند. (ابن طاووس، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۹۵)
در یکی از روزها نیز یزید، خطیب دربار را امر به خواندن خطبه کرد و او به نکوهش امیرالمومنین و امام حسین علیهما السلام و ستایش معاویه و یزید پرداخت. در این هنگام امام سجاد علیه السلام شروع به خواندن خطبه کرد و چنان یزید را رسوا نمود که ناچار شد برای ساکت کردن امام به موزن دستور اذان دهد. اما امام همچنان با هر کلمه اذان به شناساندن خود و پدرش به عنوان فرزندان نسبی رسول خدا تأکید می ورزید و فضائلی را از آنان بیان کرد که تا آن روز مردمان شام نشنیده بودند. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۶ و حسینی جلالی ۱۴۱۸ ق، ص ۵۴-۵۱) این خطبه ها و احتجاجات نمودی از مبارزه سیاسی حضرت با امویان است.

مقام معظم رهبری برخلاف دونالدسن بر این نظر است که ائمه علیهم السلام همه به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بودند. ایشان در کتاب حماسه امام سجاد علیه السلام به حرکات حضرت در برابر عبیدالله بن زیاد و یزید اشاره کرده و آن را در جهت پیگیری همین هدف دانسته اند و علت رویکرد حاد سیاسی امام سجاد علیه السلام در مقطع اول امامت شان را زمینه کار آینده برای تشکیل حکومت الهی و اسلامی می داند. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۱۷۸-۱۷۴)

ایشان معتقد است: «گفتار اعجاز آمیز حضرت در شرایطی که یزید می خواست این گروه را ضد دین و اخلاکگر و واجب القتل معرفی کند به گونه ای بود که نشان می داد، یزید

ظالم و خونخوار است و قابل حکومت کردن نیست.» (همان، ص ۵۹-۵۸)

۱.۳-۴ خطبه‌ای در بدو ورود به مدینه

کاروان امام حسین پس از گذشت هفت ماه به مدینه بازگشت. خبر شهادت حضرت و یارانش پیش از آن به مدینه رسیده بود و بنی هاشم عزادار بودند. مدینه آخرین پایگاهی بود که باید پیام واقعه جانگداز عاشورا را پس از کوفه و شام دریافت می‌کرد. امام بشیر بن جندل را احضار کرد. او که شاعر مرثیه سرا و پراوازه‌ای بود مامور شد که پیش از ورود امام به مدینه، خبر شهادت اباعبدالله را برساند. بشیر نیز بر اسب سوار و به شهر وارد شد و در مسجد پیامبر چنان سخن گفت که همه مردم مدینه به گریه و شیون پرداختند. (قمی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۱۰۵)

بشیر می‌گوید امام سجاد علیه السلام در نزدیکی مدینه خیمه زده بود و مردم مدینه گریان به سوی ایشان شتافتند. او می‌گوید: حضرت پس از پاک کردن اشک‌هایش بر روی چهارپایه‌ای نشستند و مردم را به سکوت دعوت کرد و آن‌گاه به بیان فاجعه غمناک کربلا و مظلومیت امام حسین علیه السلام و یارانش پرداخته و اهل مدینه را به برپایی عزا، مراسم سوگواری و مصیبت دعوت کرد تا این واقعه در سینه‌ها ثبت گردد و فراموش نشود. (همان، ج ۱، ص ۱۰۵۴-۱۰۵۱ و حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۶-۶۵)

اینها همه نشان از مبارزه حاد سیاسی امام با حکومت بنی امیه دارد و اگر امام تمایل به سکوت و انزوا و عدم فعالیت سیاسی پس از شهادت امام حسین علیه السلام داشت به چنین فعالیت‌های شجاعانه و خطرناکی دست نمی‌زد.

۱.۴-۴ زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و حراست از دستاوردهای آن

بنی امیه سعی کرد حادثه کربلا را با تبلیغات و روشهای خبثات آمیز خودش لوٹ کند و نگذارد کسی از آن چیزی بفهمد. اما امام سجاد در مقابل این توطئه قیام کرد و تمام آنچه را مردم باید از حادثه عاشورا بدانند بدون واژه‌های آنان بیان کرد بی‌تقیه و ترس از کشته

شدن. با این کار هم تاریخ را تثبیت کرد و هم دشمن را دچار شکست سیاسی و روانی نمود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵۹۹)

امام با گریه بر شهیدان کربلا به این مبارزه منفی ادامه می‌داد و با دیدن آب و غذا اشک می‌ریخت و وقتی علت را از ایشان جویا می‌شدند به حادثه عاشورا اشاره می‌فرمود. ایشان در پاسخ به سؤال یکی از بزرگان مصر که پرسید حال شما چگونه است؟ فرمود: فکر نمی‌کردم که شخص بزرگی از مصر حال ما را نداند! اینک برایت توضیح می‌دهم، وضع ما در میان قوم خود مثل وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران شان را می‌کشتند و دخترانشان را زنده نگه می‌داشتند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ است که مردم با سب و ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرب می‌جویند. (ابن عساکر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳)

قطعاً تلاش‌های امام سجاد حتی در شام نیز اثرگذار بوده است و با وجود تبلیغات مسموم معاویه و یزید علیه اهل بیت، مردم شام از عملکرد خود نسبت به اهل بیت پشیمان شدند و با ایشان در عزای امام حسین و یارانش همراه شدند، آنگونه که اگر یزید اسرای خاندان نبوت را به مدینه نمی‌فرستاد، شورش‌های بزرگی در شام اتفاق می‌افتاد. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶)

۱.۵-۴. استفاده از دعا برای تعلیم و انتقال معارف اسلامی

یکی از وظایف اصلی امام تفسیر و شرح و تبیین و تدوین مکتب است. در مدت ۱۰ سالی که پیامبر در میان جامعه اسلامی زندگی کردند بسیاری از نیازهایی که جامعه انسانی ممکن است داشته باشند پیش نیامد و بنابراین پاسخگویی اسلام به آن مسائل معلوم نشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۶۳) بنابراین لازم بود تا امیرالمومنین و پس از ایشان فرزندان ایشان که به مقام امامت نائل می‌آمدند به تبیین دقیق معارف ناب اسلامی بپردازند.

امام زین العابدین علیه السلام نیز به این مسئولیت خطیر اقدام کرد و البته یکی از شیوه‌های تبلیغاتی و مبارزاتی او تبیین معارف اسلام در قالب دعا بود. این دعاها مکتب تربیتی بزرگی است که در سازندگی و رشد روحی انسان‌ها نقش مهمی دارد. صحیفه سجادیه که مجموعه

دعاهای حضرت سجاد است، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است. حضرت در این ادعیه به نقش و موقعیت ویژه رهبران الهی و امامان و امتیازات آنان پرداخته و این دقیقاً به معنای نفی مشروعیت حکومت زمامداران وقت بود. (پیشوایی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۸۷- ۲۸۰ و ر.ک جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۷۷- ۲۷۵)

این اقدامات و مبارزات حضرت آثار و برکات کوتاه مدت و بلندمدت زیادی داشت که برای آگاهی از آن‌ها می‌توان به کتابهای تاریخی که در مورد حیات امام سجاد علیه السلام است مراجعه نمود و شرح آن در این پژوهش نمی‌گنجد.

۱.۶-۴. مبارزه با علمای درباری

یکی از برخوردهای حاد سیاسی امام سجاد، در برابر عالمان درباری بود. ایشان با علمای وابسته و محدثین بزرگی که برای دستگاه حکومت فعالیت می‌کردند، مبارزه می‌کرد. در آن زمان خلفای جور حداکثر استفاده را از این عالمان می‌کردند و آن‌ها را به آنچه مایل بودند وادار کرده و درخواست جعل حدیث از زبان پیامبر و صحابه بزرگ او داشتند. یکی از این عالمان درباری محمد بن مسلم بن شهاب زهری است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۳۳- ۲۳۰) زهری که از تابعان و محدثان و فقیهان آن عصر مدینه بود به امام سجاد علاقه زیادی داشت. او در وصف حضرت گفته بود: ما رایت هاشمياً افضل منه. (اربلی، ۱۴۳۳ق، ص ۱۱۶) و هرگاه از امام چهارم یاد می‌کرد می‌گریست و از ایشان به عنوان زین العابدین نام می‌برد. (همان، ص ۱۲۳۶)

اما پس از آن که زهری، تغییر مسیر داده و از مخالفان امیرالمومنین علی علیه السلام می‌شود، مبعوض اهل بیت می‌گردد تا آنجا که ابن ابی الحدید معتزلی نقل می‌کند که روزی علی بن حسین شنید که زهری و عروه بن زبیر در مسجد پیامبر نشسته و نسبت به علی علیه السلام بدگویی می‌کنند. حضرت به مسجد رفت و بالای سر آن‌ها ایستاد و آن دو را مذمت و توبیخ کرد. (ر.ک. ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۱) پس از آن که زهری به دربار بنی امیه رفت تا از ثروت و رفاه آنان برخوردار شود به منصب قضاوت رسیده و معلم فرزندان هشام بن عبدالملک شد.

اوهمچنین به جعل حدیث بر ضد خاندان هاشمی پرداخت. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲- ۲۲۳)

مقام معظم رهبری معتقدند حضرت زین العابدین در برابر زهری موضع گیری بسیار سخت و تندی داشتند و این موضع گیری در نامه ای به او نمایان شده است. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷)

امام در این نامه خطاب به زهری می نویسد: تو در حالتی قرار گرفته ای که هر کس از این وضع تو اطلاع یابد سزاوار است به حال تو ترحم کند. بدان کمترین چیزی که کتمان کردی و سبکترین چیزی که بر دوش گرفتی، این است که وحشت ستمگر را به آرامش تبدیل کردی و چون به او نزدیک شدی و دعوت او را اجابت کردی راه گمراهی را برای او هموار کردی. آن گاه که چیزهایی به تو دادند که حق تو نبود، گرفتی و به فردی نزدیک شدی که هیچ حقی را به کسی باز نگردانده است و هنگامی که تو را به خود نزدیک ساخت، هیچ باطلی را برطرف نکردی و کسی را که دشمن خداست، به دوستی خودت انتخاب کردی. اینک از تمام منصبهای خود کناره گیری کن تا به پاکان و صالحان پیشین ملحق شوی. نزدیکترین وزیران و قوی ترین یارانشان به قدری که تو فساد آن ها را در چشم مردم صلاح جلوه دادی، نتوانسته اند به آنان کمک کنند. (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷- ۳۸۱)

متن این نامه علاوه بر این که نسبت به خود زهری بسیار تند است نسبت به دستگاه خلافت نیز بسیار شدید است و منحصر به خود محمد بن شهاب نمی شد و دست به دست و دهان به دهان می گشت و در تاریخ می ماند. امام با نوشتن این نامه که در آن به توییح و ارشاد زهری پرداخته بودند به یک حرکت علمی و سیاسی دست زدند. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۲۴۱- ۲۳۷)

آری چنان که مشاهده می شود امام صریح و بی پرده و بدون هیچ ملاحظه کاری با یک عالم درباری سخن

می گوید و او را نصیحت می نماید. خلفای زمان را ستمگر و فاسد و دشمن خدا معرفی

می‌کند و این با انزوای مورد ادعای دونالدسن کاملاً متعارض است. بلکه به عکس نشان می‌دهد که حضرت کوچکترین حرکات و اتفاقات سیاسی و اجتماعی جامعه را زیر نظر داشته و درباره آنان واکنش حاد سیاسی مناسب نشان می‌دهد.

۱۰۷-۴. سامان دهی شیعیان با تربیت اصحاب شجاع

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، جمعیت بسیار کمی از شیعیان واقعی باقی ماند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: ارتد الناس بعد قتل الحسين عليه السلام ثلاثة أبو خالد الكابلي ويحيى بن أم الطويل وجبير بن مطعم. ثم إن الناس لحقوا وكثروا. (طوسی، ق ۱۳، ص ۳۳۷)

در این فضای مسموم امام سجاد علیه السلام با دست یحیی بن ام طویل‌ها، جمعیت شیعه را سر و سامان می‌دهد و بدین منظور آن‌ها را به مناطق دوردست می‌فرستد. بنابراین در اواخر دوران بنی‌امیه سراسر قسمت شرقی کشور اسلام محب اهل بیت می‌شوند. یحیی کسی است که به او باب گفته می‌شد؛ یعنی رابط بین امام و شیعه بود. در کافی شریف حدیثی از عبید الله است که گوید: یحیی پسر ام طویل را دیدم که در کناسه (میدان بزرگ کوفه) ایستاده و با صدای بلند فریاد زد و گفت: ای اولیای خدا! همانا ما از آنچه می‌شنوید، بیزاریم. هرکس علی را دشنام گوید، نفرین خدا بر او باد و ما از خاندان مروان بیزاریم و از آنچه به جز خدا می‌پرستند؛ سپس صدایش را کوتاه می‌کرد و می‌گفت: هرکس به اولیای خدا دشنام گوید با او ننشینید و هرکه در عقیده ما تردید کند با او هماهنگی نکنید و هرکس از برادرانتان به خواستنی از شما نیازمند شد، به او خیانت کرده‌اید. (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۱۲)

چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: یکی از فعالیت‌های سیاسی امام سجاد علیه السلام این بود که شاگردانی این‌گونه زبده را سراغ مردم می‌فرستاد تا مردم را روشن و آگاه کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۶۵۴-۶۴۷) و این یکی از ابعاد مبارزاتی امام سجاد در برابر خلفای بنی‌امیه بود.

امام زین العابدین در دوران امامت خود تلاش کردند تعداد شاگردان و یاران خود را افزایش دهند تا آنجا که شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از کتاب های رجالی خود تعداد اصحاب و شاگردان حضرت سجاد علیه السلام را بیش از یکصد و هفتاد نفر می داند. (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۹-۹۹)

البته شیخ طوسی تمام کسانی که از محضر حضرت استفاده کردند را نام برده است، گرچه از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و یا حتی خود، امام باشند، مانند حضرت باقر و صادق علیه السلام، طبیعی است تمام این افراد و شخصیت ها در یک سطح نمی باشند و میزان بهره مندی آن ها از حضرت زین العابدین علیه السلام یکسان نبوده است.

۱.۸-۴. تعرض امام سجاد به خلیفه در مکاتبات

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، فضای سیاسی جامعه به شدت رعب انگیز و همراه با اختناق فراوان بود. هرگونه حرکت و جهاد مسلحانه پیشاپیش محکوم به شکست بود و هیچ حرکتی از زیر نظر جاسوسان بنی امیه پنهان نمی ماند. در زمان حکومت عبدالملک مروان، امام سجاد علیه السلام، کنیز خود را آزاد کرده و سپس با او ازدواج نمود. بلافاصله عبدالملک در نامه ای به امام سجاد، به کار حضرت اعتراض کرده و عمل ایشان را مورد مذمت و تقبیح قرار داد. او می خواست با این هشدار به ایشان اعلام کند که حتی امور داخلی و شخصی خانه ایشان را زیر نظر دارد تا چه رسد به حرکت های سیاسی و انقلابی.

امام سجاد علیه السلام در پاسخ به نامه او چنین فرمود: بزرگ تر و بالاتر از پیامبر کسی نبود. او کنیز و زن مطلقه برده خود را به همسری گرفت. خداوند هر پستی را با اسلام بالا برد و هر نقصی را با آن کامل ساخت و هر لثیمی را در پرتو آن، کریم ساخت. پس هیچ فرد مسلمانی، پست نیست و پستی جز پستی جاهلیت نمی باشد. (مجلسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۱۴ و احمدی میانجی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۱۷۲)

همچنین زمانی که دوبار عبدالملک مروان از امام درخواست کرد که شمشیر پیامبر را برای ایشان بفرستد امام با تندی پاسخ او را دادند و در برابر تهدید او کوتاه نیامدند. (ابن شهر

اشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۳۵۶)

مقام معظم رهبری می‌آورد: عبدالملک می‌خواست با نوشتن این نامه هم تعرضی به امام کرده باشد و هم به امام بفهماند که از مسائل داخلی تو مطلعم و به نوعی ایشان را تهدید ضمنی کند. اما حضرت در پاسخ نامه مقدمتاً نوشتند که این کار من اشکالی ندارد و کار بزرگانی مثل پیامبر خداست و ملامتی بر من نیست. سپس می‌فرماید: فلا لؤم علی امرئ انما اللؤم لؤم الجاهلیه.

هیچ پستی و خواری برای مرد مسلمان وجود ندارد. پستی و خواری، پستی و خواری جاهلیت است. امام این‌گونه خیلی لطیف او را به سوابق جاهلیت پدرانش توجه دادند، یعنی شما هستید که از خانواده مردم جاهل و مشرک و دشمن خدایی هستید اگر بنا به سرافکندگی باشد از آن باید سرافکندگی داشته باشد نه از این که با یک زن مسلمان ازدواج کرده است. در جریان درخواست شمشیر نیز امام سجاد به تندی در مقابل تهدید عبدالملک ایستاد و اینها نمونه‌هایی از تعرضات امام سجاد نسبت به دستگاه خلافت اموی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۵۱-۲۴۹)

۱.۹-۴. پشتیبانی امام در مخالفت اصحاب ایشان از خلفای اموی

تعرض به حکومت و خلفای اموی گاهی از ناحیه امام علیه السلام و گاهی نیز از ناحیه اصحاب ایشان بود. یکی از ابزار این سیاست، سرودن اشعار تند و انقلابی بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۵۲) از جمله در تاریخ نقل شده زمانی که هشام بن عبدالملک در زمان خلافت پدرش به حج رفت خواست که حجرالاسود را استلام کند اما به دلیل ازدحام جمعیت نتوانست. ناگهان امام علی بن الحسین ع وارد شدند و خواست حجر را استلام کند. در این هنگام مردم به خاطر هیبت و شکوه حضرت، کنار رفتند تا حضرت به راحتی حجر را استلام نماید. با دیدن این صحنه، یکی از شامیان سؤال کرد: این شخص کیست که همه مردم به او احترام می‌گذارند؟ هشام برای این که شامیان به امام تمایل پیدا نکنند گفت: من او را نمیشناسم.

فرزدق که در آن جا حضور داشت، گفت: من او را می شناسم و سپس این گونه سرود:

هذا الذى تعرف البطحاء وطأته و البيت يعرفه والحل و الحرم
هذا ابن خیر عباد الله کلهم هذا لتق النقی الطاهر العلم
هذا ابن فاطمة ان كنت جاهله بجده انبیاء الله قد ختموا

و... (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۲)

فرزدق که در میان مردم می زیست، آن تجاهل هشام را دشوار و غیر قابل قبول دید و آن قصیده عالی را ایراد کرد که آوازه اش به وسیله حاجیانی که از مکه بازگشتند، به نقاط مختلف رسید.

حکومت سیاسی این چنین موضعگیری‌هایی را توهین به خلافت می دانست و لذا فرزدق را زندانی کردند. اما امام زین العابدین علیه السلام با او در زندان ارتباط برقرار می کند و به خاطر این موضعگیری سیاسی اش، کمک مالی در اختیارش قرار می دهد.

تردید وجود ندارد که این عمل امام به معنای اعلان پشتیبانی از مخالفت علنی فرزدق [با حکومت] است که نباید وجود آن را در شناسنامه عملکردهای سیاسی امام زین العابدین علیه السلام نادیده گرفت. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۶- ۲۱۵)

۲. ۴ امام سجاد علیه السلام و واقعه حرّه

به گزارش تاریخ در سال ۶۳ هجری، حاکم مدینه چند نفر از بزرگان شهر را به شام نزد یزید فرستاد. آنان اگرچه در شام مورد احترام یزید قرار گرفتند اما پس از بازگشت، از فسق و فجور یزید برای مردم سخن گفتند. انزجار مردم از اعمال زشت یزید و بیعت مردم با پسر زبیر و ایستادگی در برابر یزید و درگیری مردم با ماموران او در مدینه علل قیام را فراهم آورد. (ر.ک. دینوری، ۱۳۸۸، ص ۵۲- ۴۹)

وقتی خبر شورش مردم مدینه و اخراج امویان به یزید رسید، مسلم بن عقبه را به همراه پنج هزار نفر برای سرکوبی نهضت به مدینه فرستاد و به آنان گفت تا به آن‌ها سه روز مهلت دهند اگر تسلیم نشدند با آنان بجنگند.

سپاه شام به مدینه حمله کرد و بعد از وقوع جنگی خونین بین دو گروه و کشته شدن رهبران نهضت، قیام شکست خورد. مسلم دست سپاهیان خود را به مدت سه روز در کشتن مردم و غارت شهر و تجاوز به نوامیس مردم باز گذاشت تا آن جایی که مسلم را به خاطر این جنایت مسرف نامیدند. پس از قتل و غارت، مسلم از مردم به عنوان برده یزید بیعت گرفت. (دینوری، ۱۳۸۸، ص ۶۴-۵۲ و طبری، ج ۵، ص ۴۹۴ و شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۸۴-۸۳)

قیام مردم مدینه گرچه قیام ضد اموی بود و مردانی عابد و زاهد چون عبدالله بن حنظله عهده دار رهبری آن بودند اما دارای نقاط منفی بود که به دلیل وجود آن‌ها امام از شرکت در آن خودداری کرد. برخی دلایل به این شرحند:

۱. حرکت مردم مدینه از ماهیت اصیل شیعی برخوردار نبود، چنان که در اولین بیانیه شورشیان مدینه نه یادی از حسین علیه السلام به میان آمد و نه از ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام رفته بود، بلکه قیام درخت زبیریان قرار داشت. زیرا که عبدالله بن زبیر در میان شورشیان نفوذ زیادی داشت. حتی مسعودی می‌گوید: قیام مردم مدینه و بیرون راندن امویان و کارگزار یزید از مدینه، با اجازه ی ابن‌زبیر بوده است (مسعودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۸) و امام نمی‌خواستند افراد قدرت طلب مثل او ایشان را پل پیروزی قرار دهند.

۲. در این نهضت از امام نظرخواهی نشد، اما چون رهبران شورش افراد مؤمن و صالحی بودند که اعتراض آن‌ها به حاکمیت یزید کاملاً درست بود، امام حرکت آنان را تخطئه نکرد اما در آن نیز شرکت نکرد.

۳. امام حسین علیه السلام برای این که حرمت کعبه و شهر مکه حفظ شود، این شهر را ترک کرد اما شورشیان، شهر مدینه را مرکز حرکت قرار دادند بدون در نظر گرفتن این که این قیام باعث هتک حرمت شهر پیامبر و اهانت به آن می‌شود.

۴. امام سجاد علیه السلام شکست نهضت مدینه را پیش‌بینی کرد و می‌دانستند که در صورت همکاری با این نهضت خود و یارانش نیز به شهادت خواهند رسید و باقیمانده نیروهای تشیع از بین می‌رود و لذا برای حفظ اقلیت شیعه برای آینده، امام از شرکت در این قیام

خودداری کرد و به همراه خانواده خود از شهر خارج شد.

برخی از متون نشان می‌دهد که امام علیه السلام هدف دشمنان بوده است. شیخ مفید می‌گوید: مسلم بن عقبه به مدینه آمد، درحالی که می‌گفت جز علی بن الحسین علیهما السلام را در نظر ندارد. (مفید، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۲) و از آنجا که او تنها وارث اهل بیت بود که آن همه خون دادند و آن جایگاه والا را در نزد دوستانشان داشتند، انتظار می‌رفت که امامت در میان آنان باشد. بر این، تردیدی وجود ندارد که وجود امام سجاد علیه السلام هدف دشمنان بوده است. اما امام با کناره‌گیری خود، جان بیش از چهارصد خانواده را که به خانه او پناه آورده بودند را نیز نجات داد. (پیشوایی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۰ و ۲۷۱ و رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱-۱۵۰)

درحالی که اگر امام علیه السلام در آن قیام دخالت می‌کرد، از دو حال بیرون نبود، یا زیر گام‌های سپاه متجاوز له می‌شد و یا حرکتی به پیروزی می‌رسید که هدف حقیقی‌اش مشخص نبود و کسانی آن حرکت را رهبری می‌کردند که نه احترام و کرامتی برای اهل بیت علیهم السلام قایل بودند و نه حق امامت برای آنان! (حسینی جلالی، ۱۴۱۸، ص ۷۰)

همین امر باعث شد که چنان‌که طبری می‌نویسد: وقتی یزید، مسلم بن عقبه را به مدینه فرستاد به او گفت که علی بن حسین در کار شورشیان دخالت نداشته است. از او دست بردار و با او به خوبی رفتار کن. لذا وقتی امام زین العابدین علیه السلام نزد مسلم بن عقبه رفت، مسلم گفت: مرحبا و اهلا. سپس او را بر تخت خود نشان داد و گفت: این خبیث‌ها (مردم مدینه) نگذاشتند به کار تو برسم و امیرالمومنین سفارش تو را به من کرده است.... سپس دستور داد چار پای امام را زین کردند و او را سوار کرده و به خانه بازگرداند. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۹۳-۴۹۲)

اما چنان‌که قبلاً گفته شد ابعاد مبارزات سیاسی امام سجاد بسیار وسیع بود و عدم شرکت ایشان در قیام مردم مدینه و واقعه حره، علل و عوامل مختلف دارد از جمله ۱. تقیه؛ ۲. حفظ اساس شیعه و نه انزوا و گوشه‌گیری حضرت از فعالیت سیاسی.

مقام معظم رهبری نیز ضمن اشاره به این مطلب که در جریان حرکت مسلم بن عقبه به

طرف مدینه هیچ کس شک نداشت که هدف اولش علی بن الحسین است می‌آورد: لکن امام سجاد با تدبیر و با روش حکیمانه طوری عمل کردند که این بلا از سر شان دفع شد. ایشان باقی ماندند و طبعاً محور اصلی شیعه باقی ماند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲)

۴.۳. امام سجاد علیه السلام و قیام مختار

مختار که از شیعیان معروف کوفه بود و در جریان کربلا به دلیل اسارت در زندان عبدالله نتوانست به امام حسین ع و یارانش پیوندد، (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۸۰) پس از شهادت امام حسین علیه السلام با وساطت عبدالله بن عمر نزد یزید، مختار از زندان آزاد گردید، اما از کوفه اخراج شد. او راهی حجاز شد و در کنار ابن زبیر در مکه قرار گرفت. پس از مرگ یزید شرایط برای قیام او در کوفه فراهم شد. لذا او به کوفه بازگشت و این همزمان با قیام توابین بود. حاکم زبیری کوفه، دوباره مختار را زندانی کرد و مختار در زندان از شکست توابین باخبر شد. پس دوباره با وساطت عبدالله بن عمر از زندان آزاد گردید و با احضار پیروانش تصمیم خود را برای قیام اعلام کرد. (همان، ج ۵، ص ۵۸۱ - ۵۶۹) مختار خود را نماینده محمد بن حنفیه معرفی می‌کرد و با این عنوان مردم را به سوی خود دعوت می‌کرد برخی از شیعیان کوفه که درباره ادعا و نیت خود دچار تردید شدند گروهی را نزد محمد بن حنفیه فرستادند (همان، ج ۶، ص ۱۳ - ۱۱) و محمد حنفیه با کوفیان خدمت امام سجاد علیه السلام رسید و جریان را برای حضرت عرض کرد و نظر امام را جویا شد امام نیز فرمود: ای عمو اگر بنده‌ای زنگی نیز جانب ما اهل بیت را بگیرد بر مردم یاری او لازم است و من در این مورد شما را ولی و سرپرست قرار دادم. آنچه می‌خواهی انجام بده. (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۵، ص ۳۶۵ و خویی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۰۹)

وقتی پیام امام به کوفیان رسید آنان نیز در پیوستن به مختار دچار تردید نشدند و به این ترتیب، یاران مختار زیاد شدند. مختار و یارانش در سال ۶۶ خروج کردند. آن‌ها مدتی به خونخواهی امام حسین علیه السلام پرداختند و توانستند بسیاری از قاتلین امام حسین علیه السلام را دستگیر و به قتل رسانند از جمله شمر بن ذی الجوشن، خولی، عمر سعد، عبدالله بن زیاد،

حرمه و... سرانجام مختار با حمله مصعب بن زبیر به کوفه در قصر خود محاصره شد و در سال ۶۷ هجری به شهادت رسید. (خراسانی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۷۲)

مطلب دونالدسن درباره پاسخ ندادن امام سجاد به نامه مختار صحیح است و مختار چون از همکاری امام سجاد ناامید شد، نامه‌ای به محمد بن حنفیه نوشت و از او همان درخواست را نمود. محمد حنفیه نیز درخواست مختار را پذیرفت و مختار به عنوان نماینده او مردم را به خود دعوت کرد. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۱ - ۳۴۰) اما این موضعگیری از جانب امام با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی عصر کاملاً ضروری و منطقی بود، زیرا امام سجاد اگر در آن زمان اقدام به حرکت می‌کرد به نابودی شیعه می‌انجامید. امام رابطه مستقیم خود را با این حرکت به صلاح ندانست و رهبری نهضت را به محمد بن حنفیه واگذار کرد. البته در مواقعی نیز قیام مختار را تأیید نمود اما گاهی نیز نسبت به او اعلام بیزاری می‌کرد تا بهانه‌ای در دست امویان نباشد و این اقدامی سیاسی و عامدانه بود تا حکومت ایشان را متهم به همکاری با مخالفان نکرده و شیعیان را قلع و قمع نکند.

بیرون رفتن امام زین العابدین علیه السلام از بحران جنبش‌های مخالف دولت، با توجه به اختلاف مواضع آن‌ها در برابر امام که برخی از آن‌ها طرفدار، برخی بی طرف و برخی دشمن او بودند، به گونه‌ای که اثر منفی بر آن حضرت نگذارد و مسئولیتی بر دوش او بار نکند و طرف‌های درگیر هم از موقعیت او به عنوان امام و زعیم اهل بیت سوء استفاده نکنند و به اهداف و برنامه‌هایی که برای زنده کردن دین ترسیم کرده است، زیان نرسانند، کار فوق العاده‌ای بود که باید آن را از بزرگترین مواضع سیاسی امام به شمار آورد؛ و شناخت پایه‌ها و ابعاد آن، نیاز به بررسی ژرف دارد. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۴ - ۲۳۶)

مقام معظم رهبری درباره حمایت نکردن علنی امام سجاد از قیام مختار می‌فرماید: امام سجاد در قضیه مختار نسبت به او اعلام هماهنگی نکردند. اگرچه در بعضی از روایات هست که پنهانی با مختار ارتباطاتی داشتند اما در این که آشکارا با او رابطه‌ای نداشتند، شکی نیست و حتی در بعضی از روایات شنیده می‌شود که امام سجاد نسبت به مختار

بدگویی می‌کند. این هم طبیعی به نظر می‌رسد که یک عمل تقیه‌آمیزی باشد، برای این‌که رابطه بین اینها احساس نشود. البته اگر مختار پیروز نهایی میشد، حکومت، حکومت اهل بیت می‌شد. اما اگر شکست می‌خورد و رابطه مشخص و واضحی بین امام سجاد و او وجود داشت، یقیناً این نعمت دامن امام سجاد و شیعیان مدینه را هم می‌گرفت و رشته تشیع قطع می‌شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲-۱۹۱)

۴.۴. تشکیل حکومت اسلامی هدف نهایی امام سجاد علیه السلام و امامان دیگر

امامان معصوم علاوه بر آن که امامت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشتند وظایف خطیر دیگری را نیز بایستی انجام می‌دادند. از جمله تبلیغ، تفسیر و تبیین مکتب، احیای دین و زدودن خرافات و نیز تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۳۶-۳۵)

مقام معظم رهبری با اشاره به روایتی از امام صادق علیه السلام هدف نهایی حضرت سجاد ع و ائمه دیگر را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانند. روایت این‌گونه است:

ابو حمزه ثمالی گوید: «از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ای ثابت همانا خداوند پاک و فرازمنند، زمان این موضوع را در هفتاد سال قرار داد. وقتی حسین - درود خدا بر او - کشته شد، خشم خداوند بر اهل زمین سخت گشته، آن را تا صد و چهل سال عقب انداخت. آن گاه ما آن را به شما بازگفتیم. شما آن را فاش کرده، پرده از راز برداشتید و پس از آن خداوند برای آن در پیش ما وقتی نگذارد. خداوند آنچه را بخواهد از میان می‌برد و استوار می‌کند. و اصل کتاب نزد او است.»

ابو حمزه ثمالی گوید: «این حدیث را با حضرت صادق علیه السلام بازگفتم. فرمود: چنان بوده است.» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۹-۱۹۸)

آیت‌الله خامنه‌ای در شرح این حدیث می‌فرماید: «هذا الأمر» یعنی یعنی «ولایت اهل بیت». ایشان معتقدند: در اغلب روایاتی که کلمه «هذا الامر» آمده، مراد حکومت اهل بیت است و البته یک جاهایی نیز به معنای «قیام» آمده است. «هذا الامر» یعنی

موضوعی که در بین اهل تشیع معمول بود. موضوعی که سال‌ها دائم صحبتش را می‌کردند و آرزویش را داشتند و برایش طرح‌ریزی می‌کردند.

ایشان می‌گوید: طبق روایت، برای کار حکومت اهل بیت در سال ۷۰ هجری قمری، یعنی ۱۰ سال بعد از شهادت امام حسین وقت گذاشته بود. وقتی که امام حسین به شهادت رسیدند خشم خدا بر اهل زمین شدید شد، موعد را تا سال ۱۴۵ به تاخیر انداخت. سال ۱۴۰، هشت سال قبل از شهادت امام صادق علیه السلام است.

ایشان معتقد است: تصور من این است که آن ولی امر و آن قائمی که باید قیام می‌کرد و حق را می‌گرفت، امام صادق بود. منتها در آن جا هم حرکت عجولانه بنی عباس که به خاطر دنیا و هوای نفس خودشان از هر شیوه‌ای که می‌خواستند استفاده کردند، زمینه کار را از اهل بیت گرفت که بعد از آن وقت هم تاخیر افتاد. حضرت می‌فرماید: ما شما را در جریان گذاشتیم و شما آن را افشا کردید لذا خدای متعال دیگر وقتی برای این قرار نداد.

این در عقاید اسلامی ما جزو مسلمات است که آنچه به صورت مسلم برای آینده فرض می‌شود از نظر پروردگار و قدرت الهی قابل عوض شدن است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۷۳-۱۷۲)

آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند که، ائمه همگی به دنبال همین هدف یعنی تشکیل حکومت اسلامی بودند و لذا تمام جملاتی که امام سجاد به اصحابشان بیان کردند و حرکاتشان و صحیفه سجادیه و دعا خواندن‌ها و حرکت در برابر عبیدالله زیاد و یزید که بسیار شجاعانه و فداکارانه بود و حرکت در مقابل مسرف بن عقبه و نیز در مقابل عبدالملک مروان که گاهی تند و گاهی ملایم بود، سپس برخورد با عمر بن عبدالعزیز و برخورد با اصحاب و توصیه‌ها به دوستانشان و برخورد با علمایی که وابسته به دستگاه جائر حکومت بودند تماماً باید با توجه به آن خط و آن هدف تفسیر شود.

مقام معظم رهبری با توجه به روایتی که در آن امام سجاد علیه السلام صندوقی را به امام باقر علیه السلام دادند که در آن سلاح و کتاب بود، می‌فرماید: «سلاح رمز فرماندهی انقلابی است و کتاب رمز تفکر و ایدئولوژی اسلامی.» (همان، ص ۱۷۶-۱۷۴)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به شبهه دونالدسن مبنی بر عدم تمایل امام سجاد علیه السلام به فعالیت سیاسی ائمه با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری انجام شده است. نظرات اندیشمند فرزانه و رهبر بزرگ جهان تشیع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نقل معتبر تاریخ نشان می‌دهد تمام ائمه خصوصاً امام سجاد علیه السلام تمام تلاش خود را برای مبارزه با حکومت وقت انجام دادند، به گونه‌ای که زندگی آنان سراسر مبارزه است و همین باعث شهادت آنان می‌شد. امام سجاد علیه السلام پس از واقعه کربلا از اولین لحظه اسارت به مبارزه سیاسی اقدام کرد و با ایراد خطبه در برابر عبیدالله بن زیاد در کوفه و سپس برخورد شدید در برابر یزید در شهر شام رسالت خود را انجام داد. ایشان پس از بازگشت به مدینه حقایق کربلا را برای مردم بیان کرد و در طول سالیان عمرش با زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا از دستاوردهای آن حراست نمود. حضرت با علمای درباری حکومت اموی مبارزه می‌کرد و با تربیت اصحاب شجاع جمعیت شیعه را سازماندهی نمود. در برابر خلیفه حتی در مکاتبات کوتاه نمی‌آمد و اصحاب شجاع ایشان نیز به دستگاه اموی تعرضاتی داشتند. حضرت در واقعه حره و همچنین قیام مختار نقش ظاهری جدی نداشت اما بی‌شک این موضع‌گیری امام چنان‌که تاریخ‌نویسان و تحلیل‌گران گفته‌اند به خاطر حفظ اساس شیعه بوده است و الا تمام ائمه و همچنین امام سجاد در تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی بودند، گرچه در این راه امام سجاد امکان قیام مسلحانه نداشت، اما تمام تلاش خود را انجام داد.

فهرست منابع

۱. آشتیانی، سید جمال الدین، ۱۳۷۱ش، نگاهی به مسائل ایران شناسی و شیعه شناسی هانری کربن، مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایران شناسی زیر نظر علی موسوی گرمارودی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، بی تا، شرح نهج البلاغه، بی جا، بی نا. (نسخه موجود در کتابخانه قائمیه)
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۶، مناقب آل ابی طالب، چاپ حیدریه.
۴. ابن طاووس، رضی الدین، ۱۳۸۷ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، غم نامه کربلا: ترجمه محمد محمدی، تهران: نشر مطهر.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۳۸۴، ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: انتشارات دلیل ما.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۷. احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۵ش، مکاتیب الائمه، قم: دارالحدیث، چاپ دوم.
۸. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۳۳هـ، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، قم: مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت.
۹. حسینی عاملی، محسن، ۱۳۵۳ش، زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۰. براون، ادوارد، ۱۳۷۵ش، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
۱۱. پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۶ش، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق..
۱۲. جعفریان، رسول، ۱۳۸۷ش، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انتشارات انصاریان، چاپ یازدهم.
۱۳. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۸۰ش، تحت العقول عن آل الرسول علیهم السلام، مترجم بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. حسینی جلالی، محمدرضا، ۱۴۱۸ق، جهاد الامام السجاد، قم: دارالحدیث.

۱۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹ش، حماسه امام سجاد (تحلیل مبارزات سیاسی فرهنگی امام سجاد)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۶. _____، ۱۳۹۸ش، انسان ۲۵۰ ساله، حلقه سوم، گردآوری صهبای بی‌جا، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
۱۷. خراسانی، محمد هاشم، ۱۳۸۲ش، منتخب التواریخ، تهران: اسلامیه.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، نسخه نرم افزار معجم فقهی
۱۹. در افشان، محمد حسین ۱۳۹۲ش، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۰. دونالدسن، دوایت م، زمستان ۱۳۹۵، مذهب شیعه، تاریخ اسلام در ایران و عراق، ترجمه عباس احمدوند، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم..
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا.
۲۲. دینوری، ابی عبدالله بن مسلم بن قتیبه، ۱۳۸۸ش، الامامه و السیاسه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۳. رنجبر، محسن، ۱۳۸۳ش، نقش امام سجاد در رهبری شیعه، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. زرین کوب، غلامحسین، ۱۳۶۲ش، تاریخ ایران بعد از اسلام، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۵. شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸.
۲۶. طبرسی، احمد ابن منصور، ۱۳۸۱ش، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الطبری؛ تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم. بیروت: روائع التراث العربی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال کشی، ق ۱۳، نسخه کتابخانه قائمیه.
۲۹. _____، ۱۴۱۳ق، رجال طوسی، تحقیق: جواد قیومی، مشهد: آستانه رضوی، مجمع

البحوث الاسلامیه.

۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۳۱. قمی، عباس، ۱۳۹۰ش، منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه.
۳۲. قمی، عباس، ۱۳۸۷ش، نفس المهموم، ترجمه: ابوالحسن شعرانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵ش، اصول کافی، ترجمه: صادق حسن زاده. تهران: قائم آل محمد، ۱۳۸۵.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحار الانوار، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. _____ بی تا، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۶. مسعودی علی بن حسین، ۱۳۷۵ش، اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب، قم: مؤسسه انصاریان.
۳۷. مسعودی، مروج الذهب، نسخه مکتبه الشامله.
۳۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱ش، نظریه سیاسی اسلام، تحقیق کریم سبحانی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم.
۳۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۸۴ش، الارشاد، قم: محبین.
۴۰. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸ش، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

فصل سوم

عوامل پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون با تأکید بر
بیانیه گام دوم انقلاب

عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان با محوریت آیه ۵۵: نور و ترابط آن بابیانیه گام دوم انقلاب

زهره زکی^۱

چکیده

موضوع حاکمیت صالحان یکی از دستاوردهای عقیده مهدویت در مذهب شیعه امامیه است. به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی صالح ووالا مقام از خاندان نبوی ظهور کرده و جهانی که پرازظلم وستم گشته پراز عدل و داد می‌کند. این بشارت باعث اهمیت این موضوع شده چراکه بشریت همواره به دنبال عدالت و امنیت بوده است. مژده‌ای که قرآن به آن بشارت داده است. مسئله این نوشتار «عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان با محوریت آیه ۵۵ سوره نور» است. ازدیدگاه علامه تطبیق اکمل آیه، جامعه عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد. این جستار باروش تحلیلی - توصیفی وبا مراجعه به روایات ذیل آیه شریفه و با تکیه بر «بیانیه گام دوم انقلاب» به سؤال خود پاسخ می‌دهد.

یکی از دستاوردهای این پژوهش آن است که: تحقق واقعی این مژده در عصر ظهور است. بنابراین تاریخ انقلاب و بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان ادعا کرد که: انقلاب اسلامی ایران تمثیل کوچکی از محقق شدن آن وعده الهی است. ترابط

۱. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه تخصصی حوزه علمیه الزهراء (س) اهواز، zohzaki@gmail.com

موجودیین حاکمیت مومنان صالح که درآیه ۵۵/نور مطرح شده است با محورهای موجود در بیانیه گام دوم انقلاب این است که با رعایت این توصیه‌ها ملت ایران می‌تواند در زمینه‌سازی امر ظهور مؤثر باشند.

کلیدواژگان: مومنان صالح، عوامل زمینه ساز، حاکمیت صالحان، آیه ۵۵/نور، بیانیه گام دوم.

مقدمه

موضوع حاکمیت صالحان یکی از ابعاد عقیده مهدویت است. این مسئله از عقاید اختصاصی مذهب شیعه امامیه بوده که دارای ابعاد مختلفی می باشد. این باور همگانی امامیه مبتنی بر آیات و روایات زیادی است، بحرانی صاحب کتاب "سیمای حضرت مهدی در قرآن" بیان داشته که حدود ۱۲۰ آیه از آیات قرآن بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مهدویت دلالت می کنند (بحرانی، ۱۳۸۴: ۲۶).

مذهب امامیه بر این باور است که: در دوره آخرالزمان خداوند شخصیتی والامقام از خاندان نبوی رابه عنوان انسانی برگزیده و شایسته، جهت هدایت جامعه بشری به سوی رستگاری و دین توحیدی ظاهر می کند. او ظهور می کند تا عالمی را که از ظلم و ستم پر شده است نجات داده و انسانیت را در ضمن حکومت عدل صالحین به عدل و دادگستری مزین نماید. این انسان برگزیده در تداوم خط نبوت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام رسالتی الهی بردوش دارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه آخرین حجت الهی و منجی عالم هستی و تنها واسطه فیض الهی است. خداوند به خاطر فلسفه های گوناگون ایشان را در پرده غیبت حفظ کرده و بعد از دورانی که عالم ظرفیت حضورش را پیدا کند ظهور می کند. خداوند حکومت جهانی ایشان را در آیات متعدد وعده داده است.

یکی از مباحث قابل طرح در موضوع مهدویت از دیدگاه امامیه، مبحث "حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه" و به دنبال آن "سیطره حکومت ایشان" و در نهایت "چگونگی حاکمیت صالحان در عصر ظهور" آن حضرت است. اهمیت این مبحث از آنجا مشخص می شود که بشریت همواره به دنبال عدالت و امنیت بوده است. امنیت و عدالت خواهی خواسته ای فطری است که هرانسانی به دنبال آن گام برمی دارد. ملت مؤمن و انقلابی ایران در تحقق این آرمان الهی و فطری، بیش از چهل سال پیش، گامی بلند در جهت ظلم ستیزی و عدالت خواهی در پرتوی معارف قرآنی برداشت.

ملت اسلامی ایران برای موفقیت در مسیر رو به جلوی خود نیازمند ترسیم راهی

آشکاره‌مراه با برنامه‌ریزی است. امروزه نیازمندی‌هایی در تمام ابعاد برای موفقیت در این مسیر وجود دارد که اهمیت برنامه‌ریزی را دوچندان می‌نماید. لذا رهبری حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در قالب بیانیه گام دوم انقلاب این برنامه را در فراروی ایرانیان ترسیم نمودند که تمام ابعاد آن برآمده از پیام‌های فرهنگ قرآن و سفارشات اهل البیت علیهم‌السلام است. به خاطر اهمیت حاکمیت و توارث مومنان صالح بر روی زمین و چگونگی به فعلیت رسیدن این امر ضرورت ایجاد می‌کند که از دیدگاه قرآن عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان بررسی شود. تا در تحقق این مهم بتوان گامی استوار برداشته شود. یکی از آیاتی که به موضوع "شاخصه‌های حاکمیت امام زمان و توارث مؤمنین صالح در عصر ظهور" اشاره دارد آیه ۵۵ / سوره نور می‌باشد. جهت تبیین موضوع از برخی مصادر حدیثی استفاده شده است. در پردازش مطالب، نگارنده ابتداء با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی آیه نگاهی اجمالی به تفسیر آیه مورد نظر از منظر مفسرین داشته در مرحله بعد به شاخصه‌های حاکمیت مومنان صالح که از محورهای اصلی آیه کریمه می‌باشد پرداخته و بعد از آن به این مطلب که انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق تحقق وعده الهی است می‌پردازد. ترابط بیانیه گام دوم انقلاب و عوامل زمینه ساز حاکمیت مومنان صالح مطلب دیگری است که در این نوشتار به آن توجه شده است.

پیدایش انقلاب اسلامی ایران برگرفته از قرآن و معارف عمیق آن است. برای تداوم و حیات این انقلاب ضروری است که درسایه سار قرآن دستورات فردی و اجتماعی را فرا بگیرد نوشتار پیش رو در صدد است باروش توصیفی - تحلیلی به اهمیت این موضوع به عنوان یکی از مبانی و اهداف گام دوم انقلاب در پرتو یکی از آیات کلیدی موضوع مهدویت بپردازد. مضاف بر اینکه انقلاب اسلامی ایران را یکی از مصادیق کوچک تحقق وعده الهی در آیه ۵۵ / نور معرفی نماید.

پژوهش حاضر در بردارنده هدفی بنیادی و علمی بوده و در راستای بیان فرهنگ قرآنی بیانات مقام معظم رهبری قلم فرسایی نموده است دیگر اینکه بیان دارد که: تداوم انقلاب

اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارت‌های نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است، می‌تواند زمینه ساز حاکمیت ولی الله اعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد. بدین جهت مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده‌های الهی، به امت اسلامی به‌ویژه به مردم انقلابی ایران گوشزد می‌کنند که اگر امت اسلام، ایمان به نیروی لایزال الهی داشته و با اتکاء به وعده‌های الهی، وظایف الهی خود را انجام دهد می‌تواند به این امر دست یابد...

۲. سابقه و پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع مهدویت و ابعاد آن و حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مؤمنین که یکی از مصادیق سنت‌های الهی در قرآن می‌باشد کتب و مقالات فراوانی تدوین شده است که به‌عنوان نمونه چند مورد را متذکر می‌شویم:

الف) سنت‌های تاریخی قران درباره مومنان، نوشته صادق گلستانی، تاریخ درآینه پژوهش ۱۳۸۵ شماره ۹ در مقاله آمده است که: توام بودن پیروزی هاوشکستهای مومنان در مراحل مختلف تاریخی، نتیجه سنت قطعی خداست (سنت آزمایش) در نتیجه نه به نصرت‌ها غره گردندونه از شادکامی هامغرورو باید دانست که براسای قانون لایتغیر الهی هرگاه جمعیت مومنان در مسیر صلاح و تقوا باشند از امتیازات ویژه خداوند بهره‌مند می‌شوند.

ب) نقد و بررسی تفاسیر فریقین از آیات توارث و حاکمیت مومنان صالح زمین نوشته طلعت حسنی بافرانی در فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان (۱۳۹۵) در مقاله بیان شده که: میان مفسران فریقین در خصوص وعده توارث و مصداق مخاطبین آیه اختلاف نظر وجود دارد و اینکه مصداق اتم و اکمل آن در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد ولی منافاتی با تحقق در مقاطع دیگری از تاریخ بشریت ندارد.

ج) واپسین روزهای تاریخ درآیه ۵۵ سوره نورا ز دیدگاه مفسران، رضامهدیان فر فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، ۱۳۹۶، شماره ۳۰، سال هشتم، در این مقاله آمده است که این آیه جامعه ویژه‌ای را برای مومنان در واپسین روزهای تاریخ وعده می‌دهد که با ظهور

مهدی موعود محقق خواهد شد.

تفاوت (برجستگی) پژوهش حاضر در مقایسه با سائر تحقیقات مشابه، بررسی عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحین با محوریت آیه ۵۵/نور پردازش به موضوعات آیه با تکیه بر "بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی" بوده و هم چنین تطبیق یکی از مصادیق آیه بر انقلاب اسلامی با استفاده از "قاعده جری و تطبیق" است. همچنین ترابط بیانیه گام دوم با عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان را بیان می کند.

۳. معنایابی واژگان کلیدی آیه ۵۵/نور

الف) وعد

واژه وعد در لغت به معنای عهد است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۷/۷) و در اصطلاح عبارت است از تعهد کردن به انجام امری خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن دو نیاز به قرینه معین دارد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۱۹/۳) وعده از راه تفضل خداوند بر بندگان است نه استحقاق آنان زیرا مومن هر چه ایمانش کاملتر باشد و اعمال صالحه او زیادتر باشد نمی تواند شکر کوچکترین نعمت های الهی را بجا آورد تا مستحق دریافت آن وعده ها گردد (طیب، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۹). تصویر این است: آنچه از ظاهر آیه و عبارات و جملات به دست می آید این است که خداوند در سرآغاز این آیه به عموم مومنان صالح در خصوص سرنوشت و آینده جهان یک وعده مسرت بخش و امیدوارانه می دهد.

ب) استخلاف

این واژه از ریشه «خلف» به معنای چیزی است که دنبال چیزی بیاید حالا یا از جهت زمان یا مکان و یا کیفیت. از جمله مشتقات این واژه "خلاف" به معنای جانشینی است. این جانشینی یا به خاطر مرگ منوب عنه است یا غائب بودن آن و یا شرافت جانشین است که جانشینی اولیاء الهی بر روی زمین از همین نوع است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۴) از نظر

اصطلاحی درک مفهوم "استخلاف" با موضوع آیه مورد نظر ارتباط مستقیم دارد. در رابطه با این لفظ در قرآن سه نوع معنا می تواند داشته باشد:

۱. جانشینی و استخلاف طبیعی مانند (آیه ۱۶۵/ انعام و ۳۹/ فاطر) که نسلی جایگزین نسل دیگری می شوند. که نسل مستخلف بطور طبیعی مالک تمام دارایی های گذشتگان خود می شوند که این یکی از سننهای الهی است.

۲. استخلاف به معنای وراثت از پیشینیان است که خدا قومی را که عناد ورزیده و ناسپاسی نعمات خدا را کرده هلاک می کند و قوم دیگری را وارث سرزمین آنان می کند. در این نوع فقوم سلف دچار فساد و تباهی شده و قوم جانشین و خلف در ناامنی بسر برده اند. اینان مومنان صالحی هستند که بعد از جانشینی از اقتدار و تمکن برخوردار می شوند قرآن این مورد را در باره قوم نوح و قوم بنی اسرائیل بیان کرده است (اعراف/ ۱۲۹، ۱۲۸ و ۱۳۷. یونس/ ۷۳). این نوع از استخلاف نیز مانند نوع اول از سننهای الهی است که خدا بعد از امتحان مومنان مقام استخلاف و توارث زمین و اقتدار و امنیت را به آنان می بخشد و این سنت برای همگان جاری است (یونس/ ۱۳ - ۱۴) بیشتر مفسران استخلاف در آیه را از همین نوع می دانند.

۳. استخلاف مخصوص انبیاء و اوصیاء از ناحیه حق تعالی است. که حجت بر روی زمین هستند و زمین هیچگاه از این خلیفه الهی خالی نمی باشد. (مهیدیان فر، ۱۳۹۶، مطالعات تفسیری)

ج) تمکین

تمکین هر چیزی بر قرار کردن آن در یک مکان است و این کنایه از پایداری و عدم تزلزل است. این واژه از ریشه «مکن» به معنای استقرار با قدرت است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۵۱/۱) و منظور از تمکین دین استقرار با قدرت و استحکام برای بهره مندی است (همان/ ۱۵۲)

۴. تحلیل، بررسی و تفسیر آیه کریمه از منظر مفسران امامیه

سوره نور سوره‌ای مدنی است که بعد از هجرت بر پیامبر ﷺ نازل شده است. بخشی از احکام شریعت که در مدینه از طرف رسول اکرم ﷺ برای جامعه اسلامی تبیین و ابلاغ شده است شاهد این مطلب است. این سوره دارای ۶۴ آیه است. آیه ۵۵ این سوره دارای محورهای مختلفی است. محور اول که سرآغاز آیه تلقی می‌شود بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به مومنان صالح تافشارها و سختی‌ها آنها را می‌بوس نکند. چراکه در فراروی انسانهای مؤمن خداوند وعده مسرت بخشی داده است و این وعده محقق خواهد شد.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند.»

در شان نزول آیه ابی بن کعب گوید: هنگامی که پیامبر خدا وارد مدینه شد و انصار او را مأوی دادند، تمام عرب به دشمنی آن‌ها برخاستند. شب‌ها با سلاح می‌خوابیدند و روزها سلاح را از خود جدا نمی‌کردند. گفتند: آیا روزی خواهد آمد که ما در امن و آرامش به سر بریم و فقط از خدا بترسیم؟ از این رو آیه نازل گردید. (طبرسی: ۱۳۶۰ / ۱۷ / ۱۶۴). با توجه به سیاق آیات که سخن از اطاعت و فرمانبرداری از خدا و رسول ﷺ را بیان فرموده است در این آیه گویا نتیجه این اطاعت را بیان می‌دارد که خداوند به گروهی از مومنان که مزین به عمل صالح هستند چندمژده می‌دهد:

۱. استخلاف و حکومت بر روی زمین

۲. تمکن و استقرار اسلام ولایی بر زمین

۳. فراگیری امنیت و رخت برستن خوف از اهل حق

۴. فراگیر شدن عبودیت الهی و یکتاپرستی بر زمین

ظاهرایه شریفه گویای این نکته است که وعده بیان شده درآیه شریفه، نسبت به مومنان صالح است. اکنون این مومنانی که دارای عمل صالح هستند و مورد بشارت قرار گرفته اند چه کسی و یا چه کسانی هستند؟.

۱. دیدگاه عمومی مفسران امامیه و شاید نزدیک به اتفاق نظر این است که مراد از مومنان

صالح پیامبر ﷺ و ائمه معصومین و حضرت مهدی ﷺ است.^۱

۱ در تفسیر فرات کوفی، تفسیر علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر تبیان شیخ طوسی، تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی، و دیگر آثار تفسیری دانشمندان شیعه امامیه دارای این رای عمومی هستند. (تفسیر فرات الکوفی،

ص: ۲۸۸) (تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۰۸)

(مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۴۰)

فُرَاتُ [بْنُ إِبْرَاهِيمَ] قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بِشْرٍ الْقَطَّانُ [قَالَ حَدَّثَنَا حُرَيْثُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الشُّدِّيِّ] عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ [رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ] فِي قَوْلِهِ [قَوْلَ اللَّهِ] تَعَالَى وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ نَزَلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ ص. (تفسیر فرات الکوفی، ص: ۲۸۸)

تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۰۸

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ» قال ما حمل النبي ص من النبوة «وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ» من الطاعة ثم خاطب الله الأئمة و وعدهم أن يستخلفهم في الأرض من بعد ظلمهم و غضبهم فقال: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» إلى قوله «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» و هذا مما ذكرنا أن تأويله بعد تنزيهه

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۴۰

اختلف في الآية فقليل إنها واردة في أصحاب النبي ص و قيل هي عامة في أمة محمد ص عن ابن عباس و مجاهد و المروى عن أهل البيت ؑ أنها في المهدي من آل محمد ص و روى العياشي بإسناده عن علي

٢. برخی از اندیشمندان حوزه دانش تفسیر از جامعه علمی شیعه امامیه هم رای باین تفسیر نیستند از جمله محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف بعد از اینکه درباره عبارت ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ نظر دیگران را مطرح می‌کند^۱ می‌فرماید: نظر من این است که

بن الحسين عليه السلام أنه قرأ الآية وقال هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدى رجل منا وهو مهدى هذه الأمة وهو الذى قال رسول الله ص لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يلى رجل من عترتى اسمه اسمى يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما وجورا و روى مثل ذلك عن أبى جعفر عليه السلام و أبى عبد الله عليه السلام فعلى هذا يكون المراد بالذين آمنوا و عملوا الصالحات النبى و أهل بيته صلوات الرحمن عليهم و تضمنت الآية البشارة لهم بالاستخلاف و التمكن فى البلاد و ارتفاع الخوف عنهم عند قيام المهدي عليه السلام منهم و يكون المراد بقوله «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» هو أن جعل الصالح للخلاف خليفة مثل آدم و داود و سليمان عليه السلام و يدل على ذلك قوله إني جاعل في الأرض خليفة و يا داود إنا جعلناك خليفة في الأرض و قوله فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا و على هذا إجماع العترة الطاهرة و إجماعهم حجة لقول النبى ص إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى أهل بيتى لن يفترقا حتى يردا على الحوض و أيضا فإن التمكين فى الأرض على الإطلاق لم يتفق فيما مضى فهو منتظر لأن الله عز اسمه لا يخلف وعده.

١. (تفسیر الکاشف، ج ٥، ص: ٤٣٦)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ).
ظاهر الآية يدل على ان آية امة توأم بالله و رسوله، و تلتزم العمل بشريعته فان الله يستخلفها و يمكن لها فى الأرض كان على ربك حتماً مقضياً..

و قد أخذ بعض المفسرين بهذا الظاهر، ثم شرع يشرح و يفسر معنى الايمان و العمل الصالح و حدودهما و قيودهما.

أما نحن فمع الذين قالوا: ان المقصود بالآية هم النبى و الصحابة خاصة، فإنهم لاقوا الكثير من الأذى و العناء فى ذات الله قبل الهجرة و بعدها، و رماهم المشركون و اليهود عن قوس. واحدة، و كانوا، و هم فى المدينة الى عام الفتح، لا يصبحون و لا يمسون إلا مع السلاح، حتى قال قائلهم - كما فى تفسیر الطبرى - ما يأتى علينا يوم نأمن فيه، و نضع عنا السلاح.. فقال له النبى (ص): لا تعبرون سبيرا حتى يجلس الرجل ليس معه سلاح. و تحقق وعد الله و رسوله، فما مضت الأيام حتى عاشوا آمنين على أنفسهم و أموالهم، و حكموا البلاد العربية كلها، و فتحوا الكثير من بلاد المشرق و المغرب.

مراد از این خطاب الهی پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب خاص ایشان است. علت راهم بیان می کند این که:

قبل از هجرت پیامبر و مومنان پارسا و پرهیزگار همراه با ایشان، در راه تقویت اسلام رنجها و آزار بسیار متحمل شدند. خداوند این بشارت را به آنان داده است که بعد از این، آن ها خلیفه روی زمین خواهند بود و وراثت زمین از آن ایشان می شود. (جوادمغنیه: ۵/ ۱۴۲۴/ ۴۳۶) رای جواد مغنیه بنظر می رسد با سبب نزول آیه شریفه اندکی همراهی دارد هر چند ایشان به سبب نزول در ذیل آیه اشاره نمی کنند ولی تصور بر این است که این رای و سخن ایشان ناظر به اخبار سبب نزول آیه است و تا اندازه ای هم سوبا مفسران اهل سنت است.

۳. از سوی دیگر دیدگاه علامه طباطبائی هم اندکی متفاوت برای عموم مفسران شیعه است. علامه می فرماید:

در جمله «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» کلمه «من» تبعیضی خواهد بود نه بیانی، و خطاب در آن، به عموم مسلمین است که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن، و مؤمنین ایشان نیز دو طایفه اند، یکی کسانی که عمل صالح می کنند، و گروه دیگر آنان که عمل صالح ندارند، ولی وعده ای که در آن آمده مخصوص کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد و بس. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۰۹)

از منظر ایشان این وعده که خدا فرموده اختصاص به مومنان صالح دارد هر چند خطاب آیه عموم مسلمین است اما وعده بر استخلاف بر زمین اختصاص به مومنان صالح دارد.

در واقع ایشان نظرگاه سایر مفسرین را رد می کند و می فرماید:

بعضی دیگر گفته اند: این آیه مربوط به مهدی موعود ﷺ است، که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده، و فرموده که: زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد، و مراد از "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت او ﷺ است. ولی آنچه از سیاق آیه شریفه به نظر می رسد صرف نظر از مسامحه هایی که چه بسا بعضی از مفسرین در تفسیر آیات قرآنی دارند، این است که بدون

شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" بوده باشند، و آیه نص در این معنا است، و هیچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از عقل که دلالت کند بر این که مقصود از آنان تنها صحابه رسول خدا، و یا خود رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام می باشد نیست، و نیز هیچ دلیلی نیست بر این که مراد از "الذین" عموم امت بوده، و اگر وعده در آیه متوجه به طایفه مخصوصی از ایشان شده به خاطر صرف احترام از آنان یا عنایت بیشتر به آنان بوده باشد، زیرا همه این حرفها سخنانی خود ساخته و بی دلیل است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۱۴)

این ۳ دیدگاه در مجموع آراء مفسران شیعه امامیه در خصوص صدر آیه آمده است. در برابر این نظرات مفسران اهل سنت هستند. در اینکه مخاطبان "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" چه کسانی هستند و این وعده الهی برای چه افرادی از امت مسلمان واقع شده است اختلاف نظر شدید دارند و نمی شود میان آنها یک رای مورد اتفاق رایبان کرد.^۱

۱. مفسران اهل سنت در این که "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" چه کسانی هستند پراکندگی دیدگاه دارند:

۱. عده ای از مفسران اهل سنت می گویند مراد پیامبر و اصحاب ایشان هستند.
 ۲. عده ای بر این عقیده اند که منظور پیامبر و کسانی از امتند که سالیان سال همراه آن حضرت بوده اند.
 ۳. عده ای بر این باورند که مراد همه مومنان از هر جماعت در هر زمان است یعنی معتقدند که این خطاب همیشگی است و خداوند این وعده را به مومنان صالح در همه دوران ها داده است.
 ۴. عده ای گفته اند مخاطب آیه شریفه تنها اصحاب پیامبرند.
 ۵. عده ای هم بیان کرده اند که منظور عموم امت اسلامی است.
- بنابراین رای مفسران اهل سنت در خصوص این فقره از آیه واحد نیست البته تمایل غالب آن ها این است که منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب آن حضرت هستند

۵. شاخصه‌های حاکمیت صالحان در عصر ظهور با محوریت آیه ۵۵/نور

۱.۵. استخلاف بر روی زمین

یکی از محورهای آیه، عبارت «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱ می‌باشد که خوداز دوواژه «استخلاف» و «الارض» تشکیل شده است اکنون این دوواژه به چه معنا هستند؟

در بیان معنایابی واژه «استخلاف» میان مفسران شیعه امامیه سه دیدگاه وجود دارد:

الف) یک دیدگاه شیخ طوسی^۱ در التبیان است که در ردّ نظرگاه مفسران اهل سنت که استخلاف^۲ را به معنای امارت، امامت، و خلافت گرفته‌اند می‌فرماید: این عبارت به معنای دنباله روی و پیروی از گذشتگان است.^۳ و اصلاً به معنای جانشینی و حاکمیت نیست بلکه به این معناست که: خداوند در عصر پیامبر ﷺ دشمنان حضرت را نابود کرد و دین حق را آشکار نمود و پیامبر به دنباله روی از انبیاء گذشته عمل نموده است.^۴ چنان که در ادامه می‌فرماید "كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ".

ب) دیدگاه دوم، نظر بسیاری از مفسران امامیه از جمله از عصر طبرسی تا به امروز است

۱. ان الاستخلاف - هاهنا - ليس هو الامارة و الخلافة. بل المعنى هو ابقاؤهم فى أثر من مضى من القرون، و جعلهم عوضاً منهم و خلفاً.

و لو سلمنا أن المراد بالاستخلاف الامامة للزم أن يكون منصوباً عليهم، و ذلك ليس بمذهب اكثر مخالفتنا، و إن استدلووا بذلك على صحة إمامتهم احتاجوا أن يدلوا على ثبوت إمامتهم به غير الآية، و انهم خلفاء الرسول حتى تتناولهم الآية. (التبيان فى تفسير القرآن، ج ۷، ص: ۴۵۸ - ۴۵۷)

۲ اهل سنت بعد از این معنا بیان میدارند که مراد از آیه خلافت و امامت خلفاء ثلاثه و یا رابعه است. و آیه را دلیل و نص بر مشروعیت خلافت و امامت این خلفاء مطرح می‌کنند. در صورتی که آنان معتقدند که هیچ نصی نه در قرآن و نه در روایات نبوی مبنی بر اینکه خداوند جانشینی برای رسول خدا برگزیده باشد وجود ندارد. و این ادعای آنان با اعتقاداتشان در تنافی است.

۳ در لغت استخلاف از خلف باختلاف در وزن این لفظ می‌باشد که به معنای دنباله روی است از پیشینیان و گذشتگان

۴ صاحب التبیان برای معنایابی استخلاف به آیاتی مانند: ۳۹/فاطر، ۱۲۸/اعراف، ۶۲/فرقان استناد میکند.

که استخلاف را به معنای امامت و خلافت الهی برای حضرات معصومین تفسیر کرده اند و آیه را به طور خاص بشارت به ظهور مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و خلافت و امامت آن حضرت برشمرده‌اند.

مبنا و اساس این تفسیر از عبارت «يَسْتَخْلِفُنَّهُمْ»، روایات حضرات معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است که استخلاف را اینگونه تفسیر نموده‌اند.^۱

ج) رای سوم اندیشه علامه طباطبائی است. ایشان معتقدند که "استخلاف" در آیه به معنای خلافت و امامت نیست بلکه به معنای وراثت بر زمین است. به این بیان که "خداوند به مومنان صالح بشارتی امیدبخش داده است که آنان در آینده با قدرت و شوکت بر روی زمین حاکمیت پیدا می‌کنند و دین حق را که مورد رضاء خداست برپا می‌دارند و از هرگونه ترس و خوفی در امنیت کامل بسر می‌برند و خدا را می‌پرستند و از هرگونه شرکی بدور هستند. مراد وراثت و حاکمیت مومنان صالح بر زمین است

لذا علامه معتقد است که:

آیه شریفه درباره برخی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت و مراد از این افراد جامعه مؤمنین صالح است، کسانی که مصداق "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا

۱ درباره این آیه اختلاف است. برخی گویند: درباره پیامبر است. برخی گویند: درباره امت است. از ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ روایت است که درباره مهدی آل محمد است.

امام چهارم عَلَيْهِ السَّلَامُ این آیه را خواند و فرمود: بخدا آن‌ها شیعه مایند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده‌ها را درباره آن‌ها انجام می‌دهد. پیامبر خدا درباره او فرمود: اگر از دنیا یک روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که همنام من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز روایت شده است.

پس منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت است. این آیه آن‌ها را مرثیه می‌دهد که خلیفه می‌شوند و در تمام بلاد قدرت را به دست می‌گیرند و در وقت قیام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایمن خواهند شد.

(ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۱۶۴)

الصَّالِحَاتِ" بوده باشند و آیه نص در این معنا دارد. و اینان در واقع وارثان زمین می شوند و در آن عصر می توانند تصرفات داشته باشند و مراد از استخلاف آنان در زمین نظیر استخلاف نیاکان و امم گذشته این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد، که زمین را ارث ببرند، آن طور که نیاکان و امم گذشته صاحبان قوت و شوکت ارث بردند، و این استخلاف قائم به مجتمع صالح ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان، هم چنان که در امتهای قبل از ایشان قائم به مجتمع بود. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۴)

در پایان علامه میفرماید:

این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ﷺ خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی ﷺ. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۵)

پس حق مطلب این است که اگر واقعا بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم (و همه تعصبات را کنار بگذاریم) آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی ﷺ به زودی منعقد می‌شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. (طباطبائی: ۱۳۷۴، ۱۵/ ۲۱۴)

لذا علامه در برابر روایات متواتر موضع‌گیری خود را اینگونه تشریح می‌کند که: اگرچه خطاب آیه استخلاف عموم مؤمنین صالح است ولی تطبیق واقعی آن بر مهدی آل محمد ﷺ در دوران ظهور است.

در خصوص معنای "الارض" در میان مفسران امامیه دیدگاه همگانی هم "کل زمین" و همه جهان منظور نظر است نه بخشی از زمین و یا سرزمین خاصی مثل مکه یا مدینه (که دیدگاه مفسران اهل سنت هم بر این گونه از بیان و معنا هم است).

۲.۵. تمکین و استقرار اسلام ولایی بر زمین

اکثریت مفسران اسلامی شیعه و اهل سنت بر این نظراتفاق دارند که منظور از "تمکین" ثبات دین، تثبیت دین است و مومنان صالح در آن دوره دارای ثبات دین و ثبات قدم در دینشان هستند و با قوت و شوکت در آن عصر از هرگونه لغزش در دین و هر نوع تفرقه‌ای بدورند. یعنی هیچ گونه ضعف و نقصی در اعمال و وظائف و مسئولیتهای دینی و دیگر ابعاد تکالیف فردی و اجتماعی خود ندارند تحریف در دین ندارند لرزه و لغزش، دوگانگی و تفرق اعتقادی و فکری در دینشان ندارند لذا دارای ثبات و استقامت و استواری در عمل و عقیده و دینشان هستند. دینی که مورد خشنودی و رضایت الهی است که منظور دین اسلام است و موبداین مطلب آیه ۳: مائده است که میفرماید: "الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا". اسلام آخرین و برترین و کامل‌ترین آیین ادیان آسمانی است که آیات ۱۹: آل عمران (ان الدین عند الله الاسلام...) و آیه ۸۵: آل عمران (ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه...) به این مطالب اشاره دارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه بابرپایی حکومت خود در صدد برمی آید تا نقطه‌ای از زمین باقی نماند مگر نور اسلام در آنجا بتابد و این همان مفهوم غلبه و پیروزی نهایی اسلام بر دیگر ادیان در دوره پایانی جهان است. که در سوره توبه: ۳۳ بدان اشاره دارد.

علامه طباطبائی ذیل فرازی از آیه ۵۵/ نور میفرماید

مراد به تمکین دینشان آن دین است که برایشان پسندیده و به دین اسلام معروف می‌شوند و دین اسلام را دین ایشان می‌داند هر چند هفتاد و سه فرقه شوند و هر فرقه‌ای فرق دیگر را کافر بداند و بعضی خون بعضی دیگر را مباح بشمارد و عرض و مال او را حلال بداند. (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۲)

در مقابل این نظر اکثر، نظریه دیگری است که برخی معتقدند مراد از "تمکین دین" غلبه دین است برخی می‌گویند منظور "انتشار و توسعه" آن دین است، برخی می‌گویند "عزت و شوکت دین" است. باید گفت که این نوع تفسیر، بیان لفظ است به لوازمات لفظ. معنای

وضعی لفظ تمکین، همان ثبات و استواری و پایداری و تثبیت است و بقیه معانی از لوازمات آن است که به همراه تثبیت دین هم خواهند آمد.

۳.۵. فراگیری امنیت و ازبین رفتن خوف و اندوه

درفرازی ازاین آیه آمده است که میفرماید: **وَلْيَبْدَلْ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا** یعنی به همه مومنان صالح بعداز خوف و ترس از دشمنان ایمنی کامل را عطامی کند. یکی از مولفه های حاکمیت دین حق در عصر ظهور بوجود آمدن امنیت و آرامش بعداز خوف است. خداوند درپرتو استخلاف و تمکن دین و تثبیت و استواری دین اسلام وعده ای که به مومنان صالح می دهد این است که خوف و اندوه آنها را به امنیت مبدل می سازد. امنیت یکی از مهم ترین دغدغه های بشریت در طول تاریخ بوده است لذا خداوند یکی از ضروریات زندگی بشر را در عصر ظهور مژده می دهد. درسایه امنیت انسان ها به بسیاری از خواسته ها و نیازهای فردی و اجتماعی خود میرسند. رابطه آنان درپرتو امنیت می تواند عمیق و برادرانه و بدوراز خشونت و تعدی و ظلم بوده و همسو با عدالت برقرارشود. لذا خداوند این نیاز همگانی بشر را درآیه به عنوان یکی از ثمرات حاکمیت بندگان مؤمن و صالح خود معرفی می نماید. همواره جوامع بشری از خشونت و تعدی و ظلم و ستم و بی عدالتی که بعضا نتیجه عدم امنیت در جامعه می باشد دررنج و فشار بوده و قرن ها امیدوار به تحقق حاکمیت عدالت درگستره جهان بوده اند این آرزو به عنوان یک شاخص مهم در تنظیم نظام اجتماعی از گذشته مطرح بوده است. بنابراین دیده می شود که یکی از مولفه های اساسی و بنیادین عصر ظهور ایجاد امنیت می باشد.

۴.۵. فراگیرشدن عبودیت الهی بر زمین

هدف نهایی از فراهم آمدن حکومت عدل، ریشه دارشدن آیین حق، گسترش امنیت و آرامش که همراه با استحکام پایه های عبودیت و توحید است می باشد. چنانچه در آیه ۵۶/ ذاریات بدان اشاره شده است: "ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون". باید توجه کرد که

عبادت خالی از هرگونه شرک و نفی هر نوع قانون غیرالهی، فقط با ایجاد یک حکومت عادل امکان پذیر است. برای همین انبیاء الهی تمام تلاششان تشکیل چنین حکومتی بوده است چنانچه در تاریخ اسلام دیده می شود یکی از اقدامات اولیه پیامبر اکرم ﷺ تشکیل نمونه ای از این حکومت بوده است. معنویت و عبودیت یکی از شاخصه های حکومت عصر ظهور و حاکمیت مومنان صالح است که در فرازی از این آیه بدان اشاره شده است. «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه استمرار حرکت هدفمند رسالت پیامبران بزرگ الهی به خصوص آخرین سرسلسله آنان رسول اکرم ﷺ است. شناخت و قرب به خداوند و عبودیت الهی یکی از محورهای اصلی رسالت انبیاء و پیرو آن یکی از اهداف مهم حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

۶. انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق تحقق وعده الهی

انقلاب اسلامی ایران بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب در موقعیتی ظهور کرد که جهان میان دو قدرت شرق و غرب تقسیم شده بود و کسی این گمان به ذهنش خطور نمی کرد که بتوان هیمنه این قدرتها را به تزلزل درآورد. این حرکت آزادخواهانه استکبار ستیز همراه با ایمان به قدرت لایزال الهی مردم ایران بود که لرزه براندام پوشالی این دو ابرقدرت وارد کرد. با گذشت چهل دهه یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلات عدیده ای روبه رو می باشد (ر. ک: امام خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>) که بزودی بمانند کشتی تایتانیک دستخوش امواج طوفانی شده و در اعماق دریای پرتلاطم حرکت انسانهای عدالتخواه و ظلم ستیز غرق خواهد شد.

انقلاب بزرگ اسلامی ایران دارای یک عقبه الهی بوده و با شعارهایی که با فطرت بشری سرشته شده است قد علم کرده است و یکی از عوامل ماندگاری این انقلاب پایبند بودن به همین آرمانها و شعارها می باشد. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت برادری، بخشی از ارزشهای فطری این انقلاب عظیم است که رهبر حکیم و فرزانه

ما در یبانه گام دوم انقلاب بدانها اشاره نموده است. (ر-ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲/۱۱/۹۷ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

ریشه‌های اصلی این انقلاب در فرهنگ قرآن جای دارد بعنوان نمونه آیاتی مانند آیه ۵۵/نور و همین چنین آیات ابتدایی سوره قصص که همگی ترسیم جهان انسانهایی را دارد که در ظلم و ستم و بی عدالتی زندگی کرده و به استضعاف کشیده شده بوده‌اند ولی اراده الهی بر آن شده که آنان را از وارثان زمین قرار دهد چراکه با اتکاء به ایمان و نیروی استقامت و جهاد در راه خدا قیام نمودند. خداوند نیز آنان را یاری نمود و وعده خود را درباره این امت‌ها تحقق بخشید.

یکی از امت‌هایی که با شعار ظلم ستیزی و عدالت‌خواهی و آزادی و حاکمیت الهی قیام نمود ملت بزرگ ایران بود. اکنون این ملت اسلامی در تداوم انقلاب خود همانگونه که الهی عمل کرده است بدنبال آن است که الهی گام بردارد. وعده الهی این است که اگر ملتی قدر نعمات الهی خود را بداند و به سخن رهبران الهی خود گوش فرادهد حرکتش موفق‌آمیز بوده و حاکمیت و وراثت بر سرزمین خود را بدست خواهد گرفت.

این مژده‌ای است که پروردگار در جای جای قرآن بدان اشاره کرده است. و یکی از این آیات، آیه ۵۵/نور است. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾

گرچه تحقق اکمل و تام این وعده در عصر ظهور ولایت عظمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد ولی از آنجایی که وعده خدا به عموم مومنان صالحی است که در هر دوره نیک عمل میکنند و به فرامین خدای خویش گوش جان می‌سپارند بنابراین بعید نیست که این مژده حاکمیت در مقطع کوچکی در عصر انقلاب اسلامی ایران عملی شود. ظاهراً خطاب آیه شریفه اولاً همه مومنان صالح می‌تواند باشد. ولی می‌تواند مخاطب خاص هم داشته باشد. قرینه این ادعا روایات حضرات معصوم علیهم‌السلام است و هم چنین از ظهور آیه این مطلب به دست می‌آید. عبارت "لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ" اشاره به این مهم دارد که آیه نه تنها عموم مومنان

صالح را دربرمی گیرد بلکه مصداق خاص راهم شامل می شود که همان حضرات معصوم علیهم السلام هستند. که بشارت به آخرین وصی و حجت الهی حضرت مهدی علیه السلام است. عبارت *لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ* می فرماید که آنان ولایت و خلافت بر زمین را بعهدہ می گیرند چنان که در روایات هم همین مطلب ذکر شده است.

بنابراین سرآغاز این آیه حکایت از دو خطاب برای جامعه بشری دارد. در این جا ممکن است ذهن هر قرآن پژوهی بر این مسئله مشغول شود که چگونه امکان دارد یک عبارت و گزاره دارای معنای مشترکی باشد و دو مخاطب "عام و خاص" را مقصود نظر داشته باشد؟

کلیدواژگان اصلی این گزاره دو واژه "الَّذِينَ آمَنُوا" و "عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" است. زمانی که به مجموعه منظومه و وابسته به هم در قرآن دقت شود، به این حقیقت رهنمود می شویم که دو لفظ "ایمان" و "عمل صالح" مجموعه گزاره هایی هستند که غالباً در آیات قرآن در ردیف هم و هم نشین بایکدیگر قرار می گیرند. این دو هم صدا و هم نوا باهم، چنان اثر معنایی بر یکدیگر دارند که ایمان بدون عمل صالح کم بهاء و عمل صالح بدون ایمان، موجب بی ارزشی آن عمل می گردد. آنچه که ارزش دهنده اعمال شایسته در نزد خداست آن اعتقاد و باور توحیدی والهی است. با این پیش فرض که ایمان و عمل صالح به عنوان دو رکن اساسی باورهای قرآنی است و این دو اختصاص به افراد خاصی ندارند و از طرفی این دو مقرون به تشکیک در مراتب هستند لذا می توان نتیجه گرفت که: کاملترین و قوی ترین و بیشترین ایمان و عمل صالح از آن حضرات معصوم است. به بیان دیگر مصداق اکمل "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" شامل این بزرگواران میشود و مرتبه نازل تر آن شامل عموم مؤمنین صالح از امت اسلامی است. روایات معصومین موید این تحلیل می باشد.

صاحب مجمع البیان می فرماید:

از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت است که درباره مهدی آل محمد است.

امام چهارم علیه السلام این آیه را خواند و فرمود: بخدا آن ها شیعه مایند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را درباره آن ها انجام می دهد. پیامبر خدا

درباره او فرمود: اگر از دنیا یک روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که همنام من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز روایت شده است. پس منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت است. این آیه آن‌ها را مژده می‌دهد که خلیفه می‌شوند و در تمام بلاد قدرت را به دست می‌گیرند و در وقت قیام مهدی علیه السلام ایمن خواهند شد.

مقصود از «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» این است که قبلاً هم خداوند افرادی را که صالح خلافت بوده‌اند، قدرت و خلافت بخشیده است. مثل آدم و داوود و سلیمان. شاهد آن این آیات است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (در روزی زمین خلیفه‌ای قرار میدهم: بقره ۳۰) «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ای داود، تو را در روی زمین خلیفه ساختیم: ص ۲۶) «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (آل ابراهیم را کتاب و ملک عظیم دادیم: نساء ۵۴).

در تفاسیر دیگر از تفاسیر روایی امامیه باهمین معنا و مفاد اشاره شده است که می‌توان نتیجه گرفت خطاب آیه دو مصداق خاص و عام دارد. روایات معصومین به عنوان قرینه منفصل برون متنی ما را در فهم بهتر آیه شریفه یاری می‌دهد. آنچه از استدلال و دیدگاه تفسیری علامه در خصوص این فراز آیه می‌توان استکشاف کرد این است که وقتی مراد از "الذین امنوا و عملوا الصالحات" می‌تواند عموم مؤمنین صالح باشند، بنابراین می‌توان همانگونه که یک مصداق آن حضرات معصوم می‌باشند مصداق دیگر و تمثیل نازلتر این مؤمنین با مراتب تشکیکی پایین‌تر بر مردم مؤمن و صالح دیگری از دیگر مردم مسلمان هم تطبیق شود.

به این بیان که آیه با توجه به شان نزول (قرینه متصل برون متنی) و روایات (قرینه منفصل برون متنی) دارای خصوصیتی می‌باشد که بالغاء خصوصیت، مفهوم عامی از آیه استنباط میشود که بر اساس قاعده جری قابلیت تطبیق بر مصداق مشابه را دارد.

معنای عامی که از آیه اصطیاد می‌شود "تحقق وعده الهی در توارث و حاکمیت از برای مؤمنین صالح و بهره‌بری از امکانات دنیوی" می‌باشد. این وعده از آنجایی که یک وعده الهی است حتماً محقق می‌شود. "انّ وعد الله حق". و تحقق اکمل و اتم و در حد نهایی آن در عصر ظهور از آن ولی الله الاعظم امام زمان علیه السلام خواهد بود. ولی این بدان معناییست که تحقق آن در یک موقعیت و از برای امت مؤمن و صالح غیر از مصداق اکمل آن ناممکن باشد.

تصور می‌شود یکی از مصادیق این وعده در نمای کوچک‌تر و ضعیف‌تر در قالب انقلاب اسلامی ایران محقق شده است. این انقلاب با رهبری انسانی فرزانه و مومن که مزین به عمل صالح است ﴿الذین امنوا و عملوا الصالحات منکم﴾ با شعار ظلم ستیزی و برپایی عدالت و امنیت ﴿وَلْيَبْدُلْ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا﴾ و با محوریت عبودیت و بندگی خدا ﴿يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ قیام به قسط و عمل به دین نمود.

چنانچه علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند، مخاطب این وعده، عموم مومنان صالح می‌باشد. برپایه تفسیر این مفسر عالم این معنا استکشاف می‌شود و براساس یکی از قواعد تفسیری به نام "قاعده جری" می‌توان این مورد رایجی از مصادیق این وعده الهی بر شمرد و آیه رابران "تطبیق" نمود. آیات قرآن در پذیرش جری و تطبیق مصداقی به سه گونه تقسیم می‌شوند: (۱) آیاتی دارای معانی عام و گسترده‌اند و شامل همه زمانها می‌شوند (۲) آیات نازل شده درباره اقوام و اشخاص معین (۳) آیاتی که به بیان مثل و نمونه‌های طبیعی پرداخته‌اند. (بهجت پور، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

۷. ترابط بیانیه گام دوم انقلاب و عوامل زمینه ساز حاکمیت مومنان صالح

پیدایش انقلاب اسلامی ایران برگرفته از قرآن و معارف عمیق آن بوده است. برای تداوم و حیات این انقلاب ضروری است که درسایه سار قرآن، دستورات فردی و اجتماعی رافرا بگیرد تداوم انقلاب اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارتهای نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است. می‌تواند عملی شود. در این امر مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده‌های الهی، به امت اسلامی به ویژه به مردم انقلابی

ایران گوشزد می‌کنند که اگر امت اسلام، ایمان به نیروی لایزال الهی داشته و با اتکاء به همین نیروی ایمان وظایف الهی خود را انجام دهند، پیروز میدان حق بر علیه باطل خواهند بود و می‌تواند زمینه حاکمیت ولی الله الاعظم را فراهم نماید.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشته و قدم به پنجمین دهه حیات خود نهاده است که مسئولیت سنگینی بردوش او نهاده شده است. این انقلاب در زمینه سازی حاکمیت الهی صالحان گام بلندی را در پیش رو دارد. باتکیه بر وعده‌های الهی که مؤمنین را تشویق و ترغیب کرده اورا به عاقبت مسرت بخشی برای تمام جامعه بشری امید می‌دهد. دنیا اکنون، اعتراف می‌کند که ملت انقلابی ایران با پشتوانه ایمان بخدا و استقامت در راه دشوار خود، قدم به جلو گذاشته و توانسته است الگویی برای تمام انسانهای آزاد اندیش و شجاع و قهرمان دنیا باشد

اهمیت گام دوم انقلاب همین بس که، انقلاب پر شکوه اسلامی ایران را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی است نزدیک کرده و آمادگی طلوع خورشید ولایت عظمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را مهیا می‌کند در چنین نقطه عطفی رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب برای ادامه این راه روشن و پرفراز و نشیب، به تبیین دستاوردهای شگرف چهاردهه گذشته پرداخته و به منظور جهادی بزرگ در جهت ساختن ایران اسلامی توصیه‌های مهم و اساسی ارائه فرموده اند که عملی شدن فرمایشات ایشان در تحقق حاکمیت مومنان صالح مؤثر می‌باشد.

۱.۷. اولین عامل زمینه ساز "اهمیت به علم و پژوهش":

یکی از ضروریات جامعه‌ای که بدنبال زمینه سازی حکومت مهدوی می‌باشد دوری از جهل و نادانی و مزین شدن به علم و دانش و پژوهش است. یکی از دستاوردهای حکومت مهدوی ارتقاء علمی و عقول مردمان و باز شدن باب علم است بطوری که امام با ظهورش از ۲۷ باب علم که تا قبل از ظهور حضرت فقط ۲ شاخه از آن شناخته شده بود بعد از این بیست و پنج شاخه دیگر علم را شناخته و در صحنه جهان منتشر می‌کند. در جامعه مهدوی به لحاظ

همین شکوفایی کامل علم و خرد و بیداری فطرت انسانی است که ارزشهای معنوی زنده می‌شود. و بشریت را در سایه این بلوغ، بسوی عقلانیت و دانش رهنمود می‌سازد. درخصوص اهمیت این مطلب حضرت آقامی فرماید:

دانش آشکارترین وسیله یعزت و قدرت یک کشور استوروی دیگرانایی توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت. نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند.... مابه سوءاستفاده ازدانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما موکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم..... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها باشدت بالا یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۲.۷. معنویت و اخلاق عاملی دیگر برای ایجاد حاکمیت مومنان صالح

یک نظام حکومتی وقتی می‌تواند داعیه دار برتری و الگوسازی برای دیگر نظامها و جوامع باشد که اهداف و برنامه‌های آن در جهت کمال و رشد انسان در تمام ساحت‌های زندگی او باشد. اگر بر نلمه هابا توجه به ارزش‌های اخلاقی و نیازهای معنوی انسان نباشد شاهد رشد نامتوازن در سطح عمومی جامعه خواهیم بود (عظیمی فر، ص ۱۴۹: ۱۳۹۳)

لذا یکی از توصیه‌های رهبری بحث معنویت و اخلاق است. با توجه به آن می‌توان زمینه‌سازی حاکمیت عصر ظهور را فراهم نمود. در حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به همان میزان که به موضوع عدالت در بعد اقتصادی و معیشت مردم و دوری از فقر توجه می‌شود به مسئله گسترش ارزش‌های اخلاقی و معنوی هم عنایت خاصی صورت می‌گیرد.

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است. اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز

اصلی جامعه است، بودن آن‌ها، محیط زندگی راحتی با کمبودهای مادی بهشت می‌کند و نبودن آن حتی بابر خورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد، این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد داشت. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۳.۷. اقتصاد قوی و پاک یکی از اولویتهای زمینه ساز حاکمیت صالحان:

حکومتها در صحنه مناسبات اجتماعی بطور برابر و یکسان با مردم معامله نمی‌کنند و این امر باعث اختلاف طبقاتی و ایجاد فاصله‌هایی میان مردم می‌شود که خود باعث تبعیض و بی‌عدالتی می‌گردد. اما در حکومت مهدوی ثروت و مال یکسان میان همگان توزیع می‌گردد و همین باعث ایجاد رفاه عمومی و آسایش می‌شود. در حکومت آن حضرت مردم به هر اندازه که نیاز دارند از بیت المال به شکل نامحدود و بی‌شمار به آن‌ها پرداخت می‌شود. از رسول خدا ﷺ در این باره چنین روایت شده است: در دوره پایانی (دنیا) خلیفه‌ای ظهور می‌کند که مال را تقسیم می‌کند و (لیکن) آن را نمی‌شمارد.

حضرت آقا در خصوص اهمیت اقتصاد چندین سال است که توصیه‌های زیادی به مردم و دولتمردان و فرهیختگان نموده است و این بیانگر اهمیت این مسئله می‌باشد و یکی از بندهای بیانیه گام دوم انقلاب به تبیین و اهمیت این گزینه می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل سلطه ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در معنویات و مادیات بشر اثر می‌گذارد. البته اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست ولی وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۴.۷. عدالت و مبارزه با فساد هدف اصلی حاکمیت صالحان:

موضوع حاکمیت صالحان یکی از دستاوردهای عقیده مهدویت در مذهب شیعه امامیه است. به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی صالح ووالا مقام بنام مهدی آل محمد علیهم السلام که از خاندان نبوی است ظهور کرده و جهانی را که پراز ظلم و ستم گشته پراز عدل و داد می‌کند. این بشارت باعث اهمیت این موضوع شده چراکه بشریت همواره به دنبال حاکمیت، عدالت و امنیت بوده است. بنابراین بارزترین ویژگی حکومت امام زمان علیه السلام که مصداق اکمل حکومت صالحان در عصر پایانی تاریخ بشریت است که به آن شناخته می‌شود، عدالتخواهی و مبارزه با ظلم و ستم و نجات بشریت از بی‌عدالتی و مبارزه با فساد و خودکامگی انسانهای زورگو و متجاوزگراست. در دولت مهدوی با محوریت عدالت در همه ابعاد ساختار نظام سیاسی و اجتماعی به اجراء می‌آید. در این راستا یکی از مواردی که رهبر حکیم انقلاب اسلامی بر آن تاکید دارند و بدان توصیه فرموده‌اند مسئله مبارزه با فساد و رعایت عدل و انصاف است. ایشان در این راستا می‌فرمایند:

عدالت در صدر هدفهای همه بعثتهای الهی است و جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است. این کلمه‌ای مقدس در همه زمانها و سرزمینها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. در جمهوری اسلامی آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبکاران اقتصادی، که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد بشدت ممنوع است. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

از آنچه بیان شد باتکیه بر آیات قرآن و روایات روشن می‌شود که مسیر حرکت جامعه بشری به سمت وسوی برپایی حکومتی واحد. و جهانی با هدایت انسانی کامل و برگزیده از ناحیه

خداست. او منجی بشریت و بدنبال گسترش عدالت در سایه سار عقیده توحیدی است. این وعده‌ای است که خداوند به بشریت داده است و حاکمیت زمین را از آن مومنان صالح رقم زده است.. حقیقت این امر به دست نورانی ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. در این میان ملت و نظام اسلامی ایران در راستای زمینه‌سازی حکومت آن حضرت به سمت جلو در حرکت است و به امید روزی که پرچم اسلام را به دست صاحبش بسپارد در تحقق ظهورش قدم بر میدارد. کمالینکه مقام معظم رهبری در بیانات خود به این مسئله اشاره دارد که:

بنده از هر جهت که محاسبه میکنم می‌بینم در این مواجهه ملت ایران در زیر سایه جمهوری اسلامی باندنیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملت ایران است. هم آیات قرآن و وعده الهی این را به ما نوید می‌دهد، هم تجربه این چهل سال این را برای ما عینی می‌کند. (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۷/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/43632>)

۸. نتیجه‌گیری

موضوع مهدویت یکی از عقاید اختصاصی مذهب شیعه امامیه است به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی والا مقام از خاندان نبوی ظهور کرده و جهانی را که پراز ظلم و ستم گشته پراز عدل و داد می‌کند.

خداوند به خاطر فلسفه‌های گوناگون ایشان را در پرده غیبت حفظ کرده و بعد از دورانی که عالم ظرفیت حضورش را پیدا کند ظهور می‌کند. خداوند وعده حکومت جهانی ایشان را در آیات متعدد داده است.

یکی از آیاتی که به موضوع حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و توارث مؤمنین صالح در عصر ظهور اشاره دارد آیه ۵۵ / سوره نور می‌باشد.

علامه طباطبائی معتقد است که: خطاب آیه شریفه همه مومنان صالح است. ولی بنابر روایات وارده در ذیل آیه مصداق اکمل آن عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. سنتهای الهی بیان شده در آیات قرآن، به مثابه قوانین عام و کلی هستند که با "الغاء خصوصیت‌های"

موجود در آیات، آنان را میتوان استکشاف کرد و با جریان "قاعده جری و تطبیق" بر موارد مشابه که دارای خصوصیات و ویژگی‌های مورد بیان در آن مورد عام مشترک است تطبیق نمود. پژوهش حاضر بر این باور است که: از ظهور آیه ۵۵/نور وهم چنین از عبارات موجود در آن متوجه میشویم که آیه در مقام بیان یک سنت الهی است که این سنت چون حکم عامی می‌باشد لذا شامل مصادیق دیگری به جز مورد خاص نزولش هم می‌شود. مصداق اتم و کامل آن حاکمیت اما م زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در عصر ظهور است موبداین مطلب روایات حضرات معصوم علیهم‌السلام ذیل آیه می‌باشد. ولی مصداق کوچکتر آن می‌تواند مورد دیگری که خصوصیت مورد خاص آیه را دارد هم شامل شود. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران بنا بر قاعده جری و تطبیق می‌تواند از مصادیق عام آیه باشد.

تداوم انقلاب اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارتهای نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است، می‌تواند عملی شود. در این امر مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده‌های الهی، ملت مسلمان ایران را راهبری کرده و توصیه‌هایی را در قالب "بیانیه گام دوم انقلاب" ایراد فرموده‌اند.

توصیه‌های رهبر فرزانه انقلاب در راستای زمینه‌سازی حاکمیت مومنان صالح و ولی الله الاعظم امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌تواند کاربردی و مطرح باشد. محورهای برخی از توصیه‌های رهبری از این قرار می‌باشند: اهمیت به دانش و عقلانیت، اخلاق و معنویت، اهمیت بعد اقتصاد، توجه به عدالت خواهی و مبارزه با فساد.

ترابط موجود بین حاکمیت مومنان صالح که در آیه ۵۵/نور مطرح شده است با محورهای موجود در بیانیه گام دوم انقلاب این است که: با رعایت این توصیه‌ها و فرمایشات ملت بزرگ انقلابی ایران می‌تواند در زمینه‌سازی امر ظهور جایگاه ویژه‌ای داشته باشند و در تسریع این حاکمیت وظایف مهم خود را انجام دهند.

اهمیت گام دوم انقلاب همین بس که، انقلاب پر شکوه اسلامی ایران را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی است نزدیک کرده و آمادگی طلوع خورشید ولایت عظمی امام زمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را مهیا می‌کند.

فهرست منابع

قرآن

۱. احمد بن فارس، ابوالحسن، بی تا، معجم مقاییس اللغه ابن فارس، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، نوبت چاپ: اول، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۳۸۴ ش، سیمای حضرت مهدی در قرآن، تهران، چاپ: پنجم، ناشر: آفاق
۳. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۱ ش، تفسیر فریقین، قم، چاپ اول، ناشر: آثارنویس
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، مکان چاپ: بیروت، چاپ: اول، ناشر: دار القلم
۵. سلیمیان، خدامراد، ۱۳۷۸ ش، درسنامه مهدویت، تهران، جلد اول، چاپ اول، ناشر: مؤسسه نشر شهر
۶. حسنی بافرانی، طلعت، ۱۳۹۵ ش، نقد و بررسی تفاسیر فریقین از آیات توارث و حاکمیت مومنان صالح زمین
۷. خامنه ای، علی، مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷ ش. متن بیانیه گام دوم انقلاب
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ ش، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ: اول، انتشارات فراهانی
۱۰. عظیمی فر، علیرضا، ۱۳۹۳ ش، جهان آینده در اندیشه اسلامی، قم، چاپ: سوم، انتشارات مهر امیرالمومنین،
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین فراهیدی، بی تا، قم نوبت چاپ: دوم، نشر هجرت
۱۲. قرشی، سید علی اکبر، سال ۱۳۸۷، قاموس قرآن، تهران، نوبت ۱۶، ناشر دارالکتب الاسلامیه،

۱۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، قم، نوبت چاپ: سوم، ناشر: دار
الکتاب، تحقیق: طیب موسوی جزایری
۱۴. گلستانی، صادق، ۱۳۸۵ش، مقاله سنت‌های تاریخی قرآن درباره مومنان، تاریخ
درآیین پژوهش ۱۳۸۵ شماره ۹
۱۵. متن بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، سال ۱۳۹۷ه. ش
۱۶. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، چاپ: سوم،
ناشر: دارالکتب العلمیة. مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
۱۷. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، الکاشف، : تهران، نوبت چاپ: اول، ناشر: دار
الکتب الإسلامیة،
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، تفسیر نمونه، تهران، جلد ۱۴، نوبت چاپ: ۲۶،
دارالکتب الاسلامیة
۱۹. مهدیان فر، رضا، ۱۳۹۶، واپسین روزهای تاریخ درآیه ۵۵ سوره نورا زدیدگاه مفسران،
فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۳۰، سال هشتم

آثار مواسات و برادری در رشد اقتصادی جامعه اسلامی

سمیه نظری شوشود^۱

چکیده

مواسات از ویژگی‌های منحصر به فرد اقتصاد اسلامی و به معنای همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه امور است. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در بخش اقتصاد، مواسات از تکالیفی است که سهم بزرگی در تحقق اهداف عالی نظام اسلامی از جمله در تحقق عدالت و رفع فقر و توزیع ثروت و رشد اقتصادی جامعه دارد. مواسات با وجود ظرفیت‌های بسیاری که در حل مشکلات اقتصادی جامعه امروز ما دارد و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. تبیین نقش مواسات در رشد اقتصادی جامعه اسلامی می‌تواند در این راستا راه گشاه باشد. هدف این پژوهش تبیین مواسات در رشد اقتصاد جامعه است تا با تبیین نقش آن آنچه شایسته تقویت این مورد است رقم خورد تا از این مسیر گامی در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در جهت جامعه‌سازی برداشته شود. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی - توصیفی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مواسات آثار و برکات زیر را به دنبال دارد: تقویت فضائل اخلاقی، ایجاد محبت و صمیمیت بین مردم قرض الحسنه، کاهش فقر، کاهش فاصله طبقاتی، تأمین اجتماعی، توازن اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی، کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی.

کلید واژگان: اقتصاد، انفاق، فقر، مواسات، گام دوم انقلاب

۱. سطح سه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم. khademeezahra@chmail.ir

مقدمه

مواسات در فرهنگ اسلامی و سیره نبوی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است، از نظر پیامبر اسلام ﷺ یاری کردن برادران دینی و اهتمام به امور آنان و مواسات به ایشان از والاترین عبادت‌ها و نشانه کمال بندگی حق است. تا آن‌جا که ایمان حقیقی در گرو مواسات است و مواسات یکی از مباحث علم اخلاق است که ما در این مقاله به آثار مواسات در رشد اقتصادی جامعه اسلامی می‌پردازیم. دانشمندان در همه مکاتب اقتصادی جهان در طول تاریخ به دنبال حل مشکلات جوامع خود از هیچ تلاشی در جهت بهبود وضعیت مردم دریغ نکرده‌اند. وقوع حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله، خشکسالی و مشکلات غیر ارادی باعث می‌گردد تا برخی انسان‌ها نتوانند نیازهای خود و اطرافیان خود را تأمین کنند. دین اسلام در راستای حل این مشکلات برنامه‌هایی را بیان کرده تا به وسیله آن مسلمانان به یاری هم نوعان خود بشتابند و دست یاری به آن‌ها دهند. دین اسلام برای حل این مشکلات اموری را مورد تأکید و سفارش قرار داده که یکی از آنها مواسات است وجود آن در جامعه اسلامی منشا تحولات و تاثیرات بسیاری است که یکی از آنها نقش مواسات در رشد اقتصادی جامعه است

مواسات از صدر اسلام مورد تأکید جامعه سلامی بوده و پایه‌های حکومت اسلامی در مدینه با مواسات و همکاری همهی مسلمانان استقرار یافت و مشکلات اولیه با احساس همدردی و مشارکت در سهم ساختن دیگران در مال و زندگی مرتفع شده است. در منابع اسلامی به مواسات و نقش آن برجسته‌های مختلف زندگی انسان توجه شده است در این زمینه می‌توان به نوشته‌های از جمله موارد ذیل اشاره کرد: در کتاب مبانی اقتصاد اسلامی (دفتر حوزه ودانشگاه) دین اسلام با تشویق به انفاق‌های مستحب و ترویج روحیه برادری و ترغیب به رسیدگی یکدیگر، از انباشته شدن ثروت در دست اغنیا جلوگیری کرده و پرداخت آن‌ها را داوطلبانه و همراه نوعی مسالمت آمیز قرار داده است، کتاب شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام (محمد جمال خلیلیان اشکذری) به مواسات پرداخته و اصل

اخوت و برادری در جامعه توحیدی را اصل اخلاقی و عاطفی و اقتصادی تلقی می‌کند و به اخوت واحسان و تعاون اشاره شده است، در کتاب معرفت نفس (حسین مظاهری) به مواسات در سیره اهل بیت، اهتمام عموم، برکات آن و نتایج عمل به قانون مواسات پرداخته است، در مقاله انفاق و ایثار و مواسات مالی و نقش هر یک در توزیع ثروت و درآمد جامعه (یعقوب جمالی، محمد جمال خلیلیان اشکذری) در تبیین نقش این موارد در توزیع ثروت و درآمد، عدالت اقتصادی، کاهش فقر اشاره کرده است.

در مجموعه نوشته‌های مذکور به تبیین مفهوم مواسات در آموزه‌های اسلامی پرداخته و تا حدی سعی داشته به نقش مواسات در ابعاد مختلف زندگی انسان اشاره داشته است. اما هدف این مقاله تبیین آثار مواسات در رشد اقتصاد اسلامی است که تا حد توان خود بتوانیم مشکلات جامعه را حل کنیم و گامی در مسیر تحقق اهداف گام دوم انقلاب در قسمت اقتصاد برداشته شود. این نوشته با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

مفهوم مواسات

از جامع‌ترین و کارآمدترین طرح‌های اسلام در ساختن جامعه‌ای منسجم و بهرمند از عدالت اجتماعی، ایجاد پیوند اخوت و برادری میان افراد جامعه است. مواسات مالی در حق برادر دینی، از مهم‌ترین حقوقی هست که در روایات بر آن تأکید می‌شود. واژه مواسات از دو ماده (وسی) و (اسو) گرفته شده است. مواسات از ماده وسی به معنای دلداری دادن و یاری کردن (مهیار، ۱۳۷۶، ۱۶۵) و از ماده اسو (اسی - مواسات (اسو، اسی) الرجل فی ماله: در مال یا دارایی خود ان مرد را برابری داد (، همان، ۲) مواسات به معنای مشارکت دادن در امر معاش و روزی است برخی گفته‌اند) المواساة: المشاركة و المساهمة فی المعاش) مواسات با کسی در مال یعنی مال خود را به او دادن و او را در مال برابر کردن است (زیبیدی، بی تا، ۱۹، ۱۵۶) برخی گفته‌اند که مواسات در جایی است که انسان شخص دیگر را در هزینه‌های زندگی خود سهیم نماید، بنا براین اگر تنها مقدار اضافه بر هزینه زندگی خود را

ببخشد، مواسات نیست. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی است: اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است یک وظیفه دینی است. (امام خامنه‌ای، خطبه نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3157>)

امام رضا A در خصوص ویژگی‌های پیامبر π فرمودند: (افضلهم عنده اعمهم نصیحة المسلمین و اعظمهم عنده منزلة احسنهم مواساة و موازرة) (صدوق، ۱۴۰۴، ۱، ۳۱۸) برترین مردم نزد پیامبر π کسی بود که خیرخواهی‌اش درباره مسلمانان فراگیرتر بود و بزرگ‌ترین مردم نزد او کسی بود که در بخشش مال و مدد رسانی بهتر رفتار میکرد.

بنابراین آنچه از مجموعه معانی مواسات به دست می‌آید، مواسات بالاتر از بخشش مال است اعطا و بخشش یعنی شخص از زیاده مال و اضافه بر نیازش به دیگری بدهد اما مواسات یعنی شریک کردن کسی در معاش و اموال خودش که مورد نیازش بوده و کفاف زندگی خودش را می‌دهد. مواسات بیشتر اوقات در مورد مال و اموال و مواهب زندگی به کار میرود.

مفهوم اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

از منظر مقام معظم رهبری، اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان معنی و مفهوم اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

«اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد

مقاومتی است. «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، این اقدام و عمل باید در جلوی چشم مردم قرار بگیرد و مردم این را ببینند؛ این توقع و خواسته ما از مسئولین است که با آن‌ها در میام می‌گذاریم؛ این مسائل را ما با مسئولین مرتباً در میان می‌گذاریم و به آن‌ها می‌گوییم. شاخصه‌های اقدام و عمل را باید نشان داد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۸/۲۶، [https://khl.ink/f/ https://farsi.khamenei.ir](https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir))

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند:

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد». (امام بیانات رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۱/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/19301>)

از نظر مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاوتی یعنی اقتصادی که مقاوم است و با تحریکات جهانی، با تکان‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیر و رو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم. (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱، [https://khl.ink/f/ https://farsi.khamenei.ir](https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir))

مواسات در قرآن کریم

قانون مواسات به این معنا است که هر اندازه خداوند به انسان نعمت داده است، دیگران هم در آن شریک شوند. اگر مالی دارد، در مالش واگر عام دارد، در علمش و اگر وجاهت و شخصیت دارد، در وجاهت او و اگر قلم دارد در قلمش و بالاخره هر نعمتی که دارد، دیگران را در آن شراکت دهد و خودخور و خودخواه نباشد. مطالب مهمی که باید به آن توجه داشته باشید این است که عمل به قانون مواسات، کاری غیر از پرداختن خمس وزکات واجب و شرعی است. در قرآن کریم، راجع به وجوب زکات اصطلاحی فقها، بیش از یک آیه نیست و این آیه در مدینه هم نازل شده است و همچنین راجع به خمس، بیش از یک آیه نداریم و این هم در مدینه نازل شده است: اما قرآن کریم صدها مرتبه درباره قانون

مواسات سخن گفته است هم در مکه وهم در مدینه، آیه بعد از آیه و زمان بعد از زمان و مکان بعد مکان چنین آیاتی نازل شده است. تفاوت قانون مواسات با خمس و زکات در این است که در باب خمس و زکات، اگر کسی آن را نپردازد، حق الناس کرده و اگر حاکم اسلامی بتواند زکات را از او می‌گیرد. بنابراین بدهکار زکات و خمس، تا بدهی خود را ندهد نمی‌تواند آن مال را تصرف کند زیرا فقرا و امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» در اموالشان شریک هستند؛ اما راجع به قانون مواسات، گرفتگی است و حق الناس نیست بلکه یک تکلیف خیلی جدی است. قرآن کریم در آیات فراوان به قانون مواسات اشاره فرموده است از جمله در آیات ابتدای سوره بقره می‌فرماید که اگر متقی هستید باید دو بال داشته باشید، یکی بال رابطه با خدا و یکی بال رابطه با مردم: (ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین. الذین یؤمنون بالغیب و یمیمنون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون) «در وحی بودن این کتاب با عظمت هیچ تردیدی نیست، همه آیاتش راهنمای پرهیزکاران به سوی سعادت دنیا و آخرت است. آنان که غیب را باور دارند و نماز را با شرایط ویژه‌اش می‌خوانند و از هر نعمت مادی و معنوی که روزی آنان کرده‌ایم در راه خدا هزینه می‌کنند» (بقره ۲،۳) در این آیات اول نماز مطرح شده و بعد از نماز، رسیدگی به دیگران را خواسته‌اند. بنابراین، انسان به واسطه اقامه نماز و نیز بارعایت قانون مواسات، می‌تواند خداوند متعال را معلم اخلاق خود کند و در اثر عمل به این دستور، کم‌کم به مراتب بالایی برسد.

نقش مواسات بر رشد اقتصادی

کاربرد واژه مواسات در کنار اقتصاد شاید برای مخاطبان امروز که در برخی جوامع سهام نمودن دیگران در اقتصاد و سفره خود را بی‌معنا می‌دانند، در خور تأمل و قابل بررسی باشد. مواسات از جمله آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند در سهام نمودن دیگران در خوانی که باری تعالی به انسان ارزانی فرموده است، کاربرد داشته باشد، آنگونه که در فرمایشات امام جعفر صادق A نیز آمده است: «مواسات با نیازمندان را جزو حقوق مسلمانان بر یکدیگر شمرده» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ۲، ۱۷۵). رسول خدا π مواسات را علامت واقعی مؤمن می‌دانند

(همان، ۱، ۱۴۷، ح ۱۷) و مولای متقیان علی A، آن را مؤثرترین نشانه و حافظ اخوت و برادری میان مسلمانان معرفی کرده‌اند (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۹۵۲۶). با توجه به نقش برادری و مواسات در رشد اقتصادی جامعه، در ذیل به تأثیر مواسات در رشد اقتصاد از منظر قرآن کریم پرداخته شده است.

۱. ایجاد محبت و صمیمیت میان مردم

با تحقق انفاق و مواسات در جامعه نوعی ارتباط محبت آمیز میان افراد جامعه از غنی و فقیر برقرار می‌گردد. اسلام برای ایجاد جامعه یک پارچه و ساماندهی مسائل و مشکلات عمومی، طرح اخوت را بر اساس ایمان پیشنهاد کرده است. از ابعاد مهم ایمانی برقراری پیوندهای عمیق عاطفی در میان افراد است که انگیزه و بستر مناسبی را برای رسیدگی به مشکلات دیگران را فراهم می‌سازد در آموزه‌های دینی در کنار تأکید بر مواسات مالی از برقراری پیوند محبت آمیز و عاطفی میان توانگران و محرومان یاد می‌شود: محبتی که هم موضوعیت دارد وهم زمینه انفاق ایثار و مواسات مالی را مهیا می‌سازد (ایروانی، ۱۳۹۲، ۳۴، ۳۵) همنشینی با افراد باعث انس گرفتن با آنها می‌شود. نشست و برخورد کردن با فقرا و محرومین دارای فواید بسیاری است که یکی از آنها، باعث الفت و یک پارچگی جامعه می‌شود. همنشینی با محرومان باعث می‌شود تا جامعه طبقاتی که مورد نکوهش دین مبین اسلام قرار گرفته است از بین برود و انسان خود را شریک غم آنها بداند و از تکبر و خودپسندی دوری کند (پژوهشکده تحقیقات، ۱۳۷۶، ۱، ۱۷۰) ایجاد محبت و رفاقت با نیازمندان و رواج صمیمیت از جمله آموزه‌های مورد تأکید اسلام است که روحیه فروتنی و نوع دوستی را در درون تقویت می‌کند گامی مؤثر در بازگرداندن شخصیت حقیقی و اعتبار اجتماعی آنها به شمار می‌آید و آنان را از انزوای اجتماعی به در می‌آورد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «ای خدای من! رفاقت و همنشینی فقیران را محبوب من گردان و مرا با صبری نیکو به هم نشینی آنها یاری فرما» (حسین انصاریان، ۱۳۷۴، دعای ۳۰) امام حسن (ع) گروهی از فقرا را دیدن که در حال غذا خوردن بودن آنها را دعوت کردن و امام نیز قبول کردن و

با آن‌ها غذا خوردن بعد فرمودند: (انه لا یحب المستکبرین) خداوند مستکبران را دوست ندارد (مجلسی، ۱۳۰۴ق، ۴۳، ۳۵۲) با پرداخت و انجام صحیح انفاق و مواسات افراد جامعه نسبت به هم بی تفاوت نیستن و تا حدممکن سعی در رفع نیازهای یکدیگر دارند. مردم در جامعه اسلامی با فعالیت مستقیم در بخش توزیع ثروت محبت و صمیمیت بیشتری را میان خود احساس می‌کنند و در نتیجه باعث رشد اقتصادی جامعه می‌شود.

۲. قرض الحسنه

سنت قرض الحسنه که در اسلام مطرح شده از جمله قوانین اقتصاد اسلامی است که در راستا قانون مواسات وضع شده است. اگر قرض الحسنه‌ای که قرآن کریم می‌خواهد و به آن دستور داده، در میان جامعه احیا شود. بسیاری از مسائل و مشکلات اقتصادی از بین می‌رود. قرآن شریف در چندین آیه، قرض الحسنه را قرض به خدا نامیده و وعده برکت و زیاد شدن آن را داده است عموم مردم باید سنت قرض الحسنه را زنده و احیا کنند. خداوند متعال ضمانت کرده است که در برابر این قرض در همین دنیا چندین برابر آن برمیگرداند. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرمایند «قرض الحسنه هیجده برابر پاداش و برکت دارد». (شعیری، ۱۳۶۳، ۱۸۴)

از منظر مقام معظم رهبری، صندوق‌های قرض الحسنه، یکی از نهادهای اسلامی اصیل هستند که یک عمل اسلامی و یک حسنه به شمار می‌روند. ایشان می‌فرماید: «اگر کسی به انجام این کار اقدام کند و نیت خیر داشته باشد، در صورتی که سودجویی نخواهد بکند و از روش‌های غلط استفاده نکند، یکی از حسنات و انفاق‌های بزرگی است که کسی انجام می‌دهد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و کارکنان نهادها و سازمان‌های خدماتی و حمایت‌کننده از مستضعفان و محرومان، ۱۳۶۸/۷/۱۲، <https://khl.ink/f/2197> <https://farsi.khamenei.ir>)

۳. کاهش فقر

در آموزه‌های دینی مسئولیت فقر توده‌ای مردم و گناه محرومیت محرومان، بر دوش ثروتمندان نهاده شده است. خداوند سبحان، غذا و نیاز محرومان را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند مگر این که ثروتمندان حق او را تصاحب کرده‌اند. (پرور، ۱۳۸۸، ۳۴). از مهم‌ترین وظایف ثروتمندان جامعه رسیدگی به حال فقیران و نیازمندان است. در آینه اسلام ریشه انواع فساد و تباهی فقر است که ناآرامی روحی و جسمی در سطوح فردی و اجتماعی از آن زاییده می‌شود بدین سان فقر تهدید جدی برای ارزش‌های جامعه دینی است که ثبات آن را از میان می‌برده‌مانند طوفان‌ی که در روز باد خیز علف‌های خشک را به هوا می‌پراکند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ۱، ۱۲) در اسلام تأمین نکردن نیاز نیازمندان از موانع اسلامی در مسیر توسعه اقتصادی و معیشتی تلقی می‌شود. در قرآن کریم مثال کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق کنند، همچون دانه دانسته شده که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه هفت دانه باشد. اگر مواسات و انفاق در جامعه رعایت شود موجب کاهش فقر و ازدیاد نعمت و رشد اقتصادی جامعه می‌شود.

۴. کاهش فاصله طبقاتی

از منظر مقام معظم رهبری، هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است (امام خامنه‌ای، پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۰، <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir/3181>).

بدون تردید نقش انفاق و مواسات در تقویت عدالت اقتصادی و کاهش فقر را نمی‌توان نادیده گرفت. عموماً نابرابری موجود در جامعه بر اثر نابرابری توزیع ثروت و درآمد است. خداوند متعال برای پیشگیری از هلاکت جامعه می‌فرماید: ﴿و انفقوا فی سبیل اللہ لا تلقوا

بایدیکم الی التهلکة و احسنوا ان الله یحب المحسنین» و در راه خدا انفاق کنید و ترک انفاق، خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید نیکی کنید که خدا ون نیکوکاران را دوست دارد.» (بقره، ۱۹۵)

بنا براین انفاق و مواسات فاصله طبقاتی را کم می‌کند و خطراتی را که از این رهگذر متوجه افراد اجتماع می‌شود از بین می‌برد. مواسات آتش خشم و شعله‌های سوزان طبقات محروم را فرو می‌نشاند و روح انتقام و کینه توزی را از آن‌ها می‌گیرد؛ زیرا دریافت کنندگان کمک عموماً افراد طبقه متوسط به پایین هستند که سهم کمتری از توزیع ثروت و درآمد بر خورداراند. و باعث رشد اقتصادی جامعه می‌شود.

۵. تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی از ویژگی‌های والای نظام اقتصادی اسلام است. درحالی‌که نیازمندان در زیر دست و پای تمدن غرب له می‌شوند. اسلام با آنان مهربان و رؤوف است و از آنان می‌خواهد که بدون نیاز به دیگران، زندگی کنند و حتی خواهان آن است که همچون ثروتمندان زندگی کنند تا احساس نیاز موجب نشود که فرزندان نا هنجار تحویل جامعه بدهند. بیشترین علل و انگیزه‌های بی‌سوادی، نادانی و جنایت در جهان از فقر و تنگدستی سرچشمه می‌گیرد. فقر پنجره‌ای بزرگ است که جامعه را در معرض تند بادهای سهمناک قرار می‌دهد. و آن را از بیخ و بن می‌لرزاند، اسلام توانست این پنجره را تا به آخر ببندد و ریشه‌های فقر را بخشکاند. و با بسیج ثروتمندان و تشویق کردن آنان به بهره‌برداری از ثروت و نهایتاً استفاده از بیت‌المال، جامعه را بر اساس مواسات و عدالت اجتماعی و اقتصاد بازسازی کند. (حائری، ۱۳۸۶، ۵۷) امام علی «علیه السلام» به مالک اشتر می‌فرماید: برای ایشان در بیت‌المال حقی مقرر دار. و در نامه‌اش به تثم بن عباس، عامل خود در مکه مینویسد: در مال خدا که نزد تو گرد می‌آید نظر کن آن را به عیالمندان و گرسنگانی که در نزد تو هستند و به محتاجان و فقیران برسان. و هرچه افزون آید نزد ما روانه‌اش دار تا ما نیز آن را به محتاجانی که نزد ما هستند برسانیم. (دشتی، ۱۳۹۰، ۴۳۳، نامه ۶۷) بدین ترتیب می‌بینیم که اسلام تفاوت

اقتصادی و فقر شایع را مهار می‌کند و این هدف بلند جز با مواسات و بسیج تلاش‌های خیر خواهانه که برخاسته از نیت خیر و انجام کار خیر است میسر نخواهد بود.

۶. عدالت اقتصادی

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است: این، کلمه مقدس در همه زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. (خامنه‌ای، ۴۰/۱۳۹۷) مسئله مهم در بحث عدالت و رشد اقتصادی، اختلاف سطح درآمد و زندگی افراد است و منشاء این اختلاف سه چیز است ۱. اختلاف در توانمندی‌ها و قابلیت‌های افراد ۲. اختلاف ناشی از حوادث خارج از اختیار فرد و حکومت مانند سیل و زلزله و جنگ است. روشن است که چنین اختلافاتی نا مطلوب می‌باشد ۳. اختلافات ناشی از ستم استثمار و تبعیض در امتیازهای قانونی و حکومتی. تردیدی نیست که اختلافات این چنینی با عدالت اسلام سازگار نیست. (ایروانی، ۱۳۹۲، ۱۷۶، ۱۷۷) باعث به خطر افتادن امنیت اقتصادی شخص می‌شود و معیشت او را با مشکل مواجه می‌سازد. جهت حفظ توازن اقتصادی افرادی که با مشکلات اقتصادی روبه رو هستند خداوند متعال در اموال توانگران قوت و خوراک مستمندان را واجب کرد. هیچ مستمندی گرسنه نماند مگر به خاطر خودداری کردنو منع توانگری، خداوند بزرگ از آنان باز خواست آنان را خواهد کرد. همچنین جهت حفظ دارایی به دادن زکات اموال امر شده‌اند (دستی، ۱۳۹۰، ۴۷۱ حکمت ۱۴۶) عدالت و امنیت اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. در چنین وضعیتی اموری از جمله انفاق ایثار و مواسات تا حدودی می‌تواند از بار فشار این مشکلات بکاهند. و با جبران کاستی‌های ایجاد شده در واقع عدالت و امنیت اقتصادی را به زندگی انسان برگرداند.

۷. ایجاد رفاه عمومی

مواسات و انفاق در ایجاد رفاه عمومی نقش به سزای دارد. منظور از رفاه عمومی آن است که وضعیت جامعه اسلامی آن گونه باشد که تمامی افراد جامعه از امکانات زندگی در تمامی زمینه‌ها از جمله: بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، مسکن، پوشاک، و غیره در حد متوسط برخوردار باشند. البته این مفهوم رفاه عمومی مستلزم آن است که از جامعه رفع فقر کند (لیراوی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰) امام علی «علیه السلام» می‌فرمایند: فقر سبب پریشانی حواس، سرگشتگی عقل و گرفتار شدن به غم و اندوه می‌شود (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۲۲۳) اقتصاد ضعیف بر همه بخش‌های دیگر اثر منفی می‌گذارد و امنیت سیاسی، فرهنگ و رفا دست خوش آسیب می‌شود بنابراین انفاق و مواسات رفاه عمومی را ایجاد می‌کند زیرا باعث کاهش فقر و اختلاف فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد و موجب رشد اقتصاد جامعه نیز می‌شود

۸. کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی

اصل اخوت و برادری در جامعه توحیدی اصلی انسانی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی است. این امور تنها اصلی ذهنی و اخلاقی نیستند؛ بلکه لوازم و آثار واقعی و ملموس دارد که مدد رسانی به یکدیگر و دستیاری به مؤمنان از جمله آن‌ها است. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۴، ۱۴۹) فی المثل هنگامی که می‌شنویم: با یک اعلامیه رهبر انقلاب دایره بر کشت گندم، زمین‌های فراوانی زیر کشت می‌رود. به هنگام برداشت محصول گروه زیادی از جوانان تحصیل کرده و دکتر و مهندس، مذهبی به‌عنوان یک خدمت مقدس مذهبی به روستا میریزند و روستائیان را کمک می‌دهند. با استفاده از علائق دینی جهادسازندگی شروع به کار می‌کنند و در دور افتاده‌ترین نقاط برنامه‌های عمرانی فراوان و خدمات بهداشتی و فرهنگی بسیار صورت می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ۶۳) در اقتصاد اسلامی افراد فقیر از پرداخت انفاق‌های واجب معاف هستند و هیچ‌گونه الزامی برای انفاق‌های مستحب نیز ندارند و شاید هم نتوانند انفاق‌های مستحب داشته باشند بنابراین طبقه‌های ثروتمند و

متوسط به بالا مشمول پرداخت این انفاق‌ها هستند و این به تعدیل توزیع ثروت و درآمد و به کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی کمک می‌کند.

این شیوه پرداخت انفاق و مواسات مالی باعث می‌گردد تا افراد نسبت به هم توجه بیشتری داشته باشند این اهتمام خود به خود موجب می‌گردد در صورت اطلاع یافتن افراد از مشکلات دیگری غیر از فقر مالی و با توجه به گستره معارف اسلامی، از جمله حق اخوت، حق همسایگی و... همت خود را به کار بگیرند تا در راستای برطرف شدن مشکلات مذکور نقش آفرین باشد

نتیجه‌گیری

این مقاله نقش مواسات در رشد اقتصادی را تبیین می‌کند. مواسات نقش اساسی در ساختن جامعه و کشور اسلامی دارد که ناظر به سبک زندگی اسلامی و از مهم‌ترین وظایف اخلاقی و عاطفی انسان است که سهم بزرگی در تحقق اهداف عالی نظام اسلامی از جمله در تحقق عدالت و رفع فقر و نقش بسیار مهمی در توزیع ثروت و رشد اقتصادی جامعه دارد. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب و تأکید بر مسئله اقتصاد این مقاله به دنبال تبیین آثار مواسات در رشد اقتصادی جامعه هست. با توجه به بیان مفهوم مواسات و تبیین جایگاه آن در رشد اقتصاد، برخی پیامدهای مثبت آن در جامعه اسلامی به قرار زیر است: ۱. تقویت فضایل اخلاقی و کاهش رذایل اخلاقی ۲. فرض الحسنه ۳. کاهش فقر ۴. کاهش فاصله طبقاتی ۵. ایجاد محبت و صمیمیت میان مردم ۶. تأمین اجتماعی ۷. عدالت و امنیت اقتصادی ۸. ایجاد رفاه عمومی ۹. کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی. در میان همه آثار و نتایج، اثرات اخروی مواسات چشم‌گیر است به حدی که هیچ عبادتی به اندازه خدمت به خلق و رعایت مواسات دارای اجری پاداش نیست قانون مواسات در رسیدن به مقام خلیفه الهی مؤثر است. مقامی که از رفاه اجتماعی و بهشت دنیایی و اخروی بالاتر است و لذات فراوانی در دنیا و آخرت به دنبال دارد. کسی که در راه انفاق بیفتد آنچه برایش اذت بخش است، رفاه و لذت دیگران خواهد بود بالاترین لذات

برای اهل بیت «علیهم السلام» موقعی بود که به دیگران خدمت می‌کردند و انفاق می‌نمودند. تعالیم اسلام در بخش انفاقات آموزه‌های را جهت سامان بخشیدن به آن بیان داشته که در بین مردم رواج دارد اما برای تقویت مفهوم مواسات شایسته است و تبلیغ و تبیین بهتری صورت گیرد. نهادهای مرتبط به این امر مانند سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد، مساجد، هیئات مذهبی، ائمه جمعه و... می‌تواند در امور تبلیغی خود به این مفهوم وزن بیشتری دهند تا شاهد پررنگ شدن هر چه بیشتر این امر در بهبود وضعیت مردم و رشد اقتصادی جامعه اسلامی باشیم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان
۲. نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ ۵۳
۳. صحیفه سجادیه. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، مشهد، انتظار مهر، ۱۳۹۰
۴. ایروانی، جواد، ۱۳۹۲ هـ ش، آشنایی با اقتصاد اسلام، مشهد، دانشگاه، چاپ اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۵. _____، ۱۳۹۲ هـ ش، اسلام درباره فقر و ثروت چه می‌گوید، مشهد، چاپ اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۶. افرام بستامی، فواد، ۱۳۷۶، فرهنگ ابجدی الفبای عربی فارسی، رضامهیان، تهران، چاپ ۲، اسلام
۷. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر تهران، ۱۳۸۱/۹/۱۵
۸. پرور، اسماعیل، ۱۳۸۸، مبارزه با فقر و فساد در سیره نبوی، قم، دفتر عقل
۹. تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ هـ ش، غررالحکم و دررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۰. خلیلیان اشگدزی، محمد جمال، ۱۳۸۴ هـ ش، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، چاپ ۱، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، زابل، واحد فرهنگی دفتر امام جمعه شهرستان زابل
۱۲. دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳ هـ ش، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، چاپ سلمان فارسی
۱۳. زبیدی، مرتضی، بی تا، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، دارالفکر،
۱۴. شعیری، تاج الدین محمد بن حیدر، ۱۳۶۳ هـ ش، جامع الخیار، قم، الطبعة الثانية، انتشارات رضی
۱۵. صدر، محمد باقر، ۱۳۵۷ هـ ش، اقتصاد نا، قم، مکتب الاعلام اسلامی،
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ ق، کافی، دارصعب و دارالتعارف، چاپ سوم، بیروت
۱۷. لیراوی، صادق و دیگران، ...، ۱۳۹۰ هـ ش، مبانی الزامات و موانع جهاد اقتصادی، قم، صدا سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهش‌های اسلامی،
۱۸. حائری، محسن، ۱۳۸۶ هـ ش، اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران، چاپ دوم، بنیاد نهج البلاغه

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۰ ه ش، خطوط اقتصاد اسلامی، قم، مدرسه علی بن ابی طالب «علیه السلام»
۲۰. _____، ۱۳۸۵ ش، دائرهالمعارف فقه مقارن، قم، چاپ اول، مدرسه علی بن ابی طالب «علیه السلام».
۲۱. مظاهری، حسین، ۱۳۹۴ ش، معرفت نفس، اصفهان، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا،
۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۰۴ ق، بحار الانوار، تهران، دارالکتاب اسلامی،
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵ ش، با همکاری حسینی، رضا، توسعه‌های اقتصاد بر پایه قرآن و حدیث، ترجمه ابوالقاسم حسینی، قم، چاپ دوم، دارالحدیث
۲۴. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶، اخلاق اقتصادی، بی‌جا، چاپ اول، اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه

ابعاد نقش آفرینی حوزه های علمیه خواهران در گام دوم انقلاب

اکرم صالحی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، بعد از سالها سلطه نظام های طاغوتی موجب شد، تا بار دیگر اسلام در راس حاکمیت قرار بگیرد و نظام اسلامی بر جامعه ایران حاکم شود. در زمان کنونی که ما بر طبق نظریات رهبری معظم علیه السلام در گام دوم انقلاب قرار داریم، تنها قدم اول را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی برداشته ایم. بعد از انقلاب اسلامی و ایجاد نظام اسلامی، بایستی با تشکیل دولت اسلامی سیر طبیعی جامعه به سوی اسلامی سازی پیش برود و جامعه اسلامی تشکیل شود و عملیاتی شدن دستورات اسلام در پیکره جامعه و ایجاد الگوی اسلامی پیشرفت می تواند زمینه ظهور تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. حوزه های علمیه و به خصوص حوزه علمیه خواهران به تبع جایگاه مهم زن در جامعه، توانایی آن را دارد که نقش مهم و بی بدیلی را در این عرصه ایفا نماید. این مقاله با استفاده از ابزار کتابخانه ای به تحلیل و توصیف ابعاد و چگونگی این نقش آفرینی، در گام دوم انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی پرداخته است. حوزه های علمیه خواهران می تواند در دو بعد درون حوزوی و برون حوزوی در عرصه های علمی - پژوهشی و فرهنگی - تبلیغی، بر روند تمدن سازی نوین اسلامی تأثیر مهمی داشته باشد.

کلید واژه: تمدن نوین اسلامی، گام دوم انقلاب، حوزه های علمیه خواهران، پیشرفت علمی

۱. طلبه سطح ۳، رشته فقه و اصول، معاون پژوهش مدرسه علمیه خدیجه کبری علیها السلام زنجان، عضو انجمن

مقدمه

انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران، بعد از سالها سلطه نظام‌های طاغوتی بارقه امیدی شد تا بار دیگر اسلام در راس قرار بگیرد. و نظام اسلامی بر جامعه ایران حاکم شود اما این تنها گام اول برای ایجاد تمدن بزرگ اسلامی بود زیرا با توجه به نظرات ارزشمند مقام معظم رهبری علیه السلام، بعد از ایجاد نظام اسلامی باید دولت اسلامی ایجاد شود و در وهله بعد جامعه اسلامی ایجاد شود، که در اثر ارتباط با دول دیگر و فرهنگ‌های مختلف و بروز قدرت جهانی شدن اسلام که خداوند آن را وعده داده است، منجر به تشکیل تمدن بزرگ اسلامی بشود. به طور کلی یک زنجیره منطقی وجود دارد: که حلقه اول، انقلاب اسلامی است سپس تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل دولت و جامعه اسلامی و در مرحله نهایی تشکیل تمدن بزرگ اسلامی است.

تمدن‌سازی نوین اسلامی از جهات مختلف از جمله نقش علوم انسانی، اخلاق، تربیت اسلامی همچنین نقش علم، پژوهش و زنان در آن، مورد تحقیق پژوهشگران واقع شده است. ۱. مقاله نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، ابوطالبی، مهدی، مجله تحقیقات بنیادی علوم انسانی، ص ۹۷ تا ۱۲۴، شماره ۶، بهار ۱۳۹۶، به بررسی نقش علوم انسانی در و اسلامی سازی آن در ایجاد تمدن اسلامی پرداخته است.

۲. مقاله تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی، اخوان نیلچی، نفیسه، یاسری، زینب، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۷، با این تحقیق به یک الگوی مفهومی در راستای نقش زن در این عرصه اشاره دارد.

۳. مقاله نقش بانوان در استحکام درونی نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری شایگان، فریبا، مومنی راد، فهیمه، علمی - ترویجی وزارت علوم، ص ۴۷ تا ۷۱، شماره ۶۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، با توجه به نقش محوری زن در وهله اول در خانه و در نهایت در جامعه این موضوع را از دیدگاه رهبری معظم انقلاب بررسی کرده است.

۴. مقاله تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، خیاط، علی، صفریور، هادی، علمی - ترویجی حوزه علمیه، ص ۱۷۷ تا ۲۰۵، شماره ۶۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، عوامل تمدن ساز را در دو گروه عوامل باطنی مثل ایمان و رهبری و... و عوامل ظاهری مثل بسترا اجتماع، عدالت محوری و... بررسی کرده است.

۵. مهدوی، اصغر آقا، سقزاده، مهدی، بررسی و تحلیل نقش و جایگاه دانش فقه در تمدن سازی، ص ۴۳ تا ۵۸، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

۶. مقاله زن، سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی، خاتمی نیا، فضا، مجله پیام زن شماره ۲۶۷، شماره ۲۶۷ تیر ماه سال ۱۳۹۳، با توجه به نقش سبک زندگی اسلامی در تمدن سازی و نقش محوری زن در ایجاد سبک زندگی به بررسی رابطه این دو عامل و تأثیر آن بر تمدن سازی نوین اسلامی پرداخته است.

با توجه به پیشینه موجود این تحقیق نیز در صدد است تا؛ از طریق تطبیق اثر نقش آفرینی عناصر علم، پژوهش و تبلیغ که به امر کلیدی تربیت منجر می شود با نقش حیاتی زنان جامعه خصوصاً زنانی که در مکتب منابع اسلامی علم آموزی می کنند، به بیان ابعاد نقش آفرینی حوزه های علمیه خواهران در گام دوم انقلاب و ایجاد تمدن سازی نوین اسلامی بپردازد.

در آغاز پیدایش تمدن اسلامی بعد از ظهور اسلام زنانی تربیت شده در اثر تعالیم اسلامی بودند که از حیث حمایت از جامعه و رهبران اسلامی گامهای موثری در پیشبرد اهداف اسلام نوظهور برداشتند. با توجه به نقش آفرینی زنان بسیاری بعد از حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، روشن است که زن به عنوان عضوی از جامعه، می تواند با خودسازی و تربیت افراد جامعه (دگرسازی)، در پیاده کردن تعالیم اسلام و ساختن جامعه اسلامی مؤثر باشد و یکی از ظرفیت های عمده جوامع اسلامی در رسیدن به تمدن نوین اسلامی قلمداد شود. به گفته مقام معظم رهبری علیه السلام، هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ زیرا ملت های اسلامی ظرفیتهای عظیمی دارند که اگر از این ظرفیتهای

استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید که همان ایجاد تمدن عظیم اسلامی است.

مراکز و مجموعه‌های علمی در جوامع اسلامی و حوزه‌های علمیه و به‌طور خاص حوزه‌های علمیه خواهران می‌تواند، تربیت‌کننده عناصر علمی و دارای مهارت تربیتی و تبلیغی در جهت جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی باشند. طلاب خواهر با توجه به نوع آموزه‌هایی که تعلیم می‌بینند و از طرفی جایگاهی که در نگاه افراد جامعه مخاطب دارند - که اغلب بانوان هستند - البته داشتن جایگاه ویژه زن مسلمان، قطعاً تأثیر مهمی در تحقق تمدن نوین اسلامی خواهند داشت بنابراین، ضرورت دارد با تبیین مفاهیم تمدن، تمدن اسلامی، تمدن‌سازی نوین اسلامی و نقش زن در آن، به نقش حوزه‌های خواهران در تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی درگام دوم انقلاب از دو نگاه درون حوزوی و برون حوزوی پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی

تمدن

در تعریف کلمه تمدن باید گفت که؛ تمدن مصدر عربی از باب تفاعل و همچنین اسم مصدر فارسی است؛ در تعریف تمدن، در فرهنگ عمید آمده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود». (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰)

فرهنگ دهخدا واژه تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند که: «تخلقی به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت»؛ ولی با توجه به دیگر لغت‌نامه‌ها، تمدن را به «در شهر بود و باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، اقامت در شهر، شهرنشینی و مجازاً تربیت و ادب» معنی کرده است. (دهخدا، ۱۳۴۲، ص ۱۰۰)

در زبان عربی، در کنار اصطلاح تمدن، مترادف‌هایی مانند: «حضارة»، «ثقافة» و

“مدینه” آمده است و کلمه تمدن به معنای متمدن شدن، شهر نشینی آمده است. (قیم، ۱۳۹۳، ص ۵۷۴)

در قرآن شریف، از ریشه «م. د. ن.» یا «ح. ض. ر.» که در عربی کلمه «حضارة» را از آن ساخته اند، کلمه صریح برای تمدن ذکر نشده است؛ لیکن با اندکی تامل در کلمه های مثل “امت”، “قریه” و “قرن” می توان دریافت که این کلمات با کلمه تمدن همخوانی داشته و شهرنشینی را به معنای اختیار کردن شهر نشینی و از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت انتقال یافتن معنا کرده اند. (جر، ۱۳۸۰، ص ۶۵۳)

در قرآن کریم معیار مدینه و شهر بودن صرفا ایجاد بناهای مهم و خاص و ایجاد فعالیت های لازمه شهرنشینی نیست بلکه طبق تعابیر قرآنی معیار صلاحیت فرهنگی و فضائل افراد است که معیار مدینه یا قریه می باشد ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ... وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا...﴾ (کهف / ۸۲ - ۷۷) که در این آیه آن مکان به جهت انتساب به افراد صالح شهر نامیده شده است درحالی که خداوند متعال در قرآن ابتدا مکه را «بلد» نامیده است و پس از هجرت پیامبر ﷺ از آن شهر تعبیر به قریه کرده است؛ اما از مدینه به احترام اقامت و مدفن پیامبر خدا ﷺ هیچ وقت جز مدینه یاد نکرده است؛ مگر یک بار به نقل قول از منافقان مدینه، که از شدت کینه و عناد با پیامبر، اهل مدینه را با نام قبلی آن، یعنی اهل یثرب، صدا کرده اند. (رهبری، ۱۳۸۷، ص ۲۵) نام قبلی مدینه، یثرب بود. یثرب پس از هجرت، به افتخار ورود و سکونت پیامبر اسلام ﷺ در آن شهر. شاید هم به دستور خداوند. «مدینه النبی» نامیده شد.

بنابراین وجود فضائل اخلاقی و صلاحیت های فرهنگی منجر به وجود سطح عالی از زندگی اجتماعی می شود که می توان از این زندگی جمعی زندگی متمدنانه یاد کرد و مکان این اجتماع را مدینه و دارای تمدن نامید. استاد محمدتقی جعفری ﷺ می گوید: تمدن، تشکل هماهنگ انسان ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت است

(جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ۱۶۱)

و اما در تعریف اصطلاحی؛ تمدن را می‌توان به شکل کلی، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند، در مقوله تمدن به چهار رکن و عنصر اصلی بر می‌خوریم که عبارتند از ۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی ۲. سازمان سیاسی ۳. سنن اخلاقی ۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر، می‌باشد.

۱.۲ تمدن اسلامی

تمدن نوعی ایجاد نظم در یک جامعه است. و تشکیل شدن یک تمدن یعنی همه ارکان مادی و معنوی در تحت یک نوع انتظام قرار بگیرند. از آنجایی که وجود انسان از دو بعد مادی و معنوی است ناگزیر همه ابعاد زندگی او متأثر از این دو بعد است یعنی، درظواهر انسان‌ها به‌طور کلی آثاری از بعد مادی و همچنین بعد معنوی او دیده می‌شود.. این تأثیر در تمدن‌های تاریخی بشری به خوبی مشهود است.

«فوکوتساوا یوکیچی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه تمدن، دو تعریف از تمدن ارائه می‌دهد؛ در تعریف اول، او تمدن را به‌منزله امری محدود معرفی می‌کند: یعنی افزایش دادن آن چه که انسان مصرف می‌کند؛ یعنی افزایش صورت مادی تمدن. در تعریف دوم تمدن به معنای گسترده معرفی می‌شود: که در کنار رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه به پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه بالاتری بکشانند نیز توجه می‌شود؛ یعنی او برای تمدن دو سطح قائل است: یک سطح مادی و دیگری سطح معنوی است که به مثابه زیربنای تحقق تمدن در نظر گرفته می‌شود و مانند موتور محرکه تمدن عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد.

(خاتمی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۲)

تمدن اسلامی نیز یک نوع انتظام شکلی و مادی و معنوی است که متأثر از مبانی فکری و اعتقادی اسلام است و حکومت رهبران الهی در تاریخ اسلام به نوعی بوده است که،

جامعه از حیث معنوی و حتی مادی مطابق موازین اسلام پیش رود، زیرا قوانین دین اسلام که دین خاتم و کاملترین ادیان الهی است، به گونه‌ای است که تضمین‌کننده پیشرفت و ارتقاء مادی و معنوی انسان‌ها می‌باشد.

تمدن اسلامی با نگرش توحیدی تمدنی است، ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال مادی و معنوی جامعه اسلامی سوق می‌دهد از این رو در تمدن اسلامی، مقصود تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود». (فرزانه و دیگران، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۸۰).

آندره میکل، تمدن اسلامی را این‌گونه توصیف می‌کند که؛ تمدن اسلامی بیش از همه تمدن‌ها به علم و دانش اهمیت داده و کهن‌ترین مدارس جهان را پدید آورده است و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آن‌ها میراث عظیم و تکامل یافته‌ای را تحویل بشریت داد. وی تمدن اسلامی را مجموعه‌ای از عقاید، افکار، علوم، هنرها و صنایع توصیف می‌کند که همه این‌ها از آموزه‌های دینی مسلمانان الهام گرفته شده است. این سخن نویسنده که عناصر تمدنی اسلام را منشعب از آموزه‌های دینی می‌داند در همه جوامع به فراخور دین و مکتب ارزشی آن جامعه، وجود دارد و به تناسب سطح این آموزه‌ها و در واقع آرمان‌ها و ارزشهای آن مکتب می‌تواند موتور پیشران آن جامعه باشد.

در بحث ایجاد تمدن نوین اسلامی، اهتمام به آرمانها و ارزشهای اسلام نیز اولین قدم برای ایجاد انقلاب اسلامی ایران بوده است و مهم‌ترین چیزی که موجب این تغییر و دگرگونی شد، خروش ملت در برابر بی‌توجهی به ارزشهای اسلامی از سوی حکومت بود. مقام معظم رهبری، انقلاب ۵۷ را انفجار در برابر نظام غلط طاغوتی توصیف می‌کنند که حکومت طاغوت، مغایر با ولایت الهی و در راس بودن موازین شریعت می‌باشد.

در هر تمدن انسانی برحسب اندیشه و مبانی خود ظرفیت خاصی وجود دارد که نمی‌توان

از آن تجاوز کرد و از آنجا که قرآن دارای اندیشه‌های متعالی و هماهنگ با فطرت بشری است، ظرفیت تمدن حاصل از این اندیشه، به وسعت تمام تاریخ بشریت تا فرجام این عالم و برپایی قیامت است زیرا دین اسلام دین کامل متناسب با آخرین ظرفیت‌های انسانی است و قرآن نیز به‌عنوان معجزه خاتم المرسلین صلوات الله و سلامه علیه نیز حاوی دستورات متناسب با نیازهای انسانی در همه ابعاد زندگی او می‌باشد و هرگز دچار زوال و سقوط نمی‌شود؛ چون فطرت‌ها تغییرناپذیر و دائمی‌اند: «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله» (روم: ۳۰) (بنی حسن، ۱۳۹۹، ص ۲۸)

پایه‌های تمدن اسلامی با توجه به معارف بلند قرآنی که مبتنی بر فطرت انسانی و نیازهای اوست و در نتیجه سعادت دنیوی و اخروی او را در پی دارد، بنا شده است لذا بایستی این معارف در مراکز معرفتی مانند حوزه‌های علمیه به زبان ساده و به صورت راهکارهای عملیاتی پرورانده شده و به جامعه ارائه شود. این امر در حوزه‌های علمیه به صورت پیگیر از زمان‌های قدیم وجود داشته است ولی با توجه به اهمیت وجود حاکمیت اسلامی در پیشبرد اهداف تمدنی اسلام، بعد از انقلاب اسلامی ایران ظرفیت زیادی از قدرت حوزه‌های علمیه که به صورت قوه بود، می‌تواند بالفعل شود و آثار خود را در مقدمه‌سازی تمدن نوین اسلامی به ظهور رساند.

۱.۳. تمدن‌سازی نوین اسلامی

با توجه به تجربه در خشان اسلام در تحول جامعه بدوی و فرهنگ جاهلیت عربستان عصر ظهور اسلام و تبدیل آن به پایگاه تمدن اسلامی، در عصر کنونی نیز اسلام قابلیت این امر را دارد که جوامع اسلامی را به اوج ترقی و فرهیختگی برساند.

رهبری معظم انقلاب، ثمره این انقلاب را محدود به تغییر نظام نمی‌دانند و در طی طرح چند مرحله‌ای؛ انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی و تحقق جامعه اسلامی، نقطه کمال این حرکت را در رسیدن به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور معصوم علیه السلام می‌دانند و هرگونه تخطی از این مسیر را مانعی برای رسیدن به هدف اصلی این

سیر معرفی می‌کنند؛ لذا تحقق جامعه اسلامی، می‌تواند به عنوان یک نمونه عملی از یک کشور مسلمان را به دنیا نشان بدهد و به دنبال آن بزرگ‌ترین تبلیغ برای دین اسلام صورت می‌گیرد؛ و با توجه به این‌که یک کشور مسلمان در سایه تعالیم اسلامی، بتواند سرآمد باشد، ملت‌های دیگر هم روانه مسیر او خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه عزت و مایه ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ و آن مدنیت اسلامی تحقق پیدا می‌کند؛ همانطور که در تمدن اسلامی در قرن چهارم و پنجم مسلمانان توانستند سرآمد باشند و بزرگانی از علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان در دنیای اسلام به وجود آمدند.

حوزه‌های علمیه اعم از حوزه‌های برادران و خواهران، می‌توانند به عنوان یک نهاد معرفتی می‌توانند نقش مهمی در ارتقاء جامعه در جهت اسلامی شدن داشته باشند و با اسلامی‌سازی عرصه‌های مختلف جامعه راه بروز دستورات عملی‌های پیشبرنده اسلام در جامعه را هموار سازند. زیرا لازمه عملیاتی شدن این دستورات در وهله اول شناخت اصل دین اسلام است. لذا همواره لازم است که فرد یا افرادی دین الهی را تبلیغ کنند و مردم را به سمت خدا و امور خیر و نیک دعوت کنند ﴿فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم﴾. (توبه، آیه ۱۲۲) و این اول وظیف و اولین قدم در حوزه‌های علمیه است.

۱.۴. نقش زن در تمدن‌سازی

از دیدگاه اسلام زن نیز مانند مرد در جامعه حق فعالیت دارد و جایگاه زن در اسلام و نگاه قرآن و احکام حجاب و نگاه و... حاکی از این امر است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل ۹۷) که این آیه شریفه حاکی از نگاه فرا جنسیتی قرآن به زن و مرد می‌باشد و همین نگاه است که از زن یک انسان کامل و سازنده جامعه انسانی معرفی می‌کند.

زن در کنار مرد، نقش مهم و حیاتی تربیت فرزند را بر عهده دارد و آثار این نقش آفرینی در محدوده خانه و خانواده منحصر نمی‌ماند بلکه تربیت یک انسان یا انسان‌هایی در بستر

خانواده تربیت اجتماع جامعه‌ای را که متشکل از این انسان‌ها است، پی‌ریزی می‌کند. نمونه‌های بسیاری از تربیت‌های خانوادگی افراد را می‌توان شاهد بود که با حضور فرزندان ایشان در جامعه نمود پیدا می‌کند. به‌طور مثال خانواده‌ای با زمینه تربیتی هنجار مدار و با تعامل خوب با یکدیگر، افرادی منضبط و اهل مدارا و قانون مدار به جامعه تحویل می‌دهد و عکس این مورد نیز متصور است. در یک نگاه کلی خمیر مایه فکری، روحی و جسمی آحاد جامعه انسانی از خانواده‌ها و به‌طور مستقیم از پدر و مادر و به خصوص مادران نشئت می‌گیرد.

مهم‌ترین نقشی که اسلام برعهده زن نهاده و زن با ایفای آن می‌تواند زیربنای ساخت یک تمدن نوین اسلامی را تضمین کند، نقش تربیتی است که در واژه مقدس مادر خلاصه می‌شود. این نقش در نهاد خانواده ایفا می‌شود که در کنار نقش‌هایی همچون همسری تعریف می‌شود. امام خمینی علیه السلام درباره این نقش زن فرمودند: «زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند.» (خاتمی نیا، ۱۳۹۳، ۱۳)

«زنان عنصری سازنده در جامعه که علاوه بر نقش‌های اجتماعی خود، وظیفه پرورش و تأثیر بر نسل‌ها را دارند تأثیر بسزایی بر جوامع خود می‌گذارند و حتی می‌توانند بر سیر تاریخی جامعه تأثیرگذار باشند و مسیر آن را تغییر دهند. نقش زنان در اسلام به خوبی مشخص شده است. وظیفه اصلی او پرورش نسل و وفاداری به همسر است. بین سبک زندگی و نقش زن در یک جامعه یک رابطه دوسویه برقرار است، گاهی نقش زن فقط محدود به داخل خانه می‌شود و زمانی هم بخشی از محیط کلان‌تر را شامل می‌شود و نقش‌های اجتماعی خارج از محیط خانه را بر عهده می‌گیرد.» (خاتمی نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۳)

انقلاب در تمامی ابعاد خود، از جمله حضور زنان در به ثمر رسیدن آن، در تحولات منطقه مؤثر بوده است. لذا زنان می‌توانند در کنار حضور موفق در خانه، با حضور در مراکز علمی مانند حوزه‌های علمیه نقش اساسی در عملی شدن محرهای اسناد بالادستی مانند

بیانیه گام دوم انقلاب جهت زمینه سازی تمدن نوین اسلامی داشته باشند.

- نقش حوزه های خواهران در تمدن سازی نوین اسلامی

هریک از عناصر جامعه می تواند نقش مهمی در عرصه تمدن سازی داشته باشند. یک تمدن با وجود و تأثیر همه واحدهای یک جامعه ایجاد می شود، زیرا یک تمدن شامل همه امور مادی، معنوی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه می شود بنابراین همه واحدهای آن شامل افراد، سازمان ها، ارگان ها، تشکل ها، مدارس، دانشگاه ها، حوزه های علمیه و... در تمدن سازی نقش آفرینی می کند. مقام معظم رهبری در رابطه با نقش آفرینی حوزه های علمیه در تمدن سازی نوین اسلامی می فرمایند: «امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای حقیقی به وجود بیاید، حوزه علمیه مسئولیتهای متناسب با این کار بزرگ را دارد، باید انجام بدهد. چه کار باید بکنید؟ باید بنشینید فکر کنید دیگر؛ اینها جزو آن موضوعات و مباحث فکری شما است.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار طلاب حوزه های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/42475/khl.ink/f/>)

«برای تشکیل هر جامعه ای، خواه جامعه لیبرال، اسلامی و یا جامعه سوسیالیستی به چهار پایه اساسی نیاز است. اولین پایه تشکیل هر جامعه باورهای آن جامعه است، باورهای مشترک که افراد هر جامعه ای در بین خود به آن اعتقاد دارند. یعنی همان که به آن جهان بینی گفته می شود.» (مددی، ۱۳۹۱، ص ۹۰)

همین جهان بینی که گاهی مادی و گاهی الهی است در وهله بعدی در بین اعضای جوامع یک سلسله باید و نبایدهایی را برای افراد آن جامعه ایجاد می کند که همگی خود را ملزم به رعایت آن می دانند و گاهی برای برآوردن آن ممکن است راه خود را حتی تا پای جان ادامه دهند که به این امور ارزشها گفته می شود.

«پایه دوم تشکیل جامعه، ارزشهاست؛ ارزشها اعم از ارزشهای سیاسی، اقتصادی،

اخلاقی، فرهنگی و دینی، به معنای نظام‌آید تئولوژیکی حاکم بر جامعه است.» (مددی، ۱۳۹۱، ص ۹۰)

«علاوه بر ارزشهای یک جامعه، اصول دیگری در کنار این ارزشها وجود دارد که به آنها ترجیحات رفتاری یا سبک زندگی افراد آن جامعه گفته می‌شود.» (مددی، ۱۳۹۱، ص ۹۱) که سمت و سوی حرکت افراد یک جامعه را در زندگی جهت دهی می‌کند. و این اصول پایه سوم از ارکان یک جامعه را تشکیل می‌دهد. زمانی که باورها و ارزشها و ترجیحات رفتاری خاصی در بین جمعیتی در یک جغرافیای خاص شکل گرفت، نیاز دیگری برای پایداری این امور و اجرایی شدن آنها ایجاد می‌شود که آن، نیاز به ارگانها و یا نهادهایی است که بتواند ارزشهای موجود بین این جمعیت را حفظ و عملی کند و این نهادها پایه چهارم و ضروری برای حفظ اهداف و آرمانهای یک جامعه می‌باشند و با در کنار هم قرار گرفتن این چهار اصل مهم، یک جامعه شکل می‌گیرد. در غیر این صورت صرفاً به اجتماع افراد در یک زمان و یک جغرافیا، جامعه اطلاق نمی‌شود.

حوزه‌های علمیه خواهران به عنوان یک نهاد علمی، فرهنگی و دینی می‌تواند، تأثیر مهمی در تمدن‌سازی نوین اسلامی داشته باشد، چرا که در وهله اول می‌تواند نیروهای قوی و مفید را در ابعاد علمی - فرهنگی تربیت کند و در مرحله بعد آثار و عملکرد نیروهای خود را در عرصه تبلیغ دین اسلام و جامعه‌سازی اسلامی به ظهور برساند. بنابراین نقش آفرینی حوزه‌های علمیه خواهران در دو بعد می‌باشد که عبارتست از بخش درون حوزوی و بخش برون حوزوی که هر یک دارای زوایای مختلفی است که، بررسی خواهد شد.

۲. نقش درون حوزوی

فراگیری دانش، یکی از ضروری‌ترین اموری است که در دین اسلام به آن توصیه شده است و این ضرورت برای زنان و مردان یکسان است.

در دوران پیش از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، اکثر زنان تحصیل کرده در قشر مرفه و به اصطلاح روشنفکر دیده می‌شدند که گرایشات غربی داشتند و عمده دختران و زنان

ایرانی، از تحصیلات عالی محروم بودند و تنها تعداد محدودی با تحمل سختی‌ها و شرایط خاص می‌توانستند، ادامه تحصیل بدهند.

البته در طول تاریخ و به‌ویژه در بیوت عالمان دینی، دختران آگاه و با فضیلتی بودند که برخی علوم رایج حوزه‌های علمی را از پدران دانشمند خود فرا گرفتند که نام و عدد آن‌ها در تاریخ ما ثبت است.

میل به علم آموزی در میان زنان مانند مردان نوعی نیاز فطری برخاسته از کمال جویی انسان است و این‌که انسان‌ها همواره به دنبال یافته‌های جدید هستند و ریشه بسیاری از ناکامی‌های خود را در جهالت می‌دانند، بهره‌مندی از آموزه‌های اسلامی نیازمند افراد متخصصی است که از حوزه‌های علمیه برخاسته باشند.

«در میان شیعیان تحصیل علوم دینی میان زنان به صورت منفرد و پراکنده بود.»

۱.۱. پیشرفت علمی و اسلامی‌سازی علوم انسانی در عرصه پژوهش

اولین قدم در نقش آفرینی حوزه‌های علمیه خواهران در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی، ایجاد پایه‌های محکم علمی از سوی حوزه‌های علمیه است که این امر با کمک عنصر پژوهش و تلاش پژوهشگران در جهت اسلامی‌سازی علوم روز و در قالب تدوین متون برجسته علمی و متون درسی در مراکز علمی اعم از حوزه و دانشگاه قابل دسترسی می‌باشد.

عنصر پژوهش در نگاه کلان امری است که، بسیاری از امور آموزشی و فرهنگی - تبلیغی را در زیر مجموعه خود دارد و پشتیبانی می‌کند ولی در سازمان مدرسه‌ای حوزه‌های خواهران، در وهله اول مکمل آموزش است. به عبارت دیگر پژوهش فرصتی فراهم می‌آورد که طلاب آنچه را که در طول برنامه‌های آموزشی به دلیل محدودیت‌های قابل پیش‌بینی دریافت نکرده‌اند، از طریق پژوهش کسب نمایند. ولی این امر بسیار واضح است که در راس قرار داشتن امر پژوهش می‌تواند موجب غنای آموزش و رسالت فرهنگی حوزه‌های علمیه باشد چرا که، با پژوهش در عرصه‌های مختلف می‌توان زوایای جدید و عمیقی از علوم اسلامی را به روی اندیشمندان جوامع اسلامی گشود و این امر قدمی مهمی در

جامعه‌سازی اسلامی محسوب می‌شود چرا که بنیان‌های فکری جامعه اسلامی را همین معارف برخاسته از علوم اسلامی پی‌ریزی می‌کند.

مقام معظم رهبری درباره اهمیت امر دانش می‌فرمایند:

دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. یکی از مسئولیت‌های خاص حوزه‌های خواهران، پاسخگویی به مباحث زنان است. مواردی شامل؛ تربیت فرزند، اشتغال زن، جایگاه زن در جامعه و البته امور فقهی مربوط به زنان و... همه از عرصه‌هایی است که، زنان مجتهد و پژوهشگر بایستی در این علوم به تحقیق بپردازند و با تطبیق علوم روز با منابع اصیل اسلام شامل کتاب، سنت، عقل و اجماع کاشف از قول معصوم در سه شاخه فقه، عقاید و اخلاق، به اسلامی‌سازی این علوم بپردازند و دستورات اسلامی را در قالب نو در متون علمی در اختیار جوامع انسانی قرار دهند.

اسلامی‌سازی علوم در وهله اول شامل مجموعه‌ای از علوم است که از آن به‌عنوان علوم انسانی یاد می‌شود و این امر مسئولیتی است که برعهده مراکز علمی و پژوهشگران علی‌الخصوص در حوزه‌های علمیه می‌باشد و پژوهش در حیطه مسائل و نیازمندی‌های زنان امری که به‌طور خاص بر عهده حوزه‌های علمیه بانوان می‌باشد. و این علوم انسانی عبارتست از؛ «همه علمی که در عرصه‌های مختلف فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی، تاریخی، تربیتی و آموزشی به توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، و تقویت، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی می‌پردازند، جزو علوم انسانی به‌شمار می‌آیند. براین اساس مصادیق علوم انسانی مختلف و متنوع هستند و نمی‌توان به‌طور خاص مصادیق معین و محدودی را نام برد و چه بسا بعدها علمی مطرح شوند که امروز وجود ندارند، ولی در تعریف فوق بگنجانند.» (ابوطالبی، ۱۳۹۶، ص ۹۷ تا ۱۲۴)

با توجه به گستردگی دایره علوم انسانی و رشد جوامع و همچنین رشد سریع در عرصه

ارتباطات نیاز است که حوزه های علمیه در راستای ایجاد پایه های تمدن اسلامی، با اسلامی سازی علوم روز دنیا به ویژه در حیطه علوم انسانی، از سیر پیشرفت های علمی و تمدنی دنیا عقب نماند. همان گونه که اروپایی ها در طول چهار، پنج قرن توانستند از دانش و فلسفه مسلمین برای ایجاد یک تمدن جدید بهره ببرند هرچند این تمدن مادی بود و با این که ظاهر پرزرق و برقی داشت، اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت چرا که برای رسیدن به این تمدن به سمت غارت ثروت ملت ها و استعمار رفتند و این تمدن مادی نه تنها نتوانست عدالت را برقرار کند بلکه ضد عدالت بود و موجب اسارت و فقر و تحقیر ملت ها گردید. اما با استفاده از دانش و فناوری و تجربه این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. در این زمینه مقام معظم رهبری می فرمایند:

امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ (۱) امروز نوبت مسلمین است که با همّت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده ریزی کنند. همچنان که اروپایی ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده میکنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده میکنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویّت. این وظیفه امروز ما است. (۱۳۹۴/۱۰/۰۸، <https://farsi.khamenei.ir>)

۲.۱ تربیت طلاب مهذب و توانمند به عنوان نیروی پیشران تمدن سازی نوین اسلامی و

توجه به نخبگان

روشن است که نیازهایی در طول زمان، باعث پیدایش حوزه های علمیه خواهران شده است و البته این نیازها در سطوح متفاوت و مختلفی قرار دارند. یکی از نیازها که در رأس قرار دارد اجتهاد یا همان نیروی پویای پژوهشگرانه افراد به طور تخصصی است که علاوه بر پاسخگویی درست به نیازهای جامعه، موجب پیشرفت و پویایی علم می شود. البته وجود مردان مجتهد در بسیاری از موارد این نیاز را برآورده می سازد ولی با وجود دسته عظیمی از احکام اسلامی مربوط به زنان، وجود زنان خبره و فقیه، توان مسئله شناسی های فقه زنان را

افزایش می‌دهد. از سوی دیگر احکام اسلامی منحصر در فقه نیست و قدرت اجتهادی یک بانوی فقیه در فهم مسائل اسلامی، در حوزه اخلاق و عقاید نیز به گسترش این علوم در جامعه زنان، تاثیرمستقیمی بر افزایش سطح علم و آگاهی دینی جامعه دارد چراکه زنان خود نیمی از جامعه هستند و تربیت نیم دیگر را نیز برعهده دارند. «وجود اسلام‌شناسان متخصصی از میان زنان، راه را بر اظهار نظرهای ناصواب و تفاسیر نابجا از مفاهیم اسلامی، به ویژه در محافل زنانه سدّ می‌نماید.

حوزه‌های علمیه می‌تواند بستری برای تربیت طلاب مهذب و توانمند باشد تا بتوانند پاسخگوی مسائل زنان جامعه باشند. زیرا بعلت ارتباط بیشتر با جامعه مخاطب زن و همچنین شناخت بیشتر از نیازمندیهای ایشان، زنان طلبه متخصص در حوزه دین می‌توانند تعامل بیشتر و اثرگذار در بین زنان جامعه اسلامی داشته باشند. گام اول انقلاب با این رویکرد توانسته است به تربیت این نیروهای متخصص بپردازد که استفاده از این تربیت شدگان و نخبگان تأثیر به سزایی در روند اسلامی‌سازی جامعه خواهد داشت. تربیت زنان عالمه و اهمیت به نخبه‌پروری از محورهای مورد تأکید در بیانات رهبری انقلاب می‌باشد، مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل‌کرده و خوش‌فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه افتخار است. تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش‌فکر یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه میکنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتاب‌ها - نوشته‌های بانوان ما است، که این واقعاً مایه افتخار است. در تاریخ ما بی سابقه است؛ ما دوره‌های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این همه انسان برجسته در زمینه‌های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی -

نداشتیم. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور،
//khl.ink/f/ https: ۲۶۱۵۵//farsi.khamenei.ir https: ۱۳۹۳/۱/۳۰

تربیت طلاب عالمه و البته متخلق به اخلاق حسنه یک بانوی مسلمان، یکی از ابتدایی‌ترین اهداف حوزه‌های علمیه خواهران است. باتوجه به مسائل کنونی جهانی، شامل مشکلات اقتصادی، سیاسی و ایجاد انحرافات فکری و عقیدتی و تزلزل موجود در جایگاه زن و خانواده، وجود یک نمونه عملی از زن در شرایط کنونی و البته با حفظ شئون زن و خانواده به عنوان عنصر فعالی در اجتماع، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. وجود زنان تحصیل کرده و متخصص به خصوص در عرصه دین می‌تواند الگوی عملی یک زن در جامعه اسلامی را برای دنیا به تصویر کشیده و از طرفی تربیت‌کننده جوامع اسلامی تا ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد. «امروز زن مسلمان در کشور ایران، یک موجود سرافراز و عزتمند است. هزاران وسیله تبلیغی، بمباران خبری می‌کنند برای این‌که این واقعیت را واژگون جلوه بدهند؛ اما حقیقت این است. امروز مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین زنان ما، زنان تحصیلکرده ما هستند. امروز زنان ما، زنان تحصیلکرده ما، زنان جوان ما در پیچیده‌ترین آزمایشگاهها و مراکز علمی تجربی و انسانی حضور دارند و فعالند. فعالترین زنان ما در زمینه سیاسی، در زمینه علمی، در زمینه مدیریتهای اجتماعی، زنان مؤمن و انقلابی ما هستند؛ دارای تحصیلات خوب، دارای اندیشه عمیق».

(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱، https: ۲۰۳۸۸//farsi.khamenei.ir https: //khl.ink/f/

۲.۲ نقش برون حوزوی

۲.۱ - ۲ عرصه خانواده و تربیت فرزندان و نسل آینده جامعه اسلامی و ارائه نمونه عملی

سبک زندگی اسلامی

یکی از عواملی که در ساختن جامعه اسلامی و در ادامه آن تمدن‌سازی نوین اسلامی مؤثر است، خانواده است. ازاین‌رو بیشترین حجمه‌های فرهنگی برای مقابله با آرمان‌های

اسلامی بر روی این نهاد و به قصد متزلزل کردن آن صورت می‌گیرد و حفظ این نهاد وظیفه تک تک آحاد جامعه و بالاخص زنان جامعه می‌باشد. تربیت فرزندان و مدیریت خانواده و به‌طور کلی خانه‌داری و خانواده‌داری، اموری هستند که زنان نقش مهمی در انجام آن ایفا می‌کنند و البته این تأثیرگذاری در کنار نقش مرد، به‌عنوان همسر و پدر خانواده به کمال می‌رسد. نقش آفرینی زنان در عرصه تربیت، نیاز به عواملی ذاتی و اکتسابی دارد، زنان به‌طور فطری به گونه‌ای خلق شده‌اند که محور مهرورزی و عطوفت در خانواده هستند و محبت مادرانه در وجود زن موجب رشد و نمو فرزندان و سلامت جسمی و روحی آنان می‌گردد. در کنار عوامل ذاتی که در فطرت زن وجود دارد عواملی نیاز است تا زن بتواند در کنار سلامت جسمی و آرامش روانی آن‌ها به پرورش روح و آداب و اخلاق فرزندان بپردازد که این عوامل اکتسابی و نیاز به فراگیری دارد. علم مرتبط با تربیت انسان، علم تربیت است که از آن می‌توان به‌عنوان علم دگرسازی نیز نام برد و ارکان و اصول تربیت اسلامی نیازمند فراگیری معارف قرآن و سنت است که بانوان می‌توانند در حوزه‌های علمیه به فراگیری این علوم بپردازند و با فراگیری محورهای تربیت اسلامی، آن را در خانواده عملی کنند. و بانوان طلبه با وجود زمینه علم آموزی در این عرصه می‌توانند الگوی تربیت اسلامی را به‌طور کاربردی در زندگی خویش و در تربیت فرزندان به کار گیرند. و به نوعی سبک زندگی اسلامی را برای زنان دیگر جوامع به تصویر بکشند. زیرا الگوی اسلامی تربیت در همه عرصه‌های زندگی یک شخص شامل امور مادی، معنوی، فردی، اجتماعی و همه دوران زندگی می‌باشد.

«سبک زندگی مجموعه رفتارهایی است که فرد از آن‌ها برای برآورده کردن نیازهای روزمره

خود و نیز برای هویت بخشی به خود انتخاب می‌کند.» (خاتمی نیا، ۱۳۹۳، ۱۳)

بنابراین وقتی از اسلام و قوانین اسلام سخن به میان می‌آید، باید دستور العمل‌های اسلام درباره متن زندگی از جمله دستورات تربیتی آن نیز در زندگی وارد شود که این امر مستلزم آشنایی با دستورات اسلام و علوم و فنون تربیتی روز می‌باشد که یک زن طلبه می‌تواند با فراگیری علم دین و علم روز به تلفیقی مفید از سبک تربیت اسلامی را در خانواده خود

عملی سازد. و از این طریق بتواند به عنوان یک مادر نسلی مفیدی برای جامعه اسلامی ارائه دهد و در دایره وسیعتر نوعی سبک زندگی و خانواده داری اسلامی را عملی کند و الگوی عملی برای زنان جامعه خود باشد.

۲.۲-۲. عرصه تبلیغ

تبلیغ از بهترین ابزار ترویج و گسترش است که در مادی و معنوی به کار گرفته می شود. همه ادیان و مکاتب اعم از حق یا ناحق به وسیله تبلیغ می توانند به ترویج مبانی خود بپردازند و البته افرادی را به سلک و روش خود در آورند. به گفته مقام معظم رهبری باید عمده تبلیغ در جهت خاضع کردن دلها در مقابل اراده الهی و تسلیم در مقابل خدای متعال باشد. این، مهم ترین کار است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir> ۱۳۷۲/۱۱/۱۷)

از بهترین روش های تبلیغ که آثار روانشناختی موثرتر و سریعتری را دارد، روش تبلیغ چهره به چهره است که از بهترین و از طرفی ابتدائی ترین روش های تبلیغ می باشد. با توجه به نیاز جامعه در مسائل مختلف مربوط به حوزه دین و مسائل زنان، ضرورت وجود زنان متبحر در علم دین و علوم روز و از طرفی ماهر در فن تبلیغ، غیرقابل انکار است.

از جمله محورهایی که حوزه های خواهران با توجه به جایگاه علمی - تبلیغی خود و متناسب با مسئولیت خود می توانند در ساختن جامعه اسلامی و زمینه سازی برای تمدن نوین اسلامی می توانند تأثیر گذار باشند، عبارتست از؛

الف) ترویج همبستگی در بین آحاد مردم

ایجاد یک تمدن امری است که به عزم جمعی همه عناصر جامعه بستگی دارد و این امر نیازمند یک جریان سازی جهت همبستگی جمعی در جهت نیل به سوی تمدن سازی نوین اسلامی می باشد. مقام معظم رهبری در تبیین این که افراد جامعه باید یک عزم جمعی برای تمدن سازی داشته باشند می فرمایند؛ «باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به این که اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی

هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/32587>)

«دورکیم مفهوم همبستگی اجتماعی را به صورت شفاف در بستر تحلیلی تقسیم کار اجتماعی به کار برد. وی برای رسیدن به تحلیل فکری مورد نظر خود از مفهوم صنف آغاز و سیر تغییر و دگرگونی‌های اصناف را پی گرفت. وی معتقد است که اصناف در فرایند صنعتی شدن می‌بایست خصلت‌های بومی و محله‌ای خود را از دست داده، به اصناف ملی تبدیل شوند تا بتوانند کارآیی لازم را داشته باشند و نظام تقسیم کار سنتی را به تقسیم کار پیچیده تبدیل سازند. زمانی که اصناف از حالت ملی و منطقه‌ای خارج شوند، خواهند توانست جامعه را از حالت مجمع‌الجزایر و نواحی جدا از هم، خارج و یکپارچه سازند.» (حسامی، ص ۳۳، ۱۳۹۰)

دین اسلام در موضوع همبستگی اجتماعی پا را از همبستگی در ساختار قرارداد اجتماعی فراتر گذاشته و انسان‌ها را در هر دین و زبان و قومیتی با واژه امت واحده تلقی کرده است. خداوند در قرآن کریم در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...﴾ (بقره، ۲۱۳) به این معنا که مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت.)،

خداوند بعد از این‌که؛ مردم را در آغاز امت واحده معرفی می‌کند، در ادامه آیه بعثت انبیا، ارسال رسل، حکم بر اساس کتب آسمانی در موارد اختلاف بین مردم و هدایت مردم در موارد دوری از حق را عامل بازگشت به امت واحده معرفی می‌کند.

عزم جمعی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی، نیاز به همبستگی اجتماعی در بین افراد جوامع اسلامی دارد و حوزه‌های خواهران با ابزار تبلیغ می‌توانند بهترین عامل در گسترش مفاهیم ارزشمند اسلام و زودن اختلافات باشند تا در راستای وحدت ایجاد شده زمینه تمدن‌سازی نوین اسلامی باشند.

ب) زنده کردن هویت مستقل زن مسلمان با توجه به الگوهای طراز اسلامی

اسلام در زمانی ظهور کرد که زنان در جوامع انسانی جایگاهی ابزاری در زندگی مردان داشتند و این مسئله در جامعه بدوی آن زمان که در قرآن با عنوان جاهلیت اولی نام برده می شود، به مراتب شدیدتر بود و حیات دختران به دست پدرانشان در بدو تولد خاتمه می یافت و در صورتی که کسی ننگ داشتن دختر را تحمل می کرد، با وی به عنوان اسیر و ابزار در دست مردان برخورد می شد.

با آمدن اسلام، جایگاه زن آن چنان رفعت یافت در قرآن و روایات بر جایگاه زنان و حقوق ایشان تأکید فراوان شده است. نگاه فاخر اسلام به زن و وجود الگوهای بزرگی همانند فاطمه زهرا موجب شد تا زنان به کسب مقامات عالی بپردازند و با حضور در عرصه های مختلف در جامعه اسلامی صدر اسلام نقش آفرینی کنند.

وضعیت جهان به گونه ای است که، جاهلیت جدیدی در مورد زنان آغاز شده است. در جاهلیت مدرن، به زنان با نوعی فریب و به قصد خدشه وارد کردن به شأن او نگاه می شود. با توجه به مسئولیت حوزه های خواهران درباره مسائل زنان، بایستی در عرصه تبلیغ طلاب دو محور مورد نظر رهبری انقلاب، در مورد آسیب شناسی و درمان نگاه غلط دنیا به مسئله زن مورد توجه قرار بگیرد.

بدفهمی نسبت به مسئله خانواده و بد عمل کردن در رفتارهای داخل خانواده

مقام معظم رهبری معتقدند امروز بحران آب و هوا، بحران آب و بحران انرژی و... به عنوان مسائل اصلی بشریت مطرح می شود در صورتی که مسائل اصلی بشریت مسائلی است که با معنویت انسان و با اخلاق انسان و برفتار اجتماعی انسان ها با یکدیگر مرتبط است که یکی از مهم ترین آن ها بحران زن (مسئله زن و مرد، جایگاه زن، مسئله زن و شان زن در جامعه) می باشد ولی چون برخلاف راهبردهای اصلی غرب هست اصلا آن را مطرح نمی کنند.

مسئله بحران زن که از غرب شروع شده و به کشورهای دیگر از جمله جوامع اسلامی

سرازیر شده خیلی قدیمی و ریشه دار نبوده و نیازمند کار فکری مستمر و جدی است تا در میان مدت یا بلند مدت حل شود. (امام خامنه‌ای، دیدار با جمعی از بانوان نخبه،

۱۳۹۵/۵/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/33912>

روشن ساختن نگاه غلط دنیا در مسئله زن برای زنان جامعه در صورتی مثمر ثمر خواهد بود که در کنار آن به معرفی الگوهای عملی از زن مسلمان پرداخته شود.

تاریخ اسلام حاکی از حضور درخشان زنان در صدر اسلام بوده است. از جمله ایشان حضور پر قدرت حضرت خدیجه کبری علیها السلام در پشتیبانی اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی از دین اسلام است. ایشان اولین نمونه بارز از جایگاه اثر گذار یک زن را به جهان معرفی کردند. و در ادامه راه ایشان زنانی مانند سمیه همسر یاسر را می‌بینیم که با ایمان علنی خود در برابر طاغوت زمان ایستاده و به شهادت رسید. در آغاز نهضت جهانی و انسان ساز اسلام که خواهان نجات انسان از تاریکی ظلم و جهالت است، زنان در سنگر علم و تربیت و پشتیبانی از جبهه‌های جهاد پا به میدان گذاشتند و فاطمه زهرا (علیها السلام) ستاره درخشان در این میدان است که به خوبی الگویی برای زنان و همه انسان‌ها ارائه کردند.

در ادامه این جریان نیز رسالت امام گونه حضرت زینب علیها السلام گویای این امر است که یک زن می‌تواند پیامبر امام زمان خود بوده و در ادامه قیام عظیم عاشورا روشنگر چهره واقعی حق از باطل برای همه اعصار باشد.

سیره این بانوان بزرگ به عنوان یک تفکر و مکتب در بین بانوان جهان اسلام تاکنون مطرح بوده است که نتایج آن در حضور زنان در عرصه انقلاب ایران و ۸ سال دفاع مقدس به خوبی به عرصه ظهور رسید. در واقع زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی با معرفت، بصیرت و اراده مستمر نقش آفرینی نماید همان‌گونه که زنان مسلمان ایرانی توانستند در صحنه‌های پیروزی انقلاب اسلامی و بحران‌های امنیت داخلی مثل کردستان و حماسه هشت سال دفاع مقدس حضوری همه‌جانبه و موثر داشته باشند رسالت خود را به نحو احسن انجام دهند. (رک؛ الیاسی، نقش و کارکرد زنان در بحران، ۱۳۸۳)

زنان طلبه بایستی هویت والای زن مسلمان را به گونه ای مطرح کنند که در زنان جامعه تحولی را برای میل به الگوگیری از زنان شاخص در اسلام ایجاد کنند و در برابر هجم عظیم تبلیغی رسانه ای، مانع از الگوگیری های نادرست شوند.

مقام معظم رهبری هویت و الگوی واقعی زن را این گونه تبیین می کنند که زن در عین این که باید هویت و خصوصیات زنانه خود را حفظ کند و در ایجاد آرامش و سکونت در داخل خانواده تلاش نماید همزمان باید بتواند در میدان ارزش های معنوی و در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی فعال باشد. ایشان در این زمینه می فرمایند: "... هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش های دشمن باید روز به روز پیشرفت کند." <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3024>

بنابراین هویت واقعی زن، در هیچ کدام از زن از جامعه و در پرده بودن همیشگی و یا حضور بی حد و بی قاعده زنان در جامعه و به اصطلاح آزاد، نمی باشد بلکه حضور انسانی زن و مطابق با شأن او است که موجب شکوفایی استعداد های انسانی او می باشد. تمدن اسلامی آرمانی است که با نقش آفرینی همه آحاد جامعه به خصوص زنان، قابل دسترسی است و تبیین جایگاه زنان و ارائه الگوهای عملی مناسب، جامعه زنان را در سیر به سوی تحقق تمدن سازی نوین اسلامی پیش می برد.

ج) ترویج سبک زندگی اسلامی

یکی از محور های بیانیه گام دوم که از سوی رهبری انقلاب طرح شده است در کنار محور های علم و پژوهش، اخلاق و معنویت، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن مسئله سبک زندگی اسلامی است.

سبک زندگی اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت آثار عملی تمدن نوین اسلامی بایستی در سبک زندگی مردم جامعه دیده شود. شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است؛ عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند.

با توجه جهان‌شمول بودن اسلام و از طرفی جامع و کامل بودن مبانی و آموزه‌های اسلامی، مفاهیم دینی برخاسته از آن در همه عرصه‌های فقهی، اعتقادی، اخلاقی و عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و البته تربیتی کاربرد دارد و ترویج آن‌ها موجب اسلامی‌سازی سیره زندگی افراد جامعه و اسلامی‌آن می‌شود و این همان سبک زندگی اسلامی است که یکی از گام‌های مهم در ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد

محقق کردن حقایق اسلامی در متن زندگی و اقامه این امور تنها به انجام وظیفه فردی محدود نمی‌شود بلکه با توجه به بیانات معظم له این حقایق بایستی در بطن جامعه عمل شود و تبدیل به سبک و سیره زندگی افراد جامعه باشد که این امر فقط با ترویج و تبلیغ مداوم مبانی و همراه با آموزش صحیح آن صورت می‌گیرد.

روشن است که، خانواده کوچکترین واحد جامعه است اما اهمیت بسیار زیادی دارد و تأمین سعادت جامعه درگرو خوب پرورش یافتن افراد در خانواده است.

از آنجاکه حوزه‌های علمیه انسان پرور هستند، رشد شاکله وجودی انسان‌ها که در سایه تربیت و اخلاق، هدف اصلی در حوزه‌های علمیه است. و حوزه‌های علمیه بستری برای تربیت، آموزش، تعلیم و تعلم نسل سالم و صالح است. زیرا پرورش نسل به دست مادران صالح و سالم محقق می‌شود هر چند برنامه‌ریزی تربیتی حوزه جنسیت ندارد و به همان اندازه که زنان سهیم هستند، مردان نیز سهم دارند اما مادران به دلیل احساسات و اثربخشی بیشتر مد نظر هستند.

در حوزه‌های علمیه خواهران بایستی مبلغینی تربیت شوند که با شناخت سبک زندگی

اسلامی، آموزه های تربیتی آن را برای مادران جامعه تبیین و از طرفی ایشان را در برابر آسیب های سبک زندگی غربی که خانواده ها را هدف قرار می دهد، آگاه سازند. تا با این زیر ساخت های قوی پایه های انسانی تمدن اسلامی بنیان نهاده شود.

۲.۳-۲. جهانی سازی مفاهیم تمدن اسلامی در مراسم حج

فلسفه وجود عبادات اجتماعی به خصوص حج، با مشاهد و مناسک و شعائر خود، ایجاد روح وحدت و ایجاد نمادی از قدرت اسلام و از طرفی ایجاد یک امت واحده نوین است. قرآن از همه انسان ها با توجه به فطرت انسانی با عنوان امت واحده یاد می کند و می فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ (بقره، ۲۱۳) بنابراین وجود حج یادآور امت واحده بودن انسان ها و یادآور پیام فطرت می باشد که مسلمانان را در عزم واحد بودن راسخ می کند و برای پیروان سایر ادیان این ندای فطرت را یادآوری می کند.

با توجه به بیانات رهبری معظم انقلاب، پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می یابد. (امام خامنه ای، پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۰/۳/۲۶، <https://khl.ink/f/> <https://farsi.khamenei.ir/> ۲۴۶۴)

با توجه به جایگاه اجتماعی بزرگی که برای فریضه حج در دین اسلام در نظر گرفته شده است و در قرآن از خانه کعبه به عنوان برکت و مایه هدایت یاد شده است ﴿إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي لَبَّىٰ بِبَيْتِكَ مُبَارِكًا وَهُدًىٰ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران، ۹۶)، کسانی که رسالت تبلیغ در مراسم حج را عهده دار می باشند نیز دارای مسئولیت سنگینی خواهند بود و بخش عمده ای از این مسئولیت بر دوش علما و طلاب حوزه های علمیه اعم از برادران و خواهران می باشد. امام خمینی (قدس سره)، حج کانون معارف الهی معرفی می نمایند و گشودن گنجینه این معارف و ابلاغ آن در موسم حج را، از وظایف عالمان و آگاهان دین می دانند. لذا استفاده از فرصت عظیم حج که به نوعی بزرگترین همایش جهانی است مستلزم علم به مبانی دینی، آگاهی از مسائل روز و استفاده از ابزار و زبان روز است.

فریضه حج کامل ترین نمونه اعمال عبادی دین مبین اسلام است، لذا تبلیغ دین اسلام

محمدی (صلی الله علیه و آله) در کنگره عظیم حج، شاید یکی از اهداف بزرگ برگزاری این آیین الهی باشد تا رفته رفته با تبیین اسلام ناب در این گردهمایی عظیم، اصول اساسی اسلام هرچه بیشتر روشن گردد. ارکان ارزشی اسلام بایستی در یک مراسم سالانه در بین نمایندگان از آحاد امت اسلام و به عبارتی کل دنیا، یادآوری شود. لذا حضور افراد عالم در عرصه آموزش و تبلیغ مبانی اسلام راستین، می‌تواند زمینه خوبی برای گسترش دیدگاه مترقی و جهان‌شمول آن باشد. زیرا در صورت عدم حضور عناصر علمی و ماهر این بستر می‌تواند زمینه‌ای برای تبلیغ دیدگاه‌های سلیقه‌ای به اسلام باشد.

به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حج یک فریضه استثنائی است. در حج مجموعه‌ای از ارزشهای اسلامی جمع شده است که در هیچ واجب دیگری، در هیچ فریضه دیگری این همه خصوصیت از خصوصیات مورد تمجید اسلام، وجود ندارد. در واقع حج یک نمودار کوچکی از جامعه اسلامی برتر و در واقع یک نمونه‌ای از آن چیزی است که ما در تمدن اسلامی، مورد نظر داریم؛ تمدن اسلامی، این را باید به بشریت اهدا کند. در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی [است]؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است. (امام خامنه‌ای، دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۴/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/>)

ایجاد نگرش صحیح به اسلام در زمان برگزاری حج در طول سالیان می‌تواند موجب مطالبه‌گری افراد جوامع اسلامی از حکام خویش شود و در روند انتخاب دولتمردان مؤثر واقع شود و نهایتاً به تشکیل دولتها و جوامع اسلامی بیانجامد تا دنیا در نتیجه این خیزش‌ها و تحولات شاهد تشکیل تمدن نوین اسلامی باشد.

ضرورت وجود مبلغین حوزه‌های علمیه برادران و خواهران در جایی به خوبی روشن است که در غالب کشورهای اسلامی تفکر سکولار یا همان جدایی دین از سیاست حاکم است و از طرفی حکومت مجری آیین حج، خود نیز از عوامل ایجاد نگاه تحجرآمیز به اسلام است. آندره میکل نویسنده کتاب اسلام و تمدن اسلامی، تبلیغات وهابیت را چیزی جز در

محدوده مذهبی خودشان نمی‌داند و تأکید دارد که اسلام مورد تبلیغ ایشان هیچ ویژگی انقلابی ندارد و بیشتر اسلام را در اختیار حاکمان و علما را در نقش عالمان درباری تعریف می‌کند. و این در صورتی است که، در اسلام راستین - که مطابق با موازین کتاب و سنت است - معیار ارزشمندی افراد به تقواست و ولایتی غیر از ولایت الله پذیرفته نیست. بنابراین تبعیت از حکام طاغوت مطرود می‌باشد زیرا این نوع حکومت مانع از تعالی جامعه اسلامی می‌باشد در نتیجه این حکومت اسلامی است که می‌تواند قوانین اسلامی را در جامعه اجرا کند. و این مبانی اساسی است که بایستی در متن فریضه حج در کنار احکام و اعمال وارد شده تبلیغ گردد. (میکل، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰)

امروزه تبلیغ مبانی اسلام اصیل در دایره جهانی، امری که تنها با وجود فریضه حج امکان‌پذیر است چرا که موسم حج زمانی است مسلمانان فارغ از همه ملیت و قومیت‌ها و تا حدودی آزاد از فشار حکومت‌ها و رسانه‌ها در یک جا حضور دارند و مناسک حج را به جا می‌آورند و این حرکت جمعی می‌تواند به همبستگی و وحدت امت اسلام و زمینه‌سازی برای تمدن‌سازی اسلامی منجر شود چرا که بنا به فرموده مقام معظم رهبری؛ استکبار جهانی و استعمار، از یکی دو قرن پیش، مصلحت خود را در این دانست که بین ملت‌های مسلمان اختلاف بیندازد. و از این طریق آن‌ها را در جهات دینی و ملی استحاله کنند و از این طریق بر ایشان مسلط شوند.

۳. حضور فعال در فضای مجازی

یکی از اموری که انسان امروزی در تعامل پیچیده با آن قرار گرفته، فضای مجازی است. پایه جامعه انسانی بر ارتباط بنا گذارده شده و نیاز به انس و ارتباط با دیگران، در نهاد انسان بوده است، از طرفی انسان موجودی متفکر و دارای قدرت تعقل است و می‌تواند آثار فکر و تعقل خود را از طریق نطق و سخن گفتن آشکار کند.

با اختراع کامپیوتر و بدنبال آن ایجاد شبکه‌های کامپیوتری که از آن تعبیر به اینترنت می‌شود دامنه گستردگی روابط انسان‌ها از جهات مختلفی رو به پیشرفت گذارد. از جمله این

جهات می‌توانیم به پیشرفت در ابعاد این روابط اشاره کنیم که شامل ارتباط تصویری، صوتی و مکاتبه‌ای می‌باشد که همه از طریق رایانه‌ها و فضای مجازی قابل دسترسی است. اما جهت دوم این پیشرفت گستردگی دامنه این روابط است به این تعبیر که در روابط از طریق رایانه‌ها مرزهای جغرافیایی برداشته شده و محدودیتی از حیث مکان یا تعداد افراد مخاطب مفروض نیست و جهت سوم از لحاظ سرعت ارتباط‌گیری در فضای مجازی است که افراد بدون داشتن محدودیت بازه زمانی و در عرض چند ثانیه می‌توانند با فرد یا افراد مورد نظر خود در ارتباط باشند. در کنار جهات پیشرفت ارتباطاتی انسان‌ها و آثار مفید آن، فضای مجازی می‌تواند آثار سوئی نیز بر افراد و جوامع داشته باشد. عمده این آثار، ایجاد بستری سریع، آسان و گسترده در جهت تهاجم غرب و استکبار جهانی در قالب جنگ نرم رسانه‌ای می‌باشد.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «از اول انقلاب تا امروز، آمریکا جنگ رسانه‌ای با ما داشته؛ یعنی دروغ‌پراکنی، اغواگری، فتنه‌انگیزی، ترویج فساد، تحریک افراد؛ این مال امروز نیست. امروز البته شیوه‌های جدید و اینترنت و فضای مجازی و امثال اینها هم آمده است اما آن وقتی هم که اینها نبود، با تلویزیون، با رادیو، با ماهواره، دائم مشغول بودند؛ یعنی چهل سال است که این چالش بین ما و آمریکا وجود دارد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، <https://khl.ink/f/https://farsi.khamenei.ir/4833/>). وجود این خطر امری است که مورد تأکید رهبری انقلاب و سایر اندیشمندان جوامع اسلامی بوده است زیرا بسیاری از انحرافات و تنش‌های ایجاد شده در جوامع، به خصوص در جوامع اسلامی از القانات شبکه‌های مجازی نشئت می‌گیرد. حضور افراد عالم و محقق و آشنا به سواد ابزارهای ارتباطی روز در عرصه فضای مجازی، امری است که یکی از نیازمندی‌های جوامع برای ایجاد پیشرفت و رفع نیازمندی‌ها و جلوگیری از آسیب‌ها و خطرات ناشی از این فضا می‌باشد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيَلْسَنَ قَوْمِهِ﴾ (ابراهیم/۴)

بنابراین حضور مبلغین دینی اسلام شناس و آگاه به مسائل روز در فضای مجازی، اهمیت ویژه‌ای در تحکیم پایه‌های اعتقادی افراد جامعه دارد و مانع از اثرات سوء تبلیغی ادیان و فرق و جریان‌های انحرافی در اذهان آن‌ها می‌باشد، چرا که در فضای مجازی مخاطب در زمان کوتاهی در برابر حجمه عظیمی از شبهات مختلف به خصوص شبهات دینی و اعتقادی قرار می‌گیرد. با توجه به این که جامعه زنان در بین مخاطبین فضای مجازی آسیب پذیرتر هستند و از طرفی بانوان طلبه در کنار آگاهی از علوم انسانی و اسلامی، به مسائل خاص زندگی و روحیات زنان اشراف بیشتری دارند، لذا حوزه‌های خواهران می‌توانند با تربیت نیروهای زبده این نیاز مهم جامعه را از طریق بانوان طلبه پاسخگو باشند. و با حضور فعال در این عرصه به تبیین مبانی اسلام و حل معضلات جامعه زنان و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی آنان، فضای مجازی را به بستری برای تمدن‌سازی نوین اسلامی تبدیل کنند.

۳.۱. حفظ مرزبندی اعتقادی

در دیدگاه مقام معظم رهبری یکی از الزامات حضور در فضای مجازی، حفظ مرزبندی اعتقادی با دشمن است. در مسئله تبلیغ و حضور طلاب در فضای مجازی نیز طلاب می‌توانند حضور حضور فعال داشته باشند و این مستلزم اشراف علمی و مهارتی به کار تبلیغ در فضای مجازی است که موجب غنا و استقلال فکری مبلغ در ارتباط با کاربران مختلف خواهد بود و مانع از این امر خواهد بود که فرد در مسیر کار دچار استحاله و حرکت انفعالی شود. در صورتی که بایستی فعالیت یک طلبه با هدف اثرگذاری مفید باشد. مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید دارند که مرزهای اعتقادی و سیاسی باید مشخص و روشن باشد تا جلوی نفوذ و خدعه و فریب دشمن گرفته شود ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود." (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir>)

۳.۲. حضور جریان ساز

حضور موفق طلاب علی الخصوص بانوان طلبه در فضای مجازی، مستلزم این است که در کنار اشراف علمی و مهارتی بتواند از مرحله تدافعی در برابر هیجده‌های رسانه‌ای فراتر رفته و حضور تأثیر گذار و هجومی و جریان ساز داشته باشند.

حضور کنش گرانه در فضای مجازی در گرو شناخت و آگاهی نسبت به مسائل روز و نیازمندیهای جامعه مخاطب دارد. حوزه‌های خواهران می‌تواند در شاخه‌های مختلفی از موضوعات، برای طیف متفاوت سنی از دختران و بانوان در سطح جهان محتوای علمی و دینی تولید و از این طریق طراحی و مهندسی اخلاقی و فرهنگی مطابق با نیازهای انسانی زنان را به دست گیرد و با ایجاد نگاه درست زنان به خویشتن و تربیت ایشان، تربیت صحیح جوامع انسانی را در سطح کشورهای اسلامی و در مرحله بعد در سطح جهانی به دست گیرند و این مرحله یعنی تبلیغ در جهت اثرگذار و جریان ساز می‌تواند اولین قدم در ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «دستگاه‌های مختلفی در فضای مجازی حضور دارند اما حضور در این فضا باید یک حضور جریان ساز باشد، ضمن این که بهترین راه شناسایی و ارتباط با گروه‌های مؤثر فرهنگی و یافتن سؤال‌ها و سرخ‌های فکری آنان، استفاده از فضای مجازی است. (امام خامنه‌ای، دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۰۷، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41494>)

نتیجه‌گیری

حوزه‌های علمیه خواهران به عنوان یک نهاد علمی، فرهنگی و دینی می‌تواند، تأثیر مهمی در تمدن‌سازی نوین اسلامی داشته باشد، چرا که در وهله اول می‌تواند نیروهای قوی و مفید را در ابعاد علمی - فرهنگی تربیت کند و در مرحله بعد آثار و عملکرد نیروهای خود را در عرصه تبلیغ دین اسلام و جامعه‌سازی اسلامی به ظهور برساند. اولین قدم در نقش

آفرینی حوزه های علمیه خواهران در جهت تمدن سازی نوین اسلامی، ایجاد پایه های محکم علمی از سوی حوزه های علمیه است که این امر با کمک عنصر پژوهش و تلاش پژوهشگران در جهت اسلامی سازی علوم روز و در قالب تدوین متون برجسته علمی و متون درسی در مراکز علمی اعم از حوزه و دانشگاه قابل دسترسی می باشد.

حوزه های علمیه می تواند بستری برای تربیت طلاب مهذب و توانمند باشد تا بتوانند پاسخگوی مسائل زنان جامعه باشند. زیرا بعلا ارتباط بیشتر با جامعه مخاطب زن و همچنین شناخت بیشتر از نیازمندیهای ایشان، زنان طلبه متخصص در حوزه دین می توانند تعامل بیشتر و اثرگذار در بین زنان جامعه اسلامی داشته باشند. بانوان طلبه با وجود زمینه علم آموزی در این عرصه می تواند الگوی تربیت اسلامی را به طور کاربردی در زندگی خویش و در تربیت فرزندان به کار گیرد. و به نوعی سبک زندگی اسلامی را برای زنان دیگر جوامع به تصویر بکشد. زیرا الگوی اسلامی تربیت در همه عرصه های زندگی یک شخص شامل امور مادی، معنوی، فردی، اجتماعی و همه دوران زندگی می باشد.

عزم جمعی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی، نیاز به همبستگی اجتماعی در بین افراد جوامع اسلامی دارد و حوزه های خواهران با ابزار تبلیغ می توانند بهترین عامل در گسترش مفاهیم ارزشمند اسلام و زودن اختلافات باشند تا در راستای وحدت ایجاد شده زمینه تمدن سازی نوین اسلامی باشند. همچنین زنان طلبه بایستی هویت والای زن مسلمان را به گونه ای مطرح کنند که در زنان جامعه تحولی را برای میل به الگوگیری از زنان شاخص در اسلام ایجاد کنند و در برابر هجوم عظیم تبلیغی رسانه ای، مانع از الگوگیری های نادرست شوند. و در حوزه های علمیه خواهران بایستی مبلغینی تربیت شوند که با شناخت سبک زندگی اسلامی، آموزه های تربیتی آن را برای مادران جامعه تبیین و از طرفی ایشان را در برابر آسیب های سبک زندگی غربی که خانواده ها را هدف قرار می دهد، آگاه سازند. تا با این زیر ساخت های قوی پایه های انسانی تمدن اسلامی بنیان نهاده شود

ایجاد نگرش صحیح به اسلام در زمان برگزاری حج در طول سالیان می تواند موجب

مطالبه‌گری افراد جوامع اسلامی از حکام خویش شود و در روند انتخاب دولتمردان مؤثر واقع شود و نهایتاً به تشکیل دولتها و جوامع اسلامی بیانجامد تا دنیا در نتیجه این خیزش‌ها و تحولات شاهد تشکیل تمدن نوین اسلامی باشد. ضرورت وجود مبلغین حوزه‌های علمیه برادران و خواهران در جایی به خوبی روشن است که در غالب کشورهای اسلامی تفکر سکولار یا همان جدایی دین از سیاست حاکم است و از طرفی حکومت مجری آیین حج، خود نیز از عوامل ایجاد نگاه تحجرآمیز به اسلام است. در کنار جهات پیشرفت ارتباطاتی انسان‌ها و آثار مفید آن، فضای مجازی می‌تواند آثار سوئی نیز بر افراد و جوامع داشته باشد. عمده این آثار، ایجاد بستری سریع، آسان و گسترده در جهت تهاجم غرب و استکبار جهانی در قالب جنگ نرم رسانه‌ای می‌باشد. که طلاب خواهر می‌توانند با علم به زبان روز و فضای ارتباطی جدید حضور فعال در فضای مجازی را با حفظ مرزبندی اعتقادی و البته به صورت حضور جریان ساز و اثر گذار داشته باشند.

فهرست منابع

قرآن

۱. ابوطالبی، مهدی، نقش علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، مجله تحقیقات بنیادی علوم انسانی، ص ۹۷ تا ۱۲۴، شماره ۶، بهار ۱۳۹۶.
۲. اخوان نیلچی، نفیسه، یاسری، زینب، تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۷.
۳. جبر، خلیل، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، ترجمه سید حمید طبیبیان، دو جلدی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰.
۴. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶.
۵. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۶. حاجتی، میر احمد رضا، عصر امام خمینی (قدس سره)، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ هفتم، قم، ۱۳۹۰.
۷. خاتمی نیا، فضا، زن، سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی، مجله پیام زن شماره ۲۶۷، شماره ۲۶۷ تیر ماه سال ۱۳۹۳.
۸. خیاط، علی، صفرپور، هادی، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، علمی - ترویجی حوزه علمیه، ص ۱۷۷ تا ۲۰۵، شماره ۶۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات جلوه کمال، تهران، ۱۳۹۲.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران ۱۳۴۲.
۱۱. رسولی محلاتی، درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قم، ۱۳۶۸.
۱۲. قیم، عبد النبی، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ویراست دوم، دو جلدی، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۹۳.
۱۳. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، جلد ۷، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۴. موسوی خمینی، -----، صحیفه نور، جلد ۱۴، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.

۱۵. میکل، آندره، با همکاری هانری لوران، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، نشر سمت، تهران، ۱۳۹۳.
۱۶. مددی، محمودعلی، گام چهارم بسوی تحقق جامعه اسلامی (فرصت‌ها و چالش‌ها)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، قم، ۱۳۹۱.

مقالات

۱۷. شایگان، فریبا، مومنی راد، فهیمه، نقش بانوان در استحکام درونی نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری علمی - ترویجی وزارت علوم، ص ۴۷ تا ۷۱، شماره ۶۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۸. مهدوی، اصغر آقا، سقزاده، مهدی، بررسی و تحلیل نقش و جایگاه دانش فقه در تمدن‌سازی، ص ۴۳ تا ۵۸، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۱۹. رهب، محمّد تقی، فرصت‌های تبلیغی حج، مجله میقات حج زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴۶.
۲۰. رهبری، حسن، شهر و روستا در فرهنگ قرآن، پژوهش‌های قرآنی ۱۳۸۷ شماره ۵۴ و ۵۵ ویژه نامه قرآن و مهندسی فرهنگی مبانی تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم
۲۱. بنی‌حسن، علی‌اصغر، مبانی تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی ۱۳۹۹/۰۲/مقالات رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ۲۸

تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

خدیدجه حسین زاده باردئی (نویسنده مسئول)^۱

سید احمد موسوی باردئی^۲

طاهره ماهرو زاده^۳

چکیده

روح اصلی بیانیه گام دوم انقلاب سبک زندگی به معنای جامع آن است. سبک زندگی مقوله‌ای است بنیادین که اندیشمندان علوم اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی اقتصادی و مدیریتی یا رویکردهای مختلف به آن توجه کردند اما تفسیر مقام معظم رهبری از سبک زندگی و مؤلفه‌های تمدن ساز ایشان در حوزه مصرف به این دلیل که برگرفته از مبانی دینی و ناظر به مسائل فرهنگی و اقتصادی می‌تواند مسیر روشنی را در اختیار محققان و مبلغان

۱. پژوهشگر رشته ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء سلام الله علیها ، مدرس بنت‌الهدی . Hosinzadeh110@gmail.com .

۲. استاد یار گروه معارف موسسه آموزش عالی فخررازی و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، musavi6290@gmail.com

۳. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی.قم.پژوهشگر مطالعات اسلامی جامعه الزهرا mahrozadeh@gmail.com

فرهنگ اسلامی قرار دهد. از این رو مقاله پیش رو با به روش نقلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در صدد است که با تحلیل قرآنی و روایی بیانات مقام معظم رهبری به تبیین مولفه‌های تمدن‌ساز سبک زندگی در حوزه مصرف بپردازد. یافته‌های پژوهش پیش‌رو، حاکی از آن است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مولفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی و اسراف، تجمل‌گرایی، اتراف و تنوع طلبی، نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم؛ سبک زندگی قرآنی؛ مولفه‌های تمدن‌ساز؛ مولفه‌های مصرف؛ اصلاح الگوی مصرف.

۱. مقدمه

بیانیه گام دوم در حقیقت نگاهی است منظومه‌ای و جامع به صیورورت انقلاب اسلامی در ابعاد محتوایی و شکلی که به جرأت می‌توان گفت هیچ موضوع و عنصر مهمی در آن مغفول نمانده است. در بندهای انتهایی بیانیه و به صورت مختصر به تبیین سبک زندگی پرداخته شده است. مقام معظم رهبری در مورد سبک زندگی در بیانیه فرمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است، فقط به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که با چشم امید در آن به جوان‌هاست». با توجه به فرمایشات قبلی رهبر انقلاب روح و سیرت انقلاب اسلامی، سبک زندگی است؛ از این رو روح اصلی بیانیه، طبق فرمایشات ایشان سبک زندگی در تعریف جامع آن است که در ذیل به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

از سویی از دیدگاه ایشان تشکیل تمدن اسلامی دارای دو بخش محوری است:

بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی که عبارت است از ارزش‌هایی که امروزه به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌شوند؛ مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. البته این‌ها همه بخش ابزاری تمدن و وسیله است.

بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی همان سبک زندگی است یعنی اموری مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و غیره این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱)، <https://farsi.khamenei.ir>). این وسعت و گستردگی سبک زندگی که شامل حیات فردی و اجتماعی انسان می‌شود حتی در مسائل اقتصادی تاثیرگذار است. به حدی که مقام معظم رهبری ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و فرهنگ‌سازی را درباره اصلاح الگوی

مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ابلاغ کردند. مهم‌ترین بخش منویات مقام معظم رهبری سبک زندگی در حوزه مصرف است؛ از این رو نوشتار پیش رو درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که مولفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری چه مستندات قرآنی و روایی دارد؟ از این رو با روش توصیفی تحلیلی ابتدا به تبیین بحث مفهوم‌شناسی و سپس مولفه‌های تمدن‌ساز در حوزه مصرف از بیانات ایشان اصطیاد کرده و در دو بخش ایجابی و سلبی دسته‌بندی نموده و به تبیین قرآنی و روایی آن‌ها پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث ابتدا به تبیین مفاهیمی چون تمدن‌سازی، سبک زندگی و مصرف پرداخته می‌شود:

۱.۲. تمدن‌سازی

«فوکوتساوا یوکیچی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه تمدن (civilization)، دو تعریف از تمدن ارائه می‌دهد؛ در تعریف اول، او تمدن را به منزله امری محدود معرفی می‌کند: یعنی افزایش دادن آن چه که انسان مصرف می‌کند؛ یعنی افزایش صورت مادی تمدن. در تعریف دوم تمدن به معنای گسترده معرفی می‌شود؛ که در کنار رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه به پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه بالاتری بکشاند نیز توجه می‌شود؛ یعنی او برای تمدن دو سطح قائل است: یک سطح مادی و دیگری سطح معنوی است که به مثابه زیربنای تحقق تمدن در نظر گرفته می‌شود و مانند موتور محرکه تمدن عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد (یوکیچی، ۱۳۷۹، ۱۱۹). از سویی دیگر، تمدن‌ها اموری پویا هستند که در اثر رابطه میان بُعد مادی و معنوی ایجاد می‌شود؛ پس برای حفظ پویایی تمدن بایستی هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی پویایی خود را حفظ کند (مقصودی و تیشه یار، ۱۳۸۰، ۱۵۸).

به عبارتی دیگر، تمدن به حالتی از توسعه در زندگی بشر گفته می‌شود که توسعه فکری، فرهنگی، مادی و همچنین توسعه علمی و هنری را دربر می‌گیرد. این توسعه در زمینه‌های یاد شده به شکل‌گیری نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجتماعی منجر می‌شود. بنابراین می‌توان تمدن را به مثابه فرهنگ یا جامعه‌ای در نظر گرفت که در منطقه‌ای خاص و یا در دوره‌ای مشخص ظهور می‌کند.

دکتر شریعتی نیز در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن به معنای کلی عبارتست از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی... باید انسان را تغییر داد، نه این که وسایل زندگی‌اش را مدرن کرد. وقتی وسایل عوض شود، به خاطر سازش و آماده شدن برای مصرف آن کالاها، مسلماً انسان یک مقدار عوض می‌شود؛ ولی بینش انسان عوض نمی‌شود فقط ذوق مصرف انسان عوض می‌گردد. هر جامعه متمدنی ماشین، برق، تلویزیون و هواپیما و اسلحه دارد؛ اما هر جامعه‌ای که این‌ها را داشته باشد حتماً متمدن نیست» (شریعتی، ۱۳۶۸، ۸). از این رو تمدن با تغییر روح تک تک افراد جامعه که تغییر در روح کلیت جامعه به عنوان یک ملت آغاز می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت مادامی که این حرکت استمرار دارد، تمدن‌سازی نیز ادامه خواهد داشت.

تمدن از نگاه رهبر انقلاب، زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی و استفاده از پیشرفت‌های زندگی در همه عرصه‌های مختلف، به همراه پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها است. رهبر انقلاب شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم برمی‌شمارد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها: <https://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۹۴/۸/۲۰، <https://khl.ink/f/31386>). همچنین، تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند (امام خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس اسلامی، ۹۴/۱۰/۸، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/31770>). از

سویی ایشان الزامات و باید‌های برپایی تمدن اسلامی را لزوم القای باور تمدن‌سازی اسلامی به مردم، لزوم استفاده از دانش جهان (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3399> //)، لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران، لزوم تلاش مجاهدانه امت (امام خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس وحدت اسلامی: ۹۴/۱۰/۸ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/31770> //)، لزوم تحقیق دانشگاه‌ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، لزوم گنجاندن معارف تمدن‌ساز در کتاب‌ها، لزوم طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی: ۹۱/۱۲/۱۴ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22126> //)، لزوم پرهیز از تقلید غربی، لزوم شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور و تکیه بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی می‌دانند (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673> //) پس از روشن شدن معنای تمدن و تمدن‌سازی به تشریح معنای سبک زندگی می‌پردازیم.

۲.۲. سبک زندگی

سبک زندگی یا لایف استایل (life of Style) در تبیین گونه‌های مختلف زندگی در میان اقوام و ملیت‌ها با نگرش‌های متفاوت به هستی، کاربرد دارد. از آنجاکه «سبک زندگی» واژه‌ای مرکب است؛ از این رو ابتدا به بیان معنای هر کدام از این کلمات این مفهوم مرکب می‌پردازیم. واژه «سبک» در لغت به معنای «روش»، «شیوه»، «طرز»، «راه و رسم»، «قاعده و اسلوب» (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۱۸) آمده است و واژه «زندگی» نیز در لغت به معنای «عمر»، «زندگانی»، «حیات»، «زیستن»، «معاش و زنده بودن» است (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۱۸). سبک مترادف واژه «سیره» بر وزن «فِعْلَه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵،

ج ۳، ص ۳۴۰ و راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷). شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۴۵ و ۴۶).

از طرفی اندیشمندان در معنای مفهوم ترکیبی «سبک زندگی» تعاریفی را ارائه نمودند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به باور گیدنز سبک زندگی «مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او برآورده می‌شود؛ بلکه روایت خاصی را هم که برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). همچنین از نظر آلفرد دالر، سبک زندگی ترکیبی از مجموع انگیزه‌ها، ویژگی‌ها، علائق و ارزش‌هایی است که در تمام رفتارهای فرد ظاهر می‌شود. گاهی نیز به معنای ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی است که در مردم متعلق به یک طبقه اجتماعی مشترک است (صلیبی، ۱۳۸۲: ص ۳۷۹). همچنین سبک زندگی اسلامی عبارت است از «مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، جسمانی، معنوی، علمی و... بر اساس مبانی و اهداف اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد». (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۳۱)؛ بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی از نظر مفهومی ناظر به زندگی مادی فردی و رفتارهای مصرفی انسان است (ر.ک: جباران، ۱۳۹۴: ص ۱۸۷ - ۱۸۶).

از سویی از نظر رهبر انقلاب برای فهم ماهیت و ابعاد مختلف سبک زندگی باید از تقلید پرهیز نمود؛ زیرا منابع اسلامی در سلوک عملی منابع کامل و مملو از مولفه‌های تمدن ساز هستند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، <https://www.khamenei.ir/farsif/41673>) ایشان بر این باور هستند که هدف پیامبران از مجاهدت‌های مخلصانه تشکیل نظام دینی و اقامه حق است. همچنین در نظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه ابعاد، منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان

شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۲۱۲۵۲). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجایی که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم‌ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۲۱۲۵۲). که می‌تواند حکایت از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای کهگیلویه و بویر احمد و خراسان شمالی، : ۱۳۹۵ / ۷ / ۵، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/34514>) استفاده نموده‌اند، استفاده می‌شود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند در واقع سبک و روش تعالی بخشی است که اسلام برای زندگی بشر ارائه می‌دهد، ما معتقد هستیم که اسلام در موضوعات مختلف زندگی، روش ارائه داده است و باید از این رهنمون‌ها استفاده شود.

۲.۳. مصرف

واژه «مصرف» از ماده «صرف» به معنای این است که انسان با اراده در چیزی تصرف کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ص ۱۱۰). در علم اقتصاد برای اصطلاح «مصرف» معانی متعددی ذکر شده است. برخی بر این باور هستند که «ثروت، منبع درآمد است و درآمد خالص یعنی درآمد منهای استهلاک به دو منظور استفاده می‌شود: بخشی از آن به انباشتن ثروت و پس انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌شود. آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می‌گردد، «مصرف» نام دارد» (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ص ۲۷۴). برخی دیگر می‌گویند: مصرف فرآیندی است که در آن ارزش استفاده؛ چه به صورت تبدیل (مصرف تولیدی) و چه به صورت استفاده ناب و ساده آن در هنگام مالکیت برای ارضاء

نیازها از بین می‌رود. با افزایش مصرف، کالاها و خدمات مصرفی تغییر می‌کند و به تدریج از هزینه‌های ضروری کاسته شده و هزینه‌های تجملی و غیر ضروری جای آن را می‌گیرد (رزاقی، ۱۳۷۴: ص ۳۵)؛ بنابراین آنچه در این نوشتار از «مصرف» اراده شده این است که کلیه کالاها و خدماتی را که تولید می‌شوند و مصرف‌کننده در چهارچوب اقتصادی چه با اراده، چه تحت تأثیر عوامل روانی برای رفع نیاز خود درصدد تهیه آن برمی‌آید (رزاقی، ۱۳۷۴: ص ۳۷ - ۳۸). پس از مشخص شدن معنای واژگان کلیدی به تبیین مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی قرآنی و تأثیر آن در حوزه مصرف می‌پردازیم.

۳. پیشینه پژوهش

اگر چه در کتب و آثار پژوهشی مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «تمدن اسلامی و راه‌های تحقق در قرآن و حدیث» و «بررسی و تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن»، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی در زمینه مؤلفه‌های تمدن‌سازی به‌طور کلی وجود دارد. همچنین در آثار مرتبط با سبک زندگی از جمله کتاب «سبک زندگی قرآنی» نوشته محمد علی رضایی اصفهانی و مقاله «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» نوشته نوروز امینی و کوثر حلال خور به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته شده اما ویژگی منحصر به فرد این اثر تبیین مؤلفه‌های تمدن ساز حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری به‌طور خاص و مستندسازی و تحلیل قرآنی و روایی آن‌ها است.

۴. مؤلفه‌های تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود که در ذیل به‌طور مفصل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱.۴. مولفه‌های سلبی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی قرآنی، عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱.۴-۱. عدم اسراف و صرفه‌جویی

یکی دیگر از مولفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف است. مقام معظم رهبری در مسئله صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد، به مسئولان تذکر می‌دهند که اگر این اخلاق به مردم سرایت کند و هم نسبت به مردم و کسانی که دستشان به دهان شان نمی‌رسد در هر دو قشر اسراف زیاد وجود دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/25795>) یکی از نتایج و اثرات روش صحیح مصرف، کاهش هزینه‌ها و ایجاد زمینه برای گسترش عدالت اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبران است. ایشان در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، صرفه‌جویی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، به جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون این که این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زائران علی بن موسی الرضا: ۰۱ / ۰۱ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/6082>).

از نظر لغویون نیز، به تجاوز از حد در هر کاری اسراف گویند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۷)؛ گرچه چون همه گناهان، تجاوز از حدود الهی هستند، مصداق اسراف

لغوی محسوب می‌شوند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۶۱) ولی مصداق اسراف اصطلاحی نیستند؛ زیرا در این صورت هر گناهی مصداق اسراف نیز می‌شد ولی کاملاً مشخص هستند که اسراف و زیاده روی از مصادیق قطعی اسراف اصطلاحی است (رجایی، ۱۳۹۲: ص ۳۱-۳۲). در سبک زندگی قرآنی نیز عدم اسراف توصیه شده است؛ زیرا خداوند متعال یکی از ویژگی‌های عباد الرحمن، را در سوره فرقان، پرهیز آنان از اسراف بیان می‌کند: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۳ - ۶۷)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند... و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند». در صدر آیه، دو طرف افراط و تفریط در انفاق نفی شده و ذیل آن، حد وسط را اثبات نموده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۰) از این رو بر طبق آیه حتی در انفاق، اسراف جایز نیست و انسان در خرج کردن محدودیت دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۸۲). انفاق از ضروریات زندگی خانوادگی است که اهل خانه‌اش را گرسنه یا در تنگنا قرار دهد درحالی‌که در راه خدا انفاق کند و نه این‌که از انفاق چیزهای مازاد از احتیاجش بخل بورزد (صادقی تهرانی، ج ۲۱، ص ۳۳۵). خداوند متعال نیز در آیات قرآن دستور می‌دهد تا از مسرفان پیروی نکند (ر.ک: شعراء/۱۵۱)؛ زیرا مسرفان در کار خود تعقل و تفکر نمی‌کنند و به خاطر ارضای شهوت جامعه را از حالت تعادل به انحراف می‌کشانند (ر.ک: انبیاء/۹).

۱.۴-۲. عدم افراط در رفاه طلبی و تجمل‌گرایی

مقام معظم رهبری نیز در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها یکی از عیوب اساسی سبک زندگی مردم و مشکلات آن را مصرف‌گرایی، اسراف، زیاده روی، زیاد خرج کردن و رفاه طلبی افراطی می‌دانند که از طبقات بالا به پایین سرازیر می‌شود. که متأسفانه موارد یاد شده به کشور ضربه می‌زند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زارین حرم مطهر رضوی: ۱۳۹۷ / ۰۱/۰۱، <https://khl.ink/f> ۳۹۲۷۲)

ir.farsi.khamenei.//). البته در آیات قرآن هم بر این مهم تأکید شده است.

در آیات قرآن از افراد رفاه زده با عنوان «مترفین» یاد شده است. واژه «ترفه» به معنای نعمت است و «ترف» به معنای تنعم. «مترف» به کسی گفته می‌شود که از انبوه نعمت برخوردار است که این نعمت او را به طغیان وادار کرده و از انواع لذتها و شهوات دنیا کامجویی می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹؛ ص ۱۷). یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم در مورد رفتار مصرفی انسان مادپرگار مطرح می‌کند تجمل‌گرایی است و به علت عدم توجه به نیازهای غیر مادی، بیشتر درآمد خویش را برای رفع نیازهای مادی صرف می‌کند (هادوی نیا، ۱۳۹۶: ص ۱۵۹). قرآن کریم منشا رفتار قارون را با توجه به تجمل‌گرایی تحلیل می‌کند و می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹) پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد؛ واقعاً او بهره بزرگی [از ثروت] دارد». بر طبق آیه افراد مادپرگرایانی که زندگانی دنیا را هدف نهایی و یگانه غایت سعی خویش می‌دانند، هیچ غایت دیگری را به غیر از زندگی دنیا دنبال نمی‌کنند و از آخرت غافل هستند و به همین جهت اموال قارون را سعادت عظیم شمردند و بدون قید و شرط آرزو کردند که ای کاش ما هم مثل قارون بودیم، چون او از حظی عظیم، و سعادت بزرگ برخوردار است (ر. ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۷۹-۸۰).

آیات قرآن کریم به وضوح نشان می‌دهد که یکی از موانع تضرع به درگاه خداوند، رفاه و آسایش است (انعام: ۴۲ - ۴۴) همچنین انسان با زندگی مترفانه و افراط در استفاده از طیبیات، به غضب الهی گرفتار شده (طه: ۸۱) از محبت خدا محروم می‌شود (مائده: ۸۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امت خویش می‌فرماید: مترفین بدترین اقشار اجتماع معرفی کردند که همه فتنه‌ها به سوی آنان برمی‌گردد. (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۵۷) اتراف، روح عبادت و مسئولیت‌پذیری را در انسان نابود و از او موجودی خودخواه

می‌سازد (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷)

خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲) [ای پیامبر! بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد. این‌گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم». در آیه به مؤمنین سفارش کرده از زینت‌ها و روزی‌های طیب استفاده کنند ولی در حد اعتدال و از تجمل و اشرافیگری پرهیز کنند. علامه طباطبائی اخراج زینت را استعاره تخییلی می‌داند که کنایه از اظهار زینت است. خدای سبحان از راه فطرت، هدایت را به انسان الهام کرده و انواع و اقسام زینت‌های مورد پسند جامعه را که باعث مجذوب شدن دلها به سوی خود او است ایجاد کرده است تا تنفر را از خود دور کند هرچند در ظاهر، به وجود آوردن زینت‌ها و سایر نیازهای زندگی کار خود انسان است؛ چون به الهام خداوند ایجاد شده است و چون می‌دانسته انسان محتاج به زینت است. پس زینت هم یکی از مهم‌ترین اموری است که اجتماع بشری به آن اعتماد می‌کند و جزء لاینفک جامعه محسوب می‌شود به طوریکه با فرض نبودن زینت، جامعه منهدم می‌شود. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۸۰) همچنین در سوره مائده، افراط در استفاده از طیبات، عامل محرومیت از محبت خداوند است (ر.ک: مائده: ۸۷)؛ در سوره طه نیز طغیان و افراط، در استفاده از طیبات را عامل گرفتاری به غضب الهی شمرده شده است (ر.ک: طه: ۸۱).

همچنین امام صادق علیه السلام خطاب به حمران بن اعین می‌فرماید: «انظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْعَى لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَ آخِرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۴۴) نگاه کن به توان کسی که پایین‌تر از توست و نگاه نکن به توان کسی که بالاتر از توست همانا آن برای تو قانع‌کننده‌تر است به

و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرامی کند، و نزد خدا خوار گردانند. هیچ کس مال خود را آن جا که نباید نداد، و به نامستحق نبخشود، جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستیشان از آن دیگری بود. پس اگر روزی پای او لغزید، و به یاری آنان نیازمند گردید، در دیده ایشان بدترین یار است و لثیم‌ترین دوستدار». همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام درباره رعایت اولویت‌ها در زندگی می‌فرماید: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِمْ (قَدْ) صَيَّعَ الْأَهْمَ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش. ص ۴۶۰) هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد آنچه را که اهمیت بیشتری دارند، از دست می‌دهد» از روایت به دست می‌آید که رعایت اولویت‌ها در همه امور مخصوصاً در مصرف و خرج کردن لازم است. البته باید توجه کرد که این اولویت‌بندی نباید دست خوش تبلیغات همگام با اهداف مکتب سرمایه‌داری بر پایه افزایش سود باشد و باعث تشدید نیازهای کاذب در انسان شود (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲).

۲.۴. مولفه‌های ایجابی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی قرآنی، مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب و کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۲.۴-۱. مصرف اقلی و قناعت

یکی از مولفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری، مصرف اقلی و قناعت است. یکی از توصیه‌های ایشان به زوج‌های جوان این است که «قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه عقده ۷۶/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/4676>). همچنین

ایشان، ساده زیستی را به کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا تفسیر می‌کنند (امام خامنه‌ای، بیانات در همایش آسیب‌شناسی انقلاب: ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵، <https://farsi.khamenei.ir>؛ <https://khl.ink/f/2933>). معظم له پرهیز کردن از اسراف، اصلاح الگوی مصرف و روحیه قناعت و ساده زیستی را از جمله مصادیق فرهنگ می‌شمارد.

قناعت یعنی اکتفا کردن انسان به کم از امور مورد احتیاج است. (ر. ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۸۵) اسلام در عین این که وابستگی به مال دنیا را محکوم می‌کند ولی اصل داشتن آن و اخذ آن را محکوم نمی‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ص ۱۸۱) مصرف حداقلی معیشت، به مصارف ضروری مانند خوراک، پوشاک و نیاز به آموزش عمومی اطلاق می‌شود. و همچنین اگر کالایی در حد شان او باشد به طوریکه در صورت عدم استفاده از آن، کسر شأن به شمار می‌آید. (رجایی، ۱۳۹۲: ص ۷). خداوند متعال مردم را در سوره یوسف به صرفه جویی و ضرورت قناعت در آذوقه‌ها و محصولات کشاورزی، پیش از دوران قحطی و خشکسالی ترغیب می‌کند و می‌فرماید: ﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَعَى سِينٍ دَابَّأَ فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُخْضِنُونَ﴾ (یوسف: ۴۷ و ۴۸)؛ گفت: «هفت سال پی‌درپی می‌کارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید - در خوشه‌اش واگذارید. *آن گاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید - جز اندکی را که ذخیره می‌کنید - همه را خواهند خورد». برطبق آیات صرفه جویی و ذخیره‌سازی به عنوان یک ضرورت (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱۷) و یکی از امور مهم کشورداری است ولی در خانواده به عنوان یک واحد کوچک از اجتماع قابل اجرا است. بر طبق عبارت «قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» صرفه جویی امروز، خودکفایی فردا و اسراف امروز، نیاز فردا را بدنبال دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱۸). این مؤلفه در روایات نیز مورد تأکید واقع شده است؛ به عنوان نمونه امام کاظم علیه السلام انسان عاقل را انسانی می‌داند که به حد کفایت قانع باشد و در نتیجه قناعت بی‌نیاز خواهد شد (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸). همچنین اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ایشان

مؤمن را کسی می‌داند که مخارج او سبک است و امور اقتصادی خود را به خوبی تدبیر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۲۴۱).

۲.۴ - ۲. دقت بیشتر در مصرف عمومی

مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری بر حفظ اموال بیت‌المال تأکید داشته‌اند و آن را از اصول اثرگذار در پیشرفت اقتصادی بشمار آوردند (ر. ک: مکتوبات: ۳۱ / ۵۱ / ۱۳۸۹). خداوند متعال نیز در سوره مبارکه آل عمران پیامبران را مبرا از خیانت در بیت‌المال معرفی می‌کند و همچنین خیانتکاران در اموال بیت‌المال را در قیامت به مجازات می‌رساند ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۱)؛ و هیچ پیامبری را نرسد که خیانت ورزد، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ آن گاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده، به تمامی داده می‌شود، و بر آنان ستم نرود.

شان نزول آیه مربوط به عذرتراشی‌های بی‌اساس بعضی از جنگجویان احد است که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند، و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند، ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند.

قرآن در پاسخ بعضی از جنگجویان احد که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند، و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند، ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند؛ می‌گوید: «خیانت با نبوت سازگار نیست»؛ پس آیه هر گونه خیانت را، اعم از خیانت در تقسیم غنائم و یا حفظ امانت مردم، و غیره را از پیامبران نفی می‌کند و سپس خائنین را تهدید می‌کند که هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آنچه را در آن خیانت کرده، به عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل می‌کند و یا همراه خود به صحنه محشر می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲). همچنین امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به برخی از مأموران مالیاتی خود

نوشته‌اند می‌فرمایند: کسی که امانت الهی بیت‌المال را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری در دنیا را به روی خودگشوده است» (سید رضی، نامه ۲۶، ص ۵۰۷). از این رو بر طبق آیه و روایت حضرت امیر علیه‌السلام، باید در مصرف بیت‌المال دقت بیشتری شود؛ زیرا خائن به بیت‌المال در روز قیامت به سزای اعمال خود می‌رسد.

۲.۴ - ۳. توازن بین دخل و خرج (کفاف)

یکی دیگر از مولفه‌هایی که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند و مردم را به آن توصیه می‌کنند، توازن بین دخل و خرج است (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید، ۱۳۸۶/۷/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/>، ایشان مسئولان کشور را نیز به برقراری توازن دخل و خرج عمومی در ابعاد کلان و محاسبه عملکردشان سفارش می‌نمایند (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی: ۱۳۹۲/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/>، پیش از این ثابت کردیم که در سبک زندگی قرآنی قناعت لازم است؛ یکی از نتایج قناعت در زندگی کفاف است. کفاف به سطحی از مصرف اطلاق می‌شود که نیازهای انسان را برطرف کند. (ر. ک: ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۹۱) یکی از عوامل مؤثر در تعیین میزان مخارج فرد مسلمان، سطح در آمد است به این معنا که در صورت کاهش در آمد، هزینه‌ها را کاهش دهد و با افزایش درآمد آن را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۲).

خداوند متعال در آیات قرآن می‌فرماید: «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست هستند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند، خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند» (طلاق/۷)؛ این آیه هرچند در مورد تأمین مخارج زنانی است که طلاق گرفته‌اند، اما هیچ منافاتی ندارد که از آن این اصل را برداشت کرد که هر کس به اندازه وسع و توانی که خداوند به او داده است تکلیف تأمین مخارج زندگی را دارد. همچنین چنان که برخی از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُخْرَمُوا

طَبِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۸۷﴾ (مائده: ۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید، که خدا از حدّ گذرندگان را دوست نمی‌دارد» نیز استفاده کرده‌اند که در بهره‌گیری از امور حلال نباید از حد تجاوز کرد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۵۵۰). بر طبق این آیه مؤمنین تسلیم امر الهی، طبیبات را بر خود حرام نمی‌کنند و البته «حرام» به معنای چیزی است که از آن منع شده باشد، چه این منع به تسخیر الهی باشد، و چه به منع قهری، و چه به منع عقلی یا منع شرعی یا از ناحیه کسی که اطاعت امرش لازم است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۰۶) در دین اسلام افراط و تفریط ممنوع است و ایمان با افراط و تفریط سازگار نیست و محروم کردن خود از طبیبات، یک تعدی و تجاوز به شمار می‌رود. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۶۰) همچنین مردی از امام صادق علیه السلام در مورد تدبیر در معیشت این‌گونه سؤال کرد که به من رسیده است که میانه روی و تدبیر در معیشت، نصف کسب است؟ «حضرت فرمودند: نه، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت از دین است» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۶۷۰).

۲.۴ - ۴. گزینش کالاهای حلال و طیب

برای حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی در جامعه قرآنی با سبک زندگی قرآنی کالاها و اقلام مصرفی که گزینش می‌شوند باید دارای خصوصیات باشند. مهم‌ترین این مولفه‌ها حلال و طیب بودن کالاهای مصرفی و طهارت اقتصادی است؛ زیرا مقام معظم رهبری در بیانات خود ضمن بیان روایاتی از حضرت امیر به این مهم اشاره کردند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۱/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/2442>، <https://khl.ink/f/>). شرح روایت به این صورت است که شخصی که از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواهد فرماندار به شهری بفرستد بسته سر به مهری را به این شخص بدهد که داخل آن سویق - آرد الک نکرده و نخاله‌دار - وجود دارد. یک مشت از آردها را با آب داخل کاسه ریخت و به عنوان نهار خورد به او هم می‌گوید بخور. او

حیرت زده به حضرت اعتراض می‌کند که این عراق با این همه نعمت در اختیار دارید، این کارها برای چیست؟! حضرت فرمود: «والله ما ائتم علیہ بخلا به»؛ سوگند به خدا، من که در این کیسه را مهر کردم، به خاطر بخل نیست که حیقم می‌آید از این آرد الک‌نکرده کسی بخورد. «ولکنی ابتاع قدر ما یکفینی»؛ من به قدر حاجت شخصی خودم، از این آردها - که پست‌ترین آرد است؛ می‌خرم. «فاخاف ان ینقص فیوضع فیه من غیره»؛ می‌ترسم که این کیسه را کسی باز کند و از غیر از آن آردی که خود من خریده‌ام، چیزی داخل این کیسه بریزد. «وانا اکره ان ادخل بطنی الا طیباً»؛ و من خوش ندارم که در شکم خود غذایی وارد کنم که طیب و پاکیزه نباشد. می‌خواهم غذای پاکیزه بخورم؛ غذایی که از پول خودم و مال خودم است و مال کسی در آن نیست. بعد فرمودند: «فایاک و تناول ما لم تعلم حلة»؛ مبادا چیزی که حلال بودن آن را نمی‌دانی، تناول کنی؛ بخوری یا بگیری. تناول، فقط خوردن نیست؛ او را در اختیار نگیری، مگر یقین کنی که حلال است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۳۵).

خداوند متعال نیز استفاده از هر نعمت زمینی را برای انسان‌ها با دو شرط اساسی حلیت و طیب بودن، مباح می‌شمارد. حلیت در لغت از حلّ به معنای گشودن گره‌های بسته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۵۱) به کارهای جایز و مباح که گره‌های منع و حرمت از آن گشوده شده، حلال گویند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۵۹) همچنین «طیب» چیزی است که هم حواس و هم نفس از آن لذت می‌برد؛ (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۲۷) علامه طباطبائی واژه «طیب» را ارتزاق از انواع غذاهای مختلف می‌داند و یا مطلق چیزهایی که آدمی در زندگی و بقای خود از آن‌ها استمداد می‌جوید، مانند مسکن، همسر و... برای تشخیص این‌که کدامیک از افراد این انواع «طیب» و مطابق با میل و شهوت او و سازگار با وضع ساختمانی او است، خداوند او را مجهز به حواسی کرده که با آن می‌تواند سازگار آن را از ناسازگارش تمیز دهد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱) همچنین ایشان در تفاوت بین حلال و طیب؛ حلال را ضد حرام می‌داند و معنای حرام بودن این است که انجام دادن آن کار ممنوع است و طیب را چیزی که سازگار با نفس است در مقابل خبیث، مثل

سخن خوشی که با گوش سازگار است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۷) و بر طبیعت اولیّه باشد، بدون این که با چیزی که سبب فساد و تیرگی آن است مخلوط گردد. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۳۶).

یا در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...» (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید...». واژه «اکل» را در اصل به معنای جویدن و بلعیدن است ولی به‌عنوان کنایه در مطلق تصرفات در اموال نیز استعمال می‌شود و به این علت که در تصرفات مالی نیز منظور اصلی انسان خوردن است، چون بطور کلی خوردن رکن زندگی آدمی است. و به این علت می‌توان امر (کلوا - بخورید) را هم حمل بر معنای وسیع کنیم. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۸) «طیب»، صفت «حلال» است و فائده این وصف، تعمیم حکم حلیت خوردن است، زیرا صفت آوردن برای اسم نکره، حکم موصوف را تعمیم می‌دهد. پس مقصود از «حَلَالًا طَيِّبًا» هر مأكول مباحی که موافق طبع باشد را شامل می‌شود. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۸).

۲.۴ - ۵. گزینش کالاهای داخلی

یکی از مولفه‌های تمدن‌سازی مقام معظم رهبری که به مردم و دولت توصیه می‌کنند؛ گزینش کالا از محصولات داخلی است. باید که مردم و دولت به دنبال «برند» و مد نباشند؛ زیرا این کار باعث ضربه زدن به تولید داخلی و سلطه بیگانگان بر کشور می‌شود (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۴/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f29236> //قرآن کریم به فرصت طلبی منافقان اشاره می‌کند که به دنبال سود هستند. آنان در صورت پیروزی مؤمنان، اظهار ایمان و شرکت در جهاد می‌کنند و اگر کافران پیروز شوند، خود را همراه با کافران و زمینه‌ساز پیروزی بیان می‌کنند. خدای سبحان در روز قیامت حکم می‌کند و سپس می‌فرماید:، خداوند برای کافران بر مؤمنان سلطه‌ای قرار نداده است: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ

نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿نساء / ۱۴۱﴾.

جمله «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ...» از عدم سلطه کافران بر مؤمنان و بلکه از چیرگی مؤمنان بر کافران خبر می‌دهد. درباره این جمله احتمالات گوناگونی مطرح است؛ از قبیل:
 (أ) در آخرت کافر سلطه‌ای بر مؤمن ندارد؛ هرچند ممکن است در دنیا به زیان مسلمان حکم شود؛

(ب) در مسائل فرهنگی و احتجاجات، هرگز کافر بر مؤمن برهانی ندارد و همواره در مسائلی مانند وحی، نبوت و معاد، براهین عقلی به سود مؤمنان است؛

(ج) اگر محور مبارزه، ایمان و کفر باشد، بی‌تردید مؤمنان همواره پیروزند؛

(د) چنان‌که کافر در آخرت راه سلطه‌ای بر مؤمن ندارد، در دنیا نیز برای آن‌ها سلطه سیاسی و نظامی نیست. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۳ / ۱۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۱ / ۲۴۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۵ / ۱۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۲۱ / ۱۸۰ - ۱۸۳)؛ لکن فقها با استدلال به این آیه به جهت این‌که «سبیلا» نکره است و افاده عموم می‌کند، انعقاد هرگونه پیمان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را که سبب سلطه کافران بر مسلمانان گردد، نامشروع می‌دانند (اردبیلی، [بی‌تا]، ۴۳۹ - ۴۴۰؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ۳ / ۵۳ - ۵۴) غیر از جهت یاد شده، استدلال فقها بر این مبنا استوار است که جعل در آیه کریمه، جعل و اراده تشریعی باشد که در این صورت، مخصوص دنیا خواهد بود. در صورتی‌که اگر جعل و اراده تکوینی باشد، مصداق کامل آن، قیامت است؛ (لنکرانی، ۱۴۱۶: ص ۲۳۴) ولی اگر مسلمانان با دو عنصر توحید مداری و وحدت محوری زندگی کنند، مصداق آیه مزبور خواهند بود همانگونه که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۹) (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۱۸۰ - ۱۸۳).

۵. نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق این است که واژه «سبک» در لغت به معنای روش، شیوه است و سبک

زندگی اسلامی عبارت است از: مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های گوناگون زندگی بر اساس مبانی و دیدگاه‌های اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد. مبنای مصرف، توحید و برخورداری انسان از روح مجرد و بقای آن پس از مرگ است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مولفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی و عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است. از این رو کاربرست این مولفه‌ها و اهتمام و التزام عملی به آن‌ها در تحقق و تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در مصرف نقش اساسی دارد و در مقابله با زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی بر ایران مؤثر خواهد بود. امید است؛ در مقام عمل، با جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه رو به سمت محقق کردن سبک زندگی قرآنی پیش برویم.

فهرست منابع

قرآن کریم، ۱۴۱۸، ترجمه مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معرف اسلامی.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲. ابن حنبل، بی تا، مسند احمد بن حنبل، بی جا، بیروت، انتشارات دار صادر.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق.، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.

۴. ایروانی، جواد، ۱۳۸۴، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۵. جباران، محمد رضا، بهار ۱۳۹۴، تحلیل مفهومی سبک زندگی، مجله قبسات، شماره ۷۵.

۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.

۷. حسینی، سید رضا، ۱۳۷۹، الگوی تخصیص در آمد و رفتار مصرف کننده مسلمان، چاپ اول، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۸. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، بیانات، (برگرفته از سایت

www.khamenei.ir)

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول.

۱۰. رجایی، سید محمد کاظم، خطیبی، مهدی، ۱۳۹۲، شاخص اسراف و معیارهای آن، پژوهشگاه بین المللی مصطفی.

۱۱. رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، محمد علی، سبک زندگی قرآنی، قم، دفتر نشر معارف.

۱۲. شریعتی، علی (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن، تهران: قلم.

۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، چاپ

اول، قم، بی نا.

۱۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰ جلد، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی.
۱۵. صلیبی، ژاسنت، ۱۳۸۲، فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴، الامالی، قم، دار الثقافة.
۱۹. قدیری اصل، باقر، ۱۳۷۹، کلیات علم اقتصاد، چاپ اول، تهران: مرکز نشر سپهر.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۲، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مدرسی، محمدعلی، ۱۳۸۲، تمدن مادی گرایانه ما غربی‌ها، چاپ اول، قم: انتشارات شفق.
۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، دائرةالمعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
۲۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات تهران.
۳۰. مقصودی، مجتبی و تیشه یار، ماندانا، ۱۳۸۸، تمدن ایرانی فراسوی مرزها، تهران: تمدن ایرانی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. هادوی نیا، علی اصغر، ۱۳۹۶، رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. یوکیچی، فوکوتساوا، ۱۳۷۹، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، چاپ دوم، تهران: گیو.

نقش دعا در رشد جامعه با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

هاجر خادم زاده یگانه^۱

سعیده نیکخو (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

طبق بیانیه گام دوم انقلاب، از برکات انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه است. دعا با افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق، سبب جهت دهی و رشد جامعه می‌گردد؛ زیرا مسئله رنج و سختی حاصل از مشکلات زندگی که با گذر زمان، سخت‌تر و جدیدتر می‌شود؛ نیازمند برخورد خردمندانه است و تنها ارتباطاتی با خدا مانند دعا، موجب تقویت روحی وی، در مقابل نامالایمات تمدن جدید می‌شود. نوشته پیش رو با روش توصیفی و با استفاده از منابع تفسیری، اخلاقی و روایی به هدف این نوشتار یعنی چگونگی نقش دعا در رشد جامعه می‌پردازد. بنابراین ادعیه در فرهنگ و تمدن شیعه با جدا نمودن آن‌ها از همه تعلقات و اتصال به خالق بی‌همتا، نقش محوری در آرامش، دریافت امدادهای غیبی، همکاری، نظم‌پذیری اجتماعی، خودسازی و جامعه‌پذیری و در نهایت رشد جامعه دارند. تمدنی که در قالب دعا، با زمینه‌سازی دولت عدل جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، واقعیت خارجی پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: دعا، دعا و جامعه اسلامی، دعا و رشد، بیانیه گام دوم انقلاب

۱. سطح چهار تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء ع، hajaryeganeh20@gmail.com.

۲. جامعه الزهراء، saedehnickju@yahoo.com.

مقدمه

یکی از نیازهای فطری انسان راز و نیاز با معبود و خالق خویش است. این نیاز در تمام ادیان وجود دارد، زیرا انسان تشنه خوشبختی در این دنیا و نیازمند سعادت در آن دنیا است. او نیازمند ارتباط با معبود است که بتواند در مشکلات گوناگون به او رجوع کند و از فضل بی‌انتهایش، درهای سعادت را به روی خویش بگشاید و برای خود و خانواده و جامعه خویش، سازنده و مفید باشد. امروزه تأثیر دعا به‌عنوان یک پناهگاه روحی در مقابل ناملایمات تمدن جدید که روز به روز بیشتر و جدیدتر می‌شود؛ غیر قابل انکار و ضروری است. دعا در حقیقت یافتن فقر خود و عرضه کردن این فقر به غنای محض و خواندن او است. به عبارتی لایه نخست دعا کردن، همان احساس نیاز و رابطه عمیق با خداوند است، اما با توجه بیشتر در لایه‌های بعدی. دعا انسان‌ها را به سوی انسان‌پروری و ساختن فرهنگ و تمدن سوق می‌دهد و چراغ پر نور هدایت در مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی می‌گردد.

حال که انسان‌ها به گمان کفایت اتکا به پیشرفت‌های بشری، گرفتار مشکلات زیاد روحی و جسمی و روانی و اقتصادی و... مخصوصاً با این ویروس جدید به نام کرونا هستند و ارتباطات اجتماعی محدودتر شده است؛ نقش دعا در ایجاد نشاط و تقویت روحی، که لازمه رشد تمدن بشری است بسیار پررنگ گردیده است. طبق بیانیه گام دوم انقلاب، یکی از برکات انقلاب اسلامی افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه است. به همین خاطر رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته در سخنرانی‌های مختلف برای این منظور، دعوت به خواندن ادعیه از جمله دعای هفتم صحیفه سجادیه برای ایجاد آرامش و بر طرف شدن این ویروس منحوس نموده‌اند. دعا در مکتب اهل بیت نقشی بسیار مهم در سازندگی و تربیت فرد و جامعه دارد. از آن جایی که قرآن و روایات به آن توجهی ویژه دارند، ضرورت پرداختن به آن در ایجاد حرکت در جامعه و تلاش برای رسیدن به نقطه بهتر از لحاظ مادی و معنوی را دو چندان می‌نماید. نوشته پیش رو درصدد است با روش توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای با فیش برداری از منابع تفسیری، اخلاقی و

روایی با بیان چگونگی و آثار دعا در رشد جامعه به بررسی نقش دعا در رشد جامعه بپردازد. حال سؤال این است که دعا چه نقشی در رشد جامعه دارد؟

پیشینه

تاریخچه دعا با آفرینش همراه بوده است. آدم و حوا در بهشت و بعد از هبوط به زمین خاکی، آن‌گاه که از کرده خویش پشیمان گشته، نیایش‌هایی داشته‌اند. اما در مورد نقش دعا در رشد جامعه، تقریباً در تمام کتبی که به دعا پرداخته شده، به نقش‌های مختلف آن در رشد جامعه اشاره شده است که می‌توان به کتاب‌های چون «نقش دعا در زندگی انسان‌ها» اثر حمید فتاحی، «دعا و سلامت روان» اثر محمد صادق شجاعی به‌عنوان نمونه اشاره کرد. در این کتاب‌ها به جنبه‌های خودسازی، انگیزه برای کار و کوشش و سلامت و آرامش روان و... توجه شده است. البته نقش دعا بسیار فراگیرتر از مواردی است که این کتاب‌ها به آن‌ها پرداخته است و بهتر بود تنها به آثار فردی کفایت ننموده و در حیطه آثار اجتماعی آن‌ها هم وارد می‌شد. در کتاب «سیصد نکته در مدیریت اسلامی» نوشته آقای محسن قرائتی می‌توان به خوبی به مولفه‌های رشد جامعه دست پیدا کرد و با مقایسه آثار دعا، بین دعا و مولفه‌های رشد جامعه ارتباط لازم برقرار نمود. نزدیک‌ترین منبع برای موضوع مطرح شده، مقاله‌ای با عنوان «تأثیر دعا در رشد و شکوفایی فرهنگی و تمدنی شیعه» اثر علی نوری و اعظم عاشوری است، که بعد از بررسی مفهوم دعا و کلمات کلیدی، به شرایط استجاب دعا پرداخته و در مطالعه نمونه‌ها، سه دعای معتبر ندبه، مکارم الاخلاق و زیارت امین‌الله را به روش تحلیل محتوا بررسی و هشت شاخص فرهنگی و هشت شاخص تمدنی را استخراج و فرازهای دعا را بر اساس آن‌ها طبقه‌بندی کرده است. در پژوهش پیش رو سعی بر آن شده که آثار فردی و اجتماعی دعا را همراه با هم برای رشد و شکوفایی جامعه در نظر بگیرد، تا خواننده در اثر بی‌توجهی به یکی یا توجه بیش‌ازحد به دیگری، از دست یافتن به نتیجه مطلوب باز نماند.

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدای مقاله لازم است به مفهوم لغوی و اصطلاحی دعا پرداخته شود.

۱.۱. لغوی

دعا از د. ع. و. به معنای متمایل کردن چیزی به سمت خود با صدا و گفته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۹) ابن منظور ضمن ذکر معانی‌ای چون «استغاثه و عبادت» برای دعا، می‌گوید: معنی دعا لله بر سه وجه است: ۱. توحید خداوند و ثناء بر او ۲. درخواست عفو و رحمت و... از خداوند ۳. درخواست حفظ و بهره‌دنیوی (مانند طلب روزیعی مال و فرزند) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۷)

۱.۲. اصطلاحی

علامه حلی از فقهای متقدم، دعا را این‌چنین تعریف کرده است: «دعا در اصطلاح به این معنا است که فرو دست از فرادست با حالت خضوع و افتادگی چیزی را طلب کند». (حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۹) همچنین گفته شده: دعا در اصل طلب دانی از عالی است و کوچک از بزرگ، با فروتنی، خضوع و استکانه. (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۷) علامه طباطبائی می‌گوید: «دعا و دعوت جلب نظر مدعو است به سوی دعاکننده که اغلب با لفظ یا اشاره می‌آید و اجابت و استجاب یعنی روی کردن مدعو به سوی دعاکننده به خاطر دعایش» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۱۷)

دعادارای ارکان چهارگانه است: ۱. خواننده شده (المدعو)، که خدای متعال است. ۲. خواننده (الداعی) که همان بنده است. ۳. خواندن (الدعا) که همان درخواست بنده است از خداوند ۴. خواننده شده برای او (المدعو له): که همان خواسته‌ای است که بنده با دعا کردن به سوی خداوند بالا می‌برد. (آصفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱)

لازم نیست که همیشه درخواست چیزی از خدا باشد هر زمانی که آدمی روی خود را به سوی خدا آورد آن را می‌توان دعا نامید. هر توجهی به سوی خدا، هر ارتباطی با دستگاه

الوهیت، هر اعتلای روحی با آن مقام اعلاء، دعا حساب می‌شود، خواه از خدا چیزی بخواهیم و خواه ستایش و سپاسگزاری از نعمت‌های داده شده و بالاخره سرودهای مذهبی، مناجات‌های گوناگون به شکل‌های مختلف اشکال مختلف دعا هستند. (قائنی، بی‌تا، ص ۲۲۰)

مقام معظم رهبری، سه دیدگاه برای دعا را در نظر می‌گیرند: در دیدگاه اول، وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هر آنچه که انسان بخواهد و آرزو کند. در دیدگاه دوم، وسیله است برای فهمیدن معارف الهی. اما طبق دیدگاه سوم انسان با دعا و تضرع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۱/۱۲/۰۷: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۱۲۵۴۹)

۲. نقش دعا در رشد جامعه

دعا از جنبه‌های گوناگون باعث رشد و تعالی و پیشرفت جامعه می‌گردد که از مهم‌ترین این تاثیرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲.۱. آرامش روح و روان

سلامت یکی از مفاهیم ضروری دنیای پیچیده انسان است که قدمتی به بلندای هستی وی دارد. هدف از سلامتی به‌عنوان کیفیتی از زندگی که تعریف و اندازه‌گیری آن سخت است؛ به حداکثر رساندن توان فرد برای بهتر زیستن می‌باشد. هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ حاکم بر آن، در جهت حفظ سلامت جسمی و روانی اعضای خود مؤثر است تا افراد سالم به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه، در فرایند توسعه پایدار آن نقش پویایی ایفا کنند.

استرس و مشکلات روحی و روانی، اختلالات عاطفی، اعتیاد، طلاق، ناسازگاری‌های فردی و اجتماعی و این اواخر شیوع کرونا موارد تهدیدکننده سلامت جسم و روان جامعه می‌باشند. فشار روانی علاوه بر این‌که می‌تواند تولیدکننده مشکلات جسمانی مانند

فشارخون بالا، سردرد، گردن درد و خستگی باشد، ممکن است سرآغازی برای ناتوانی روانی در بعضی از افراد گردد. (پیلتن، قانعی، ۱۳۹۱، ص ۹-۷)

در مقابل، آرامش روانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی برای بشریت است که تبلور شخصیت فردی و اجتماعی وی را برای تن دادن به زندگی منظم و سلامت از اضطراب و فشارهای روحی در پی دارد. اگر اصل اساسی آرامش را از زندگی حذف کنیم و در عوض به جای آن هر چیز دیگری را اضافه نماییم، تعادل به زندگی بازمی‌گردد و انسان به رشد جسمی و روحی دست نمی‌یابد. یک نویسنده‌ها هنرمند و یا صنعتگر اگر همه امکانات لازم برای کار را داشته باشد اما آرامش نداشته باشد، نمی‌تواند به موفقیت دست یابد و قله‌های پیروزی را فتح کند. بررسی زندگی انسان‌های بزرگ که توانسته‌اند خالق آثار ماندگار باشند نشان می‌دهد همه آنان یک زندگی توأم با آرامش داشته‌اند. (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸)

قرآن منشأ آرامش را خداوند می‌داند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾: همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد: ۲۸) علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مراد از ذکرالله یاد خدا و مطلق توجه انسان به خداست» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۸۷). ذکر به معنای یادآوری به قلب و زبان می‌باشد و در برابر غفلت و گاه در برابر نسیان به کار می‌رود و دعا مصداق بارز ذکر و یاد خداوند است و یکی از عوامل آرامش به حساب می‌آید. (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره توبه به پیامبرش دستور می‌دهد که برای مردم دعا کند، چرا که این دعا کردن موجب آرامش می‌شود. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی و (به هنگام گرفتن زکات) برای آن‌ها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آن‌هاست و خداوند شنوا و داناست» منظور این است که نفوس مسلمین با دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سکونت و آرامش می‌یابد. (طباطبائی، همان، ص ۵۱۲).

پس در انبوه تنگناها و اضطراب‌هایی که بسیاری از مردم را به نابودی می‌کشد، دل به یاد خدا آرام می‌گیرد و اضطراب‌های درونی با ذکر خداوند چاره می‌گردد. ارتباط با خدا انسان را امیدوار و دلگرم به قدرتی برتر می‌کند که اگر صلاح بداند به راحتی آن فشارها و سختی‌ها را برطرف می‌کند. یکی از کارهایی که در سیره علما نمود زیادی دارد همین دائم الذکر بودن و خواندن دعا است. بی‌شک توجه به اوقات و وجود دعاها، مختلف در زمان‌های مختلف نیز نشان دهنده این توجه است. خواندن دعا با عث می‌گردد تا انسان در زندگی خود به یاد خدا باشد و بداند که خداوند ناظر اوست. آن‌گاه خواهد دید که چه آرامش درونی بر او حاکم و چه برکاتی را به همراه دارد.

گاهی دعا با از بین بردن بلاهای طبیعی و غیرطبیعی موجبات این آرامش و سلامت را ایجاد می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ؛ امواج بلا را با دعا دفع کنید.» (نهج البلاغه: کلمات قصار ۱۴۶) و نیز امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَفَقَانِ الْيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرْدُ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ دعا و بلا با هم هستند تا روز قیامت و دعا بلا را دفع می‌کند حتی درحالی که نزول بلا قطعی شده باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۹) پس دعا نقش به سزا و بی‌واسطه‌ای در سلامت جسم دارد.

آرامش، تعادل روحی و نبود اضطراب، با تاثیرگذاری بر نحوه تفکر، احساس و رفتار فرد در زندگی فردی و اجتماعی، موجب برخورد درست با مسائل و گرفتاریها و به حداکثر رساندن توان فرد برای بهتر زیستن می‌شود. به او کمک می‌کند با غلبه بر چالش‌ها، ایجاد روابط و شکست مشکلات و ناکامی‌های زندگی به عنوان فرد مؤثر در فرایند رشد و توسعه جامعه خویش نقش مهمی را ایفا نماید.

به گفته رهبری یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه است. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. امروزه نیز صف‌های نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و

استاد و دانشجویان در دوران سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزار فساد، نشان دهنده نقش مؤثر دعا در رشد جامعه‌هاست. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

۲.۲. دریافت‌های امدادهای غیبی از طریق ارتباط با خالق

امداد غیبی تعبیری مرکب از دو واژه امداد و غیب است. ریشه امداد کلمه م. د. د. است که معنای انبساط و امتداد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۴) امداد یاری کردن دیگری است و بیشتر در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۴۲) امداد منحصر به چیزهای مادی نیست و در معنویات هم به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۵۲) و غیب چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۵۴). با توجه به معنای امداد و غیب معلوم می‌شود که امدادهای غیبی به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می‌گیرد، هرچند با عنایت به معنای لغوی واژه مزبور می‌توان جهان و نظم، حیات و نشاط و همه نعمت‌های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست، چنان‌که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای عام الهی دانسته است: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾؛ آن‌گاه شما را به روی آن‌ها برگردانیم و بر آن‌ها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم و عده (جنگجویان) شما را بیشتر (از دشمن) گردانیم» (اسراء: آیه ۶)؛ ولی این ترکیب اصطلاحاً به معنای مددهای غیبی ویژه در زندگی بشر است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۲)

امدادهای غیبی خداوند، تأثیر شگرفی در زندگی انسان‌ها دارد به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان گفت امدادهای غیبی در زندگی انسان‌ها یک استثناست و تنها در موارد نادری نمایان می‌شود، بلکه یکی از سنت‌های الهی است که مؤمن می‌تواند در سختی‌های زندگی به آن دل ببندد و امید نجات داشته باشد. امدادهای غیبی به عنوان یکی از سنت‌های مهم

قرآن کریم، مبین آن است که اگر انسان از امدادهای عام الهی درست استفاده کند و قابلیت‌های معنوی را در خود تقویت نماید، بی‌گمان نظام علی و معلولی جهان نیز به حمایت او بر می‌خیزد و او را از پشتیبانی خاص خود بهره‌مند می‌سازد. امدادهای غیبی را با توجه به کاربرد آن‌ها در قرآن می‌توان به دو دسته عمده بیرونی و درونی تقسیم نمود که فرستادن لشکر الهی، انجام امور غیر ممکن، حفظ و صیانت مؤمنین، افزایش نعمت‌های دنیوی و حکومت دادن به صالحان از جمله موارد عوامل بیرونی‌اند. هدایت بخشی، آرامش قلبی، اندک نمایی و ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان از جمله مصادیق عوامل درونی محسوب می‌شوند. (ابراهیمیان، ربیعی، سمبل، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶-۱۵۷)

این عوامل با ایجاد امنیت برای فرد و جامعه موجبات رشد آن‌ها را فراهم می‌کند. دعا، زمینه‌ساز امدادهای غیبی است. از مواردی که هم بر اهمیت تأثیر دعا بر دریافت کمک‌های ویژه الهی گواهی می‌دهد و هم بر وجود آن‌ها دلالت می‌کند، تقاضای پیامبران الهی برای این نوع از امدادها است.

به‌عنوان مثال حضرت نوح علیه السلام، پس از سال‌ها اذیت و آزار کافران از خداوند درخواست نابودی آن‌ها را کرد خداوند نیز خواسته او را اجابت نمود: ﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾ و (یادکن حکایت) نوح را که پیش از این (خدا را به یاری خود) خواند، ما هم او را پاسخ دادیم و او و اهلبیتش (و گرویدگانش) را از اندوه و بلای سخت (طوفان) نجات دادیم. (انبیاء: ۷۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ حنین (هنگامی که مسلمانان غافلگیر شدند و جز تعداد اندکی مانند علی علیه السلام از جنگ فرار کردند) دست به دعا برداشت و فرمود: «بار خدایا! ستایش تو راست و نزد تو شکایت می‌شود و تویی یاری دهنده.» آن‌گاه جبرئیل فرود آمد و گفت: دعای تو همان دعای موسی علیه السلام بود؛ هنگامی که خداوند دریا را برایش شکافت و او را از دست فرعون رهایی بخشید. (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۴۸)

در آیه: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ (به یاد

آرید) هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود می‌کردید، پس دعای شما را اجابت کرد که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می‌فرستم.» (انفال: ۹) دعا و استغاثه به خداوند، زمینه‌ساز اجابت آن از سوی خدا به صورت امداد فرشتگان در جنگ بدر بیان شده است. در آیه بالا لفظ «استغاثه» به کار رفته است. این واژه معمولاً در جایی به کار می‌رود که خطر گرفتار شدن در چنگ دشمن احساس شود. در این هنگام پیامبر دست به دعا برداشت و فرمود: «اللهم إن تهلك هذه العصابة لا تعبد في الأرض؛ خدایا اگر مسلمانان کشته شوند کسی که در زمین تو را بندگی کند نخواهد ماند.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۳-۲۰) در این هنگام خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرده و آن‌ها را به هزار فرشته یاریکرد.

البته دعا در کنار صبر و تقوا است که انسان و جامعه را از عنایات خاص الهی و امدادهای غیبی برخوردار می‌کند. پس باید توجه داشت که مقاومت و استقامت در برابر دشمن و عقب‌نشستن از مواضع حق و عدالت خواهانه در چارچوب توکل به خدا و دست به نیایش عملی بردن و ربنا گفتن، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عواملی است که امدادهای غیبی را نصیب شخص و جامعه می‌کند. مخصوصاً در زمانی که دشمن به همه عقاید مردم حمله آورده و دینداری سخت شده، در چنین زمانه‌ای استقامت بر دین و دینداری و مواضع صحیح و حق و دعا کردن است که می‌تواند دشمن را شکست دهد و آرامش و آسایش را به جامعه بازگرداند و سببی برای رشد جامعه گردد.

یکی از تاکیدات رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، اقتصاد مقاومتی است که با یک نگاه موشکانه به خوبی ضرورت برخورداری از این امداد غیبی در سایه دعا در آن رخ می‌نماید زیرا که در دوران ظالمانه تحریم و فشارهای اقتصادی، برای دریافت امدادهای غیبی، این مقاومت نمی‌تواند بیرون از چارچوب استقامتی و ودعا و خواستن از ذات باری تعالی برای رشد جامعه باشد؛ زیرا زمانی اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد که مقاومت مبتنی بر استقامت در چارچوب حق و آموزه‌های وحیانی باشد و شخص و جامعه بخواهد و

از خداوند بطلبد که اسلام و قرآن بر جامعه و جان و جهان حاکم شود. در این صورت است که دعا در کنار اقتصاد مقاومتی پاسخ می‌دهد و انسان و جامعه اسلامی از شرور دشمنان رها می‌شوند و دشمنان ناخواسته به عنوان لشکریان بی‌مزد و مواجب در خدمت جامعه اسلامی درمی‌آیند و به تعالی و رشد آن هم حتی کمک می‌کنند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.in/f/41673>)

۲.۳. همکاری و تعاون

واژه «تعاون» از ریشه «ع و ن»، در مفاهیم ذیل استعمال شده است:

۱. همکاری، یکدیگر را مدد رساندن در جهت ارضای نیاز مشترک.
۲. دیگریاری: یاری رساندن و کمک به دیگری. بر اساس این معنا از «تعاون»، کمک به دیگران بدون داشتن انتظار کمک از کمک گیرنده و یا بدون تصور سهم و نفعی، از امری که به کمک او انجام گرفته، صورت می‌گیرد. صورت کامل و والای دیگریاری، فداکاری و «ایثار» است که شخص منافع و خواست‌های خود را به نفع ارزش‌های عالی‌تر نادیده می‌گیرد. این امر، اثرات کاملاً مثبت و پایداری در ایجاد همبستگی اجتماعی دارد. (طالب، ۱۳۷۶، ص، ۴-۲)

بدون تردید، در هر جامعه‌ای افراد نیازمند و محروم وجود دارند؛ کسانی که یا توان کار و کوشش ندارند و یا درآمدشان به اندازه‌ای نیست که تمام هزینه‌هایشان را تأمین نماید. به دلیل آن‌که در بینش اسلامی، همه افراد بندگان خدایند و تمام ثروت‌ها نیز متعلق به اوست، نیازمندی‌های این‌گونه افراد در حد ممکن و مورد قبول باید تأمین شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲) اسلام، مسلمانان را برادر یکدیگر قرار داده و بر این، تضاد منافع را به اشتراک منافع و همدلی و همدردی تبدیل نموده است. در نظام اسلامی، انسان‌ها همانند اعضای یک پیکر محسوب می‌شوند که اگر یکی از آنان دردی احساس نماید و در رنج باشد سایر اعضا نیز در آن احساس با وی شریکند. (همان، ص ۱۴۹)

اشاره قرآن به تعاون و همکاری با صیغه امر: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

وَالْعُدْوَانِ؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید» (مائده: ۲) به خوبی ضرورت تعاون و دیگریاری را در جامعه و رشد آن به اثبات می‌رساند.

خدای سبحان در قرآن کلمه «بر» را بدین گونه تفسیر نموده است: ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ بلکه نیکی آن است که کسی، به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد. (بقره: ۱۷۷) کلمه «تقوا» نیز به معنای مراقب امر و نهی خدا بودن است، در نتیجه برگشت معنای تعاون بر «بر و تقوا» به این است که جامعه مسلمین، بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند و این همان صلاح و تقوای اجتماعی است. در مقابل، تعاون بر گناه یعنی عمل زشتی که موجب عقب افتادگی از زندگی سعیده است و بر «عدوان» که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص: ۲۶۶) دین مبین اسلام با تأکید بر خیرخواهی، تقوا و شتاب در همکاری، همیاری و دیگریاری مؤمنان، آنان را از هرگونه تعاون در بدی‌ها و دشمنی‌ها، که به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دامن می‌زند، برحذر داشته است. (پيله ور، ۱۳۵۰، ص ۴۶)

پس تعاون و همکاری، با در کنار هم قرار دادن افکار، انرژی‌ها و توانمندی‌ها و تبدیل تضاد منافع به اشتراک منافع و همدلی و هم‌دردی، علاوه بر تأمین امنیت روانی جامعه، باعث ارتقا همّت و تلاش و اراده جمعی برای انسجام کارها و فعالیت‌های بزرگ‌تر، تربیت نیروهای متخصص بهتر و با اعتماد به نفس‌تر، تولید فکرهای گوناگون و بیشتر، تقویت اندیشه، همدلی و همراهی و تقویت انگیزه افراد و وحدت ملی و ایجاد امت واحده اسلامی می‌شود و در نهایت منجر به افزایش کمی و کیفی در امور گردیده و رشد فرد و جامعه را در دارد.

اسلام به عنوان کاملترین دین برای هدایت بشر، بهترین معیارها را برای وفاق اجتماعی و همبستگی امت اسلامی، با توجه به تعاون و همکاری معرفی می‌کند. وجود دعاهای فروان و

روایات زیادی که به منظور ترغیب کردن مسلمانان به یاریکدیگر از یک طرف و ایجاد شدن تفرقه و عدم همکاری بین دشمنان از طرف دیگر، در کتب دعایی و روایی مسلمانان آمده است؛ دلیلی محکم بر اهمیت نقش دعا در ایجاد همکاری و تعاون می باشد.

امام سجاده علیه السلام در دعای چهل و پنجم و در عبارت پنجاه و دوم صحیفه سجادیه می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فَطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيداً وَ سُوراً، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعاً وَ مُحْتَشِداً مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَاهُ، أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْتَاهُ، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْتَاهُ، تَوْبَةً...؛ بارخدایا ما در روز فطر و روزه گشودنمان که آن را برای اهل ایمان (روز) عید و شادی و برای اهل دین خود (اسلام) روز اجتماع و گرد آمدن و روز تعاون و کمک کردن به یکدیگر قرار دادی؛ از هر گناهی که آن را به جا آورده ایم؛ یا کار بدی که پیش از این کرده ایم؛ یا اندیشه بدی که در دل داشته ایم؛ به سوی تو، توبه و بازگشت می نمایم...». (صحیفه سجادیه: دعای ۴۵ و ۵۲)

این عبارت از دعاهای امام سجاده علیه السلام درباره روز عید فطر است. از این قسمت دعا می توان استنباط نمود که مسلمانان بایستی با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند. همچنان که تعاون و همکاری در ایام خاص از ارج و منزلت خاصی برخوردار است. (احمدوند، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶-۳۹۵)

در سخنان مقام معظم رهبری آمده است: «این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده ای دُور هم جمع می شوند، می گویند، می شنوند، تصمیم می گیرند، ارتباطات فکری برقرار می کنند، داده ها و گرفته های فکری بین خودشان دارند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا می کند، یک جهت دیگری پیدا می کند، دل ها را به سمت دیگری می کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.» (امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۳۱ <https://www.khl.ink/f/> <https://www.khl.ink/f/> ۳۴۱۰۹/۳۱)

[//farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir)

پس اجتماع حول محور نماز و دعا و تأکید روایات بر دعای دسته‌جمعی در کنار راز و نیازهای فردی، باعث ایجاد کانونی قوی، برای اندیشه‌ورزی و همبستگی فکری و اجتماعی و سیاسی به منظور حل مشکلات و ایده‌پردازی‌های جدید برای رشد فرد و جامعه می‌باشد. نیز این اجتماع حول محور دعا و نماز، موجب به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت رسانی و فعالیت‌های نیکو کاری مخصوصاً در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی، در کنار افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه می‌شود که مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است.

۲.۴. نظم‌پذیری اجتماعی

نظم در لغت به معنای آرایش و سامان است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۶ - ۵۷۸) معنای مفهومی نظم در حوزه‌های مختلف متفاوت است. در حوزه اجتماعی، به رژیمی که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند داده و عهده‌دار اداره امور آن جامعه از جنبه‌های مختلف است و با هدفی مشخص و جامع، برتر از هدف‌های شخصی و عادی، تمام نیروهای انسانی و غیر انسانی را زیر نفوذ قرار می‌دهد، نظام آن جامعه گفته می‌شود که این نظام وسیله ایجاد نظم اجتماعی است. (جوان، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵)

نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضاییک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، برقراری نظم اجتماعی با همکاری و هماهنگی افراد جامعه با یکدیگر، امروزه از مهم‌ترین ابزارهای سنجش میزان عقلانیت جمعی، مدنیت و توسعه اجتماعی یک جامعه به شمار می‌رود (ربانی، میر شاه جعفری، پریشانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵-۱).

نظم‌پذیری اجتماعی یکی از پیش نیازهای مؤثر توسعه است؛ زیرا در سازماندهی توسعه‌ای، کار جمعی نقش عمده‌ای در فرایند توسعه دارد و اگر کسی نظم جمعی را نپذیرد و خود را با سیستم تطبیق ندهد، کار نظام مختل می‌شود. در دنیای جدید همه امور

تخصصی شده و تخصصی شدن کارها خود به معنای تقسیم کار است و در عین حال تقسیم کار خود نوعی نظم‌پذیری بوده و بدون اعتقاد به نظم و التزام به آن به وجود نمی‌آید. رشد و توسعه نیازمند پیشینی، هدایت و برنامه‌ریزی است که در سایه همین نظم اجتماعی حاصل می‌شود. در حقیقت وجود روحیه نظم‌پذیری در نظام جامعه، از هدر رفتن نیروها جلوگیری می‌کند و امکان ایجاد ثبات اجتماعی ممکن می‌شود. رشد و توسعه احتیاج به محیطی امن دارد چرا که در محیط امن است که امکان به کارگیری سرمایه‌ها چه مادی و چه معنوی ممکن می‌شود و یکی از مواردی که این امنیت را تأمین می‌کند همین نظم‌پذیری اجتماعی است. (مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، ش، ص ۹۵۷)

در مکتب‌های بشری نه الهی، دست یافتن به اهداف دنیوی و مادی تنها هدف مورد توجه این نظم‌پذیری است؛ اما از نظر اسلام، نظم اجتماعی باید طوری باشد که در سایه آن، جامعه بستر رسیدن افراد به سعادت دنیوی و اخروی را فراهم کند. به عبارت دیگر، به حقوق و آزادی‌های فردی آسیبی نرسد و از سوی دیگر «عدالت اجتماعی» برقرار باشد. چنین جامعه‌ای به قوانین دقیقی نیاز دارد و مسلماً تدوین چنین چیزجیز از طریق اتصال به منبع مافوق بشری امکان ندارد. طبق اعتقاد شیعه، این منبع مافوق بشری جز از طریق وحی و بیان معصومین علیهم‌السلام قابل دریافت و درک نمی‌باشد.. (جوان، ۱۳۸۳، ش، ص ۲۱)

دعا و مناجات و توصیه‌هایی که به صورت ویژه‌ای از طرف معصومین علیهم‌السلام وارد شده است نقش مهمی در برقراری این نظم اجتماعی دارد. معارف برآمده از دعاها و زیارات نه تنها رابطه انسان و خدا را تنظیم می‌کند، بلکه راهنمای عمل آحاد جامعه برای چگونه برقرار کردن روابط اجتماعی نیز هست. دعا به ما می‌آموزد که چگونه باید زیست؟ رفتار و وظایف مان چگونه باید باشد؟ اگر در دعا از خدا می‌خواهیم که «ما را عفو فرما!» در ضمن، می‌آموزیم که ما نیز از خطاهای دیگران درگذریم و آن‌ها را عفو کنیم.

همچنین اگر خداوند را به «ستار العیوب» بودن می‌ستاییم و او را پوشاننده عیب‌های دیگران می‌دانیم، این عبارت، غیرمستقیم به ما می‌آموزد که تو نیز عیوب دیگران را بپوشان.

(سبحانی نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۴-۷۱)

امام سجاد علیه السلام، در صحیفه سجادییه یکی از دعا‌های خود را به همسایگان و دوستان اختصاص داده و در آن برخی از مسئولیت‌های اجتماعی انسان در قبال آنهامانند: نرم خوئی، دعا کردن، رازداری، جویشدن از حالشان، گمان نیکوداشتن، دلجویی، عیادت کردن، حسد نداشتن، استقبال، مساوات، فروتنی، رفع نیازها را گوشزد کرده است. از باب نمونه می‌توان به: «و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ كَثْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاةِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْحِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ: آنان را به این امور موفق دان: برپا داشتن روش و طریقه‌ات، فراگرفتن زیندگی کمالات و صفات برزنده‌ات برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی‌شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان، خیرخواهی مشورت‌کنندگانشان و به عهده گرفتن امور واردین بر آنان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به ستم‌دیده‌هایشان و نیکو کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان، احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از درخواستشان.» (صحیفه سجادیه: دعای ۲۶)

در جامعه‌ای که نظم اجتماعی حاصل از مبانی اسلام، مستقر باشد و هنجارهای اجتماعی آن بر اساس اسلام تعریف شده باشد، تحقق اهداف اسلامی بسیار آسان‌تر و کم هزینه‌تر بوده و موجبات رشد آن جامعه را فراهم می‌آورد و انحراف جزئی از مسیر اسلام، روند کلی حرکت جامعه را بر هم نخواهد زد.

بنا به نظر رهبر معظم انقلاب، حقیقتاً جامعه ما در گذشته انضباط را نیاموخته است. یعنی حکومت دیکتاتوری و استبدادی و پادشاهی، اصلاً انضباط‌پذیر نیست؛ انضباط قوانین خاص خودش را دارد. آن انضباط، در واقع ضد انضباط انسانی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰، <https://www.khamenei.ir/>)

<https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/9615/> ایشان همه آحاد مردم را به انضباط اجتماعی و اقتصادی، درست حرکت کردن، عدم کار غیر قانونی و غیر اخلاقی، عدم بدگویی و اهانت به یکدیگر و عدم سوء استفاده از بیت المال و... دعوت نموده است و آن را در گرو اعتقاد به آرمان‌های انقلاب دانسته‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/۱۱/۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2784>): ایشان در بیانیه «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب با صیانت از کرامت خود و اصالت شعارهایش «وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است». بی‌شک نظم‌پذیری اجتماعی حاصل از این تفکر و شعارها مانند آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، آزادی، عزت، عقلانیت و برادری که سرشته با فطرت انسانی در این انقلاب دینی است؛ از لوازم مهم این تمدن‌سازی به شمار می‌آیند.

۲.۵. خودسازی و تزکیه نفس

تزکیه از ماده «زکو» در لغت آن را به معنای اصلاح دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۹۴) معنای نمو و رشد، تطهیر نفس و مال، تقوا، زمین پاک، مدح و ستایش و تنزیه خویش نیز برای آن ذکر شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸) در اصطلاح اخلاق و عرفان، تزکیه عبارت است از تطهیر و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی، به منظور گام برداشتن در جهت فضائل اخلاقی که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت می‌شود. (جمع نویسندگان، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۳۶) هر مخلوقی از مخلوقات الهی بر اساس ذات خود دارای حیثیت‌های متفاوتی هستند؛ فرشتگان عقل محض و حیوانات غریزه محض بوده؛ اما انسان در این دو جنبه متفاوت، منشاء تراحم است، نه از روی عصمت و عقل محض تمام رفتار خود را انجام می‌دهد، نه از روی غریزه و شهوت؛ بلکه دارای هر دو جنبه است. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۰) انسان در برابر عقل، نفس اماره را دارد که در دو قلمرو شهوی و غضبی از سیر طبیعی

عقل جلوگیری می‌کند. چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ؛ وچه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است.» (نهج البلاغه: کلمات قصار شماره ۲۱۱). (حسینی شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳۶۲)

قوای شهوی و غضبی انسان اگر آزاد باشند و مهار نگردند، از حالت اعتدال خارج گشته و موجب انحراف فکر و علم انسان از علوم نافع و معارف صحیح انسانی می‌شود. طبق فرمایش خداوند در آیه ۹ سوره شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ رستگار شده است آن کس که نفس را تزکیه کند؛» اما طبق «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً زیان کار خواهد گشت» (شمس: ۱۰) آن کسی که این صفات والای الهی که در وجود انسان هست را ندیده بگیرد، یقیناً در میدان‌های زندگی به شکست و نومیدی مبتلا خواهد شد.

بدون شک جامعه‌ای می‌تواند پویا و رشد یافته و دور از شکست و نومیدی باشد که افراد آن با بهره‌گیری صحیح از علوم و معارف نافع و صحیح، گام در راه ترقی و پیشرفت بردارند مگر نه علم یک ابزار و سلاح است؛ اگر در دست یک انسان بدطینت قرار بگیرد، جز فاجعه برای خود و جامعه چیز دیگری نمی‌آفریند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با

نخبگان جوان در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/10233>

پس تزکیه نفس موجب اصلاح دنیا و آخرت فرد می‌گردد؛ به طوری که حضرت علی علیه السلام ضمن حدیثی می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَا؛ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ؛ کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح نماید، خداوند امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان و اعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.» (نهج البلاغه: حکمت ۸۹)

تزکیه و به طبع آن اصلاح بین افراد موجب مهرورزی، انصاف و رعایت حال انسان‌ها با یکدیگر، رحم و مروت بین افراد بشر می‌گردد و آرامش را به زندگی بشر می‌بخشد. ناامنی‌های

به وجود آمده دنیای امروز، ناشی از سوءسیاست‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، بی‌اخلاقی‌ها، دوری انسان‌ها از تزکیه است. و اسلام ما را طبق آیه: ﴿مَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾؛ چنان‌که در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزّه می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزد. (بقره: ۱۵۱) دعوت به تزکیه می‌کند.

از دستاوردهای دعا، تعلیم و تزکیه است. از نظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، معرفت نفس، تزکیه، تهذیب، محاسبه نفس، رعایت تقوا، عمل به دستورات و معارف دینی از اصول اساسی خودسازی است و راه‌هایی مانند رعایت اخلاق، تعقل، عبادت، توبه، یاد مرگ، پرهیز از دنیادوستی، شهوت پرستی، امیال و آرزوها، اجتناب از فخرفروشی و تکبر و خودبینی آمده است. از نظر امام علی علیه السلام، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می‌شود و مقصود این نیست که هرگاه انسان بخواهد خود را بسازد و به اصلاح خویشتن خویش پردازد، باید از اجتماع دوری گزیند و انزوا اختیار کند؛ این تزکیه فردی در قالب اجتماع، باعث ایجاد انسان سالم با روابط حسنه و جامعه‌ای رشد یافته می‌شود. (حسنی، ۱۳۹۷، ص ۳۳)

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری ضمن تصریح بر وارد شدن ملت ایران در دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور می‌دانند. در این بیانیه تصریح شده است که شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در

جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

۲.۶. جامعه‌پذیری

فرهنگ علوم رفتاری، جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که به وسیله آن فرد راه‌ها، افکار، اعتقادات، ارزشها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد می‌گیرد و آن را جزو شخصیت خویش می‌نماید. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۴۱۵)

صاحب نظران علوم اجتماعی اعتقاد دارند، جامعه انسانی وابسته به کنش و روابط اعضای خویش می‌باشد و با کنش اعضای خود، نیازهای آنان را برآورده ساخته و ثبات و تداوم و بقای خود را ضمانت می‌کند. اساس ارتباط، کنش و تعاملات انسان‌ها در جامعه، آداب و مقرراتی می‌باشد که جامعه برای تسهیل این روابط و ممانعت از برخورد و اصطحکاک، ایجاد کرده است. آداب و مقررات، قالب و الگویی برای رفتار افراد، برقراری کنش و انجام عمل ایجاد می‌کند که موجب هماهنگی و یکپارچگی فعالیت و نزدیکی اعضای جامعه به یکدیگر می‌شود. (زین آبادی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸-۱۸۰)

جامعه انسانی برای بقا و تداوم خود نیازمند آشناسازی اعضای جامعه با این معیارها و قواعد است. از طرف دیگر، اعضای جامعه باید برای رفع سریع‌تر و کامل‌تر نیازهای خود، قواعد، آداب و مقررات رفتاری جامعه را بیاموزند. این نیاز دوطرفه موجب ایجاد فرایندهای یادگیری و جامعه‌پذیری در جامعه می‌گردد.

انسان‌ها در فرایند جامعه‌پذیری، با درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها یاد می‌گیرند که چگونه باید نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌ای قابل قبول برآورده سازند تا از آثار جامعه‌پذیربهم‌چو: رشد احساسی و عاطفی، رشد شناختی، رشد بازتابی - حرکتی و آشنایی با هنجارها، قواعد و معیارهای جامعه بهره‌مند شوند. این موارد نشان دهنده تأثیر بالای جامعه‌پذیری بر رشد جامعه است. جامعه‌پذیری عمدتاً توسط ۵ نهاد اصلی؛ خانواده،

مدرسه، دولت، اقتصاد و دین انجام می‌گیرد. هر یک از این نهادها کارکردها و وظیفه خاص خود را دارند و نیازی از نیازهای جامعه را برطرف می‌سازند.

آموزه‌ها و دستورات دینی، پراکنده در آیات، روایات و احکام و دعاها هستند. آشنایی فرد با معیارها، الگوها، آموزه‌ها و احکام دینی در فرایند جامعه‌پذیری دینی وی انجام می‌شود. در این فرایند، فرد با محتوا و معنای این معیارها آشنا شده و آن‌ها را در موقعیت‌ها و تعاملات زندگی روزمره خود به‌کار می‌گیرد. (همان)

نقش دعا به‌عنوان یکی از راه‌های جامعه‌پذیر کردن افراد در زمینه آموزش و تربیت نفس ناطقه در عرصه اجتماع‌بیش از سایر عرصه‌ها به چشم می‌خورد، چرا که انسانی که از تربیت الهی لازم برخوردار نباشد در این عرصه دچار لغزش‌های فراوانی خواهد شد و خواسته یا ناخواسته دست به تزییع حقوقی از سایر افراد جامعه خواهد زد. دعا با توصیفی از جامعه سالم و قوانین آن و وظایفیک انسان صالح و معیارهای آن نقش بزرگی در جامعه‌شناسی دینی ایفا می‌کند. (جوادی، باب الحوائجی، ۱۳۹۸، ص ۳)

دعا به‌عنوان یک نهاد تعلیم و تربیت، به انسان قدرت تفکر و رشد فکری و فرهنگی داده، او را از زندگی مادی و حیوانی، به کمالات معنوی که همان خداپرستی و کسب رضای خدای متعال است، سوق می‌دهد. از سوی دیگر، با رشد این نهاد، نهادهای دیگر نیز تقویت و تثبیت می‌شوند و زمینه آشنایی به قوانین و مقررات برای اعضای جامعه فراهم می‌گردد. (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۳۱۷-۳۱۵)

کارکرد اصلی دعا مخصوصاً برگزاری جلسات گروهی دعا به‌عنوان یکی از رسانه‌های سنتی اسلام‌پدید آموزش علوم دینی مانند مباحث خداشناسی، راه و راهنماشناسی، معادشناسی، جهان‌شناسی و سنت‌های حاکم بر زندگی اجتماعی، بیان احکام و روش‌های زندگی دینی و همچنین اخلاق اجتماع‌داری کارکرد ارشادی است و مقصود اصلی، ترغیب مردم به سوی ارزش‌های اسلامی و تحول در احساسات آن‌ها برای زمینه‌سازی رفتارهای دینی است. (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱)

یکی از موارد مورد تأکید رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اصلاح سبک زندگی است. زیرا ترویج سبک زندگی غربی، زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ بی‌شک کسی که طبق فرایند جامعه‌پذیری دینی راه‌ها، افکار، اعتقادات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد بگیرد و آن را جزو شخصیت خویش نماید، به راحتی مجذوب سبک زندگی پر زرق و برق و توخالی غربی نمی‌گردد. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۲.۷. زمینه ساز تشکیل دولت جهانی

واژه عدل و عدالت در لغت به معنای انصاف، داد، داوری و درستی آمده و شاید بهترین معنا همان مفهومی باشد که امام علی (علیه‌السلام) درباره آن ارائه دادند: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدل آن است که هر چیزی، در جایگاه خود قرار گیرد.» (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۳۷) (آمدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۲)

انسجام و حفظ وحدت اجتماعی و امنیت عمومی و در نهایت رشد جامعه در گرو برخورد‌ها و رفتارهای عادلانه می‌باشد و به عکس، تفرقه و جدایی، اختلاف گروهی و ملی و تشنجات اجتماعی، از ظلم و بی‌عدالتی برمی‌خیزد. عدل و دادگری نه تنها باعث قوام و استمرار اجتماع انسانی است و نوع آن‌ها را گرد هم آورده و جامعه سالم و پیشرفته‌ای را به وجود می‌آورد بلکه برترین عامل نگهدارنده حکومتها و دولتها است. حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «مَنْ جازَتْ وِلايَتُهُ زالتْ دَوْلَتُهُ؛ کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند، حکومتش از بین خواهد رفت.» (همان، ص ۶۱۱) و در حفظ ثبات و پایداری دولت می‌فرماید: «ثباتُ الدول بالعدل؛ ثبات و پایداری دولت‌ها، به برپایی قسط و عدل است.» (همان؛ ص ۳۳۵)

حکومت، لازمه زندگی اجتماعی و حیات جمعی است و انکار آن در حقیقت نفی زندگی اجتماعی و نفی زندگی اجتماعی، به معنای نابودی و هلاکت نوع بشریاست

(خلیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸-۱۲۴)

از نظر شیعه برقراری نظام حکومتی که همه روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد جز به دست آخرین امام معصوم علیه السلام و خاتم حجت‌های الهی، حضرت مهدی (ارواحنا فدای) امکان‌پذیر نیست. دولتی که پس از پشت سر گذاشتن همه تجربه‌های بشری و نوپیدی از همه الگوهای حکومتی خود ساخته، مستقر می‌شود. این سخن خداوند است که: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌بخشد و سرانجام نیک، برای پرهیزکاران است. (اعراف: ۱۲۸)

مهم‌ترین ارکان عدالت در جامعه مهدوی، حاکم عادل، کارگزاران عادل، قوانین عادلانه، نظام عادلانه است. در این حکومت، اولاً پارساترین و توانمندترین انسان‌ها به‌عنوان حکمرانان و کارگزاران برگزیده می‌شوند؛ ثانیاً وظایف تک تک آن‌ها بی‌هیچ کم و کاست تعیین می‌گردد؛ ثالثاً نظارت و بازرسی دقیق و سخت‌گیرانه بر همه کارگزاران اعمال می‌شود، تا یک نظام حکومتی مبتنی بر عدالت تشکیل گردد و جامعه را به رشد واقعی خود برساند. (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۱، ص ۴۶)

دعا برای تعجیل ظهور امام عصر علیه السلام زیباترین آرزو و از بهترین دعاهاست؛ زیرا خیر و سعادت دنیا و آخرت ما و همه انسان‌ها و نیز گشایش در امور مادی و معنوی جهانیان، وابسته به آن است. ائمه اطهار علیهم السلام ما را به این امر حیاتی و بااهمیت دعوت نمودند و حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در توقیعی خطاب به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج و ظهور من بسار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست.» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۸۵)

همچنین آن حضرت در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِمَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خداوند متعال ایشان را

به اطاعت خویش موفق بدارد. با دل‌های متحد و یک پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهدۀ با معرفت برای آن‌ها به زودی حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نائل می‌شدند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۷۶)

امام صادق علیه السلام درباره نقش دعا در تعجیل فرج و برای تشویق شیعیان به این امر مهم فرمودند: «... وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد. چهل روز به درگاه خدا گریه کردند. خداوند متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود: که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند در حالی بود که از چهارصد سال (عذاب)، صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خداوند متعال به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر نمود.» آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمودند: «شما (شیعیان) اگر این عمل (یعنی گریه و دعا کردن برای تعجیل فرج) را انجام دهید، خداوند قطعاً فرج و گشایش ما را می‌رساند و اگر انجام ندهید این امر به نهایت خود می‌رسد». (عیاشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۵)

مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم با استناد به این روایت می‌گوید: «آنچه از روایات به دست می‌آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر علیه السلام از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادش هست.» (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴۷) یعنی می‌توان با دعا نمودن، ظهور امام عصر علیه السلام را جلو انداخت و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیان‌گر آن است که فرارسیدن دوران ظهور، داراییک زمان صددرصد تعیین شده و تغییرناپذیر نیست و اگر مردم به مسئله غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی‌توجهی نموده و با دل‌های متحد و یک پارچه، فرج آن حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن بزرگوار را تا انتهای که برای دوران غیبت در نظر گرفته است و ما از آن اطلاعی نداریم، به تعویق خواهد انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا برسد.

تنها یکی از آثار «دعا برای تعجیل فرج» تسریع امر ظهور امام عصر (ارواحنا فدای) است.

این دعا آثار و برکات فراوانی همچون آمرزش گناهان، نزول نعمت، دفع بلاها، طول عمر، وسعت رزق، ورود به بهشت، نائل شدن به شفاعت اهل بیت علیهم السلام، امان از تشنگی روز قیامت و... دارد که مؤلف مکیال المکارم به ۱۱۰ فایده از فواید آن اشاره نموده است. (هراتیان، علی، ۱۳۸۶، «دعا کلید ظهور»، موعود، شماره ۸۱، ص ۱۲)

از جهت دیگر، یکی از اموری که شیعه با توجه به سلوک ائمه اطهار (علیهم السلام) در زندگی خود بدان توجه دارد، دعاها و زیارت نامه‌هایی است که از ایشان به یادگار مانده است و از آن‌ها می‌توان به دعای افتتاح، عهد، فرج، ندبه و... اشاره کرد که در آن‌ها، دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت حقه و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان و رشد جامعه به زیبایی نشان داده شده است.

طبق بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، رهبر معظم انقلاب توصیه‌های فراوانی را در راستای تشکیل دولت مهدوی و اجرای عدالت بیان کرده‌اند. عدالت و مبارزه با فساد را دو لازم و ملزوم می‌دانند. فسادهای اقتصادی و اخلاقی و سیاسی را عامل از بین رفتن مشروعیت نظام‌ها دانسته‌اند و جوانان و مسئولان را به برداشتن گام‌های بلندی برای زمینه‌سازی برقراری عدالت کامل در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) تشویق نموده‌اند.

ایشان فرمودند: «ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا مورخ ۱۳۷۶/۵/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/>)

پس آنچه مسلم شد دعا که عنصری زبانی است، در فرهنگ و تمدن شیعه با جدا نمودن

آن‌ها از همه تعلقات و اتصال به خالق بی‌همتا و با وجود داشتن ماهیت فرهنگی، کارکردی تمدن ساز دارد. توجه به ادعیه شیعه و استفاده مرتب از آن در طهارت و رشد و تعالی فرد و جامعه تأثیر فراوان داشته و دوری از آن که موجب از دست دادن زمینه ایمنی و سلامت و سعادت فرد و جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از مجموع این تحقیق موارد زیر نیز به دست می‌آید:

دعا از زیباترین واقعیات عالم انسانی است و صرف نظر از بحث استجابت به تنهایی برای انسان کشش و جاذبه زیادی دارد و او را از همه تعلقات جدا و به خالق بی‌همتای خود متصل می‌کند. آرامش روح و روان، دریافت امدادهای غیبی، همکاری و تعاون، نظم‌پذیری اجتماعی و جامعه‌پذیری از مهم‌ترین آثار دعا هستند که نه تنها در حنبه فردی بلکه در جامعه موجبات رشد و تعالی آن را فراهم می‌کنند.

در مذهب شیعه، فرد و جامعه به وسیله دعا به تربیت و تزکیه نفس اقدام کرده و به طور مرتب و در طی زمان به آماده ساختن خود برای رسیدن به نقطه آرمانی این مذهب یعنی انسان کامل در فرد و مدینه فاضله در جامعه می‌پردازد. تمدنی که در مذهب شیعه در قالب دعا ارائه می‌شود با ظهور و حضور مهدی عجل الله تعالی فرجه و تشکیل دولت عدل جهانی وی واقعیت خارجی پیدا می‌کند. این تمدن دارای ویژگی‌هایی است که در جای جای ادعیه برای مشتاقان تبیین و تشریح شده است.

فهرست منابع

کتاب‌ها:

۱. قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان.
۴. آذربایجان، مسعود و دیگران، ۱۳۸۷، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه حوزه دانشگاه.
۵. آذیر، حمید رضا، ۱۳۸۱ ش، بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، چاپ اول، قم، انتشارات سرور.
۶. آصفی، محمد مهدی، ۱۳۹۷، الدعاء عند اهل بیت، چاپ هفتم، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷. آمدی، ابوالفتح، ۱۳۸۶، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، نجف، دارالکتاب الاسلامی.
۸. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ۱۳۸۲، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، چاپ ششم، قم، انتشارات جمکران.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۰، تحف العقول، مترجم بهزاد جعفری، علی اکبر غفاری (مصحح)، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم، انتشارات علامه.
۱۱. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، محقق عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، بیروت، الدار الإسلامیة.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۱۳. احمدوند، فردین، ۱۳۹۱، مکارم اخلاق در صحیفه، چاپ اول، قم، زائر آستانه مقدسه.
۱۴. باهنر، ناصر، ۱۳۸۷، رسانه‌ها و دین از رسانه‌های سنتی اسلامی تا تلویزیون، چاپ دوم، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۱۵. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. جمع نویسندگان، ۱۳۷۳، دائرة المعارف تشیع، چاپ ششم، تهران، انتشارات شهید سعید محبی.

۱۷. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۷۷، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبادی اخلاق در قرآن)، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسوه.
۱۸. جوان، عبدالله، ۱۳۸۳، نظام اجتماعی در اسلام، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۹. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵ش، جامعه‌شناسی نظم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات نی.
۲۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، علی سیری، چاپ اول، بیروت. دارالفکر.
۲۱. حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۳۹۵، توضیح نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، دار التراث شیعه.
۲۲. حلی، احمد بن فهد، ۱۳۷۵، عدة الداعی و نجاح الساعی، حسین غفاری ساروی، چاپ اول، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۲۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ هشتم، تهران، سمت.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، غلامرضا خسروی، چاپ اول، بیروت، الدار الشامیه.
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۲، فرهنگ علوم رفتاری، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
۲۶. شفیع مازندرانی، محمد، ۱۳۸۴، سرچشمه‌های آramش در روانشناسی اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات عطراگین قم.
۲۷. طالب، مهدی، ۱۳۷۶، اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ ششم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۹. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، ۱۳۷۹ق، مجمع البیان، هاشم رسولی محلاتی، بی‌چاپ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عیاشی، محمد بن سعود، ۱۳۶۳، بی‌چاپ، تفسیر عیاشی، قم، العلمیه.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۳۲. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۹، جوان و آramش، چاپ ششم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۷۹، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق از صحیفه سجاده، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۴. قائنی، مهدی، بی تا، دعا از نظر دانشمندان، چاپ اول، قم، دار الفکر.
۳۵. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. قمی، عباس، ۱۳۹۰، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، چاپ ۳۴، قم، الهادی.
۳۷. قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۷ق، تفسیر قمی، طیب موسوی جزائری، چاپ چهارم، قم، نشر دارالکتاب.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ش، مدیریت مالی و اقتصادی، بی جا، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، جامعه و تاریخ، چ پنجم، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
۴۲. ملکی تبریزی، جواد، ۱۳۸۸، المراقبات، کریم فیضی، چاپ اول، قم، نشر قائم آل محمد علیهم السلام.
۴۳. موسوی اصفهانی، محمدتقی، ۱۳۹۰، مکیال المکارم، مهدی حائری قزوینی، چاپ اول، قم، انتشارات اکرام.
۴۴. نراقی، احمد، ۱۳۸۶، معراج السعادة، چاپ پنجم، قم، انتشارات قائم آل محمد قم.

مقالات

۴۵. ابراهیمیان، ربیعی، سمبل، ۱۳۹۴، «شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مؤمنین از منظر آیات قرآن»، فصل نامه علمی و پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۲۴، سال ششم، ص ۱۷۶-۱۵۷.
۴۶. احمدی فراز، مهدی، ۱۳۹۲، «الگوپذیری از دعاهای صحیفه سجادیه و تأثیر آن بر سلامت»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های حکمت اهل بیت علیهم السلام»، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۰-۱۷.
۴۷. اخوان مقدم، زهره؛ حبیب پور، زهرا، ۱۳۹۶، «تحلیل محتوای دعای عرفه منسوب به امام حسین علیه السلام»، پژوهشنامه معارف حسینی (آیت بوستان سابق)، سال دوم، شماره ۸، ص ۱۱۰.
۴۸. پیلتن، فخرالسادات؛ قانع، فرزانه، ۱۳۹۱، «بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر سلامت عمومی»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره پنجم، ص ۷-۹.
۴۹. پیله ور، علی اصغر، ۱۳۵۰، «تعاون و عدالت گسترگی در فضای شهری»، ماهنامه تعاون، ش ۱۱۶، ص ۴۶.

۵۰. جوادی، مهدی؛ باب الحوائجی، طاهره، ۱۳۹۸، «بررسی دعاهایی از صحیفه سجادیه به عنوان راهکاری مؤثر در جهت اصلاح بعضی از روابط اجتماعی»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم انسانی، ص ۳.
۵۱. حسنی، حسین، ۱۳۹۷، «خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، نشریه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ش دو، ص ۳۳.
۵۲. خلیلی، مصطفی، ۱۳۸۴، «عدالت و حکومت از دیدگاه علی علیه السلام»، رواق اندیشه، شماره ۴۴، ص ۱۳۸-۱۲۴.
۵۳. خیری، حسن؛ بصیرت، محمد یاسین، ۱۳۹۷، «جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین) سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۵-۱۴.
۵۴. ربانی، سمیه و میرشاه جعفری، سیدابراهیم و پریشانی، ندا، ۱۳۹۴، «بررسی تأثیر دین و ارزش‌های دینی در برقراری نظم و انضباط اجتماعی و مولفه‌های تقویت آن در اسلام»، همایش ملی سبک زندگی نظم و امنیت زنجان، ص ۱.
۵۵. زین‌آبادی، مرتضی، ۱۳۸۶، «جامعه‌پذیری حجاب»، کتاب زنان، ش ۳۸، ص ۲۱۸-۱۸۰.
۵۶. سبحانی‌نیا، محمد، ۱۳۹۰، «آثار تربیتی و روانشناختی دعا»، فصل‌نامه راه تربیت، سال ششم، شماره ۱۵، ص ۴۴-۷۱.
۵۷. شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۸۱، «ارکان عدالت موعود»، موعود، شماره ۳۴، ص ۴۶.
۵۸. هراتیان، علی، ۱۳۸۶، «دعا کلید ظهور»، موعود، شماره ۸۱، ص ۱۲.
۵۹. یادداشت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره مناجات شعبانیه ۱۳۶۹/۱۰/۰۱.
۶۰. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۰۷.
۶۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.
۶۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۵/۰۹/۲۰.
۶۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از ایشاگرگان و خانواده‌های شهدا مورخ ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.
۶۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام در سالروز مبعث مورخ ۱۳۸۳/۰۵/۲۰.
۶۵. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۹.
۶۶. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

۶۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان جوان در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۴.
۶۸. بیانات مقام معظم رهبری دیدار جوانان خراسان شمالی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۶۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۵.
۷۰. بیانات مقام معظم رهبریدر دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران مورخ ۱۳۹۵/۵/۳۱.
۷۱. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران در مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.

نقش اقتصادی خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی

منیره حقیقت بیان (نویسنده مسئول)^۱

اسماعیل چراغی کوتیانی^۲

چکیده

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که «در شرایط فشار، شرایط تحریم، شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور است». امروزه، به دلیل فشار اقتصادی و تحریم دشمن، توسعه اقتصادی و معیشت به مهم‌ترین مسئله گام دوم انقلاب تبدیل شده است. از این رو مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بدان اشاره فرموده و در بند سوم توصیه‌های اساسی خویش، اقتصاد قوی را نقطه کلیدی و عامل مهم سلطه‌ناپذیری کشور معرفی می‌کنند و همه نهادها را به هم‌افزایی در تحقق آن توصیه می‌کنند. یکی از نهادهای اثرگذار در این حوزه، خانواده است. یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، بیان‌گر آن است که توجه به دو عنصر تولید و مصرف در خانواده و هماهنگی آن با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، از طریق پرداختن به اموری چون کار خانگی، توانمندسازی اعضا، مدیریت هزینه‌ها و... تحقق اقتصاد مقاومتی را در سطح کلان تسهیل می‌نماید.

کلید واژگان: گام دوم انقلاب، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد، خانواده.

۱. سطح ۳ مطالعات اسلامی زنان، جامعه الزهراء، قم. haghigatb64@gmail.com

۲. Esmaeel.cheraghi@gmail.com مدرس جامعه الزهراء ع.ا.ع.

مقدمه

آن روز که جهان میان شرق و غرب تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیشمرد، انقلاب اسلامی یا قدرت پا به میدان نهاد. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>) طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم با تمام توان در براندازی این نظام بکوشند. با همین هدف جنگ نظامی را علیه کشور ایران آغاز کردند. پس از محقق نشدن هدف با جنگ نظامی، جنگ به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از عرصه‌ها، عرصه اقتصادی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۲۹۲۳۶)

تحریم‌های یک جانبه است. بر این رهبرانقلاب در سال ۸۶، راه شکست دشمن در این عرصه را رشد اقتصادی بر پایه تحقق اقتصاد مقاومتی عنوان نموده و در بیانیه بدان اشاره کرده‌اند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

توجه به دو نکته، بحث ضرورت تحقق اقتصاد مقاومتی در حوزه خانواده را تبیین می‌کند؛ نخست این که در چند سال اخیر با شدت یافتن تحریم‌ها، اقتصاد کشور مورد حمله واقع شده است؛ برای مقابله با این امر، مفهوم جدید «اقتصاد مقاومتی» از سوی رهبر معظم انقلاب به ادبیات اقتصادی کشور اضافه گردیده است؛ که هدف از آن کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر تولید داخلی و تلاش برای خودکفایی در جهت فراهم سازی پیشرفت کشور می‌باشد. نکته دوم: در آموزه‌های اسلامی تمام افراد در جامعه دارای نقش هستند، و در قبال یکدیگر وظیفه‌ای بر عهده دارند. در حوزه اقتصاد مقاومتی نیز این قاعده حکم فرماست. خانواده به عنوان اثرگذارترین واحد اجتماعی از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در برپایی اقتصاد مقاومتی نقش دارد. خانواده آغازگر تربیت نیروی انسانی و انسان زمینه‌ساز پویایی اقتصاد است. همچنین بزرگترین نهاد مصرف‌کننده، خانواده است. چنانچه مصارف خانگی متناسب با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی صورت پذیرد، از هدررفت

سرمایه ملی جلوگیری شده، رشد اقتصاد کشور را به همراه خواهد داشت. پژوهش حاضر به نقش اقتصادی خانواده می‌پردازد. با توجه به هماهنگی اهداف اقتصادی خانواده با اقتصاد مقاومتی، آنچه در اقتصاد خانواده و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد، تلاش در جهت افزایش درآمد خانواده و همچنین کوشش در جهت مصرف صحیح درآمد خانواده است. مقاله پیش‌رو که به روش توصیفی - تحلیلی، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، به تولید و مصرف در خانواده می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

بحث اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با خانواده از موضوعات نسبتاً جدیدی است که در چند سال اخیر مطرح گردیده است. اقتصاد مقاومتی به تنهایی در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات مطرح گردیده است و اقتصاد خانواده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. اما در مورد این که ارتباط این دو موضوع چگونه است تحقیقات اندکی انجام شده است که به برخی اشاره می‌شود.

۱. علی رضا عباسی، جلال بکتاشیان و اکبر سنایی فردر کتاب «نقش خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی» ابتدا چالش‌های موجود در سه عرصه مصرف، کسب و کار و فرهنگ را مطرح می‌کنند، سپس با راه کارهای ده‌گانه برای این آسیب‌ها، آحاد جامعه را با نقش خویش در تحقق اقتصاد مقاومتی آشنا می‌سازند.

۲. مونس سیاح در کتاب «اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده» اقتصاد مقاومتی در خانواده را ذیل مباحث جایگاه خانواده و زن از دیدگاه اسلام، اقتصاد خانواده، اشتغال زنان و مدیریت اقتصادی بررسی نموده، سپس به ارائه راهکار پرداخته است.

۳. در کتاب «خانواده مقاوم» که توسط مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی منتشر شده است ذیل سه فصل دشمن‌شناسی، برنامه‌ریزی اقتصادی و تربیت اقتصادی در خانواده، به نقش خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازد.

برخی از مقالات در این زمینه نیز عبارتند از:

۱. محمود اصغری در مقاله «خانواده و نقش آن در اقتصاد مقاومتی» که در سال ۱۳۹۳ توسط مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی منتشر شده است، بعد از مفهوم‌شناسی خانواده و اقتصاد مقاومتی، نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی را از دو منظر مصرف و پس‌انداز بررسی نموده است.

۲. علی بیرانوند در مقاله «جایگاه و نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی» که در سال ۱۳۹۵ توسط سایت اندیشه برتر منتشر شده است، تربیت و فرهنگ‌سازی در نهاد خانواده، عدم تمایل به خرید اجناس خارجی، تربیت نیروی کارآمد را از وظایف خانواده در خصوص تحقق اقتصاد مقاومتی دانسته است.

۳. علی اصغر قائمی‌نیا در مقاله «نقش خانواده در تجلی اقتصاد مقاومتی»، که در سال ۱۳۹۲ در سایت راسخون درج شده است، به‌طور مختصر به بررسی مسئله مدیریت مصرف و ابعاد آن پرداخته است و اصلاح الگوی مصرف را به‌عنوان راهبرد بلندمدت و هدایت‌مدگرایی فعلی و ایجاد مکانیسم مالی برای جذب سرمایه‌های خرد را به‌عنوان راهبر کوتاه‌مدت مدیریت مصرف مطرح می‌کند.

۴. «نقش زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی» که توسط زینب پیکار بروجنی در سال ۱۳۹۲ در کیهان نگاشته شده است، به‌طور اجمال به چند مؤلفه از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و نقش زن در آن پرداخته است.

با بررسی مختصر منابع روشن می‌گردد که در غالب آثار یاد شده، اقتصاد، با تأکید بیشتر بر حوزه مصرف بررسی شده است حوزه مصرف نیز به‌طور غالب معطوف به مواردی چون اصلاح الگوی مصرف است و به مواردی چون توانمندسازی، کسب مشاوه صحیح و لزوم سازواری خانواده با طبقه اجتماعی و... کمتر پرداخته شده است. در این نوشتار تلاش شده است به نقش اقتصادی خانواده در دو حوزه تولید و مصرف و تبیین موارد مهم آن، در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی

الف) اقتصاد

اقتصاد در لغت عبارت است از به‌اندازه خرج کردن (عمید، ۱۳۶۳: ۱۴۴) و مجازاً صرفه‌جویی (معین، ۱۳۸۲: ۱۳۳) است. در معنای اصطلاحی نیز، شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی است که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات از منابع محدود و یا غیرآماده به منظور مصرف به کار می‌گیرد. (عبدللهی، ۱۳۹۰: ۲۵). در تعریفی دیگر رفتار خاص انسان است که با خواستن، ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف توأم باشد و بیشترین موفقیت را برای او حاصل کند. (نمازی، ۱۳۹۰: ۳۹). مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با تأکید بر اهمیت اقتصاد در دستیابی به اهداف اشاره می‌فرماید «اقتصاد یک نقطه تعیین‌کننده است؛ وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

ب) اقتصاد مقاومتی

«اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مجاورین رضوی، ۹۵/۱/۱ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/32695>) این اصطلاح که اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد، از منظر ایشان دارای مؤلفه‌هایی چون تحرک و پویایی اقتصاد، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، پرهیز از اسراف و مردم‌محوری، استقلال اقتصادی و خودکفایی، توانایی مقاومت در مقابل عوامل تهدیدزا، دانش‌محوری، فسادستیزی، رویکرد جهادی و کاهش وابستگی به نفت است. (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصادی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/25795>)

ج) خانواده

خانواده در لغت عبارت است از: اهل خانه. مجموعه خویشاوندان، مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. کوچکترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر و فرزندان آن‌ها است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۲۰ / ۱۸۴) صاحب نظران تعریف‌های متعددی برای خانواده ارائه کرده‌اند. رهبر فرزانه با تأکید بر نقش تاثیرگذار خانواده در اجتماع آن را سلول اصلی جامعه معرفی نموده‌اند و بیان می‌کنند: «مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است». (امام خامنه‌ای، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۹۰/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/18453>)

در ادامه به تحلیل نقش اقتصادی خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم:

الف) تولید در خانواده

ستون فقرات اقتصاد مقاومتی...، عبارت است از تقویت تولید داخلی. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از کارگران کشور، ۹۴/۹/۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/29566>) در قرآن دو عامل منابع طبیعی و نیروی انسانی برای تولید ذکر شده است. (اسرا: ۶). خداوند در آیات زیادی (ابراهیم، ۳۲ و ۳۳؛ عنکبوت، ۶۱؛ لقمان، ۲۰؛ جاثیه، ۱۳؛ رعد، ۲) منابع مسخر انسان را بیان می‌کند و تأکید می‌نماید منابع طبیعی به‌عنوان مواد خام در اختیار انسان قرار داده شده تا با استفاده از آن‌ها در جهت کسب روزی خویش بکوشد. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۴۶۲). یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، اهتمام به فعالیت تولیدی است. لازمه این امر، بهره بردن از همه ظرفیت‌های موجود در خانواده و به کارگیری حداکثر نیروی انسانی است. «مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور، نیروی انسانی کارآمد است... ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، هفت درصد ذخایر معدنی جهان را دارا است. ولی از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده، رتبه اول جهان است» (بیانیه گام دوم) در این مقاله، تولید در خانواده ذیل سه عنوان اهتمام به تولید کالا و خدمات خانگی،

همکاری اعضا در تأمین نیازهای خانواده و توانمندسازی اعضا در مسیر تولید کالا و خدمات در خانواده بررسی می‌شود.

۱. اهتمام به تولید کالا و خدمات خانگی

تولید و خدمات خانگی که گاهی از آن به «کار خانگی» تعبیر می‌شود، فرآیندی است که از طریق آن، زنان با انجام خدمات خانگی و اجتماعی کردن خانواده، به بازتولید سرمایه می‌پردازند. (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۹۸ / ۱۱۲).

کار خانگی به سه بخش قابل تقسیم است. بخش اول شامل بخشی از تولید خانگی است که صرف مصرف خود خانوار می‌گردد، بخش دوم مشتمل بر کار خانگی است که از بازار عبور می‌کند و منجر به درآمد برای خانوار می‌شود. بخش سوم مربوط به کارهای خانه‌داری مانند نظافت و مراقبت از فرزندان است. (همان) هر سه بخش مذکور دارای ارزش اقتصادی است. از منظر اقتصادی، بنابراین تحقیق انجام شده در سال ۱۳۷۳، ارزش افزوده طبخ غذا به عنوان یک فعالیت رایج خانه‌داری، ۱۵ هزار میلیارد ریال و معادل سهم نفت در تولید خالص ملی بوده است. (جزئی، ۱۳۸۲: ۲۲ و ۲۳). بخش دوم نیز که ارتباط مستقیم با اقتصاد دارد و با عرضه در بازار موجب افزایش عایدی خانواده می‌شود. همچنین در بخش سوم، چنانچه فعالیت‌هایی چون شست‌وشو و مراقبت از فرزندان و نظافت توسط اعضای خانواده انجام پذیرد، بخشی از درآمد که باید صرف تأمین این امور از خارج شود، در سبب دارایی خانواده باقی می‌ماند.

از منظر اسلامی نیز، کار و تولید خانگی ذیل بحث خانه‌داری بیان شده است و ارزش زیادی برای آن ذکر گردیده است. چنان‌که رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «ما من امرأه تکسو زوجها الا کساها الله یوم القیامه سبعین خلعه من الجنة؛ هیچ زنی نیست که شوهر خود را بپوشاند مگر آن‌که خداوند در قیامت هفتاد لباس فاخر بر او می‌پوشاند». (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۵۵). و «ایما امرأه رفعت من بیت زوجها شیئا من موضع الی موضع ترید به صلاحا نظر الله الیه و من نظر الله الیه لم یعدّ به؛ هرگاه زنی در خانه شوهر چیزی را به قصد اصلاح، جابه‌جا

نماید، خداوند به او نظر می‌کند و کسی که خدا به او نظر کند، عذاب نمی‌شود». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۵۱). براین اساس رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: «یکی از مهم‌ترین وظائف زن، خانه‌داری است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان: ۱۳۹۲/۲/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22443>)

گفتنی است هرچند نقش مادران و دختران در تولید و خدمات خانگی پررنگ‌تر است، لیکن با توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی چون کار و تلاش و استفاده از همه ظرفیتها اختصاص به زنان ندارد و همه اعضای خانواده باید در این مهم بکوشند. مثلاً فرزندان به جای این‌که هر ماه یک بازی فکری بخرند، خودشان در خانه با استفاده از وسایل موجود، بازی بسازند.

بی‌مهری به خانه‌داری برای خانواده آسیب‌زا است. از جمله آسیب‌های اقتصادی، تحمیل هزینه‌های اضافی چون هزینه تهیه غذا از بیرون خانه، تغذیه با کیفیت پایین و ایجاد بیماری است. اگر به این مسئله هم نظر کنیم که گاهی زنان مشغول به کاری می‌شوند که درآمد پایینی دارد و تنها کفاف هزینه رفت و آمد و نهایت هزینه مهد کودک را می‌دهد، در اینصورت، اشتغال آن‌ها نه تنها درآمدزایی نداشته است، بلکه هزینه‌افزا خواهد بود.

۲. همکاری اعضاء در تأمین نیازهای خانواده

خانواده نهادی اجتماعی است که متشکل از اعضا و شیوه تعامل آن‌ها است. براین اساس یکی از مباحث مدیریت خانواده، تعیین الگوی تعاملی مناسب است. الگویی که سازنده بیشترین میزان از احساسات و تفکرات مثبت باشد و رابطه را به سوی پیشرفت و تعالی خانواده سوق دهد. (صافی، ۱۳۸۸: ۸۵)

منظور از تعامل، رفتاری است که حداقل دو طرف دارد. (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۸). یکی از الگوها نیز، الگوی پذیرا و پویا است. در این الگو اعضای خانواده در عین حال که کنار هم زندگی می‌کنند، به موقع با یکدیگر تعامل مثبت دارند و به موقع نیز به عمل مستقل می‌پردازند. ویژگی‌های فردی اعضای خانواده در این الگو عبارت است از پذیرش خود

به عنوان موجودی ارزشمند، دوری از خودخواهی‌ها، خود رأیی‌ها، داشتن هدف مشخص و متعالی در زندگی، راضی و خشنود بودن به داشته‌ها و عدم بزرگ‌نمایی محدودیت‌ها. (همان، ۱۰۰)

نوع تعامل درون خانواده، روش مدیریت خانواده را تعیین می‌کند. روشی که با الگوی پذیرا و پویا هماهنگی دارد، الگوی مشارکتی است. (صافی، ۱۳۸۸: ۸۸). در الگوی مشارکتی، همه اعضا به دو گونه در رفع نیاز دیگری می‌کوشند. نخست این‌که هر عضو با استفاده از مهارت‌های خود، جهت رفع نیاز دیگران تلاش می‌کند. همچنین، در مواردی که امکان فراهم کردن نیاز تمامی اعضا وجود ندارد، از نیاز خود گذشته و به برآوردن نیاز عضو دیگر کمک می‌کنند.

در زمان بروز نابسامانی‌های اقتصادی یکی از بهترین شیوه‌های برون‌رفت، همکاری‌های درونی خانواده می‌باشد. آثار این همکاری‌ها غیر از خروج خانواده از وضعیت بحرانی، می‌تواند به صورت یک تجربه غنی برای سازندگی شخصیتی فرزندان و افزایش محبت بین اعضای خانواده باشد. (کشوادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). امروزه نیز که شرایط سخت اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی را ایجاب می‌کند، جامعه نیاز به انسان‌هایی دارد که با درک ارزشمندی خویش و بزرگ نکردن مشکلات و امید به آینده، به همکاری با یکدیگر پرداخته، با کاستی‌ها مقابله کنند. این همکاری‌ها در همه زمینه‌ها ضروری است. یکی از بسترهای آن خانواده است.

۳. افزایش توانمندسازی اعضای خانواده در مسیر تولید کالا و خدمات در خانواده

مدیریت خانواده هنر، علم و تجربه استفاده بهینه از منابع انسانی و مادی و مشارکت اعضای خانواده در جهت تحقق اهداف سازمان خانواده است. (صافی، ۱۳۸۸: ۴۹) نیروی انسانی مهم‌ترین منبع سرمایه خانواده است و موفقیت خانواده و تولید و خدمات در آن، در گرو داشتن نیروی انسانی توانمند است. بنابراین برای استفاده بهینه از منابع، توانمندسازی اعضای خانواده و تخصیص منابع بین اعضاء خانواده امری ضروری است. رهبر فرزانه

انقلاب در بیانیه گام دوم بیان کردند «دانش آشکارترین وسیله عزت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است». (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

بهترین سرمایه‌گذاری، هزینه کردن در ارتقاء سرمایه انسانی خانواده است. والدین بایستی برای بالابردن توانمندی فرزندان، به هزینه‌کردن منابع خود مبادرت کنند. این‌که باید با توجه به کارایی و توانمندی اعضا، تخصیص‌ها متفاوت باشد و افراد کارآتر منابع بیشتری ببرند یا خانواده با نگاهی مساوی به فرزندان، برای توانمند کردن اعضای ضعیف‌تر بیشتر هزینه کند، میان اقتصاددانان اختلاف است. (استاجی، علی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰) آنچه در هر دو دیدگاه ضروری است، لزوم ارتقاء سرمایه انسانی و گسترش توانمندی‌های اعضا است. توانمندسازی، به‌عنوان یک راهبرد اثرگذار بر عملکرد و بهسازی نیروی انسانی، عبارت است از «ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش افراد از طریق پرورش احساس شایستگی و یا کاهش احساس بی‌قدرتی در آن‌ها». (نوروزی، ۱۳۸۴: ۸۰) از جمله عواملی که موجب احساس شایستگی در افراد است، کسب دانش و مهارت است. رهبر انقلاب بیان می‌کنند «کارهای گوناگونی باید انجام گیرد: مسئله تقویت مهارت‌ها، توانمندسازی نیروی کار و...» (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع کارگران کارخانه جات تولید دارو پخش، ۱۳۹۱/۲/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/19516>) براین اساس آموزش فرزندان امری ضروری است. کسب دانش منجر به ایجاد تخصص در افراد می‌شود و همراه شدن تخصص با تجربه کاری، مهارت را شکل می‌دهد. تربیت افراد متخصص در خانواده نخست موجب پیشرفت اقتصاد خانواده از طریق ارائه خدمات به اعضا و کاهش هزینه‌های خانواده خواهد شد و در نهایت رشد اقتصادی جامعه را در پی خواهد داشت. (میرزا محمدی، محمدحسن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

در این راستا، پدر و مادر باید با توجه به توانایی‌ها و استعداد‌های فرزندان خویش، آن‌ها را برای آموزش هنرها و حرفه‌های مختلف تشویق کرده و زمینه فراگیری آن‌ها را فراهم نمایند و

علاوه بر کاهش هزینه‌های خانواده در بلند مدت، درآمد خانواده را افزایش دهند. به طور مثال چنانچه دختر خانواده خیاط ماهری گردد، از یک سو هزینه سنگین دوخت لباس اعضای خانواده حذف می‌گردد و از سوی دیگر با انجام کار برای دیگران برای خانواده درآمد کسب می‌کند و یا با هدیه کار دست خویش به دیگران، هزینه هدیه‌های گران را از دوش خانواده برمی‌دارد.

ب) مصرف در خانواده

ارتباط تولید خانواده با تحقق اقتصاد مقاومتی بیان شد. در این قسمت به نقش مدیریت مصرف خانواده در ایجاد اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

مصرف به معنای استفاده کردن از چیزی در راستای رفع نیازها است. (عمید، ۱۳۶۳: ۹۶۳) مدیریت نیز در لغت به معنای گرداندگی است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۴۱، ۵۲) از آنجاکه نیازها هر روز تنوع بیشتری می‌یابد، و منابع خانواده نیز محدود است، باید با برنامه‌ریزی میان هزینه‌ها و درآمد تعادل ایجاد شود. از این امر به مدیریت مصرف تعبیر می‌شود. بر این اساس مدیریت مصرف عبارت است از بهینه‌سازی مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/20534>) بدیهی است مدیریت مصرف همسو با اقتصاد مقاومتی در حوزه خانواده، لوازمی دارد. در ادامه به اختصار بدانها پرداخته می‌شود.

۱. مدیریت نیازها

نیاز یک حالت درونی در فرد است که بر اساس هدف جهت‌دهی می‌شود. (شمس، ۱۳۹۸: ۱۴۰) از آنجاکه نیازهای آدمی متنوع‌اند و ارضای بسیاری از آن‌ها مستلزم صرف درآمد است، میان نیازها و تخصیص درآمد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس ضروری است مفهوم نیاز و انواع آن و نحوه برآوردن نیازها بررسی گردد.

نیاز به معنای احتیاج، لزوم، تمنا و آرزو است (معین، ۱۳۸۲: ۱۷۱۴) که دارای دو جنبه

عینی و ذهنی است. جنبه ذهنی نیاز، که مقدم بر جنبه عینی است، عبارت از احساس نیاز است که امری روانی است و خاستگاه آن نفس انسان است. از این روست که گاهی شخص با وجود برخورداری از ثروت زیاد خود را نیازمند می‌داند و شخص دیگری در حال تنگدستی احساس بی‌نیازی می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۸) حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«شَرَّ الْفَقْرِ، فَقْرُ النَّفْسِ؛ بدترین فقر، فقر روحی است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۱۱)

نیاز در یک تقسیم‌بندی، به دو نوع واقعی و غیر واقعی تقسیم می‌شود. نیازهای واقعی، آن دسته از احتیاجات هستند که منشأ زیستی دارند مانند نیاز به غذا. نیازهای غیر واقعی، دسته‌ای از احتیاجات است که ساخته ذهنیت افراد، عوامل اقتصادی و اجتماعی است. مانند تغییر چیدمان‌ها. (کشوادی، ۱۳۸۶: ۴۳).

اولین اقدام برای مدیریت مصرف، شناخت نیاز واقعی است. اعضای خانواده با در نظر گرفتن نعمت‌ها و توجه به لزوم استفاده بهینه از آن‌ها نیازهای خویش را شناسایی نموده و به نیازهای واقعی تا حد رفع آن‌ها می‌پردازند و نیازهای غیر واقعی را از آن جهت که هم با هدف نعمت ناسازگار است و هم با هدف استفاده بهینه، رها می‌کنند.

اقدام بعدی، مدیریت نیازها است. با توجه به گستردگی نیازها و محدود بودن منابع، اولویت‌بندی نیازها ضروری است. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) امروزه تحریم‌های ظالمانه اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که قیمت کالاها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. در چنین شرایطی فراهم کردن همه نیازها برای اکثریت جامعه امری بس دشوار خواهد بود. برآوردن نیازهای واقعی نیز در عالی‌ترین سطح آن چندان دست‌یافتنی نیست. بی‌شک مقاومت در چنین شرایطی نیازمند طبقه‌بندی کردن نیازها و پرداختن به نیازهای واقعی به ترتیب اولویت است. از این رو خانواده‌ها برای کاستن از آسیب اقتصادی و به تبع آن آسیب روانی، باید ضمن آموزش فرزندان، به شناخت نیازهای واقعی خویش بپردازند و همه اعضا از نیاز واقعی خویش نیز در مسیر نیاز واقعی اولویت‌دار عضو دیگر، چشم‌پوشد تا خانواده برای شرایط سخت اقتصادی، با کمترین آسیب فائق آید. شناسایی

نیازها هم به اقتصاد خرد و هم به اقتصاد کلان جامعه کمک می‌کند. زیرا اقتصاد کشور چیزی جز اقتصادهای خرد خانوادگی و... نیست. تقویت اقتصادهای خرد به رشد اقتصاد کلان خواهد انجامید.

۲. مدیریت هزینه‌ها (ایجاد تعادل بین دخل و خرج)

هزینه‌های خانواده مانند هر سازمان دیگری بسیارند. مدیریت هزینه‌ها و برقراری تعادل بین هزینه‌ها و درآمدهای خانواده بخش مهمی از مدیریت اقتصادی خانواده است. مدیریت هزینه‌ها، نوعی برنامه‌ریزی و مدیریت به منظور اندازه‌گیری هزینه منابع مصرف شده برای اجرای فعالیت‌های عمده، شناسایی و حذف هزینه‌های فاقد ارزش، تعیین اثربخشی همه فعالیت‌ها، شناسایی فعالیت‌های جدیدی که می‌تواند عملکرد آینده سازمان را بهبود بخشد، می‌باشد. (انصاری، عبدالمهدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵) از مهم‌ترین وظایف مدیران از جمله مدیران خانواده در این راستا برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل است. برنامه‌ریزی در این زمینه عبارت است از پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها برای مدتی از آینده که اصطلاحاً بودجه نام دارد. (صافی، ۱۳۸۸: ۱۵۹) فرایند بودجه در خانواده مبتنی بر تعیین استراتژی، ارزیابی منابع، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، و تصمیم‌گیری خواهد بود؛ به عبارتی از آنجاکه هیچ برنامه‌ای بدون پیش‌بینی منابع مالی و اعتباری عملی نیست، ارزیابی منابع موجود اجتناب‌ناپذیر است. بعد از ارزیابی منابع با توجه به میزان منابع، باید هدف‌گذاری صورت گیرد و بر اساس آن، هزینه‌ها دسته‌بندی گردد. مرحله سوم، سیاست‌گذاری است. بدین معنا که چگونگی توزیع منابع میان هزینه‌ها مشخص شود که مستلزم اولویت‌بندی هزینه‌ها است. آخرین مرحله برنامه‌ریزی نیز، تصمیم‌گیری است. در این قسمت مدیر با هم‌فکری اعضا اقتصادی‌ترین و کارآمدترین روش برای تحقق برنامه تعیین شده را انتخاب می‌نماید. استراتژی حاکم بر تمام این فرایند نیز، کاهش هزینه‌ها و استفاده حداکثری از امکانات خواهد بود. (جهانیان، رمضان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰)

پس از تعیین برنامه و بودجه‌بندی خانواده، مدیر وظیفه دارد با سازماندهی امکانات،

شرایط تحقق آن را فراهم نماید و در مراحل اجرا نیز نظارت و کنترل بر آن داشته باشد تا از یک سو برنامه به درستی اجرا گردد و از دیگر سو ضعف‌های آن شناسایی گردد. (همان، ۱۸) رهبر انقلاب نیز چالش درونی اقتصاد را ضعف‌های مدیریتی عنوان نمودند. (بیانیه گام دوم، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41679/>) ضعف مدیریت در خانواده نیز به عنوان سلول اصلی جامعه، در تقویت و تضعیف اقتصاد کلان اثرگذار است. بی‌شک در چنین شرایطی لازم است بر اساس استراتژی کاهش هزینه‌ها، هزینه‌ها و امکانات شناسایی شود، میزان اولویت هریک سنجیده شود و به ترتیب اولویت، بودجه به آن‌ها اختصاص داده شود. در این صورت است که استفاده بهینه و تحقق اقتصاد مقاومتی محقق خواهد شد.

۳. کسب مشاوره صحیح اقتصادی

مشاوره در لغت به معنای مشورت و رایزنی است. (عمید، ۱۳۶۳: ۹۵۸) از آنجاکه زندگی انسان فراز و فرودهای بسیاری دارد، هر انسان بالغ و خردمندی به تنهایی قادر به فهم و دفع موانع نیست و تنها در سایه تعامل اندیشه‌ها با دیگران می‌تواند موفق گردد. قرآن کریم در آیاتی چون «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ يَبْتَغُم» (شوری: ۳۸) و «شاورهم فی الأمر» (آل عمران: ۱۵۹) به مشورت اشاره نموده و تأکید می‌کند که مؤمنین در به دست آوردن رأی صحیح دقت به عمل می‌آورند و برای یافتن آن، به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۹۳)

سیره عملی پیغمبر اکرم ﷺ نیز نشانگر این مطلب است که آن حضرت با داشتن فکری نیرومند، بی‌نیاز از مشاوره بودند، لیکن برای این که مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازند و همچنین نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهند، در امور عمومی مسلمانان جلسه مشاوره تشکیل می‌دادند و برای رأی افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بودند. تا آن جا که گاهی از رأی خود برای احترام آن‌ها، صرف‌نظر می‌نمودند. چنان که نمونه آن در جنگ «احد» قابل مشاهده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳ / ۱۴۴)

علاوه بر سیره عملی زندگی پیامبر ﷺ، در کلام معصومین نیز به مشورت سفارش

شده است. برای نمونه رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «ما یستغنی رجل عن مشورة». (نهج الفصاحه، ۱۳۶۳: ۴۹۷) حضرت علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه می فرماید: «لاظھیرکالمشاوره؛ هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود». (نهج البلاغه، حکمت ۵۴)

بی شک مشورت زمانی سودمند است که با شرایط صحیح و عقلایی انجام شود. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «إن المشورة لا تكون إلا بمحدودها فن عرفها بمحدودها و إلا كانت مضرتها علی المستشير أكثر من منفعتها له فأولها أن يكون الذي يشاوره عاقلاً و الثانية أن يكون حراً متديناً و الثالثة أن يكون صديقاً مواخياً؛ مشورت باید با رعایت شرایطش صورت پذیرد و آن عبارت است از این که مشاور، خردمند و صاحب نظر باشد. در غیر این صورت زیانش برای مشوررت کننده بیش از منافعش خواهد بود». (مجلسی، ۱۴۱۰: ۷۲ / ۱۰۲) حضرت علی علیه السلام نیز فرمودند: «خیر من شاورت ذووا النهی و العلم، و اولو التجارب و الحزم؛ صاحبان علم، تجربه و دوراندیشی بهترین افرادی هستند که می توانی با آن ها مشورت کنی». (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳ / ۴۲۸) براین اساس از شرایط مشاوره و مشورت، عقل، علم، تجربه، دوراندیشی، صاحب نظر و کاردان بودن مشاور خواهد بود.

نیاز به مشورت در تمام حوزه های زندگی کاربرد دارد. یکی از این حوزه ها، حوزه اقتصادی است. اقتصاد خانواده نیز به عنوان واحد اقتصادی کوچک تأثیرگذار از این امر مستثنی نمی باشد. مدیر و سایر اعضای خانواده برای اخذ تصمیم های بزرگ و یا جدید اقتصادی خویش لازم است با افراد کاردان مشورت نمایند. از جمله تصمیمات کلان اقتصادی، انتخاب مسیر سرمایه گذاری منابع خانواده است. اگر خانواده با مصرف صحیح، پس اندازی به دست آورد، لازم است برای رشد اقتصاد خود و جامعه به چرخه سرمایه گذاری و تولید وارد شود. سرمایه گذاری و تولید موفق نیازمند مشورت با اهل فن و کاردان است. صرف نظر از تصمیمات کلان، مشورت در تصمیمات خرد چون خرید کالا نیز لازم است. برای نمونه برای خرید لوازم خانگی برقی باید با متخصصین مشورت کند تا بتواند کالاهای بادوام بیشتر و

مصرف انرژی کمتر را خریداری نماید.

لزوم پرداختن به مشورت و پرهیز از عمل بدون آگاهی در شرایط اقتصادی امروز اهمیت ویژه می‌یابد. زیرا تحریم و کاستی‌های اقتصادی و افزایش بی‌رویه هزینه‌ها، از قدرت منابع در تأمین نیازها کاسته است. در چنین شرایطی حفظ منابع ضرورتی دوچندان می‌یابد. براین اساس لازم است خانواده برای تصمیمات اقتصادی اثرگذار خویش از مشاوران عالم و دلسوز استفاده نماید و با اقدامات ناپخته سرمایه خانواده را هدر ندهد.

۴. صرفه‌جویی و اجتناب از کنش‌های مسرفانه

صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن و ضایع نکردن مال است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زئران حضرت علی بن موسی الرضا، ۱/۱ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/6082/>) امروزه در کشور با مصرف لجام گسیخته مواجهیم و عادت‌ها و سنت‌های غلط جامعه را به زیاده‌روی در مصرف سوق داده است. برای نمونه ۳۳ درصد نان ضایعات است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زئران حضرت علی بن موسی الرضا، ۱/۱ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/6082/>) شیوه نادرست مصرف موجب شده با وجود منابع خدادادی فراوان کشور، بسیاری از منابع در مسیر رشد صرف نگردد. براین اساس توجه به کنش‌های مسرفانه و اجتناب از آن‌ها ضروری است.

کنش به معنای عادت و رفتار است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۳۷ / ۲۶۰) مهم‌ترین کنش‌های مسرفانه در حوزه خانواده، مصرف‌زدگی، تجمل‌گرایی، تفاخر و احتکار خانگی است. مصرف‌زدگی یعنی استفاده بیش از حد از کالاها و خدمات. (افسردیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۲) تجمل‌گرایی به معنای میل و رغبت بیش از حد به تجملات و مظاهر زندگی است. (همان) تفاخر نیز به معنای برتری‌جویی با چیزهایی است که خارج از انسان هستند مانند مال و جاه. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۷)

تجمل‌گرایی و تفاخر ارتباطی دو سویه با اسراف و مصرف‌زدگی دارد. هرچند تأمین

نیازهای زندگی لازم است، لکن برخی در این باره زیاده‌روی می‌کنند و به تجمل‌گرایی و تفاخر گرفتار می‌شوند. (افسرده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۲) همچنین از آنجاکه حس برتری جویی و زیبایی دوستی انسان نقطه پایان ندارد و مظاهر زیبایی نیز روزه روز در حال افزایش است، اگر این دو گزینه ذاتی تحت کنترل انسان نباشند، وی برای زیباتر شدن و یا ارضای میل برتری جویی، دائماً دست به خرج‌های اضافی می‌زند که اسراف بیشتر را در پی دارد.

احتکار خانگی نیز به دو صورت در خانه محقق می‌شود؛ اول این که زن خانه دار برآورد درستی از آنچه در خانه هست، نداشته باشد و به هنگام خرید، علاوه بر مواد مورد نیاز، کالاهای موجود را هم خریداری نماید. نوع دوم احتکار خانگی در جایی است که مثلاً شایعه می‌شود که فلان جنس قرار است گران شود یا نایاب شود، برخی خانواده‌ها بدون توجه به نیاز خویش و صرفاً برای ترس از نبود کالا و یا گرانی آن در آینده، اقدام به خرید چند برابر نیاز خود می‌کنند. (کانون تربیت و اقتصاد، ۱۳۹۴: ۴۵)

از جمله آثار منفی اقتصادی مصرف‌زدگی، تجمل‌گرایی و تفاخر، پیدایش فقر و گسترش آن در جامعه است. زیرا هر فرد مسلمان به تناسب توانایی خود در برابر جامعه مسئولیت دارد و باید با صرف سرمایه خود در انفاق، فقر را کاهش دهد. و لخرجی‌ها فرد اسرافکار را از تعهدات اجتماعی خود باز می‌دارد و از این رهگذر به پیکر جامعه ضربه می‌زند. همچنین کسی که اسراف می‌کند در واقع به سرمایه‌های کشور لطمه می‌زند و باعث می‌شود سطح رفاه مردم پایین بیاید که در آن صورت فقر را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این که در دراز مدت موجب تهی‌دستی خود فرد در پایان زندگی هم خواهد شد. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

دومین آسیب اشاعه فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، افزایش واردات کالاهای خارجی به کشور و تضعیف تولیدات داخلی است. زیرا بیشتر کالاهای تجملاتی یا تولید خارج هستند و یا در رقابت با کالاهای مشابه داخلی، زیبایی و تفاخر بیشتری دارند و افراد به سمت آن‌ها تمایل بیشتری دارد.

آسیب سوم نیز کاهش گرایش به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی است. در جامعه‌ای که

مصرف‌گرایی به فرهنگ تبدیل شده باشد، افراد جامعه میلی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی جامعه که زمان برمی‌باشد، ندارند و همه به دنبال سرمایه‌گذاری در خرید و فروش کالاهای پرمصرف و فعالیت‌های زود بازده می‌باشند. (همان)

احتکار خانگی نیز اقتصاد کشور را دچار مشکل می‌کند. زیرا اگر هر خانواده‌ای بیش از حد نیاز کالایی را خریداری کند و این نوع رفتار در جامعه رایج گردد، علاوه بر هدر رفت سرمایه، موجب کم شدن کالا در بازار و تقاضای کاذب و گرانی می‌شود.

شروط اساسی اقتصاد مقاومتی، استفاده بهینه از امکانات، افزایش تولید و سرمایه‌گذاری و کاهش واردات و خودکفایی است. با کنش‌های مسرفانه، پولی که می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری شود و علاوه بر رشد اقتصاد، به اشتغال جامعه کمک نماید، صرف کالاهای غیر ضروری شده و بهره‌وری را از دست می‌دهد. همچنین کالاهای تجملاتی و لوکس موجب تفاخر، عموماً کالاهای خارجی هستند و موجب خروج ارز از کشور خواهد شد و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و ضعف تولید را به دنبال دارد. بنابراین ضروری است خانواده‌ها برای کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی، از پرداختن به اسراف، تجمل و تفاخر و احتکار پرهیزند و پول خود را در راه سرمایه‌گذاری به جریان بیاورند و موجبات رشد اقتصادی را فراهم کنند.

۵. استفاده درست از حامل‌های انرژی

انرژی به عنوان یکی از نهاده‌های تولید نقش مهمی در رشد اقتصاد کشورها ایفا می‌کند. مصرف حامل‌های انرژی و افزایش کارآمدی آن در دنیای حاضر، فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در نتیجه تجزیه و تحلیل مصرف حامل‌های انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸)

یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی نسبت مصرف انرژی به کل تولید کشور است که در واقع نشان می‌دهد به ازای هر ریال تولید چه مقدار انرژی مصرف شده است. در کشورهای صنعتی از سال ۱۹۶۰ به بعد این روند نزولی است. یعنی مقدار انرژی لازم برای هر واحد تولید رو به کاهش بوده است. اما در ایران این نسبت همیشه روند صعودی داشته است. این بدین

علت است که مصرف‌کننده عمده انرژی در کشور در بخش تولید قرار ندارد. اگر مصرف انرژی در بخش‌های غیر تولیدی منطقی‌تر شود، می‌توان روند رشد واقعی ترانرژی در سطح کلان را به دست آورد. (جلال آبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۵)

بخش مسکن یکی از بزرگترین بخش‌های مصرف‌کننده انرژی در کشور است. بیشترین مصرف این بخش به مصرف وسایل گرمایشی، سرمایشی و پخت و پز مربوط است. اتلاف انرژی بخش مسکونی عمدتاً مرتبط با چگونگی ساخت بنا و راندمان لوازم برقی انرژی‌بر است که بازده حرارتی پایینی دارد. عواملی از قبیل تغییر کارایی لوازم خانگی انرژی‌بر، تغییر ساختار مصرف انرژی خانوار، تغییر فرهنگ مصرف انرژی و تغییر در درآمد اکتسابی از عوامل مؤثر در این بخش هستند. (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۶) بر این اساس، مدیریت بر مصرف انرژی در خانه یکی از راه‌های بهسازی اقتصاد خانواده است؛ زیرا بهره‌گیری از انرژی‌های مختلف در خانواده امروز گسترش یافته و درصدی از بودجه خانواده در این راه صرف می‌شود. از این رو لازم است در اقتصاد خانواده به مدیریت مصرف انرژی توجه کنیم.

مهم‌ترین منابع مصرفی خانواده گاز، برق و بنزین است. وضعیت کنونی مصرف انرژی خصوصاً در مصارف خانگی در کشور، در حد اسراف است؛ ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان، انرژی مصرف می‌کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا، ۱/۱/۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/6082>) این در حقیقت به منزله هدر دادن منابع خدادادی و استفاده غلط از آن‌ها است. از عوامل اثرگذار بر شیوه مصرف، عادات‌های مصرفی است. اگرچه افراد نگرش مثبتی به حفظ منابع طبیعی دارند، اما شکل‌گیری عادات غلط مانع تحقق این مهم می‌شود. لذا ایجاد عادات‌های جدید رفتاری ضروری است. (پازوکی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۸) در این راستا لازم است خانواده نیز عادات جدید همسوبا صرفه‌جویی را اتخاذ نماید.

عادات صرفه‌جویی در منابع متعدد است. برای نمونه این که طول عمر نوردهی را افزایش داده و در خانه از دو لامپ کم مصرف به جای دو لامپ رشته‌ای استفاده شود، از وسایل حمل

و نقل عمومی استفاده گردد، خودروهایی شخصی با حداکثر ظرفیت به کار گرفته شود و از لباس مناسب فصل به جای استفاده از درجات بالای وسایل سرمایشی و گرمایشی استفاده شود.

۶. جهت‌دهی به مدگرایی

تنوع‌طلبی و مدگرایی از ویژگی‌های ذاتی نوع انسیان است؛ بدین معنا که انسان دوست دارد جهت کسب مطلوبیت، خود را از دیگران متمایز کند و یا از شکل فعلی تغییر دهد و به شکل گروه مورد نظر خود (گروه مرجع) درآورد و این هدف را به شکل سلیقه‌ورزی در انتخاب نمایان می‌سازد. (عطافر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۸). مدها الگوهای فرهنگی هستند که توسط بخشی از جامعه پذیرفته می‌شوند و دارای یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه هستند. بنابراین مدگرایی به این معنا است که فرد سبک لباس پوشیدن و طرز زندگی و رفتار خود را طبق آخرین الگوها تنظیم کند و به محض این که الگوی جدیدی در جامعه رواج یافت از آن یکی پیروی نماید. (شجاعی، ۱۳۸۶: ۵۶)

مدگرایی ریشه در دو دسته عوامل فردی و عوامل فرهنگی - اجتماعی دارد. عوامل فردی مدگرایی به سه دسته قابل تقسیم است؛ عامل اول وجود فطرت زیبایی دوستی، میل طبیعی به نوآوری و تنوع‌خواهی و گریز از روزمرگی و جلب محبوبیت در انسان‌ها است، عامل دوم وجود پاره‌ای اختلالات شخصیتی در افراد مانند پرکردن خلاءهای درونی از طریق نمایش ثروت، همانندسازی خود با گروه‌های مرجع بیرونی، ضعف اعتماد به نفس و... است و سومین عامل واکنش منفی به ارزشها و هنجارهای غالب جامعه است. مهم‌ترین عوامل فرهنگی اجتماعی مدگرایی نیز عبارتند از ظهور ایدئولوژی‌های ترغیب‌کننده به لذت‌جویی و تنوع‌خواهی، غلبه فردگرایی، دسترسی آسان به امکانات متنوع رفاهی و تبلیغات پر دامنه و وسوسه‌انگیز محیطی، نفوذ فرهنگی جوامع پیشرفته، جهانی شدن، خودباختگی فرهنگی در مقابل الگوهای فرهنگی بیگانه (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: <https://rasanews.ir/fa/news>) بنابراین ضعف فرایند جامعه‌پذیری دینی و تلاش در جهت

الگودهی مناسب به نسل جوان که محصول ضعف عملکرد نهادهای فرهنگی و تربیتی و رسانه‌های جمعی است، عامل اصلی در بروز پدیده‌هایی مانند مدگرایی است. مدگرایی هزینه‌های غیر ضروری را بر خانواده تحمیل می‌کند. بی‌شک کشور ما شرایط سخت اقتصادی را تجربه می‌کند. در چنین شرایطی که مؤلفه‌هایی چون عدم اسراف، استفاده بهینه و مدیریت هزینه و نیاز امری ضروری است، پرداختن به پدیده‌ای چون مدگرایی با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در تضاد کامل است. بنابراین بر همه آحاد جامعه لازم است با آگاهی از پیامدهای منفی سیاست مدگرایی در جامعه، و همچنین شناخت ارزش‌های اصیل اسلامی و انسانی و مبنا قرار دادن اصول صحیح برای کسب مطلوبیت، به کنترل علایق و سلايق خویش پردازند و از گرفتار شدن در دام مدگرایی و تنوع‌طلبی افراطی پرهیزکنند تا جامعه به سوی تحقق اقتصاد مقاوم گام بردارد.

۷. اهتمام به پس انداز

آینده‌نگری یکی از ارکان زندگی است که در بعد اقتصادی خانواده با پس انداز درآمد امروز برای شرایط نامعلوم پیش‌رو تبلور می‌یابد. مسئله پس انداز و سرمایه‌گذاری در منابع اسلامی نیز به‌طور مستقیم با عنوانینی از قبیل اصلاح مال (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۶۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۸۷) و استثمار مال (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰) و به‌طور غیر مستقیم از طریق حرمت راکد گذاشتن مال (توبه، ۳۴)، حرمت اسراف و تبذیر (اسراء، ۲۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۵۰۱) و مدح قناعت (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۳؛ احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱: ۱/ ۹) مورد تشویق قرار گرفته است.

هزینه‌های پیش‌بینی نشده در اقتصاد خانواده اجتناب‌ناپذیر است. مدیر خانواده همیشه باید هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی را در بودجه‌بندی لحاظ کند و درآمد باقی‌مانده از تأمین نیازهای واقعی را صرف مصارف غیرضروری نماید. علاوه بر اینکه یکی از اهداف جوامع، پیشرفت اقتصادی است. پیشرفت اقتصادی مستلزم داشتن تولید فعال، صنعت مجهز، و... است. تحقق این پیش‌نیازها نیازمند سرمایه‌گذاری است. شرط لازم برای

سرمایه‌گذاری نیز، انباشت سرمایه است. بنابراین، رشد پس انداز و تبدیل پس انداز به سرمایه‌گذاری در امر تولید عامل کلیدی در مسیر توسعه اقتصادی است. خانواده به عنوان یکی از منابع انباشت سرمایه، با پس انداز و به کارگیری آن در سرمایه‌گذاری به پیشرفت اقتصادی کشور کمک می‌نماید. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶) براین اساس هرچند امروزه به دلیل گسترش شهرنشینی و مصرف‌گرایی پس انداز در خانواده‌ها کم رنگ شده است، خانواده‌ها باید با احیای فرهنگ پس انداز که مبتنی بر ایمان و پایداری به آموزه‌هایی چون ترک اسراف، تکاثر و ثروت‌اندوزی است، همچنین با تقویت صفاتی چون ایثار در خانواده برای گذشتن از خواسته‌های غیرضروری، در راه رشد و ارتقای اقتصاد خود و اقتصاد کشور تلاش کنند.

۸. سازواری الگوی مصرف خانوار با جایگاه اقتصادی خانواده

هر خانواده در جامعه دارای طبقه اجتماعی خاص خود است. منظور از طبقه این است که انسان‌ها از حیث امکانات زندگی تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها برخی جبری و برخی اختیاری است. (فرزند وحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷)

بر اساس آیه ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى﴾ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳)، طبقات در جامعه جنبه ارزشی ندارد و ملاک ارزشمندی تقوا است. لیکن اقتضای حکمت الهی این است که جامعه انسانی بی‌وجود طبقات شکل‌نگیرد. زیرا انسان‌ها از حیث عقلی، روانی و جسمانی متفاوت هستند. این تفاوت‌ها آن‌ها را دارای مسئولیت‌های گوناگون می‌کند. لذا وجود طبقات در جامعه امری ضروری است. قرآن کریم به این امر تصریح کرده، می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ و اگر پروردگارت می‌خواست همه مردم را امت واحد قرار می‌داد، ولی آن‌ها همواره مختلف‌اند». (هود: ۱۱۸)

براین اساس می‌توان گفت پیدایش طبقات اجتماعی نوعی صبغه الهی داشته و هماهنگ با خلقت است. خداوند در قرآن برای هر طبقه‌ای در جامعه اسلامی حقوق و

سهمی مشخص کرده است. چنان که می‌فرماید: ﴿نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليأخذ بعضهم بعضا سخرياً﴾؛ ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر کنند». (زخرف: ۳۲) تعیین سهم اقشار اجتماعی متفرع بر وجود طبقات است. اگر در جامعه‌ای طبقه نباشد، تعیین سهم معنا نخواهد داشت. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۷ - ۱۵۰) از این رو است که تقریباً در تمام جوامع طبقات اجتماعی بر اساس ارزش‌گذاری‌ها دیده می‌شود و در برخی نظریات جامعه‌شناسی تفاوت در استعدادها و محدود بودن منابع و ارتباط بین استعداد بیشتر با بهره‌مندی از منابع بیشتر، اختلاف طبقاتی ذاتی جامعه دانسته شده است. (محمدی، ۱۳۶۶: ۳۳) نیازهای طبقات پایین‌تر اجتماع ممکن است با طبقات بالاتر متفاوت باشد و عرف برای طبقات بالاتر نیازهای بیشتری را منظور نماید. بر این اساس ارتباط طبقه و مصرف باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از طبقات پایین‌تر و بالاتر منابع خود را به بیش از نیازهای واقعی عرفی تخصیص ندهند. (ایروانی، ۱۳۹۰: ۲۷۳)

توجه به سطح خانواده در پرداختن به نیازها و هزینه کردن درآمد، در شرایط کنونی کشور ضرورت بیشتری می‌یابد. امروز اقتصاد مقاومتی راهکاری اساسی برای برون‌رفت از فشار و تحریم محسوب می‌گردد. از مؤلفه‌های تحقق بخش آن، استفاده بهینه از امکانات و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی است. بی‌شک برای شکل‌گیری این دو مؤلفه، خانواده‌ها باید تلاش کنند در مصرف و هزینه کردن‌ها مطابق وضع اجتماعی خویش مصرف نمایند؛ چنانچه امکان مصرف بیشتر هم برایشان فراهم است، از اسراف و هدر دادن سرمایه پرهیز کنند و آن را در مسیر مفیدی چون کارآفرینی صرف نمایند تا از یک سو سطح اشتغال بالا رود و از سوی دیگر طبقات پایین با دیدن اسراف طبقات بالاتر، به مصرف غیر معروف متمایل نشوند. همچنین با تأکید بر عدم ارزشمندی ذاتی طبقات، به فرزندان خویش بیاموزند که قانع باشند و بر اساس آنچه دارند، با خلاقیت و تلاش امکانات بهتری را فراهم نمایند و با توجه دادن آن‌ها به نقاط مثبت زندگی و پرهیز از شکوه و شکایت، فرزندان را به تلاش بیشتر برای داشتن

آینده بهتر تشویق نمایند.

۹. حمایت از کالای ایرانی

یکی از نمادهای اصلی توسعه و رشد اقتصادی، پر و بال دادن به تولیدات داخلی کشورهاست. تولید، موجب نظم رفتاری، نظم فکری و قاعده‌مند شدن زندگی جوامع می‌شود. منطق این استدلال این است که تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با تولیدکنندگان خارجی نسبت به بازارهای داخلی محق تر هستند و پول حاصل از فروش در بازار داخلی را بار دیگر در اقتصاد همان کشور سرمایه‌گذاری خواهند کرد. بر این در حال حاضر، با توجه به موج جدید حمایت از صنایع داخلی که جهان را فراگرفته است، ایران نیز باید از صنایع خود به خصوص در بخش تولیدات داخلی، حمایت کند. (راشکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷)

حمایت از تولیدات داخلی با فرهنگ اسلامی نیز هماهنگ است. در اقتصاد مد نظر اسلام سعی بر این است که با استفاده از سلاح پویای اقتصاد، حاکمیت سیاسی دولت اسلامی در روابط با بیگانگان حفظ شود. از آنجاکه بزرگترین راه نفوذ آنان تأمین نیازمندی‌های اقتصادی است، از این رو اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار در قطع وابستگی از مهم‌ترین مسئولیت‌های امت اسلامی است. (جلایان نیا، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵)

با توجه به ضرورت حمایت از تولیدات ملی، این مهم نباید در مرحله شعار باقی بماند و باید با همدلی در صحنه عمل نیز محقق شود. یکی از حوزه‌های اعمال حمایت، حوزه خانواده است. حمایت از تولیدات داخلی در این حوزه از طریق ارج نهادن به تولیدات داخلی و فرهنگ استفاده از تولید ملی در سه سطح خریداری کالای ملی، تبلیغ و ترویج مصرف آن و تعصب نسبت به کالای ایرانی است.

مفهوم خریداری و ترویج روشن است. تعصب در لغت به معنای طرفداری و مقید بودن به چیزی است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۴ / ۷۶۹) در اندیشه اسلامی نیز، تعصب دارای دو نوع مذموم و ممدوح است. تعصب مذموم تعصبی است که با حق نسبتی ندارد، مانند تعصبات

جاهلی. نوع دیگر تعصب، تعصب بر مدار حق در بین مؤمنان است. یکی از مصادیق تعصب مثبت حمایت از کالای ایرانی است؛ به گونه‌ای که مشتری روی کالای تولید شده به وسیله مسلمانان و هم‌وطنان خود تعصب داشته باشد، و با خرید و تبلیغ تولیدات ملی، از آن‌ها حمایت کند. (صمدی قربانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۷) رهبر انقلاب تأکید کردند «ما باید برای خود فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی دارد، آن کالا را از تولید داخل مصرف کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی: ۱/۱/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/۲۵۹۹۳/>)

شاید بتوان گفت در شرایط عادی اقتصادی که اقتصاد کشور همپای سایر اقتصادها باشد و دشمنی‌ها در کار نباشد، هر کس می‌تواند از کالای هر کشوری استفاده نماید و بهترین نوع را بر خود برگزیند اما در شرایط جنگ اقتصادی که جهاد اقتصادی را می‌طلبد، به فرموده رهبر معظم انقلاب، سهم مردم و به‌ویژه خانواده‌ها از جهاد، خرید کالای داخلی است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱/۵/۹۵، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3388>) هرچند در میان کالاهای مشابه بالاترین کیفیت را نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

عصر کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و دشواری‌های ویژه‌ای را به دنبال داشته‌است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ راهکار اقتصادی مناسب با این چالش‌های خاص فرامی‌خواند. مناسب‌ترین راهکارها در شرایط امروز، راهکاری است که اقتصاد کشور را در مقابل سختی‌ها مقاوم سازد. براین اساس، مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را معرفی کردند و در بیانیه گام دوم، تأکید نمودند راه‌حل مشکلات اقتصادی، اقتصاد مقاومتی است.

تولید و مصرف دورکن اساسی تحقق اقتصاد مقاومتی است. پویایی تولید کشور و حفظ منابع و استفاده بهینه از امکانات موجود، از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که نقش مؤثری

در شکل‌گیری اقتصاد مقاوم ایفا می‌نماید. یکی از حوزه‌های اصلی تولید و مصرف، خانواده است. خانواده با تلاش جهت افزایش تولید و درآمد خویش از طریق اهتمام به تولید کالا و خدمات خانگی، همکاری اعضا در تأمین نیازهای خانواده و توانمندسازی اعضا در مسیر تولید کالا و خدمات در خانواده، همچنین با مدیریت مصرف خود از طریق مدیریت نیازها، مدیریت هزینه‌ها، کسب مشاوره صحیح اقتصادی، صرفه جویی و اجتناب از کنش‌های مسرفانه، استفاده درست از حامل‌های انرژی، جهت دهی به مدگرایی، پس انداز، سازواری الگوی مصرف خانوار با جایگاه اقتصادی خانواده و حمایت از کالای ایرانی، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌کند.

در این پژوهش تنها نقش اقتصادی خانواده مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل اهمیت بحث، و همچنین گستردگی نقش خانواده پیشنهاد می‌شود موضوعاتی چون نقش فرهنگی و نقش اجتماعی خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی، شناخت عوامل یاری رسان خانواده در ایفای نقش فرهنگی و اقتصادی، شناسایی عوامل ایجاد اخلال در روند ایفای نقش مثبت خانواده و تأثیر مثبت تحقق اقتصاد مقاومتی بر استحکام خانواده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود دولت و سایر قوا با حمایت از خانواده از طریق اقتداربخشی به خانواده، حمایت از والدگری، فراهم نمودن فرصت اشتغال، آموزش، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و فرصت دادن به جوانان، کمک به افزایش کیفیت کالای داخلی، برچیدن فساد و... زمینه را برای ایفای نقش خانواده فراهم نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ ۲، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۴. التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم ودرر الکلم، چ ۲، دارالکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۵. احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۱، چ ۲، دارالکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ق.
۶. احمدی، علی اصغر، روان شناسی روابط درون خانواده، چ ۲، مهدی رضایی، تهران، ۱۳۸۴.
۷. استاجی، علی، نوروزی، خلیل، اقتصاد خانوار، چ ۱، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۶.
۸. افسردیر، حسین، رحیمی، عصمت، آسیب شناسی تجمل گرایی در رفتارهای فردی و راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از آن، بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۳۳، ۱۳۹۴.
۹. انصاری، عبدالمهدی، زینالی، مهدی، سیستم بودجه بندی بر مبنای عملکرد و ارتباط آن با مدیریت هزینه، حسابدار، ش ۲۰۳، ۱۳۸۷.
۱۰. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، چ ۲، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۰.
۱۱. بیانیه گام دوم انقلاب، <https://idc0-cdn0.khamenei.ir/ndata/news/41673/971122>
۱۲. بیانات در مراسم اجرای عقد، ۱۳۶۲/۱۲/۵.
۱۳. بیانات در مراسم اجرای عقد، ۷۹/۱۲/۱۵.
۱۴. بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱.
۱۵. بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹.
۱۶. بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۰/۲/۷.
۱۷. بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۲/۱۰.
۱۸. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رییس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
۲۰. بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶.

۲۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۲۲. بیانات در حرم رضوی: ۱۳۹۴/۱/۱.
۲۳. بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷/۳/۳۰.
۲۴. بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷.
۲۵. پیام نوروزی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲۶. پازوکی نژاد، زهرا، صالحی، صادق، محمودی، حسین، فیروزائیان، علی اصغر، تحلیل اجتماعی عادت مصرف انرژی با تأکید بر مصرف گاز خانگی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ش ۳۴، ۱۳۹۹.
۲۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چ ۴، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲.
۲۸. تدریس حسنی، معصومه، رحیمی پور، اکبر، مدیریت هزینه و تکنیک‌های آن، توسعه مدیریت، ش ۸۶، ۱۳۹۰.
۲۹. جزئی، نسرین، ارزش کار خانگی زنان، اقتصاد؛ کار و جامعه، ش ۵۲، ۱۳۸۲.
۳۰. جلال آبادی، اسدالله، رخشان، شراره، تحلیل مصرف حامل‌های انرژی در ایران با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۲، ۱۳۸۳.
۳۱. جلائیان نیا، علی اکبر، جعفری، قاسم، پورباقرانی، علیرضا، یزدانی، فهیمه، حمایت از تولیدات ملی و قاعده نفی سبیل، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۳۹۴.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، چ ۲، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
۳۳. جهانیان، رمضان، صابری، فاطمه، بودجه‌بندی و نقش آن در مدیریت آموزشی، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ش ۲۲، ۱۳۹۹.
۳۴. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۴، ۲۱، چ ۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. حسینی، رضا، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان، چ ۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۸.
۳۶. حسینی، محمد حسین، اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن، سفیر نور، ش ۲۰، ۱۳۹۰.
۳۷. خوانساری، جمال، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و دررالحکم، ج ۳، ۱، چ ۴، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶.

۳۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، ج ۲، دارالعلم، قم، ۱۳۸۵.
۳۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، بی چا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۹.
۴۰. راشکی، مریم، آهنگ، فرحناز، پورانجبار، گل بهار، بختیاری، زینب، شناسایی راهبردهای مؤثر بر حمایت از کالای ایرانی با رویکرد اقتصادی (بهره‌گیری از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۸، ۱۳۹۷.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، دارالقلم - الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۴۲. شجاعی، محمدصادق، جوانان ومدگرایی، مکاتبه واندیشه، ش ۲۸، ۱۳۸۶.
۴۳. شرف‌الدین، حسین، مدگرایی، از نیاز فطری تا اختلال شخصیتی افراد، مصاحبه با سایت رسانیوزبه آدرس: <https://rasanews.ir/fa/news/526426>، ۱۳۹۶.
۴۴. شمس، عبدالحمید، نیازه ثابت: تکمله‌ای بر نظریه‌های نیاز، فرایند مدیریت و توسعه، ش ۱۰۹، ۱۳۹۸.
۴۵. صادقی، حسین، احمدزاده، خالد، بررسی نقش فرهنگ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی اقتصادی در تولید، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۸۷.
۴۶. صافی، احمد، مدیریت و اقتصاد در خانواده، ج ۱، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۸.
۴۷. صمدی قربانی، ساجد، خالقی‌پور، رضیه، تعصب بر مصرف کالای ایرانی، راهبردی مهم در رویارویی با تهاجم تمام عیار اقتصادی، پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ش ۵، ۱۳۹۷.
۴۸. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمد باقر، ج ۵، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۴۹. عبداللهی، محمد اسماعیل، جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی، ج ۱، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، مشهد، ۱۳۹۰.
۵۰. عطا‌فر، علی، نامدار جویمی، احسان، ریشه‌یابی گرایش به تنوع طلبی در جامعه اسلامی و غربی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۵، ۱۳۹۴.
۵۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، بی چا، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۵۲. فرزند وحی، جمال، جولایی، عبدالله، عوامل ظهور طبقات اجتماعی در قرآن و حدیث، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، ش ۱۸، ۱۳۹۲.

۵۳. فطرس، محمد حسن، ترکمنی، اسماعیل، مصرف انرژی، مصرف الکتریسیته و توسعه انسانی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ش ۱۰، ۱۳۹۳.
۵۴. قلی‌زاده، علی اکبر، براتی، جواد، تحلیل عوامل مؤثر بر مصرف انرژی خانگی و برق مصرفی خانوار در ایران با تأکید بر بهره‌وری انرژی، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۲۵، ۱۳۹۰.
۵۵. کانون تربیت و اقتصاد، چگونه خانواده خود را مقاوم کنیم؟، چ ۱، مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۹۴.
۵۶. کشوادی، طاهره، اقتصاد در خانواده، چ ۱، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۶.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، چ ۴، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۵۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۶۸، ۷۲، چ ۱، مؤسسة الطبع والنشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵۹. محمدی، مجید، طبقات اجتماعی، دانشگاه انقلاب، ش ۴۹، ۱۳۶۶.
۶۰. معین، محمد، فرهنگ معین، چ ۲، زرین، تهران، ۱۳۸۲.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱.
۶۲. موسوی جهرمی، یگانه، علیپور، محمدصادق، خداداد کاشی، فرهاد، ترابی، حمیده، برآورد ارزش اقتصادی کارخانه‌داری با استفاده از رهیافت استون‌گری و روش ارزش افزده، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ش ۳۸، ۱۳۹۸.
۶۳. میرزا محمدی، محمد حسن، فتحی، محمد، ندیرخانلو، سمیرا، بررسی نقش مهارت آموزی در توانمندسازی نیروی انسانی، مهارت آموزی، ش ۲، ۱۳۹۱.
۶۴. نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، چ ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۰.
۶۵. نوروزی، مجتبی، توانمندی کارکنان، کنترلر، ۱۳۸۴.
۶۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، چ ۱، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق.